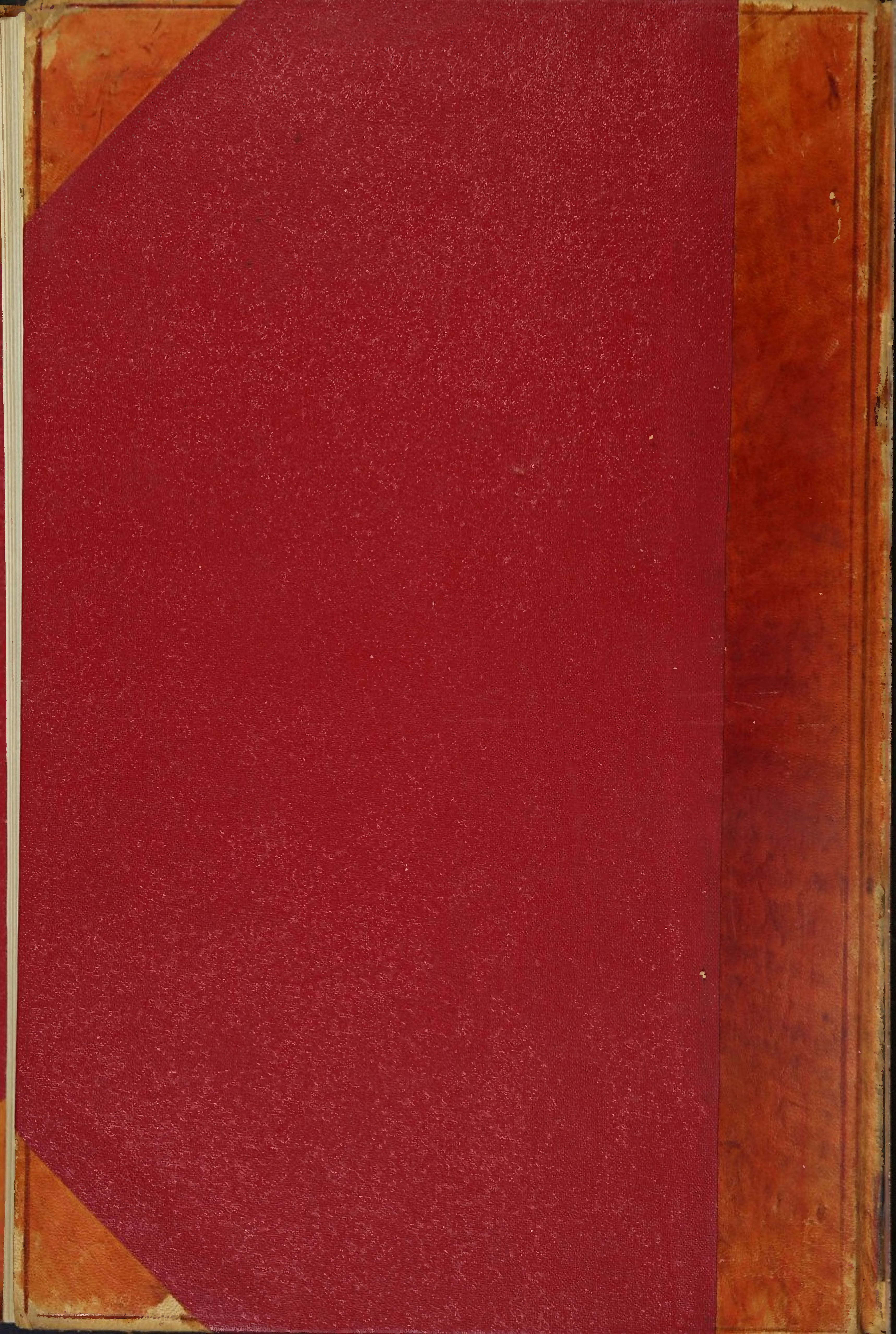


هو الله
تعالی شأنه
العزیز

Tārīkh-i muntaẓam-i Nāṣirī

جلد اول کتاب
تاریخ منتظم ناصری از مؤلفات جناب
معتمد السلطان صنیع الدوله محمد حسن
خان ییلان ئیل ۱۲۹۶

Shi'a

I'timad al-Saltanah

قیمت
جلدی دوازده
هزار

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحیم

سلطنت و جهانبانی ملکی کریم راست که ملکش از زوال مصون است و مملکتش از حیز تحدید بیرون یرلیغ بلیغش
بطغرای کن فیکون موشح و توقیع وقیعش بطراز له الخلق والامر مطرز در قلمرو حکمش کره زمین جرمی صغیر است
و گوی آسمان مسخر و ربوده صولجان تقدیر سنین این سلطنت که ازل و ابد بعضی از قرون آن میباشد ناموّرخ است
و حوادث و سوانح آن که بعد و حصر نیاید لا علی التعیین و غیر مدوّن کیست که مورّخ این تاریخ تواند بود و حساب
این شهور و سنین تواند نمود در دفتر ایام حرفی از آن نیست و مجموعه اوهام را طرفی از آن نه سندیکه بدان
دسترسی باشد کجاست و خبریکه اعتماد را شاید کراست تنها اگر کشف رازی توان کرد از سفرای کبار انحضرت که رسولان
مرسل اند و امنای وحی منزل خاصه پیغمبری که علت بعثت آن تتمیم مکارم اخلاقست و قانون و دستور
متقن او مایه تکمیل ترقی و زینت انفس و آفاق پناه امت نبی امی فرستاده گزیده پروردگار محمد مختار
صلوات الله علیه و علی آله الاطهار
والائمه الاخیار
الابرار

اما بعد

امّا بعد معهود این بود که در ظرف سنهٔ لوی ئیل جلد پنجم کتاب مرآت البلدان ناصری که از حرف حاء
شروع میشود و حاوی شرح جغرافی ممالک محروسه و تواریخ متعلقه بآن میباشد نگاشته و طبع شده در اوایل
سال خجسته مآل پیلان ئیل بشرف مطالعهٔ دانشمندان مملکت و طالبان علم و درایت مشرف آید اما از انجا که مقصود
استقصای کامل و استکمال آن بود تا پرازند و بن جامع کلیات بل مجموعهٔ جزئیات نیز باشد بعبارة اخری از امکنه
و محال و ابادانیهای ماضی و حال بقدر امکان چیزی نماند که قلم ادبنان بیان نکرده در شرح هر موضعی بطور مشبع
ایراد شود و بسط هر موقعی بوجه لایق بسمت نگارش یابد و حصول این مقصود موقوف بفراهم آوردن اسباب
وافی و اسناد کافی بود و مدتها استکشاف در آن دخیل و مهلت استقرا مانع تعجیل لهذا این اقدام را بشهور
و ایام سنهٔ هزار و سیصد هجری محوّل داشته و برای آن اوقات گذاشته اگر بمانیم و بار زندگانی را بدان منزل
رسانیم

امّا در ضمن تحصیل آن لوازم با وجود مشاغل مهمه باز خود را از متعطلین میدید و بدین واسطه خاری در پای خاطر
میخلید طبیعت که با بیکاری مانوس نبود احساس تحسّر و افسوس مینمود شبها هنگامیکه خیل خیال ابواب خواب را بر دیده
مسدود کرده و لشکر اندیشه بر کشور دماغ از هر طرف هجوم آورده با خود گفتم بنای حیات بر آب است و هستی
ما چون وجود حباب شک نیست که بسی نپاید و اعتماد را نشاید تا زمام فرصت و لجام توانائی بچنگ است چه
جای تعلل و درنگ است تمثالی باید ساخت و نقشی باید پرداخت که از ما باز ماند و آیندگان را فیضی رساند
در زمانیکه کلیهٔ امور عالم را میل بانتظام است و مهام گیتی را حلیه و زیور نظام تواریخ فارسی را غیر منظم داشتن
و سوانح هر سالی را مبهم و غیر معین گذاشتن نوعی از قصور است و قسمی از سستی و فتور چه زیان اگر در ضمن جمع
آوری اسباب مرآت البلدان ابکار نیز صورت پذیرد و در مضمار انشا جولان نموده بر مجلیان میدان مسابقت سبقت
گیرد در زمان این خیالم پسند آمد و خاطرم بانجام آن نیازمند برای نگارش تاریخی منتظم از اول هجرت سید عالم
و نبی خاتم صلی الله علیه و آله و سلم دامن همت بر کمر زدم و مصمم اتمام آن شدم حوادث عمده و سوانح معظمهٔ
تمام روی زمین را بی اطناب مملّ و ایجاز مخلّ بعبارتی سلیس و روان سهل و آسان نگاشتم و برای صحت اسناد و روایات
و تطبیق سنوات نظر دقت و اهتمام را محصّل گماشتم و با آنکه اختصار منظور بود هر جا که حاجت ببسط داشت
از آن بطور اهمال نگذشتم و شرحی که ایضاح مطلب بدان محتاج بود نوشتم و فقط وقایع را محصور و محدود
بشرح سلطنت سلاطین و جنگ و صلح آنها و امثال آن سوانح ننمودم بلکه هر گونه حوادث را از قبیل تولد
و ارتحال علما و اعیان ممالک و اختراعات و انکشافات و وقوع زلازل و طوفان و طغیان میاه و بروز
امراض عمومی و سقوط صواعق و ظهور عجایب حتی بعضی از خسوف و کسوف و غیرها را بر آن مزید نمودم تا مجمع
فواید و مجموعهٔ زواید بوده مقبول طباع بوده باشد و قابل انطباع

و از انجا که ممالک اسلامیه شید الله ارکانها از صدر اسلام تا کنون دو قسم فرمانفرمائی در کار بوده یکی حکمرانی
مذهبی بعنوان خلافت دیگری حکومت اسلامیه باسم سلطنت این کتاب را در دو جلد قرار دادم جلد اول
را که عبارت از همین دفتر باشد بانقراض و زوال دولت خلفای بنی عباس که اشهر خلفا میباشند ختم
کردم و جلد ثانی را از استیلای هلاکوخان و طایفهٔ مغول بر این ممالک شروع نموده باخر هذه السنه
پیلان ئیل خیریت دلیل میرسانم

وچون

وچون اخبار این سفینه و سیر این گنجینه سال بسال منتظم نوشته شده و نگارنده نیز از پرتو آفتاب تربیت
و سحاب مکرمت و عنایت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه اسلام پناه وارث افسر کیان خسرو صاحبقران
السلطان بن السلطان **ناصر الدین شاه قاجار** لازال ملکه مقرونا بالفخار بنیل هر مقصدی
نایل و هر چه دارد از این آستان سپهر توان مقدس حاصل کرده ادای شکر و لنعمت را که از واجبات اعمال
و مفترضات اشغال است کتاب راموشح منسوب باسم همایون این پادشاه معدلت دستگاه نموده **منتظم ناصری**
نامیدم و جلد اول را که عبارت از شرح سوانح ششصد و پنجاه و شش سال است بیاری قادر متعال در این
سال منتشر ساخت جلد ثانی انشاء الله در ابتدای سنه آتیه جلوه ظهور مییابد و در هر حال از زلات
گذشته و آینده استغفار مینماید که بشر از سهو و نسیان مصون نیست
و هر چه گوید بصحت و درستی مقرون همینکه اغلب صواب باشد
مقبول اولی الالباب گردد والسلام علی
من اتبع الهدی

سنه ۱ هجری — **سنه ۶۲۲ مسیحی**

آسیا از وقایع اینسال مهاجرت حضرت رسول ص است از مکه بمدینه که در بیست و دویم صفر یا غره ربیع الاول
اتفاق افتاد فرض شدن نماز جمعه در قبا قبل از ورود بمدینه اول خطبه پیغمبر ص بمسلمین بنای مسجد حضرت رسول ص
در مدینه بروایتی در قبرستان مشرکین بروایتی در نخلستان از بنی نجار بروایتی در موضع خوابگاه شتر از بنی نجار بنای
مسجد قبا وفات براء بن معرور و ابو امامه اسعد بن زراره انصاری از نقبای بنی نجار وفات کلثوم بن الهدم زفاف پیغمبر ص
بعایشه هشت ماه بعد از ورود بمدینه در شهر ذیقعده افزودن دو رکعت نماز بر نماز عصر بعد از یکماه بودن در مدینه تولد
عبدالله بن زبیر از مهاجرین تولد نعمان بن بشیر از انصار تولد مختار بن ابی عبیده ثقفی و زیاد بن ابیه بستن لوای سفید برای
حمزه و مامور نمودن او به سر راه قریش که اول لوا بستن در اسلام مامور شدن سعد وقاص بوادی بواء در ذیقعده غزوه بواء و ودان
غزوه بواط غزوه ینبوع در جمادی الاولی مکنی نمودن حضرت رسول ص علی بن ابیطالب علیه السلم را بابو تراب این سال را سنه
الهجره و سنه الاذن بالرحیل خوانند و سنه چهاردهم از مبعث پیغمبر ص است و سنه هفتم سلطنت هرقل در قسطنطنیه و سال
سلطنت سی و چهارم خسرو پرویز ابتدای این سنه از محرم گرفته شد خروج از مکه بصحابت ابوبکر و توقف در غار ثور
سه روز اسلام بریده بن حصیب که از طرف قریش بطلب حضرت آمده بود والی مدینه در این سال هنوز حنفی بود ملاقات
حضرت رسول الله ص طلحه و زبیر را در بین راه که از تجارت شام معاودت میکردند اسلام عبدالله بن سلام از بزرگان یهود
شیوع مرض تب و لرز در مدینه و مبتلا شدن جمعی از صحابه بدان مواخات و مواسات بین مهاجر و انصار معاهده با جماعت
یهود وفات عاص بن وائل وفات ولید بن مغیره از مشرکین مکه مامور شدن زید بن حارثه بآوردن عیال حضرت ص از مکه بمدینه
اسلام سلمان فارسی بقولی ابتدای اذان و اقامه **اروپا** هرقل قیصر روم بعد از شکستهای پی در پی از خسرو پرویز بشخصه با قشون
زیاد از قسطنطنیه بآناطولی آمده طرابزون را مفتوح ساخت و جنگی سخت در ایسوس نمود و ملوک غسانیه در شام اطاعت
هرقل بکردند سلطنت دیکبرت اول یکی بین دولون یکفستی از فرانسه **افریقا** حاکم اسکندریه در اینسال مقوقس بود

سنه ۲ هجری — **سنه ۶۲۳ مسیحی**

آسیا تزویج علی بن ابیطالب علیه السلم با فاطمه ع در ماه صفر المظفر قتال مسلمین بسرداری عبدالله بن جحش وضع خمس از برای
حضرت رسول ص قبل از فرض خمس تحویل قبله از بیت المقدس بکعبه معظمه در سه شنبه نیمه شعبان ماه هیجدهم از هجرت وجوب
روزه رمضان در ماه شعبان وجوب فطریه قبل از دخول غره شوال نماز عید فطر گذاشتن حضرت رسول ص و امر باذان غزوه بدر
کبری در روز جمعه هفدهم یا نوزدهم شهر رمضان غلبه مسلمین بر مشرکین قتل ابوجهل و عتبه بن ربیعه و شیبه بن ربیعه
و ولید بن عتبه از مشرکین و شهادت ابو عبیده عامر صحابی و حارثه بن سراقه انصاری و هلاک ابولهب بعد از شکست
مشرکین از غزوه بدر کبری غزوه بنی قینقاع در شوال با طایفه خزرج و شکستن ایشان و تصرف مسلمین غنایم ایشان را
و فرض خمس اول نماز عید اضحی و قربانی غزوه الکدر در شوال که حامل لوا علی بن ابیطالب علیه السلم بود غزوه السویق
که ابوسفیان جنگ کرد فوت عثمان بن مظعون از صحابه بروایتی تولد حسن بن علی علیهما السلم در ذیحجه اینسال تعیین حدود
شرعی و دیات و فرمایش پیغمبر ص که انا نبی بالسیف این سال را سنه الامر بالقتال خوانند وفات رقیه دختر حضرت رسول ص
زوجه عثمان بن عفان فرض زکوه اموال وفات امیه بن صلت **اروپا** فتوحات هرقل تا ارمنیه بلکه تا اصفهان تاخت و با شکست
سختی معاودت بقسطنطنیه نمود سوانتیلا یونانیان را کلا از اسپانیول خارج کرده خود مستقلا در آنجا سلطنت نمود

سنه ۳ هجری — **سنه ۶۲۴ مسیحی**

آسیا اجتماع بنی ثعلبه و بنی محارب بر مقاتلهٔ مسلمین خروج رسول الله ص بقصد دفع ایشان و فرار نمودن آن دو طایفه بقلل
جبال که حضرت بدون مقاتله معاودت فرمودند در جمادی الاولی این سنه غزوهٔ حضرت رسول ص با بنی سلیم در بحران متفرق
شدن مشرکین و مراجعت پیغمبر ص بمدینه قتل کعب بن اشرف یهودی بامر پیغمبر ص تزویج عثمان بن عفان ام کلثوم بنت پیغمبر ص را
غزوة القرده بسرداری زید بن حارثه و غلبهٔ مسلمین بر مشرکین که بریاست ابوسفیان بوده و اسلام فرات بن حیان در جمادی
الاخری قتل ابی رافع بن ابی الحقیق یهودی در خیبر بدست چهار نفر از خزرج تزویج رسول الله ص حفصه بنت عمر را در ماه
شعبان از وقایع این سنه غزوهٔ احد است در هفتم شوال ابی سفیان با جماعتی کثیر از قبایل عرب و تمام نسوان خود قصد
مدینه نموده عدد ایشان سه هزار نفر بوده حضرت رسول ص از مدینه خروج فرموده ابن ام مکتوم را بجای خود گذاشته
در احد که کوهیست نزدیک بمدینه مقاتله نمودند و شکست فاحشی بمسلمین وارد آمد و بسیاری از مؤمنین بدرجهٔ
شهادت فایز شدند از انجمله حمزه عم رسول الله ص بدست وحشی بن حرب غلام جبیر بن مطعم شهید شد و مصعب بن عمیر و عبدالله بن
جحش بشهادت رسیدند و مجروح شدن جبههٔ حضرت رسول ص بسنگ ابن شهاب و مکسور شدن دندان آنحضرت ص بسنگ عتبة بن
ابی وقاص و دیگران انصاری و حنظلة بن ابی عامر غسیل الملائکه نیز بشهادت رسیدند در ابتدا حامل لوای مسلمین مصعب بن عمیر
و پس از شهادت وی حامل لوا علی بن ابیطالب علیه السلام شد و حامل لوای مشرکین طلحة بن عثمان بود و شهدای مسلمین را نسوان
مشرکین مثله نمودند و پس از سه روز از غزوهٔ احد غزوهٔ حمراء الاسد واقع شد حمراء الاسد مکانیست در هشت فرسخی مدینه
حضرت رسول ص مشرکین را تعاقب نموده تا حمراء الاسد و یکنفر از مشرکین که ابی عزة بن عبدالله الجمحی است از اسرای بدر بوده
که رهائی یافته و مشاهده فرمودند او را بقتل آوردند بروایتی ولادت حسن بن علی علیهما السلام و حامله شدن حضرت فاطمه ع
بحسین بن علی ع پنجاه روز بعد از ولادت حسن ع بعضی وفات رقیه دختر حضرت رسول ص زوجهٔ عثمان بن عفان را در
این سال نوشته اند و همچنین فرض زکوة اموال و وفات امیة بن ابی صلت را این سنه را سنة التمحیص میخوانند

سنه ۴ هجری — سنه ۶۲۵ مسیحی

آسیا در ماه صفر غزوة الرجیع و قتل جمعی از صحابه بغدر و حیله ماموریت عمرو بن امیة بن ضمری از طرف رسول الله
بمکه بجهة قتل ابوسفیان و مکشوف شدن قصد او و بی نیل مقصود مراجعت کردن او بمدینه غزوهٔ بئر معونه و شهادت جمعی از
مسلمین در آن غزوه غزوهٔ ذات الرقاع و نزول صلوة خوف غزوهٔ بدر الثانیه در شهر شعبان که غزوة السویق هم نامیده شده
تزویج حضرت رسول ص ام سلمه را ماموریت زید بن ثابت بتعلم کتب یهود وفات عبدالله بن عثمان بن عفان دخترزادهٔ حضرت
رسول تولد حسین بن علی علیهما السلام در شهر شعبان بقولی غزوهٔ بنی نضیر و جلاء وادن ایشان بجلی دیگر وفات عبدالله مخزومی
از صحابه این سنه را سنة الترفیه مینامند سریهٔ ابی سلمه در قطن و وفات او بواسطهٔ جراحتی که در غزوهٔ احد باو رسیده
بود سریهٔ عبدالله بن انیس وفات زینب بنت خزیمه زوجهٔ حضرت رسول ص وفات فاطمه بنت اسد بن هاشم مادر علی علیه السلام

سنه ۵ هجری — سنه ۶۲۶ مسیحی

آسیا تزویج کردن حضرت رسول ص زینب بنت جحش عمه زادهٔ خود را که سابق زوجهٔ زید بوده و قصهٔ او معروفست
غزوهٔ دومة الجندل در ربیع الاول این سنه معاهدهٔ عیینة بن حصن الفزاری رئیس طایفهٔ غطفان با رسول الله ص غزوهٔ
خندق که آنرا غزوهٔ احزاب نیز گویند در شهر شوال و مباشر حفر خندق سلمان فارسی بود و حدیث السلمان منا اهل البیت
و اول نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن آیهٔ اذ یقول المنافقون الی آخر در اینموقع عدد نفوس مشرکین ده هزار و مسلمین
سه هزار مدت محاصره یکماه و منازعه علی بن ابیطالب علیه السلام با عمرو بن عبدود و قتل عمرو بدست علی ع و نفاق انداختن نعیم بن

مسعود اشجعی ما بین مشرکین و وزیدن باد سرد سخت و خوف ابی سفیان و سایر رؤسای مشرکین و فرار آنها بسمت مکه و حدیث
نبوی که بعد از این ما بر سر مشرکین خواهیم رفت. آنها غزوهٔ بنی قریظه اول قضای نماز عصر که با نماز عشای شب خوانده
شد و قتل ششصد یا هفتصد نفر از یهود بنی قریظه در مدینه و انتخاب نمودن حضرت رسول ریحانه بنت عمرو بن خنافه
را از اسرای بنی قریظه برای خود وفات سعد بن معاذ و این سنه را سنة الزلازل می نامند فک رسول الله سلمان فارسی را
از رقیت مولای او بچهل وقیه زر و سیصد نخیله نزول آیهٔ تیمم خسوف قمر نزول آیهٔ حجاب و وقوع زلزله در مدینه
نزول فرض حج تزویج حضرت رسول جویریه بنت حارث بن ابی ضرار را اروپا ابداع مذهب جدید عیسویان که
تنها بشخص عیسی که پسر خداست و بهیات بشریه در آمده اکتفا کنند بر خلاف عقیدهٔ سابقشان که باقانیم ثلثه اب
و ابن و روح معتقد بودند و کشیش بزرگ سرژیوس معتقد باین طریقه شد قیصر روم هم پیروی کرد و این طریقه
در انظار سایر ملل عیسویه کفر است

سنه ۶ هجری — سنه ۶۲۷ مسیحی

آسیا غزوهٔ بنی لحیان در جمادی الاولی و مراجعت کردن مسلمین بی نیل مقصود غزوهٔ ذی قرد در این سال غزوهٔ بنی
المصطلق در ماه شعبان کشته شدن مشرکین و فتح مسلمین و تزویج نمودن حضرت رسول بقولی جویریه بنت حارث بن ابی
ضرار را که رئیس این طایفه است و نزاع بین مهاجر و انصار در مراجعت از این غزوه بواسطهٔ جهجاه نام از موالی عمر
باسنان الجهنی الانصاری درشت گفتن عبد الله بن ابی بن سلول که رئیس بود و تحریک انصار بضدیت مهاجر استقبال
حضرت رسول از آن منزل بجهة رفع غائله از واقعات این سنه حدیث افك و تهمتی است که بر عائشه زده شد که
معروف است این واقعه در مراجعت از غزوهٔ بنی المصطلق است از واقعات این سنه غزوهٔ حدیبیه است و مصالحه با قریش
و مراجعت حضرت رسول بمدینه و اسلام جمع کثیری از مشرکین و بیعت تحت شجره سمره معروف در همین سفر بود از
واقعات این سنه نزول سورهٔ مبارکه فتح است از واقعات این سنه سریهٔ عکاشة بن محصن بغمر است سریهٔ محمد بن مسلمه
به بنی ثعلبه سریهٔ ابو عبیدهٔ جراح است بجانب ذی القصه سریهٔ زید بن حارثه است بجموم سریهٔ زید بن حارثه بجانب
حسمی در جمادی الاخری سریهٔ زید بن حارثه بام القری سریهٔ عبد الرحمن بن عوف بدومة الجندل سریهٔ علی بن ابیطالب
در شعبان بفدك سریهٔ زید بن حارثه است بام القرفه در شهر رمضان سریهٔ کرز بن جابر الفهری در شوال بروز
خشکسالی و قحطی در مدینه و استسقا رفتن حضرت رسول در ماه رمضان مکاتبات حضرت رسول بملوك فرستادن
ابن ابی بلتعه را بسوی مقوقس والی مصر و دحیه الکلبی را بسوی قیصر روم و شجاع بن وهب الاسدی را بجانب حرث بن ابی شمر
غسانی و عبد الله بن حذافه را بسوی خسرو پرویز و عمرو بن امیه بن ضمری را بجانب نجاشی پادشاه حبشه و علاء بن
الحضرمی را بسوی منذر بن ساوی در بحرین افریقا قبول کردن مقوقس پادشاه مصر کتاب حضرت رسول را و میل
کردن او بقبول دین اسلام و مصمم شدن برای هدیه فرستادن خدمت حضرت رسول همراهی حاطب فرستادن اروپا قبول
بعثت کردن قیصر روم هرقل باطناً و ظاهراً بواسطهٔ اجماع مردم منکر شدن

سنه ۷ هجری — سنه ۶۲۸ مسیحی

آسیا فتح قلاع خیبر بترتیب اول ناعم دوم قموص صفیه دختر حیی بن اخطب که شوهر او کنانه صاحب این قلعه بود
اسیر شد و بشرف مزاوجت حضرت رسول رسید سیم صعب پس از آن وطیح و سلالم و از این قلعه مرحب بیرون آمد بدست
حضرت علی بن ابیطالب کشته شد بعضی بر اینند که قاتل مرحب محمد بن مسلمه بود و این ضعیف است گویند در ماه صفر

فتح خیبر شده است هدیه دادن زینب دختر حرث زوجهٔ سلام بن مشکم بزغاله بوده بریانی مسموم برای حضرت رسول و خیبر دادن آنحضرت مسموم بودن بره بریان را غزوهٔ وادی القری و محاصره کردن رسول الله وادی القری را و فتح نمودن بغلبه قصّهٔ لیلة التعریس که در مراجعت از خیبر بین راه شبی حضرت رسول نشستند زنان مهاجر و انصار عطایا دادند بجواب رفتند تا بعد از طلوع آفتاب و فتح فدک و مصالحه کردن یوشع بن نون با محیصة بن مسعود بدادن نصف فدک برسول الله (بعقیده ابن اثیر و غیره) تزویج کردن حضرت رسول زینب دختر خود را بابی العاص بن الربیع در محرّم این سال مراجعت حاطب بن ابی بلتعه از پیش مقوقس پادشاه مصر با هدایا که از جمله ماریهٔ قبطیه و شیرین خواهر او بود و فاطره دلدل نام و حمار مشهور به یعفور که ماریه بمزاوجت حضرت رسول مشرف شد ساختن منبر برای وعظ و خطبه سریّه بشیر بن سعد بجناب که ناحیه ایست بین فدک و تیما با جماعتی که میخواستند بمدینه تازند و مخذول نمودن آنها خروج حضرت رسول از مدینه اول ذیحجه بعزم مکه و قصد عمره فرمودن که هفتاد شتر برای قربانی همراه داشتند و برای مکان حضرت در مکه دارند و معیّن شد و تزویج نمودن میمونه بنت حرث را در مکه و مراجعت بمدینه پس از حج غزوهٔ ابن ابی العوجا با بنی سلیم که خود و اصحابش همه شهید شدند و بقولی خود او نجات یافت انعقاد مصالحه فیما بین شیرویه پسر خسرو پرویز و هرقل قیصر روم در حینی که عساکر قیصر در تبریز بودند رد نمودن شیرویه بهرقل صلیبی را که حضرت عیسی را بر آن صلیب بار زده بودند اروپا (فرانك) بعد از فوت کلوتر دویم دگبر برادر خود را محروم کرده خود مستقلاً سلطنت نمود

سنه ۸ هجری سنه ۶۲۹ مسیحی

آسیا وفات زینب دختر حضرت رسول سریّه غالب بن عبد الله اللیثی بجانب کلب اللیث و قتل و غارت کردن سریّه شجاع بن وهب بسوی بنی عامر و غنیمت گرفتن مواشی بسیار از آنها سریّه کعب بن عمیر الغفاری بذات اطلاح که از نواحی شام است و کشته شدن همراهان کعب و نجات وی اسلام خالد بن ولید و عمرو بن عاص و عثمان بن طلحه رفتن عمرو بن عاص با عساکر اسلام بذات السلاسل و امداد ابی عبیدهٔ جراح او را در این غزا فرستادن حضرت رسول عمرو بن عاص را بعمان بسوی جیفر و عباد پسران جلندی که هر دو ایمان آوردند و گرفتن جزیه از مجوس آنجا مخذول کردن ابی قتاده و بعضی از عساکر اسلام جماعتی را که برای حرب با حضرت رسول بغابه که مکانیست در حجاز جمع شده بودند محاربه عساکر اسلام در قریه موته با لشکر هرقل که علاوه بر صد هزار نفر رومی صد هزار نفر دیگر از طوایف مستعربه در تحت فرمان هرقل بودند سردارهای لشکر اسلام که در این جنگ کشته شدند زید بن حارثه و جعفر بن ابیطالب و عبد الله بن رواحه بودند و در این جنگ خالد بن ولید بسیف الله ملقّب گردید و مراجعت کردن بقیّة السّیف لشکر اسلام بی نیل مرام فتح کردن حضرت رسول مکه را در حالتیکه ده هزار عساکر اسلام در رکاب حضرت بودند اسلام آوردن ابی سفیان و عکرمة بن ابی جهل ورود حضرت رسول با شکوه هر چه تمامتر بمکه در حالتیکه عمامهٔ سیاهی بر سر داشتند و خضوع آنحضرت بدرگاه خداوند در نیل این موهبت زیاده بود و چون آزاد نمودند اهل مکه را موسوم بطلقا شدند داخل شدن حضرت بکعبه بعد از طواف و شکسته شدن بتهائیکه در کعبه بودند باشارهٔ عصای حضرت که عدّهٔ بتها سیصد بود نشستن حضرت در صفا و بیعت کردن زن و مرد با آنحضرت غزای خالد بن ولید با بنی جذیمه و کشتن بسیاری از آنها و نهب اموال آنها چون این قضیه مرضیّ حضرت رسول نبود علی بن ابیطالب علیه السلام را فرستادند تا مقتولین آنها را دیه دهند و اموال آنها را ردّ نمایند و خالد از کردهٔ خود عذرخواست تزویج حضرت رسول ملیکه دختر داود

الليه

اللیثی را که پدر او در فتح مکه کشته شده بود و مفارقت حضرت رسول از او خراب کردن خالد بن الولید عزی را که
یکی از معابد بت پرستی بود در بطن نخله شکستن عمرو بن عاص سواع را که بتی بود در رهاط شکستن سعد بن
زید الاشهلی منات را که بتی بود در مشلل غزا کردن حضرت رسول ص با طایفهٔ هوازن بحنین که در این غزوه
دوازده هزار نفر در رکاب حضرت بودند حضرت فرمودند که ما مغلوب نمیشویم از علّه قلیل و اشاره باین آیت
آیهٔ شریفه و یوم حنین اذ اعجبتکم کثرتکم فلن تغن عنکم شیئا و مغلوب شدن طایفهٔ هوازن بالمآل و فرار کردن
مالک بن عوف که قاید جیش هوازن بود بطایف محاصره کردن حضرت رسول ص طایف را و مقاتلهٔ شدید
با محصورین اسلام آوردن مالک بن عوف النصری که از بنی نصر بن معاویة بن نصر بود تزویج کردن حضرت رسول ص
کلابیه دختر ضحاک بن سفیان را که اسمش فاطمه بود و بعد ها مفارقت نمودند از او تولد ابراهیم بن حضرت رسول ص
که در ماه ذیحجه از ماریهٔ قبطیه متولد شد سریهٔ بنی العنبر بسرداری عیینة بن حصن الفرازی و گرفتن غنایم و اسیر
بسیار از آنها سفرهای اوان چه سنک عالم چینی در داخلهٔ هندوستان که در ظرف شانزده سال در این مملکت سیاحت
مینمود و نقل کردن کتب دینی و اشیاء مقدسی که متعلق به بودائی بیش مذهب بودائی بوده از هندوستان بچین
اروپا ایجاد مدارس در انکلیس بتقلید فرانسه

سنه هجری ۹ سنه مسیحی ۶۳۰

آسیا اسلام کعب بن زهیر که از اشراف و فصحای عرب بود اسلام بجیر بن زهیر برادر کعب رفتن حضرت رسول ص
بتبوک بعزم مقاتله با هرقل و لشکر روم و چون اثری از عساکر روم ظاهر نشد معاودت بمدینه فرمودند آمدن یوحنا بن
روبه صاحب ایله در تبوک خدمت حضرت رسول ص و مصالحه کردن با آنحضرت باینکه سالی سیصد دینار جزیه دهد
آمدن اهل اذرح در تبوک خدمت حضرت رسول ص و مصالحه کردن با آنحضرت باینکه هر ساله در ماه رجب صد دینار جزیه
دهند آمدن اهل جربا و مقناهم خدمت حضرت رسول ص و مصالحه کردن با آنحضرت باینکه هر سال ربع ثمراین د و
ولایت را جزیه دهند فرستادن حضرت رسول ص خالد بن الولید را از تبوک نزد اکیدر بن عبد الملک صاحب
دومة الجندل که نصرانی بود و مقهور کردن خالد اکیدر را بمصالحه و جزیه فرستادن حضرت رسول ص مالک بن
دخشم را بخراب کردن و سوزانیدن مسجد ضرار که منافقین در آن بر ضد آنحضرت جمع شده معاهده مینمودند
آمدن عروة بن مسعود ثقفی خدمت حضرت رسول ص و اسلام آوردن و مامور شدن باینکه قوم خود را باسلام
دعوت کند و انکار قوم او و شهید شدن او در این ماموریت آمدن جمعی از اشراف ثقیف بخدمت حضرت رسول ص
و اختیار کردن اسلام و مراجعت ببلاد خود بهمراهی مغیرة بن شعبه و ابی سفیان بن حرب با آنها برای خراب کردن
طاغیه و شکستن لات که بتی بود و مبادرت نمودن مغیره در این عمل فرستادن حضرت رسول ص علی بن ابیطالب ع را
بغزای طایفهٔ طی و خراب کردن بت آنها را و اسیر کردن و غارت نمودن آنها و اسیر شدن دختر حاتم که حضرت
رسول ص او را رها نمودند و فرار عدی بن حاتم بشام و باز کشتن از شام بخدمت حضرت رسول ص بدلالت خواهرش
و داخل شدن در دین اسلام آمدن جمیع اشراف عرب بخدمت حضرت رسول ص و قبول کردن اسلام بمتابعت قریش
که امام عرب بودند و در فتح مکه قبول اسلام نموده آمدن اشراف بنی اسد و اشراف بلی و اشراف بنی تمیم و قبول
کردن اسلام رسیدن نامه های ملوک حمیر بحضرت رسول ص در اقرار آنها باسلام فرستادن ذو عمرو بن مالک بن
مرة الرهاوی را خدمت حضرت رسول ص و تصدیق به اسلام آمدن فرستادگان بهراء و بنی البکاء و بنی فزاره

بجهة کثرت همراهان

ونبی ثعلبه بن منقذ و بنی سعد بن بکر خدمت حضرت رسول ص و اظهار قبول اسلام این طوایف حج ابوبکر بهروانه ساختن
حضرت رسول ص عمّال باطراف وفات ام کلثوم دختر حضرت رسول ص که زوجه عثمان باشد در ماه شعبان وجوب
صدقات مردن عبدالله بن ابی بن سلول سرحلقه منافقین **افریقا** فوت نجاشی پادشاه حبشه در ماه
رجب وفات ابی عامر راهب در نزد نجاشی **اروپا** مراوده دیگر پادشاه فرانک با بوناپیها و مشرق زمین

سنه ۶۳۱ مسیحی

سنه ۱۰ هجری

آسیا فرستادن خالد بن الولید را بسوی طایفه بنی الحرث بن کعب در نجران برای دعوت کردن آنها باسلام و داخل
شدن آن طایفه باسلام فرستادن نصارای نجران خدمت حضرت رسول ص عاقب و السیّد را با چند تن دیگر و خواهش
مباهله کردن آنها از حضرت رسول ص و بعد انکار کردن مباهله بواسطه دیدن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را
همراه حضرت رسول ص حین مباهله و مصالحه کردن حضرت با اینکه سالی دوهزار حلّه که هر حلّه چهل درهم قیمت داشته باشد
بدهند با بعضی تقبّلات دیگر آمدن فرستادگان سلامان خدمت حضرت رسول ص و قبول اسلام کردن آمدن فرستادگان
طایفه غسّان و عامر خدمت حضرت رسول ص و قبول اسلام کردن آمدن فرستادگان طایفه ازد خدمت حضرت رسول ص
و قبول کردن اسلام انقیاد و قبول اسلام اهل مدینه جرش آمدن فرستادگان طایفه مراد خدمت حضرت رسول ص و قبول
اسلام نمودن آمدن فرستاده فروة بن العمرو الجذامی که عامل روم بود بر اعراب متصله بروم خدمت حضرت رسول ص و
اسلام فروه را اظهار کردن و کشته شدن فروه بدست رومیان بواسطه قبول اسلام آمدن فرستادگان طایفه زبید
با عمرو بن معدیکرب خدمت حضرت رسول ص آمدن فرستادگان طایفه عبدالقیس خدمت حضرت رسول ص و قبول
آنها و ورود فرستادگان بنی حنیفه خدمت حضرت رسول ص و بودن مسیلمه کذّاب با آنها که پس از عود بیمامه ادّعای نبوت
کرد و دعوی نمود که در رسالت حضرت رسول ص شریکست آمدن فرستادگان طایفه بنی کنده خدمت حضرت رسول ص
که اشعث بن قیس کندی از آنها بود آمدن فرستادگان بنی محارب خدمت حضرت رسول ص آمدن فرستادگان رهاویّین
که از طایفه مدحج بودند خدمت حضرت رسول ص آمدن فرستادگان طایفه عبس خدمت حضرت رسول ص آمدن فرستادگان
طایفه صدف در حجة الوداع خدمت حضرت رسول ص آمدن فرستادگان خولان خدمت حضرت رسول ص و اسلام آوردن
آمدن فرستادگان بنی عامر بن صعصعه خدمت حضرت رسول ص آمدن فرستادگان طایفه طی خدمت حضرت رسول ص
و اسلام آوردن بزرگ ایشان که زید الخیل نام داشت و حضرت او را زید الخیر نامیدند نامه نوشتن مسیلمه کذّاب
از یمامه بحضرت رسول ص و ادّعای شرکت در نبوت با آنحضرت فرستادن حضرت رسول ص علی بن ابیطالب علیه السلام را
بیمن با نامه و اسلام آوردن طایفه همدان و متابعت نمودن باقی اهل یمن همدان را در اسلام فرستادن حضرت
رسول ص امرای خود را باطراف برای جمع صدقات حجة الوداع که در بیست و پنجم ذیقعده حضرت رسول ص از مدینه
عزیمت مکه فرمودند ورود عبدالله البجلی خدمت حضرت رسول ص و اسلام آوردن و مأمور شدن بخرابی ذی الخلصه
و هدم بتی که از سنگ سفید بود و طایفه خثعم و بجیله و ازد او را میپرستیدند اسلام آوردن باذان حاکم یمن که
از جانب سلاطین عجم در آنجا حکومت داشت **اروپا** محاربه دیگر با طایفه سلاو (صقالبه) که راه زنی و
دزدی در مملکت او میکردند

سنه ۶۳۲ مسیحی

سنه ۱۱ هجری

آسیا فرستادن حضرت رسول ص جمعی از مسلمین را بشام با امارت اسامة بن زید که مأمور بودن لشکر تا سرحد

بلغاء و داروم از ارض فلسطین کشته مریض شدن حضرت رسول صلعم در آخر صفر این سال و وفات آنحضرت روز دو شنبه
دوازدهم ربیع الاول یا در دو شنبه بیست و هفتم اینماه بر حسب روایات الحدیث سقیفه و بیعت مسلمین با ابی بکر قبل از
تجهیز و تکفین حضرت رسول صلعم تجهیز حضرت رسول صلعم و غسل دادن علی بن ابیطالب علیه السلم جسد آنحضرت را و عمر
حضرت بر روایت اصح شصت و سه سال بوده برقراری اسامه جیش او بماموریتی که از حضرت رسول صلعم داشت بفرمان
ابوبکر و تاراج نمودن قبایل قضاعه که مرتد شده بودند حدود شام دعوت نبوت اسود عنسی که اسمش عبهلة بن
کعب بن عوف بود و لقبش ذو الحمار بواسطهٔ مداومت در خمر و رفتن بسوی نجران و بعد از آن بصنعاء کشتن
شهر بن باذان عامل رسول الله را و قوی شدن و غلبه بر مفازهٔ حضرموت تا طایف و بحرین تا بجرین و احسا و مقاتله
عمال حضرت رسول صلعم با او و مقتول شدن او یکروز قبل از وفات آنحضرت و مژدهٔ قتل او اول بشارتیست که بعد از
وفات حضرت رسول صلعم بمسلمین رسید رحلت حضرت فاطمه سلام الله علیها در سیم رمضان بسن بیست و نه سالگی دعوت
نبوت طلیحه بن خویلد الاسدی و آمدن بغارت مدینه و مقاتله لشکر ابی بکر با متابعین او و غالب شدن بر آنها و این اول
فتحی بود که بعد از وفات حضرت رسول صلعم مسلمین نمودند فرار طلیحه و زوجه او بشام این طلیحه بعد از فوت ابی بکر بواسطه
آنکه قبیلهٔ او قبول اسلام کردند خود نیز مسلم شد جلوس یزدجرد بتخت سلطنت عجم مرتد شدن بنی عامر و هوازن و سلیم
و مخذول شدن آنها بدست عساکر اسلام خروج ام زمل بنت ام قرفه و بالا گرفتن کار او و کشته شدن او و متابعینش
بدست مسلمین بسرداری خالد بن الولید مراجعت عمرو بن عاص از عمان بمدینه و خبر دادن از ارتداد بنی عامر و دیگران
دعوت نبوت کردن سجاح دختر حرث بن عطفان التمیمیه و بالا گرفتن کار او و عزم یمامه کردن و آمدن مسیلمه کذاب نزد
او و وقوع موافقت و مصالحت فیمابین آن دو گویند سجاح بعدها اسلام قبول کرد و در بصره در گذشت
کشته شدن مالک بن نویره و گرفتن خالد بن الولید ام تمیم زوجهٔ مالک را و نپسندیدن عمر این وقایع را و نیکو
دانستن ابی بکر عمل خالد را مقاتله خالد با اهل یمامه بفرمان ابی بکر و کشته شدن مسیلمه کذاب ارتداد اهل بحرین و مخذول
شدن آنها بدست عساکر مسلمین ارتداد اهل عمان و مهره و مخذول شدن بدست مسلمین بعقیده بعضی فتح یمامه و
یمن و بحرین و سوق عسکر بشام در سنهٔ دوازده بوده ارتداد اهل یمن ثانیا ارتداد اهل حضرموت و کنده مراجعت
معاذ بن جبل از یمن قضاوت عمر بن الخطاب بامر ابی بکر که تا آخر خلافت این خلیفه عمر متقلد این شغل باشد وضع تاریخ
یزدجردی که از سال جلوس یزدجرد سیم میباشد لشکرو یا تقسیم نمودن دیگر پادشاه فرانک مملکت خود را بدو پسر خود

بموجب اسناد و تواریخ معتبره
بعد از کشته شدن خسرو پرویز
شیرویه پسر او ششماه پادشاهی
کرد و پس از شیرویه اردشیر بن
شیرویه نیز ششماه بتخت سلطنت
بود و بعد از او شهرزاد از
سرداران ایران چهار ماه جای
سلاطین عجم داشت پس از او
پوران دخت دختر پرویز ششماه
سلطنت کرد بعد از آن آزرمیدخت
خواهرش چهار ماه پس از او
فرخ زاد بن خسرو پرویز یکماه
آنگاه یزدجرد بر تخت سلطنت
عجم جلوس کرد و بیست سال پادشاهی
داشت که چهار سال آن بطور
استقلال بود و شانزده سال
از حمله عساکر عرب متزلزل تا
در مرو کشته شد و سلطنت
ساسانیان بدو منقرض گردید
اینکه در متن بعد از جلوس
یزدجرد از اردشیر و پوران دخت
و بعضی حوادث که در واقع
متعلق است بقبل از جلوس
یزدجرد سخن میرود عقیدهٔ
ابن اثیر صاحب کامل التواریخ
است که ذکر شده و اگر
مسامحتی در این باب بنظر
مطالعه کنندگان آید
مؤلف محل اعتراض نیست

سنه ۱۲ هجری — سنه ۶۳۳ مسیحی

آسیا فرستادن ابی بکر خالد بن الولید را بعراق با ده هزار مرد مصالحه اهل حیره با خالد به نه هزار درهم این اول جزیه عجم
در اسلام تاختن خالد تا جفیر مقاتله با سپاه عجم قتل هرمز سردار عجم بدست خالد هزیمت آنها آمدن خالد تا موضع جسر اعظم
بصره فتح ابله فرستادن اخبار فتوح با غنایم نزد ابی بکر این وقعه بذات السلاسل موسوم است چونکه قشون عجم بیکدیگر با زنجیر
بسته بودند تا فرار نکنند مقاتله خالد بن الولید با عجم تا بنادر کنار شط مغلوب شدن عجم کشته شدن سرداران عجم
بدین تفصیل قارن قریانس بدست معقل بن الاعشی انوشجان بدست عاصم قباد بدست عدی بن حاتم و عده مقتولین در این
جنگ بسی هزار رسید غیر از غرق شدگان بشط و اسیر و غنایم فراوان مسلمین داشتند از این اسرا ابو الحسن بصری است که
نصرانی بوده جزیه دادن اهل فلاحین این مقاتله بوقعة الثنی موسوم است فرستادن اردشیر سپاهی بسرداری اندرزغر
و بهمن جاذویه بمقاتله عساکر اسلام کمین نهادن بو لجه بین بحیره و کسکر مقاتله شدید خالد بن الولید فرار اندرزغر

ومردنا و بعطش و اسیر و غنایم بسیار مسلمین را شد امان دادن خالد اهل فراضین را این مقاتله بوقعة الولجه موسوم است
اجتماع نصارای عرب در الیس کنار فرات ملحق شدن سردار عجم جابان با آنها اطلاع خالد بن الولید و مقاتله شدید خالد با آنها
انهزام نصاری و عجم که عده مقتولین آنها بهفتاد هزار رسید رفتن خالد از الیس به امغیشیا خراب کردن مسلمین امغیشیا تاراج
اموال و غنایم فراوان را و فرستادن خبر فتح با غنایم و اسرا نزد ابی بکر و تعریف ابوبکر از خالد این فتح بوقعة الالیس موسوم است
رفتن خالد بن الولید از امغیشیا بحیره کشتن خالد پسر آزادبه مرزبان حیره را با اصحابش بهادلی کنار فرات فرار مرزبان
بشنیدن قتل پسرش و فانارد شهر محاصره خالد قصور حیره را و مقاتله با سکنه اطراف حیره مصالحه اهل قصور با خالد
بدویست و نود هزار درهم با هدایای وافره فتح حیره در ماه ربیع الاول بوده فرستادن مخبر فتح و هدایا نزد ابی بکر محسوب
داشتن ابی بکر هدایا را بعوض جزیه و امر نمودن باخذ باقی جزیه مصالحه دهاقین فرات با خالد بن الولید بعد از فتح حیره
هزار هزار درهم فرستادن امراء ثغور را بشریعه ها دجله فرستادن خالد نامه بعجم بقبول اسلام یا دادن جزیه رسیدن نامه
بعجم و اختلاف اهالی بعد از موت اردشیر و تفتیش عجم از آل کسری کسی را برای سلطنت محاصره خالد بن الولید شهر انبار را
و مقاتله او با سپاه شیرزاد صاحب طاق کسری مصالحه شیرزاد با خالد بخواهش اینکه شیرزاد تنها بی متاعی بمامن خود برود
گذاردن خالد زبرقان بن بدر را در انبار بجای خود رفتن خالد بن الولید بعین التمر که مهران بن بهرام چوبین با سپاهی از
سپاه عجم و جمعی از اعراب نمر و تغلب و ایاد بسرداری عقه بن ابی عقه در آنجا بودند مقاتله خالد اول با اعراب انهزام سپاه
عرب اسیر کردن عقه بن ابی عقه و فرار مهران محاصره کردن خالد و فتح آن حصار اسیر کردن اهل حصار و کشتن عقه
و اخذ غنایم آنها فرستادن خبر فتح را با خمس غنایم نزد ابی بکر کشته شدن عمیر بن رئاب السهمی وفات بشیر بن سعد
الانصاری در آنجا استمداد عیاض بن غنم از خالد بن الولید در مقاتله با اهل دومة الجندل رفتن خالد بامداد او و مقاتله
خالد کشتن اکیدر بن عبد الملک و جودی بن ربیعه رئیس دومة الجندل را و انهزام مقاتلین بحصار فتح آن حصار
بغلبه قتل مقاتلین اسیر نمودن اهل حصار بردن غنایم بیشمار و اقامت خالد در آن حصار فرستادن عجم زرمهر و روزبه
سردار را بجانب شهر انبار و رسیدن آنها بحصید و خنافس و اطلاع خالد از آمدن آنها و فرستادن قعقاع بن عمرو
را بحصید و ابی لیلی فدکی را بخنافس مقاتله قعقاع با سپاه عجم کشته شدن زرمهر بدست او و روزبه بدست عصمة بن
عبد الله انهزام عجم بخنافس بردن مسلمین غنایم حصید را رفتن ابو لیلی بخنافس انهزام مهبوذان بن [illegible] از خنافس و
رفتن بمضیح بسوی طایفه هذیل بن عمران خبر شدن خالد از اجتماع هذیل در طلب خون عقه بن ابی عقه مواعده خالد با
قعقاع و ابی لیلی برای شبیخون و تاراج هذیل غارت آنها از سه جانب و بقتل رسیدن بسیاری از آنها در مضیح بیرون آمدن
ربیعة بن بجیر التغلبی از ثنی بصافر بطلب خون عقه بن ابی عقه و مواعده او با هذیل اطلاع خالد از این تفصیل مواعده
خالد و ابی لیلی بغارت و تاختن آنها بر ربیعه و کشتن ربیعه اخذ مسلمین اسرا و غنایم بسیار از آنها و رفتن خالد بزمیل
مقاتله شدید با اهل زمیل و کشته شدن بسیاری از آنها و بدست آمدن غنایم بی شمار فرستادن خالد نزد ابی بکر اخبار
فتوح را با غنایم و اسرا خریدن علی بن ابیطالب علیه السلام دختر ربیعه را و تولد عمر بن علی ع و رقیه از وی اجتماع اهل فراض
و استعانت آنها از روم و عجم و اعراب نمر و تغلب و ایاد بمقاتله خالد بن الولید ثلاث فتین در کنار فرات مقاتله خالد با آنها
و انهزام آنها گویند عدد مقتولین آن جماعت بصد هزار رسید رجوع مسلمین بحیره در بیست و پنجم ذیقعده بعد از
فتح فراض رفتن خالد بن الولید پنهانی بمکه برای حج بی اطلاع سپاه وی و اطلاع ابی بکر بعد از رجوع او و خشم نمودن
ابی بکر بر او و این بود سبب انصراف خالد از عراق بشام با امر ابی بکر غارت نمودن خالد سوق بغداد را بر جمع طایفه

فضاعه و بکر غارت نمودن خالد مسکن و قطربل و تل عقرقوف و بادوریا را تزویج عمر عاتکه بنت زید را وفات ابی العاص
ابن ربیع در ذی‌حجه این سنه تزویج علی بن ابیطالب علیه السلام دختر ابی العاص را که زینب دختر رسول الله ص مادر وی بود حج ابی بکر
در این سنه و استخلاف عثمان در مدینه و وفات ابی مرثد الغنوی

سنه ۱۳ هجری — سنه ۶۳۴ مسیحی

آسیا ۱ مقابله و مقاتله عساکر اسلام با رومیان بیرموک از صفر تا آخر ربیعین این سنه و استمداد آنها از ابی بکر و رفتن
خالد بن الولید از عراق بشام با نصف لشکر عراق که نه هزار یا ششهزار نفر بوده اند بامر ابی بکر و امیر کردن مثنی بن حارثه را
بجای خالد در عراق وصول خالد بمنازل بین عراق و شام و مصالحه نمودن و جزیه دادن اهل بعضی منازل و مقاتله نمودن
و غنایم و اسرا گرفتن از بعضی تا شهر بصری و مقاتله کردن با اهل بصری و ظفر یافتن و مصالحه اهل بصری فرستادن خالد خمس
غنایم را با اسرا نزد ابی بکر ملحق شدن خالد بن الولید در یرموک بمسلمین گویند عدد لشکر اسلام بعد از وصول خالد بچهل هزار
یا چهل و دو هزار رسید مقاتله کردن مسلمین با رومیان در جمادی الآخره رسیدن نامه بحین مقاتله فرستادن از مدینه و خبر
دادن بخالد از فوت ابی بکر و امارت ابی عبیدهٔ جراح به پنهانی بدون اطلاع لشکر اسلام آمدن جرجه سردار روم قبل از
مقاتله بین صفین و گفتگو کردن با خالد و اسلام قبول کردن و ملحق شدن بلشکر اسلام و قتال شدید وی همراهی خالد با رومیان
و شهادت او در عصر آن روز و حمله نمودن رومیان یکدفعه بلشکر اسلام و هزیمت مسلمین اولا و غلبه آنها ثانیا به ثبات خالد
و عکرمه بن ابی جهل انهزام و کشته شدن بسیاری از رومیان گویند غیر از آنچه در معرکه بقتل رسیده دوازده هزار نفر بود
که در خندق معسکر رومیان هلاک شد حین انهزام عدد مقتولین مسلمین زیاده از سه هزار نشد از مقتولین آن روز عکرمه
ابن ابی جهل و چند نفر دیگر از اصحاب رسول الله ص بود رفتن مثنی بن حارثه بمدینه بجهت رسیدن اخبار ابی بکر و اختلاف
عجم در نصب سلاطین از رمی دخت و کشته شدن شابور بن شهربران که مثنی فارغ از مقاتله بود و ورود مثنی بمدینه و
ملاقات ابی بکر در مرض موت و وصیت کردن ابو بکر بعمر در امر مثنی و رجوع دادن سپاه عراق را از شام گویند وقعه اجنادین
قبل از یرموک بوده در بیست و هشتم از جمادی الاولی ملاقات کردن خالد با ابی عبیده و یزید بن ابی سفیان و رفتن
آنها با مداد عمرو بن العاص در فلسطین اجتماع رومیان در اجنادین بسرداری تذارق برادر هرقل و قیقلار آمدن عمرو
و خالد باجنادین و مقاتله مسلمین با رومیان قتل تذارق و قیقلار و شهادت جمعی از مسلمین انهزام رومیان و فتح مسلمین
وفات ابی بکر در شب بیست و دویم جمادی الآخره سن او شصت و سه سال خلافتش دو سال و سه ماه انتقال نمودن
ابی بکر خلافت را بعمر و نوشتن عهدنامه و اظهار نمودن بمسلمین حین مرض بر منبر شدن و خطبه خواندن و اظهار خلافت
کردن عمر گویند اول حکم عمر عزل نمودن خالد بن ولید و نصب ابو عبیده جراح بود در سپاه عراق که بشام رفته بودند.
محاصره ابو عبیده و خالد دمشق را و فتح کردن بغلبه و مصالحه اهل دمشق فرستادن خبر بجانب عمر گماشتن یزید بن ابی
سفیان را در دمشق فتح بسرا در شام مقاتله شدید ابو عبیده در فحل و کشتن رئیس آنجا سقلار را و انهزام قشون او
گویند عدد رومیان هشتاد هزار بود رفتن ابو عبیده با خالد پس از آن بحمص فتح کردن یزید بن ابی سفیان همراه
معاویه برادر خود مدینه صیدا و عرقه و جبیل و بیروت را که ولایات سواحل دمشق است فرستادن ابی عبیده
ثقفی شرحبیل بن حسنه را به بیسان و مقاتله با بیسانیان و مصالحه آنها با شرحبیل فرستادن ابو عبیده ثقفی اعور را
بطبریه و محاصره کردن اعور طبریه را و مصالحه اهل آنجا با اعور فرستادن عمر مثنی بن حارثه را با جماعتی از مسلمین
بعراق و امیر نمودن ابو عبیده ثقفی را بهمراهی او بموجب وصیت ابی بکر رفتن آنها بعراق و وارد شدن بحیره فرستادن

رستم فرخزاد از قبل پوران دخت که تازه پادشاه عجم یافته بود جابان سردار را برای دفع فرات و نرسی را بر کسکر
برانگیختن تمام دهاقین فرات را بر مقاتله با مسلمین برفتن و آمدن ابوعبیده ثقفی و مثنی از حیره ثلاثه فئتین بنمارق و مقاتله شدید
و غلبه مسلمین و انهزام عجم و دهاقین اسیر شدن جابان رها نمودن ابوعبیده جابان را و این وقعه نمارق است مقاتله کردن
ابوعبیدهٔ ثقفی و مثنی در سقاطیه کسکر با عجم و دهاقین بسرداری نرسی و غلبه مسلمین فرستادن رستم فرخزاد جالینوس را
بامداد نرسی و ورود جالینوس به باقسیاثا آمدن ابوعبیده به باقسیاثا و منهزم کردن مسلمین جالینوس و همراهانش را
ورود جالینوس منهزماً بر رستم فرخزاد و فرستادن رستم بهمن جاذویه را با سپاه فراوان و فیلهای جنگی و درفش کاویانی
بمقاتلهٔ مسلمین و نزول بهمن بر سر جسر و آمدن ابوعبیدهٔ ثقفی و مسلمین بسوی آنها و مقاتلهٔ فئتین و شکست لشکر اسلام
شهادت ابوعبیده و برادر او حکم بن مسعود و هفت امیر دیگر از مسلمین مجروح شدن مثنی بن حارثه هلاک چهار هزار نفر
از مسلمین بقتل و غرق کشته شدن شش هزار نفر از عجم و مخالفت با رستم فرخزاد رجوع بهمن جاذویه بمداین وقعه قس
الناطف است یعنی جسر گرفتن مثنی بن حارثه جابان و مردانشاه را و بقتل رسانیدن آنها نزدیک الیس فرات شنیدن عمر انهزام
مسلمین و شهادت ابوعبیده و جمعی دیگر را فرستادن عمر جریر بن عبدالله بجلی را با طایفهٔ بجیله و عصمة بن عبدالله الضبی را
با جماعتی بامداد مثنی اجتماع سپاه عظیم نزد مثنی اطلاع رستم فرخزاد و فیروزان انیفقره و فرستادن آنها مهران همدانی
را بحیره ثلاثه فئتین در بویب کنار فرات مقاتله شدید و غلبه مسلمین و بقتل رسیدن صد هزار نفر عجم و عقب کردن
مسلمین آنها را تا طاق کسری رفتن مثنی بسوق الخنافس و سوق البغداد در روز مبایعهٔ تجار عجم و عرب قضاعه و
تغلب و بقتل آوردن تمام اهل سوق و تاراج غنایم و اموال آنها و باز ارجح نمودن عمر در این سنه و امر نمودن بجمیع عمال
خود که هر کس را اسبی و سلاحی است در مدینه حاضر شوند اگر بمدینه نزدیک اند و بعراق روند نزد مثنی اگر بعراق
نزدیک اند در این سنه قضا با علی بن ابیطالب علیه السلم بوده وفات ابی کبشه غلام حضرت رسول ص وفات ارقم بن ابی
الارقم اروپا محاربهٔ فقسون قیصر با خالد

سنه ۱۴ هجری — سنه ۶۳۵ مسیحی

آسیا اجتماع مردم از اطراف در مدینه بحکم عمر بیرون رفتن عمر از مدینه بر سر آب ضرار و آنجا را معسکر نمودن
برای فرستادن لشکر بعراق و مقاتلهٔ با عجم مشورت عمر با اصحاب حضرت رسول ص در امارت شخصی کاردان و قابل
اختیار نمودن عمر سعد بن ابی وقاص را بتصدیق دیگران چون سعد عامل صدقات هوازن بود او را از آنجا خواستن و حاضر شد
و بعد از محاوره و نصایح او را بر سپاه عراق امیر نمودن رفتن سعد بعراق اطلاع مثنی از قدوم سعد و انتظار وی و وفات
مثنی بواسطهٔ جراحتی که در وقعه قس الناطف باو رسیده قبل از ورود سعد بیکروز ورود سعد بثعلبه اجتماع
طایفهٔ اسد و کنده و سپاه مثنی با معنی بن حارثه برادر مثنی نزد سعد که عدد لشکر اسلام سی هزار رسیده تزویج نمودن
سلمی زوجه مثنی بن حارثه را رفتن سعد از شراف بعذیب و قادسیه نزول وی میانه عتیق و خندق بحوالی
قنطره و قدیس متوقف شدن در آنجا دو ماه فرستادن سعد سریه باطراف عراق و نهب و غارات بکسکر و انبار برای
طعام و آذوقه لشکر اسلام تظلم اهل اطراف دجله و فرات بیزدجرد از تطاول لشکر اسلام مشورت یزدجرد ملک عجم
با رستم فرخزاد برای دفع مسلمین اجتماع سپاه عجم بامر یزدجرد در ساباط بسرداری رستم و فیروزان و جالینوس و مهران
ابن بهرام الرازی فرستادن سعد چند نفر از اشراف مسلمین را نزد یزدجرد بامر عمر رفتن ایشان نزد یزدجرد و مکالمه
رسل با او و بی اعتنائی وی بآنها و مراجعت ایشان بیرون آمدن رستم و هرمزان و جالینوس از مداین با صد و بیست

هزار لشکر وسی و سه فیل جنگی و روانه شدن بقادسیه کراهت رستم از محاربه مسلمانان و بتأنی آمدن و صلح جوئی کردن
گویند آمدنش از ساباط تا قادسیه چهار ماه بطول انجامید و ورود رستم بقادسیه و تلاقی فریقین مقاتله کردن با عجم
روز دوشنبه ماه محرم مقاتله شدیدی که بسیاری از طرفین بقتل رسیدند تا غروب آفتاب رجوع فریقین بمعسکر خود
این روز بیوم ارماث موسوم است مقاتله کردن فریقین روز سه شنبه و ورود قعقاع بن عمرو تمیمی و هاشم بن عتبه با
لشکر عراق که در شام بودند در این روز بمیدان جنگ مقاتله کردن آنها با عجم و بقتل آوردن قعقاع بن ذو الحاجب و
فیروزان دو سردار عجم را و شکست عجم بقتل آنها این روز بیوم اغواث موسوم است عدد مقتولین مسلمین دو هزار
و مقتولین عجم بده هزار رسید مقاتله کردن فریقین روز چهارشنبه که بیوم اعماس موسوم است از اول طلوع
آفتاب تا عصر و اشتداد مقاتله از عصر با تمام شب که بلیلة الهریر موسوم شد و تا صبح و از صبح تا ظهر مقاتله و محاربه
بطول انجامید فرار لشکر عجم در ظهر آن روز بقتل رسیدن رستم فرخزاد بدست هلال بن علقمه و تعاقب کردن زهرة
ابن الحوی التمیمی منهزمین را و رسیدن وی بجالینوس و قتل جالینوس رسیدن غنایم و اموال بیحد و عد بمسلمین
گویند عدد مقتولین مسلمین زیاده از شش هزار نشد اما مقتولین عجم از سی هزار افزون تر بود فرستادن سعد
خبر فتح را با خمس غنایم نزد عمر فرستادن عتبة بن غزوان را ببصره یعنی موضع بصره که از ثغور عجم بوده نزول عتبه
بحوالی جسر صفر در ربیع الاول این سنه صاحب فرات با چهار هزار نفر بمقاتله عتبه آمد و نبود با عتبه مگر پانصد نفر
مقاتله عتبه با او و بقتل رسیدن تمام آن سپاه و اسیر نمودن صاحب فرات مقاتله عتبه با اهل ابله و بقتل آوردن
بسیاری از آنها خالی نمودن اهل ابله شهر را از رعب عتبه و داخل شدن مسلمین ابله را و غنایم و اسیر فراوان بدست
آوردن در ابله بجای آنها عامل نمودن عتبه مجاشع بن مسعود را بجای خود و مراجعت عتبه بمدینه نزد عمر حد زدن
عمر عبید پسر خود را با همراهانش بواسطه شرب خمر امر کردن عمر بقیام مردم در ماه رمضان بمسجد وفات سعد بن عباده
الانصاری و وفات ابی قحافه پدر ابی بکر و وفات هند مادر معویه حج کردن عمر در این سنه

سنه ۱۵ هجری — سنه ۶۳۶ مسیحی

آسیا بعضی گویند که بنای شهر کوفه در این سنه واقع شد بسعی سعد بن ابی وقاص و دلالت ابن بقیله فتح یرموک و شکست
منویل سردار هرقل بدست خالد و تصرف قشون اسلام تمام شامات را که بعض آن تفصیل در ذیل بیاید بنیان بصره بدست
مسلمانان در ساحل شط العرب بقصد قطع مراوده ایران با هند و سند رفتن ابو عبیده جراح با خالد بن ولید از فحل
بجانب حمص اطلاع هرقل ملک روم فرستادن او توذر و شنش را با سپاه کثیری بمقابله و مقاتله ابو عبیده و خالد تلاقی فریقین
در مرج روم رفتن توذر بدمشق و ماندن شنش در مرج مقابل ابو عبیده رفتن خالد بتعاقب توذر اطلاع یزید بن
ابی سفیان از آمدن توذر و تلاقی خالد و یزید و مقاتله با توذر و بقتل آوردن آن و انهزام رومیان معاودت یزید بدمشق
معاودت خالد نزد ابو عبیده مقاتله ابو عبیده بعد از رفتن خالد با شنش و بقتل آوردن شنش انهزام رومیان رفتن
هرقل بعد از اطلاع از حمص به رها رفتن ابو عبیده به بعلبک و محاصره کردن آن و امان طلبیدن اهل بعلبک و مصالحه نمودن
محاصره ابو عبیده حمص را و مصالحه آنها با مسلمین داخل شدن مسلمین بحمص فرستادن خمس غنایم و خبر فتح نزد عمر عامل
نمودن ابی عبیده عبادة بن صامت را رفتن ابو عبیده بحماة و فتح نمودن حماة و معره و لاذقیه و عنوه و انطرطوس و سلمیه
بلاد نزدیک بحمص را فرستادن ابو عبیده خالد را بقنسرین و ملاقات خالد با میناس که از اکابر روم بود پس از هرقل و با
جماعت بسیار از رومیان و بقتل آوردن میناس و انهزام رومیان و محاصره خالد قنسرین را اظهار مصالحه اهل قنسرین

وامتناع خالد از مصالحه و خراب کردن قنسرین محاصره کردن ابو عبیده حلب و انطاکیه و قورس و حصن سلمان و تل عزاز و بالس
و قاصرین را و فتح کردن ابو عبیده و مصالحه اهل هر یک از آن ولایات و عامل گذاردن بهر یک معاودت ابو عبیده بفلسطین
فرستادن ابو عبیده حبیب بن مسلمه را بجبل اللکام مدینه جرجر و بحصن الحدث و فتح کردن حبیب و مصالحه اهل آن نواحی
فرستادن ابو عبیده میسره بن مسروق العبسی را بغراس و مقاتله کردن و فتح نمودن او فرستادن یزید بن ابی سفیان
معاویه برادر خود را بامر عمر بقیساریه و مقاتله معاویه با اهل آنجا و بقتل رسیدن هشتاد هزار نفر از رومیان و
فتح آنجا بغلبه فتح عمرو بن عاص بیسان را مصالحه اهل اردن و عامل نمودن ابو الاعور را در اردن اجتماع عسکر روم
بسرداری ارطبون بجنادین وگذاشتن سپاه عظیم برمله و ایلیاء و نزول عمرو بن عاص بجنادین فرستادن علقمه بن
حکیم الفراسی و مسروق بن فلان العکی را بر قتال ایلیاء و ابو ایوب المالکی را بر قتال رمله مقاتله کردن خود عمرو با ارطبون
و انهزام ارطبون به ایلیاء فتح نمودن مسلمین بغلبه فرار نمودن ارطبون از ایلیاء بمصر فتح نمودن عمرو غزه و سبسطیه
و نابلس و مدینه لد را رفتن عمر بشام و گذاردن علی بن ابی طالب علیه السلم را در مدینه بجای خود امر نمودن عمر
باحضار امراء شام در جابیه ورود عمر بجابیه و ملاقات امراء و مصالحه اهل ایلیا و رمله با عمر رفتن عمر به بیت المقدس
و مصالحه با اهل آنجا و خواهش اهل بیت المقدس بحضور عمر در مصالحه که سبب آمدن عمر شد بشام قسمت کردن عمر
فلسطین را بدو نصف که یک نصف را بعلقمه بن حکیم داد و او را در رمله گذارد و نصف دیگر را بعلقمه بن مجزز داد و او را در
ایلیاء نشاند و خود معاودت بمدینه نمود قرار دادن عمر فرایض و رسومات عطایا و نوشتن دیوان را برای تخلف نشدن
و اینست اول دیوان گذاشتن در اسلام فارغ شدن سعد بن ابی وقاص از قادسیه نوشتن عمر بسعد و امر کردن او را
برفتن مداین و مقاتله با عجم و گذاردن عیال و نسوان را بعتیق قادسیه رفتن سعد بجانب مداین غربیه دجله رسیدن
مقدمه سعد بسرداری زهره بن الحویه التمیمی به برس و ملاقی با بصبهری لشکر عجم انهزام عجم از برس و بقتل رسیدن بصبهرا
و افتادن در نهر آمدن بسطام دهقان برس و مصالحه کردن و بستن جسر اخبار اجتماع عجم در بابل به زهره و دیگر
سعد بر رفتن زهره ببابل و اجتماع نخیرخان و مهران رازی و مقاتله شدید زهره با آنها و گریختن آنها بمداین
و کشته شدن فرخان و فیومان نزول زهره میانه دیر و کوثی مقاتله دیگر زهره در آنجا بقتل رسیدن شهریار
سردار دیگر عجم ورود سعد بکوثی رفتن زهره به بهرسیر از مداین غربیه آمدن شیرزاد دهقان ساباط و فرستادن
وی نزد سعد و مصالحه وی و اجابت سعد ملاقی پوران دختر کسری با مسلمین و فرار از آنجا بمداین شرقی دجله
کشتن هاشم بن عتبه شیر مألوف کسری را که قرطه نام داشت ورود سعد بظاهر بهرسیر دیدن اعراب ایوان کسری را
از دور و تعجب آنها از آن بنا و تذکر آنها وعدهای رسول الله صلعم را و وفای بآنها حج گذاردن عمر در این سنه وفات
نوفل بن حرث بن عبد المطلب اروپا بروز بعضی صنایع در مملکت فرانک و ترقی کردن علوم بنا کردن کلیسای
سن دنی بحوالی پاریس

سنه ۱۶ هجری　　　سنه ۶۳۷ مسیحی

آسیا محاصره سعد بن ابی وقاص بهرسیر مداین غربیه دجله را تا دو ماه و مقاتله مسلمین هر روزه و تنگ گرفتن کار
بر آنها و فتح لشکر اسلام در ماه صفر و داخل شدن سعد بقهر و غلبه در مداین و فرار اهل بهرسیر از معابر مخفیه
بنگر بعبور لشکر اسلام از دجله بامر سعد بجانب مداین شرقیه که ایوان ملوک عجم و طاق کسری آنجا بود گویند در این
سنه دجله کثیر المد و زاید الماء بوده با وجود این بسعی عاصم بن عمرو و تقدم وی لشکر اسلام از دجله عبور نمودند

وهمین معنی سبب عبور وخوف عجم کردید مقاتله عاصم پس از عبور با عجم وانهزام آنها وفرار یزدجرد با عیال خود بحلوان
بردن یزدجرد با منهزمین اموالیکه سبک وقیمتی بود دخول مسلمین بمداین نزول سعد بایوان کسری وبجا آوردن صلوة فتح
در ایوان کویند اول صلوة جمعه که در عراق بجای آورده شد در ماه صفر این سال در روز جمعه بود تعاقب لشکر اسلام
منهزمین مداین را باطراف وبقتل رسانیدن هر یک وکرفتن مسلمین غنایم واموال آنها را که همراه داشتند کویند اکثر تمام
واسباب وجواهر واسلحه وخزاین ملوک عجم بوده بنهروان فرستاده بودند مکر نصف از خزانه ما فوق که در مداین بود
تقسیم کردن سعد غنایم را بعد از وضع اثاث سلطنت وخمس کویند لشکر اسلام شصت هزار نفر بوده اند وبهر یک
دوازده هزار تومان رسید فرستادن سعد خبر فتح را با خمس غنایم نزد عمر اجتماع عجم بعد از فرار از مداین در جلولا نزدیک
خانقین بامر یزدجرد وسرداری مهران رازی وفیروزان وحفر کردن خندقی عظیم که با قطعات آهن شبیه بخار اطراف
خندق مسدود شده بود واطلاع سعد از این فقره ونوشتن بعمر وامر کردن عمر لشکر اسلام را بسرداری هاشم بن عتبه و
قعقاع بن عمر بمقاتله ومحاصره جلولاء وامر عمر براینکه عدد لشکر زیاده از دوازده هزار نباشد رفتن هاشم وقعقاع بجلولا
ومحاصره لشکر اسلام آنجا را تا هشتاد روز ومقاتله های شدید با آنها تا عاقبت بواسطه هبوب باد شدید وتاریکی هوا
قعقاع با لشکر اسلام در خندق راه یافته مقاتله سختی واقع شده انها منهزم شدند مهران رازی وفیروزان بقتل رسیده
کویند عدد مقتولین عجم بصد هزار رسید اطلاع یزدجرد از ماجری وکذاشتن خسرشنوم را بجای خود ورفتن او بری از حلوان
رفتن قعقاع بن عمر بحلوان ووصول وی بقصر شیرین وبیرون آمدن خسرشنوم وزینبی دهقان حلوان ومقاتله وغلبه
لشکر اسلام وبقتل آوردن زینبی وفرار خسرشنوم وفتح حلوان داخل شدن قعقاع بحلوان آمدن انطاق از موصل بتکریت
با جمعی از رومیان واعراب تغلب وایاد ونمر وشهارجه واطلاع سعد ونوشتن بعمر وامر کردن عمر سعد را بفرستادن عبد الله بن
معتم وربعی بن الافکل را با دوازده هزار از لشکر اسلام بتکریت محاصره کردن عبد الله تکریت را چهل روز واتفاق کردن
عبد الله با اعراب تغلب وایاد ونمر وقبول اسلام نمودن آنها بخفیه شبیخون عبد الله بتکریت ملحق شدن تغلب وایاد بلشکر
اسلام وقتل نمودن تمام رومیان وفتح آنجا بغلبه فرستادن عبد الله ربعی بن افکل را بموصل ونینوا با اعراب تغلب وایاد
ومحاصره نمودن آنجا وامان خواستن ومصالحه کردن وغنایم بدست آوردن لشکر اسلام وفرستادن خبر فتح را با خمس غنایم
نزد سعد وعمر اجتماع جمعی از عجم با اذین بن هرمزان در ماسبذان واطلاع سعد وفرستادن ضرار بن الخطاب را با جمعی از لشکر
اسلام ونزول ضرار در دشت ماسبذان ومقاتله سخت ضرار واسیر نمودن آذین وبقتل رسانیدن او وانهزام اهل آنجا
بجبال وامان دادن وجمع نمودن آنها وتاختن ضرار تا سیروان فرستادن هرقل جمعی از اعراب جزیره را بر هیت واطلاع سعد
وفرستادن مالک بن عتبه وحرث بن یزید عامری را بمقابله ایشان نازل شدن مالک وحرث بهیت ورفتن مالک
با نصف لشکر بقرقیسیا ومصالحه انها بجزیه دادن وعود کردن سپاه هیت بواسطه مصالحه اهل قرقیسیا تزویج عبد الله بن
عمر صفیه بنت ابی عبیدة بن مسعود ثقفی خواهر مختار را وفات ماریه مادر ابراهیم بن رسول الله حج کردن عمر در این سنه
وکذاردن زید بن ثابت را بجای خود

سنه ۱۷ هجری   سنه ۶۳۸ مسیحی

اسباب بنای شهر کوفه وشهر بصره از خشت وکل بامر عمر وسعی سعد بن ابی وقاص بعد از انکه از قصب قبه بود واثر کرفت
اول بقعه که بنا شد در این دو شهر مسجد آنجا بود سبب بنای کوفه شکایت لشکر اسلام بود از وخامت آب وهوای بلاد عراق
اختیار کردن حذیفه وسلمان بامر عمر زمین کوفه را که اعلی بقاع واراضی عراق بود قصد نمودن هرقل مقاتله ابو عبیده

جراح را باشاره و اعانت اعراب جزیره متحصن شدن ابی عبیده در حمص و اطلاع عمر و امر نمودن سعد بن ابی وقاص را بفرستادن
قعقاع بن عمرو و چند نفر دیگر از سران لشکر اسلام را بیاری ابو عبیده و محاربات باقی شهرهای شام بیرون رفتن عمر از مدینه
و عبور او بجابیه برای امداد ابی عبیده اطلاع اعراب معاونین هرقل از بیرون آمدن عمر و امداد لشکر عراق بمعاونت ابی عبیده
و متفرق شدن آنها بدیار خود مقاتله ابی عبیده با رومیان و فتح لشکر اسلام و انهزام رومیان و پس از آن مقاتله ابو عبیده با شخص
هرقل انطاکیه را ابو عبیده بغلبه تصرف کرد محاصره نمودن عیاض بن غنم جزیره را مصالحه اهل جزیره بدادن جزیه و عامل
نمودن حبیب بن مسلمه را بر عجم جزیره و ولید بن عقبه را بر اعراب انجا فتح کردن مسلمین شهر رقه را و مصالحه آنها بجزیه فرستادن
سهیل بن عدی فتح نمودن عبد الله بن عتبان نصیبین را و مصالحه کردن انها با عبد الله بدادن جزیه مقاتله عثمان بن ابی العاص
با اهل ارمینیه و فتح نمودن بغلبه و مصالحه کردن آنها بجزیه مقاتله عیاض بن غنم و محاصره نمودن شهر رها را و غلبه عیاض
و انهزام انها و فتح مسلمین مقاتله صفوان بن المعطل با اهل حران و غلبه مسلمین و مصالحه کردن آنها بجزیه فتح کردن عیاض بن
غنم سمیساط و ارض بیضا و قرای کنار فرات را تا جسر منبج و عین ورده و تل موزون و آمد و میافارقین و طور عبدین و ماردین
و ارزن و بدلیس و خلاط و عین الحامضه را از ارمینیه و مصالحه هریک بجزیه عزل نمودن عمر خالد بن الولید را از تقدم جیوش و بیان
در این سنه و سبب عزل او این شد که در حمام تدلیک کرد بدن خود را با چیزی که خمر جزو او بود عمره کردن عمر در ماه رجب این
سنه که بجای خود گذارد زید بن ثابت را تجدید و توسعه نمودن در بناء مسجد الحرام و اذن دادن عمر اهل مدینه و مکه را
که بر سر میاه منازل بنا کنند برای ابناء سبیل که سابق بانی باشد و آب هم هند آنها را تزویج عمر ام کلثوم بنت علی بن ابیطالب ع
را که از فاطمه بنت رسول الله ص بود بموجب کامل التواریخ ابن اثیر و غیره فرستادن علاء بن الحضرمی بغیر اذن عمر سپاهی
را از مسلمین بسرداری جارود بن معلی و سوار بن همام و خلید بن منذر الساوی بفارس بره بحر با سفاین و عبور کردن و
رفتن آنها باصطخر مقاتله کردن مسلمین با سپاه عجم بسرداری هربذ در جائیکه او را طاوس میگفتند و حایل شدن عجم و
مسلط بودن مسلمین بجز و کشته شدن جارود و سوار و استیصال خلید بن المنذر و اطلاع عمر و امر بعتبه بن غزوان در بصره
بفرستادن امداد و امداد رسیدن از عتبه و نجات خلید و مسلمین و فتح انها و انهزام عجم و معاودت مسلمین عزل علاء بن
الحضرمی از بحرین و عمان و نصب نمودن عمر عثمان بن ابی العاص را بر آن نواحی استعفاء عتبه بن غزوان از امارت بصره و نصب
مغیره بن شعبه تا سه ماه انصراف عزل او و نصب نمودن عمر ابی موسی اشعری را بر امارت بصره اجتماع عجم بر هرمزان در خوزستان
و اهواز و مناذر و نهر تیری و استمداد عتبه بن غزوان از سعد بن ابی وقاص و فرستادن سعد نعیم بن المقرن و نعیم بن مسعود را
بامداد و فرستادن عتبه سلمی بن القین و حرمله بن مریطه را و معسکر نمودن هرمزان میانه دلث و نهر تیری و مقابل شدن
سلمی و حرمله هرمزان را و تعبیه سپاه نمودن و رسیدن نعیم بن مقرن و نعیم بن مسعود از کوفه و مقاتله کردن لشکر اسلام
انهزام هرمزان و عجم و عبور از جسر سوق الاهواز و اقامه هرمزان در سوق الاهواز حایل شدن دجیل بین فئتین
و رسیدن حرقوص بن زهیر السعدی با جمعی از مسلمین از بصره بامداد سلمی و حرمله و نعیمان و عبور حرقوص با مسلمین از
جسر و مقاتله با هرمزان و فرار او برامهرمز فتح لشکر اسلام سوق الاهواز را رفتن لشکر اسلام برامهرمز و مقاتله با هرمزان
برامهرمز و امداد رسیدن از کوفه و بصره بامر عمر انهزام هرمزان از رامهرمز بشوشتر و فتح لشکر اسلام رامهرمز را اجتماع
مسلمین بظاهر تستر و مقاتله شدید با لشکر عجم و هرمزان بطول انجامیدن مقاتله و محاصره کشته شدن بسیاری
از مسلمین و منزل آوردن هرمزان براء بن مالک و مجزاة بن ثور را و شهادت محمد بن جعفر بن ابیطالب ع غلبه نمودن
لشکر اسلام بعد از چند ماه فتح قلعه تستر و اسیر نمودن هرمزان و رسیدن غنائم فراوان بمسلمین فرستادن خمس غنایم و

تستر معرب شوشتر است

هرمزان را نزد عمر فتح کردن لشکر اسلام بغلبه بعد از مقاتلات بسیار حصار سوس را بسعی ابی سبرة بن رهم و ذر بن عبدالله یافتن جسد دانیال النبی ع را در سوس و اطلاع دادن بعمر و امر نمودن بدفن آن فتح نمودن ابی سبرة بن رهم جندیسابور را حج کردن عمر در این سنه رفتن لشکر اسلام در این سنه بجانب کرمان از فارس بنا بر بعضی از روایات فتح بیت المقدس بدست عمرو بن عاص در این سال بود و سفرنیوس کشیش بزرگ بیت المقدس شهر بیت المقدس را بشخص خلیفه دوم عمر تسلیم کرد بنای مسجد اسلام در شهر بیت المقدس **اروپا** فوت دکبر پادشاه فرانک

سنه ۱۸ هجری

سنه ۶۳۹ مسیحی

آسیا وقوع قحطی و گرانی این سنه در حجاز فرستادن عمر نزد امراء شام برای فرستادن اطعمه و غله بمدینه آمدن ابو عبیده با چهار هزار راحله طعام بمدینه و معاودت او بر سر عمل خود فرستادن عمرو عاص از دیار قلزم اطعمه فراوان بمدینه و ارزان شدن اطعمه بقیمت مصر وزیدن بادهای شدید که هوا سفید خاکی مثل خاکستر و باین واسطه این سنه را عام الرماد گفتند گویند در این سنه از خشکی و بیکاهی همه وحوش بریه و جلیه انس گشتند وقوع طاعون عمواس در شام که گویند بیست و پنجهزار نفر در شام از طاعون هلاک شدند وفات ابی عبیدة بن الجراح امیر لشکر اسلام در شام بطاعون وفات معاذ بن جبل در شام بطاعون وفات سهیل بن عمرو در شام بطاعون وفات یزید بن ابی سفیان در دمشق بطاعون وفات عتبة بن سهیل نیز در شام وفات حرث بن هشام در شام بطاعون وفات عامر بن غیلان الثقفی بطاعون رفتن عمر در اینسال بعد از طاعون بشام و حکم کردن او در اموال اموات لشکر اسلام و غیره منظم کردن عمر شامات را تقسیم کردن ارزاق و مسدود کردن ثغور شامات را و گذاردن علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه بجای خود معاودت کردن عمر بمدینه در ماه ذیقعده اسلام آوردن کعب الاحبار عامل نمودن عمر معاویه را در این سنه بجای یزید برادر وی در دمشق حج کردن عمر

سنه ۱۹ هجری

سنه ۶۳۹ مسیحی

فتح جلولا و مداین و جزیره و فتح قیساریه را بدست معاویه و کشته شدن صفوان المعطل السلمی را بعضی در این سال نوشته اند حج کردن عمر وفات ابی بن کعب آتش گرفتن حره لیلی در ظاهر مدینه و خاموش نشدن و امر کردن عمر که تصدق کنند چون تصدق کردند آتش خاموش شد **افریقیا** فتح قسمتی از مصر بدست عمرو بن عاص و تصرف شهر بلوز و ممفیس و محاصره نمودن اسکندریه

سنه ۲۰ هجری

سنه ۶۴۱ مسیحی

آسیا عزل کردن عمر قدامة بن مظعون را از بحرین و حد زدن او بواسطه شرب خمر و عامل نمودن ابی بکره را ببحرین و بیامه تزویج کردن عمر فاطمه بنت الولید را که مادر عبدالرحمن بن حرث بن هشام بود عزل نمودن عمر سعد بن ابی وقاص را بواسطه شکایت اهل کوفه از کوفه قسمت کردن عمر خیبر را بر مسلمین و جلا دادن یهود را از آنجا قسمت کردن عمر وادی القری را بر مسلمین جلاء دادن عمر یهود نجران را بکوفه وفات کردن اسید بن حضیر وفات زینب بنت جحش زوجه رسول الله ص وفات عیاض بن غنم وفات بلال بن رباح مؤذن حضرت رسول ص بدمشق و قولی بحلب وفات انیس بن مرثد بن ابی مرثد الغنوی وفات سعد بن عامر بن حذیم الجمحی در حمص وفات ابی سفیان بن حرث بن عبدالمطلب وفات صفیه بنت عبدالمطلب عمه حضرت رسول ص کشته شدن مظهر بن رافع الانصاری بدست قومی از یهود خیبر که سبب جلای عمر آنها را همین بود **اروپا** غزاء ابو بحریه عبدالله بن قیس در ارض روم و فتح کردن و غنایم و اسیر آوردن مردن هرقل و سلطنت پسر او در قسطنطنیه و بعضی فوت هرقل را در سال بیست و یک نوشته اند شش هفته بعد از فتح اسکندریه

افریقیا رفتن عمرو بن العاص و زبیر بن العوام بجانب مصر و مقاتله و تلاقی عساکر اسلام با جنود مصر و مقوقس در عین الشمس و انهزام مصریان بجانب مصر و فرار مقوقس بجانب اسکندریه محاصره مسلمین و بالا رفتن زبیر بن العوام بر سور مصر و مشاهده مصریان و راضی شدن بصلح و بیرون آمدن رؤسا و مصالحه نمودن بدادن جزیه و خواهش ابو مریم و ابو مریام از عمرو بن عاص رد اسرا او فرستادن نزد عمر خبر فتح و خمس غنایم را رفتن عمرو بن العاص بطرف اسکندریه و ملاقات عساکر اسلام با جنود اسکندریه بین راه و مقاتله شدید با انها و بقتل رسانیدن بسیاری از انها و انهزام انها باسکندریه و اظهار کردن مصالحه تا مدت معینه و قبول نکردن عمرو بن العاص و محاصره نمودن اسکندریه که پس از چهار ده ماه محاصره در اواخر این سال مفتوح شد و کتابخانه سلاطین از طایفه بطلمیوس که بهترین کتابخانه های عالم بود بحکم عمرو بن عاص سوخته شد و فتح کردن انجا و ابغته و بردن غنایم بسیار و مصالحه انها با عمرو بن عاص رفتن عمرو بن العاص جانب نوبه و بنا بر قولی مقاتله مسلمین با آنها و مجروح شدن بسیاری از مسلمین بسبب انکه اهل نوبه ماهر در تیر اندازی بوده اند و مراجعت مسلمین و بنا بر قول دیگر مصالحه کردن آنها قبل از مقاتله و استیذان عمرو از عمر و اجازه دادن عمر مصالحه را

۶۴۱ سنه مسیحی

۲۱ سنه هجری

آسیا فتح نهاوند موسوم بفتح الفتوح بسرداری نعمان بن مقرن المزنی که در این جنگ کشته شد بمعاونت سایب بن اقرع و مغیرة بن شعبه ثقفی و طلحة بن خویلد اسدی و قیس بن زهیر بن سعد ادی و غیرهم و بعضی این فتح را در سال نوزده و برخی در سنه بیست و جماعتی در هجده نوشته اند فتح دینور و صمیره و سیروان فتح همدان بسرداری نعیم بن مقرن و قعقاع بن عمرو فتح اصفهان بسرداری عبد الله بن عبد الله بن عتبان بمعاونت ابو موسی و غیره داخل شدن مسلمین ببلاد عجم بامر خلیفه ثانی و لایت ابو موسی در کوفه بعد از عزل شدن عمار بن یاسر و معزول شدن او نیز و لایت مغیرة بن شعبه در کوفه و بعضی این حوادث را بسال بیست و دویم نسبت داده اند فرستادن عمرو بن عاص عقبة بن نافع الفهری را بفتح زویله حج کردن خلیفه ثانی با جماعتی از مسلمین و زید بن ثابت را در مدینه جانشین خود نمودن فرستادن عثمان ابن ابی العاص جماعتی را بساحل فارس بجاربه وفات کردن صمه که از صحابه بود در اصفهان در گذشتن علاء بن الحضرمی در بحرین و مامور نمودن خلیفه ثانی ابو هریره را بجای او وفات نمودن خالد بن ولید در حمص بعضی فوت خالد را در سال بیست و سیم و برخی در مدینه نوشته اند **اروپا** آبطالیا تصرف کردن پادشاه لمبارد بعضی از نقاط را که متعلق بهرقل بود و واقع در ایالت لنکان

۶۴۲ سنه مسیحی

۲۲ سنه هجری

آسیا فتح همدان که یاغی شده بودند ثانیا بدست نعیم بن مقرن و بعضی این فتح را بدست جریر بن عبد الله و برخی بسرداری مغیرة بن شعبه نوشته اند اجتماع اهل دیلم و ری و آذربایجان برای مقاتله با عساکر اسلام و مبادرت نعیم بن مقرن بقتال با انها و شکست دادن انها در واج رود و این واقعه در عظمت معادل جنگ نهاوند بود فتح قزوین و ابهر و زنجان بدست براء بن عازب و مقاتله البراء با گیلان و طیلسان فتح ری بسرداری نعیم بن مقرن که غنایم عساکر اسلام در ری بقدر غنایم مداین بود بعضی فتح ری را بدست قرظة بن کعب نوشته اند فتح قومس و جرجان و طبرستان بدست سوید بن مقرن برادر نعیم بن مقرن فتح طرابلس غرب و برقه بدست عمرو بن عاص و مقاتله با اهل بربر و مصالحه با آنها باخذ جزیه فتح آذربایجان بسرداری بکیر بن عبد الله با معاونت سماک بن خرشة الانصاری و عتبة بن فرقد امر کردن خلیفه ثانی بعمال خود که در اخذ حقوق رعایت رسم را نمایند تا بکسی ظلم وارد نیاید فتح باب الابواب

بسرداری سراقة بن عمرو بمعاونت عبدالرحمن بن ربیعه که این همه را ذوالنور میگفتند و معاونت حذیفة بن اسید الغفاری و بکر بن عبدالله و سلمان بن ربیعة الباهلی وغیرهم فتح موقان (مغان) بدست بکر بن عبدالله و مردن سراقة بن عمرو و مقاتله عساکر اسلام با اهالی بلنجر و ترك و کشته شدن عبدالرحمن بن ربیعه سرکرده عساکر اسلام و متفرق شدن لشکر فتح خراسان بسرداری احنف بن قیس و فرار کردن یزدجرد تا فرغانه و بعضی این حوادث را بسال هیجدهم نسبت داده اند برخی گویند خراسان در عهد خلیفه سیم فتح شد فتح شهرزور و صامغان بدست عتبة بن فرقد حکومت عتبه در آذربایجان حکومت هرثمة بن عرفجه در موصل و شهرزور آرمنیا جنگ کردن معاویه در بلاد روم افریقا حمل کردن عمرو بن عاص غله زیادی از مصر بمدینه بجهت قحطی و سختی که در مدینه روداده بود و تمهید کردن راهی که از نیل بحر احمر از قدیم بود بجهت سهولت حمل و نقل غله فتح طرابلس غرب و برقه بدست عمرو بن عاص و مقاتله با اهل سبره و مصالحه با آنها باخذ جزیه که بعضی این حوادث را بسال قبل نسبت داده اند

سنه ۲۳ هجری — سنه ۶۴۳ مسیحی

آسیا فتح توج بسرداری مجاشع بن مسعود و قتال شدیدی در این محل فتح جور (فیروزآباد) و اصطخر و کازرون و نوبندگان بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی فتح شیراز و ارجان و سینیز بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی و ابوموسی فتح جنابه و جره بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی و کشته شدن شهرك از ملکزادکان عجم و پسر او در مقاتله با عثمان بن ابی العاص در نواحی فارس و بعضی این حوادث را باختلاف نوشته اند فتح شهر شاپور فتح فسا و دارابجرد بدست ساریة بن زنیم الدئلی فتح کرمان بدست سهیل بن عدی و عبدالله بن عتبان و بعضی گویند کرمان را عبدالله بن بدیل بن ورقاء الخزاعی فتح کرد فتح سجستان بدست عاصم بن عمرو و عبدالله بن عمیر و بعضی غیر از این گفته اند فتح مکران بدست حکم بن عمرو التغلبی با معاونت شهاب بن مخارق و سهیل بن عدی و عبدالله بن عبدالله بن عتبان مقاتله نمودن عساکر اسلام در بیروذ از خاك اهواز با سپاه عجم و مغلوب شدن عجم مقاتله سلمة بن قیس الاشجعی با جماعتی از اکراد و غلبه کردن سلمه حج کردن خلیفه ثانی که آخر حج او بود کشته شدن خلیفه ثانی بدست ابولؤلؤة غلام مغیرة بن شعبه در اواخر ماه ذیحجه فتح کردن معاویه عسقلان را وفات قتادة بن نعمان الانصاری وفات عویم بن ساعدة الانصاری وفات سهیل بن رافع الانصاری و واقد بن عبدالله التمیمی و ابو جندل بن سهیل بن عمرو و برادرا و عبدالله و ابوخالد الحرث بن قیس بن خالد و ابو خراش هذلی شاعر و غیلان بن سلمة الثقفی و صعب بن جثامة بن قیس اللیثی وقوع زلزله در خراسان که هفتاد روز طول کشید

سنه ۲۴ هجری — سنه ۶۴۴ مسیحی

آسیا بیعت مسلمین با خلیفه سیم در سیم محرم و بعضی چهار روز قبل از این روز را گفته اند عزل شدن مغیرة بن شعبه از ولایت کوفه و والی شدن سعد بن ابی وقاص بر این ولایت بعضی را عقیده اینست که یکسال عمالی که از جانب خلیفه ثانی در ولایات عامل بودند در عمل خود مستقل و مشغول میبودند پس از انقضای مدت یکسال خلیفه سیم آنها را عزل و نصب کرده و تغییر و تبدیل داد در صورت صحت این روایت عزل شدن مغیرة بن شعبه از ولایت کوفه از حوادث و وقایع سال بیست و پنجم میباشد در هر حال پس از عزل مغیره سعد بن ابی وقاص بجای او و ولایت یافت حج کردن خلیفه سیم با جماعتی از مسلمین بعضی گفته اند مسلمین را در این حج عبدالرحمن بن عوف بامر خلیفه سیم همراهی نمود وفات عبدالله بن کعب انصاری و سراقة بن مالك بن جعشم المدلجی و بعضی وفات سراقه را بعد از این سال نوشته اند چند فتح از فتوحات که قبل از این سنه نگاشته شد مورخین باین سال نسبت داده اند چنانکه ابن اثیر صاحب کامل التواریخ بدین مطلب اشاره نموده است و ما نیز بیان از

عبدالله بن

ابن

این اجمالا ذکری از این فقره کردیم **افریقا** عزل عمرو بن عاص از ولایت مصر و نصب عبدالله برادر رضاعی عثمان بجای او بروایت اصح و این عبدالله پسر سعد بن ابی سرح است

سنه ۲۵ هجری — سنه ۶۴۵ مسیحی

آسیا ۱ عزل سعد بن ابی وقاص از ولایت کوفه و نصب ولید بن عقبه بجای او طغیان اهل آذربایجان و مصالحه نمودن آنها ثانیا با ولید بن عقبه مقاتله عساکر اسلام با اهل ارمن و مصالحه کردن با آنها جنگ کردن معاویه با اهل روم و پس از مراجعت مامور نمودن یزید بن حر عبسی را بهمین غزوه و خراب نمودن او قلاع فیما بین طرسوس و انطاکیه را فرستادن عمرو بن عاص عبدالله بن سعد بن ابی سرح را باطراف افریقیه بامر خلیفه سیم و امداد کردن عمرو او را بعد از فتوح و اجازه یافتن عبدالله از عثمان بجهة جنگ با افریقیه فرستادن خلیفه سیم عبدالله بن عامر را بکابل و حج کردن خلیفه سیم همراهی مسلمین مقاتله جیش اسلام با رومیها و گرفتن قلاع بسیار از آنها بسرداری سلمان بن ربیعه باهلی و فتح بلقان و تفلیس و شمکور و مصالحه کردن حکمران سکر و پادشاه شیروان و سایر ملوک جبال وغیره با سلمان بدادن خراج **افریقا** خلاف و نقض اهل اسکندریه بسبب تخلف از اسلام و تدمیر آنها

سنه ۲۶ هجری — سنه ۶۴۶ مسیحی

آسیا ۱ افزودن و وسیع نمودن مسجد الحرام بامر عثمان و تجدید کردن ستونهای حرم حج کردن خلیفه سیم فتح اصطخر ثانیا بدست عثمان بن ابی العاص جنگ معاویه بن ابی سفیان در قنسرین وفات حفصه دختر عمر بن خطاب که از زوجات حضرت رسول صلعم بود و بعضی وفات حفصه را در سنه چهل و یک و برخی در سال چهل و پنج نوشته اند **افریقا** مامور شدن عبدالله بن سعد بن ابی سرح از مصر بجنگ بعضی بلاد افریقیه بامعاونت عبدالله نافع بن عبد القیس و عبدالله بن نافع بن الحرث وغیرهما و مقاتله با جرجیر ملک افریقیه که از طرابلس تا طنجه در تحت فرمان او بود و بهرقل پادشاه روم الصغری خراج میداد و فتح سبیطله از شهرهای افریقیه در نزدیکی قیروان و کشته شدن جرجیر و مقتول شدن ابو ذویب هذلی شاعر در این جنگ فرستادن عثمان عبدالله بن نافع بن الحصین و عبدالله بن نافع بن عبد القیس را بمحاربه اندلس و فتح کردن ایشان اندلس را

سنه ۲۷ هجری — سنه ۶۴۷ مسیحی

آسیا ۱ تفویض نمودن عثمان ایالت اندلس را بعبدالله بن نافع بن الحصین حج کردن عثمان

سنه ۲۸ هجری — سنه ۶۴۸ مسیحی

آسیا ۱ مزاوجت عثمان با نائله دختر فرافصه که نصرانیه بود و اسلام اختیار نمود حج کردن عثمان در این سال **اروپا** جنگ کردن حبیب بن مسلمه با رومیان در سوریه از خاک روم **افریقا** لشکر کشیدن معاویه بجزیره قبرس و مصالحه اهل این جزیره با معاویه بدادن سالی هفت هزار دینار جزیه وفات ام حرام بنت ملحان در جزیره قبرس چنانکه حضرت رسول صلعم خبر داده بودند و بعضی واقعه قبرس را در سال بیست و نه و برخی در سنه سی و سه نوشته اند در هر حال پس از فتح معاویه جماعتی را مامور کرد تا در قبرس مسجدی بسازند از مشاهیر صحابه در جنگ قبرس بسیار بودند از جمله ابوذر غفاری

سنه ۲۹ هجری — سنه ۶۴۹ مسیحی

آسیا ۱ معزول شدن ابو موسی از ولایت بصره و منصوب شدن عبدالله بن عامر بن کریز بن ربیعة بن حبیب بن عبد شمس بجای او حکمرانی عمیر بن عثمان بن سعد در خراسان که در آن صفحات تسلط تامی بهم رسانیده راند تا فرغانه حکمرانی عبدالله بن

عمیر اللیثی در سجستان که او نیز تا کابل را در تحت حکمرانی خود در آورد مامور شدن عبید الله بن معمر بمکران که تا جیحون راند مامور شدن عبد الرحمن بن عبیس بکرمان مامور شدن جماعتی بفارس و اهواز طغیان اهل فارس و فرستادن عبد الله بن عامر لشکر از بصره بتدمیر آنها و فتح کردن عساکر اسلام اصطخر و دارابجرد و جور (فیروزآباد) را و مصفی نمودن آنحدود را از طغیان یاغیان و نوشتن ابو اقعر را بعثمان و امر کردن عثمان با بنکر هرم بن حیان الیشکری و هرم بن حیان عبدی و خریت بن راشد و منجاب بن راشد و ترجمان الهجیمی را در بلاد فارس عامل نماید حکومت احنف در مرو حکومت حبیب بن قرة الیربوعی در بلخ حکومت خالد بن عبد الله بن زهیر در هرات حکومت امیر بن احمر در طوس حکومت قیس بن هبیرة السلمی در نیشابور افزودن عثمان بر مسجد حضرت رسول ص و نقل کردن گچ از بطن نخل بمدینه برای عمارت مسجد و بنا کردن آنرا با سنگهای منقوش و ستونهای آنرا سنگی نمودن و ریختن سرب در آنها و قرار دادن طول مسجد را بصد و شصت ذراع و عرض آنرا بصد و پنجاه ذراع حج کردن عثمان و سراپرده زدن در منی که اول سراپرده بود که عثمان در منی زده بود نماز را با تمام کردن که بهمین جهة شروع کردند بعضی گفتگوها در حق این خلیفه و برخی این فقره را نسبت بسال سی ام داده اند

سنه ۳۰ هجری   سنه ۶۵۰ مسیحی

آسیا ۱ عزل ولید بن عقبه از کوفه و نصب سعید بن عاص بن امیه بجای او گرفتن سعید بن عاص گرگان را صلحا و تمیشه را قتالا و در این غزا حضرت امام حسن و امام حسین ع و ابن عباس و بعضی دیگر از معارف با او بودند مقاتله حذیفة بن الیمان در باب الابواب بقصد معاونت عبد الرحمن بن ربیعه ملاحظه اختلاف در نسخ قرآن و امر کردن عثمان باستنساخ نسخ چند از روی نسخه که بخط این خلیفه در پیش حفصه دختر عمر بود و پس از استنساخ منتشر نمودن این نسخه ها و ناپدید کردن آن نسخه ها که با یکدیگر اختلاف داشتند افتادن خاتم حضرت رسول ص در چاه اریس که واقع در دو میل از شهر مدینه بود از دست عثمان و پیدا نشدن آن و ساختن خاتمی بشکل آن برای مهر کردن نامه که آن نیز در مقتول شدن عثمان مفقود شد فرستادن معاویة ابا ذر را از شام بمدینه و خواهش کردن ابو ذر از عثمان رفتن و اقامت کردن در ربذه را و قبول شدن این خواهش وفات حاطب بن ابی بلتعه اللخمی وفات عمرو بن ابی سرح الفهری فوت مسعود بن ربیع یا ابن ربیعة بن عمرو وفات عبد الله بن کعب بن عمرو الانصاری درگذشتن عبد الله بن مظعون برادر عثمان فوت دحیه کلبی صحابی بقولی

سنه ۳۱ هجری   سنه ۶۵۱ مسیحی

آسیا ۱ بعضی فتح ارمینیه را بدست حبیب بن مسلمه در اینسال یعنی در سال سی و یکم نوشته اند هلاک شدن یزدجرد آخرین پادشاه عجم از سلسلهٔ ساسانی در مرو در خانه شخص آسیابانی و دفن کردن یکی از روسای مذهبی نصاری او را و ساختن حظیره برای قبر او و منقرض شدن دولت عجم بهلاکت یزدجرد که بیست سال سلطنت کرده بود چهار سال با آسایش و شانزده سال در زد و خورد با عساکر اسلام لشکر کشیدن عبد الله بن عامر بخراسان و فتوحات او در اینسفر صلحا و قهرا از اسفراین و طبسین صلحا قهستان صلحا زام و باخرز و جوین از اعمال نیشابور بیهق بشت از اعمال نیشابور خواف اسفراین ارغیان نیشابور نساء ابیورد سرخس طوس هرات بادغیس بوشنج مرو سواجرد مرورود طخارستان و غیرها در همین سفر اهالی جوزجان و طالقان و فاریاب با جمعیت زیادی با عساکر اسلام مقاتله شدیدی نموده مغلوب شدند و چون اسلام جوزجان را قهرا بگرفتند و طالقان و فاریاب و بلخ را نیز فتح کردند و لشکر اسلام بخوارزم رفته ولی بی نیل مرام معاودت کرد و ابن عامر پس از این فتوحات لشکر خود را از نیشابور بعزم حج محرم و روانه شد فتح کرمان و ولایات این ایالت از سیرجان و جیرفت و غیره بسرداری مجاشع بن مسعود سلمی بحکم عبد الله بن عامر فتح سجستان و کابل و بلاد این نواحی

بمأموریت ربیع بن زیاد حارثی از جانب عبدالله بن عامر فتح کردن معاویه والی شام جزیرهٔ بُرُدُس را و شکستن مجسمه برنجی که از دویست و هشتاد سال قبل از حضرت عیسی در این جزیره برپا شده و یکی از هفت عجایب عالم بود حج کردن عثمان فوت ابودرداء انصاری که بعضی در سال سی و دویم نوشته اند فوت ابوطلحه انصاری که نیز بعضی در سال سی و دویم نوشته اند و برخی در سال پنجاه فوت ابواُسید الساعدی که بعضی در سال شصتم نوشته اند فوت ابوسفیان بن حرث بن عبدالمطلب بن هاشم و برادر رضاعی و ابوطفیل و ابوسفیان بن حرب بن امیه در هشتاد و هشت سالگی **اروپا** وقوع غزوهٔ صواری یعنی لشکرکشیدن قسطنطین بن هرقل بمقاتلهٔ مسلمین که با پانصد یا ششصد فروند کشتی حامل قشون او بود بمدافعه و بازپس گرفتن ممالکی که از افریقیه و غیره از تصرفشان خارج شده بود و مقاتلهٔ لشکر شام که در تحت حکمرانی معاویه بود بامعاونت عساکر مصر و اسکندریه که در تحت عبدالله بن سعد بن ابی سرح و مجموعاً چهل سفینه بودند ایشان را و تلاقی فئتین در میان دریا در محل موسوم بذات الصواری و قتال شدید و فتح عساکر اسلام و زخمی شدن قسطنطین و فرار او که پس از وصول بصقلیه نصاری از وی بجهت او را هلاک کردند گویند در این غزوه محمد بن ابی بکر با تابعین خود در مصالح جهاد سخنها می راندند که بمیل عبدالله بن سعد نبود عبدالله آنها را منع کرد و این فقره سبب شد که آن جماعت با فشای مثالب عثمان بپرداختند و گفتند بر خلاف سنت حضرت رسول و شیخین رفتار کرده از جمله عبدالله بن سعد را که حضرت رسول حکم بقتل او کرده بودند و قرآن بکفر او نازل شده عثمان او را حاکم ممالک اسلام مینماید و دیگر اینگونه گفتگوها از این وقت باز شد و بعضی غزوهٔ صواری را در سال سی و چهارم نوشته اند

سنه ۳۲ هجری — سنه ۶۵۲ مسیحی

آسیا رفتن عبدالرحمن بن ربیعه بغزوهٔ بلنجر و کشته شدن او و جمعی کثیر از عساکر اسلام و متفرق شدن آنها بباب الابواب و گیلان و گرگان وفات ابوذر در ربذه و بعضی وفات ابوذر را در سال سی و سیم نوشته اند طغیان قارن که یکی از امراء بزرگ عجم بود در خراسان و مقاتلهٔ او با عساکر اسلام و غلبه کردن عبدالله بن حازم بر او که بدینواسطه ایالت خراسان ابن حازم را شد و قیس بن هیثم از این شغل معاف گردید وفات عباس رضی الله عنه عم حضرت رسول در هشتاد و هشت سالگی فوت عبدالرحمن بن عوف در هفتاد و پنج سالگی فوت عبدالله بن مسعود فوت عبدالله بن زید بن عبد ربه **اروپا** گویند در این سال معویة بن ابی سفیان در تنگه قسطنطنیه جنگ کرده و زوجه او عاتکه دختر قرظه و بروایتی زوجه او فاخته همراه او بود

سنه ۳۳ هجری — سنه ۶۵۳ مسیحی

آسیا رفتن احنف بن عبدالله بخراسان و فتح مرو رود و بعضی رفتن عبدالله بن عامر را بخراسان با وقایعی که از او در طی سال سی و یکم مسطور شد نسبت باین سال داده اند و بعضی فتح قبرس را که نیز پیش ذکر شد از وقایع این سنه دانسته اند جماعتی برآنند که قبرس در سال بیست و هشتم فتح شد ولی در سال سی و دویم جمعی از رومیها مسلمین را ببیرون کرده اسباب جنگ بحر تنگ کرده و معاویه در سال سی و سیم قبرس را بغلبه فتح کرد و آنها را بساختن مساجد و شهری واداشت جماعتی این جنگ آخری را بسال سی و پنجم نسبت داده اند نامه نوشتن سعید بن عاص و بعضی از اشراف کوفه بعثمان و اخبار نمودن او باینکه مالک بن حارث نخعی مشتهر باشتر و ثابت بن قیس و زید بن صوحان و صعصعة بن صوحان و عروة بن عدی و کمیل بن زیاد و غیره زبان بطعن و عیب او گشوده اند و انذار بظهور فساد و حکم کردن عثمان بفرستادن آن جماعت بشام نزد معاویه و امر کردن معاویه را بنصیحت آنها و قبول نکردن آن نصایح را و حکم کردن خلیفه بفرستادن آنها بحمص

نزد عبد الرحمن بن خالد تازی نجبر ایشان را نرم کند و حج کردن عثمان فوت مقداد بن عمرو معروف بمقداد بن اسود صاحب رسول الله صلعم وفات طفیل و حصین پسران حرث بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف و بعضی فوت اینها را در سال سی و یکم و برخی در سی و دوم نوشته اند **اروپا** جنگ معاویه در حصن مرأة از خاک روم در ناحیهٔ ملطیه و کرپان **افریقا** جنگ عبد الله بن سعد در افریقیه تا بنا بجهة عصیان آنها

سنه ۳۴ هجری   سنه ۶۵۴ مسیحی

آسیا زیاد شدن رنجش مردم از عثمان و شاکی شدن از او بواسطهٔ ولات و عمال او و مناصبی که باقوام و عشیرهٔ خود از بنی امیه میداد و عطایای وافره که بآنها بذل میکرد و تغییب او از اخراج نمودن بعضی از صحابه و مسلمین را از اوطان خود عزل سعید بن عاص از امارت کوفه و نصب ابو موسی اشعری بجای او محض خواهش و استرضای مردم گفتگوی مردم با علی بن ابیطالب ع در باب اعمال عثمان و ظلم و جور بنی امیه نسبت بمسلمانان و رفتن آنحضرت بخانهٔ عثمان و نصیحت کردن او و ثمر نکردن و اصرار مروان بن حکم در خرابی کار و ابرام علی بن ابیطالب علیه السلام در اطفاء نایرهٔ فساد و فراهم آمدن مقدمهٔ قتل عثمان وفات کعب الاحبار که کعب بن ماتع باشد وفات ابو عبس عبد الرحمن بن جبر الانصاری فوت مسطح بن اثاثة المطلبی و برخی گویند مسطح در جنگ صفین زنده و حاضر بود فوت عبادة بن صامت الانصاری وفات عاقل بن بکیر

سنه ۳۵ هجری   سنه ۶۵۵ مسیحی

آسیا آمدن جماعتی از مصر بشکایت بمدینه و جماعتی از کوفه نیز همچنین و همچنین از بصره و طغیان و شورش بر عثمان و استمداد عثمان از اهالی بلاد و امصار و عزیمت جمعی بمعاونت و امداد او و اشتعال نایرهٔ فساد بشدت و گرفتن دور خانهٔ عثمان را و او را تقریباً چهل روز در سند محاصره داشتن و فرستادن علی بن ابیطالب علیه السلام آب برای عثمان و حسنین علیهما السلام را برای دفع شرار او مقتول شدن عثمان در خانهٔ خود در ماه ذیحجهٔ اینسال در حالتیکه قرآن مجید در نزد یکی او گذاشته بود و ریختن خون او بر صفحهٔ کلام الله برروی آیهٔ شریفهٔ فسیکفیکهم الله و مورخین در قاتل عثمان اختلاف کرده اند بعضی گویند قاتل عثمان سودان بن حمران بوده برخی کنانة بن بشر التجیبی را گفته اند بعقیدهٔ بعضی غافقی و قتیره بزعم دیگران ومان بن سرحان قاتل عثمان بوده ظاهراً اینجمله مدخلیت و مشارکت در اینعمل داشته و عمرو بن الحمق پس از مجروح شدن عثمان بنه ضربت کار او را تمام کرده است در روز وقوع این واقعه نیز اختلاف است بعضی در هیجدهم ذیحجه و زمرهٔ در ایام التشریق اینماه نوشته اند بیعت مسلمین با علی بن ابیطالب علیه السلام روز بیست و پنجم یا بیست و ششم ذیحجه **اروپا** در اینسال قسطنطین بن هرقل با صد کشتی قشون متوجه قتال مسلمین شد ولی طوفان شدید سفاین او را غرق کرده خود او نجات یافت و مراجعت کرده و در صقلیه در حمام بکشتند بعضی این واقعه را نسبت بسال سی و یکم داده اند در اینصورت واقعه همان غزوهٔ صواری است که در سال سی و یکم ذکر شد برخی نیز در سال دیگر نوشته اند ولی اصح روایات اینست که در اینسال معویه والی شام که مصمم تسخیر قسطنطنیه بود در سواحل لیسی با سفاین جنگی قسطنطین تلاقی نموده جنگ سختی بحری روی داد و معویه غلبه کرده فتح نمود

سنه ۳۶ هجری   سنه ۶۵۶ مسیحی

آسیا قبول کردن ابو موسی والی کوفه و اهل کوفه بیعت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را آمدن اشراف یمن بمدینه بتهنیت آنحضرت و قبول بیعت نمودن عزیمت علی بن ابیطالب علیه السلام بر عزل عمالیکه از جانب عثمان بر سر عمل بودند و منع کردن مغیرة بن شعبه آنحضرت را از اینعمل بتخصیص از عزل معویه والی شام و تصدیق کردن عبد الله بن عباس کلام مغیره را و ابای آنحضرت

ازقبول این گفتار و در کار داشتن عاملین جور عزیمت عایشه پس از حج از مکه بمدینه و استماع خبر قتل عثمان در نزدیکی مدینه
و مراجعت بمکه بجهة تحریض و خونخواهی و انتقام از قاتلین عثمان منصوب شدن سهیل بن حنیف بولایت شام و رفتن او تا حوالی
شام و استقبال کردن لشکر معاویه او را و اظهار عدم رضایت از خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام مأمور شدن قیس بن سعد بن
عباده بولایت مصر و پذیرفتن مصریها او را منصوب شدن عبیدالله بن عباس بولایت یمن و معزول شدن یعلی بن منیه تمیمی
از این ولایت و نقل کردن حبس و نقد این ولایت را از بیت المال بمکه مأمور شدن عثمان بن حنیف بحکومت بصره و گریختن عبدالله بن
عامر حاکم سابق بصره بمدینه منصوب شدن عمار بن هشام بولایت کوفه و آمدن تا حوالی این ولایت و بازگردانیدن طلحه و
قعقاع او را بمدینه بعنوان اینکه ابوموسی اهل کوفه را با خود متفق ساخته و در طلب خون عثمان است داخل شدن تو بکوفه
مصلحت نیست درخواست طلحه ولایت بصره را از حضرت امیرالمؤمنین ع و درخواست زبیر ولایت کوفه را و بعمل نیامدن مسئول
آنها و رنجیدن و پس از چندی اجازه عمره خواستن و بهمراهی عبدالله بن عامر بمکه رفتن بقصد افساد و پیوستن جماعتی
از بنی امیه و عایشه و ملحق شدن یعلی بن منیه بآنها و مظاهرت او آنها را بواسطه وجوهی که از بیت المال تصرف کرده بود
و رفتن آنها با عساکر و تهیه و همراهی عایشه ببصره بجهة مخالفت با امیرالمؤمنین ع و نوشتن ام سلمه و ام الفضل بنت الحارث
ماجرا را بحضرت امیرالمؤمنین ع و بیرون شدن آنحضرت بقصد بصره و دفع مواد شر و فتنه و مقاتله طلحه و زبیر با عثمان بن حنیف
که از جانب امیرالمؤمنین علی ع حکومت بصره داشت و رفتن حضرت امام حسن ع و مالک اشتر بکوفه بجهة استمداد و آمدن
چندین هزار نفر از لشکر کوفه بامداد حضرت امیرالمؤمنین ع و پیوستن آنها بآنحضرت در موضع ذی قار و پیوستن عساکر
یمن و غیره بقولی بآنحضرت و آمدن ببصره و درگرفتن جنگ معروف بجنگ جمل (زیراکه عایشه در این جنگ بر شتر سوار بود)
در موضع خریبه که موضعی است در بصره در دهم جمادی الآخره اینسال و کشته شدن طلحه در این جنگ بتیر مروان حکم
و پشیمان شدن زبیر از فراهم آمدن اسباب جنگ با امیرالمؤمنین ع و رفتن او بوادی سباع و کشته شدن در آنجا بدست
عمرو بن جرموز فتح کردن عساکر امیرالمؤمنین ع در جنگ جمل مراجعت عایشه بمدینه بحکم امیرالمؤمنین ع منصوب شدن
عبدالله بن عباس بولایت بصره عزیمت امیرالمؤمنین علیه السلام از بصره بکوفه روز شنبه شانزدهم رجب و ورود بکوفه از
وقایع اینسال بعقیده ابن اثیر قصد کردن خوارج است سجستان را باین معنی که پس از جنگ جمل حسکه بن عتاب الحبطی و عمران
ابن الفضل البرجمی با جمعی بسیر و پایان عرب بسجستان آمده استقلالی در اینجا بهم رسانیدند مؤلف گوید خوارج بعد از
جنگ صفین پیدا شدند بهرحال امیرالمؤمنین ع عبدالرحمن جرو الطائی را بدفع ایشان مأمور فرمود آنها او را بکشتند
بعدها آنحضرت بعبیدالله بن عباس نوشتند شخصی را بولایت سجستان بفرستد او ربعی بن کاس عنبری را با حصین بن ابی
الحر عنبری فرستاد تا حسکه را کشتند و ولایت را ضبط کردند رسالة التطرقاح از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام بمعاویه
کشته شدن محمد بن حذیفه از دوستداران امیرالمؤمنین ع بدست هواخواهان معاویه پس از اسیر شدن بدست
لشکری که بهمراهی عمرو بن عاص در عریش با او تلاقی نمودند و او را گرفته بردند بشام و حبس کردند و بعضی گفته اند محمد بن
حذیفه در جنگ صفین زنده بوده است حکومت قیس بن سعد در مصر بفرمان امیرالمؤمنین ع که بعد عزل شد و محمد بن
ابوبکر بجای او برقرار گردید و او بمدینه بازگشت و با خلوص تمام خود را در صفین بخدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسانید
رفتن عمرو بن عاص با عبدالله و محمد پسران او از فلسطین بشام و اتفاق نمودن با معاویه آمدن ماهویه پسر مرزبان مرو خدمت
امیرالمؤمنین ع بعد از وقعه جمل و اقرار کردن بصلح و فرمان دادن حضرت امیرالمؤمنین ع باو برای حکمرانی مرو و اخذ
و طغیان اهالی آن نواحی بر او و فرستادن امیرالمؤمنین ع خلید بن قره یا طریف الیربوعی را بنظم خراسان فرمان امیرالمؤمنین ع

جریر بن عبد الله بجلی که حاکم همدان از جانب عثمان بود و با شعث بن قیس که او نیز از جانب عثمان حکومت آذربایجان داشت با
بیعت حاضر شدن آن دو یکو فرخدمت حضرت و فرستادن جریر را با نامه بشام نزد معاویه و طلب بیعت کردن و مماطله معاویه در جواب
جریر و مشاوره با عمرو و برانگیختن عمرو او را بجنگ با امیر المؤمنین ع بعنوان الطلب خون عثمان و برانگیزانیدن معاویه اهل شام را
بمقاتله و مراجعت نمودن جریر بکوفه و اخبار از حالت معاویه و اهل شام و مکاتبات متعدده که فیمابین امیر المؤمنین علیه السلام
و معاویه اتفاق افتاد مأمور شدن جمعی بری و قزوین و سرداری ربیع بن خثیم عزیمت امیر المؤمنین ع بشام و مقاتله با معاویه و
فرستادن زیاد بن نضر حارثی را با هشت هزار نفر بطور مقدمة الجیش و فرستادن شریح بن هانی را بعد ها با چهار هزار نفر
و تجهیز کردن از مداین و سعد بن مسعود عم مختار بن ابی عبیده ثقفی را والی مداین نمودن و فرستادن معقل بن قیس را با سه
هزار نفر از راه موصل و امر کردن که چون برقه رسیدند اهالی را بر آن بدارند که جسری به بندند که از آن جسر عبور نموده براه شام
بروند رسیدن زیاد بن نضر و شریح بن هانی بسور الروم و ملاقات با ابو الاعور سلمی و قشون شام که از جانب معویه آمده بودند
و خبر فرستادن با امیر المؤمنین ع و فرستادن حضرت مالک اشتر را بمعاونت آن دو و محاربه با شامیان و بازگشت شامیان نزد
معاویه و حرکت کردن معاویه با لشکر خود و صفین را که در نزدیکی فرات است معسکر خود قرار دادن و رسیدن امیر المؤمنین و همراهان
آنحضرت بصفین نصرت جیش معاویه پیش از وقت راه شریعه فرات را که دیگر شریعه در آن نواحی نبود که عساکر امیر المؤمنین ع
راسیراب کند و حکم کردن معاویه جماعتی را با ابی الاعور که عساکر امیر المؤمنین علیه السلام را از آب ممنوع نماید و شنیدن امیر المؤمنین
اینخبر را و حکم دادن که مالک و جمعی با مخالفین بر سر آب مقاتله کنند و داوطلب شدن اشعث بن قیس کندی بمقاتله آنها و قتال
کردن و فرستادن معاویه یزید بن اسد بجلی و شریحی را با جماعتی بامداد ابی الاعور و فرستادن امیر المؤمنین ع شبث بن ربعی را با
امعاونت عساکر خود و اشتداد نایره حرب و فرستادن معاویه عمرو بن عاص را با لشکر زیادی بمدد ابی الاعور و یزید بن اسد
و فرستادن امیر المؤمنین ع اشتر را با عساکر بسیار بکمک اشعث و شبث و عظیم شدن جنگ و قتل و فتک عساکر امیر المؤمنین ع
جلو آب را از قشون طرف مقابل خالی کردن . بعد از آنکه شریعه را عساکر امیر المؤمنین ع متصرف شدند آنحضرت آب را
بر مخالفین مبذول داشتند فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام ابو عمرو بشیر بن عمرو بن محصن الانصاری و سعید بن قیس
همدانی و شبث بن ربعی تمیمی را نزد معاویه بنصیحت و این در اول ذیحجه بود و نپذیرفتن معاویه نصیحت آنها را و پس از آن
دسته دسته از جانبین عساکر مأمور میشدند و جنگ میکردند و همه روزه ماه ذیحجه بجنگ گذشت و بسا بود که
یکروز دو مرتبه جنگ میکردند هم در اینسال حذیفة بن یمان قبل از جنگ جمل وفات کرد و سلمان فارسی نیز در گذشت
در سن دویست و پنجاه سالگی و بعضی عمر سلمان را سیصد و پنجاه نوشته اند وفات عبد الله بن سعد بن ابی سرح در
عسقلان درحالتیکه با معاویه بیرون آمده بود بعزم صفین و کراهت داشت از اینکار فوت عبد الرحمن بن عدیس
البلوی وفات قدامة بن مظعون الجمحی فوت عمرو بن ابی عمرو بن ضنة الفهری ابو شداد حکومت یزید بن حجیه تمیمی در ری
که متصرف و معزول و محبوس شد و از حبس بشام نزد معاویه فرار کرد **اروپا** محاصره قسطنطنیه

سنه ۳۷ هجری — سنه ۶۵۷ مسیحی

آسیا از وقایع عمده اینسال جنگ صفین است و اسامی امراء امیر المؤمنین علیه السلام از اینقرار بوده سلیمان بن صرد الخزاعی
حارث بن مرة العبدی عمرو بن الحمق حصین بن المنذر احنف بن قیس نعیم بن هبیره جاریة بن قدامة عتبة بن الشداد ابو ایوب الانصاری
ابو الهیثم بن التیهان نقیب رسول الله ص عدی بن حاتم عمرو بن عطارد جندب بن زهیر خالد بن معمر شبث بن ربعی سعد بن
قیس عبد الله بن طفیل ... و ... حنظلة ... قیس ... سعد ... عباده انصاری شداد الهانی قاسم بن حنظله قیس الجهنی عمرو بن مرثد

مالک بن حارث الاشتر النخعی سعد بن مسعود الثقفی زیاد بن النضر شریح بن هانی معقل بن قیس قبیصة بن شداد عمار بن
وابله حارث بن نوفل زید بن صعصعة بن صوحان عمرو بن جبله اعین بن ضبیعه رویم بن البثان حصیان بن تمیم حجر بن
عدی خزیمة بن جابر عمار یاسر که سرکردهٔ جمیع سواران بود و عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی که سرکردهٔ جمیع پیادهها
بود و اشعث بن قیس که میمنه لشکر بدو سپرده شده بود و عبدالله بن عباس که میسره او را بود و هاشم بن عتبة بن
ابی وقاص که حامل لوای اعظم بود و سرکردکان و سرهنگان معاویه نیز از انفراد بودند ضحاک بن قیس ذو الکلاع حمیری
زفر بن الحارث سفیان بن عمرو مسلمة بن خالد بشیر بن ارطاة حارث بن خالد همام بن قبیط حوشب ذی ظلیم حسان بن
بجدل مالک بن ربیعه عابد بن زبیر بن بهره یزید بن اسد طریف بن خالد همانی بن عمیر مخارق بن حارث قاتل بن
قیس حمزة مالک قعقاع بن ازهر عمرو بن العاص هلال بن ابی هبیره ابو الاعور یزید بن امیه و عبدالله بن العاص که سرکردهٔ
جمیع سواران بود و مسلم بن عقبه که سرکردهٔ مجموع پیادگان بود و عبیدالله بن عمر بن خطاب که بر میمنه بود و حبیب بن
مسلمه که میسره را داشت و عبدالرحمن بن ولید که حامل رایت بود مقاتله عساکر امیرالمؤمنین علیه السلام و سپاه معاویه
بکرات و شجاعتها که از شخص امیرالمؤمنین ع بظهور رسید و رشادت مالک اشتر و غیره کشته شدن عبیدالله بن عمر بن
خطاب بدست یکی از بنی ربیعه کشته شدن عمار یاسر و مرثیه گفتن امیرالمؤمنین ع برای او و شهادت اویس قرنی و خزیمة بن
ثابت ذو الشهادتین و عبدالله بن بدیل خزاعی و هاشم بن عتبة بن ابی وقاص و ابو الهیثم بن التیهان و یعلی بن منیه کشته
شدن ذو الکلاع حمیری و حوشب بن ذی ظلیم از سرکردگان معاویه تکرار فرار دسته‌ها لشکر معاویه فتور و ضعف لشکر
معاویه بامیرالمؤمنین ع و طلب مصالحه کردن و استدعای حکومت شام و معاف بودن از بیعت با امیرالمؤمنین ع و جواب
نوشتن آنحضرت و رد کردن مسئولات معاویه را آخرین جنگ صفین که دیل قتال وسیع شده شبانروز را نیز تا صبح دیگر
طرفین بمحاربه مشغول بودند و چندین هزار نفر از طرفین بقتل رسیدند و مقتولین طرف معاویه باضعاف مضاعف بودند که
این واقعه بلیلة الهریر موسوم شد مهیا شدن عساکر امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از وقعهٔ لیلة الهریر و مصاحف بر سر
سنان نمودن شامیان بتمهید و حیله عمرو بن عاص و تفریق کلمه میان عساکر امیرالمؤمنین ع و ابرام بعضی از ایشان که امیرالمؤمنین
که باید دعوت معاویه را اجابت کرد و این جماعت بعد از این معروف بخوارج شدند مقرر شدن امر بتعیین دو نفر حکم که یکی
از جانب امیرالمؤمنین ع باشد و یکی از جانب معویه و امر خلافت را فیصل دهند و بعد ها در دومة الجندل که موضعی است
در میان عراق و شام درین باب گفتگو کنند و جمع کثیری همراهی این دو مامور شدند مصالحه کردن فریقین و بازگشت
امیرالمؤمنین بکوفه و عود معاویه بشام و در ایام غیبت امیرالمؤمنین ع از کوفه ابو مسعود انصاری در انجا ولایت جانشین
آنحضرت بود جمع شدن حکمین و همراهان آنها در دومة الجندل و فریب دادن عمرو بن عاص ابو موسی را و اختلاف یافتن
مردم حکومت مالک اشتر در ولایت جزیره و مقاتله با ضحاک بن قیس که از جانب معاویه در آنجا بود و غلبه مالک با وجود
کمکی که معاویه برای ضحاک فرستاده بود و رفتن مالک بتسخیر رقه و استیلای او و این واقعه قبل از جنگ صفین بود
و پس از جنگ صفین باز مالک بمحل حکمرانی خود رفت رنجیدن خوارج از اینکه امیرالمؤمنین ع رضا داده است که
ابو موسی از جانب آنحضرت حکم شده و شاد شدن آنها پس از وصول خبر حکمین بوجه مسطور و خواهش کردن از
امیرالمؤمنین ع که نقض عهد فرماید و بجنگ مخالفین قیام نماید و قبول نکردن آنحضرت و متفق شدن خوارج بر
مخالفت امیرالمؤمنین ع و بیعت کردن با عبدالله وهب بن الراسبی که یکی از بزرگان اینقوم بود و نامه نوشتن بخوارج بصره
و میعادگاه قرار دادن کنار جسر نهروان را برای اجتماع در آن محل بقصد امر بمعروف و نهی از منکر و قبول خوارج

ونامه نوشتن او

ومعین شدن ابوموسی اشعری از جانب امیرالمؤمنین ع و عمرو عاص از جانب معاویه

بصره دعوت خوارج که نزد او بودند من آنجماعت یک یک و دو دو از کوفه بطرف میعادگاه و پیوستن خوارج بصره بانها و فراهم آمدن جمعیت و نامه نوشتن امیرالمؤمنین علیه السلم بعبدالله وهب و یزید بن الحصین بزرگ خوارج و دعوت نمودن آنها باتفاق با آنحضرت و جواب نوشتن آنها برخلاف صواب و شرارت کردن خوارج در سواد عراق و کشتن بعضی از دوستان امیرالمؤمنین ع را و عزیمت آنحضرت قتال معویه را و پس از استماع خبر خوارج فسخ آن عزیمت کردن و متوجه دفع شر آنها شدن و پس از نزدیک شدن دو فرقه بهم فرستادن عبدالله بن عباس و ابوایوب انصاری را بلشکرگاه خوارج بموعظه آنها و قبول نصیحت نکردن آنها و نصیحت کردن امیرالمؤمنین علیه السلم بنفس مقدس خود آنها را و محاجه با عبدالله بن الکوا و غلبه بر او بدلیل که اینمعنی نیز در مزاج خوارج مفید نیامد مهیا شدن جانبین برای حرب گذاشتن امیرالمؤمنین ع حجر بن عدی را بر میمنه و شبث بن ربعی را بر میسره و دادن سرکردگی جمیع سواران را با بو ایوب انصاری و سرکردگی جمیع پیادگان را با بو قتاده و دادن خوارج میمنه لشکر خود را بیزید بن حصین و میسره را بشریح بن ابی اوفی العبسی و ریاست سواران را بحرقوص بن زهیر السعدی و سرکردگی پیادگان را بعبدالله بن الکوا و فرمان امیرالمؤمنین علیه السلم که هر که بجانب من آید یا بطرف کوفه رود و ترک جنگ گوید ایمن باشد و رفتن فروة بن نوفل الاشجعی از رؤسای خوارج با پانصد نفر از متابعین خود بطرف کوفه و ملحق شدن جمعی دیگر از خوارج بلشکر امیرالمؤمنین ع و متابعت کردن در گرفتن جنگ و کشته شدن رؤسای خوارج و متابعین آنها چنانکه تقریبا از چهار هزار مرد جنگی زیاده از نه نفر زنده نماند و دو نفر از این نه نفر بخراسان رفته و از خراسان بسیستان آمده و خوارج سجستان منتسب باین دو نفر میباشند گویند در این جنگ از عسکر امیرالمؤمنین ع بیش از نه نفر یا هفت نفر کشته نشد این است جنگ مارقین چنانکه جنگ صفین را جنگ با قاسطین گویند و جنگ جمل را جنگ با ناکثین بعضی گویند جنگ با مارقین در سال سی و هشتم بود مراجعت امیرالمؤمنین علیه السلم بکوفه و خواندن مردم را بجهاد و مقاتله با معاویه و اقدام نکردن آنها مگر معدودی و صورت نگرفتن این قصد فرستادن امیرالمؤمنین ع در اینسال جعدة بن هبیره المخزومی را بولایت خراسان بعد از معاودت از صفین و رفتن او تا نیشابور و مخالفت اهل انولایت با او و باز گشتن او بخدمت آنحضرت و فرستادن خلید بن قرة الیربوعی را بانولایت که آنها را محاصره کرد تا مصالحه نمودند و مصالحه کردن مرزبان با او و حج کردن عبیدالله بن عباس که از جانب امیرالمؤمنین ع حکمران یمن بود و حکومت قثم بن عباس در اینسال بر مکه و طایف و حکومت سهل بن حنیف در مدینه و محمد بن ابی بکر در مصر فوت خباب بن الارت فوت سهل بن حنیف انصاری بقولی وفات صهیب بن سنان و صفوان ابن بیضا فوت عبدالله بن سعد بن ابی سرح در عسقلان فجاةً

سنه ۳۸ هجری — سنه ۶۵۸ مسیحی

آسیا از وقایع اینسال کشته شدن محمد بن ابی بکر است در مصر تبیین آنکه چون بعد از عزل قیس بن سعد بن عباده محمد بن ابی بکر ولایت مصر یافت با هواخواهان عثمان که در سلک اطاعت امیرالمؤمنین علیه السلم در نیامده بودند بر خلاف مصلحت جنگ کرد و وهنی در کار او پدیدار آمد و شخصی بود در مصر موسوم بمعاویة بن حدیج و دشمن امیرالمؤمنین ع پس از قصه حکمین با جمعی اوباش همدست شده بعنوان طلب خون عثمان بنای طغیان گذاشت محمد واقعه را بعرض امیر المؤمنین ع رسانید حضرت مالک اشتر را که در جزیره حکومت داشت از نصیبین طلبیده و ولایت مصر دادند که بدان ساخت فتنه اطفای نایره فساد نماید و مالک روانه شد معاویه این خبر را شنیده متوحش گردید و دهقانی را بر آن داشت که در عرض راه مالک را مسموم کرد و بسرای جاوید رسانید امیرالمؤمنین ع نامه بمحمد نوشتند و او را بجدّ بحکومت مصر و مدافعه مخالفین امر فرمودند و چون مهم خوارج حضرت را مشغول ساخت معاویه فرصت یافته عمرو عاص را

که وعدهٔ حکومت مصر داده بود با شش هزار نفر بر سر محمد فرستاد و عمرو عاص همعاویة بن حدیج پیوست و او را بجنگ محمد فرستاد و بعد از محاربه محمد تنها ماند معاویة بن حدیج او را کشته و جسد او را در شکم اسبی یا حماری نهاده بسوخت و عمرو عاص داخل مصر شده بی منازع مشغول حکمرانی گردید و در این واقعه امیر المؤمنین ع نتوانستند لشکری بکمک محمد فرستند و لی عساکر کوفه اقدامی نمودند فرستادن معویه عبد الله حضرمی را بتسخیر بصره و مختفی شدن زیاد بن ابیه که از جانب ابن عباس کارگذار آن ولایت بود و فرستادن امیر المؤمنین ع اعین بن ضبیعة المجاشعی را بجنگ عبد الله حضرمی و کشته شدن او و فرستادن امیر المؤمنین جاریة بن قدامه را بجنگ مغلوب کردن او عبد الله را و محصور شدن در قصری و سوزانیدن جاریه آن قصر را با هر که در او بود اظهار مخالفت خریت بن راشد الناجی با امیر المؤمنین ع بجهة راضی شدن انحضرت بحکمین و بیرون شدن از کوفه با متابعینش و تعاقب کردن زیاد بن خصفة البکری او را بجهة برگردانیدن او و مقاتله خریت و زیاد در نفر بار درجا باره رفتن خریت با هواز و زیاد ببصره و فرستادن امیر المؤمنین ع معقل بن قیس را با دو هزار نفر بمحاربه خریت و نوشتن آنحضرت بابن عباس که شخص شجاعی را با دو هزار نفر ممد معقل سازد و جمع آمدن اجامره و اوباش عرب و عجم بر خریت و ملاقات معقل و خریت در یکی از کوههای رامهرمز و فرار خریت بعد از مقاتله شدید بسواحل دریا که در آنجا از کسان او بسیار بودند و دعوت کردن مردم را بمخالفت امیر المؤمنین ع و رفتن معقل بفرمان امیر المؤمنین ع بتعاقب او و وقوع محاربه و کشته شدن خریت بدست نعمان بن صهبان الراسبی خروج اشرس بن عوف شیبانی در دسکره و رفتن بانبار و فرستادن امیر المؤمنین ابرش بن حسان را بمدافعه او و کشته شدن اشرس خروج هلال بن علفه از خوارج از تیم الرباب و آمدن بماسبذان و کشته شدن او و متابعینش بدست معقل بن قیس ریاحی خروج بعضی دیگر از خوارج و دفع آنها ج کردن قثم بن عباس حکمران مکه از جانب امیر المؤمنین ع در اینسال وفات صهیب بن سنان بقول بعضی

سنه ۳۹ هجری — سنه ۶۵۹ مسیحی

آسیا فرستادن معاویه نعمان بن بشیر انصاری را با هزار نفر بعین التمر و مقاتله مالک بن کعب که از جانب امیر المؤمنین علیه السلام حکومت عین التمر را داشت با نعمان و مراجعت نعمان بشام و درینمورد امیر المؤمنین ع هر چه خواستند از عساکر کوفه مددی بمالک فرستند آنها مسامحه نمودند فرستادن معاویه سفیان بن عوف را بهیت که شهر یست میان موصل و شام و آمدن سفیان از هیت بانبار و مقاتله او با اشرس بن حسان بکری که حاکم آنسواد بود و کشتن او اشرس را و غارت کردن انبار را و معاودت بشام فرستادن معاویه عبد الله بن مسعدة بن حکمة بن مالک بن بدر الفزازی را با هزار و هفتصد نفر بجانب تیما که شهر یست در کنار بادیه که متصل است بحدود شام و گرفتن صدقات از اعراب بادیه و فرستادن امیر المؤمنین ع مسیب بن نجبه الفزاری را با دو هزار نفر بدفع او و غلبه کردن بر او بعد از مقاتله شدید و مراجعت عبد الله بشام فرستادن معاویه ضحاک بن قیس را ببادیه بجهة خرابی منازل و قتل مردم و منع حاج از رفتن بمکه و فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام حجر بن عدی الکندی را بدفع او و هزیمت ضحاک آمدن معاویه بموصل بعنوان تماشای دجله و مراجعت او پس از چند روز بدمشق فرستادن معویه یزید بن شجره رهاوی را بمکه با سه هزار نفر برای اینکه مردم با او حج گذارند و عامل امیر المؤمنین ع را از مکه بیرون کند و خبر دادن قثم بن عباس حاکم مکه امیر المؤمنین ع را و فرستادن حضرت جمعی را بدفع او و مراجعت یزید بن شجره بشام که فرستادگان امیر المؤمنین ع بمعدودی از همراهان او رسیده آنها را اسیر کردند فرستادن معاویه عبد الرحمن بن قباث بن اشیم را ببلاد جزیره و مقاتله کمیل بن زیاد که در هیت بود با عبد الرحمن و غلبه کمیل و رسیدن شبیب بن عامر از نصیبین بکمک کمیل فرستادن معاویه زهیر بن

مکحول عامر را باساوه برای اخذ صدقات و فرستادن امیر المؤمنین علیه السلم جمعی را بمدافعه او و مغلوب شدن آنجمع انکار منا بعت
اهل دومة الجندل امیر المؤمنین ع را و معاویه را رفتن مرة بن حرثا العبدی بسند و مقاتله در انمملکت و دعوت کردن مردم را بمتا بعت
امیر المؤمنین ع و کرفتن اسیر و غنایم بسیار و لایت زیاد بن سمیه در فارس و کرمان از جانب امیر المؤمنین ع و نصفیه آنحد فوت
ابو مسعود انصاری بعقیده بعضی اروپا (انکلیس) پادشاه مسی خزاید شاه کینت که عیسوی مذهب بود در جبالزیره دخت
در آورده و خود نیز مذهب عیسوی را اختیار نمود پیشرفت کار عساکر اسلام در قسطنطنیه

سنه ۴۰ هجری　　　　سنه ۶۶۰ مسیحی

آسیا فرستادن معاویه بسر بن ابی ارطاة را بحرمین و یمن برای دعوت مردم به بیعت معویه و قبول کردن بسیاری
بیعت معویه را که از جمله ابو موسی اشعری و جابر بودند و رفتن بسر از حرمین بیمن و فرار عبید الله بن عباس و برقرار شدن
عبد الله حارثی بجای او و کشتن بسر او را و پسر او را و دو پسر او عبد الرحمن و قثم را و فرستادن امیر المؤمنین علیه السلم
جاریة بن قدامه و وهب بن مسعود ثقفی را با چهار هزار نفر بمدافعه بسر و کریختن بسر مصالحه امیر المؤمنین ع با معاویه بعضی
روایات باینکه عراق امیر المؤمنین ع را باشد و شام معاویه را و جنک و غارت از جانبین متروک باشد رنجش عبد الله بن
عباس که حاکم بصره بود از امیر المؤمنین ع بجهة اینکه آنحضرت حساب بیت المال را از او خواسته بود رفتن از بصره بمکه
و استمالت امیر المؤمنین ع او را بروایتی و مراجعت او بمحل حکمرانی خود دلتنکی عقیل برادر امیر المؤمنین ع از آنحضرت
بجهة اینکه از بیت المال مدد و سعتی باو مبذول نمیشد و رفتن او بشام نزد معویه و اکرام معاویه از او کویند
معاویه صد هزار درهم بعقیل انعام کرد
شهادت امیر المؤمنین علیه السلم بدست عبد الرحمن بن ملجم مرادی از خوارج در صبح نوزدهم رمضان و بعضی روز دیکر کفته اند
و صورت اینواقعه انیست که ابن ملجم با برک بن عبد الله تمیمی و عمرو بن بکر التمیمی السعدی که آن دو نیز از خوارج بودند هم عهد شدند
که امیر المؤمنین ع و معاویه و عمرو عاص را بکشند و ابن ملجم که اهل مصر بود متعهد قتل امیر المؤمنین ع شد و برک بن عبد الله
بشام بقتل معویه رفت و شمشیری بر الیه معویه زد که کارکر نشده و بحکم معویه برک کشته شد و عمرو بن بکر بمصر رفت و
چون این هر سه وعده کرده بودند که در فلان شب رمضان اقدام بمقصود خود نمایند اتفاقا آنشب عمرو عاص نقاهتی داشت
و بجای خود یکی از بنی عامر را فرستاد تا امامت کند و او بدست عمرو بن بکر کشته شد بالجمله ابن ملجم بکوفه آمد و با جماعتی از
تیم الرباب ملاقات کرد و زنی قطام نام با آنها بود صاحب حسن و پدر و برادرش در نهروان کشته شده بودند ابن ملجم شیفته
او شده او را بزنی خواند قطام کفت سه شرط دارد سه هزار درهم و کنیز و غلامی و قتل علی علیه السلم و ابن ملجم که خود با این قصد
بود رضا شده و قطام از طایفه خود وردان نامی را مدد ابن ملجم قرار داد و شبیب بن بجره را نیز با او همراه کرد و در شب موعود
ان سه ملعون بمسجد حاضر شده کمین کردند چون حضرت امیر المؤمنین ع بنماز صبح تشریف بمسجد آوردند و مردم را بنماز خواندند
شبیب شمشیر بطرف حضرت انداخت ولی آنشمشیر بر عضاده در خورد و ابن ملجم شمشیری بر فرق انور حضرت زد و کفت یا علی حکم
خدا راست نه ترا و آنحضرت فرمودند فزت و رب الکعبة و وردان یکی از کسان خود او را کشت و شبیب بن بجره بکریخت
و ابن ملجم را کرفتند و حضرت امیر المؤمنین بجناب امام حسن علیه السلام وصیت فرمودند که اکر من رحلت کردم ابن ملجم را بیکضربت
بکشید و اکر ماندم خود حکم او را خواهم کرد نیز در مخفی داشتن مدفن آنجناب سلام الله علیه مبالغه بر زبان معجز بیان مبارک
رفت در روز رحلت حضرت اختلاف کرده اند اشهر بیستم و بیست و یکم رمضان است عمر شریف حضرت بروایت صحیح شصت و
سه سال و مدت خلافت ظاهری چهار سال و نه ماه است کشته شدن ابن ملجم علیه اللعنة و سوزانیدن مردم جسد او را با بوریا

بعد

بیعت جماعتی با حضرت امام حسن علیه السلام و اول کسیکه بیعت کرد قیس بن سعد انصاری بود بیعت مردم با ساویه در بیت المقدس مردن اشعث بن قیس کندی چهل روز بعد از رحلت حضرت امیر المؤمنین ع فوت حسان بن ثابت و ابو رافع از صحابه

سنه ۴۱ هجری — سنه ۶۶۱ مسیحی

آسیا بیعت قیس بن سعد بن عباده با امام حسن ع نهضت معاویه از شام با شصت هزار قشون بعزم تسخیر عراق آمدن امام حسن ع از کوفه با چهل هزار نفر بمدافعه معاویه که قیس بن سعد با دوازده هزار نفر مقدمه لشکر بود مصالحه امام حسن ع با معویه و واگذاشتن خلافت را باو بتوسط عبدالله بن عامر و عبد الرحمن بن سمره فرستادگان معاویه بشرط اینکه پنجهزار درهم که از بیت المال کوفه موجود بود بآنحضرت واگذار کند که دیون خود را ادا فرمایند و خراج دارابجرد فارس را هم مخصوص آن حضرت نماید و شتم حضرت امیر المؤمنین را نیز قدغن کند گویند معاویه دو شرط اول را قبول کرد و شرط سیم را نپذیرفت آنحضرت خواهش فرمودند که قدغن کند در حضور آنحضرت شتم نکنند معاویه قبول کرد ولی وفا ننمود و ادای خراج دارابجرد را نیز اهل بصره مانع شدند و بعضی گفته اند امام حسن ع خراج فسا و دارابجرد هر دو را خواست مدت خلافت آنحضرت پنج یا شش ماه بود مصالحه قیس بن سعد با معاویه بعد از مصالحه با امام حسن ع بشرط اینکه او و شیعه علی علیه السلام در امان باشند رفتن امام حسن ع از کوفه بمدینه خروج خوارج بر معاویه کشته شدن معین خارجی خروج ابی مریم و فرستادن مغیره جابر بجلی را بدفع او و کشته شدن ابی مریم خروج ابی لیلی و فرستادن مغیره معقل بن قیس ریاحی را بدفع او که ابی لیلی در سواد کوفه در سنه چهل و دو کشته شد ولایت مغیرة بن شعبه در کوفه از جانب معاویه و ولایت بسر بن ابی ارطاة در بصره از جانب معویه ولایت ابن عامر در بصره در آخر اینسال و دادن معویه حکومت خراسان و سجستان را باو و در این وقت اهل بادغیس و هرات و بوشنج طغیان کرده بودند مامورین ابن عامر آنها را مطیع کرده و نوبهار بلخ را خراب کردند خروج سهم بن غالب الهجیمی بر ابن عامر دادن عمرو عاص حکومت افریقیه را بعقبة بن نافع بن عبد قیس که پسر خاله عمرو بود و او تا لواته و مزاته رفته ابتدا اطاعت کردند بعد سر واز زدند و با آنها مقاتلها کرد و در سنوات بعد بسیاری از این مملکت را مسخر کرد فوت لبید بن ربیعه شاعر و بعضی در سال دیگر گفته اند ارفپا امپراطور قسطنطین بواسطه افراط در عیش و لهو و لعب مبغوض اهالی قسطنطنیه شده بر او شوریدند و او از سلطنت استعفا کرده بطرف ایطالیا فرار کرد

سنه ۴۲ هجری — سنه ۶۶۲ مسیحی

آسیا جنگ مسلمین در الان جنگ مسلمین با رومیها و منهزم شدن رومیها و کشته شدن جمعی از بطارقه آنها تولد حجاج بن یوسف ثقفی ولایت مروان بن حکم در مدینه بحکم معاویه ولایت خالد بن عاص بن هشام در مکه اتفاق سه نفر از بزرگان خوارج که مستورد بن علفة التیمی باشد از تیم الرباب و معاذ بن جوین الطائی و حیان بن ظبیان السلمی و بیعت کردن با مستورد و قبول کردن او ریاست و مصمم خروج شدن آمدن زیاد بن سمیه که از جانب امیر المؤمنین ع عامل فارس بود نزد معاویه بدلالت مغیرة بن شعبه و استیذان او از معاویه و آمدن بکوفه نزد مغیره فوت حبیب بن مسلمة الفهری در ارمنیه که از جانب معویه امارت آنجا و ولایت داشت فوت عثمان بن طلحة بن ابی طلحة العبدری و فوت عبد یزید بن هاشم بن مطلب که مصارع با حضرت رسول بوده بود و صفوان بن امیة بن خلف الجمحی فوت هانی بن نیار بن عمرو الانصاری که خال براء بن عازب بود و بعضی فوت هانی را در سال سی و پنج نوشته اند فتح عبد الرحمن بن سمره زنج را

سنه ۴۳ هجری — سنه ۶۶۳ مسیحی

آسیا جنگ بسر بن ارطاة در روم و تاختن تا قسطنطنیه بعقیده بعضی فوت عمرو عاص در مصر و فطر و ولایت

عبدالله بن عمرو بن عاص در مصر فوت محمد بن مسلمه در مدینه رفتن مستورد بن علفة التیمی با جمعی از خوارج از کوفه و مامور شدن
معقل بن قیس از جانب مغیره با سه هزار نفر بمقاتله او و تعاقب کردن معقل مستورد را بمسافت زیادی و پس از جنگهای
سخت کشته شدن معقل بنیزه مستورد و کشته شدن مستورد بشمشیر معقل عامل کردن عبدالله بن عبدالرحمن بن سمره را
بسیستان و جنگ او با اهل سیستان که طغیان کرده بودند و راندن تا کابل و گرفتن اینشهر را بغلبه و رفتن ببست و
گرفتن بست را نیز بغلبه و فتح کردن سایر نواحی سیستان را جنگ عبدالله بن سوار العبدی در قیقان از سند بامر عبدالله بن
عامر و بعضی گفته اند بامر معاویه عزل کردن عبدالله بن عامر قیس بن هیثم بن قیس را از خراسان و عامل کردن عبدالله بن
حازم را بجای او فوت عبدالله بن سلام

سنه ۴۴ هجری — سنه ۶۶۴ مسیحی

آسیا عزل عبدالله بن عامر از بصره استلحاق معاویه زیاد بن سمیه را یعنی قبول کردن که او پسر ابو سفیان است
جنگ مهلب بن ابی صفره در ثغر سند و آمدن به بنه و اهواز و مقاتله با دشمن در اینجا و فتح کردن عبدالرحمن کابل را
ساختن مروان بن حکم مقصوره در مدینه و این اول مقصوره ایست که در مدینه ساخته شد فوت ام حبیبه دختر
ابو سفیان از زوجات حضرت رسول صلعم مقتول شدن رفاعه عدوی بصری از عدی رباب وفات ابو موسی اشعری

سنه ۴۵ هجری — سنه ۶۶۵ مسیحی

آسیا ولایت حرث بن عبدالله ازدی در بصره که پس از چهار ماه معزول شد ولایت زیاد بن سمیه در بصره که
خراسان و سیستان و هند و بحرین نیز باو جمع آمده و او کار سلطنت معاویه را نهایت محکم نمود و اهل بصره را از فسق
و فجور نهی کرد فوت زید بن ثابت الانصاری و بعضی فوت زید را در سال پنجاه و پنج گفته اند فوت سلمه بن سلامه بن
وقش الانصاری فوت ثابت بن ضحاک بن خلیفه الکلابی از اصحاب شجره

سنه ۴۶ هجری — سنه ۶۶۶ مسیحی

آسیا مراجعت عبدالله بن خالد بن ولید از روم و مسموم شدن او در حمص بدست ابن اثال نصرانی باشاره معویه که
خالد پسر او بعد قاتل پدر را بکشت و چندگاهی باینواسطه محبوس معاویه شد خروج سهم و خطیم و کشته شدن آنها فتح
کردن عتبه بن ابی سفیان فوت صالح بن کیسان فرار کردن ارتبل از ربیع بن زیاد در سیستان

سنه ۴۷ هجری — سنه ۶۶۷ مسیحی

آسیا در زمستان اینسال مالک بن هبیره در خاک روم بود و عبدالرحمن قینی در انطاکیه عزل عبدالله بن عمرو بن
عاص از ولایت مصر و نصب معاویه بن حدیج بجای او و مقاتله حکم بن عمرو در جبال غور و غلبه او

سنه ۴۸ هجری — سنه ۶۶۸ مسیحی

آسیا جنگ عقبه بن عامر جهنی با اهل بحرین و اهل هند عامل کردن زیاد غالب بن فضاله لیثی را در خراسان فرستادن
معاویه لشکر عظیمی با سفیان بن عوف بقسطنطنیه و محاصره کردن آنها قسطنطنیه را و وفات ابو ایوب انصاری
در مدت محاصره گویند معاویه یزید را امر بهمراهی این لشکر کرد و او تقاعد نموده اشعاری خواند که از مضمون آن میل
باسایش و عیش و اعراض از مخاطرات مفهوم میشد معاویه شنید و او را مجبور باین سفر کرد بعضی این واقعه را
بسال چهل و نهم نسبت داده اند

سنه ۴۹ هجری — سنه ۶۶۹ مسیحی

آسیا ۱ عزل مروان بن حکم از مدینه و نصب سعید بن عاص بجای او و شهادت حضرت امام حسن ع بواسطهٔ مسموم کردن جعده دختر اشعث بن قیس الکندی زوجهٔ آنحضرت آن بزرگوار را گویند چون معاویه میخواست یزید را ولیعهد کند و اینفقره با حیات حضرت امام حسن ع درست نیامد جعده را بفریفت و باو وعده ها داد و او آنحضرت را مسموم کرد و پس از رحلت خواستند در جوار قبر منور رسول ص آنحضرت را دفن کنند مروان بن حکم با بنی امیه مانع شدند لهذا جسد آنحضرت را در قبرستان بقیع بخاک سپردند

سنه ۵۰ هجری — سنه ۶۷۰ مسیحی

آسیا ۱ وفات مغیرة بن شعبه والی کوفه که مدتها بود اعور شده و یکچشم او در یرموک نابینا گردیده و ولایت زیاد بن سمیه در کوفه علاوه بر اینکه ولایت بصره را داشت خروج قریب ازدی و زحاف طائی از خوارج و کشته شدن آنها قصد کردن معاویه که منبر حضرت رسول ص و عصای آنحضرت را بشام نقل نماید و گرفتن آفتاب و نهی جمعی و ترک معاویه این قصد را فوت حکم بن عمرو الغفاری در مرو بقولی فوت سعد بن ابی وقاص در عقیق بقولی فوت صفیه دختر حیی بن اخطب از زوجات حضرت رسول ص بقولی وفات عثمان بن ابی العاص الثقفی و عبد الرحمن بن سمرة بن حبیب بن عبد الشمس در بصره وفات ابو موسی اشعری بقولی فوت ملیح بن عمرو سلمی **اروپا** جنگ بسر بن ارطاة و سفیان بن عوف ازدی در خاک روم بقولی و جنگ فضالة بن عبد الله الانصاری در دریا

افریقا عزل معاویة بن حدیج السکونی از ولایت مصر و ولایت مسلمة بن مخلد در مصر و افریقا بقولی اما اصح اینست که در این سال ولایت افریقا با عقبة بن نافع بود و گفته اند معاویة بن حدیج در اینسال فقط از حکمرانی افریقا معزول شد و عقبة بن نافع بجای او مامور شده بهر حال چون لشکرکشی در این ناحیه زیاد بود در اینسال عقبه در سمت جنوب کرتاژ در چهار هزار ذرعی دریا شهر قیروان را بنا نهاد که مامن عساکر مسلمین و اموال آنها باشد و دورهٔ اینشهر سه هزار و شصت باع بود (باع اندازه گشودن و دراز کردن هر دو دست است و قتیکه از هم بگشایند) در سال پنجاه و پنجم اینشهر تمام و مسکون شد و در ظرف اینمدت عساکر اسلام در اطراف افریقا فتوحات کردند و متصرفات مسلمانان اتساعی بهم رسانید و اختلاف در اخبار بسیار است الا آنکه مسلم است قیروان را عقبه ساخته و مسکون نموده و ولایت مسلمة بن مخلد در مصر و افریقا پس از عزل عقبه بوده و از جانب مسلمه ملازم او موسوم با بو المهاجر حکومت افریقا یافته

سنه ۵۱ هجری — سنه ۶۷۱ مسیحی

آسیا ۱ مخالفت حجر بن عدی از دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام با معاویه و زیاد بن سمیه که آخر الامر با اصحاب خود کشته شد کشته شدن عمرو بن الحمق و متابعین او و نیز دادن زیاد بن سمیه حکومت خراسان را بربیع بن زیاد الحارثی کوچانیدن پنجاه هزار نفر بصری و کوفی را با اهل و عیال همراهی ربیع بخراسان و غلبه بر بلخ صلحاً بعد از آنکه خود سری نمودند و غلبه بر قهستان قهراً فوت جریر بن عبد الله بجلی بقولی فوت میمونه بنت الحرث از زوجات حضرت رسول ص بقولی کشته شدن سعید بن زید از عشره مبشره بامر معویه

سنه ۵۲ هجری — سنه ۶۷۲ مسیحی

آسیا ۱ خروج زیاد بن خراش عجلی و فرستادن زیاد بن سمیه سعد بن حذیفه را با جماعتی بدفع او و مقاتله کردن در ارض مسکن از سواد و رفتن از ان محل خروج معاذ طائی بر زیاد و کشته شدن او بقولی فوت عمران بن الحصین الخزاعی در بصره فوت کعب بن عجره **اروپا** جنگ سفیان بن عوف اسدی در روم و ماندن فصل زمستان در خاک روم و وفات او در آنجا بقولی بعضی گفته اند بسر بن ابی ارطاة در این سال در زمستان با سفیان بن عوف در روم بود و محمد بن عبد الله ثقفی در تابستان با رومیها جنگ کرد اصح روایات اینست که در اینسال یزید بن معویه شهر قسطنطنیه را محاصره کرد و در این محاصره یکنوع فشنگ آتشین که به (آتش گرژوا) معروف بود بکار برده ولی بفتح قسطنطنیه نایل نشد (آتش گرژوا یعنی

فتح قهستان بقولی

آتش یونانیست و مخترع آن کالی نیك نامی از اهل یونان بوده که در شام سکنی داشته در آن عبارتست از اخلاط یعنی مواد محترقه از قبیل سنداوروس نفت وغیره که دخلی با جزای باروط ندارد و در آب هم میسوزد و بدین مانه هنتم مخصوصا برای سوزانیدن سفاین جنگی اعراب اختراع شده بود)

سنه ۵۳ هجری — سنه ٦٧۲ مسیحی

آسیا فوت زیاد بن سمیه فوت ربیع بن زیاد حارثی که از جانب زیاد عامل خراسان بود فوت عبد الرحمن بن ابی بکر در راه مکه بقولی فوت فیروز دیلمی عامل معویه در صنعا فوت عمرو بن حزم انصاری فوت فضالة بن عبید الانصاری در دمشق بقولی اروپا فتح کردن جناده بن ابی امیه ازدی جزیره ردس را مجدداً و مسلمین در این جزیره که اسمش برای رومیها باعث مضر بود و دایما سفاین آنها را مسلمین میگرفتند

سنه ۵٤ هجری — سنه ٦٧۳ مسیحی

آسیا عزل سعید بن عاص از حکمرانی مدینه و نصب مروان بن حکم بجای او و حکومت عبد الله بن عمرو بن غیلان در بصره در ظرف شش ماه عامل نمودن معاویه عبید الله بن زیاد را در خراسان و آمدن او با بنو لایت و عبور کردن از جیحون و رفتن تا جبال بخارا و انجد و بالشکر و گرفتن رامنی و نسف و بیکند را از اعمال بخارا و دریافت غنایم بسیار که گویند در جنگ با ترك یعنی در فرار آنها زوجه پادشاه که با پادشاه در آن جنگ همراه بود چون مهیای فرار شد یك کفش خود را در پا کرده و کفش دیگر را میخواست بپوشد و فرار کند که بدست عساکر اسلام اسیر شد و او را بدویست هزار درهم از اتراك خریدند فوت ابو قتاده انصاری بقولی فوت حویطب بن عبد العزی در صد و بیست سالگی فوت ثوبان غلام رسول الله ص فوت اسامة بن زید بقولی فوت سعید بن یربوع بن عنکثه در صد و بیست و چهار سالگی فوت مخرمة بن نوفل فوت عبد الله بن انیس الجهنی مقتول شدن زید بن شجرة الرهاوی در جنگ بقولی اروپا جنگ معن بن یزید سلمی در روم فتح جزیره ارواد که در نزدیکی قسطنطنیه است بسرداری جناده بن امیه که تا هفت سال مسلمین در این جزیره بودند بعد بحکم یزید مراجعت کردند

سنه ۵۵ هجری — سنه ٦٧٤ مسیحی

آسیا عزل عبد الله بن عمرو بن غیلان از ولایت بصره و نصب عبید الله بن زیاد بجای او و دادن ابن زیاد ولایت خراسان را باسلم بن زرعة الکلابی که او نیز جنگی در خراسان کرده و نیز فتحی عزل عبد الله بن خالد از ولایت کوفه و نصب ضحاك بن قیس بجای او بروایتی فوت ارقم بن ابی الارقم المخزومی و این آن کسی است که حضرت رسول ص در مکه در خانه او مختفی شدند فوت ابو الیسر کعب بن عمرو انصاری و بعضی فوت این هر دو را در سال دیگر نوشته اند وفات سعد از عشره مبشره که اخرین آنها بود

سنه ۵٦ هجری — سنه ٦٧۵ مسیحی

آسیا نصب کردن معاویه یزید را بولایت عهد و بیعت گرفتن از مسلمین برای یزید طوعاً و کرهاً ولایت سعید بن عثمان بن عفان در خراسان و عبور کردن او از جیحون و آمدن بسمرقند و فتح سغد و ترمد که در این جنگها قثم بن عباس بن عبد المطلب کشته شد فوت جویریه دختر حرث زوجه رسول الله ص اروپا جنگ مسلمین با رومیها بقولی بر او بحرا که سردار لشکر بری عیاض بود و سردار عساکر بحری یزید بن شجره و بعضی اشخاص دیگر را گفته اند

سنه ۵۷ هجری — سنه ٦٧٦ مسیحی

آسیا عزل مروان بن حکم از مدینه بقولی و نصب ولید بن عتبه بن ابی سفیان بجای او فوت عبد الله بن عامر بقولی فوت عبد الله بن قدامة السعدی یا عبد الله بن عمرو بن وقدان السعدی فوت عثمان بن شیبه بن ابی طلحه العبدی که جد بنی شیبه بود و بنی شیبه

خدام

خدام کعبه بودند و کلید کعبه بدست آنها است فوت جبیر بن مطعم بن نوفل القرشی فوت ام سلمه از زوجات حضرت رسول
و بعضی گفته اند ام سلمه در سال شهادت حضرت سید الشهدا امام حسین ع زنده بوده

سنه ٦٧٧ مسیحی

سنه ٥٨ هجری

آسیا عزل ضحاک بن قیس از ولایت کوفه و نصب عبد الرحمن بن عبد الله بن عثمان الثقفی معروف با بن ام حکم که خواهر زاده
معاویه بود بجای او خروج خوارجی که مغیره آنها را حبس کرده بود بریاست حیان بن ظبیان سلمی و معاذ بن جوین طائی و کشته
شدن آنها بدست لشکر کوفه سوء سیرت و عمل ابن ام الحکم در کوفه و راندن اهل کوفه او را و آمدن نزد معاویه و دادن
معاویه ولایت مصر را باو و برگردانیدن معاویة بن حدیج او را از دو منزلی مصر بجهة سوء عمل او و بعضی مراجعت ابن ام
الحکم را از کوفه در سال بعد نوشته اند خروج طواف بن علاق با بعضی خوارج بصره و مقتول شدن آنها بدست
لشکر بصره کشته شدن عروة بن ادیه برادر ابی بلال مرداس از خوارج و جمع دیگر از خارجیها بحکم عبید الله بن زیاد و حبس
جمعی از خوارج نیز بحکم عبید الله وفات عقبة بن عامر الجهنی وفات عایشه بنت ابی بکر از زوجات رسول الله ص وفات سمرة
بن جندب و مالک عبادة الغافقی و عمیرة بن یثربی قاضی بصره **اروپا** جنگ کردن مالک بن عبد الله خثعمی در خاک روم
معمر و بن یزید الجهنی در دریا و بعضی بجای عمرو جنادة بن ابی امیه را گفته اند

سنه ٦٧٨ مسیحی

سنه ٥٩ هجری

آسیا ولایت نعمان بن بشیر الانصاری در کوفه و ولایت عبد الرحمن بن زیاد در خراسان عزل عبید الله بن زیاد از بصره
و نصب او مجددا فوت قیس بن سعد بن عبادة الانصاری در مدینه بقولی وفات سعید بن عاص وفات مرة بن کعب البهزی
السلمی وفات ابو محذوره جمحی که در مکه مؤذن حضرت رسول ص بود بقولی وفات عبد الله بن عامر کریز در مکه وفات ابو هریره
جنگ مسلمین در حصن کخ و مقاتله عمیر بن حباب سلمی و سعی شخص او در گرفتن قلعه و غلبه بر روم ها

سنه ٦٧٩ مسیحی

سنه ٦٠ هجری

آسیا وفات معاویه در شب اول رجب یا در نیمه رجب یا بیست و دوم اینماه در حالتیکه زیاده از هفتاد سال داشت
و مدت ملکش نوزده سال و سه ماه بود نفرینها بعث مردم با یزید در ماه رجب و نوشتن بولید بن عتبة بن ابی سفیان
که از حضرت امام حسین علیه السلم و عبد الله بن عمر و ابن زبیر برای او بیعت بگیرد و دعوت ولید حضرت امام حسین ع و ابن زبیر را
به بیعت یزید و قبول نکردن و رفتن ان بزرگوار و ابن زبیر بمکه عزل کردن یزید ولید بن عتبه را از مدینه و نصب کردن
عمرو بن سعید اشدق را بجای او و نامه نوشتن اهل کوفه بحضرت امام حسین ع و مستدعی قدوم ان بزرگوار شدن برای
بیعت با آنحضرت و معارف اشخاصی که نامه نوشتند سلیمان بن صرد خزاعی و مسیب بن نجبه و رفاعة بن شداد و
حبیب بن مظاهر و شبث بن ربعی و حجار بن ابجر و یزید بن حرث و یزید بن رویم و عروة بن قیس و عمرو بن حجاج زبیدی
و محمد بن عمرو التیمی بودند فرستادن حضرت امام حسین ع مسلم بن عقیل را بکوفه برای معلوم کردن آرای اهل
کوفه آمدن مسلم بکوفه و نزول او در خانه مختار و بیعت کردن مردم با مسلم و نوشتن عبد الله بن سعید حضرمی
و غیره واقعه را برای یزید و عزل کردن یزید نعمان بن بشیر را از ولایت کوفه و دادن ولایت کوفه را بعلاوه حکومت
بصره بعبید الله بن زیاد و امر کردن او را بقتل یا نفی مسلم بن عقیل نامه نوشتن حضرت امام حسین ع باشراف بصره
و دعوت کردن آنها را براه حق بردن آمدن ابن زیاد از بصره با مسلم بن عمرو باهلی و شریک بن اعور الحارثی و خدم و
حشم و اهل خود بقصد کوفه و آمدن باینشهر و مردم را باطاعت یزید ترغیب کردن و وعد و وعید نمودن و شنیدن مسلم

ماجرای او ورفتن از خانه مختار بخانه هانی مریض شدن شریک بن اعور ورفتن بخانه هانی ووفات کردن او درحالتیکه مجد تشیع بود ودرعیادت ابن زیاد از او ومسلم راکه درخانه هانی پنهان بود بقتل ابن زیاد تحریض کرده ولی مسلم اقدام ننمود خبر شدن ابن زیاد از محل ومکان مسلم وبیرون آمدن مسلم از خانه هانی وجمع شدن اشخاصی که با مسلم بیعت کرده وهیجده هزار نفر بودند وگرفتن دور دار الاماره راکه ابن زیاد دران بود ومتفرق شدن اصحاب مسلم بوعد و وعید بتعمد ابن زیاد وتنها ماندن مسلم وگرفتار شدن وشهادت آن بزرگوار بدست بکر بن حمران در بام دار الاماره در هشتم ذیحجه وکشته شدن هانی وفرستادن ابن زیاد سر مسلم وهانی را برای یزید توجه حضرت امام حسین علیه السلام از مکه بعراق وشنیدن خبر شهادت مسلم را در ثعلبیه فوت جرهد الاسلمی ووفات حکیم بن حزام ووفات ابو اسید الساعدی وبعضی فوت ابو اسید را در شصت وپنج نوشته اند ووفات صفوان بن المعطل السلمی بقولی اروپا داخل شدن جماعت جزیره ردوس را وخراب کردن شهر این جزیره را بقولی جنگ مالک بن عبدالله در سوریه طایفه بلغار که یکی از طوایف ترکستان هستند ساحل رود دانوب (طونه) را متصرف شده هر سال باج وخراج از سلاطین قسطنطنیه طلب میکنند وسالها سلاطین قسطنطنیه از آنها در وحشت ودهشت میباشند

سنه ٦١ هجری — سنه ٦٨٠ مسیحی

آسیا ورود حضرت امام حسین علیه السلام بکربلا روز پنجشنبه دویم محرم همراهی حر که با دو هزار سوار از لشکر ابن زیاد بمقابله آنحضرت شتافته ودر مکان معروف بشراف با آنحضرت ملحق شده وتکلیف میکرد که جناب خامس آل عبا را بکوفه نزد ابن زیاد برد وفرود آوردن حر حضرت را بمحلی که وصول بآب متعسر بود وورود عمر بن سعد بن ابی وقاص با چهار هزار سوار بکربلا روز بعد از ورود حضرت امام حسین یعنی سیم محرم واظهار حضرت ابی عبدالله ع باو که بگذارد حضرت از همان راهی که تشریف آورده اند معاودت فرمایند یا بجهت رفتن نزد یزید عمل نمایند یا بروند بیکی از ثغور ونوشتن ابن سعد تفصیل را بابن زیاد ودر غضب شدن ابن زیاد ومامور کردن شمر ذی الجوشن راکه بکربلا آمده با ابن سعد اظهار دارد که اگر مقاتله با حضرت ابی عبدالله علیه السلام نمیماید سرداری قشون را بشمر واگذارد وکند آمدن شمر بکربلا واظهار داشتن مراتب را با ابن سعد واختیار کردن ابن سعد جنگ را بااسبعین الف وهصمم شدن بقتال در عصر پنجشنبه نهم محرم ومهلت طلبیدن امام مظلوم که فردا بجنگ اقدام شود اظهار داشتن حضرت همراهان خود واقعه را ورخصت دادن که هر کس مایل است ترک خدمت آن بزرگوار را نموده بهر جا که میخواهد برود ورفتن بسیاری وماندن معدودی ونظر اینواقعه نیز هنگام استماع خبر شهادت مسلم بن عقیل در بین راه اتفاق افتاده بود واقعه جانسوز کربلا در روز عاشورا وشهادت حضرت خامس آل عبا وهمراهان آنحضرت که سی ودو نفر سوار وچهل پیاده بودند وقاتل حضرت با سنان ملعون بوده با شمر علیه اللعنه وعمر شریف آن بزرگوار بروایت اصح پنجاه وپنج وبعضی شصت وپنج سال گفته اند بردن سرهای مطهر شهدا واهل بیت آنحضرت را باسیری بکوفه واز کوفه بشام نزد یزید ملعون وامر کردن آنملعون نعمان بن بشیر که اهل بیت علیهم السلام را بر نیکوئی به ایشان بمدینه برساند مؤلف گوید علاوه براینکه بنای نگارش این کتاب بر اختصار واظهار رؤس وقایع واخبار است واقعه حزن انگیز کربلا نیز با وجود اختلاف روایات چندان مشهور است که محتاج بشرح نیست

(سیل سرشک بوستان این غم فزا تاریخ را ... هر ساله با آه وافغان از نو مجدد میکند)

در مدفن سر منور حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحیة والثناء اختلاف است بعضی گویند بمدینه بردند ودر جوار حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها دفن کردند وبرخی برآن اند که در دمشق در نزدیکی باب الفرادیس مدفون شد بعقیده جماعتی

درعسقلان

در عسقلان دفن شده بعد خلفای مصر آن سر مطهر را از عسقلان بقاهره برده در آنجا دفن کردند و مشهد الحسین در مصر معروفست ابن بطوطه گوید در جهت باب شرقی جامع دمشق مشهد سر مبارک حضرت سید الشهداست

ابرام عبد الله بن زبیر که در مکه اقامت داشت بر مخالفت و عدم اطاعت یزید کشته شدن ابی بلال مرادس بن حدیر الحنظلی در مقاتله با لشکر ابن زیاد و کشته شدن جمعی دیگر از خوارج ولایت سلم بن زیاد در خراسان و سجستان بامر یزید و مامور شدن یزید بن زیاد برادر سلم از جانب او بسجستان نیز مامور شدن طلحة الطلحات از جانب سلم بن زیاد بسجستان عزل کردن یزید عمرو بن سعید را از حکومت مدینه بجهة رفق او با عبد الله بن زبیر و نصب کردن ولید بن عتبة بن ابی سفیان را بجای او وفات علقمة بن قیس نخعی صاحب ابن مسعود بقولی وفات ابن جارود عبدی و جابر بن عتیک الانصاری و حمزة بن عمر اسلمی و خالد بن عرفطة اللیثی نیز بقولی در این سال در گذشت وفات ام سلمه و میمونه از زوجات حضرت رسول بقولی

اروپا (روم) اقانن پاپا از امپراطور قسطنطین خواهش نمود که مالیاتیکه هر ساله پاپ بقسطنطنیه میفرستاد از آن معاف باشد و امپراطور خواهش او را قبول کرده معاف شد ولی شرط کردند که در تعیین پاپها امپراطورهای قسطنطنیه حق مداخله و رد و قبول داشته باشند (انگلیس) فوت سدمان شاعر معروف که از دیوان او فقط قصیدهٔ که در خلقت عالم گفته بدست آمد

سنه ٦٢ هجری — سنه ٦٨١ مسیحی

آسیا عزل کردن یزید ولید بن عتبه را از حکومت مدینه و نصب کردن عثمان بن محمد بن ابو سفیان را بجای او ولادت محمد بن علی بن عبد الله بن عباس پدر سفاح و منصور فوت عبد المطلب بن ربیعة بن الحرث بن عبد المطلب بن هاشم الهاشمی وفات مسلمة بن مخلد الانصاری فوت ابو مسلم خولانی از کبار تابعین افریقا ولایت عقبة بن نافع از جانب یزید در افریقا و مقاتله او با رومیها و بربرها و غلبه او و فتح کردن بعضی از بلاد این اقلیم را خروج کسیلة بن کلرم البربری که از مسلمین بود در افریقا و استیلای او که تا زمان عبد الملک بن مروان در این اقلیم فرمان روائی داشت و در این وقت زهیر بن قیس ولایت افریقا یافته و با کسیله مقاتله کرده او را بکشت فوت مسروق بن اجدع در مصر بقولی

سنه ٦٣ هجری — سنه ٦٨٢ مسیحی

آسیا اتفاق اهل مدینه بر خلع یزید و اخراج عثمان بن محمد بن سفیان حاکم مدینه مامور کردن یزید مسلم بن عقبه را با ده هزار سوار بمقاتله اهل مدینه و نزول او بمدینه از جهة حره و مهیا شدن اهل مدینه جنگ را و حفر کردن خندق و وقوع قتال شدید و کشته شدن فضل بن عباس بن ربیعة بن حارث بن عبد المطلب و کشته شدن جماعتی از اشراف انصار و مهاجرین و غیره و انهزام اهل مدینه و حکم کردن مسلم که در ظرف سه روز هر اهانت در مدینه قتل کنند و هرچه بیابند غارت نمایند و با نسوان در آمیزند و این واقعه در عشر آخر ذیحجه واقع شده است و پس از این هتک و قتل مسلم از باقیماندگان بیعت گرفت براینکه غلامان و کنیزان معاویه باشند و بالشکر بطرف مکه راند و بعد از وقعه حره مسلم را مسرف خوانده اند وفات بریدة بن خصیب و علقمة بن قیس از اصحاب و اسلع صحابی و فات ربیع بن خثیم کوفی زاهد افریقا کشته شدن عقبة بن نافع والی افریقیه در جنگ با مغربیها

سنه ٦٤ هجری — سنه ٦٨٣ مسیحی

آسیا رفتن مسلم بن عقبه از مدینه بعزم مکه و مردن او در بین راه که حصین بن نمیر سکونی بجای او ریاست قشون را گرفت و حصین بن نمیر محاصره کردن حصین مکه معظمه و عبد الله بن زبیر را تا چهل روز و نصب منجنیقها بر کوه ابو قبیس و

انداختن منجنیق بکعبه و مسجد الحرام که عبدالله بن زبیر در آنجا بود و سوزانیدن آن بآتش که پس از این مدت خبر فوت
یزید بحصین رسید و دست از قتال کشیده بعبدالله بن زبیر تکلیف کرد با او بشام رود تا حصین عبدالله را بخلافت بردارد
وانکار عبدالله و رفتن حصین بشام و پشیمان شدن عبدالله از اینکه تکلیف حصین را قبول نکرد فوت یزید بن معویه
در نیمه ربیع الاول در سی و هشت سالگی مادر یزید میسون دختر بحدل کلابیه بوده مدت خلافتش سه سال و شش ماه بیعت
مردم با معاویة بن یزید در ربیع الاول که چهل روز یا سه ماه خلافت کرده بعد ها خود اعراض از این شغل کرده مردم را
مختار نمود که هر که را بخواهند خلیفه کنند و از آنها غایب شده تا در گذشت بیعت اهل مکه با عبدالله بن زبیر که بعد از آن
اهل بصره و عراق و حجاز و یمن نیز با او بیعت کردند رفتن مروان بن حکم بشام و دو فرقه شدن مردم که یک فرقه بیعت مروان
را اختیار کردند و فرقه دیگر تابع ضحاک بن قیس گردیده و مقاتله این دو فرقه در مرج راهط از غوطه دمشق و کشته شدن
ضحاک و هزیمت تبعه او که بدین واسطه خلافت مروان در شام مسلم گردید و اینسال باخر رسید در حالتیکه مروان
خلیفه مصر و شام بود و ابن زبیر خلیفه حجاز و عراق و یمن خراب کردن ابن زبیر کعبه را که مرمت میرسانیده بود و بنا کردن
آنرا بصورت اولیه و بعضی اینواقعه را بسال بعد نسبت داده اند ولایت عبدالله بن حرث در بصره و فرار ابن زیاد از بصره
بشام مخالفت اهل ری بریاست فرخان رازی و مغلوب و منهزم شدن آنها از عتاب بن ورقاء الریاحی التمیمی که از جانب
عامر بن مسعود حاکم کوفه بدفع آنها مامور شده بود و کشته شدن فرخان بیعت اهل خراسان با سلم بن زیاد و مخالفت
با او بعد از دو ماه و مطیع کردن عبدالله بن خازم اهل این ایالت را بمقاتله و جنگهای شدید بیعت کردن جماعتی از
دوستان حضرت سید الشهداء و بزرگان شیعه برای طلب خون آن بزرگوار کناره کردن خوارجی که بمکه آمده بودند از
عبدالله بن زبیر آمدن مختار بن ابو عبیده ثقفی بکوفه بقصد فراهم نمودن اسباب قتال با قاتلین حضرت سید الشهداء علیه السلام
وفات شداد بن اوس بن ثابت برادرزاده حسان بن ثابت وفات مسور بن مخرمه در مکه وفات ابو برزه اشهلی در خراسان وفات
ولید بن عتبة بن ابی سفیان بقولی وفات شقیق بن ثور السدوسی کشته شدن نعمان بن بشیر انصاری صاحب حمص

سنه ۶۵ هجری — سنه ۶۸۴ مسیحی

آسیا فرستادن مروان عبیدالله بن زیاد را بجزیره و محاربه زفر بن حرث بقرقیسیا و امر مروان باینکه هر جائی را
که فتح کرد در تحت حکومت او باشد و پس از اتمام کار جزیره متوجه عراق شود و اینملک را از دست کاشتگان ابن
زبیر خارج کند فوت مروان بن حکم که زوجه او که مادر خالد بن یزید بود او را خفه کرد و این در سیم رمضان بود
و مدت خلافتش نه ماه و هیجده روز و عمرش شصت و سه سال خروج سلیمان بن صرد خزاعی بخونخواهی حضرت امام
حسین علیه السلام و مقاتله او با سپاه شام در عین الورده که از شهرهای بلاد جزیره است و کشته شدن او و کشته
شدن مسیب بن نجبه و جمعی دیگر و این واقعه در ربیع الاخر بود خلافت عبدالملک بن مروان و بیعت مردم با او در
رمضان رسیدن خبر فوت مروان در جزیره بابن زیاد و مامور شدن او از جانب عبدالملک بهمان ماموریتی که داشت
کشته شدن نافع بن ازرق از خوارج و منهزم شدن تبعه او که معروف بازارقه میباشند [۷] معزول کردن عبدالله بن
زبیر برادر خود عبیدة بن زبیر را از حکومت مدینه و منصوب کردن مصعب بن زبیر برادر دیگر خود را محاربه ابن خازم
سلمی و بنی تمیم در خراسان ظهور طاعون شدید در بصره **افریقا** وفات عبدالله بن عمرو بن عاص السهمی در مصر
که در اخر عمر کور شده بود و بعضی فوت او را در سال شصت و هشت نوشته اند

[۷] از مهلب بن ابی صفره

سنه ۶۶ هجری — سنه ۶۸۵ مسیحی

آسیا ۱ خروج مختار بن ابو عبیده ثقفی در کوفه بجهة خونخواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام و جمع شدن جمع کثیری
دور او و بیعت کردن با او و بیرون کردن عبد الله بن مطیع عامل ابن زبیر را از کوفه و تمکن او در کوفه و بدست آوردن
شمر ذی الجوشن و کشتن او و کشتن و سوزانیدن خولی اصبحی و کشتن عمر سعد و حفص پسر عمر را و فرستادن سر این دو را
برای محمد بن حنفیه و فرستادن مختار امراء بولایات برای ضبط و حکمرانی بلاد و بعضی کشتن شمر و غیره از قاتلین سید الشهداء
علیه السلام را بسال بعد نسبت داده اند بیعت مثنی عبدی با مختار اظهار میل کردن مختار باطاعت و معاونت محمد بن حنفیه
حبس کردن ابن زبیر محمد بن حنفیه را برای اخذ بیعت و نوشتن محمد حال را بمختار و لشکر فرستادن مختار بمکه و خلاص کردن
محمد را از حبس مقاتله ابن حازم در خراسان با اشخاصی که از طایفه بنی تمیم بودند فرستادن مختار ابراهیم بن مالک اشتر را
باعساکر بجنگ عبید الله بن زیاد در عشر آخر ذیحجه این سال وفات اسماء بن حارثة الاسلمی از اصحاب صفه بقولی استیلای
نجده حروری بر یمامه وفات زید بن ارقم وفات عدی بن حاتم در مکه بقولی **افریقا** ظهور طاعون سخت در مصر

سنه ۶۷ هجری — سنه ۶۸۶ مسیحی

آسیا مقاتله ابراهیم بن مالک با لشکر عبید الله بن زیاد در حوالی موصل و غلبه عساکر ابراهیم و کشته شدن
عبید الله بن زیاد بدست ابراهیم و فرستادن ابراهیم سر او را با سر حصین بن نمیر و سر شرحبیل بن ذو الکلاع و سر ربیعة بن
مخارق و بعضی سرهای دیگر از سران سپاه ابن زیاد بکوفه نزد مختار و فرستادن مختار آن سرها را با سی هزار دینار بمکه
نزد محمد بن حنفیه و مستقیم شدن تمام ولایت کوفه نام این دو یار ربیعه و عزم مختار را والی کردن عبد الله بن زبیر
مصعب برادر خود را ببصره و طلبیدن مصعب مهلب بن ابی صفره را از خراسان و همراهی کردن او را با عساکر بیشمار بفتح
کوفه و جنگ با مختار و قتال شدید لشکر مصعب با جیش مختار و مغلوب شدن عساکر مختار داخل شدن مصعب بکوفه
و محاصره مختار در قصر دار الاماره و جنگ کردن مختار تا وقتیکه کشته شد و مقتول شدن بعضی مختار که هفت یا
شش هزار نفر بودند کشته شدن عمر بن علی بن ابیطالب علیه السلام در این جنگ که با قشون مصعب همراهی داشت فرستادن
مصعب سر مختار را با فتح نامه بمکه نزد برادر خود عبد الله بن زبیر فوت احنف بن قیس تابعی در کوفه و بعضی فوت
احنف را در سال هفتاد و یک و برخی در سال شصت و نه نوشته اند و احنف ابو بحر الضحاک بن قیس بن معاویة بن
حصین بن عباده است که معروف باحنف شده و در حلم ضرب المثل میباشد عزل مصعب از ولایت عراق بحکم عبد الله بن
زبیر و نصب حمزة بن عبد الله بجای او بقولی **اروپا** معاهده ژوستینین امپراطور قسطنطنیه با عبد الملک بن مروان
باینکه طایفه مردئیت که عیسوی مذهب متعصب در کوهستان شامات سکنی داشتند با مسلمانان جنگ نکنند (فرانک)
پپین نامی بدون اینکه لقب سلطنت قبول کند در نیم مملکت سلطنت مینماید و اولاد سلاطین قدیم را بی دخل میسازد

سنه ۶۸ هجری — سنه ۶۸۷ مسیحی

آسیا ۱ عزل حمزة بن عبد الله از ولایت عراق و نصب مصعب بجای او و مراجعت مصعب با بنو لایت حرب عساکر ابن زبیر با
خوارج در فارس و عراق مقاتله عتاب بن ورقاء الریاحی که از جانب مصعب حکومت اصفهان داشت با اهالی
که معاونت خوارج نموده بودند و فتح کردن عتاب بی تغلیبه مقاتله عبید الله بن الحر الجعفی با عساکر عبید الله بن
زیاد بقصد ترویج امر عبد الملک بن مروان و مغلوب شدن و هلاکت او اجتماع چهار لوا در عرفات که یکی از ابن
حنفیه و دیگری از ابن زبیر و سیمی از بنی امیه و چهارمی از نجده حروری بود وفات عبد الله بن عباس عم حضرت
رسول صلعم بقولی وفات واثلة اللیثی که اسمش حرث بن مالک بود وفات ابو شریح خزاعی که اسمش خویلد بن عمرو بود

وفات

وفات عبد الرحمن بن حاطب بن ابی بلتعه

سنه ۶۹ هجری — سنه ۶۸۸ مسیحی

آسیا مخالفت عمرو بن سعید اشدق با عبد الملک و کشته شدن او بحکم عبد الملک عصیان جراجمه در شام ظهور طاعون در بصره بنای صخره قدس بامر عبد الملک وفات ابو الاسود دئلی واضع علم نحو که قاضی بصره بود
افریقیا قتل زهیر بن قیس امیر افریقیه

سنه ۷۰ هجری — سنه ۶۸۹ مسیحی

آسیا رفتن مصعب باموال و دواب زیاد بمکه معظمه و تقسیم ان اموال بر قوم خود وفات عاصم بن عمر بن خطاب
اروپا غلبه رومیان بر شامیان و مصالحه عبد الملک با انها باینکه هفته هزار دینار بانها بدهد

سنه ۷۱ هجری — سنه ۶۹۰ مسیحی

آسیا تجهیز و توجه عبد الملک بطرف عراق و تجهیز مصعب بمقاتله او و تلاقی فئتین در دیر جاثلیق در نزدیکی نهر دجیل تخلف بعضی از اهل عراق از مصعب که در باطن با عبد الملک ساخته بودند مقاتله فریقین و کشته شدن ابراهیم بن مالک و مصعب و پسر مصعب عمر مصعب سی و شش سال بود و حضرت سکینه بنت حضرت سید الشهداء و عایشه دختر طلحه در حباله نکاح او بودند ورود عبد الملک بکوفه و بیعت مردم با او و تمکن او در عراقین که پس از عود از عراق بشر برادر خود را در این ولایت والی کرد و ولایت خالد بن عبد الله در بصره بامر عبد الملک فتح کردن عبد الملک قیساریه را بقولی عزل کردن عبد الله بن زبیر جابر بن اسود بن عوف را از حکومت مدینه و نصب کردن طلحه بن عبد الله بن عوف را بجای او و این آخرین والی ابن زبیر بود در مدینه فوت براء بن عازب در کوفه در امارت مصعب وفات یزید بن مفرغ الحمیری الشاعر وفات رافع بن خدیج انصاری بقولی و عوف بن مالک انصاری صحابی

سنه ۷۲ هجری — سنه ۶۹۱ مسیحی

آسیا فرستادن عبد الملک بن مروان حجاج بن یوسف ثقفی را با لشکری بمکه بجنگ عبد الله بن زبیر و آمدن حجاج در جمادی الاولی بطایف و جنگهای عدیده فیمابین لشکر حجاج و جیش ابن زبیر و محصور کردن حجاج ابن زبیر را در مکه و نصب منجنیق و انداختن سنگ به بیت الله الحرام و محاصره در کار بود که سال بسر رسید خروج ابی فدیک خارجی از بنی قیس بن ثعلبه و غلبه او بر بحرین و کشتن نجدة بن عامر حنفی را مقاتله ابن خازم با بکیر بن وساج که او جانب او حکومت مرو داشت و قبول دعوت عبد الملک کرده بود و کشته شدن ابن خازم و ولایت بکیر در خراسان فوت عبیدة السلمانی از اصحاب علی علیه السلام

سنه ۷۳ هجری — سنه ۶۹۲ مسیحی

آسیا کشته شدن عبد الله بن زبیر در مقاتله با حجاج پس از هفت ماه جنگ در ماه جمادی الثانیه و عمر ابن زبیر هفتاد و سه سال و اول مولود بود که بعد از هجرت از مهاجرین متولد شد و مدت خلافتش نه سال بیعت اهل حجاز و یمن با عبد الملک و اجتماع ناس بر اطاعت او وفات عبد الله بن عمر بن خطاب سه ماه بعد از کشته شدن ابن زبیر ولایت محمد بن مروان برادر عبد الملک در جزیره و ارمینیه رفتن عساکر بصره و کوفه بجنگ ابو فدیک و کشتن او عزل کردن عبد الملک خالد بن عبد الله را از حکمرانی بصره و نصب کردن بشر را بجای او که ولایت کوفه را نیز داشت وفات اسماء دختر ابو بکر معروف بذات النطاقین که مادر عبد الله بن زبیر بود کشته شدن عبد الرحمن بن عثمان بن عبید الله که پسر برادر

طلحة بن عبد الله بود و با ابن زبیر کشته شد **اروپا** جنگ کردن محمد بن مروان با رومیها و شکست دادن آنها جنگ عثمان بن ولید با رومیها از طرف ارمینیه

سنه ۶۹۳ مسیحی
سنه ۷۴ هجری

آسیا ۱ خراب کردن حجاج کعبه را و بیرون آوردن حجر الاسود از بیت و بنای بیت بوضعی که در عهد حضرت رسول ص بود امارت حجاج در حجاز و عزل طارق از مدینه عزل بکیر بن وساج از خراسان و ولایت امیة بن عبد الله بن خالد بجای او فرستادن امیة بن عبد الله پسر خود عبد الله بن امیه را بحکومت سجستان وفات بشر بن مروان امیر عراقین در بصره وفات عمرو بن میمون اودی از معمرین بقولی وفات عبد الله بن عتبة بن مسعود بقولی وفات ابو سعید بن معلی الانصاری وفات اوس بن ضمعج الکوفی **اروپا** جنگ محمد بن مروان در روم و رسیدن او به براندولیه **افریقا** دادن عبد الملک ولایت افریقا را بحسان بن نعمان و ورود او باین اقلیم با لشکری جرار و رفتن او بقیروان و تجهیز او در آنجا و رفتن بقرطاجنه و مقاتله با امیر آنجا و فرار لشکر بربر و روم بعضی بصقلیه و برخی باندلس بواسطه سفاین و خراب کردن بعضی اماکن قرطاجنه را و غلبه بر بسیاری از شهرهای افریقیه و مقاتله با کاهنه که ملکه افریقیه بود و شوکت و اقتدار تمامی داشت و حکم کردن کاهنه خراب نمودن افریقیه را بجهة مایوس شدن عساکر عرب و مقتول شدن او بالمآل بدست عساکر حسان و مصفی شدن این اقلیم او را

سنه ۶۹۴ مسیحی
سنه ۷۵ هجری

آسیا ۱ دادن عبد الملک ولایت عراق را بحجاج و رفتن حجاج از مدینه بکوفه و ولایت سعید بن اسلم بن زرعه در سند از جانب عبد الملک و کشته شدن او و فرستادن عبد الملک مجاعة بن سعد تمیمی را بجای او و غلبه مجاعه در سند شورش اهل بصره بواسطه سختگیری حجاج و کسر شان مردم مقاتله مهلب و ابن مخنف با خوارج بامر حجاج و راندن آنها را از رامهرمز و کشته شدن ابن مخنف حج کردن عبد الملک **اروپا** خروج رومیها و جمعیت آنها در عمق از ناحیه مرعش و جنگ محمد بن مروان با آنها **افریقا** خروج رباح زنگی ملقب بشیر زنگی با جماعتی از زنگیها و جمع شدن در نزدیکی فرات و مقاتله عساکر حجاج با آنها و کشته شدن شیر زنگی و متفرق شدن اصحاب او

سنه ۶۹۵ مسیحی
سنه ۷۶ هجری

آسیا ۱ خروج صالح بن مسرح بمعاونت شبیب بن یزید بن نعیم الشیبانی خارجی و کشته شدن او بدست عساکر حجاج که در تحت فرمان حرث بن عمیرة بن ذی العشار بودند و بیعت تبعه صالح بعد از کشته شدن او با شبیب و منهزم نمودن حرث بن عمیره را و بالا گرفتن کار شبیب و جنگهای عدیده او با حجاج حکم کردن عبد الملک بسکه زدن درهم و دینار که این اول سکه بود که در اسلام زده شد اگرچه بعضی گفته‌اند مصعب بن زبیر در زمان عبد الله بن زبیر قلیلی دراهم مسکوک نمود ولی این روایت ضعیف است خلاصه پیش از این اعراب مسکوکات رومی و ایرانی را رایج داشته بواسطه آن معاملات خود را اجرا داشتند حکومت ابان بن عثمان در مدینه ولادت مروان بن محمد بن مروان **اروپا** جنگ محمد بن مروان با رومیها در ناحیه ملطیه امپراطور ژوستینین در صدد داشت که بکشتن علی الغفله بواسطه قشون تمام اهالی قسطنطنیه را بقتل رساند اهالی قسطنطنیه مطلع شده او را از سلطنت خلع کرده امپراطور معزول خود را بمیان بلغارها انداخته پناه میجوید

سنه ۶۹۶ مسیحی
سنه ۷۷ هجری

آسیا هلاکت شبیب در سر جسر دجیل اهواز با فتادن از اسب و غرق شدن در آب بعد از جنگهای زیاد که با عساکر حجاج کرده بود و بعضی هلاکت شبیب را بوجه دیگر ایراد کرده اند خروج مطرف بن مغیرة بن شعبه و کشته شدن او بدست عساکر حجاج بعد از قتال شدید اختلاف میان ازارقه از خوارج که بعضی تبعه قطری شدند و برخی تابع عبد ربه کبیر گردیدند و جنگ دو فرقه باهم و رفتن قطری پس از یکماه جنگ بطرف طبرستان و جنگ عظیم مهلب با عبد ربه کبیر در نواحی جیرفت و کشته شدن عبد ربه و متفرق شدن اصحاب او و دادن مهلب حکومت کرمان را بیزید پسر خود و رفتن نزد حجاج و معظم داشتن حجاج او را فرستادن حجاج لشکری بطبرستان بدفع قطری و کشته شدن قطری و عبیدة بن هلال و انقراض ازارقه بکشته شدن این دو نفر و اولین رئیس ازارقه نافع بن ازرق بود مخالفت و مقاتلت بکیر بن وشاح با امیة بن عبد الله بن خالد بن اسید بن ابی العیص امیه حکمران خراسان و کشته شدن او بامر امیه عبور کردن امیه از نهر و محاصره نمودن بلخ و مراجعت او بمرو فوت جابر بن عبد الله بن عمرو الانصاری **اروپا** جنگ ولید بن عبد الملک با رومیها و فتح هرقلیه

سنه ۷۸ هجری — سنه ۶۹۷ مسیحی

آسیا عزل کردن عبد الملک امیة بن عبد الله را از حکمرانی خراسان و سجستان و ضمیمه کردن این ولایات را بحکومت حجاج و فرستادن حجاج مهلب بن ابی صفره را بحکمرانی خراسان و عبید الله بن ابی بکره را بحکومت سجستان وفات عبد الرحمن بن عبد الله القاری در هفتاد و هشت سالگی (قاری بتشدید یاست) وفات زید بن خالد الجهنی بقولی وفات عبد الله بن غنم الاشعری توجه موسی بن نصیر بمغرب بقولی **اروپا** (ونیز) تعیین دوک یعنی رئیس جمهوری بانتخاب اهالی در اینشهر که چندین مائه برقرار بود **افریقا** حسان که از جانب عبد الملک والی افریقیه بود مجدداً شهر قیروان را که از تصرف مسلمین خارج شده بود فتح کرد

سنه ۷۹ هجری — سنه ۶۹۸ مسیحی

آسیا جنگ عبید الله بن ابی بکره حاکم سجستان با رتبیل که تبعه او جماعت اتراک بودند و گاهی در ادای خراج اطاعت نموده و گاهی تمرد میکردند و طاعون شدید در شام استعفای شریح قاضی کوفه از قضاوت و قضاوت ابا بردة بن ابی موسی بجای او فوت محمد بن ربیع مکنی بابو ابراهیم که در عهد حضرت رسول صلعم متولد شده بود وفات عبد الرحمن بن عبد الله بن مسعود **اروپا** تلاطم اهل انطاکیه با رومیها و غلبه بر ایشان **افریقا** حسان والی افریقیه پس از فتح قیروان چنانکه ذکر شد شهر کرتاژ را که یکی از شهرهای معتبر افریقیه و واقع در نزدیکی تونس بود فتح کرده اهالی را قتل عام کرده و شهر را چنان ویران کرد که هنوز آبادی نیافته

سنه ۸۰ هجری — سنه ۶۹۹ مسیحی

آسیا آمدن سیل عظیم در حجاز و مکه و آسیب رسانیدن بحجاج و غرق کردن خانه های مکه را و رسیدن بر کن گویند طوفانی این سیل شدید بود که شتر را با بار میبرد و اینسال را عام جحاف نامیدند و طاعون شدید در بصره عبور مهلب والی خراسان از جیحون و جنگها و در ماوراء النهر فرستادن حجاج لشکر بغزای رتبیل و فتوحات این لشکر با اخذ غنایم بسیار و وفات ابو ادریس خولانی فقیه شام و حلب وفات عبد الله بن جعفر بن ابیطالب بقولی کشته شدن معبد بن عبد الله بن علیم جهنی اول شخص از قدریه بامر عبد الملک یا بامر حجاج وفات محمد بن علی بن ابیطالب علیه السلام معروف بابن حنفیه وفات جنادة بن امیه وفات سائب بن یزید خواهر زاده نمر بقولی وفات سوید بن غفله وفات عبد الله بن ابی اوفی و اواخر

صحابه بود که در کوفه درگذشت وفات جبیر بن نفیر بن مالک الحضرمی وفات عبدالله بن جعفر طیار و ابو امامه ولادت ابو حنیفه

سنه ۸۱ هجری — سنه ۷۰۰ مسیحی

آسیا فتح قالیقلا بدست مروان بن عبدالملک کشته شدن بحیر بن ورقاء الصریمی در خراسان بدست صعصعه بن حرب العوفی از هواخواهان بکیر بن وساج وکشته شدن صعصعه بامر مهلب داخل شدن جماعتی از دیلم بقزوین که سرحد مسلمین بود بطرف دیلم وقتال مسلمین با آنها و مغلوب و مقتول شدن دیلم مخالفت عبدالرحمن بن محمد بن اشعث با حجاج واستمداد حجاج از عبدالملک وورود عبدالرحمن ببصره در ذیحجه وبیعت مردم با او که در اخر اینسال سجستان وکرمان وفارس وبصره بدست عبدالرحمن بود

سنه ۸۲ هجری — سنه ۷۰۱ مسیحی

آسیا مقاتله حجاج با عبدالرحمن بن محمد بن اشعث که ابتدا عساکر حجاج هزیمت یافتند و در جنگ دیگر لشکر ابن اشعث شکست یافته وابن اشعث بکوفه امد و در انجا استقرار یافت هم به اینکه بیعت اهل بصره بعد از هزیمت ابن اشعث بکوفه با عبدالرحمن بن عباس بن ربیعه بن الحرث بن عبدالمطلب ومقاتله شدید با حجاج در ظرف پنج شب پس از ان پیوستن او با ابن اشعث و این واقعه اخره موسوم بیوم الزاویه شد و واقعه دیر جماجم در شعبان اینسال و بعضی واقعه دیر جماجم را در سال بعد گفته اند و تفصیل این واقعه اینست که حجاج از بصره بعزم قتال ابن اشعث بطرف کوفه آمده بدیر قره منزل کرد وابن اشعث از کوفه خارج شده بدیر جماجم آمد و جمعیت فئتین عظیم شد و مشغول قتال شدند وعبدالملک بجهة اطفای این نایره عبدالله پسر خود را با محمد بن مروان برادر خود نزد اهل عراق فرستاده که اگر قصد شما عزل حجاج است او را معزول میکنیم و شما دست از جنگ بکشید وابن اشعث در هر شهری که بخواهد حاکم باشد وبمشار الیهما عبدالملک حکم کرد که اگر اهل عراق تمکین باین معنی هم نکردند حجاج بولایت خود باقی باشد و شما نیز در تحت حکم او بقتال مشغول شوید عبدالله ومحمد بدیر جماجم آمده وپیغام عبدالملک را رسانیدند ومردم تمکین نکرده هر روز جنگ در کار بود وفات مغیره بن مهلب در خراسان صلح مهلب والی خراسان با اهل کش از ماوراء النهر ومراجعت او بمرو وفات مهلب بن ابی صفره والی خراسان وولایت یزید پسرش بجای او وعزل کردن عبدالملک ابان بن عثمان را از حکومت مدینه و نصب هشام بن اسمعیل مخزومی بجای او جنگ محمد بن مروان با ارمنیه وشکست دادن آنها را ومصالحه با انها که اباشیخ بن عبدالله را والی ارمینیه کرد وبعدها ارمنیها او را بکشتند کشته شدن عبدالله بن شداد بن الهاد اللیثی در دجیل وفات ابوالجوزاء اوس بن عبدالله الربعی وعطاء بن عبدالله السلیمی العابد وفات زادان وابووائل وعمر بن عبیدالله بن معمر التیمی وابوامامه الباهلی بقولی وفات خالد بن یزید بن معاویه

سنه ۸۳ هجری — سنه ۷۰۲ مسیحی

آسیا بقیه واقعه دیر جماجم که در مدت یکصد وسه روز جنگ فیمابین حجاج وعبدالرحمن بن محمد بن اشعث در کار بود و پس از انقضای مدت مذکور ابن اشعث منهزم شد و اختتام این واقعه در چهاردهم جمادی الاخره بود و واقعه مسکن یعنی آمدن ابن اشعث ببصره و در محل معروف بمسکن بجهة جنگ حجاج بودن وجنگهای شدید که بالمآل ابن اشعث بسجستان گریخت و برتبیل پیوست و از او باکرام نایل آمد وبعضی از منهزمین با او بخراسان رفته با یزید بن مهلب جنگ کردند ومغلوب شدند ویزید جمعی را از انطایفه اسیر کرده چند تن از آنها را نزد حجاج فرستاد وحجاج آنها را بکشت بنا کردن حجاج شهر واسط را فرستادن حجاج اهل وعیال خود را بشام از خوف ابن اشعث وفات واثله بن اسقع در صد وپنج سالگی بقولی وفات زر بن حبیش در صد وبیست و دو سالگی وفات ابووائل شقیق بن سلمه الاسدی الکوفی ولادت امام جعفر صادق علیه السلم

سنه ۸۴ هجری

سنه ۸۴ هجری — سنه ۷۰۳ مسیحی

آسیا فتح کردن یزید بن مهلب والی خراسان قلعه نیزك را در بادغیس جنگ محمد بن مروان در ارمینیه و سوختن کنائس این ولایت که اهالی آن را سنه الحریق گفتند وفات عبد الله بن حرث بن نوفل **اروپا** جنگ عبد الله بن عبد الملك با رومیها و فتح بلد مصیصه و ساختن قلعه و گذاشتن سه هزار نفر از عساکر اسلام در این قلعه و پیش از این یعنی تا این وقت مسلمین در نجا سکنی نکرده بودند

سنه ۸۵ هجری — سنه ۷۰۴ مسیحی

آسیا خواستن حجاج ابن اشعث را از رتبیل بوعد و وعید و مواضعه گذاشتن حجاج با رتبیل با اینکه او سر ابن اشعث را برای حجاج بفرستد هفت سال از ادای خراج معاف باشد و فرستادن رتبیل سر ابن اشعث را برای حجاج و بعضی هلاك ابن اشعث را قبل از فرستادن سر نسبت داده اند عزل کردن حجاج یزید بن مهلب را از ولایت خراسان و نصب مفضل برادر او بجای او جنگ مفضل در بادغیس و فتح کردن و دریافت غنیمت بسیار کشته شدن موسی بن عبد الله بن خازم بعد از پانزده سال اقامت در ماوراء النهر و تغلب در آن بلاد و جنگهای عظیم با عساکر عرب و نشوونزاع که آخر الامر بدست عساکر مفضل که بجنگ او فرستاده بود از پا در آمد وفات عبد العزیز بن مروان در مصر و بیعت کردن برای ولید بن عبد الملك بولایت عهد و ولایت عبد الله بن عبد الملك در مصر جنگ محمد بن مروان در ارمینیه وفات عمرو بن حریث المخزومی وفات عبد الله بن حرث بن جزاء الزبیدی بقولی وفات عبد الله بن عامر بن ربیعه بنای شهر اردبیل بمصلحت محمد بن مروان **اروپا** هزیمت عساکر اسلام از رومیها **افریقا** بروز وبای عظیم در مصر

سنه ۸۶ هجری — سنه ۷۰۵ مسیحی

آسیا وفات عبد الملك بن مروان بن حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف در نیمه شوال در شصت سالگی یا شصت و سه سالگی که مدت خلافتش از وقت کشته شدن عبد الله بن زبیر تقریبا سیزده سال و چهار ماه بود بیعت مردم با ولید بن عبد الملك بعد از دفن عبد الملك ولایت قتیبه بن مسلم در خراسان از جانب حجاج و فتوحات او در ماوراء النهر حبس کردن حجاج یزید بن مهلب را و عزل کردن حبیب بن مهلب را از حکومت کرمان فوت قبیصه بن ذویب الخزاعی که در سال اول هجرت متولد شده و مهردار عبد الملك بود وفات عبد الله بن ابی اوفاء الاسلمی بقولی وفات لاحق بن حمید ابو مجاز السدوسی **اروپا** جنگ مسلمه بن عبد الملك با رومیها

سنه ۸۷ هجری — سنه ۷۰۶ مسیحی

آسیا عزل هشام بن اسمعیل از حکومت مدینه و امارت عمر بن عبد العزیز در این بلده طیبه بحکم ولید بن عبد الملك و فوت سلیس عمر بن عبد العزیز اساس معدلت را صلح قتیبه با نیزك طرخان صاحب بادغیس فتح قتیبه بیکند را که نزدیك ترین شهر ولایت بخارا بود بجیحون و دریافت غنایم بسیار و فوت کردن مسلمین در اینجا و فوت عبید الله بن عباس بمدینه و بقولی در یمن وفات مطرف بن عبد الله بن شخیر در طاعون سختی که در بصره بروز کرده بود وفات مقداد بن معدیکرب کندی بقولی وفات امیه بن عبد الله بن اسید **اروپا** گویند در اینسال مسلمه بن عبد الملك در روم جنگ کرده جمع کثیری را در سوسنه از ناحیه مصیصه بکشت و چند قلعه فتح کرد و بزعم بعضی در اینسال هشام بن عبد الملك بغزو روم پرداخت و قلعه بولق و قلعه اخرم و بولس و قمقم را بگرفت و قریب هزار نفر از مستعربه آن نواحی را بقتل رسانید و اهل و عیال آنها را اسیر کرد

ژوستینین دویم امپراطور بمعاونت طایفه بلغار و روس بقسطنطنیه آمده اکثر اهل شهر را و اعوان او را قتل عام کرد

سنه ۸۸ هجری

سنه ۸۸ هجری — سنه ۷۰۶ مسیحی

اسیا امر کردن ولید بعمر بن عبد العزیز که حجرات ازواج رسول الله صلعم را داخل در مسجد آنحضرت کند و نیز از اطراف مسجد خریده بر مسجد بیفزاید تا دویست ذرع در دویست ذرع شود و ولید با امپراطور قسطنطنیه مکتوبی نوشته او را از این قصد خود یعنی عمارت مسجد رسول الله صلعم خبر داده امپراطور معاونت را صد هزار مثقال طلا و صد نفر کارگر صاحب صنعت و بعضی ما یلزم دیگر نزد ولید فرستاد و ولید آنها را نزد عمر بن عبد العزیز فرستاده و عمر اقدام بکار مسجد کرد جنگ قتیبه در ماوراء النهر و غلبه او امر کردن ولید به بنای جامع دمشق امر ولید بعمر بن عبد العزیز در تسطیح طرق و کندن چاهها و فراهم نمودن موجبات آسایش عامه وفات سهل بن سعد ساعدی بقولی و وفات عمرو و معدیکرب و وفات عبد الله بن بسر مازنی از مازن بن منصور و این شخصی است که رو بقبلتین نماز کرده و آخر صحابیست که در شام درگذشت **اروپا** جنگ مسلمة بن عبد الملک با رومیها و فتح طوانه از شهرهای روم

سنه ۸۹ هجری — سنه ۷۰۷ مسیحی

اسیا عبور کردن قتیبه از جیحون و جنگ در ماوراء النهر و مقاتله با وردان خداه پادشاه بخارا و مراجعت قتیبه بمرو ولایت خالد بن عبد الله قسری در مکه بقولی راندن محمد بن القاسم بن محمد بن الحکم بن ابی عقیل عامل حجاج در ثغر سند بداخله سند و گرفتن بعضی از شهرهای آنمملکت و مقاتله داهر پادشاه سند با محمد و کشته شدن داهر و رفتن عساکر اسلام تا ملتان و لاهور هند و نایل شدن مسلمین بغنایم کثیره بعضی قتیبه را سردار این لشکر نوشته اند جنگ مسلمة بن عبد الملک در آذربایجان و فتح بعضی از قلاع این مملکت وفات عبد الله بن ثعلبة بن صعیر العذری حلیف بنی زهره **افریقا** وفات ظلیم غلام عبد الله بن سعد بن ابی سرح در افریقیه مامور کردن ولید موسی بن نصیر را بولایت افریقیه و رفتن او با بن اقلیم و مامور کردن عبد الله پسر خود را بناحیه از افریقا و مامور کردن هارون پسر دیگر خود را بناحیه دیگر بقتال و خود نیز از جهتی بجهاد مشغول شد و هریک غلبه کرده غنایم بسیار بدست آوردند و مواضع عدیده را فتح نمودند که از جمله طنجه بود و موسی طارق بن زیاد غلام خود را عامل طنجه قرار داد و لشکر جراری مصحوب همراه او نمود بالجمله افریقیه بدون منازعی در تحت حکم موسی بن نصیر در آمد و بعضی گفته اند موسی بن نصیر را در سنه هفتاد و هشت عبد العزیز بن مروان که از جانب عبد الملک بن مروان در مصر حکمران بود بولایت افریقیه داد

سنه ۹۰ هجری — سنه ۷۰۸ مسیحی

اسیا فتح بخارا بدست قتیبه الی خراسان مصالحه سلطان سغد با قتیبه با دادن خراج عذر نیزک با قتیبه و فتح کردن قتیبه طالقان را و قتل عام نمودن فرار یزید بن مهلب و برادران او از زندان حجاج وفات مالک بن انس انصاری بقولی وفات ابو العالیه ریاحی وفات نصر بن عاصم لیثی نحوی **اروپا** جنگ مسلمة بن عبد الملک با رومیها و گرفتن پنج قلعه از سوریه و جنگ کردن عباس بن ولید در خاک روم و نیز راندن تا سوریه گرفتن رومیها خالد بن کیسان صاحب بحر را و فرستادن سلطان روم او را نزد ولید **افریقا** در اینسال مملکت مغرب کاملا متصرف اعراب در آمد جزایر بالار را در دریای سفید متصرف شدند عزل عبد الله بن عبد الملک از مصر و نصب قرة بن شریک بجای او

سنه ۹۱ هجری — سنه ۷۰۹ مسیحی

اسیا مقاتله قتیبه با نیزک و محاصره او و امان دادن قتیبه نیزک را و آمدن نیزک نزد او و امر کردن حجاج بقتیبه بواسطه نامه که نیزک را بقتل برساند و کشتن قتیبه نیزک را و جمع کثیری از اعوان او و اخذ الغنا پادشاه شومان و کش

ونسف با قتیبه و فتح کردن قتیبه این بلاد را و کشتن پادشاه شومان را و سوزانیدن فاریاب که محرقه نامیده شد
حج کردن ولید و آمدن بمدینه و باز دید مسجد رسول الله صلعم که بامر او عمارت یافته بود عزل کردن ولید محمد بن مروان را
از جزیره و ارمنیه و نصب کردن مسلمة بن عبد الملک را بجای او و جنگ مسلمه در مملکت آذربایجان که تا دربند راند و
شهرها و قلعه‌ها فتح نمود بنصب منجنیقها بآن بلاد و قلاع **اروپا** جنگ عبد العزیز بن ولید با رومیها ما بین طابقه
فرانک و زرمن که شبیه بسنه بود تدجنگ و خونریزی که سه سال امتداد یافت در سواحل ودرین روی باد

سنه ۹۲ هجری — سنه ۷۱۱ مسیحی

آسیا جنگ قتیبه در سجستان بقول و ورود قتیبه بسجستان بعزم قتال با رتبیل اعظم و آمدن فرستادگان رتبیل نزد قتیبه
و درخواست صلح و قبول کردن قتیبه و عامل قرار دادن عبد ربه بن عبد الله لیثی را برایشان و بازگشتن و وفات مالک بن اوس
بن الحدثان البصری از اولاد نضر بن معاویه در مدینه **اروپا** ورود عساکر موسی بن نصیر بجزیره سردانیه در بحر روم
که بعد از جزیره صقلیه اعظم جزایر بود و بدست آوردن غنایم بیشمار جنگ مسلمة بن عبد الملک در خاک روم و فتح حصون
ثلاثه و جلا دادن اهل سوسنه را ببلاد روم و یتیزا پادشاه اسپانیول و آن نواحی بواسطه ظلم و تعدی از سلطنت
خلع شده و ورود ریک (رذریق) بجای او منصوب کردید بعضی ورود طارق بن زیاد غلام موسی بن نصیر را باندلس
از وقایع این سال شمرده چون در کتب معتبره در ضمن سوانح سال بعد نوشته شده ما نیز چنان نمودیم

سنه ۹۳ هجری — سنه ۷۱۱ مسیحی

آسیا رفتن قتیبه با عساکر هزار اسب از شهرهای خوارزم و مصالحه خوارزمشاه با قتیبه و فتح خام جرد فتح کردن قتیبه
سمرقند را و بدست آوردن دختری از اولاد یزدجرد پادشاه عجم در سغد و فرستادن او را نزد حجاج که حجاج او را نزد ولید
فرستاد و یزید بن ولید از او متولد شد عزل کردن ولید عمر بن عبد العزیز را از ولایت حجاز و حکومت خالد بن عبد الله در مکه
و حکومت عثمان بن حیان در مدینه و وفات ابو الشعثاء جابر بن زید و وفات بلال بن ابی درداء انصاری قاضی دمشق **اروپا**
جنگ عباس بن ولید با رومیها و فتح سبسطیه و مرزبانین و طرسوس جنگ مروان بن ولید با رومیها و راندن تا خنجره جنگ
مسلمه با رومیها و فتح ماسیسه و حصن الحدید و غزاله از ناحیه ملطیه زوستین امپراطور قسطنطنیه از سلطنت خلع شد و این
آخرین پادشاه بود از نسل هرقل (اسپانیول) دشمنان رود ریک (رذریق) پادشاه جدید اسپانیول موسی بن نصیر را
که از طرف ولید حکومت مغرب داشت دعوت نمودند و نیز طارق غلام خود را با هفت هزار نفر از عساکر اسلام بخاک
اسپانیول مامور ساخت و طارق با سپاه خود در خاک اروپ در حوالی کوه کلبه که حالا بجبل الطارق معروف است
ورود کرده در ظرف پانزده ماه عساکر اسلام تقریبا تمام اسپانیول را متصرف شدند فقط اهالی کوهستانی آستوری
بدست عیسویان ماند **افریقا** خشک سالی در این اقلیم و استسقای موسی بن نصیر و نزول باران

سنه ۹۴ هجری — سنه ۷۱۲ مسیحی

آسیا کشتن حجاج سعید بن جبیر را که با عبد الرحمن بن محمد بن اشعث خروج کرده بود و اختلال عقل حجاج بهمین جهت قتال
قتیبه در شاش (چاچ) و فرغانه و خجند و فتح کردن کاشان شهر فرغانه را زلزله‌های شدید در شام که چهل روز طول
کشید و زلزله انطاکیه اشد زلازل بود فتح کردن قاسم بن محمد ثقفی بعضی اراضی هند را ارتحال حضرت امام زین العابدین
علیه السلام وفات عروة بن زبیر و سعید بن مسیب و ابو بکر بن عبد الرحمن بن حرث بن هشام **اروپا** جنگ عباس بن ولید
در خاک روم و فتح انطاکیه جنگ عبد العزیز بن ولید با رومیها که تا غزاله راند مقاتله ولید بن هشام معیطی با رومیها

وراندند تا برج حمام مقاتله یزید بن ابی کبشه با رومیها و راندند تا ارض سوریه

سنه ۹۵ هجری سنه ۷۱۳ مسیحی

آسیا قتال قتیبه در شاش (چاچ) بمعاونت سپاهی که حجاج از عراق بامداد او فرستاده بود که در بین جنر فوت حجاج باو رسید و مراجعت بمرو کرد و ولید نامه باو نوشته او را مامور بهمان امر کرد وفات حجاج بن یوسف ثقفی که بیست سال حکمرانی عراق داشت فتح عباس بن ولید قلیه را ولادت منصور عبد الله بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس وفات ابو عثمان النهدی بقولی که اسمش عبد الرحمن بن مل بود و صد و سی سال عمر داشت وفات سعید بن ایاس ابو عمرو الشیبانی که صد و بیست سال عمر داشت وفات سالم بن ابی الجعد وفات جعفر بن عمرو بن امیه ضمری برادر رضاعی عبد الله بن مروان فتوحات عساکر اسلام بلاد اقاصی هند را سوای کهرج و سند **اروپا** اعراب را در اسپانیا و در سایر نقاط اروپ موریه نامیدند زیرا که اغلب قشون ایشان از داوطلبان ناحیه موریتانی از نواحی افریقیه بودند و در این سال بود که مملکت اسپانیا از طرف خلفای بنی امیه ضمیمه حکمرانی مغرب کردید غزو مسلمة بن عبد الملک در بلاد روم غزو عباس بن ولید در بلاد روم و فتح هرقله و غیرها

سنه ۹۶ هجری سنه ۷۱۴ مسیحی

آسیا فتح کاشغر بدست قتیبه بن مسلم والی خراسان که بعد از این فتح تا حوالی چین تاختن آورد و از خاقان چین هدیه و جزیه گرفته بخراسان عود کرد ایجاد مناره بجهة موذنین مساجد در خلافت ولید سفرای ولید که از دمشق حرکت کرده بودند بعد از عبور از ایران و ترکستان از کاشغر گذشته بچین رفتند و عهد تجارتی با آن دولت منعقد نموده از این بعد تا چندین ماه مراوده تجارتی اعراب با کاشغر چین از راه سمرقند باز بود وفات ولید بن عبد الملک در نیمه جمادی الاخره در دیر مران که عمرش چهل و دو سال و شش ماه بود بقولی و مدت خلافتش تقریبا نه سال و هفت ماه مدفنش بیرون دروازه صغیر دمشق بیعت کردن مردم با سلیمان بن عبد الملک برادر ولید در همان روز وفات ولید وزارت عمر بن عبد العزیز او را کشته شدن قتیبه بن مسلم باهلی والی خراسان و مضافات در خراسان وفات محمد بن اسامة بن زید بن حارثه و عباس بن سهل بن سعد الساعدی **اروپا** فتح طرطوس بدست عباس بن ولید **افریقا** وفات قرة بن شریک حکمران مصر و بعضی وفات قره را در سال قبل نوشته و گفته اند قره و حجاج در یکماه در گذشتند

سنه ۹۷ هجری سنه ۷۱۵ مسیحی

آسیا ولایت یزید بن مهلب در خراسان از جانب سلیمان بعد از آنکه نه ماه وکیع در خراسان ولایت داشت بنا بحکم سلیمان زبان رسمی دولتی و ملتی در تمام ممالک متصرفی اسلام زبان عربی خواهد بود بعضی این واقعه را بولید نسبت داده اند وفات موسی بن نصیر بقولی **اروپا** کشته شدن عبد العزیز بن موسی بن نصیر که پدرش او را والی اندلس کرده بود گویند عبد العزیز زوجه رودریک (رذریق) پادشاه اسپانیا را بزنی گرفته بود او شوهر خود را بر سمی که معمول مملکت بود بر آن داشت که تاجی از طلا و جواهر ساخته بر سر گذاشت مسلمین را اینمعنی ناخوش آمده بر او شوریدند و او را بکشتند برخی گفته اند چون سلیمان بر موسی بن نصیر غضب کرد حکم بکشتن عبد العزیز کرده او را در محراب مسجد بکشتند و سر او را برای سلیمان فرستادند و سلیمان آن سر را برای موسی فرستاد بهر حال پای تخت اعراب در اسپانیا شهر کردوه شد عزیمت داود بن سلیمان بن عبد الملک بقسطنطنیه برای غزو رفتن عمر بن هبیره بغزو روم از طرف بحر باب شدن گرگوار دوم در روم **افریقا** عزل کردن سلیمان بن عبد الملک عبد الله بن موسی بن نصیر را از افریقیه و نصب محمد بن یزید قرشی بجای او

کرد این

که در این عمل بود تا خلافت عمر بن عبد العزیز که عزل شد و اسمعیل بن عبد الله که مرد نیکو سیرتی بود بجای وی نصب امد

سنه ۹۸ هجری   سنه ۷۱۶ مسیحی

آسیا حرکت سلیمان بسمت حلب و نزول او در مرج دابق و اقامت او در این محل و مامور کردن مسلمه برادر خود را بلشکر کشیدن بجانب قسطنطنیه فرستادن یزید بن مهلب والی خراسان لشکری جرار بطرف جرجان و طبرستان و مصالحه اهل این ولایت با لشکر یزید و فتح قهستان و طغیان اهل جرجان پس از صلح و محاصره کردن قشون یزید اهل جرجان را و غلبه کردن بر آنها بعد از هفت ماه گویند یزید در طغیان اهل جرجان قسم خورد که این بار چون بر این جماعت غلبه کنم از خون انها آسیا بگردانم و از آرد آن آسیا نان خورم و چنانکه گفته بود کرد و چهل هزار نفر از اهل جرجان بکشت و شهر جرجان را او بنا کرده است فتح حصن امرائیه از یمن که نزدیک بملطیه و معدن نمک عربستان از آن محل است بدست عساکر اسلام زلزله شدیدی در غالب ربع مسکون که شش ماه طول کشید

مرج بمعنی چمن است

سنه ۹۹ هجری   سنه ۷۱۷ مسیحی

آسیا وفات سلیمان بن عبد الملک در ماه صفر که خلافتش دو سال و پنجماه و پنج روز بود و در دابق از خاک قنسرین در گذشت خلافت عمر بن عبد العزیز که در زمان خلافت خود سب امیر المؤمنین علی علیه السلام را نهی و متروک ساخت طغیان اتراک در آذربایجان و کشتن جماعتی از مسلمین و فرستادن عمر بن عبد العزیز حاتم بن نعمان باهلی را بآن مملکت و قتل کردن نعمان سواد آذربایجان عزل کردن عمر یزید بن مهلب را از عراق **اروپا** گویند چون سلیمان بن عبد الملک برادر خود مسلمه را مامور جنگ قسطنطنیه کرد لئون نام از طرف آذربایجان باو پیوست و با مسلمه بقسطنطنیه رفت و براهنمائی او قسطنطنیه را محاصره کرده استیلائی تامی یافت اهالی قسطنطنیه چون خود را مستاصل دیدند با لئون مواضعه نموده گفتند اگر قشون عرب را دفع کنی ترا سلطان خود نمائیم لئون آن وقت لشکر اسلام را پراکنده ساخت و کار مسلمانان بسختی کشید و مسلمه بی نیل مقصود باز گشت و چون این خبر بسلیمان رسید از غصه هلاک شد بعضی گفته اند بدی هوا و قوت بحریه قشون قسطنطنیه مانع دخول مسلمه و غلبه او بقسطنطنیه گردید بهر حال لشکر اسلام بدون پیشرفت در این سال از آنجا دو باز گشتند بعقیده بعضی عمر بن عبد العزیز خود متوجه اینطرف گردید مسلمه را مراجعت داد سلطنت لئون سیم در قسطنطنیه

سنه ۱۰۰ هجری   سنه ۷۱۸ مسیحی

آسیا خروج شوذب که اسم او بسطام و از بنی یشکر بود در جوخی که قریه ایست از اعمال واسط و فرستادن عبد الحمید والی کوفه بحکم عمر بن عبد العزیز محمد بن جریر بن عبد الله بجلی را با دو هزار نفر بمقابله او و نوشتن عمر نامه بشوذب از جهة خروج او و پرسیدن و اظهار داشتن که قبل از خونریزی نزد عمر آید و مباحثه نماید و هر یک بر حق باشند امر او را باشد و قبول کردن شوذب و فرستادن دو نفر را نزد عمر و مباحثه عمر با انها و ملزم شدن یکی از انها و انکار آن دیگری و محمد بن جریر در مقابل خوارج بود و هیچیک متعرض هم نشده منتظر معاودت رسولان شوذب بودند طلبیدن عمر بن عبد العزیز یزید بن مهلب را از خراسان و آمدن او ببصره در حالتیکه پسر خود مخلد را در خراسان بجای خود برقرار کرده و فرستادن عدی بن ارطاة موسی بن الوجیه الحمیری بحکم عمر یزید را مغلولا نزد او و حبس کردن عمر او را بجهة اینکه مبلغی که بایستی به بیت المال ایصال نماید ننموده و یزید در حبس عمر بن عبد العزیز بود تا وفات کرد ابتدای دعوت بنی عباس که محمد بن علی بن عبد الله بن عباس هفتاد نفر را باطراف فرستاد تا برای او بیعت بگیرند و خود در شراة و حمیمه که جائی کاهی ما بین دمشق و مدینه منزل نمود دعوت عمر ملوک هند را باسلام و مولی کردن جیشیه بن ناهر این دعوت را بجهة حسن سیرت عمر و مامور کردن عمر بن عبد العزیز عمرو بن مسلم برادر قتیبه را باین سرحد

وخیز

وجنگ کردن عمرو بن مسلم در بعضی مواضع هند وظفر یافتن او وملوک سند در خلافت عمر بن عبد العزیز ویزید بن عبد الملک بدین اسلام بودند ولی در عهد هشام بن عبد الملک مرتد شدند وفات ابو طفیل عامر بن وائله در مکه واین آخر شخصی است که از صحابه فوت شده

سنه ۱۰۱ هجری — سنه ۷۱۹ مسیحی

آسیا فوت عمر بن عبد العزیز در ماه رجب در دیر سمعان یا در خناصره که شهری از شام واز اعمال حلب است در سی ونه سالگی نظر باکه مدت خلافتش دو سال وپنجماه بود وبعضی عمر عمر را چهل سال نوشته اند واز سیره تقوی عمر رد فدک شد به فاطمه فرار یزید بن مهلب از حبس در حینیکه مرض عمر اشتداد داشت از ترس یزید بن عبد الملک ورفتن با غلامان خود بطرف بصره خلافت یزید بن عبد الملک کشته شدن شوذب خارجی وشعرا وپس از چندین جنگ ودلیریها بدست لشکری که مسلمة بن عبد الملک بامر یزید بن عبد الملک از کوفه بقتال او فرستاده بود وفات محمد بن مروان بن حکم که والی جزیره وارمینیه واذربایجان بود جود یزید بن مهلب باهل بصره واستمالت آنها وعامل کردن مروان بن مهلب برادر خود را باهل بصره ورفتن یزید بطرف واسط فرستادن یزید بن عبد الملک برادر خود مسلمه وبرادر زاده خود عباس بن ولید را با هشت هزار مرد جنگی بطرف عراق وفات سعید بن ایاس الشیبانی که یکصد وبیست وهفت سال عمر کرده بود فوت ربیع بن خراش زاهد در کوفه **افریقا** عزل اسمعیل بن عبد الله از حکمرانی افریقیه ونصب یزید بن ابی مسلم کاتب حجاج بجای او که در این حکومت باقی بود تا کشته شد

سنه ۱۰۲ — سنه ۷۲۰ مسیحی

آسیا مقاتله یزید بن مهلب با مسلمة بن عبد الملک در حوالی انبار وکشته شدن او وحبیب ومحمد از بنی المهلب وغلبه مسلمه وفرار مفضل بن مهلب بطرف واسط وجمع کردن جمعی در بصره ورفتن از راه دریا بکرمان ومقاتله کردن در آن دیار با عساکر یزید بن عبد الملک ومغلوب شدن ومقتول شدن مفضل ومروان پسران مهلب ولایت مسلمة بن عبد الملک در کوفه وبصره وخراسان ولایت سعید بن عبد العزیز بن حرث بن حکم بن ابی العاص داماد مسلمه از جانب او در خراسان وچون سعید بتنعم مایل بود بخذینه معروف شد یعنی بانوی خانه ولایت شعبة بن ظهیر نهشلی در سمرقند از جانب سعید والی خراسان تعذیب سعید عمال یزید بن مهلب را در خراسان از روی بهانه جوئی چنانکه بعضی در شکنجه بمردند وتعهد کردن یزید بن عبد الملک برادر خود هشام را وبعد از آن ولید پسر خود را که در این وقت نابالغ بود عبور سعید از جیحون ورفتن بطرف سغد بعزم جنگ گویند چون مسلمه والی خراسان وعراق شد از خراج این ولایت چیزی بیزید عاید نمیساخت ویزید از عزل او حیا میکرد لهذا بهانه ملاقات او را بخواست وچون او از عراق حرکت کرد یزید عمر بن هبیره فزاری را بجای او بعراق فرستاد فرستادن میسره داعی عباسیین در عراق ماموری چند در زی تجارت بخراسان که برای محمد بن علی بن عبد الله بن عباس از مردم بیعت بگیرند جنگ عمر بن هبیره در نواحی ارمینیه واین قبل از آن بود که عمر بجای مسلمه والی کوفه وبصره وخراسان شود وفات ضحاک مفسر در خراسان **اروپا** عساکر عرب بسرداری زمانا می بخاک فرانسه ورود کرده در حوالی شهر تولوز (اود) نامی از نجبای مملکت شکست فاحشی بآنها داد وسردار عرب کشته شد در حکومت همین شخص بود که فضلای زیاد در شهر کردو واز بلاد اسپانیا جمع شدند **افریقا** تعدی یزید بن مسلم عامل افریقیه وشوریدن بر او وکشتن او وعریضه معذرت نوشتن بیزید بن عبد الملک وپذیرفتن یزید عذر آنها را وولایت محمد بن یزید در افریقیه وبعضی این واقعه را بسال قبل نسبت داده اند

سنه ۱۰۳ هجری

سنه ۱۰۳ هجری — سنه ۷۲۱ مسیحی

آسیا عزل کردن عمر بن هبیره والی کوفه و بصره و خراسان سعید والی خراسان را که در سغد سمرقند بود و نصب کردن سعید بن عمرو الحرشی از بنی حریش بن کعب بن ربیعة بن عامر بن صعصعه را بجای او که اینمعنی اسباب خوف و هراس اهل سغد شد و وفات مجاهد و عطا و خالد بن سعدان فقیه حمص و ابو بردة بن ابو موسی اشعری قاضی کوفه فوت شعبی بقولی و وفات عمره بنت عبد الرحمن بن سعید زراة الانصاری

سنه ۱۰۴ هجری — سنه ۷۲۲ مسیحی

آسیا توجه سعید الحرشی والی خراسان بجانب اهل سغد و عبور از جیحون و مقاتله با آنها که پس از صلح باز اسباب کدورت و قتل فراهم آمده سعید حکم کرد سوای تجار که از این حکم معاف اند ساکنین سغد بهلاد را بالکلیه طعمه شمشیر کنند و خبر این فتح را بجای اینکه بعمر بن هبیره بنویسد به یزید بن عبد الملک نوشت و اینفقره اسباب رنجش و کینه عمر بن هبیره گردید بالجمله در اینسفر سعید حرشی ورزنج و کش و نسف را از بلاد ترکستان بگرفت و سلیمان بن ابی السری را برامر حرب و خراج اینولایت گماشت و سلطان ایشان را که سبغری نام داشت بخراسان آورده بکشت و بردار زد و ورود عساکر اسلام در بلاد خزر و معاونت اهل قبچاق طایفه خزر را و مقاتله اینطایفه با عساکر اسلام در مرج الحجاره و غلبه آنها بر مسلمین و فرار مسلمین پس از نهب اموال آنها و امداد نمودن یزید بن عبد الملک که وی جراح بن عبد الله الحکمی را بجنگ خزر مامور کرده و جراح در باب الابواب با طایفه خزر جنگ کرده فتح نمایانی نمود ولادت ابو العباس عبد الله بن محمد بن علی بن محمد بن علی که سفاح باشد در ربیع الاخر عزل کردن عمر بن هبیره سعید الحرشی را از خراسان و نصب سعید بن اسلم بن زرعة الکلابی بجای او و وفات عبد الرحمن بن حیان بن ثابت انصاری و وفات عامر بن سعد بن ابی وقاص

سنه ۱۰۵ هجری — سنه ۷۲۳ مسیحی

آسیا خروج حروری معروف به عقفان بر یزید بن عبد الملک که بلا لشکر او در برابر یزید مخالفت کرد خروج مسعود بن ابی زینب العبدی در بحرین بر اشعث بن عبد الله جارود و کشته شدن او خروج هلال بن مدلج که بعد از مسعود رئیس خوارج شد و مقتول شدن او و پیرو ان خوارج در اواخر دولت یزید بن عبد الملک که در همین سال باشد در خلافت هشام بقتل رسیدند وفات یزید بن عبد الملک در اواخر شعبان در چهل یا سی و پنج سالگی که مدت خلافتش تقریبا چهار سال و یکماه بود خلافت هشام بن عبد الملک عزل کردن هشام عمر بن هبیره را و نصب نمودن خالد بن عبد الله قسری را بجای او مراجعت بکیر بن ماهان از سند که با جنید بن عبد الرحمن در آنمملکت بود چون جنید عزل شد و عود کرد بکیر هم مراجعت کرده بکوفه آمد و قصه دعوت برای عباسیین را شنیده شاد شد و نزد محمد بن علی آمد و میسره داعی عباسیین وفات کرده بکیر بن ماهان قایم مقام وی گردید جنگ جراح حکمی در الان و بلنجر و ان نواحی و فتح بعضی از ان بلاد و نیل غنایم کثیره محاربه مسلم بن سعید کلابی حکمران خراسان با اهالی ترکستان که از ترک او را تعاقب کرده و او بی نیل مقصود باز گشت وفات کثیر عزه **اروپا** جنگ سعید بن عبد الملک با رومیها که نتیجه خوبی نداشت

سنه ۱۰۶ هجری — سنه ۷۲۴ مسیحی

آسیا وقوع محاربه ما بین یمانیه و مضریه در بروقان از ارض بلخ بسبب اینکه مسلم بن سعید والی خراسان عزیمت جنگ کرده بود و جمعی از همراهان او تخلف کرده از انجمله بختری بن درهم بود و مسلم نصر بن سیار و بعضی را بلخ فرستاد که مردم را با همراه سازند نصر در بخانه بختری رفت و زیاد بن طریف باهلی را بسوزانید و اینفقره موجب ظهور فتنه

کردید که آخر الامر غلبه نصر را بود عبور مسلم بن سعید از جیحون برای جنگ اتراک و رسیدن بخارا که در اینجا نائب خالد بن
عبدالله بوی رسید که از خراسان معزول است و با اعجال دست از حرب کشیده بابلیا و امتثال کرده مراجعت نمود ولی
و بعد او منصور
قشون خاقان در مراجعت متوجه او گردیده صدمه کلی بهمراهان او وارد آوردند و مسلم فراها هشت روز راه پیموده تا بجیحون
رسید و عبور کرده و پسر خاقان تا حوالی جیحون او را تعاقب نمود والی نمودن خالد بن عبدالله برادر خود اسد را بر خراسان
حکومت حر بن یوسف بن یحیی بن حکم بن ابی العاص در موصل از جانب هشام و عمارت معروف بدار منقوشه در موصل از
بناهای او بوده است و نهریکه از میان موصل میگذرد از آثار او میباشد عزل کردن هشام عبد الواحد النضری را از حکومت مکه
و مدینه و طایف و نصب نمودن خال خود ابراهیم بن هشام را بجای او وفات یوسف بن مالک حضرمیین و بکر بن عبدالله المزنی
و طاوس بن کیسان **اروپا** اعراب اسپانیا بورگونی یکی از ایالات فرانک را غارت کردند و قتل عام نمودند شارل مارتل
از اعیان فرانک از رود رن عبور کرده مملکت او سپرد را با طاعت در آورد بعضی این فقره را امسال بعد نسبت داده اند و ظاهرا
اصح باشد

سنه ۱۰۷ هجری — سنه ۷۲۵ مسیحی

آسیا ولایت جنید بن عبدالرحمن از جانب خالد القسری در سند و وقوع موافقت بلد و فیما بین او و جیشبه بن داهر ملک
سند که از جانب عمر بن عبدالعزیز بر ولایات خود والی بود و مخالفت جیشبه بعد ها که بدست سپاه جنید مقتول گردید
و فتوحات جنید در آنحدود و فرستادن بکیر بن ماهان جمعی را بخراسان برای اخذ بیعت بجهة بنی عباس و مطلع شدن
اسد بن عبدالله و گرفتار شدن و مقتول شدن جمیع ایشان و وقوع صلح ما بین اسد بن عبدالله و ملک غرشستان که در حوالی
جبال طالقانست و اسلام آوردن ملک غرشستان رفتن اسد بن عبدالله بغزوه غور از جبال هرات و اخذ غنایم بسیار
عزل جراح بن عبدالله حکمی از حکومت ارمنیه و اذربایجان و نصب مسلمة بن عبدالملک بجای او که حرث بن عمرو الطائی از
جانب مسلمه بدان ولایات رفت و فراوردسا تق بسیار از بلاد ترک بگرفت و آثار خیر در آن اماکن برقرار کرد و وفات سلیمان
بن یسار از فقهای سبعه و کثیر شاعر و محمد بن ابی بکر ماموریت شدن برهان ابو خالد بن برهان از جانب اسد بن عبدالله به بنای
شهر بلخ هزیمت اسد در سیستان **اروپا** رفتن عنبسه بن سحیم الکلبی عامل حکمران اندلس بغزو بعضی از بلاد فرانک
و گرفتن او شهر قرقسونه را و استرداد اسرای مسلمین و اخذ جزیه

سنه ۱۰۸ هجری — سنه ۷۲۶ مسیحی

آسیا غلبه اسد بن عبدالله بر بلاد ترک از ختل (ختلان) و غیره و اخذ اسیر و غنیمت بسیار جنگ مسلمة بن عبدالله
بلد و مهادر جزیره که موضعی است بهامدر و فتح کردن قیساریه برادر این غزوه وقوع حرق در دابق و سوختن چراگاه
و چارپایان و بارهای آنها آمدن پسر خاقان ترک باذربایجان و محاصره کردن بعضی از بلاد این مملکت را و مدافعه
حرث بن عمرو الطائی قشون او را که منهزم شدند و تا کنار رود ارس ایشان را تعاقب نمود و بسیاری را بکشت بعضی گویند
حرث در این جنگ کشته شد بروز طاعون شدید در شام **اروپا** جنگ ابراهیم بن هشام با رومیها که یکی از قلاع
ایشان را بگرفت

سنه ۱۰۹ هجری — سنه ۷۲۷ مسیحی

آسیا عزل کردن هشام بن عبدالملک خالد بن عبدالله و برادرش اسد را از عراق و خراسان و نصب نمودن
حکم بن عوانه کلبی را در خراسان و حکم بن چون بکتابستان در خراسان اقامت کرده هیچ اقدامی در کار حرب نکرد معزول
شد و اشرس بن عبدالله بجای او منصوب شد و اشرس بواسطه فضیلتی که داشت معروف بکامل بود غزو مسلمة بن

عبدالملک در حدود آذربایجان با اتراک و غلبه او و اخذ اسیر و غنیمت بسیار و معاودت او **اروپا** غزوات معاویة بن
هشام در خاک روم و گرفتن قلعه طیبه که جماعتی از اهل انطاکیه در این جنگ کشته شدند **افریقا** بشر بن صفوان
عامل افریقیه بغزو جزیره صقلیه شتافت و با غنیمت بسیار بقیروان برگشته در انشهر در گذشت

سنه ۱۱۰ هجری — سنه ۷۲۸ مسیحی

آسیا فرستادن اشرس والی خراسان ابو الصیدا صالح بن طریف مولای بنی ضبه و ربیع بن عمران تمیمی را بدعوت اهل سمرقند
و ماوراء النهر بقبول اسلام و رفع جزیه از انها که اهل سمرقند اسلام اختیار کردند محاصره کردن اشرس بخارا را
و محاصره کردن خاقان ترک با اهل فرغانه و اشروسنه و نسف و غیره کمرجه را که از بلاد معظمه خراسان و در انوقت مجمع مسلمین بود
و عاقبت کار مسلمین و اتراک بمصالحه انجامید از آنجا اهل کرد رو فرستادن اشرس لشکری بسر ایشان و ظفر یافتن این
لشکر ریاست بلال بن ابی بکره امر قضاوت و عسکر و دیوان احکام و بعض مشاغل دیگر بصره را بامر خالد قسری جنگ
مسلمة بن عبدالملک با اتراک در اللان با خاقان ترک که پس از یکماه قتال نزول باران شدید باسباب هزیمت لشکر خاقان
شد وفات حسن بصری و فرزدق شاعر و محمد بن سیرین معبر معروف و جریر خطفی شاعر **اروپا** رفتن معاویة بن هشام
بجنگ روم و مبها بقولی

سنه ۱۱۱ هجری — سنه ۷۲۹ مسیحی

آسیا عزل کردن هشام اشرس بن عبدالله را از خراسان که جنید بن عبدالرحمن بن عمرو بن حرث بن خارجة بن سنان
مری بجای او منصوب شد رفتن جنید بماوراء النهر و مقاتله با جیش ترک در دو فرسخی بیکند و غلبه جنید و اسیر شدن
برادر زاده خاقان ترک که جنید او را نزد هشام بن عبدالملک فرستاد و خود بمرو مراجعت کرد و عمالی که از جانب جنید در
ولایات خراسان و مضافات عامل شدند همه از سلسله مضریه بودند از جمله قطن بن قتیبه را ببخارا و ولید بن قعقاع
عبسی را بهرات و مسلم بن عبدالله باهلی را ببلخ فرستاد و الی کردن هشام حکم بن قیس بن مخرمة بن عبد المطلب بن
عبد مناف را بر عامه مردم شام و مصر آمدن لشکر ترک بطرف آذربایجان و شکست دادن حرث بن عمرو انها را و ولایت
جراح بن عبدالله حکمی دار منیه و عزل مسلمه از این مملکت و داخل شدن مسلمه ببلاد خزر از ناحیه تفلیس و فتح کردن
شهر سیضیار او و ابتاع قشون خزر و توجه آنها ببلاد اسلام برای جنگ **اروپا** جنگ کردن معاویة بن هشام و سعید بن
هشام در روم و محل بار و مها و جنگ کردن عبدالله بن ابی مریم نیز در اطراف دریا بار و مها

سنه ۱۱۲ هجری — سنه ۷۳۰ مسیحی

آسیا رفتن جراح بن عبدالله بجنگ خزر در ناحیه اللان و مقاتله شدید با اتراک و کشته شدن جراح و همراهان او
در مرتع اردبیل یا در بلنجر که بعد از آن پسر خاقان ترک در نواحی آذربایجان بقتل و غارت پرداخت و هشام سعید
الحرشی را با لشکری بدفع و غزو خزر مامور کرده سعید جنگها با خزر کرد و آنها را مخذول نمود رفتن جنید والی
خراسان بغزو خاقان ترک بطخارستان و محاصره کردن سمرقند و مقاتله با اتراک که در این موقع سورة بن حر که از جانب
جنید والی سمرقند بود نفر با ده هزار نفر قشونیکه همراه داشت کشته شد و عده عظیمی نیز غیر از اینها مقتول
شدند و جنید واقعه را بهشام نوشته هشام بیست هزار نفر از کوفه و بصره و مقداری اسلحه بامداد جنید
فرستاد وفات رجاء بن حیوة کندی و مکحول ابو عبدالله الشامی الفقیه **اروپا** جنگ معاویة بن هشام با روم و فیها
و فتح خرشنه که اماسیه باشد

سنه ۱۱۳ هجری — سنه ۷۳۱ مسیحی

آسیا ۱ مقاتله مسلمه با خزر و گرفتن قلاع و بلاد و قرای بسیار از آنها و دستگیر کردن بسیاری از اتراک و نزدیک شدن از طرف جبال به بلنجر و کشتن پسر خاقان ترک و فراهم آمدن لشکر بیشماری از قبایل ترک برای جنگ با اعراب که چون این خبر بمسلمه رسید چاره جز فرار ندید و بباب الابواب آمد وفات عدی بن ثابت الانصاری و معاویة بن قرة بن ایاس المزنی و عبد الرحمن بن ابی سعید الخدری مکحول و ابی جعفر رفتن بعضی از داعیان بنی عباس بخراسان که جنید یکی از آنها را بدست آورده بکشت **اروپا** جنگ معاویة بن هشام بار و میهاد رناحیه مرعش (روم) جلوس گرگوار سیم پاپ جنگ عبد الوهاب بن بخت و عبد الله بطال در خاک روم و کشته شدن مالک بن شبیب و عبد الوهاب در سبواس **افریقا** عبید الله بن حجاب والی افریقیه قشونی بسرداری حبیب بن عبیده ببلاد حبشه مامور کرده سودان را بغلبه فتح کردند و غنایم موفوره بدست آوردند

سنه ۱۱۴ هجری — سنه ۷۳۲ مسیحی

آسیا ۱ دادن هشام بن عبد الملک ولایت جزیره و آذربایجان و ارمینیه را بمروان بن محمد بن مروان ابن عم خود و مامور کردن او را با یکصد و بیست هزار نفر قشون بجنگ خزر و خبر شدن پادشاه خزر و رفتن باقصی بلاد خود و خالی گذاشتن بلاد و اماکن او و خراب کردن مروان بعضی بلاد خزر را و اخذ غنایم و اسیر و آمدن ببلاد سلطان سریر و خاک حمزین و سغدان تا قلعه لکز و مصالحه کردن با مروان بادای خراج و مخذول شدن زمره دیگر و معاودت مروان بعد از آنکه تا شروان و دودانیه رانده بود وقوع طاعون شدید در واسط وفات عبد الله بن بریدة بن حصیب اسلمی قاضی مرو وفات عطاء بن رباح فقیه حجاز ارتحال امام محمد باقر علیه السلام و بعضی ارتحال آنحضرت را در سال صد و پانزده نوشته اند **اروپا** عبد الرحمن بن عبد الله الغافقی که از جانب هشام بن عبد الملک حکمران اسپانیول بود با قشون زیاد بخاک فرانک تاخت و مابین شهر حالبه تور و پوواتیه جنگ سختی با شارل مارسل که فی الواقع پادشاه فرانک بود کرده سردار عرب مقتول و قشون عرب بمعاودت باسپانیول نمود جنگ معاویة بن هشام و سلیمان بن هشام در دو محل بار و میها

سنه ۱۱۵ هجری — سنه ۷۳۳ مسیحی

آسیا بروز طاعون شدید در شام ظهور قحط و غلا در خراسان وفات جنید والی خراسان و بعضی فوت جنید را در صد و شانزده نوشته اند **اروپا** لئون امپراطور قسطنطنیه بقصد تدمیر پاپ از قسطنطنیه سفاین جنگی زیاد بطرف رم مامور نمود ولی در دریای آدریاتیک تمام ان سفاین دچار طوفان و غرق شد عبد الملک بن قطن حاکم اسپانیول بغزوه ارض بشکنس رفته و معاودت نکرد

سنه ۱۱۶ هجری — سنه ۷۳۴ مسیحی

آسیا بروز طاعون شدید در عراق و شام که در واسط فنا الناس بود عزل کردن هشام جنید بن عبد الرحمن را از خراسان بواسطه اینکه فاضله دختر یزید بن مهلب را تزویج کرده بود و نصب شدن عاصم بن عبد الله بن یزید هلالی بجای او[۲] خروج حرث بن سریج در خراسان و رفتن بسوی فاریاب و فرستادن عاصم بن عبد الله رسولان نزد او برای اصلاح و رفتن حرث از فاریاب بطرف بلخ و مقاتله او با نصر بن سیار حکمران بلخ و منهزم شدن بلخیان و ورود حرث ببلخ و خروج نصر بن سیار از این ولایت و حاکم کردن حرث یکی از اولاد خازم بن عبد الله را در بلخ و رفتن بطرف جوزجان و طالقان

[۲] بنا بر این فوت جنید در این سال بوده است

ومرو رود و غلبه کردن باین نواحی و مقاتله با عاصم بن عبدالله و فرار عساکر حرث و حرث در بن خشال و هلاک شدن بسیاری
از اینها بغرق شدن در مرو رود که بعد ها باز دور حرث جمع شدند وفات عدی بن ثابت کوفی و میمون بن حمدان
فقیه جزیره و عمرو بن مراده تابعی و علی بن عبدالله بن عباس در جزیره حمیمه از دمشق اروپا جنگ معاویه بن عبد
الملک با رومیها افریقا عزل کردن هشام عبدالله بن حجاب موصلی را از ولایت مصر و والی کردن او را بر افریقیه و لشکر
کشیدن او بطرف صقلیه و مقاتله با رومیها که اگر چه رومیها منهزم شدند ولی اسیر زیادی از مسلمین بردند و از
انجمله بود عبدالرحمن زیاد که مدت شش سال باسیری گذرانید

سنه ۱۱۷ هجری — سنه ۷۳۵ مسیحی

آسیا فرستادن مروان بن محمد بن مروان حکمران ارمنیه دو دسته از قشون بجانب جبال اتراک خزر که یکی از آن دو دسته
سه قلعه از ناحیه اللان فتح کردند و دسته دیگر بر تومان شاه ورود نموده و با اهالی ناحیه صلح کردند عزل کردن هشام
عاصم بن عبدالله را از ولایت خراسان و نصب نمودن خالد بن عبدالله قسری را بجای او که خالد برادر خود اسد بن عبدالله
را بخراسان فرستاد محاصره حرث بن سریج ترمد را و منهزم کردن ترمدیها او را که در ثانی جمع شده حرث را شکست دادند و بسیاری
از اتباع حرث را بکشتند بدست آوردن اسد بن عبدالله جمعی از دعاة بنی عباس را و هلاک کردن ایشان را وفات فاطمه و سکینه
سلام الله علیهما دختران حضرت امام حسین علیه السلام وفات عایشه دختر سعد بن ابی وقاص وفات قتاده بن دعامه
بصری اعمی وفات ابن ابی ملیک و سعید بن یسار و نافع فقیه مدینه اروپا جنگ معاویه و سلیمان پسران هشام بن
عبدالملک با رومیها در حوالی جزیره در دو محل و مامور کردن سلیمان دسته های عساکر بنقاط مختلفه خاک روم
افریقا مسلم داشتن هشام مصر و افریقیه را بر عبیدالله بن حجاب که حکومت اسپانیول نیز از او بود و از جانب خود عقبة بن
حجاج را بر آن مملکت حکمران کرد و والی کردن عبیدالله پسر خود را بر مصر و رفتن بجانب افریقیه و دادن حکومت طنجه را
به پسر دیگر خود اسمعیل نام و فرستادن حبیب بن ابی عبیده بن عقبة بن نافع را بجنگ مغرب زمین و سودان که فتوحات نموده
غنایم موفوره بدست آوردند محاربه مسلمین با اهل بربر و شکست خوردن مسلمانان و کشته شدن حبیب و کلثوم بن عیاض
القشیری و جماعتی از بزرگان عرب و بعد از این واقعه هشام حنظلة بن صفوان الکلبی را حکمران اسپانیول کرده و بحرب مغرب
زمین و بربرستان مامور نمود و عکاشه خارجی با جمعی از اهل بربر در قیروان با حنظله جنگ کرده ولی عکاشه منهزم
و جمعی از بربرها کشته شدند بعد عبدالواحد بن یزید الهواری با بربر متفق شده در حوالی قیروان در محل معروف باصنام
با مسلمین جنگ سختی کرده غالب شدند و سر عبدالواحد را برای حنظله آوردند در این جنگ گویند صد و هشتاد هزار نفر
طعمه شمشیر مسلمانان گردیدند

سنه ۱۱۸ هجری — سنه ۷۳۶ مسیحی

آسیا فرستادن بکیر بن ماهان عمار بن یزید را بخراسان بریاست هواخواهان بنی عباس که او تغییر اسم داده باین مملکت
آمده بعضی حرفهای ناشایسته بردین بگفت و اسد بن عبدالله مطلع شده او را بدست آورده و بکشت نزول اسد بن
عبدالله ببلخ و مامور کردن جدیع کرمانی را بقلعه موسوم به تبوشکان از طخارستان علیا که حرث بن سریج و تبعه او و پسران
برزی که تغلبیون و دامادهای حرث بودند در این قلعه جا داشتند و جدیع آن قلعه را محاصره کرده تا فتح نمود و پسران برزی را
بکشت و اهل قلعه را عموما اسیر کرد و زنان اینها را در بازار بلخ بفروخت و مردان آنها کشته شدند اقامت اسد بن عبدالله
در شهر بلخ و نقل کردن دیوان قضا و احکام را باین بلده و رفتن از بلخ بطرف جنوب طخارستان و اخذ غنایم و اسیر بسیار

جنگ مروان بن محمد بن مروان با ورنیس پادشاه ترک و غلبه بر او و فرار ورنیس بطرف خزر که در راه کشته شد و بتغار او غارت و اسیر شدند وفات علی بن عبد الله بن عباس در حمیمه از قرای شام که ولادتش در شب شهادت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود و پدرش گفت من او را موسوم میکنم باسم کسیکه او را از جمیع ناس بیشتر دوست دارم و او را علی نامید و کنیه او را نیز ابو الحسن کردانید وفات عبد الله بن عامر قاری شام و ذو الرمه شاعر **اروپا** جنگ معاویه و سلیمان پسران هشام در خاک روم

١١٩ سنه هجری — ٧٣٧ سنه مسیحی

اسیا رفتن اسد بن عبد الله والی خراسان بختل (ختلان) و پراکنده کردن عساکر خود را در آن نواحی و آگاه شدن خاقان ترک و با لشکری پایان نوعبر حرب اسد که بیند و بازگشت اسد از ختل که هنگام عبور از نهر بلخ لشکر خاقان بعساکر عرب رسیده هر چه از نهر عبور نکرده بودند بدست اتراک کشته و اسیر شدند و خاقان از آن محل بمقر خود بازگشت و حرث بن سریج که در مرو رود و طخارستان اقامت داشت بخاقان پیوست و اسد در بلخ جمع آوری لشکر نموده در زمستان بطرف خاقان راند و در شهر جوزجان با او جنگ کرده و در حمله اول حرث بن سریج و همراهانش منهزم شدند بعد اتراک هم فرار کرده و اعراب انها را تعاقب نموده اسرای مسلمین را باز پس گرفتند و خاقان بطخارستان گریخت و در آنجا در نزاع و اختلافی که در بازی نرد با شخصی بهم رسانید مقتول شد خروج مغیرة بن سعید ساحر و بیان با شش هزار نفر از اصحاب خود که ادعا میکرد من میتوانم عاد و ثمود و غیرهم را زنده کنم و گرفتن خالد بن عبد الله والی کوفه انها را و با نفت در جامع کوفه سوزانیدن خروج بهلول بن بشر شیبانی از اهل موصل که ملقب بکثاره بود خروج عمر یشکری و کشته شدن او خروج بختری صاحب الاشهب فرستادن خالد والی کوفه سمط بن مسلم بجلی را با چهار هزار نفر بدفع او و قتال فریقین در ناحیه فرات و فرار خوارج و کشته شدن انها بدست عبید و سفله اهل کوفه خروج وزیر السختیانی بر خالد در حیره و گرفتن او و کشتن و سوزانیدن خالد او را بامر هشام بن عبد الملک خروج صحاری بن شبیب بن یزید در ناحیه جبل و کشته شدن او و اصحابش (جبل جایگاهی بوده است در کوفه مشهور بسر میدان زیاد) جنگ عساکر اسد بن عبد الله در ختل و غلبه انها در این ولایت و گرفتن اسیر و غنایم موفوره و فرار اهل ختل بطرف چین جنگ مروان بن محمد بن مروان در ارمنیه و راندن در بلاد اللان و رفتن بجانب خزر و بلنجر و سمندر تا بیضا که شهر بیست در حوالی باب الابواب سر حد خزر که پادشاه خزر که در اینجا بود فرار نمود وفات سلیمان بن اشدق و عباس بن سلمة بن اکوع و حبیب بن ابی ثابت فقیه در کوفه **اروپا** سقوط سر مناره در بازار زنان در قسطنطنیه از زلزله

١٢٠ سنه هجری — ٧٣٧ سنه مسیحی

اسیا وفات اسد بن عبد الله القسری والی خراسان در بلخ و قیام جعفر بن حنظلة بن بهرانی بامر خراسان در مدت چهار ماه که بعد از آن نصر بن سیار الکنانی والی خراسان گردید فرستادن هواخواهان بنی عباس سلیمان بن کثیر را از خراسان نزد محمد بن علی بن عبد الله بن عباس برای اینکه از حالات او را اعلام کرده باشند عزل کردن هشام بن عبد الملک خالد بن عبد الله قسری را از ایالت عراق و خراسان و نصب کردن یوسف بن عمر الثقفی والی یمن را بجای او و در عهد یوسف اسلام در اینجا در نهایت ضعیف بود و کفار غلبه داشتند وفات مسلمة بن عبد الملک بن مروان وفات محمد بن سلیمان فقیه و واقد بن عمرو بن سعد بن معاذ **اروپا** جنگ سلیمان بن هشام بن عبد الملک با رومیها و فتح

شهر سنده

سنه ۱۲۱ هجری — سنه ۷۳۸ مسیحی

آسیا ۱ بیعت کردن چهل هزار نفر از اهل کوفه با زید بن علی بن الحسین ع که از جمله مسلمة بن کهیل و نصر بن خزیمة بن عیسی و
معاویة بن اسحق بن زید بن حارثة الانصاری و بعضی دیگر از اعیان کوفه بودند و فراهم آمدن اسباب ظهور زید و مخالفت
با هشام بن عبدالملک و با یوسف بن عمر الثقفی که از جانب هشام ولایت عراق داشت و نصیحت کردن داود بن علی بن
عباس زید را و منع کردن او را از اینکه بعهد و وفای اهل کوفه اعتماد نماید همچنین نصیحت کردن مسلمة بن کهیل زید را
بمنوال داود و نپذیرفتن زید از هیچیک و نوشتن عبدالله بن حسن بن حسن ع نامه بزید باینمضمون که مبادا بقول اهل کوفه
مغرور گردی که اینها با تو همان کنند که با جدت کردند و موثر نشدن این کلمات در مزاج زید و تزویج کردن زید در کوفه
دختر یعقوب بن عبدالله سلمی را و دختر عبدالله بن ابی العنبسی ازدی را که پس از ان گاهی در خانه این زوجه و گاهی در خانه
آن زوجه و گاهی در میان عبس و گاهی در میان بنی هند و زمانی در میان بنی تغلب و غیرهم بود تا ظهور کرد و جنگ نصر بن سیار
در ماوراء النهر در بلاد و ولایات چند و گرفتن عاصم بن عمیر کورصول را که یکی از سلاطین ترک و صاحب چهار هزار قبه
بود و کشته شدن کورصول بامر نصر بن سیار و پیشرفت کار عساکر نصر در نواحی و بلاد ماوراء النهر و مصالحه نصر با بران
و ملوک ترک و جنگ مروان بن محمد بن مروان والی ارمنیه در ارمنیه و داخل شدن بقلعه غومیک که دختر پادشاه در ان
بود و فرار پادشاه و راندن مروان تا قلعه خیزج که تخت طلای پادشاه در ان بود و وقوع مصالحه ما بین مروان و
پادشاه بمال المصالحه زیادی و رفتن مروان بخاک بطران و مصالحه پادشاه بطران با مروان و رسیدن مروان باحص
تومان و مصالحه با او و وصول بدیار حمزین و خراب کردن بلاد او و مصالحه حمزین با مروان و رفتن مروان بخاک سیسداره
و فتح کردن آن و ورود بکیران و مصالحه طبرسران و فیلان با مروان و جمیع این ولایات در ساحل دریای ارمنیه است
تا طبرستان حج کردن محمد بن هشام بن اسمعیل مخزومی حاکم مدینه و مکه و طایف در اینسال فراغت ولید بن بکیر
حاکم موصل از حفر نهری که داخل شهر میشد و هشتاد هزار هزار درهم خرج ان شده بود و هشت سنگ آسیا آب
این نهر میگردانید که هشام منافع آنها را وقف مرمت نهر نمود و وفات سلمة بن سهیل بقولی و وفات عامر بن عبدالله بن
زبیر بقولی و وفات محمد بن یحیی بن حبان شیاع علم کیمیا در میان اعراب افریقا جنگ مسلمة بن هشام در خاک روم
و فتح کردن مطامیر را کشته شدن یعقوب بن عبدالله بن اشج در جنگ با رومیها

سنه ۱۲۲ هجری — سنه ۷۳۹ مسیحی

آسیا ۱ باخبر شدن یوسف بن عمر والی عراق از امر زید بن علی بن حسین ع که با اصحاب خود مواعده کرده بود که شب
اول ماه صفر ظهور کنند و نوشتن یوسف از حیره بحکم بن صلت حاکم کوفه که اهل کوفه را در مسجد احضار کند
و بدفع ماجرا پردازد محصور کردن حکم اهل کوفه را در مسجد و فرستادن یوسف ریان بن سلمة الاراشی را با دو هزار نفر
بامداد حکم مقاتله زید و اصحاب او که در اینوقت همه چهار صد و بیست و هیجده نفر بودند و باقی با غدر کرده یا محصور
بودند با سپاه کوفه و شام که در تبعیت یوسف و حکم بودند و کشته شدن زید بعد از چندین روز جنگ و دفن کردن
اصحاب زید جسد او را و آب بستن بروی مزار او که مدفن او از معاندین مخفی ماند و پیدا کردن اعادی مدفن زید را
و نبش کردن قبر و بیرون آوردن جسد او و بریدن سر او که حکم بن صلت آن سر را بحیره برای یوسف بن عمر فرستاد و
یوسف حکم کرد جسد زید و نصر بن خزیمه و معاویة بن اسحق و زیاد النهدی را در کناسه بدار زنند و مستحفظی بر آنها

قرار دهند که مبادا دوستان زید این جسدها را برده دفن کنند و یوسف سر زید را نزد هشام فرستاد و هشام آن را دم دروازه دمشق آویخت بعد بمدینه فرستاد و بدن زید مصلوب بود تا هشام مرد و بعد از هشام ولید آن جسد را بسوخت و یحیی بن زید بعد از کشته شدن زید به نینوا و بخراسان رفت از آنجا توجه یوسف بن عمر بن شبر به سجستان وفات ایاس بن معاویه بن قره قاضی بصره که بذکاوت معروفست وفات زید بن حرث یامی و محمد بن المنکدر بن عبد الله ابو بکر التیمی از تیم قریش و یعقوب بن عبد الله بن الاشج و محمد بن اسمعیل کوفی و ثابت البنانی تابعی **اروپا** کشته شدن بطال که با جماعتی از مسلمین در بلاد روم جلب میکرد و اسم بطال عبد الله ابو الحسین الانطاکی بوده و جنگهای شدید در بلاد روم نموده رومیها از او نهایت خایف بودند بعضی کشته شدن بطال را در سال صد و بیست و سه نوشته اند **افریقا** کشته شدن کلثوم بن عیاض القشیری که از جانب هشام با سپاه شام بافریقیه رفته بود و در فتنه بربر هلاک شد و فتنه بربر عبارتست از خروج عبد الواحد بهوری در مغرب باطایفه بربر و بعضی فتنه بربر را غیر از این شرح داده اند

سنه ۱۲۳ هجری — سنه ۷۴۰ مسیحی

آسیا مصالحه نصر بن سیار والی خراسان با اهل سغد و جنگ کردن با اهل فرغانه وفات محمد بن واسع الازدی البصری بقولی وفات جعفر بن ایاس و سعید بن ابی سعید المقبری موسوم بکیسان بقولی وفات مالک بن دینار زاهد بقولی **اروپا** وقوع زلزله سختی که شهر قسطنطنیه و شهرهای دیگر شهرهای کومدی را معدوم صرف نمود و این زلزله تا مصر امتداد یافت وفات عقبه بن حجاج السلولی حکمران اندلس و دخول بلج بن بشر القشیری باندلس بعد از آنکه در افریقیه محصور بود و ولایت او در این مملکت

سنه ۱۲۴ هجری — سنه ۷۴۱ مسیحی

آسیا ابتدای امر ابو مسلم خراسانی بعضی گفته اند اسم ابو مسلم ابراهیم بن عثمان بن بشار بن سدوس بن جودرده و از اولاد ابو جمهر بوده کنیه اش ابا اسحق و مولدش اصفهان و نشو و نمایش در کوفه بر خی بر این اند که اسمش ابراهیم و لقبش حیکان و از اهل ضیاع بنی معقل عجلیه بوده است در اصفهان یا در شهر دیگر از بلاد جبل بهر حال چون با ابراهیم بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس پیوست امر او تغییر اسم داده موسوم بعبد الرحمن بن مسلم شد و مکنی با بو مسلم کردید جماعتی ابو مسلم را حر ندانسته و عبد شمرده اند و ابراهیم بن محمد پس از آنکه ابو مسلم چند سال با او خدمت نموده بود او را بواسطه کیاستی که داشت بر هواخواهان بنی عباس که در خراسان بودند امیر نمود و در سال صد و بیست و هشت او بخراسان آمده بخانه سلیمان بن کثیر منزل کرد و ابراهیم بن محمد نامه بابی سلمة الخلال که داعی عباسیین بود در خراسان نوشته هواخواهان بنی عباس را باطاعت ابو مسلم امر کرد و بقیه امر ابو مسلم در سال صد و بیست و هشت بیاید وفات محمد بن علی بن عبد الله بن عباس بقولی و وصیت کردن محمد با ابراهیم پسر خود که با مردم دعوت مردم به بیعت بنی عباس قیام نماید وفات محمد بن مسلم بن شهاب الزهری امام اهل مدینه **اروپا** جنگ سلیمان بن هشام با رومیها و ملاقات با لئون امپراطور قسطنطنیه فوت لئون امپراطور و جلوس قسطنطین بجای او (فرانک) فوت شارل مارسل که پادشاه و امیر الامراء یک قسمت عمده فرانک کرده بوده بود و تقسیم کردن مملکت میان اولاد خود (رم) فوت گرگوار سیم و نصب زاشری بجای او (اسپانیا) وفات بلج امیر اندلس و ولایت ثعلبه بن سلامه عجلی در این مملکت **افریقا** حرب صناریه صفریه در مغرب

سنه ۱۲۵ هجری — سنه ۷۴۲ مسیحی

آسیا وفات هشام بن عبد الملک در رصافه در دهم ربیع الاول در پنجاه و پنج سالگی یا پنجاه و شش سالگی که تقریبا نه سال و نه ماه خلافت کرده بود و در رصافه مدفون شد (مقصود از این رصافه یکی از شهرهای شام است)

ببیعت مردم با ولید بن یزید بن عبد الملک ولیعهد کردن ولید دو پسر خود را که حکم و عثمان باشند که ولایت عهد ابتدا حکم را باشد و بعد از آن دیگری را ولایت دادن ولید نصر بن سیار را بتمام خراسان و فرستادن یوسف بن عمر الی عراق جمعی را بولید و خریدن نصر و عمالی او را و دادن ولید ولایت خراسان را بیوسف و فرستادن یوسف رسولی نزد نصر که خود را از حکومت خلع کرده نزد یوسف آید و مماطله کردن نصر و نوشتن ولید بنصر که بربطها و طنبورها و ابریقهای طلا و نقره برای او تمام نموده با مطربها از خراسان متوجه خدمت ولید گردد و هر چه از باز و قوش و اسباب شکار در خراسان بیابد با خود آورده بخلیفه تقدیم نماید و نصر بتهیه مشغول شده وقتی روانه شد که در راه خبر قتل ولید را شنید و بمحل خود باز گشت نمود

کشته شدن یحیی بن زید بن علی بن حسین در جوزجان در جنگ با سالم بن احوز که نصر بن سیار او را بقتال با یحیی امر کرده بود وجسد یحیی در جوزجان مصلوب بود تا ابو مسلم در خراسان تسلط بهم رسانید و جسد یحیی را دفن کرد و قاتلین یحیی هر کس زنده بود بکشت و هر کس مرده بود بباز ماندگان او صدمات وارد آورد حکومت یوسف بن محمد بن یوسف الثقفی خال ولید بن یزید در مکه و مدینه و طایف وفات محمد بن علی بن عبد الله بن عباس بقولی وفات سماک بن حرب و ابن ابی بزه موسوم به نبسار از قاریهای مشهور و اشعث بن ابی الشعثاء سلیم بن اسود المحاربی و سلیمان بن ابی انیسه الجزری فقیه عابد **اروپ** امارت ابو الخطار حسام بن ضرار کلبی در اندلس **افریقا** ولایت حنظلة بن صفوان الکلبی در افریقیه

سنه ۱۲۶ هجری — سنه ۷۴۳ مسیحی

آسیا آمدن خالد بن عبد الله القسری نزد ولید و تسلیم کردن ولید او را بیوسف بن عمر ثقفی و بردن یوسف او را بکوفه و عذاب کردن و کشتن و اضطراب امر بنی امیه کشته شدن ولید بن یزید بن عبد الملک در ماه جمادی الاخره بسبب آثار او در لهو و لعب و شرب خمر و فسق و اقدام باعمال شنیعه که مردم با یزید بن ولید بن عبد الملک بیعت کردند و او لشکری در تحت فرمان عبد العزیز بن حجاج بن عبد الملک بر سر ولید فرستاده در حوالی قصر نعمان بن بشیر با او مقاتله کردند و چون ولید در ماند بقصر رفت و در را بروی خود بست و قرآنی بدست گرفته گفت امروز روز عثمان است بالجمله هواخواهان یزید در قصر را گرفتند و یزید بن عنبسه از دیوار قصر بالا رفته داخل قصر شد و دست ولید را گرفته که ببرد و او را حبس کند ده نفر دیگر در آن هنگام وارد قصر شدند که از جمله منصور بن جمهور و عبد السلام اللخمی بودند عبد السلام ضربتی بسر ولید زد و سندی بن زیاد ابن ابی کبشه ضربتی بروی ولید زد و سر او را بریده نزد یزید بردند و او حکم کرد سر او را بر سر نیزه نموده در شهر دمشق گردانیدند مدت خلافتش تقریبا یکسال و سه ماه خلافت یزید بن ولید بن عبد الملک معروف بناقص در اواخر جمادی الاخره و او را ناقص میگفتند برای آنکه عشرات که ولید بر عطایای مردم افزوده بود او کم کرد بوضعی که در ایام هشام بود مخالفت اهل حمص با یزید و لشکر فرستادن یزید بسر آنها و قتال شدید در حوالی ثنیة العقاب که اهل حمص منهزم و مقهور شدند اجتماع اهل فلسطین بر خلاف یزید و بیرون کردن عامل یزید را از فلسطین و احضار کردن یزید بن سلیمان بن عبد الملک و بیعت کردن با او و فرستادن یزید بن ولید لشکری بسرداری سلیمان بن هشام بن عبد الملک بقتال یزید بن سلیمان بن عبد الملک و متفرق شدن بزرگان فلسطین از دور یزید بن سلیمان بوعد و وعید سلیمان بن هشام و رسیدن لشکر سلیمان بن هشام بجنبش یزید بن سلیمان و نهب کردن آنها و رفتن سلیمان بن هشام تا طبریه و رمله و گرفتن بیعت برای یزید ناقص عزل کردن یزید ناقص یوسف بن عمر را از عراق و نصب کردن منصور بن جمهور را بجای او و ضمیمه نمودن مملکت خراسان را بحکومت منصور و اطاعت نکردن نصر بن سیار و عزل کردن یزید ناقص منصور را و نصب کردن عبد الله بن عمر بن عبد العزیز را بجای او و ظهور مروان بن محمد بن مروان بمخالفت

دمفرتر موخ

یزید

یزید ناقص شورش اهل مدینه و مخالفت آنها با حاکم خود که بعد از ان جنگها در این ولایت متوالی بود آمدن حرث بن سریج
که در میان اتراک بود و با نصر سیار مخالفت میکرد نزد نصر و امان یافتن و پس دادن نصر با او آنچه را از او گرفته بود رفتن بکیر بن
ماهان از جانب ابراهیم بن محمد عباسی بخراسان و خبر دادن وفات محمد را بهواخواهان بنی عباس و دعوت کردن آنها را ببیعت
ابراهیم و قبول کردن آنها بیعت گرفتن یزید ناقص برای برادرش ابراهیم بن ولید بولایت عهد و بعد از او برای عبد العزیز بن حجاج بن
عبد الملک فوت یزید ناقص در ذیحجه در دمشق که شش ماه و دوازده روز خلافت کرد و جلوس ابراهیم بجای او که استقراری نیافت
و حکم رانی او چهار ماه یا هفتاد روز بود و بعد مروان او را خلع کرد وفات عبد الرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق و ابو حمزة
صاحب ابن عباس **افریقا** استیلاء عبد الرحمن بن حبیب بن ابی عبیدة بن عقبة بن نافع در افریقیه

سنة ۱۲۷ هجری — سنة ۷۴۴ مسیحی

اسیا عزیمت مروان بن محمد بن مروان بن حکم امیر دیار جزیره بشام برای خلع ابراهیم بن ولید و آمدن بحمص و بیعت اهل حمص
با او و همراهی با او بعزم قتال و فرستادن ابراهیم لشکری بسرداری سلیمان بن هشام بن عبد الملک بدفع مروان و جنگ کردن در
نزدیکی دمشق که لشکر ابراهیم صد و بیست هزار و عساکر مروان هشتاد هزار بودند و پس از قتال شدیدی لشکر ابراهیم فرار کردند
و با سلیمان منهزما بدمشق آمده با ابراهیم پیوستند و دو پسر ولید بن یزید که در زندان بودند بکشتند بعد از ان ابراهیم گریخت
و پنهان شد و سلیمان بن هشام بیت المال را غارت کرده میان اصحاب خود تقسیم نمود و از دمشق خارج شد بیعت مردم
با مروان در دمشق و رفتن مروان بجایگاه خود یعنی حران استیمان ابراهیم و سلیمان بن هشام از مروان و امان دادن مروان
آنها را و بیعت کردن آنها با مروان مخالفت کردن اهل حمص با مروان و رفتن لشکر مروان از حران بحمص و مغلوب کردن آنها و خراب کردن
بعضی از باروی حمص طغیان اهل غوطه دمشق و برداشتن یزید بن خالد قسری را بامارت خود و محاصره کردن دمشق را و فرستادن
مروان ده هزار سوار بسرداری ابو الورد بن کوثر و عمرو بن صباح که اهل غوطه را منهزم کردند و بعضی از قرا را آتش
زدند مخالفت اهل فلسطین با مروان که آنها را نیز ابو الورد مغلوب نمود رفتن مروان بقرقیسیا و خلع کردن سلیمان بن هشام مروان
را و جمع شدن هفتاد هزار نفر از اهالی شام دور سلیمان و اردو زدن در قنسرین و آمدن مروان با عساکر خود از قرقیسیا
بقنسرین و وقوع قتال شدیدی ما بین فریقین و منهزم شدن سلیمان و عسکر او و تعاقب لشکر مروان قشون او را که زیاده از
سی هزار نفر آنها را بکشتند و رفتن سلیمان بحمص و جمع شدن اهل حمص و بقیه منهزمین دور او و لشکر فرستادن مروان
بر سر او که در ثانی او را شکست دادند و سلیمان بتدمر گریخت و اهل حمص باز عصیان نموده و عساکر مروان مدتی مدید
حمص را در بند محاصره داشتند تا امان خواستند و تسلیم شدند و ولاتی که از جانب سلیمان در این ولایت بودند
اهل حمص آنها را بگذاران مروان دادند و امنیت یافتند ظهور عبد الله بن معاویة بن عبد الله بن جعفر در کوفه و
مقاتله او با عبد الله بن عمر بن عبد العزیز و هزیمت یافتن اصحاب معاویه که زیدیه بودند و گرفتن طایفه ربیعه امان برای
ابن معاویه و خودشان و زیدیه بانیکه از کوفه بروند چنانکه ابن معاویه بمداین آمده و جمعی از اهل کوفه بر او جمع شده و او بر
حلوان و همدان و جبال و اصفهان و ری غلبه کرد خروج ضحاک بن قیس شیبانی و داخل شدن بکوفه و مقاتله با عبد الله بن
عمر که آخر الامر در واسط پس از سه ماه جنگ عبد الله با ضحاک مصالحه کرد که سلیمان بن هشام بن عبد الملک نیز با او بود قوت
گرفتن کار هواخواهان بنی عباس و برقرار شدن ابو سلمة بن حفص بن سلیمان از جانب ابراهیم بن محمد بجای بکیر بن ماهان داعی
عباسیین در خراسان بخواهش خود بکیر که در خود امارات موت میدید و پذیرفتن اهل خراسان ابو سلمه را وفات محمد بن واسع
ازدی زاهد وفات عبد الله بن اسحق مولی الحضرمی از خلفاء عبد شمس که مکنی بابو بحر و از ائمه علم نحو و لغت بود فوت اسمعیل

بهمنی

میمند معتزله اهل کوفه و مالک بن دینار زاهد بصری بقولی اروپا خلع ابی الخطار حسام بن ضرار از امارت اندلس و امارت یافتن ثوابه بن سلمة الحدانی بجای او در انمملکت

سنه ۱۲۸ هجری — سنه ۷۴۵ مسیحی

آسیا ۱ فرستادن مروان یزید بن هبیره را بعراق بمقاتله اشخاصیکه درین مملکت خروج کرده بودند و ظهور فتنه در خراسان و مقاتله حرث بن سریج با کرمانی و کشته شدن حرث فرستادن ابراهیم بن محمد ابو مسلم خراسانی را بخراسان درحالتیکه نوزده ساله بود برای دعوت مردم بمتابعت بنی عباس و قوت عمل هواخواهان بنی عباس در خراسان کشته شدن ضحاک بن قیس خارجی در مقاتله با عساکر مروان و کشته شدن خیبری که بعد از ضحاک تبعه او با خیبری بیعت کرده بودند و بعد از قتل خیبری شیبان مروری بر تبعه او امارت یافت بیعت ابو حمزه خارجی که موسوم بمختار بن عوف ازدی سلمی بصری بود با عبد الله بن یحیی معروف بطالب الحق با ینکه طالب الحق خلیفه باشد و خواندن مردم را بخلاف مروان و آل مروان خروج بسطام در آذربایجان و کشته شدن او وفات عاصم بن ابی النجود صاحب القرآت (النجود الحمارة الوحشیة) وفات جابر بن یزید الجعفی از غلات شیعه ولادت امام موسی کاظم علیه السلم

سنه ۱۲۹ هجری — سنه ۷۴۶ مسیحی

آسیا ۱ ظهور دعوت بنی عباس در خراسان بواسطه ابو مسلم و مکاتبات فیمابین نصر بن سیار و ابو مسلم که منجر بمقاتله شد و غلبه ابو مسلم در بعضی از بلاد خراسان و کشتن چند نفر از عمال نصر را و نوشتن نصر بمروان ماجری را و حکم دادن مروان بعاملی که در بلقا داشت که ابراهیم بن محمد را که معروف با براهیم بن امام بود و در قریه حمیمه در شراة شام سکنی داشت بگیرد و محبوساً نزد مروان فرستد و گرفتن عامل مروان ابراهیم را و فرستادن نزد مروان که او را در حران حبس کرد و او در حبس مروان بود تا در گذشت کشته شدن کرمانی که با ابو مسلم موافقت کرده بود بحکم نصر بن سیار و ملحق شدن علی بن کرمانی با تبعه خود با بو مسلم و مقاتله کردن با نصر در مرو و بیرون کردن او از دار الاماره غلبه عبد الله بن معاویة بن عبد الله بن جعفر طیار بر فارس که بعد از چندی معن بن زائده از جانب ابن هبیره والی عراق و جمعی دیگر با او مقاتله کرده ابن معاویه منهزم شد و بخراسان رفت و بامر ابو مسلم کشته شد وفات یحیی بن یعمر عدوی در خراسان و یحیی از فصحا تابعین بود و از ابو الاسود دؤلی نحو آموخته بود وفات وهب بن کیسان و یحیی بن ابی کثیر الیمامی **اروپا** وفات ثوابه بن سلمه امیر اندلس و ولایت یوسف بن عبد الرحمن الفهری در این مملکت طایفه سلاو از ساحل دانوب با حوالی مقدونیه آمده انجا را بوطن خود قرار دادند

سنه ۱۳۰ هجری — سنه ۷۴۷ مسیحی

آسیا ۱ استیلاء ابو مسلم در خراسان و داخل شدن او بشهر مرو و منزل کردن در قصر دار الاماره و گریختن نصر بن سیار از مرو و کشته شدن شیبان حروری در ابیورد بدست بسام بن ابراهیم بفرمان ابو مسلم و کشتن ابو مسلم علی و عثمان دو پسر کرمانی را آمدن قحطبة بن شبیب نزد ابو مسلم با لوائیکه ابراهیم امام بسته بود و ... ابو مسلم فرستاد و ابو مسلم او را مقدمه خود قرار داده جیشی در تحت فرمان او قرار داد و او را در امور عسکری بسط ید داد و عزل و نصب را مفوض برای او کرد فرستادن ابو مسلم عمال بولایات خراسان و عزیمت قحطبه به نیشابور و کشته شدن تمیم بن نصر بن سیار در جنگ با قحطبه و فرار نصر از نیشابور بقومس و متفرق شدن لشکر او و کشته شدن نباتة بن حنظله عامل یزید بن هبیره در جرجان در مقاتله قحطبه کشته شدن ابو حمزه خارجی بدست عساکر مروان بسرداری عبد الملک بن محمد بن عطیه

السعدی سعد هوازن و رفتن ابن عطیه بیمن و مقاتله او با عبدالله بن یحیی طالب الحق و کشته شدن طالب الحق و قتل کردن قحطبه در جرجان که شنیده بود اراده خروج دارند و کشتن زیاده از سی هزار نفر را و وفات ابو جعفر یزید بن قعقاع القاری و وفات محمد بن اسکندر زاهد در مدینه و وفات عبدالعزیز بن رفیع که ابو عبدالله مکی فقیه باشد و وفات اسمعیل بن ابی حکیم کاتب عمر بن عبدالعزیز و یزید بن ابان معروف به یزید رشک و حفص بن سلیمان بن مغیره و طاعون در بصره

اروپا جنگ ولید بن هشام با رومیها

سنه ۱۳۱ هجری — سنه ۷۴۸ مسیحی

آسیا وفات نصر بن سیار در ساوه نزدیک ری در هشتاد و پنج سالگی آمدن قحطبه بن شبیب بری و استقرار امر بنی عباس در اینجا و غلبه عساکر قحطبه بر خوارجیکه در دستبی جمع شده بودند نوشتن ابو مسلم خراسانی نامه‌ها باسپهبد طبرستان و مصمغان حاکم دماوند و خواندن آنها را به بیعت بنی عباس و ادای خراج و قبول کردن اسپهبد و رد کردن مصمغان که تا زمان منصور بمخالفت باقی بود و دایما بکار زار میپرداخت تا در خلافت منصور حماد بن عمرو دماوند را فتح کرد جنگ قحطبه با عامر بن ضباره و داود بن یزید بن هبیره در نواحی و حوالی اصفهان که ابن دو بحکم یزید بن عمر بن هبیره که والی مروان بود در عراق بجنگ قحطبه شتافتند و منهزم شدند و عامر کشته شد و اینجا و دیگر برای قحطبه مصفی گردید و قحطبه چند روزی در شهر اصفهان مانده بعد بنهاوند رفت و اینشهر را نیز فتح کرد فرستادن قحطبه ابو عون عبدالملک بن یزید الخراسانی را بشهرزور و فتح کردن ابو عون این ولایت را توجه قحطبه بعراق برای جنگ با یزید بن عمر بن هبیره و نزول او در کنار فرات و وفات ابو حذیفه واصل بن عطاء الغزال المعتزلی که از حسن بصری کناره کرده و مخالفت با او نموده در یقول که صاحبان کبایر نه مسلم اندو نه کافر بلکه مرحله مابین اسلام و کفر دارند و از اینجهت او و متابعین او معروف بمعتزله شدند و واصل لثغه در حرف راء داشت یعنی نمیتوانست اینحرف را تلفظ کند و وفات مالک بن دینار زاهد را بعضی در اینسال نوشته‌اند و وفات منصور بن المعتمر السلمی ابو عتاب کوفی

سنه ۱۳۲ هجری — سنه ۷۴۹ مسیحی

آسیا مقاتله ابن هبیره و قحطبه در حوالی فرات و فرار ابن هبیره و عساکر او که بواسط گریختند و هلاکت قحطبه در این جنگ که بعضی گفته‌اند در عبور از نهر غرق شد بعضی برآنند که هنگام عبور از نهر معن بن زایده او را بکشت بروایتی قحطبه از نظرها ناپدید شد چون در صدد جستجوی او برآمدند او و حرب بن سالم ابن احوز را دیدند که هر دو کشته شده و جسد هر دو در کنار نهر افتاده احتمال دادند که این هر دو یکدیگر را کشته‌اند و بعد از قحطبه بموجب وصیت او پسرش حسن بن قحطبه جای او را گرفت خروج محمد بن خالد بن عبدالله القسری در کوفه و بیرون کردن عامل ابن هبیره را از کوفه و آمدن حسن بن قحطبه بکوفه و عامل کردن محمد بن خالد را در کوفه و رفتن بواسط بعزم قتال با ابن هبیره که محمد بن خالد معروف بامیر در کوفه حکومت داشت تا ابو العباس سفاح ظهور کرد بیعت کردن مردم با ابو العباس سفاح که اسمش عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بود در ربیع الاول یا در ربیع الآخر در کوفه تبیین آنکه چون مروان ابراهیم امام را حبس کرد و ابراهیم خود را در حالت وفات دید برای اهل خود پیغام داد که اطاعت ابو العباس برادر او را نمایند و ابو العباس خلیفه باشد و اهل بیت ابراهیم با ابو العباس از حمیمه بکوفه روند و ابو العباس با برادر خود ابو جعفر منصور و اهل بیت ابراهیم در ماه صفر بکوفه آمدند و تا ماه ربیع الاول یا ربیع الآخر در کوفه پنهان بودند بعد ظاهر شده و مردم ابو العباس را بخلافت تهنیت گفتند و او داخل دار الاماره شد بعد بمسجد رفته خطبه خواند و امامت کرد و ابو جعفر را در مسجد نشانده برای او

ازمردم بیعت گرفت بعد ابو العباس از کوفه خارج شده در حمام اعین اردو زد و عم خود داود بن علی را والی کوفه کرد و در آنوقت
عبدالله بن بسام حاجب ابو العباس سفاح بود پس از آن سفاح عم خود عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس را بشهرزور فرستاد
واهل شهر با طاعت بنی عباس بودند و برادرزادهٔ خود عیسی بن موسی بن محمد را نزد حسن بن قحطبه فرستاد و حسن در
اینوقت ابن هبیره را [در واسط] محصور کرده بود نیز سفاح یحیی بن جعفر بن تمام بن عباس را بمداین نزد حمید بن قحطبه برادر حسن
فرستاد و خود سفاح یکماه در اردوی خود توقف کرده بعد بشهر هاشمیه کوفه آمده در قصر امارت نزول نمود
اما مروان بن محمد بن مروان الحکم بن العاص که چهاردهمین خلیفه اموی و آخرین خلیفه از بنو امیه و ملقب بحمار و معروف
بمروان جعدی بود از حران بمقاتله ابی عون عبدالملک بن یزید ازدی که از جانب بنی عباس در شهرزور بود و
استیلائی یافته انتهاض کرد و با صد و بیست هزار نفر روانه شده تا رسید بزاب و در اینجا خندقی برای عساکر خود
حفر کرد ابو عون نیز از شهرزور بزاب آمد و سفاح ابو عون را بجیشی کمک کرد که سردار آن عبدالله بن علی عم
سفاح بود و سلمة بن محمد بن عبدالله الطائی نیز در این قشون بود و چون عبدالله بابی عون پیوست ابی عون سراپرده
خود را خاص عبدالله کرد خود در عداد عساکر در آمد پس از آن مروان جسری بر نهر زاب بسته از آن عبور کرده و با
عبدالله مشغول قتال شد و عساکر عبدالله بیست هزار نفر یا کمتر بودند و جنگ شدیدی با مروان کرده او را شکست
دادند و این در یازدهم جمادی الآخره بود و مروان بموصل گریخت اهل موصل او را سب کردند او لابد بحران
آمد و چند روزی در اینجا مانده و عساکر سفاح که او را تعاقب مینمودند بحران رسیدند و باز او را هزیمت دادند
او بحمص رفت و از حمص بدمشق و از دمشق بفلسطین راند و عبدالله بن علی او را تعاقب کرده دمشق را محاصره
نمود و در پنجم رمضان فتح کرد و بفلسطین شتافت در اینجا نامه سفاح باو رسید که نوشته بود عبدالله بن علی
برادر خود صالح بن علی را بتعاقب مروان مأمور کند عبدالله صالح را بتعاقب مروان فرستاد و صالح او را تعاقب میکرد
تا در حوالی نیل مصر در کنیسه بوصیر از اعمال مصر باو رسید و همراهان مروان را منهزم نمود و شخصی مروان را بزخم
نیزه از پا در آورد و ناری فروشی از اهل کوفه سر مروان را برید و بنزد صالح آورد و دولت بنی امیه منقرض شد و این در
بیست و هفتم ذیحجه بود عمر مروان شصت و دو سال و مدت خلافتش پنج سال و دو ماه و پانزده روز بود بالجمله
صالح ابو عون را حکومت مصر داده بشام برگشت و سر مروان را برای سفاح فرستاد و عبدالله و عبیدالله پسران
مروان بحبشه گریختند و حبشیها با آنها جنگ کرده عبیدالله را کشتند و عبدالله نجات یافته و بود تا خلافت
مهدی که نصر بن محمد بن اشعث عامل فلسطین او را گرفته نزد مهدی فرستاد کشته شد نیز سلیمان بن هشام بن عبدالملک
بامر سفاح در صورتیکه او را امان داده کویند روزی نود یا هفتاد نفر از بنی امیه در دمشق در مجلس عبدالله بن علی بن
عبدالله بن عباس حاضر بودند شبل بن عبدالله از موالی بنی هاشم وارد مجلس شده اشعاری خواند که مضامین آن از
ظلم بنی امیه بحضرت سید الشهدا علیه السلام و زید بن علی بن حسین و سایر بنی هاشم و غیره اشعار میکرد و عبدالله را
بر انتقام تحریض نمود عبدالله در غضب شده حکم کرد با چوب دستی جمیع اعضای آن هفتاد یا نود نفر را شکستند
و آنها را انداخته گلیم روی آنها پهن نمودند و خوان طعام روی آن گلیم گستردند و بر روی آنها نشسته غذا میخوردند
و از زیر پای خود ناله مجروحین را میشنیدند و چندی نگذشت که تمام مجروحین بمردند و عبدالله امر کرد قبور بنی امیه را
در دمشق نبش نمودند از جمله قبر معاویة بن ابی سفیان و یزید بن معاویه و قبر عبدالملک بن مروان و قبر هشام بن
عبدالملک را نبش کرده جسد آخری چون صحیح بود آن را آویختند و بعد بسوختند و بعد از آن بنی امیه را میکشتند

وبراحدی ابقا ننمودند وکسی از آنها زنده نماند مگر بعضی از اطفال رضیع و آنهائیکه باندلس گریختند همچنین سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس جمعی از بنی امیه را در بصره بکشت و جسد آنها را در راهها انداخت طعمه سگها نمود هم درین سال ابوالورد بن کوثر از اصحاب مروان بعد از آنکه در اطاعت بنی عباس درآمده بود بنای عصیان گذاشت عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس با لشکر جراری متوجه او شده واو در قنسرین بود پس از جنگ شدید قشون ابی ورد منهزم شدند وخود او جنگ کرده تا کشته شد واهل قنسرین امان یافته محمد را با عبدالله بیعت کردند واو بدمشق مراجعت کرده واهل دمشق هم طغیان نموده واهل عبدالله را غارت کرده چون عبدالله بدمشق نزدیک شد طاغیان گریختند و عبدالله بعد از آنها امان داد والی کردن سفاح یحیی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادر خود را بموصل وچون اهل موصل سرکشی نموده حاکم خود را بیرون کرده بودند یحیی یازده هزار مرد از انها کشت وحکم بقتل زنان واطفال نمود وسرداری با یحیی بود که چهار هزار زنگی با او بود بکرد وزنی از اهل موصل بیحیی گفت ما را عار می آید از اینکه زنگیها زنهای عرب را تزویج کنند یحیی بقول او عمل کرده جمیع زنگیها را بکشت و ولایت دادن سفاح برادر خود ابا جعفر منصور را بر جزیره وآذربایجان و ارمنیه و والی کردن سفاح عم خود داود را در مدینه ومکه ویمن و یمامه دادن سفاح ولایت کوفه وسواد آنرا بپسر برادر خود عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس و والی شام عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس و والی مصر ابو عون بن یزید بود وابو مسلم خراسانی در خراسان حکمرانی داشت ووزارت مالیه با خالد بن برمک بود کشته شدن ابی سلمة الخلال معروف بوزیر آل محمد باشاره سفاح کشته شدن سلیمان بن کثیر بامر ابی مسلم خراسانی که اینهم از اسباب کینه ابو جعفر وسفاح نسبت بابی مسلم شد وفات عبدالله بن طاوس بن کیسان الهمدانی از عباد و فقهای اهل یمن

سنه ۱۳۳ هجری — سنه ۷۵۰ مسیحی

آسیا ۱ والی کردن سفاح عم خود سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را بر بصره و رستاق دجله و بحرین و عمان و مهرجانقذف دادن سفاح حکومت اهواز را بعم خود اسمعیل بن علی بن عبدالله بن عباس وفات داود بن علی عم سفاح در مدینه و نصب کردن سفاح زیاد بن عبدالله حارثی را بجای او عزل کردن سفاح برادر خود یحیی را از حکومت موصل بجهة کثرت قتلی که در بن ولایت کرده بود و نصب کردن عم خود اسمعیل بن علی را بجای او فرستادن ابو مسلم زیاد بن صالح را بجنگ پادشاه شاش (چاچ) واخشید و فرغانه وغلبه زیاد بر جیش ترک **ارو پا** غلبه واستیلای قسطنطین امپراطور قسطنطنیه بر تفلاو و ملطیه گریختن عبدالرحمن بن معاویة بن هشام بن عبدالملک بن مروان باندلس و پذیرفتن امرای بنی امیه که در اندلس بودند او را و بحکومت نشستن او که سالهای دراز آن مملکت را ولا داور او بود وابتدای دولت آل مروان در اندلس در سال ۱۳۹ اتفاق شد چنانکه بیاید

سنه ۱۳۴ هجری — سنه ۷۵۱ مسیحی

آسیا ۱ نقل سفاح دارالخلافه را از حیره کوفه بانبار مخالفت بسام بن ابراهیم بن بسام که از خراسان بود ورفتن با جماعتی بمداین و فرستادن سفاح خازم بن خزیمه را بسر انها و منهزم شدن بسام وهمراهان او بعد از قتال شدید مأمور شدن خازم بجنگ خوارج وآمدن ببصره ورفتن بواسطه سفاین بجزیره بر واکان و فرستادن خازم فضلة بن نعیم النهشلی را با پانصد نفر بجنگ شیبان بن عبدالعزیز و گریختن شیبان بعد از قتال شدید بواسطه سفاین بعمان با همراهان او که صفریه بودند ومقاتله جلندی با شیبان وکشته شدن او وجنگ کردن خازم در سواحل عمان با جلندی وکشتن او وجمع کثیری از خوارج را و چندماه خازم در اینجا بود تا سفاح او را احضار کرد جنگ ابو داود خالد بن ابراهیم با اهل کش وکشته شدن اخرید پادشاه کش و بسیاری از همراهان او وگرفتن ابو داود از انها از امتعه

نفیسه

نفیسه چین مقدار زیادی و فرستادن برادر ابو مسلم که در سمرقند بود و کشتن بسیاری از دهاقین کش و پادشاه کش
طاران برادر اخرید را در کش و مقاتله ابو مسلم با اهل سغد و بخارا و امر کردن به بنای سور سمرقند و والی کردن زیاد بن
صالح را بر سمرقند و بخارا و برگشتن بمرو و مراجعت کردن ابو داود ببلخ مامور کردن سفاح موسی بن کعب را تا ببندد بجنگ
منصور بن جمهور و منهزم شدن منصور و در ریگزار از تشنگی مردن او و وفات محمد بن یزید بن عبید الله عامل یمن و نصب
کردن سفاح علی بن ربیع بن عبید الله را بجای او و نصب کردن میلها و منارها از کوفه تا مکه و وفات محمد بن اسمعیل بن
سعد بن ابی وقاص و سعد بن عمر بن سلیم الزرقی

سنه ۱۳۵ هجری — سنه ۷۵۲ مسیحی

آسیا وفات یحیی برادر سفاح در فارس که پس از عزل از موصل بآن ولایت نصب شده بود خروج کردن زیاد بن صالح
در ماوراء النهر و توجه ابو مسلم بجانب او و ترک کردن سپاه زیاد او را و ملحق شدن بابی مسلم و پناه بردن زیاد
بدهقانی و کشتن دهقان او را و فرستادن سر او برای ابو مسلم و وفات عطاء بن عبد الله از موالی مطلب یا مهلب
وفات ابو حازم اعرج **اروپا** جنگ عبد الله بن حبیب با اهل جزیره صقلیه پس از جنگ با اهالی تلمسان و گرفتن غنیمت
زیادی از اهل جزیره صقلیه

سنه ۱۳۶ هجری — سنه ۷۵۳ مسیحی

آسیا استیذان ابو مسلم از سفاح که بخدمت خلیفه آید و حج گذارد و اذن سفاح او را و رفتن ابو مسلم
بمکه حج ابو جعفر منصور که در این سال امیر حاج بود و وفات سفاح اولین خلیفه عباسی در انبار در ماه ذیحجه در
سی و سه سالگی که مدت خلافتش از وقت کشته شدن مروان چهار سال بود و هشت ماه قبل از قتل مروان
با او بیعت کرده بودند و در انبار عتیق مدفون شد خلافت منصور برادر سفاح که ولیعهد او بود و در وفات
سفاح منصور بسفر مکه و حج اشتغال داشت و گرفتن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبد الله برادرزادهٔ او بیعت
برای او و بیعت کردن ابو مسلم با ابو جعفر منصور که در حج با ابو جعفر همراهی داشت و بیعت کردن عامه ناس با ابو
جعفر و وفات عطاء بن سائب ابو زید الثقفی و عروة بن رویم

سنه ۱۳۷ هجری — سنه ۷۵۴ مسیحی

آسیا آمدن ابی جعفر منصور از مکه بکوفه و نماز جمعه خواندن با مردم که با او اقتدا کردند و خطبه خواندن او
در مسجد و رفتن بانبار بیعت گرفتن عم منصور عبد الله بن علی بن عبد الله بن عباس از مردم برای خودش بخلافت
و فرستادن منصور ابو مسلم را بجنگ عبد الله که در نصیبین بود و وقوع جنگهای سخت بین فئتین که آخر عبد الله
هزیمت یافت و بطرف عراق رفت و چون ابو مسلم از کار عبد الله فراغت یافت ابو جعفر منصور او را بولایت مصر
و شام امر کرد ابو مسلم قبول نکرده قصد رفتن خراسان نمود منصور از انبار بمداین آمده نامه با بو مسلم نوشت
و او را احضار نمود ابو مسلم عذر آورد و بخدمت منصور نیامد و مراسلات فیما بین زیاد شد آخر الامر ابو مسلم بمداین آمده بحضور منصور
حاضر شد و سه هزار نفر از عساکر او با او بود و باقی را بحلوان گذاشته روز اول که بار یافت دست منصور را بوسید
و باز گشت و روز بعد منصور چند نفر از قراولان خود را حکم کرد پشت [illegible] حاضر باشند و [illegible]
دست بهم زده داخل شوند و ابو مسلم را بکشند انگاه [illegible]
میخواست [illegible]

وابو داود خالد بن ابراهیم در پیوقت بحکومت خراسان اشتغال داشت خروج سنباد مجوسی بخونخواهی ابو مسلم وکشته شدن او خروج ملبد بن حرمله شیبانی در جزیره وجنگهای متوالی او باعساکر خلیفه

سنه ۱۳۸ هجری — سنه ۷۵۵ مسیحی

اسیا ۱ وسعت دادن منصور مسجد الحرام را عصیان جمهور بن مرار العجلی وفرستادن منصور محمد بن اشعث را با لشکر جرار بجنگ وتدمیر او ومقاتله فیمابین در قصر فیروزان میانه اصفهان وری وهزیمت سپاه جمهور وفرار جمهور باذربایجان وکشته شدن او وفرستادن منصور خازم بن خزیمه را با هشت هزار نفر از عساکر مرو رودی بدفع ملبد بن حرمله شیبانی وجنگ شدید فیمابین در موصل وکشته شدن ملبد ومتفرق شدن بقیة السیف سپاه او وبیعت عبد الله بن علی با منصور وعبد الله با برادرش سلیمان مقیم عراق بود وفات سواد بن رفاعة بن ابی مالک القرظی وسعید بن جهان ابی حفص الاسلمی **اروپا** آمدن قسطنطین امپراطور قسطنطنیه ببلاد اسلام وگرفتن ملطیه را بغلبه وخراب کردن باروی این بلد جنگ عباس بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس با همراهی صالح بن علی وعیسی بن علی با رومیها وبنا کردن صالح باروی ملطیه را وبعضی این واقعه را نسبت بسال بعد داده اند

سنه ۱۳۹ هجری — سنه ۷۵۶ مسیحی

اسیا ۱ عزل کردن منصور سلیمان عم خود را از حکومت ومعلوم کردن عم خود عبد الله برادر سلیمان را که در بصره از خوف منصور پنهان شده ونعد با سلیمان وعیسی پسران علی بن عبد الله بن عباس نزد منصور آمد نصب سفیان بن معاویه بحکومت بصره بجای سلیمان **اروپا** استیلای عبد الرحمن بن معاویة بن هشام بن عبد الملک بن مروان بن حکم در اندلس وابتدای دولت امویه در این مملکت که از تحت حکمرانی بنی عباس خارج کردید گویند عبد الرحمن از ترس بنی عباس بمصر گریخت واز مصر بمغرب روی کرده واز مغرب متوجه اسپانیول شد ورایت سلطنت برافراشت بعضی این واقعه را نسبت بسال قبل داده اند (روم) تا اینسال پاپ فقط ریاست مذهبی داشت از این بعد ریاست جسمانی نیز بریاست روحانی الحاق کرده وضع سلطنت نمود سانیه ست بونی فاس از ائمه عیسوی در مملکت ژرمن که مشغول بشیر بودند مقتول شد .

سنه ۱۴۰ هجری — سنه ۷۵۷ مسیحی

اسیا ۱ هلاکت ابی داود خالد بن ابراهیم الذهلی حکمران خراسان وولایت عبد الجبار بن عبد الرحمن ازدی بجای او حج کردن منصور ومحرم شدن از حیره وپس از حج رفتن به بیت المقدس واز آنجا برقه وکشتن منصور بن جعونه عامری را در اینجا ومراجعت نمودن بهاشمیه کوفه امر کردن منصور بعمارت نمودن مدینه مصیصه که بمباشرت جبرئیل بن یحیی بانجام رسید وباروی آن ساخته شده موسوم بمعموره کردید ومسجد جامعی در آن بنا ودایر شد وهزار نفر لشکری در اینشهر برای ساخلو مقرر شدند فرستادن منصور عبد الوهاب بن ابراهیم امام برادر زاده خود را با حسن بن قحطبه وهفتاد هزار نفر مرد جنگی بملطیه که در شش ماه اینشهر را ساختند وهرچه رومیها خراب کرده بودند مرمت نمودند وچهار هزار نفر لشکری منصور برسم ساخلو در اینشهر قرار داد واسلحه زیاد در اینجا ذخیره کرده قلعه قلوذیه را ساختند امپراطور قسطنطنیه چون خبر عبد الوهاب وحسن بن قحطبه را شنید با صد هزار قشون متوجه آنها گردیده بکنار جیحان فرود آمد ودر اینجا کثرت مسلمین معلوم او شده برگشت وفات ابو جعفر محمد بن عبد الله الاسکافی از متکلمین معتزله وائمه آنها که طایفه با ومنسوب اند **اروپا** مخالفت یوسف فهری که امارت اندلس داشت با عبد الرحمن اموی ومقاتله شدید او با کماشتکان عبد الرحمن وهزیمت او که در بلاد سرگردان بود تا در سنه صد وچهل ودو کشته شد هلاک

اذفنش که در قسمتی از اسپانیا سلطنت داشت و جلوس ند ویلیه پسرش بجای او که زیاده از پدرش قوت یافته و مسلمین را از بعض بلاد و ثغور براند

سنه ۱۴۱ هجری — سنه ۷۵۸ مسیحی

آسیا خروج راوندیه بر منصور و راوندیه اهل خراسان و در طریقه ابو مسلم بودند و معتقد تناسخ و عقیده آنها این بود که روح آدم در عثمان بن نهیك است و پروردگاری که آنها را روزی میدهد منصور خلیفه است خلاصه اینجماعت ششصد نفر بودند چون بر در قصر خلیفه آمدند گفتند این قصر پروردگار ما است منصور دویست نفر از رؤسای آنها را حبس کرد سایرین در غضب شده جنازه را حمل کردند و ببهانه تشییع جنازه بر در محبس آمدند و در را شکسته رؤسای خود را خلاص کردند و قصد منصور نمودند منصور بدفع آنها بیرون آمده و معن بن زایده که از منصور متواری بود بیرون آمده در جلو منصور جنگ کرده آنها را بکشت و بهمین جهة مورد التفات منصور شد و راوندیه تماما کشته شدند طغیان عبد الجبار والی خراسان و فرستادن منصور مهدی پسر خود را باین مملکت و مقاتله اهل مرورود با عبد الجبار و گرفتن او و فرستادن او نزد منصور که بحکم منصور کشته شد توجه عساکر مهدی بامر منصور بطبرستان و جنگهای سخت خازم بن خزیمه در این مملکت با اسپهبد و مصمغان حکمران دماوند و فتح کردن رویان و دماوند وغیره را عزل زیاد بن عبد الله حرثی از مکه و مدینه و طایف و نصب محمد بن خالد بن عبد الله القسری بحکومت مدینه و حکومت هیثم بن معاویة العتکی از اهل خراسان بر مکه و طایف وفات موسی بن کعب از امرای منصور وفات سعد بن سعید برادر یحیی بن سعید وفات ابان بن تغلب قاری

سنه ۱۴۲ هجری — سنه ۷۵۹ مسیحی

آسیا وفات سلیمان بن علی عم منصور که حکومت بصره داشت طغیان عیینه بن موسی بن کعب حکمران سند و فرستادن منصور لشکری بدفع او و دادن حکومت این مملکت را بعمر بن حفص بن ابی صفراء العتکی که بسند آمده و غلبه براین مملکت نمود نقض عهد و خلاف اسپهبد طبرستان و مقهور شدن او بدست عساکر خلیفه و خود را بخوردن زهر هلاك کردن عزل نوفل بن فرات از مصر و ولایت حمید بن قحطبه بجای او و ولایت عباس بن محمد برادر منصور در جزیره و ثغور وغیره عزل اسمعیل بن علی عم منصور از موصل که مالك بن هیثم خزاعی جد احمد بن نصر که واثق او را بکشت بجای اسمعیل منصوب شد وفات موسی بن عقبه از موالی آل زبیر و حمید طویل بصری **اروپا** عبد الرحمن اموی قبول لقب امیر المؤمنین نکرده این لقب را فقط خاص خلفای بنی عباس دانست و خطاب امیری بنهار اضی گردید و از عیسویان شمال جزیره گرفت قسمتی از خاك فرانسه که در تصرف اعراب بود از تصرف آنها خارج گردید

سنه ۱۴۳ هجری — سنه ۷۶۰ مسیحی

آسیا طغیان دیلم و کشتن بسیاری از مسلمین و تحریض منصور مردم را بر جهاد با دیلم عزل هیثم بن معاویه از مکه و طایف و ولایت سری بن عبد الله بن حرث بن عباس که حکومت یمامه داشت بجای او و حکومت قثم بن عباس بن عبد الله در یمامه عزل حمید بن قحطبه از مصر و نصب نوفل بن فرات بجای او که نوفل معزول شده یزید بن حاتم حکومت مصر یافت وفات عبد الرحمن بن عطاء صاحب الشاذروان (شاذروان نخلی است) وفات سلیمان بن طرخان تیمی و اشعث بن سوار و مجالد بن سعید شروع اهل اسلام در طلب علوم خاصه فقه و تفسیر و حدیث **اروپا** طغیان و مخالفت رزق بن نعمان غسانی با عبد الرحمن حکمران اندلس و مقتول شدن رزق

سنه ۱۴۴ هجری — سنه ۷۶۱ مسیحی

آسیا فرستادن منصور جمعی از اهل کوفه و بصره و جزیره و موصل را بجنگ دیلم و دادن حکومت یمن را بمحمد بن ابی العباس سفاح مراجعت مهدی از خراسان و مزاوجت او با ریطه دختر سفاح دادن منصور حکومت مدینه بریاح بن عثمان المری و معزول کردن محمد بن خالد بن عبد الله القسری را از ان ولایت و حبس کردن ریاح بحکم منصور یازده نفر از بنی الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام را وفات عبد الله بن شبرمه و عمرو بن عبید معتزلی زاهد و عقیل بن خالد الصاحب الزهری **اروپا** مخالفت و قتال هشام بن عذره الفهری و یوسف بن عبد الرحمن الفهری با عبد الرحمن اموی حکمران اندلس بنای باغات و عمارات عالیه در شهر سویل بفرمان عبد الرحمن

سنه ۱۴۵ هجری — سنه ۷۶۲ مسیحی

آسیا ظهور محمد بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام و استیلای او بر مدینه و متابعت اهل مدینه او را و فرستادن منصور عیسی بن موسی برادرزاده خود را بمدینه بجنگ محمد و حفر کردن محمد خندقی بجای همان خندقی که حضرت رسول در جنگ احزاب ترتیب داده بودند و وقوع جنگها فیمابین فئتین و کشته شدن محمد بن عبد الله و بعضی از اصحاب و اهلبیت او و فرار بعضی دیگر و این محمد ملقب بمهدی و نفس زکیه بود ابتدا کردن منصور بنای بغداد را بجهت اینکه کراهت داشت از ساکن بودن در هاشمیه که سفاح برادرش در حوالی کوفه بنا کرده بود و نیز جوار اهل کوفه مکروه او بود و بر آنها اعتقادی نداشت ظهور ابراهیم بن عبد الله برادر نفس زکیه که پنهان بود و از شهری بشهری میرفت و منصور اصراری بدستگیر کردن او داشت و رسیدن او ببصره بعد از اینکه از کشته شدن نفس زکیه باخبر باشد و خواندن مردم را به بیعت نفس زکیه و اجابت مردم و علماء و فقهاء او را که شیعه او بچهار هزار نفر رسیدند و متحصن شدن سفیان بن معاویه حاکم بصره در دار الاماره و محاصره کردن ابراهیم او را و امان خواستن سفیان از ابراهیم و امان یافتن و داخل شدن ابراهیم بدار الاماره و تصرف کردن بیت المال را که دو هزار هزار درهم در آن بود و تقسیم کردن نقود را باصحاب خود که بهریک پنجاه درهم داد و رفتن بخانه زینب دختر سلیمان بن علی بن عبد الله بن عباس که زینبیون از بنی عباس باو منسوب اند و امان دادن باهل بصره که کسی متعرض آنها نشود و پس از استقرار در بصره ابراهیم جماعتی را باهواز فرستاده بر ان ولایت مستولی شدند و فرستادن هرون بن شعلی عجلی را با هفده هزار نفر بواسط و گرفتن هرون واسط را و فرستادن ابراهیم از بصره عمال و جیوش باطراف تا وقتیکه خبر کشته شدن نفس زکیه باو رسید بعد از آن با صد هزار نفر متوجه کوفه شده با خمرا که از کوفه و در شانزده فرسخی کوفه است فرود آمد و منصور عیسی بن موسی را که از حجاز احضار کرده بود با لشکری جلو ابراهیم فرستاده جنگ شد بین فئتین در گرفت ابتدا بیشتر از عساکر عیسی فرار کردند بعد برگشتند و لشکر ابراهیم را شکستند و ابراهیم کشته شد و سرش را بریده نزد عیسی فرستادند و او نزد منصور فرستاد و این در ماه ذیقعده اینسال بود مقاتله ترک و خزر در باب الابواب با مسلمین عزل کردن منصور مالک بن هیثم را از موصل و فرستادن پسر خود جعفر بن ابی جعفر منصور را با همراهی حرب بن عبد الله که از اکابر سرداران منصور بود بموصل تولد زبیده دختر جعفر زوجه هرون الرشید وفات حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در حبس منصور و وفات میمون بن مهران و وفات اسمعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام و عبد الله محض و اسمعیل بن یحیی تابعی و روضه بن حجاج **اروپا** علاء بن مغیث الیحصبی والی مغرب بحکم منصور قشونی بمحاربه عبد الرحمن اموی باسپانیول کشیده

بعد از جنگ سخت سردار خلیفه عباسی مقتول و عبدالرحمن فاتح و غالب آمد

سنه ۱۴۶ هجری — سنه ۷۶۳ مسیحی

آسیا نقل کردن منصور دار الخلافه را از مدینه ابن هبیره ببغداد و تکمیل عمارت این شهر گویند که منصور شهر بغداد را مدوّر ساخته بود که قرب و بعد جمیع اهل شهر بسلطان از روی تناسب باشد و قصر خود را در وسط شهر قرار داده و جامع شهر را در پهلوی قصر عزل کردن منصور سلم بن قتیبه را از بصره و نصب نمودن محمد بن سلیمان را بجای او و عزل عبدالله بن ربیع حارثی از مدینه و نصب جعفر بن سلیمان بجای او و عزل سری بن عبدالله از مکه و نصب عبدالصمد بن علی بجای او وفات ابن سائب کلبی نسابه و عوف اعرابی و طلحة بن یحیی بن طلحة بن عبیدالله تیمی کوفی

اروپا جنگ جعفر بن حنظلة البهرانی و مالک بن عبدالخثعمی که اهل فلسطین بود با رومیهای رومیة الصغری

سنه ۱۴۷ هجری — سنه ۷۶۴ مسیحی

آسیا خلع کردن منصور عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادرزاده خود را از ولایت عهد و بیعت گرفتن از برای پسر خود مهدی بن منصور حمله کردن استرخان خوارزمی با اتراک در ناحیه ارمنیه بر مسلمین و اسیر کردن جمعی و فرستادن منصور جبرائیل بن یحیی و حرب بن عبدالله را بمقاتله آنها که حرب کشته شد و جبرائیل منهزم گردید جمع کثیری از همراهان جبرائیل بقتل رسیدند وفات عبدالله بن علی عم منصور و وفات محمد بن ابی العباس و وفات شعث بن عبد الملک الحمرانی البصری و عبدالرحمن بن زبید بن الحرث الیامی ابو الاشعث الکوفی ولادت حضرت امام رضا علیه السلام وفات ابی علی تابعی و سلیمان بن مهران معروف باعمش تابعی

سنه ۱۴۸ هجری — سنه ۷۶۵ مسیحی

آسیا تولد فضل بن یحیی بن خالد بن برمک تولد هرون الرشید نُه روز بعد از تولد فضل که مادر رشید فضل را شیر داد دادن منصور ولایت موصل را بخالد بن برمک وفات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سنه هشتاد سال ولادت باسعادت آنحضرت بود و در بقیع مدفون شدند و مادر آنحضرت دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق بود بعضی وفات حضرت امام جعفر صادق و ولادت حضرت رضا سلام الله علیهما را در یکسال نوشته اند وفات محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی قاضی خروج حسان بن مجالد بن یحیی بن مالک بن اجدع الهمدانی از علمای خوارج در نواحی موصل وفات زکریا بن ابی زائده و ابو امیه عمرو بن حرث بن یعقوب از موالی قیس بن سعد بن عباده بقولی

اروپا خروج سعید یحصبی معروف بمطری در اندلس و غلبه عبدالرحمن اموی بر او و بعد غلبه عبدالرحمن بر عبدالله بن خراشة الاسدی که در کوه جیان خروج کرده و بر قرطبه حمله نموده بود

افریقا دادن منصور ولایت افریقیه را باغلب بن سالم بن عقال بن خفاجه تمیمی

سنه ۱۴۹ هجری — سنه ۷۶۶ مسیحی

آسیا تمام کردن منصور باروی بغداد را با خندق و سایر ابنیه لازمه برای شهر وفات مسلم بن قتیبه باهلی که از مشاهیر بود در ری وفات کهمش بن الحسن ابو الحسن التیمی البصری و عیسی بن عمر الثقفی النحوی که خلیل نحو را از او فرا گرفته بود

اروپا (اسپانیا) بنای حصار دور شهر کرده و بحکم عبدالرحمن اموی حکمران اندلس (کرده و همان شهری است که اعراب قرطبه مینامند) فرستادن عبدالرحمن بدر غلام خود را ببلادی که در تبعیت او نبودند و گرفتن جزیه از آنها معزول کردن عبدالرحمن ابو الصباح یحیی بن یحیی حاکم اشبیلیه را و مخالفت ابو الصباح و حاضر کردن عبدالرحمن

او را بجبله و کشتن او (رومیة الصغری) جنگ عباس بن محمد با رومیها که حسن بن قحطبه و محمد بن اشعث در این سفر با او بودند و محمد در راه درگذشت

سنه ١٥٠ هجری — سنه ٧٦٧ مسیحی

آسیا خروج استاذ سیس با اهل هرات و بادغیس و سجستان و غیرها و فرستادن منصور که در آن زمان بود خازم بن خزیمه را نزد مهدی و مامور کردن مهدی خازم را بجنگ استاذ سیس که او را مقهور و فراری کرد و کشته شدن ختیم مروزی سردار منصور در جنگ عزل کردن منصور جعفر بن سلیمان را از مدینه و نصب نمودن حسن بن زید بن حسن ع را بجای او وفات جعفر بن ابوجعفر المنصور وفات امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت در بغداد و معمر بن راشد و عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج و مقاتل بن سلیمان البلخی المفسر و فات محمد بن اسحق صاحب مغازی و بعضی وفات او را در سال بعد گفته اند **اروپا** (اسپانیا) خروج غیاث بن مسیر در بعضی از نواحی اندلس و فرستادن عبدالرحمن لشکری جرار بدفع او که او را بکشتند و جمعیت او را متفرق کردند (رومیة الصغری) منجمد شدن خلیج قسطنطنیه از شدت سرما

سنه ١٥١ هجری — سنه ٧٦٨ مسیحی

آسیا والی کردن منصور هشام بن عمر التغلبی (الثعلبی) را بر سند و عزل کردن عمر بن حفص بن قبیصه بن ابی صفره را از ولایت سند و دادن ولایت افریقیه را باو و این عمر معروف بهزارمرد بود بنا کردن منصور رصافه را (محله ایست در بغداد) در جانب شرقی بغداد برای مهدی پسر خود و دسته از قشون را در رصافه جا دادن و حالا شهر بغداد در آنمکان است کشته شدن معن بن زائده شیبانی در بست سجستان بدست خوارج که بخانه او ریختند و در بینا بنکه حجامت میکرد او را کشتند و معن از جانب منصور در سجستان حکومت داشت و بعد از او پسر برادر او یزید بن مزید (مرثد) زائده شیبانی جای او گرفت رفتن عقبه بن سلم حاکم بصره بقتال با اهل بحرین و کشتن سلیمان بن حکیم عبدی را و اسیر کردن اهل بحرین را که جمعی از اسرا را نزد منصور فرستاد و منصور بعضی از آنها را بکشت و برخی را بمهدی بخشید و مهدی آنها را رها کرد عزل شدن عقبه از حکومت بصره و حکومت جابر بن توبه کلابی در این ولایت حکومت اسمعیل بن خالد بن عبدالله قسری بر موصل وفات عبدالله بن عون شیخ بصره وفات اسید بن عبدالله امیر خراسان و حنظله بن ابی سفیان جمحی و علی بن صالح بن حیی برادر حسن بن صالح که هر دو از اتقیای اهل تشیع بودند **اروپا** (فرانک) فوت پپن و تقسیم مملکت او در میان دو پسرش شارل و کارلمان (اسپانیا) خروج شقنا بن عبدالواحد از اهل بربر در طرف شرقی اندلس و اسم مادر شقنا فاطمه بود و شقنا مدعی بود که از اولاد فاطمه زهراء سلام الله علیها و امام حسین علیه السلام میباشد بهر حال شقنا سه سال با عساکر عبدالرحمن اموی و باخود او جنگ کرد و بسیاری از بنی امیه را بکشت و خسارت نهایت و لت عبدالرحمن وارد آورد (رومیة الصغری) جنگ عبدالوهاب بن ابراهیم امام با رومیها

سنه ١٥٢ هجری — سنه ٧٦٩ مسیحی

آسیا جنگ حمید بن قحطبه در کابل و حمید را سال قبل منصور ولایت خراسان داده بود عزل کردن منصور جابر بن توبه را از بصره و حکومت یزید بن منصور بجای او و کشتن منصور هاشم بن اساجیج را که در افریقیه مخالفت منصور کرده بود عزل کردن منصور یزید بن حاتم را از مصر و نصب محمد بن سعید بجای او وفات محمد بن عبدالله بن مسلم بن عبدالله بن شهاب برادرزاده شهاب زهری وفات یونس بن یزید الایلی و طلحه بن عمر الحضرمی و ابراهیم بن ابی عبله **اروپا** جنگ عبدالوهاب بن ابراهیم با رومیهای رومیة الصغری

سنه ۱۵۳ هجری — سنه ۷۷۰ مسیحی

آسیا مراجعت منصور از مکه ببصره گرفتن منصور ابو ایوب موریانی وکسان او را گرفتن منصور اشخاصی را که کلاه بلند امر میکرد اشتند وفات عبید بن بلت ابن ابی لیلی قاضی کوفه و قضاوت شریک بن عبد الله النخعی در این شهر وفات هشام بن غاز بن ربیعه الجرشی هولی وفات حسن بن عماره وعبد الرحمن بن یزید بن جابر و ثور بن یزید وعبد الحمید بن جعفر بن عبد الله انصاری وضحاک بن عثمان بن عبد الله بن خالد بن حزام و فطر بن خلیفة الکوفی **اروپا** جنگ معیوف بن یحیی الحجوری با دومهار ومنه الصغری ورسیدن او و فتح یکی از قلاع روم ونهب و اسیر کردن اهل قلعه و بعد از آن راندن تا لاذقیه و گرفتن اسیر بسیار وغارت نمودن لاذقیه را **افریقا** کشته شدن عمر بن حفص والی افریقیه در جنگ با خوارج

سنه ۱۵۴ هجری — سنه ۷۷۱ مسیحی

آسیا رفتن منصور بشام و بیت المقدس سقوط صاعقه که پنج نفر را در مسجد حضرت رسول ص هلاک نمود هلاکت ابو ایوب موریانی وزیر منصور و برادر او و بریدن دست و پای برادر زاده های ابو ایوب بحکم منصور حکومت عبد الملک بن ایوب بن ظبیان النمیری در بصره فرستادن منصور یزید بن حاتم بن قبیصة بن المهلب بن ابی صفره را با پنجاه هزار لشکر بجنگ خوارج افریقیه که عمر بن حفص را کشته بودند وفات عمرو بن العلاء بن عمار از اولاد حصین التمیمی المازنی البصری که یکی از قراء سبعه و اعلم ناس بقرآن کریم بود وفات اشعث طماع و وهیب بن ورد مکی از زهاد و محمد بن عبد الله الشعیثی النصری وعثمان بن عطا **اروپا** جنگ زفر بن عاصم هلالی با رومیهاد ومنه الصغری

سنه ۱۵۵ هجری — سنه ۷۷۱ مسیحی

آسیا بنا کردن منصور قلعه و خندق برای بصره و کوفه فرستادن منصور مهدی را برای ساختن رافقه که شهری است در کنار نهر فرات عزل کردن منصور برادر خود عباس بن محمد را از جزیره و نصب کردن موسی بن کعب را بجای او و عزل نمودن منصور محمد بن سلیمان بن علی بن عبد الله بن عباس را از کوفه و نصب کردن عمرو بن زهیر ضبی برادر مسیب بن زهیر را بجای او و عزل کردن منصور حسن بن زید بن حسن بن علی ع را از حکومت مدینه و نصب کردن عبد الصمد بن علی عم خود را بجای او وفات مسعد بن کدام الکوفی الهلالی عزل کردن منصور عبد الملک بن ایوب بن ظبیان را از حکومت بصره و نصب هشیم بن معویه العتکی بجای او **اروپا** (فرانک) وفات کارلمان و سلطنت بالاستقلال شارل برادر او در تمام مملکت که بشارلمن ملقب شد (رومیه الصغری) جنگ یزید بن اسید السلمی با رومیها طلب نمودن امپراطور روم از منصور مصالحه را با دادن جزیه **افریقا** هزیمت خوارج افریقیه در مقاتله با یزید بن حاتم سردار منصور طغیان و انکار خوارج صفریه که در شهر سجلماسه جمع شده بودند از امارت عیسی بن جریر که بر آنها امیر بود و قبول کردن ابو القاسم سمکو بن واسول المکناسی را بامارت بجای او

سنه ۱۵۶ هجری — سنه ۷۷۲ مسیحی

آسیا گرفتن هشیم بن معویه حاکم بصره عمرو بن شداد را که از جانب ابراهیم بن عبد الله بن علی حاکم فارس بود و کشتن او وعزل کردن منصور هشیم را از حکومت بصره که بعد از آن سوار قاضی امامت و قضاوت بصره داشت و سایر اعمال حکومتی بر عهده سعید بن دعلج موکول آمد و چون هشیم ببغداد رسید در گذشت وفات حمزة بن حبیب الزیات که یکی از قراء سبعه بود **اروپا** (فرانک) ابتدای منازعه شارلمن با طایفه ساکسن که سی سال این جنگ امتداد یافت (اسپانول) مخالفت اهل اشبیلیه با عبد الرحمن اموی بریاست عبد الغفار و حیوة بن ملابس

واتفاق طایفه یمانیه با اینجماعت و فرستادن عبد الرحمن ابن عم خود عبد الملک بن عمر را که معروف بشهاب آل مروان بود
بدفع مخالفین و غلبه بر آنها که خیلی مورد التفات عبد الرحمن گردید و بدرجه وزارت رسید و ابن عبد الملک انکسی است
که عبد الرحمن را منع کرد از اینکه خطبه باسم منصور بخواند (رومیه الصغری) جنگ زفر بن عاصم هلالی با رومیها
افریقیا غلبه قشون یزید بن حاتم امیر افریقا بر عبد الرحمن بن حبیب که پدرش پیش از این امیر افریقیه بود و خود با
خوارج متفق شده دم از خودسری میزد طغیان ابو یحیی بن فانوس هواری در ناحیه طرابلس و مغلوب شدن او بدست عساکر
یزید بن حاتم که جمیع اتباع ابو یحیی کشته شدند و خود او فرار کرد و افریقیه بر یزید بن حاتم را مسلم و مصفی گردید

سنه ۷۷۳ مسیحی — سنه ۱۵۷ هجری

آسیا بنا کردن منصور قصر موسوم بخلد را و نقل کردن بازارهای بغداد را بمحله کرخ دادن منصور حکومت بحرین را
بسعید بن دعلج که پسر خود تمیم را با بنو لایت فرستاد سان دیدن منصور لشکر خود را در حالتیکه مسلح بودند و خود
نیز کلاه خود و زره بر سر و در بر داشت وفات عامر بن اسمعیل المسلی و سوار بن عبد الله قاضی بصره که عبید الله بن
حسن بن حصین عنبری بجای او برقرار شد عزل محمد بن سلیمان کاتب از مصر و نصب مطر از موالی او بجای او عزل هشام بن
عمرو از سند و نصب معبد بن خلیل بجای او کشتن منصور یحیی بن زکریای محتسب را که بطعن منصور سخن رانده بود وفات
عبد الوهاب بن ابراهیم امام بقولی وفات اوزاعی فقیه که اسم او عبد الرحمن بن عمرو و امام اهل شام بود (اوزاع
قبیله ایست از ذی کلاع یا از همدان) وفات مصعب بن ثابت بن عبد الله بن زبیر بن عوام جد زبیر بن بکار **اروپا** (اسپانول)
عبد الرحمن اموی پادشاه اسپانول بنادر سمت افریقیه خود را مستحکم ساخت که علی الغفله یزید بن حاتم که از جانب
منصور والی افریقیه بود بمملکت او تعدی نکند

سنه ۷۷۴ مسیحی — سنه ۱۵۸ هجری

آسیا عزل کردن منصور موسی بن کعب را از حکومت موصل و نصب کردن خالد بن برمک را بجای او و دادن حکومت
آذربایجان را بیحیی بن خالد دادن منصور حکومت فارس را بنصر بن حرب بن عبد الله عزیمت منصور زیارت مکه
معظمه را و کردن بین راه در بئر میمون در ششم ذیحجه وفات نمود و مدت خلافتش تقریبا بیست و دو سال بود
بیعت مردم با مهدی بن منصور سیمین خلیفه عباسی وفات مالک بن مغول البجلی در کوفه و حیوة بن شریح بن مسلم
الحضرمی المصری بروز وباء در بعضی از بلاد عربستان **اروپا** (اسپانول) جنگ عبد الرحمن اموی پادشاه
اسپانول در شهر قوریه و لشکر کشیدن او بر سر طایفه بربر و کشتن جماعتی کثیر از این طایفه را بعلت اینکه از
عمال او کشته با دشمن او تسلیم نموده بودند

سنه ۷۷۵ مسیحی — سنه ۱۵۹ هجری

آسیا ظهور مقنع در خراسان که مرد اعور کوتاه قدی بود از اهل مرو و موسوم بحکیم و صورتی از طلا ساخته
بر روی خود گذاشته و بدینواسطه او را مقنع میگفتند و دعوی الوهیت داشت و میگفت خدا تعالی آدم را
خلق کرد و خود در صورت او آمد بعد در صورت نوح و همین طور تا در صورت ابو مسلم خراسانی بعد در صورت
هاشم که خود مقنع باشد خلاصه جمع کثیری دور او جمع شده و او را سجده میکردند و اینجماعت در قلعه سیام
و سنجرد از رستاق کش متحصن شده و طایفه مبیضه از بخارا و سغد معاون او شده و کفار ترک نیز با او جمع
گردیده بر مسلمین حمله میکردند و اموال آنها را بغارت میبردند بالجمله مقنع بعضی قصور کش و قلعه نواکث را متصرف

کرد

کرد و با ابو نعمان و جنید و لیث بن نصر اصحاب او چند مرتبه مقاتله نمودند و حسان بن تمیم بن نصر بن سیار را و محمد بن نصر را کشتند و در کار فساد بودند تا خلیفه مهدی ابو عون را بجنگ مقنع فرستاده ابو عون در اینکار ابرامی ننموده معاذ بن مسلم برای اینکار مقرر آمد عزل کردن مهدی اسمعیل را از کوفه و نصب اسحق بن صباح کندی اشعثی بجای او و بعضی بجای اسحق عیسی بن لقمان بن محمد بن خاطب بن الجمحی را نوشته اند عزل سعید بن دعلج از امور بصره و عبید الله بن الحسن از امامت این شهر و نصب عبد الملک بن ظبیان النمیری بجای اینده عزل قثم بن عباس از یمامه و وفات او و نصب بشر بن منذر البجلی بجای او عزل هیثم بن سعید از جزیره و نصب فضل بن صالح بجای او عزل مطر از موالی منصور از مصر و نصب ابو ضمره محمد بن سلیمان بجای او و ولایت حمزة بن یحیی در سجستان و جبرائیل بن یحیی در سمرقند عزل عبد الصمد بن علی از مدینه و نصب محمد بن عبد الله کثیری بجای او که او هم عزل شد و محمد بن عبید الله بن محمد بن عبد الرحمن بن صفوان الجمحی بجای او و آمدن بنا کردن مهدی قلعه و مسجد رصافه را و حفر نمودن خندق آن را وفات سعید بن قلیل عامل مهدی در سند و حکومت روح بن حاتم در این مملکت بتصدیق ابو عبید الله وزیر مهدی وفات حمید بن قحطبه والی خراسان که بعد از او مهدی ابو عون عبد الملک بن یزید را والی این ولایت کرد برقرار شدن ثابت بن موسی بمباشری خراج بصره حکومت عمارة بن حمزه در رستاق دجله و اهواز و ولایت فارس **اروپا** (رومیة الصغری) جنگ عباس بن محمد با رومیها که حسن وصیف در مقدمه لشکر او بود و رسیدن عساکر اسلام تا انقره و گرفتن یکی از شهرهای رومیة الصغری را

ایوب بن م

سنه ۱۶۰ هجری سنه ۷۷۶ مسیحی

اسیا امر کردن مهدی برد نسب آل زیاد که معاویه آنها را استلحاق نموده و خود را از قریش میدانستند بسوی عبید رومی که غلام حارث بن کلده ثقفی و بموجب الولد للفراش پدر زیاد بود حج کردن مهدی و بذل اموال زیاد بمردم و توسیع نمودن مسجد رسول الله صلعم را و بردن یخ بمکه معظمه وفات داود طائی زاهد از اصحاب ابو حنیفه وفات عبد الرحمن بن عبد الله بن عتبة بن مسعود المسعودی وفات خلیل بن احمد بصری نحوی استاد سیبویه خروج یوسف بن برم در خراسان بر ضد مهدی و گرفتار شدن و بقتل رسیدن او فتح شهر باربد از بلاد هند بدست عساکر مهدی عزل ابو عون از خراسان و نصب معاذ بن مسلم بجای او وفات عبد الله بن صفوان حاکم مدینه و حکومت محمد بن عبد الله کثیری در این بلده طیبه که او نیز عزل شد و زفر بن عاصم هلالی بجای او منصوب آمد خروج عبد السلام خارجی در نواحی موصل عزل بسطام بن عمرو از کارگذاری سند و حکومت روح بن حاتم در این مملکت حکومت محمد بن سلیمان در رستاق دجله و ولایت بحرین و عمان و فارس و اهواز و ولایت معاذ بن مسلم در خراسان **اروپا** (قسطنطنیه) یکی از رؤسای طوایف بلغار که بت پرست بودند فرار از میان طایفه خود بقسطنطنیه آمده قبول دین عیسوی نموده یکی از دخترهای قسطنطین را در حباله نکاح درآورد و این اول بلغاریست که عیسوی شده است

سنه ۱۶۱ هجری سنه ۷۷۷ مسیحی

اسیا امر کردن مهدی بساختن برکه ها و سقاخانه ها در راه مکه و تجدید میلها و کوتاه کردن منبرها در بلاد که بوضع منبر حضرت رسول صلعم باشد وفات سفیان ثوری که در سال نود و هفت متولد شده بود وفات ابراهیم بن ادهم بن منصور زاهد معروف متصوف که در بلخ متولد شده بود و در شام درگذشت جنگ کردن سعید حرشی با اصحاب مقنع و محاصره کردن او را در شام که چون عساکر خود را مغلوب دید برای اینکه دستگیر نشود خود را با اهل و عیال خود در قلعه هلاک کرد و چون سعید در قلعه داخل شد بر واقعه مطلع گردیده سر او را برید و برای مهدی

فرستاد و سر مقنع در سال صد و شصت و سه در حلب بمهدی رسید و از کارهای مقنع این بود که ماهی ساخته بود که در
هوا بلند و از خیلی راه دیده میشد کشتن مهدی محمد پسر ابی عبید الله وزیر را که بهمین جهة بعدها وحشتی از ابی عبید الله
در خاطر مهدی پدیدار آمد و ولایت نصر بن محمد بن اشعث در سند عزل فضل بن صالح از جزیره و نصب عبد الصمد بن علی
بجای او حکمرانی عیسی بن لقمان در مصر و یزید بن منصور در سواد کوفه و حسان الشروی در موصل و بسطام بن عمرو
التغلبی در آذربایجان حج موسی هادی که ولایت عهد داشت **اروپا** (رومیه الصغری) جنگ ثمامة بن ولید با رومیها
که در دابق نزول کرد و از رومیها هشتاد هزار نفر اسیر کرد که میخائیل حرکت کرده بمرعش آمدند و قتل و غارت زیاد نمودند
و اینشهر را محاصره نموده جنگ با مسلمین در انداختند پس از آن رومیها بجیحان معاودت کردند و این خبر بمهدی رسید
و تجهیز جنگ با رومیها را نمود

سنه ۷۷۸ مسیحی — سنه ۱۶۲ هجری

آسیا کشته شدن عبد السلام خارجی در قنسرین بدست جنود مهدی جنگ یزید بن اسید سلمی در ناحیه قالیقلا و گرفتن
سه قلعه در آنحدود و غنایم بسیار عزل علی بن سلیمان از یمن و نصب عبد الله بن سلیمان بجای او عزل سلمة بن رجا از مصر و
ولایت عیسی بن لقمان در این مملکت که او نیز عزل شده واضح از موالی مهدی حاکم شد و او هم معزول گردید یحیی الحرشی
منصوب گشت و حکومت طبرستان و رویان در اینسال با سعید بن دعلج بود و جرجان با مهلهل بن صفوان بود
اروپا (اسپانیول) جنگ شارلمن با عبد الرحمن اموی پادشاه اسپانیول و شکست شارلمن و قتل رولاند
و برادرزاده او در این معرکه کشته شدن عبد الرحمن بن فهری معروف بصقلبی در اندلس باشارهٔ عبد الرحمن زیادتی
استقلال عبد الرحمن و تدمیر بعضی عصاة در اسپانیول

سنه ۷۷۹ مسیحی — سنه ۱۶۳ هجری

آسیا لشکر کشیدن مهدی بعزم جنگ با رومیها و مینه الصغری و رفتن با لشکر خراسان و غیرها بحلب و بردن
هرون الرشید پسر خود را با خود و کشتن بسیاری از زنادقه را که در حلب جمع شده بودند و رفتن بجیحان و فرستادن
هرون را ببلاد روم و جنگ کردن او در این بلاد که فتوحات بسیار عساکر هرون نمودند و غلغله در بلاد روم انداختند
بعد از آن هرون الرشید سالما غانما مراجعت کرد و در مدت غیبت مهدی از بغداد پسرش موسی هادی جانشین او
بود عزل کردن مهدی در اثنای سفر خود عبد الصمد بن علی را از حکومت موصل دادن مهدی ولایت تمام مغرب را
بعلاوه آذربایجان و ارمینیه بهرون الرشید و قرار دادن ثابت بن موسی را وزیر مالیه هرون عزل زفر بن عاصم
از جزیره و نصب عبد الله بن صالح بجای او عزل معاذ بن مسلم از خراسان و نصب مسیب بن زهیر الضبی بجای او عزل
یحیی الحرشی از اصفهان و نصب حکم بن سعید بجای او عزل سعید بن دعلج از طبرستان و رویان و نصب عمرو بن علاء
بجای او عزل مهلهل بن صفوان از جرجان و نصب هشام بن سعید بجای او وفات ابراهیم بن طهمان نیشابوری از اجله علما
و فضلا در مکه وفات ابو الاشهب جعفر بن حیان و بکار بن شریح قاضی موصل

سنه ۷۸۰ مسیحی — سنه ۱۶۴ هجری

آسیا عزل محمد بن سلیمان از بصره و سایر اعمالیکه داشت و نصب صالح بن داود بجای او عزل عبد الله بن سلیمان از یمن
و نصب منصور بن یزید بن منصور بجای او حکومت محمد بن فضل در موصل وفات شیبان بن عبد الرحمن ابو معویه التمیمی
النحوی و عبد العزیز بن عبد الله بن ابی سلمة الماجشون وفات عیسی بن علی بن عبد الله بن عباس عم منصور و بعضی فوت

عیسوی را در سال قبل نوشته‌اند **اروپا** (اسپانیول) جنگهای متوالی عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول با فرنگیها (قسطنطنیه) فوت امپراطور لئون چهارم و سلطنت قسطنطین پسر او در سن نه سالگی (فرانک) غلبه شارلمن بر طایفه ساکسن

سنه ۱۶۵ هجری — سنه ۷۸۱ مسیحی

آسیا عزل خلف بن عبدالله از ری و نصب عیسی از موالی جعفر بجای او و حکومت نعمان از موالی مهدی در رستاق دجله و بحرین و عمان و کسکر و اهواز و فارس و کرمان حکومت احمد بن اسمعیل بن علی بن عبدالله بن عباس در موصل و فات یزید بن منصور بن عبدالله بن یزید بن شهر بن مثوب از اولاد شهر ذی الجناح حمیری خال مهدی که حکومت یمن و بصره داشت و فات فتح بن وشاح الموصلی الزاهد **اروپا** هرون پسر مهدی از بغداد قشون اسلام را تا حوالی قسطنطنیه آورده ایرن مادر قسطنطین پنجم که بنیابت سلطنت پسر صغیر خود را داشت خراج گذارد و هرون مظفر و منصور مراجعت کرد

سنه ۱۶۶ هجری — سنه ۷۸۲ مسیحی

آسیا دادن مهدی ولایت عهد را بهرون که بعد از موسی هادی او ولیعهد باشد و ملقب کردن او را برشید غضب کردن مهدی بر وزیر خود یعقوب بن داود بن طهمان و گرفتن و حبس کردن او و یعقوب قبل از وزارت مهدی منشی نصر بن سیار بود و پس از نصر چندی بیکار میگذرانید تا باین مقام رسید بالجمله در حبس بود تا زمان هرون که از حبس خلاص شده بمکه رفته و در آنجا درگذشت رفتن مهدی بجرجان و دادن قضاوت بنو لایت را بابی یوسف و ضبح چاپارخانه میانه مکه و مدینه بامر مهدی حکومت فضل بن سلیمان طوسی مکنی بابی العباس در خراسان و سجستان که تمیم بن سعید بن دعلج را در سجستان نایب الحکومه خود کرد حکومت ابراهیم بن یحیی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس در مدینه عزل منصور بن یزید بن منصور از یمن و نصب عبدالله بن سلیمان الربعی بجای او و حکومت فراشه از موالی مهدی در دماوند و قومس کشته شدن بشار بن برد الشاعر اعمی بواسطه زندقه **اروپا** (اسپانیول) کشتن عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول برادرزادهٔ خود مغیرة بن ولید بن معاویة بن هشام را بسبب اینکه با جمعی در خلع عبدالرحمن متفق شده بود

سنه ۱۶۷ هجری — سنه ۷۸۳ مسیحی

آسیا رفتن موسی هادی با لشکر جرار و تهیه زیاد بجرجان برای محاربه وندا دهرمز و شروین حکمرانان طبرستان و محاصره کردن عساکر موسی هادی حکمرانان مشار الیهما را و فات عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادرزاده سفاح و منصور و این کسی است که سفاح وصیت کرده بود بعد از منصور او خلیفه باشد و منصور او را خلع کرده مهدی را ولیعهد نمود زیاد کردن مهدی در مسجد الحرام و مسجد رسول الله صلعم عزل کردن مهدی ابا عبیدالله معاویة بن عبیدالله را از دیوان رسایل و استقرار ربیع بجای او بروز وبا در بصره و بغداد و شیوع سرفه نشدید میان مردم عزل یحیی حرشی از طبرستان و رویان و نصب عمرو بن العلا بجای او و کلا بن فراشه از موالی مهدی در جرجان در روز سیم ذیحجه اینسال یکروز تا مبلغی از روز گذشته دنیا تاریک بود و فات ابراهیم بن یحیی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس حاکم مدینه بعد از فراغ او از حج حکومت یافتن اسحق بن عیسی بن علی بجای او و فات جعفر احمر ابو شیبه و حسن بن صالح بن حیی که شیعی و عابد بود

سنه ۱۶۸ هجری — سنه ۷۸۴ مسیحی

آسیا فرستادن مهدی سعید حرشی را با چهل هزار نفر قشون بطبرستان و فات حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب ع

که منصور بخیال اوراحکومت مدینه داده بود و بعد عزل کرده در بغداد حبس نمود و اموال اورا تصرف کرد چون مهدی
خلیفه شد اورا از حبس بیرون آورد و اموال اورا باو رد نمود وفات عمر کلوذانی بزرگ زنادقه و برقرار شدن محمد بن علی بن عیسی
حمدویه بجای او وکشته شدن بسیاری از زنادقه خروج یاسین خارجی در موصل و غلبه او بر اکثر دیار ربیعه و جزیره بعد از
آنکه از لشکر موصل شکست خورده بود و فرستادن مهدی جیشی را بدفع او که بعد از جنگ سختی بر او غلبه کرده اورا
بکشتند **اروپا** نقض کردن دوبهای و منیة الصغری صلحی را که با هرون الرشید بادای جزیه نموده بودند و رفتن عساکر
اسلام ببلاد روم و قتل و غارت کردن (اسپانیول) مخالفت ابو الاسود محمد بن یوسف بن عبد الرحمن فهری که پیش از این
در حبس عبد الرحمن اموی بود و تعامی نموده (خود را بدروغ کور قلم داده) و از حبس گریخته با عبد الرحمن و مقاتله او با
عبد الرحمن و شکست خوردن او که سال بعد نیز بجهة مقاتله با عبد الرحمن اموی نمود و باز منهزم شد و در سال صد و
هفتاد هلاک گردید و بعد از او برادرش قاسم نیز بامر عبد الرحمن کشته شد **افریقا** وفات ابو القاسم بن واسول سرکرده
خوارج صفریه در سجلماسه که دوازده سال و یکماه امارت کرده بود و پس از او پسرش الیاس امارت یافت

سنه ۱۶۹ — سنه ۷۸۵ مسیحی

آسیا وفات مهدی محمد بن عبد الله المنصور بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس در ماسبذان در بیست و دوم محرم در چهل
و سه سالگی که ده سال و یکماه خلافت کرده بود بیعت گرفتن هرون برای موسی هادی که در جرجان و مشغول محاربه بود
و آمدن موسی هادی بپایتخت از جرجان ببغداد و وزیر نمودن ربیع را ظهور حسین بن علی بن الحسن بن الحسن بن علی
بن ابیطالب علیه السلام در مدینه که جماعتی از اهل بیت او با او بودند از جمله حسن بن محمد بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب ع و عبد الله
بن اسحق بن ابراهیم بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب ع و عبد الله مذکور پسر عاتکه بود و در میان حسین و عمر بن
عبد العزیز بن عبد الله بن عبد الله بن عمر بن خطاب که عامل موسی هادی بود در مدینه جنگ در گرفت و عمر منهزم شده
با حسین بیعت کردند و حسین با اصحاب خود یازده روز در مدینه مانده تهیه دیدند و روز بیست و چهارم ذیقعده
از مدینه بیرون شده بمکه آمدند و جماعتی از عبید مکه بملازمان حسین ملحق شدند و جمعی از بنی عباس و دوستان آنها
در این سال بحج و زیارت مکه آمده از جمله سلیمان بن ابی جعفر منصور و محمد بن سلیمان بن علی و عباس بن محمد بن علی بودند
بنابراین بسیاری از دوستان آل عباس و لشکریان ایشان بمشار الیهم پیوسته در روز ترویه با حسین جنگ کردند و
اصحاب حسین منهزم شده حسین کشته شد و سر او را بریدند و زیاده از صد سر نیز از همراهان او بریده نزد موسی هادی
آوردند ولی موسی از این عمل در غضب شد و جایزه بحاملین رؤس نداد محل مقاتله حسین با آل عباس در مکانی بود
که آنرا فخ میگفتند و آن از مکه و در جهة طایف واقع است و از همراهان حسین ادریس بن عبد الله بن حسن بن
حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام بمصر گریخت و از مصر بطنجه آمد و در این بلاد بود تا رشید شماخ نامی را بدینجا
فرستاده اورا زهر خورانید و هلاک کرد پس از وفات ادریس زن و جاریه او که آبستن بود زائیده پسری آورد که
موسوم بادریس شد و نشو و نما کرده چون کبیر شد در این بلاد استقلالی بهم رسانید عزل کردن هادی هاشم بن
سعید بن خالد را از حکومت موصل بجهة سوء سلوک او و نصب عبد الملک بن صالح هاشمی بجای او وفات
مطیع بن یاس شاعر و نافع بن عبد الرحمن بن ابی نعیم المقری که یکی از قراء سبعه و امام اهل مدینه بود در قرائت و این
نافع غیر از نافعی است که از موالی عبد الله بن عمر محدث بوده وفات ربیع بن یونس که حاجب منصور و از موالی او بود
اروپا (دوبنة الصغری) جنگ معیوف بن یحیی با رومیها

سنه ۱۷۰ هجری　　سنه ۷۸۶ مسیحی

اسیا وفات موسی هادی بن محمد المهدی بن عبدالله المنصور در شب نیمه ربیع الاول در بیست و شش سالگی و مدت
خلافتش یکسال و سه ماه بود خلافت هرون الرشید و بیعت مردم با او در همان روز یکه موسی هادی وفات کرد و هرون
در بنوقت بیست و دو ساله و مادر او و موسی هادی خیزران ام ولد بود و هرون در ری متولد شده تولد امین محمد بن
رشید از زبیده وزارت یحیی بن خالد و تفویض کردن هرون کلیه امور را باو و دادن هرون مهر خود را بیحیی امر کردن
هرون بنای طرسوس را بمباشری فرج خادم ترک و نزول مردم در آن عزل کردن رشید عمر بن عبد العزیز عمری را از مدینه
و نصب اسحق بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس بجای او **اروپا** (اسپانیول) بنای مسجد جامع شهر قرطبه (کردو)
بامر عبد الرحمن اموی پادشاه اسپانیا که صد هزار دینار در این بنا خرج نمود گویند این مسجد در محلی بنا شد که پیش
کلیسا بوده اولین ضرب سکه که سلاطین مسلمان در اسپانیول زدند در اینسال بود بوزن و عیاریکه خلفای بنی امیه
در دمشق معمول داشته بودند (رومیه الصغری) جنگ سلیمان بن عبدالله البکائی با رومیها و بر خی برآنند
که هرون خود در اینسال با رومیها جنگ کرد **افریقا** وفات یزید بن حاتم مهلبی والی افریقیه که داود پسر او
بجای او بود تا هرون تعیین والی کرد

سنه ۱۷۱ هجری　　سنه ۷۸۷ مسیحی

اسیا دادن هرون ولایت خراسان را بجعفر بن محمد بن اشعث و فرستادن او پسر خود عباس را بکابل و فتح کردن
عباس کابل را بنز فتح کردن او سانهار را و دریافت غنایم کثیره کشتن رشید ابی هریره محمد بن فروخ که حاکم جزیره بود
و هرون او را از جزیره ببغداد طلبیده هلاک نمود دادن هرون ولایت افریقیه را بروح بن حاتم برادر یزید بن حاتم
مهلبی **اروپا** (اسپانیول) وفات عبد الرحمن اموی پادشاه اسپانیول در قرطبه (کردو) در ربیع الآخر و او معروف بعبد
الرحمن داخل بود زیرا که داخل بلاد مغرب شده تولد او در دمشق در سال صد و سیزده و مدت حکمرانی او در
اندلس سی و سه سال بود و بعد از او پسر سیم او هشام در اندلس پادشاهی یافت (فرانک) شارلمن پادشاه فرانک بعد از مراجعت
از روم چند نفر از علمای نحو و مردمان محاسب بمملکت فرانک آورد که بتعلیم این دو علم بپردازند

سنه ۱۷۲ هجری　　سنه ۷۸۸ مسیحی

اسیا عزل کردن رشید اسحق بن محمد را از موصل و نصب سعید بن سلم باهلی بجای او و عزل یزید بن مزید بن زائده
برادر زاده معن بن زائده از ارمنیه و نصب عبیدالله بن مهدی برادر هرون بجای او **اروپا** (اسپانیول) خروج
سلیمان و عبدالله پسران عبد الرحمن بر برادر خود هشام و معارضه میانه برادرها که در هر حال هشام غالب
بود (فرانک) الحاق مملکت باویر بسایر ممالک شارلمن

سنه ۱۷۳ هجری　　سنه ۷۸۹ مسیحی

اسیا مردن خیزران مادر هرون الرشید حج کردن هرون الرشید که از بغداد محرم شد وفات محمد بن سلیمان بن علی در بصره
و تصرف کردن رشید اموال او را که زیاد بود گرفتن رشید مهر خود را از جعفر بن یحیی بن خالد و دادن بفضل بن ربیع اخضار
رشید جعفر بن محمد بن اشعث را از خراسان و والی کردن عباس بن جعفر پسر او را در بنولایت وفات سلام بن ابی مطیع و جویریة
بن اسما بن عبید البصری و مروان بن معاویة بن حرث بن اسما الفزاری ابو عبدالله **اروپا** (اسپانیول) چون بعد از
فوت عبد الرحمن اموی میان هشام که جانشین او بود و دو برادر او مخالفت در گرفت و اختلال در امر سلطنت آنجا بهم

رسید شارلمن پادشاه فرانک با قشون زیاد باسپانیول آمده قسمت عمده از آن مملکت را متصرف شد

سنه ۱۷۴ هجری — سنه ۷۹۰ مسیحی

آسیا ۱ دادن رشید حکومت سند و مکران را باسحق بن سلیمان هلاک شدن روح بن حاتم رفتن رشید بجودی و نزول نمودن بقردی و بازبدی از اعمال الجزیرة ابن عمر و بنا کردن قصری در آن عزل علی بن سهر از قضای موصل و نصب اسمعیل بن زیاد دولابی بجای او **اروپا** جنگ عبد الملک بن صالح با رومیهای دومینه الصغری

سنه ۱۷۵ هجری — سنه ۷۹۱ مسیحی

آسیا ۱ ولیعهد کردن رشید پسر خود محمد بن زبیده را و ملقب نمودن او را بامین و امین در بنوقت پنجساله بود عزل عباس بن جعفر از خراسان و نصب خالد الغطریف بن عطا رفتن یحیی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام بدیلم و منزل نمودن با نجا خروج حسین خارجی در خراسان که در سال صد و هفتاد و هفت بدست عساکر خلیفه مقتول شد وفات محمد بن اسحق بن ابراهیم ابو العنبس الشاعر ولادت ادریس بن ادریس بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب و ما اجمالی از حال ادریس بن عبد الله را پیش ذکر نموده ایم **اروپا** (اسپانیول) فراغت هشام از کار دو برادر خود سلیمان و عبد الله باخراج و جلا دادن آنها از اسپانیول جنگ عیسویان اسپانیول با مسلمانان این مملکت و کشته شدن شصت هزار نفر از قشون اسلام حبس کردن هشام پسر خود عبد الملک را که سوء ظنی در حق او حاصل نموده بود و عبد الملک در حبس ماند تا در گذشت (رومینه الصغری) جنگ عبد الرحمن بن عبد الملک بن صالح با رومیها و بعضی گفته اند که خود عبد الملک بن صالح مباشر این جنگ بود بهر حال سرمای سختی بقشون اسلام زیاد صدمه وارد آورد

سنه ۱۷۶ هجری — سنه ۷۹۲ مسیحی

آسیا ۱ یحیی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در میان دیلم شوکتی بهم رسانید رشید لشکری جرار با فضل بن یحیی بدفع او مامور کرد و فضل نامه با و نوشت و او را امان داد بهر جا اختیار کند یحیی در جواب نوشت اگر رشید قسم نخورد که آسیبی بمن نرساند و بخط خود ننویسد و جمعی از اکابر هم شهادت خود را در آن ورقه ننویسند من تمکین نخواهم نمود چنانکه کردند و یحیی ببغداد آمد ابتداء هرون با و انعام نمود بعد او را گرفته حبس کرد و محبوس بود تا در گذشت وقوع فتنه فیما بین طایفه مضریه و یمانیه در دمشق که دو سال با هم مقاتله کردند و بهمین جهت رشید عبد الصمد بن علی حاکم دمشق را عزل و ابراهیم بن صالح را بجای او نصب کرد وفات فرج بن فضاله و صالح بن بشر قاری که در حدیث چندان ربطی نداشت وفات نعیم بن میسره نحوی کوفی عزل کردن رشید موسی بن عیسی را از مصر و واگذار کردن امر این مملکت را بجعفر بن یحیی که جعفر عمر بن مهران را والی مصر کرد و او امور این مملکت را اصلاح کرده بعد از مراجعت نمود حکومت حاکم بن سلیمان در موصل خروج فضل خارجی در نواحی نصیبین و کشته شدن او و اصحابش **اروپا** (اسپانیول) هشام پادشاه اسپانیول حکم پسر خود را حاکم طلیطله کرد حکم بدینولایت آمده در اینجا پسرش عبد الرحمن بن حکم متولد شد و حکم و عبد الرحمن بعدها

سنه ۱۷۷ هجری — سنه ۷۹۳ مسیحی

آسیا ۱ مخالفت عطاف بن سفیان ازدی از جنگجویان موصل با رشید که دو سال بدینمنوال میگذشت تا رشید بموصل آمده و قلعه موصل را خراب کرد عزل کردن رشید جعفر بن یحیی را از مصر و نصب اسحق بن سلیمان بجای او عزل حمزة بن مالک از خراسان که اینولایت نیز رشید منصور بن یزید را اعطا فضل بن یحیی برمکی کرد وفات ابو عبد الله شریک بن عبد الله بن ابی شریک که در ایام مهدی قضاوت داشت و مرد عالم عادل کثیر الصواب حاضر جوابی بود و از عمال او در کوفه اتفاق افتاد

اروپا (اسپانیول) یکی از سرداران هشام بن عبدالرحمن باقشونی مستعد تا کارکاسون شهر فرانک تاخت و غنیمت زیادی بدست آورده مراجعت کرد (رومیة الصغری) جنگ عبدالرزاق بن عبدالحمید تغلبی با رومیها **افریقا** در اینسال فضل بن روح بن حاتم از جانب رشید والی افریقا در سال بعد بدست اصحاب عبدالله بن جارود معروف بعبدویه الانباری کشته شد و هرثمة بن اعین بعد از او از جانب رشید والی افریقیه با فتن بعد از آنکه دو سال و نیم در این ولایت حکمرانی داشت استعفا کرد و بعراق آمد

سنه ۱۷۸ هجری — سنه ۷۹۴ مسیحی

آسیا خروج ولید بن طریف خارجی تغلبی در جزیره و تاختن با ابراهیم بن خازم بن خزیمه در نصیبین و زیاد شدن شوکت او و داخل شدن بارمینیه و محاصره کردن چند روز خلاط را و آمدن باذربایجان و از آنجا بحلوان و ارض سواد و عبور کردن بطرف غربی دجله و فرستادن رشید یزید بن مزید بن زائدة الشیبانی را که پسر برادر معن بن زائده بود بجنگ ولید و غلبه کردن او بر ولید و کشته شدن ولید و بسیاری از اصحاب او و تفویض کردن رشید کلیه امور دولت خود را بیحیی بن خالد برمکی رسیدن فضل بن یحیی بخراسان و جنگ کردن در ماوراء النهر و ساختن رباطات و مساجد در خراسان **اروپا** (اسپانیول) جنگ کردن عساکر هشام با طوایف فرانک شورش بربرها در رستاق تاکرنا در اندلس و فرستادن هشام لشکری جرار بسرداری عبدالقادر بن ابان بن عبدالله از موالی معاویة بن ابی سفیان بسرکوبی بربرها که عبدالقادر بسیاری را بکشت و بقیة السیف فرار کردند و رستاق تاکرنا و کوهستان آن هفت سال خالی از سکنه بود (رومیة الصغری) جنگ معاویة بن زفر بن عاصم با رومیها **افریقا** شوریدن طایفه حوفیه در مصر بر عامل خود شان اسحق بن سلیمان و فرستادن رشید هرثمة بن اعین را بکمک اسحق که آنها را مطیع کرد و رشید اسحق را از مصر معزول کرده هرثمه یکماهی در این مملکت حکمرانی نمود بعد عبدالملک بن صالح والی مصر شد

سنه ۱۷۹ هجری — سنه ۷۹۵ مسیحی

آسیا مراجعت فضل بن یحیی از خراسان و دادن رشید حکمرانی این ولایت را بمنصور بن یزید بن منصور حمیری خال مهدی خروج حمزة بن اترک سجستانی در خراسان وفات مالک بن انس بن مالک بن ابی عامر بن عمرو بن حارث از اولاد ذی الاصبح که باین جهت او را اصبحی میگفتند و اسم او حارث بن عوف و استاد شافعی بود و مالک در مدینه وفات کرده در بقیع مدفون شد وفات مسلم بن خالد زنجی فقیه مکی و مسلم چون سفید و مایل بسرخی بود او را زنجی میگفتند وفات سید اسمعیل حمیری شاعر معروف که شیعی بود **اروپا** (رم) فوت آدرین اول پاپ و برقرار شدن لئون سیم بجای او (اسپانیول) جنگ عساکر هشام با طوایف فرانک

سنه ۱۸۰ هجری — سنه ۷۹۶ مسیحی

آسیا عزل کردن رشید منصور بن یزید را از خراسان و نصب کردن علی بن عیسی بن ماهان را بجای او که ولایت او ده سال طول کشید و بسیاری از خوارج را بکشت و حمزة بن اترک سجستانی را مقهور کرد و میان اتباع حمزه و عساکر علی بن عیسی جنگهای بسیار اتفاق افتاد کوفتن رشید مهر خود را از جعفر بن یحیی و دادن بخود یحیی عزل کردن رشید هرثمة بن اعین را از افریقیه خروج طایفه محمره بجرجان عزل فضل بن یحیی از طبرستان و رویان و نصب عبدالله بن خازم بجای او و ولایت سعید بن سلم در جزیره حکومت یحیی بن سعید حرشی در موصل که با مردم بد رفتاری کرده و مطالبه مالیات سنوات گذشته را کرده مردم باین جهت جلای وطن نمودند امر کردن رشید بساختن شهر عین زربه و قلعه آن و ساکن کردن جماعتی از لشکریان خراسان را در آن (عین زربه سرحدی است نزدیک مصیصه)[7] **اروپا** (رومیة الصغری) جنگ محمد بن معاویة بن

[7] وفات عمرو بن عثمان بن قنبر معروف بسیبویه که اعلم علمای نحو بود و بعضی وفات او را در سنه صد و هشتاد و هفت نوشته اند

زفر بن

زفر بن عاصم با رومیها (اسپانیول) اتمام مسجد جامع قرطبه (کردو) فوت هشام پادشاه اسپانیول در ماه صفر که نفر با هفت سال و هفت ماه سلطنت کرده و سی و نه سال داشت کنیتش ابو الولید و مادرش ام ولد و در سیرت بعمر بن عبد العزیز شبیه بود سلطنت حکم بن هشام که ملقب بمنتصر بود بجای پدرش و در زمان حکم دو عم او سلیمان و عبد الله بر او خروج کرده جنگها کردند و سلیمان را حکم گرفته کشت و عبد الله آخر الامر از در صلح در آمده و فتنه بنشست مجبور نمودن حکم و عمال او اهالی اسپانیول را بتحصیل زبان عرب (فرانک) بنای معبدی در شهر اکسلاشاپل بحکم شارلمن و ساختن عمارتی برای خود در همین شهر

سنه ۱۸۱ هجری — سنه ۷۹۷ مسیحی

اسیا غلبه طایفه محمره در خراسان وفات عبد الله بن مبارک فقیه مروزی وفات مروان بن ابی حفصه شاعر وفات ابو یوسف قاضی که اسم او یعقوب بن ابراهیم و اکبر اصحاب ابی حنیفه بود وفات علی بن حمزة ابو الحسن الازدی المعروف بکسائی المقری النحوی در ری و بعضی فوت کسائی را در سال صد و هشتاد و سه نوشته اند **اروپا** (قسطنطنیه) ایرن مادر پادشاه که نیابت سلطنت داشت چشم پسر خود را که پادشاه حقیقی بود میل کشیده بعد او را بقتل رسانید (رومیه الصغری) جنگ هرون الرشید با رومیها و گرفتن قلعه صفصاف با جنگ عبد الله بن صالح در خاک روم که با نقره رسید و مطموره را فتح کرد (اسپانیول) چون در اینسال الحکم بن هشام پادشاه اسپانیول چنانکه پیش اشاره نمودیم با اعمام خود مشغول مجادله بود طایفه فرانک موقع و فرصت بدست آورده تا شمال سراکوس تاختند **افریقا** دادن هرون الرشید ولایت افریقیه را بمحمد بن مقاتل بن حکیم العکی که رضیع رشید بود

سنه ۱۸۲ هجری — سنه ۷۹۸ مسیحی

اسیا در اینسال هرون الرشید قرار داد که بعد از امین عبد الله مامون ولیعهد باشد و او را بر خراسان و بلاد یکه متصل باو است تا همدان والی نمود و مامون لقب داد و جعفر بن یحیی را پیشکار او کرد وفات جعفر الطیالسی محدث بجهز پادشاه خزر برای جنگ با مسلمین **اروپا** (رومیه الصغری) جنگ عبد الرحمن بن عبد الملک بن صالح با رومیها و رسیدن او به افسوس شهر اصحاب کهف (اسپانیول) آمدن سیل عظیم در قرطبه (کردو) و خراب کردن بسیاری از خانها و اماکن را

سنه ۱۸۳ هجری — سنه ۷۹۹ مسیحی

اسیا استیلاء خزر بر بلاد کنجه و شیروان و غیرها و اسیر کردن صد هزار نفر از اهالی این بلاد از مسلمین و غیرهم و دادن رشید ولایت ارمنیه را با ضافه آذربایجان بیزید بن مزید که او و خزیمة بن خازم باین نواحی آمده بدفع این فساد پرداختند و حصار باب الابواب را محکم کردند و خزر را بیرون نمودند ارتحال حضرت امام همام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام در حبس هرون که عمر مبارکش پنجاه و چهار سال بود و داستان سپردن هرون آنحضرت را بسندی بن شاهک و حبس آن بزرگوار و مسموم شدن آن امام مظلوم بامر هرون مشهور است وفات موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس وفات محمد بن صبیح ابو العباس المذکر معروف بابن سماک واعظ وفات یونس بن حبیب نحوی مشهور که زیاده از صد سال عمر داشت **اروپا** (فرانک) مجادله عساکر شارلمن با اعراب که جزایر بالئار را که واقع در دریای مدیترانه است متصرف بودند

سنه ۱۸۴ هجری — سنه ۸۰۰ مسیحی

اسیا دادن هرون ولایت یمن و مکه را بحماد بربری و ولایت سند را بداود بن یزید بن مزید بن حاتم المهلبی و ولایت جبل را

بیحیی الحرشی و ولایت طبرستان با مهرویه رازی و حکومت موصل و اعمال آن در یک سال با یزید بن مزید بن زائدة الشیبانی بود وفات عبد الله بن عبد العزیز بن عمر بن خطاب که او را عابد میگفتند **افریقیا** ابراهیم بن اغلب از جانب هرون الرشید بحکومت افریقیه مامور شد و بعد از فوت هرون ابراهیم و اولاد او در مغرب بالاستقلال سلطنت میکردند بدون اطاعت خلفای بغداد و بسط این مملکت از تونس تا مصر بود و اغلب ملوک مغرب از نژاد ابراهیم بن اغلب می باشند وفات احمد سیوطی در افریقیه

سنه ۱۸۵ هجری — سنه ۸۰۱ مسیحی

آسیا وفات عبد الصمد بن علی بن عبد الله بن عباس عم منصور وفات یزید بن مزید بن زائدة شیبانی برادر زادهٔ معن بن زائده و بر قرار شدن اسد بن یزید بجای او کشتن اهل طبرستان مهرویه رازی حاکم خود را و دادن رشید ولایت طبرستان را بعبد الله بن سعید الحرشی وقوع صاعقه در مسجد الحرام که دو نفر را هلاک کرد وفات محمد بن ابراهیم الامام بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس در بغداد **اروپا** (اسپانیول) پادشاه آلکپین شهر پارسلن را از قشون اعراب منتزع نمود

سنه ۱۸۶ هجری — سنه ۸۰۲ مسیحی

آسیا هرون الرشید مقرر نمود که بعد از مامون پسرش قاسم ولیعهد باشد و او را موتمن لقب داد و موتمن را سپرده بعبد الملک بن صالح وفات عبد الله بن صالح بن عبد الله بن عباس و علی بن عباس بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس برادر سفاح و منصور **اروپا** (قسطنطنیه) بلوای عام سبب خلع ایرن ملکه شده و امپراطور نیسفر (نقفور) بجای او برقرار گردید (اسپانیول) وقوع اتفاق ما بین حکم و عموی او عبد الله بن عبد الرحمن وفات شقران بن علی زاهد در اندلس **افریقیا** وفات راشد از موالی عیسی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام که با ادریس بن عبد الله بن حسن بمغرب رود کرده بود و امارت بر داشت بعد از او امارت بر بابو خالد یزید بن الیاس سپید

سنه ۱۸۷ هجری — سنه ۸۰۳ مسیحی

آسیا غضب کردن هرون بر برامکه و کشتن جعفر بن یحیی را در انبار شب اول ماه صفر و جدا کردن سر او را از بدن و فرستادن سر و بدن او را بغداد و نصب کردن سر و قطعهٔ از بدن او را بیکجسر و قطعهٔ دیگر از بدن او را بجسر دیگر و عمر جعفر سی و هفت سال بود و پس از کشتن او هرون حکم کرد یحیی و اولاد او را گرفتند و اسباب و اموال برامکه را ضبط نمودند و کسی را که متعرض نشدند محمد بن خالد بن برمک و اولاد او بود که در عداد مقصرین شمرده نشدند در سبب قتل جعفر و اعدام برامکه مورخین چیزها نوشته بعضی گفته اند هرون عباسه خواهر خود را بزوجیت جعفر داده بود برای اینکه با او محرم باشد و مقرر نموده که با او مباشرت نکند جعفر خلاف این امر کرده و عباسه پسری آورد و خلیفه مطلع شده دودمان برامکه را برانداخت برخی بر آنند که هرون یحیی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام را بجعفر داده بود که حبس کند جعفر او را رها کرده و این سبب خشم هرون شد جماعتی گویند چون صیت کرم و کرامت برامکه باقطار رسید و قلوب مایل بایشان شد خلیفه توهم کرده آنها را قلع نمود و چیزهای دیگر نیز گفته شده که موجب تطویل و لاطائل تحته میباشد خلاصه مدت وزارت برامکه هفده سال بوده است وقوع مناقشه فیما بین مضریه و یمانیه در شام که هرون فرستاده فتنه را خوابانیدند وفات فضیل بن عیاض زاهد که در سمرقند متولد شده و بمکه آمده در این مکان مقیم بود تا برحمت ایزدی پیوست وفات ابو مسلم فراء نحوی که کسائی از او اخذ علم کرده بود کشتن رشید ابراهیم بن عثمان بن نهیک را بجهت هواخواهی که از جعفر برمکی داشت وفات عمر بن عبید طنافسی کوفی **اروپا** (قسطنطنیه) امپراطور

۲
اروپا (فرانک) سفرای ...
که بسمت فلسطین رفته بو...
با هرون الرشید ملاقات ...
علی را که در بیت المقدس بو...
کلیدهای محل دفن عیسی معرو...
بقبر عیسی و بکدستگاه سا...
زنگ دار از طرف خلیفه بطو...
هدیه نزد شارلمان آوردند
لئون سیم پاپ روم تاج اگوس...
قیصر مغرب و منبر الکبری...
بشارلمان هدیه داد

جدید قسطنطنیه از ادای خراج بخلیفه هرون ابا و انکار کرده لهذا خلیفه با لشکر جراری بسمت اناطولی حرکت کرده و ظاهر
شهر هراکله (هرقله) را معسکر ساخته از این تاریخ تا سه سال نایره جنگ میانه هرون و نیسفر اشتعال داشت (اسپانیول)
گرفتن طایفه فرانک شهر طلیطله را و استرداد و استخلاص عمروس بن یوسف که از جانب حکم حاکم ثغور بود این بلد را از
فرانکها

سنه ۱۸۸ هجری — سنه ۸۰۳ مسیحی

آسیا حج رشید که بزعم بعضی این آخرین حج او بود وفات عباس بن احنف شاعر معمولی **اروپا** (اسپانیول) وفات
شهید بن عیسی که با عبدالرحمن بن معاویه باین مملکت آمده بود در اندلس در نود و سه سالگی

سنه ۱۸۹ هجری — سنه ۸۰۴ مسیحی

آسیا آمدن رشید بری از خوف طغیان والی خراسان علی بن عیسی بن ماهان که چهار ماه در این بلد اقامت کرد و
والی مشار الیه از خراسان بری آمده هدایای وافره برشید و همراهان او داد و خلاف مظنون رشید ظاهر شده بعد از رجعت
نمود و جسد جعفر را که مصلوب بود بسوزانید و در بغداد اقامت نکرده برقه رفت وفات محمد بن الحسن الشیبانی فقیه مصاحب
ابوحنیفه صاحب کتاب جامع کبیر و جامع صغیر در رقه ابوحنیفه امان دادن رشید بحکمران طبرستان و دیلم و اطاعت آنها از رشید
دادن رشید حکومت طبرستان و ری و دماوند و قومس و همدان را بعبدالله بن مالک **افریقا** ظهور اغتشاش و
فتنه در طرابلس غرب

سنه ۱۹۰ هجری — سنه ۸۰۵ مسیحی

آسیا عزل کردن رشید رافع بن لیث بن نصر بن سیار را از حکومت ماوراء النهر که پس از معزول شدن بمخالفت بر
خاست خروج سیف بن بکیر خارجی که از ناحیه عبدالقیس خروج کرد و کشته شدن او بدست عساکر رشید اسلام فضل بن
سهل مجوسی بدست مامون و فضل شیعی مذهب بود و او بود که بمامون گفت حضرت رضا علیه السلام را ولیعهد نماید وفات
اسد بن عمرو بن عامر الکوفی مصاحب ابوحنیفه وفات یحیی بن خالد برمکی که در رقه در حبس رشید بود و هفتاد سال عمر
داشت **اروپا** (رومیه الصغری) فتح کردن رشید شهر هراکله (هرقله) را در ماه شوال و فرستادن داود بن عیسی بن
موسی را بسر سایر بلاد این مملکت **افریقا** ابتدای سلطنت مستقله آل ادریس در مغرب که شهر فز (فاس) را پایتخت خود
قرار دادند دادن هرون حکومت مصر و سواحل شام را بحمید بن معیوف که او تا قبرس رانده قتل و هدم و غارت زیاد نمود

سنه ۱۹۱ هجری — سنه ۸۰۶ مسیحی

آسیا عزل کردن رشید علی بن عیسی بن ماهان را از ولایت خراسان و نصب هرثمة بن اعین بجای او امر کردن رشید
بهدم کلیساهائیکه در سرحدات بود **اروپا** (قسطنطنیه) بعد از سه سال جنگ نیسفر (نقفور) قبول تبعیت
خلیفه هرون را نموده و از ساختن قلعه و مستحکمات در سمت اناطولی ممنوع شد (فرانک) شارلمن پادشاه فرانک
در شهر تیون ویل مملکت وسیعه خود را بسه پسر خود شارل و پپن و لوئی تقسیم کرد (اسپانیول) کشته شدن
بسیاری از اعاظم اهل طلیطله باشاره حکم پادشاه اسپانیول بواسطه تمرد آنها بمباشرت عبدالرحمن بن حکم و عمروس
بن یوسف که حکم او را والی این ولایت نموده بود و چون مقتولین در سرای حکومتی در حفره بقتل رسیدند این
واقعه بوقعه حفره معروف شد (ایطالیا) پادشاه ایطالیا جزیره کرس را از تصرف اعراب خارج نموده خود متصرف
و مالک شد

سنه ۱۹۲ هجری — سنه ۸۰۷ مسیحی

آسیا عزیمت رشید از رقه بسفر خراسان را که ببغداد آمده امین را جانشین خود نمود و در پنجم شعبان بطرف نهروان راند
و مقصود از این سفر جنگ با رافع بن لیث بود و از آنجا که نقاهت و مرض بر طبیعت رشید استیلا داشت فضل بن سهل مأمون را
محرک شد که از هرون مسئلت نموده التزام رکاب او را داشته باشد و پس از الحاح هرون قبول کرد شورش خرمیه در آذربایجان
که رشید عبدالله بن مالک را با ده هزار نفر بدفع آنها فرستاده جمع کثیری از این جماعت را بکشتن دادن رشید حکومت ثغور
را به ثابت بن نصر بن مالک که او مطموره را فتح کرد وفات عیسی بن جعفر بن منصور در دسکره محاصره کردن هرثمة بن اعین رافع بن
لیث را در سمرقند خروج حمزه خارجی در خراسان و اطاعت عمال هرات و سجستان و غیره با و که عبدالرحمن نیشابوری بدفع او
برخاسته و او را در سال بعد تا هرات تعاقب نمود و بسیاری از اصحاب او را بکشت وفات بهلول المجنون

سنه ۱۹۳ هجری — سنه ۸۰۸ مسیحی

آسیا مردن فضل بن یحیی بن خالد بن برمک در حبس رشید در رقه در ماه محرم در سن چهل و پنج سالگی و محاسن فضل غیر
محصور است وفات او پنج ماه قبل از وفات رشید اتفاق افتاد جنگ هرثمة بن اعین والی خراسان با عساکر رافع بن لیث که هرثمه
غالب بود و بخارا را فتح نموده بشیر برادر رافع را دستگیر کرده نزد رشید فرستاد وفات رشید در سیم جمادی الاخره در
طوس در چهل و هفت سالگی و مدفون شدن او در خانه که منزل داشت و در این وقت مأمون بامر رشید در مرو بود و
فضل بن ربیع و اسمعیل بن صبیح و مسرور و حسین از ملازمان رشید بر سر بالین او حضور داشتند مدت خلافت رشید
سیزده سال و دو ماه و هیجده روز بود خلافت امین بن رشید ششمین خلیفه عباسی ابتدای اختلاف میانه امین و مأمون آمدن
زبیده مادر امین از رقه ببغداد و ملاقات کردن امین با او در انبار در حالتیکه جمیع بزرگان بغداد با او بودند عزل کردن امین
برادر خود قاسم مؤتمن را از جزیره و برقرار داشتن او را بر حکومت قنسرین و عواصم (ثغور) و دادن حکومت جزیره را بخزیمة بن
خازم

سنه ۱۹۴ هجری — سنه ۸۰۹ مسیحی

آسیا مخالفت اهل حمص با حاکم خود اسحق بن سلیمان و عزل کردن امین او را و نصب نمودن عبدالله بن سعید الحرسی را بجای او
که با اهل حمص جنگ کرد تا امان طلبیدند کشته شدن شقیق بلخی زاهد معروف بتصوف در غزوه کولان از بلاد ترک **افریقا**
مخالفت اهل تونس و قیروان با ابراهیم بن اغلب و غلبه ابراهیم بر آنها

سنه ۱۹۵ هجری — سنه ۸۱۰ مسیحی

آسیا انداختن امین اسم مأمون را از خطبه و خطبه خواندن باسم پسر خود موسی بن امین که طفل صغیر بود و ملقب کردن
او را بناطق الحق و تجهیز لشکر نمودن برای جنگ مأمون که در خراسان بود و دادن سرداری این لشکر را بعلی بن عیسی بن ماهان
و روانه شدن این لشکر بطرف ری و در این وقت طاهر بن حسین از جانب مأمون با عساکر قلیلی در ری بود چون علی بن عیسی
بری رسید طاهر از بیعت امین سر کشیده مأمون را بخلافت قبول نمود و با عساکر امین بقتال پرداخته جنگ سختی کردند عساکر
امین منهزم و علی بن عیسی کشته شد و طاهر سر او را با خبر فتح برای مأمون بخراسان فرستاد و چون در این جنگ طاهر یک نفر
از اصحاب علی بن عیسی را که معروف بحاتم طائی بود با شمشیری که دو دستی گرفته بجائی انداخت معروف بذوالیمینین شد
استیلای طاهر بر اعمال جبال وفات ابونواس حسن بن هانی شاعر ولادت امام محمد تقی علیه السلام خروج علی بن عبدالله بن خالد
بن یزید بن معویه معروف بسفیانی که مادر او نفیسه دختر عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام بود **اروپا**

(اسپانیول) حکم پادشاه اسپانیول بعد از غلبه بشهر سارا کس باشارلمن پادشاه فرانک انعقاد عهد صلح نمود

سنه ۱۹۶ هجری — سنه ۸۱۱ مسیحی

آسیا ۱ فرستادن امین لشکری همراهی احمد بن مزید و عبدالله بن حمید بن قحطبه بجنگ طاهر که با هر یک از این دو نفر بیست هزار سوار بود و چون بخانقین رسیدند میان آنها اختلاف پدیدار شده بدون اینکه با طاهر تلاقی و جنگ کنند برگشتند و طاهر بحلوان آمده و هرثمه با قشونی از جانب مامون باو پیوسته و مامون بطاهر نوشته بود که بلادی را که مسخر نمود تسلیم هرثمه کند و خود متوجه اهواز شود طاهر بموجب این گفته بطرف اهواز راند و هرثمه در حلوان ماند امر کردن مامون که او را امیرالمؤمنین خطاب کنند و خطبه باسم او خواندند دادن مامون حکومت بلاد چند بفضل بن سهل که حد قلمرو حکومت او از مشرق از کوه همدان بود تا تبت طولا و از دریای عمان بود تا دریای دیلم و جرجان عرضا و او را ملقب بذوالریاستین نمود که ریاست سیف و قلم باشد دادن مامون وزارت مالیه را بحسن بن سهل استیلاء طاهر بر اهواز و واسط و مداین و ترولی او بصره وفات عبدالملک بن صالح بن علی که در حبس رشید بود و امین او را از حبس بیرون آورده حکومت شام و جزیره را باو داده و او برقه آمده در ایجا درگذشت خلع کردن حسین بن علی بن عیسی بن ماهان امین را از خلافت در شب یازدهم رجب و گرفتن بیعت برای مامون که چند روز بعد باز مردم امین را بخلافت برداشتند و حسین در این مقدمه کشته شد خلع کردن داود بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی حاکم مکه و مدینه امین را از خلافت و گرفتن بیعت از اهل این دو بلد برای مامون **افریقا** مخالفت اهل طرابلس غرب با ابراهیم بن اغلب و غلبه ابراهیم بر آنها و دادن ابراهیم حکومت این ولایت را بپسر خود عبدالله و ما دامیکه ابراهیم زنده بود جنگ در میان عساکر او و اهل طرابلس غرب بر کار بود بعد از فوت او شهر طرابلس در دست عبدالله بن ابراهیم باشد و خارج از شهر در دست بربر عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن رستم رئیس بربر مقرر آمد

سنه ۱۹۷ هجری — سنه ۸۱۲ مسیحی

آسیا ۱ محاصره کردن طاهر و هرثمه بغداد را و محصور داشتن امین را و وقوع غارت و حرق در بغداد و مانع شدن طاهر دخول ماکولات و ارزاق را ببغداد و ظهور غلا در این شهر و شدت حال و تنگی و همین طور بغداد در بند محاصره بود تا سال بسر رسید رفتن مؤتمن بن رشید و منصور بن مهدی بخراسان نزد مامون و فرستادن مامون مؤتمن را بجرجان **اروپا** ۱ (ایطالیا) پپن پسر شارلمن پادشاه ایطالیا وفات نموده برنارد پسر او بجای او برقرار میگردد

سنه ۱۹۸ هجری — سنه ۸۱۳ مسیحی

آسیا ۱ استیلاء طاهر بر بغداد بعد از قتال شدید و داخل شدن در این شهر و جار زدن که هر کس در خانه خود نشست ایمن است و متحصن شدن امین با اولاد و مادر او در مدینه منصور و محاصره کردن طاهر او را در این بلده و چون امین دید بزودی بدست طاهر گرفتار میشود و بهلاکت میرسد از هرثمه امان خواست و کنار شط آمده در قایق هرثمه داخل شد هرثمه او را در بر گرفته دست و پای او را بوسید و قصد داشت حفظ او را داشته ولی اصحاب طاهر در ورقایق را گرفته غرق نمودند ملاح قایق هرثمه را از آب بیرون آورد و کسان طاهر امین را گرفتند و طاهر او را حبس نمود و نصف شبی چند نفر عجم فرستاده او را بکشتند و سر او را نزد طاهر آوردند و طاهر آن سر را بر یکی از برجهای بغداد نصب کرد و مردم او را دیدند بعد طاهر سر را با خبر فتح برای مامون فرستاد و قتل امین در یکشنبه چهارم محرم اتفاق افتاده است

خلافتش تقریبا چهار سال و هشت ماه و عمرش بیست و هشت سال بود زیاد بشرب خمر و استیفای لذات ولع داشت پس از کشته شدن امین تمام مملکت برای مامون مصفی شد و حسن بن سهل برادر فضل را والی بابل و عراق و فارس و اهواز و حجاز و یمن نمود برخاستن فضل بن شبث العقیلی از هواخواهان امین بمخالفت مامون و ابن نصر در کیسوم در ناحیه شمالی حلب ساکن بود **اروپا** (اسپانیول) شورش اهالی بعضی محلات و ارباض قرطبه بر حکم پادشاه اسپانیا بجهت اکثار او و ملازمان او در شرب ملاهی و غلبه حکم بر شورشیان و کشتن بسیاری از آنها را

سنه ۱۹۹ هجری — **سنه ۸۱۴ مسیحی**

آسیا ظهور ابن طباطباء العلوی محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در کوفه که مردم را دعوت بحضرت رضا سلام الله علیه مینمود و سرکرده متابعین ابن طباطبا ابو السرایا السری بن منصور بود و اهل کوفه با او بیعت کردند و حسن بن سهل زهیر بن مسیب ضبی را با ده هزار نفر بجنگ ابن طباطبا فرستاد ابن طباطبا آنها را منهزم کرد ولی در شب اول رجب ابو السرایا محض اینکه خود ریاست و استبدادی داشته باشد ابن طباطبا را مسموم و هلاک کرد و پسری موسوم بابن زید را که از اولاد حضرت علی بن ابیطالب بود بر حسب ظاهر بجای ابن طباطبا برپا داشت و با او جنگ میکرد چنانکه بر بصره و واسط غلبه نمود و میان او و عساکر مامون زد و خوردها شد وفات حسین بن مصعب بن رزیق پدر طاهر ذو الیمینین بخراسان که مامون بتعزیت او فرستاد وفات عبدالله بن نمیر همدانی کوفی مکنی بابو هاشم پدر محمد بن عبدالله بن نمیر شیخ بخاری **اروپا** (فرانک) فوت شارلمن در شهر اکس لا شاپل در بیست و هشتم ماه ژانویه و جلوس لوئی پسر بند ا شارلمن بجای او و تصرف نمودن تمام ممالک پدر را سوای ایطالیا

سنه ۲۰۰ هجری — **سنه ۸۱۵ مسیحی**

آسیا گریختن ابو السرایا از کوفه با هشتصد سوار پس از آنکه هرثمه او را در این شهر محصور داشت و ورود هرثمه بکوفه و ایمن نمودن اهالی را و رفتن ابو السرایا بجلولا و متفرق شدن اتباع او و گرفتن حماد کندغوش ابو السرایا و محمد و دیگر را که نزد او مانده بودند و فرستادن نزد حسن بن سهل که در نهروان بود و کشتن حسن او را و فرستادن سر او را برای مامون ظهور ابراهیم بن موسی بن عیسی بن جعفر بن محمد العلوی و رفتن بیمن و در این وقت اسحق بن موسی بن عیسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس از جانب مامون حاکم یمن بود و از ابراهیم علوی منهزم شده ابراهیم بیمن مستولی شد و ابراهیم را بجهت اینکه مردم را زیاد میکشت و نهب میکرد جزار میگفتند رفتن هرثمه بمرو نزد مامون و گرفتن و حبس کردن و کشتن او را در حبس و اظهار نمودن که او در حبس مرد و اینجمله بسعایت حسن بن سهل شد امر کردن مامون باینکه اولاد عباس را شماره کنند و از این شماره معلوم شد که عدد آنها تقریبا سی و سه هزار نفر است رجالا و نساءً وفات معروف کرخی معروف بتصوف صاحب الکرامات و پدر معروف نصرانی بوده **اروپا** (اسپانیا) فرستادن حکم پادشاه اسپانیول لشکری بسرداری عبدالکریم بن مغیث بر سر بلاد دیگر از اندلس بتصرف فرانکها بود و مقاتله شدید بین الجانبین

سنه ۲۰۱ هجری — **سنه ۸۱۶ مسیحی**

آسیا غلبه اجامره و اوباش در بغداد که براهزنی و دست درازی بنسوان و اطفال مردم و انواع فسق و فجور مشغول بودند و دهات را غارت میکردند و آخر الامر اهل بعضی از محلات بغداد با شخصی که موسوم بخالد بن الدریوش بود متفق شده بدفع اشرار پرداختند و بعد از خالد یکی از اهل خراسان که او را سهل بن سلامه انصاری میگفتند مصمم طرد فساق شده مصحفی بگردن آویخته امر بمعروف و نهی از منکر میکرد و جمع کثیری در دور سهل جمع شده و مردم او را اطاعت مینمودند

و تعهد کردن مامون امام ثامن حضرت رضا علیه السلام را و امر نمودن بلشکریان که لباس سبز خود را ترک نموده جامهٔ سبز بپوشند و ابنوا فعه در دویم رمضان واقع شد و بسبب این عباس خاصه منصور و ابراهیم پسران مهدی گران آمد و بعضی از اهل بغداد از بیعت امتناع نمودند و شخصی که این بیعت را در بغداد میگرفت عیسی بن محمد بن ابی خالد بود گفتگوی اهل بغداد در خلع مامون و برداشتن ابراهیم بن مهدی را بخلافت بجهة اینکه حسن بن سهل را پیشکار خود قرار داده و خلافت را بخانوادهٔ آل علی بن ابیطالب علیه السلام راجع کرده است فتح کردن عبدالله بن خرداذبه والی طبرستان الجبال طبرستان را بدست آوردن شهریار بن شروین که در آنجا بود و دستگیر نمودن او ابولیلی پادشاه دیلم را وقوع زلزله عظیم در خراسان ابتدای امر بابک خرمی و ظهور او در میان طایفهٔ جاودانیه که معتقد به تناسخ بوده میگفت ارواح نقل با بدان مینماید **افریقیا** وفات ابوالعباس عبدالله بن ابراهیم بن اغلب و ولایت زیادة بن ابراهیم بن اغلب در افریقیه

سنه ۲۰۲ هجری — سنه ۸۱۷ مسیحی

آسیا بیعت کردن اهل بغداد با ابراهیم بن مهدی و خلع نمودن مامون را از خلافت و این بیعت را مطلب بن عبدالله بن مالک برای ابراهیم میگرفت استیلای ابراهیم بر کوفه وارد و زدن در مداین دادن ابراهیم حکومت جانب غربی بغداد را بعباس بن موسی هادی و حکومت جانب شرقی را باسحق بن هادی و گرفتن اسحق سهل بن سلامه را که امر بمعروف و نهی از منکر میکرد و فرستادن او را نزد ابراهیم بن مهدی در مداین که او را بعد از زدن حبس کرد عزیمت مامون از خراسان بعراق بجهة دفع ابراهیم بن مهدی و جانشین کردن غسان بن عباد را در خراسان و چون مامون بسرخس آمد در دویم ماه شعبان چهار نفر در حمام بر فضل بن سهل ذوالریاستین حمله کرده او را بکشتند مامون گفت هر کس قاتلین ذوالریاستین را بگیرد ده هزار دینار انعام میدهم عباس بن هیثم دینوری آنها را گرفته نزد مامون آورد آنها بمامون گفتند تو امر کردی که ما فضل را بکشیم مامون حکم کرد کردن آنها را زدند و متوجه عراق شد ابراهیم بن مهدی و مطلب که بیعت از برای او میگرفت از آمدن مامون خبر شدند مطلب تمارض کرده به بغداد آمد و در خفا شروع کرد به بیعت گرفتن برای مامون و خلع ابراهیم ابن خبر بسمع ابراهیم رسید از مداین وصل بغداد کرده مطلب را طلبید مطلب از آمدن امتناع نمود ابراهیم حکم کرد خانه‌های او و احزاب گرفتند ولی خود او را نتوانستند بچنگ بیاورند مراوجه بوران دختر حسن بن سهل با مامون و در آوردن مامون دختر خود را در نکاح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام وفات ابومحمد یزیدی که یحیی بن مبارک بن مغیره مقری مصاحب ابی عمرو بن العلا باشد و او را یزیدی میگفتند بجهة اینکه مصاحب یزید بن منصور خال مهدی و معلم پسر او بود **اروپا** (ایطالیا) شورش پادشاه ایطالیا بر ناود بعم خود لوئی پاشکال اول در رم بپاپ بیت برقرار کردید

سنه ۲۰۳ هجری — سنه ۸۱۸ مسیحی

آسیا ارتحال امام ثامن ضامن حضرت رضا علیه السلام در طوس در پنجاه سالگی و داستان مسموم شدن آنحضرت معروفست و خبار کردن مامون اهل بغداد را از ارتحال آن بزرگوار و خلع کردن بغدادیها ابراهیم بن مهدی را که یکسال و یازده ماه بر آنجا ولایت داشت و متواری شدن ابراهیم که پنهان بود تا مامون به بغداد آمد رسیدن مامون در آخر ذیحجه این سال بهمدان زلزله‌های شدید در خراسان و ماوراء النهر خاصه در بلخ و جوزجان و فاریاب و طالقان که هفتاد روز طول کشید و خسارت زیاد وارد آورد ابتلای حسن بن سهل بجنون بحدیکه او را حبس و در بند آهن گذاشتند و سران سپاه که با او بودند این خبر را برای مامون نوشتند

ذکر ملوک بنی زیاد در یمن

شخصی از بنی زیاد بن ابیه موسوم بمحمد که بعضی او را پسر ابراهیم بن عبدالله بن زیاد دانسته‌اند با جماعتی از بنی امیه و اما مون بفضل بن سهل یا بحسن بن سهل سپرده بود مامون شنید که امر یمن مختل است ابن سهل با مامون گفت محمد مذکور را که از آل زیاد بود با مارث یمن مقرر نما مامون بدین گفته عمل کرد محمد با جماعتی بحج رفته از آنجا بیمن روانه شد و بعد از جنگها که با عرب کرد تهامه را بگرفت و استقرار وی در یمن بهم رسانید و در سال بعد شروع بساختن شهر زبید نمود و هدایای وافره بمصاحبت جعفر غلام خود برای مامون فرستاد و در سنه دویست و شش مامون دو هزار سوار برای محمد بیمن فرستاد و کار محمد بالا گرفته بر تمام یمن استیلا یافت و جعفر مذکور را حکومت جبال داد و شهر مذیخره را در آن بنا نمود و بلاد محکومه جعفر معروف بمخلاف شد یعنی مملکت وسیع و جعفر شخصی کافی بود و دولت آل زیاد با وفوت گرفت و دویست و چهار سال آل زیاد در یمن حکومت کردند بعد سلسله بنی نجاح که از بندگان ایشان بودند رسید **اروپا** (فرانک) غلبه لوئی پادشاه این مملکت بر برادرزاده خود برنارد و اسر و تسخیر و قتل او و منصوب نمودن لتر پسر خود را بجای او

سنه ۲۰۴ هجری — سنه ۸۱۹ مسیحی

آسیا ورود مامون ببغداد که بواسطه قدوم او پاره فتنه که در این شهر مشتعل بود منطفی شد روز ورود مامون و همراهانش لباس سبز پوشیده بودند و مردم با لباس سبز بحضور او میآمدند و هر جا لباس سیاهی مییافتند میسوزانیدند و هشت روز بر این منوال گذشت آنگاه بنی عباس و سرداران خراسان در این باب گفتگو کرده لباس سبز متروک و باز جامه عباسیان سیاه شد و وفات شافعی محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سایب بن عبید بن عبد یزید بن هاشم المطلب بن عبد مناف و شافعی منسوب بشافع بن سایب مذکور است عمر شافعی پنجاه و چهار سال بوده و وفات حسن بن زیاد اللؤلؤی فقیه از اصحاب ابوحنیفه و ابوداود سلیمان بن داود الطیالسی و وفات نضر بن شمیل از خراسان بصرۀ نحوی که در صحبت مامون مقامی بهم رسانید دادن مامون ولایت کوفه را ببرادر خود ابو عیسی و ولایت بصره را ببرادر دیگر خود صالح و حکومت حرمین را بعبیدالله بن الحسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام

سنه ۲۰۵ هجری — سنه ۸۲۰ مسیحی

آسیا عامل کردن مامون طاهر بن حسین را بر مشرق از بغداد تا آخر عمل مشرق و وفات یعقوب بن اسحق بن زید البصری المقری که یکی از قراء عشره بود دادن مامون ولایت جزیره را بیحیی بن معاذ و ولایت آذربایجان و ارمنیه را بعیسی بن محمد بن ابی خالد و مامور کردن او را بجنگ بابک خرمی و وفات داود بن یزید عامل سند و دادن مامون ولایت سند را ببشر بن داود که سالی هزار هزار درهم از بابت مالیات آن ولایت بدهد مامور کردن مامون عیسی بن یزید جلودی را بجنگ زط (زط طایفه ایست از هند) زیاد شدن آب دجله بحدیکه بسیاری از اماکن و ابنیه بغداد را خراب کرد

سنه ۲۰۶ هجری — سنه ۸۲۱ مسیحی

آسیا سپردن مامون از رقه تا مصر را بحکومت عبدالله بن طاهر و مامور کردن او را بجنگ نصر بن شبث دادن مامون ولایت بصره و رستاق دجله را با اضافه یمامه و بحرین بداود بن ماسجور و مامور کردن او را بحرب زط مدت جمله که خرابی زیاد وارد آورده منکوب کردن عیسی بن محمد بن ابی خالد بابک خرمی را و وفات محمد بن مستنیر (مستیر) نحوی معروف بقطرب شاگرد سیبویه و وفات ابو عمر اسحق الشیبانی اللغوی **اروپا** (اسپانیول) وفات حکم بن هشام پادشاه اسپانیول در بیست و ششم ذیحجه که جلوس او در ماه صفر سنه صد و هشتاد بود و عمر او پنجاه و دو سال جلوس عبدالرحمن بن

حکم بن هشام نشست سلطنت اسپانیا

سنهٔ ۲۰۷ هجری — سنهٔ ۸۲۲ مسیحی

آسیا وفات طاهر ذو الیمینین در جمادی الاولی بمرض تب این در جمعهٔ آخری بود که طاهر بعد از نماز جمعه اسم مامون را از دعا منزول نموده و قصد خلع او را داشت و بعد از طاهر طلحه پسر او والی خراسان شده هفت سال در ایام مامون والی این ولایت بود و مامون احمد بن ابو خالد را به پیشکاری طلحه فرستاده و احمد بماوراء النهر رفت و اشروسنه را فتح کرد و کاوس بن صارخره و فضل پسر کاوس را اسیر کرده نزد مامون فرستاد قحط و غلاء در بغداد که قیمت یک قفیز هارونی گندم بچهل درهم و پنجاه درهم رسید ولایت محمد بن حفص در طبرستان و رویان و دماوند وفات محمد بن عمرو بن واقد الواقدی که عالم بمغازی و اختلاف آرای علما بود ولی در حدیث چندان قوتی نداشت وفات محمد بن عبد الله بن عبد الاعلی معروف با بن کناسه خواهرزادهٔ ابراهیم بن ادهم که عالم بعربیت و شعر و روزگار مردم بود وفات ابو زکریا یحیی بن زیاد بن عبد الله معروف بفرّاء الدیلمی الکوفی که اعلم علمای کوفه بود در نحو و لغت و فنون ادب **اروپا** (اسپانیول) مجاعت شدید در اندلس شیوع طریقهٔ مالکی در این مملکت

سنهٔ ۲۰۸ هجری — سنهٔ ۸۲۳ مسیحی

آسیا وفات فضل بن ربیع وفات موسی بن امین **اروپا** (اسپانیول) وفات عبد الله بن عبد الرحمن الاموی معروف ببلنسی حکمران بلنسیه از ولایات اندلس **افریقا** وفات الیسع بن ابو القاسم حکمران سجلماسه و ولایت برادر او منتصر بن ابو القاسم بجای او

سنهٔ ۲۰۹ هجری — سنهٔ ۸۲۴ مسیحی

آسیا محاصره کردن عبد الله بن طاهر نصر بن شبث را در کیسوم و سخت شدن کار بر نصر که از عبد الله امان خواست و از ارادهٔ خود برگشته نزد عبد الله آمده و عبد الله نصر را نزد مامون فرستاد و در سال بعد در ماه صفر بحضور مامون واصل گردید والی کردن مامون علی بن صدقه معروف به زریق را بر ارمینیه و آذربایجان و مامور کردن او را بجنگ بابک وفات ابو عبیده معمر بن مثنی لغوی نحوی **اروپا** انعقاد مصالحه ما بین امپراطور قسطنطنیه و عبد الرحمن دویم پادشاه اسپانیول برضد مامون غلبه دزدان بحری اسپانیول بجزیرهٔ کرید که در تصرف امپراطورهای قسطنطنیه بود و بنا کردن شهر کاندی را **افریقا** خارج شدن منصور بن نصیر از اطاعت زیادة الله بن اغلب حکمران افریقیه

سنهٔ ۲۱۰ هجری — سنهٔ ۸۲۵ مسیحی

آسیا دستگیر کردن مامون ابراهیم بن محمد بن عبد الوهاب بن ابراهیم امام را که معروف با بن عایشه بود با جمعی از اعیان که با او بودند و سعی میکردند در بیعت گرفتن برای ابراهیم بن مهدی و پس از دستگیر شدن محبوس شدند و ابن عایشه را بحکم مامون بدار زدند و این اول شخصی است از آل عباس که مصلوب شد گرفتن حارس اسود ابراهیم بن مهدی را که نقاب انداخته بود و بلباس زنان ملبس شده و دو زن نیز با او همراه بود در خلال حارس ابراهیم را نزد مامون آورده مامون او را حبس کرده بعد او را رها نمود بحال خود یا بشفاعت حسن بن سهل و بعضی گفته اند که بوران دختر حسن بن سهل شفیع ابراهیم شد عروسی بوران و مامون که حسن بن سهل در فم الصلح بود که مامون از بغداد بفم الصلح آمده بمواقعه پرداخت و جدهٔ بوران هزار دانه مروارید که از بهترین لآلی دنیا بود بر مامون نثار کرد و یک شمع عنبری که چهل من وزن آن بود در جشن بشب روشن کرد و حسن بن سهل اسامی املاک خود را بر روی رقعه ها نوشت و آنها را در میان سرکرده ها پراکنده کرده و هر کس هر رقعه که باسم ملکی که در آن مسطور بود مالک شده در سنهٔ دویست و سه مذکور شد که حسن بن سهل

دیوانه و محبوس شد از این اخبار معلوم میشود که حسن دوباره صحیح العقل شده و بجای خود تمکن یافته اگرچه مورخین این مطلب را تصریح نکرده اند و وفات علیه دختر مهدی در پنجاه سالگی و شوهر او موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بود طغیان اهالی قم که تخفیفی در مالیات خود میخواستند فرستادن مامون علی بن هشام و عجیف بن عنبسه را که ایشان آنها را منکوب نموده و بجای تخفیف مبلغ کزافی بر خراج آنها افزودند و وفات شهریار بن شروین حکمران جبال طبرستان که پسر او شاپور بجای او برقرار شده و مازیار بن قارن با او مقاتله نموده او را اسیر کرده و کشت و جبال را متصرف آمد **اروپا** (رم) فوت اژن دوئیم پاپ خلیفه عیسویان **افریقا** استیلاء و غلبه عبدالله بن طاهر ذوالیمینین بر مصر واسکندریه

سنه ۲۱۱ هجری — سنه ۸۲۶ مسیحی

آسیا کشته شدن سید بن انس ازدی امیر موصل بدست ملازمان زریق بن علی بن صدقه ازدی موصلی که از این معنی مامون در غضب شده محمد بن حمید طوسی را مامور بجنگ زریق و بابک خرمی نموده حکومت موصل داد و وفات موسی بن حفص که پسر شروالی طبرستان گردید و ولایت حاجب بن صالح در سند که بشر بن داود او را منهزم کرده و او بکرمان آمد و وفات ابوالعتاهیه شاعر و وفات اخفش نحوی بصری و وفات عبدالرزاق بن همام الصنعانی محدث که از مشایخ احمد بن حنبل بود و شیعی مذهب **افریقا** اختلاف فیمابین عامر بن نافع و منصور بن نصر و کشته شدن منصور

سنه ۲۱۲ هجری — سنه ۸۲۷ مسیحی

آسیا ظاهر کردن مامون قول بخلق قرآن را و تفضیل علی بن ابیطالب علیه السلام را بر جمیع صحابه و گفتن که علی ع بعد از پیغمبر ص افضل از جمیع ناس است و وفات محمد بن یوسف الضبی از مشایخ بخاری استیلاء محمد بن حمید بر موصل و غلبه او بر زریق بن علی خلع احمد بن محمد العمری معروف باحمر العین مامون را در یمن که محمد بن عبدالحمید معروف بابی الرازی مامور بیمن شد و ولادت حضرت امام علی النقی علیه السلام زلزله شدیدی در یمن که شدت آن در عدن بیشتر بود و خرابی زیادی رسانید و بسیاری را هلاک کرد **اروپا** (اسپانیول) جریان سیلهای عظیم و بارانهای متوالی در اندلس که سیول اغلب بلاد سرحدی را خراب کرد و پل سراکوس را آب برد و بعد هم خرابیها را مبدل بعمارت و استحکام نمودند **افریقا** غلبه اعراب افریقا بر جزیره سیسیل

بابی الرازی مامور بیمن شد

سنه ۲۱۳ هجری — سنه ۸۲۸ مسیحی

آسیا دادن مامون ولایت جزیره و ثغور و عواصم (سرحدات) را بپسر خود عباس و ولایت شام و مصر را بابی اسحق المعتصم برادر خود و ولایت سند را بغسان بن عباد و وفات ابراهیم موصلی مغنی که کوفی بود بموصل رفت و برگشت بعد مردم او را موصلی گفتند فوت علی بن جبله شاعر و ابوعبدالرحمن مقری محدث و وفات طلحه بن طاهر بخراسان **افریقا** طغیان اهل مصر که منعم باین مملکت آمده بعد از مقاتله بر طاغیان غالب آمد و فتنه را خوابانید و وفات ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب الحمیری که در مصر که مولف تاریخ حضرت رسول ص موسوم بسیرة ابن هشام است

سنه ۲۱۴ هجری — سنه ۸۲۹ مسیحی

آسیا کشته شدن محمد بن حمید طوسی بدست اصحاب بابک خرمی و مامور کردن مامون عبدالله بن طاهر را بجنگ بابک دادن مامون ولایت خراسان را بعبدالله بن طاهر و ولایت علی بن هشام در جبل و قم و اصفهان و آذربایجان آمدن ابودلف از اصحاب امین نزد مامون و پذیرفتن مامون او را باکرام و ابودلف بیش از این زیاده از حد از مامون خائف بود **افریقا** وفات ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در مغرب که بعد از او محمد بن ادریس پسرش در فاس و بربر

بجای او برقرار شد و برادر خود قاسم بن ادریس را در طنجه و مضافات ولایت داد و برادر دیگر خود عمر را والی صنهاجه و غماره
کرد و داود برادر دیگر را حکومت هواره با سلیب داد و یحیی برادر دیگر او والی شهر بابن (دای) و مضافات گردید وفات
ابو عاصم بن مخلد شیبانی که در فن حدیث امام بود

سنه ۲۱۵ هجری — سنه ۸۳۰ مسیحی

اسیا وفات ابو سلیمان الدارانی الزاهد در داریا و مکی بن ابراهیم البلخی از مشایخ بخاری و ابو سعید النحوی اللغوی
وفات ابو سعید اصمعی لغوی بصری و بعضی وفات او را در سال دویست و شانزده و برخی در دویست و هفده نوشته اند
واسم اصمعی عبد الملک بن قریب بن عبد الملک بن صالح و عمرش هشتاد و هشت سال بود و نسبت اصمعی باصمع جد او است و در
اخبار و نوادر و لغت امام و صاحب تصانیف کثیره است **اروپا** راندن مامون بلاد رومیه الصغری و منازعه مابین
عساکر اسلام و قشون قسطنطنیه و منشأ این نزاع این بود که یکنفر از معمارهای معروف را که از اهل تسالی و در جزو خدام
امپراطور قسطنطنیه بود خلیفه بجهة بنای بعضی ابنیه احضار کرد امپراطور از فرستادن او مضایقه نمود لهذا جنگ در گرفت

سنه ۲۱۶ هجری — سنه ۸۳۱ مسیحی

اسیا رفتن مامون بلاد رومیه الصغری و فتح کردن حصون چند که از جمله هراکله (هرقله) بود و کشتن بسیاری از رومیها و
مراجعت کردن بدمشق که بعدها بواسطه ظهور عبدوس فهری در مصر در ماه ذیحجه از دمشق بمصر رفت وفات ام جعفر زبیده
مادر امین در بغداد و ولایت عمران بن موسی البرمکی در سند

سنه ۲۱۷ هجری — سنه ۸۳۲ مسیحی

اسیا مراجعت مامون از مصر بشام بعد از آنکه در مصر عبدوس فهری را گردن زده بود کشتن مامون علی بن هشام را که حاکم
آذربایجان بود و ظلم زیاد میکرد و آخر الامر میخواست بابابک خرمی ملحق شود رفتن مامون بلاد رومیه الصغری و اقامت کردن
یکصد روز در لولوه و بازگشتن و فرستادن امپراطور قسطنطنیه نزد مامون و طلب صلح کردن که کار مصالحه بانجام نرسید

سنه ۲۱۸ هجری — سنه ۸۳۳ مسیحی

اسیا وفات مامون در هیجدهم رجب در ساحل نهر بدندون در چهل و هشت سالگی که مدت خلافتش بیست و چهار سال و
پنجماه و بیست و سه روز بود غیر از ایامی که امین در بغداد محصور بود و مردم دعوت بخلافت و بیعت با مامون میکردند چون
مامون درگذشت معتصم و عباس بن مامون نعش او را بطرسوس آورده در خانه خاقان خادم رشید دفن کردند خلافت
ابو اسحق محمد معتصم برادر مامون که هشتمین خلیفه عباسی است و بیعت کردن عباس بن مامون با او که اینفقره سبب اتفاق
مردم بر بیعت او گردید مراجعت معتصم و عباس بن مامون ببغداد وفات بشر بن غیاث المریسی خراب کردن معتصم شهر طوانه را
که مامون امر بر بنای آن نموده بود داخل شدن جمعی از اهل جبال و همدان و اصفهان و ماسبذان و غیرها در دین خرمیه و فرستادن
معتصم قشونی بهمراهی اسحق بن ابراهیم بن مصعب بدفع خرمیه و دادن حکومت جبال را باسحق و کشته شدن شصت هزار نفر از
خرمیه بدست عساکر مذبوره و فرار کردن باقی ببلاد رومیه الصغری

سنه ۲۱۹ هجری — سنه ۸۳۴ مسیحی

اسیا چون بنی عباس اصرار داشتند که عقیده قول بخلق قرآن را در میان مردم شایع کنند و علما را در این عقیده امتحان
مینمودند در اینسال معتصم احمد بن حنبل را احضار کرده و از او این مسئله را سوال نمود او اقرار بخلق قرآن نکرد لهذا معتصم او را
تازیانه زیادی زده قید و حبس نمود وفات ابو نعیم فضل تیمی از مشایخ بخاری و مسلم که شیعی مذهب بود ظهور محمد بن

قاسم بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام در طالقان که مردم را بامام محمد نقی علیه السلام دعوت میکرد و قبول کردن جمع کثیری او را بامامت و محاربه‌های او با سرکرده‌های عبدالله بن طاهر که آخر الامر به نسا فرار کرده حاکم نسا او را گرفت و نزد عبدالله بن طاهر فرستاد و طاهر او را نزد معتصم روانه نمود معتصم او را حبس کرد و او در شب عید فطر از محبس فرار نمود مامور کردن معتصم عجیف بن عنبسه را بمحاربه زط که براه بصره غلبه نموده بودند و کشتن بسیاری از آنها را آمدن اسحق بن ابراهیم ببغداد با اسرای خرمیه گویند اسحق صد هزار نفر از این طایفه را بکشت سوای نسوان و اطفال

سنه ۲۲۰ هجری — سنه ۸۳۵ مسیحی

آسیا ساختن معتصم شهر سامرا (سر من رآ) را در پنجاه هزار متری بغداد گرفتن معتصم وزیر خود فضل بن مروان را که مسلط بر کارها شده و دخل معتصم نبداد و برقرار کردن معتصم محمد بن عبدالملک زیات را بجای او ارتحال حضرت امام محمد نقی علیه السلام در بیست و پنجسالگی در ماه ذیحجه گرفتن عجیف طایفه زط را و آوردن ببغداد مامور کردن معتصم افشین خیذر بن کاوس را بجنگ بابک خرمی و دادن حکومت جبال را باو و کشتن افشین جمع کثیری از اتباع بابک را و گریختن بابک بمغان وفات فتح موصلی زاهد که او را از اولیا و اجواد شمرده اند

سنه ۲۲۱ هجری — سنه ۸۳۵ مسیحی

آسیا منهزم کردن بابک خرمی بغاء کبیر را که از جانب خلیفه تهیه و آذوقه برای عساکر افشین آورده بود و منهزم کردن افشین بابک را وفات آدم بن ابی ایاس (ابن ابی الیاس) عسقلانی از مشایخ بخاری **افریقا** وفات احمد بن محرز قاضی قیروان که از علمای عاملین زاهدین بود

سنه ۲۲۲ هجری — سنه ۸۳۶ مسیحی

آسیا فرستادن معتصم جعفر خیاط را بکمک افشین با تهیه و آذوقه گرفتن بذ شهر بابک را و گرفتار شدن بابک و عبدالله برادر او بعد از جنگهای سخت و نوشتن افشین گرفتاری بابک و برادر او را بمعتصم و امر کردن معتصم بآوردن آنها را بسامرا نمودار شدن دو ذنبی که ذنبا و بسیار طویل بود **اروپا** (اسپانیول) استیلای عبدالرحمن دویم پادشاه اسپانیول بر شهر طلیطله از مداین اندلس بعد از آنکه مدتی در حال عصیان بودند و جنگها با عساکر عبدالرحمن نمودند (دومینه الصغری) تئوفیل امپراطور قسطنطنیه طرف شرقی اناطولی را که در تصرف خلیفه بود قتل و غارت نمود

سنه ۲۲۳ هجری — سنه ۸۳۷ مسیحی

آسیا آوردن افشین بابک خرمی و برادر او را بسامرا و کشتن بابک را بحکم معتصم که سر او را بخراسان فرستادند و جسد او را در سامرا بردار زدند و معتصم حکم کرد عبدالله برادر بابک را ببغداد نزد اسحق بن ابراهیم بردند و با او همان کردند که با بابک نمودند و افشین هر وقتی که با بابک از معسکر خود بطرف سامرا میآمد در هر منزل خلعتی و اسبی از خلیفه بافشین میرسید و مخارج ایام جنگ افشین با بابک هر روز یکه سوار میشد ده هزار درهم و در روز یکه سوار نمیشد پنجهزار درهم بود و عده اشخاصی که در ظرف بیست سال بدست اتباع بابک کشته شده بودند دویست و پنجاه و پنجهزار و پانصد نفر رسید و افشین عطایای وافره و دو حمایل جواهر از جانب خلیفه بهره مند شده حکمرانی سند یافت نهضت معتصم با عساکر جرار برای انتقام کشیدن از تئوفیل امپراطور قسطنطنیه در بیست و هشتم جمادی الاولی و رفتن بطرف عموریه و سوختن و خراب کردن آبادیهای رومیها او رسیدن بعموریه در بیست و ششم رمضان و نصب کردن منجنیقها برای فتح این شهر و قتال شدید و خراب کردن چند موضع از سور شهر را با منجنیق و عود کردن این شهر و نهب و قتل زیاد و امر کردن معتصم بخراب کردن این شهر و مدت

خیذر بر وزن حیدر با خاء و ذال میباشد

افشین

اثناء معتصم در عموریه پنجاه و پنج روز بود بعد مراجعت بسر حدّات نمود و در بین راه شنید که جماعتی از سرکرده ها با عباس بن مأمون بیعت نموده قصد خلع معتصم را دارند معتصم عباس را احضار کرده او را بگرفت و بافشین حیدر بن کاوس تسلیم کرد چون بمنبج رسیدند عباس غذا خورد و او را از آب منع کردند تا او در منبج مرد و معتصم بسامرا آمد **افریقیا** مردن زیادة الله بن ابراهیم بن اغلب پادشاه افریقیه و برقرار شدن برادرش ابو عقال الاغلب بن ابراهیم الاغلب بجای او

سنه ۲۲۴ هجری — سنه ۸۳۸ مسیحی

آسیا اظهار خلاف کردن مازیار بن قارن بن ونداد هرمز حکمران طبرستان با معتصم و محاربه عبد الله بن طاهر با او و ولایت عبد الله بن السید بن انس ازدی در موصل و مأمور شدن بدفع اکراد یکه در این ولایت طغیان کرده بودند و ولایت جعفر بن دینار در یمن وفات ابراهیم بن مهدی در رمضان وفات ابو عبید القاسم بن سلام امام اللغوی

سنه ۲۲۵ هجری — سنه ۸۳۹ مسیحی

آسیا آوردن مازیار را بسامرا و حبس کردن او و اعتراف نمودن مازیار باینکه افشین با او مکاتبه نموده و او را بمخالفت ترغیب کرده که بعد ها چهار صد و پنجاه تازیانه زدند و او پس از تازیانه آب طلبیده خورد و بمرد غضب کردن معتصم بر افشین و حبس نمودن او وفات ابو دلف عجلی که اسم او قاسم بن عیسی بود وفات علی بن محمد المداینی مشهور صاحب تصانیف در مغازی و سیر

سنه ۲۲۶ هجری — سنه ۸۴۰ مسیحی

آسیا مردن افشین در حبس معتصم بیرون آوردن جسد او را از محبس بدار زدن و سوزانیدن زلزله شدیده در اهواز که پنج روز طول کشید و در حین زلزله باد سخت می وزید وفات ابو هذیل محمد بن هذیل بن عبد الله العلاف البصری شیخ معتزله که زیاده از صد سال داشت **افریقیا** وفات ابو عقال الاغلب بن ابراهیم اغلب که برادرش ابو العباس محمد بن ابراهیم بن اغلب بجای او برقرار گردید و مدت حکمرانی ابو عقال در افریقیه دو سال و نه ماه بود

سنه ۲۲۷ هجری — سنه ۸۴۱ مسیحی

آسیا وفات ابو اسحق محمد المعتصم بن هرون الرشید در هیجدهم ربیع الاول در سامرا و مدت خلافت معتصم هشت سال و هشت ماه دو روز و مدت عمرش سی و یا سی و دو سال بود خلافت الواثق بالله هرون بن معتصم مادر الواثق ام ولد رومیه و مسماة بقراطیس میباشد طغیان طایفه قیسیه در دمشق و محصور نمودن حکمران خود را و فرستادن الواثق رجا بن ایوب را با لشکری بدفع آنها و جنگ کردن رجا با آنها در مرج راهط که هزار و پانصد نفر از آنها را بکشت و باقی فرار کردند و امنیت در دمشق دایر گردید وفات بشر بن حارث زاهد معروف بحافی در ربیع الاول رفتن رجا بن ایوب از دمشق بفلسطین بجنگ مبرقع که در اینجا خروج کرده بود و کشتن بیست هزار نفر از اصحاب او و گرفتن او را و فرستادن بسامرا **اروپا** برقرار کردن بنی عباس قراولهای برای خود **اروپا** (قسطنطنیه) امپراطور تئوفیل بعد از شکست از عساکر اسلام در اطاقی رفته از آن اطاق بیرون نیامد و از اکل و شرب خودداری نمود تا بمرد بعد از و زوجه او تادُرا (بدوره) بنیابت پسر صغیر خود که موسوم به میخائیل (میخائیل) بن تئوفیل بود بسلطنت پرداخت (لهستان) پیزا نامی بسلطنت این مملکت منتخب گردید

سنه ۲۲۸ هجری — سنه ۸۴۲ مسیحی

آسیا اعطای الواثق بالله بر اشناس تاج و حمایل قحط و غلای نان و آب در راه مکه و بروز تبهای سخت در وقف

ج بعد از شدت گرما غفلة سقوط قطعهٔ از جبل در جره عتبه و هلاک شدن چندتن از حجاج و وفات عبد الملک بن عبد العزیز ابو نصر تمار زاهد و محمد بن عبد الله بن عمر بن سعد و بشر بن عمرو بن عتبة بن ابی سفیان العتبی الاموی البصری و ابو عبد الرحمن که عالم باخبار بود و ابو سلیمان داود اشقر السمسار المحدث و وفات ابو تمام حبیب بن اوس الطائی الشاعر **اروپا** محاربه موسی بن موسی عامل شهر تطیله با عساکر عبد الرحمن دویم پادشاه اندلس بسرداری حرث بن بزیغ و مغلوب شدن موسی که از جانب عبد الرحمن امان یافته والی شهر تطیله گردید **افریقا** فتح کردن عساکر اسلام چند محل از جزیرهٔ صقلیه را و امیر صقلیه محمد بن عبد الله بن اغلب و ساکن در شهر بلرم از صقلیه بود و خود از این شهر بیرون نمی آمد ولی لشکر باطراف میفرستاد آنها فتح میکردند و غنایم میاوردند و نوزده سال محمد بن عبد الله بن اغلب امارت داشت تا در رجب سنهٔ دویست و سی و هفت درگذشت

سنه ۲۲۹ هجری — سنه ۸۴۳ مسیحی

آسیا حبس کردن الواثق بالله کتّاب و مستوفیهای خود را که جریمه زیادی از آنها بگرفت و ولایت بشر پاسبان در ولایت محمد بن صالح بن عباس در مدینه و وفات خلف بن هشام البزاز المقری

سنه ۲۳۰ هجری — سنه ۸۴۴ مسیحی

آسیا فرستادن الواثق بغا کبیر (سردار طلایه) را بدفع اعراب بنی سلیم که در نواحی مدینه بنهب پرداخته و جمعی از طایفهٔ بنی کنانه را کشته و سپاه محمد بن صالح حاکم مدینه را نیز منهزم ساخته بودند و مقهور ساختن آنها را و بنی هلال را و وفات عبد الله بن طاهر ذو الیمینین حکمران خراسان که علاوه بر این ولایت امارت حرب سپاه ری و طبرستان و کرمان و مضافات آنها نیز با او بود و عبد الله در نیشابور در ربیع الاول درگذشت و در این وقت خراج این اعمال چهل و هشت هزار هزار درهم بود عمر عبد الله و همچنین عمر پدرش طاهر چهل و هشت سال و عبد الله ادیب و عالم و شاعر و جواد بود و پس از او الواثق پسرش طاهر بن عبد الله را بجای او بر اعمالی که داشت عامل کرد فوت اشناس ترکی نه روز بعد از فوت عبد الله و وفات محمد بن سعد بن منیع ابو عبد الله کاتب واقدی صاحب طبقات و محمد بن یزداد بن سوید المروزی کاتب مامون و علی بن الجعد ابو الحسن الجوهری از مشایخ بخاری که شیعی بود **اروپا** پادشاه طایفه بلغار موسوم به بغریس بن مسیح را اختیار نمود (اسپانیول) مجوس از اقاصی بلاد اندلس از روی دریا حمله بر بلاد مسلمین نموده جنگها کردند و آنها را شکست داده تا رسیدند به اشبیلیه در اینجا عساکر عبد الرحمن دویم باتفاق مسلمین مجوس را منهزم و بسیاری از آنها را بکشتند و چهار فروند از سفاین آنها بگرفتند بقیة السیف در کشتیهای خود نشسته فرار کردند

سنه ۲۳۱ هجری — سنه ۸۴۵ مسیحی

آسیا خروج احمد بن نصر بن مالک بن هیثم خزاعی که جدش مالک یکی از نقبای بنی عباس بود چون احمد مذکور قائل بخلق قرآن نبود از الواثق و کسانیکه قائل بخلق قرآن بودند بد میگفت بالجمله جمعی بر ضد الواثق با او بیعت کردند و او علم داعیه افراشت اسحق بن ابراهیم سردار قشون خلیفه چون غائب بود برادر و نایب او محمد بن ابراهیم احمد و بعضی از او را گرفته بسامرا فرستاد و الواثق سر او را بریده ببغداد فرستاد و در محلی نصب کردند ولایت جعفر بن دینار در یمن نقب کردن دزدان به بیت المالی که در دار العامه بود و دستگیر شدن آنها آمدن وصیف ترکی از نواحی اصفهان و جبال و فارس با پانصد نفر بعراق عرب بطلب اکرادی که در نواحی مزبوره فتنه کرده بودند و اعطای الواثق بوصیف هفتاد و پنج هزار دینار با یک قبضه شمشیر وفات مخارق مغنی و ابو یعقوب یوسف بن یحیی بویطی فقیه (بویط قریه ایست در مصر) و وفات محمد بن زیاد معروف بابن اعرابی کوفی صاحب اللغة که پدرش بنده سندی و خود صاحب مصنفات ممتاز بود و وفات حرم حضرت موسی بن جعفر ع

که مکان آن بانام ایبها بود **اروپا** طایفه پلیسی که در رومینه الکبری ساکن و پیرو مذهب مجوس بودند چون قتوله بن مسیح بمیکردند بحکم امپراطریس تادُراصد هزار نفر از آنها مقتول شدند (رومینه الصغری) تاختن عساکر اسلام بر بلاد این مملکت و غلبه کردن و گرفتن غنایم بسیار (اسپانیول) ایجاد چاپارخانه در اندلس بحکم عبدالرحمن دویم **افریقیا** محاربه ما بین احمد بن اغلب برادرش محمد بن اغلب در افریقیه و غلبه محمد بر احمد و نفی او از مملکت بطرف بلاد مشرق و استقرار امارت محمد و فوت احمد در عراق

سنه ۲۳۲ هجری — سنه ۸۴۶ مسیحی

آسیا [1] مامور شدن بغاء کبیر از جانب الواثق بدفع طایفه بنی نمیر که در حدود حجاز و یمامه فتنه نموده بودند و غلبه بغا بر آنها وفات الواثق بالله ابو جعفر هرون بن محمد المعتصم بالله در بیست و چهارم ذیحجه بمرض استسقا گویند اطباء در معالجه او تنوری گفتند در تنور گرم نشیند چون چنین کرد بهبودی در خود دید و دیگر تنور را گرمتر کرد و بیشتر از روز پیش در تنور نشست تب عارض او شده و بزودی درگذشت و در هارونیه در راه مکه مدفون شد مدت خلافتش پنجسال و نه ماه و کسری و عمرش سی و دو یا سی و شش سال خلافت متوکل جعفر بن معتصم همین خلیفه عباسی که در بنوقت بیست و شش ساله بود ولایت ابراهیم بن محمد بن مصعب بر فارس تنگی آب در راه مکه و مردن بسیاری از حاج از تشنگی و رسیدن قیمت آب جرعه به چند دینار غرق و هلاکت بسیاری از اهل موصل در آب بجهة طغیان دجله که بسیاری از ابنیه را آب خراب کرد و صد هزار نفس هلاکت میدید **اروپا** (اسپانیول) خشکسالی و مجاعت سخت که جمعی کثیر هلاک شدند (ایطالیا) لئون چهارم در رم بپاپیت منصوب گردید سفاین اعراب تا حوالی رم راندند **افریقیا** ملحخوارکی در مغرب و مهاجرت اغلب مسلمانان بسمت عربستان

دراسپانیول

سنه ۲۳۳ هجری — سنه ۸۴۷ مسیحی

آسیا گرفتن متوکل در ماه صفر محمد بن عبدالملک الزیات وزیر الواثق را و حبس کردن و اخذ نمودن جمیع اموال او را و او را انداختن در تنوری تنگی که اطراف آن میخهای آهن کوبیده بود و در تنور ماند تا در نوزدهم ربیع الاول درگذشت و این تنور را خود ابن زیات ساخته و ابن اسباط مصری را در آن عذاب نموده و اموال او را از او گرفته دادن متوکل ولایت حرمین و یمن را به پسر خود منتصر غضب کردن متوکل بر بعضی از ارکان دولت واثق زیرا که در عهد واثق اهانت متوکل که مغضوب واثق بود کرده و گرفتن اموال آنها عزل فضل بن مروان از دیوان خراج و نصب یحیی بن خاقان خراسانی از موالی ازد بجای او و تفویض دیوان زمام نفقات بابراهیم بن عباس بن محمد بن صول وفات ابو زکریا یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن بسطام مری بغدادی که با احمد بن حنبل مصاحبت و صحبت تامی داشت

نمود در جوف

سنه ۲۳۴ هجری — سنه ۸۴۸ مسیحی

آسیا [1] فرار محمد بن بعیث بن حلبس از سامرا به آذربایجان که او را از آذربایجان باسیری به سامرا آورده بودند با جمله ابن بعیث در شهر مرند که مسکن او بود و حصنی حصین و عیون و بساتین بسیار در داخل بلد داشت متحصن شده جمعی دور او جمع شدند عزل کردن متوکل محمد بن حاتم بن هرثمه والی آذربایجان را که در کار ابن بعیث بی کفایتی کرده بود و نصب حمدویه بن علی بن فضل سعدی بجای او که حمدویه مرند را محاصره نمود و پس از کوشش زیاد بتمهید بغا الشرابی حصار مفتوح و ابن بعیث پس از فرار گرفتار شد وفات محمد بن مبشر از معتزله بغدادی و ابو خیثمه زهیر المحدث و علی بن عبدالله بن جعفر معروف بابن مدینی حافظ و ابو ایوب سلیمان بن داود بن بشیر المنقری البصری

سنه ۲۳۵ هجری — **سنه ۸۴۹ مسیحی**

آسیا شخصی موسوم بمحمود بن فرج در سامرا ظهور کرده ادعای نبوت نمود و خود را ذو القرنین دانست و هفده نفر تبعیت او را قبول کرده‌اند از زمان خلیفه آنها را بگرفتند و محمود را بضرب تازیانه بکشتند اصحابش را حبس نمودند و وفات حسن بن سهل در نود سالگی و وفات اسحق بن ابراهیم موصلی مغنی مشهور و وفات عبد السلام بن رغبان شاعر مشهور معروف بدیك الجن در هفتاد و چند سالگی **اروپا** وقوع سیل عظیم در بلاد اندلس که خرابی باد نمود

سنه ۲۳۶ هجری — **سنه ۸۵۰ مسیحی**

آسیا امر کردن متوکل بخراب کردن قبر مطهر حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام و هدم ابنیه که در حوالی آن قبر منور بود و منع کردن مردم را از زیارت حضرت ابی عبد الله ع صاحب کامل التواریخ و ابو الفدا و غیره گویند متوکل را بغض شدیدی با علی بن ابیطالب علیه السلام و اهل بیت آنحضرت بود و یکی از ندمای متوکل عباده المخنث بود که در مجلس متوکل حرکات شنیع میکرد و حرفهائی نامربوط نسبت بامیر المؤمنین علی علیه السلام میزد و متوکل شراب میخورد و میخندید روزی منتصر در چنین مجلسی حاضر بود چون عباده مخنث زبان بهذیان نالایق گشود منتصر بمتوکل گفت علی پسر عم تست و بزرگ خاندان تو اگر گوشت او را خواهی بخوری بخور اما او را بر سر زبان این سگ (عباده مخنث) و امثال او مینداز متوکل در غضب شد باواز خوانها کرده گفت بخوانید غار الفتی لابن عمه ... اکثر مجالست متوکل با دشمنان علی بن ابیطالب بود و مذمت کردن او از آنحضرت حسنات او را پوشیده و الا سیرت او احسن خلفا بود انتهی

وفات منصور بن مهدی مسموم کردن محمد بن ابراهیم بن مصعب را بامر متوکل مردن ابو سعید محمد بن یوسف مروزی که متوکل حکومت ارمنیه و آذربایجان را باسم او کرده بود و پسر او و این حکومت بر پسر او یوسف مقرر آمد و وفات ابراهیم بن محمد الشافعی

سنه ۲۳۷ هجری — **سنه ۸۵۱ مسیحی**

آسیا شورش اهل ارمنیه بر عامل خود یوسف بن محمد که او را بقتل رسانیدند و مامور شدن بغاء کبیر بخونخواهی یوسف که در ارمنیه قتل و غارت شدید نمود و تفلیس را محاصره کرد ظهور آتش عظیم در عسقلان غضب کردن متوکل بر احمد بن ابی داود و ضبط اموال و حبس اولاد او و غلبه کردن مردی از اهل بست موسوم بصالح بن نضر کنانی بر سجستان و صالح با یعقوب بن لیث متفق بود طاهر بن عبد الله بن طاهر حکمران خراسان سجستان را از تصرف صالح بیرون آورد پس از آن درهم بن حسین از مطوعه بر سجستان غلبه کرد و چون از تدبیر ملکی و لشکرکشی بیخبر بود و یعقوب بن لیث در سپاه شد بصیرت کامل داشت امر را بیعقوب واگذار کرد و یعقوب مستقل شده روز بروز بر ضبط بلاد و قوت خود افزود و رد محمد بن عبد الله بن طاهر ببغداد و دادن متوکل امر جزیره و عسکر و نیابت خود را در بغداد با و بعلاوه ولایت سواد و وفات حاتم بن اصم زاهد بلخی معروف بلقمان امة تجارت اعراب با چین بحدی بسط یافت که در بندر کانتن که در سمت جنوبی چین تجار عرب بیشتر از ملل دیگر دیده میشوند دو نفر از مسافرین بحر پیمای عرب و هاب و ابو سعید مدت بیست و پنج سال در دریای چین و براری این مملکت سیاحت نموده انکشاف نمودند (جوهر شراب) و چای که ظروف چینی را آنها کرده و در میان اعراب معمول نموده اند ایالات شمالی چین را ختای میگفتند و چون چای را از ولایت مزبوره بعرب میبردند بچای ختائی شد و ایالات جنوبی چین را صین مینامیدند **اروپا** تاختن عساکر اسلام بر بلاد نصاری و غلبه بر آنها که اینواقعه در اندلس معروف بواقعة البیضا گردید **افریقیا** وفات محمد بن عبد الله امیر صقلیه و بر قرار شدن عباس بن فضل بن یعقوب فزاره بجای او که فتوحات بسیار در آنجا و دیگر کرد و محمد بن اغلب والی افریقیه حکومت او را امضا نمود و فرمان برای او فرستاد و در این سنه شهر قصریانه را که پیش از اینها دار الملک صقلیه بود فتح کرد و در او مسجدی ساخت و منبری نصب نمود و نماز جمعه کرد و یازده سال حکمرانی داشت تا درگذشت

سنه ۲۳۸ هجری — سنه ۸۵۲ مسیحی

اسیا گرفتن زیرک ترک شهر تفلیس را و آتش زدن شهر که پنجاه هزار نفر بسوختند و اسحق بن اسمعیل بزرک بنی امیه که بجان زیرک اقدام نموده بود گرفتار شده بحکم بغاء کبیر کشته شد و وفات اسحق بن ابراهیم حنظلی معروف بر اهویه از علمای بزرک و فوت محمد بن بکار المحدث **اروپا** (اسپانیول) وفات عبد الرحمن دویم حکمران اندلس در ربیع الاخر و او مردی ادیب و شاعر و بلند همت بود و چهل و پنج پسر و چهل و یک دختر از عبد الرحمن بماند و بعد از او بموجب ولایت عهد محمد اول پسر او بجای او برقرار گردید مدت حکمرانی عبد الرحمن دویم سی و یکسال و سه ماه بوده است در اینسال علی بن نافع بن یار معروف که در خدمت خلفای بغداد بود بتطمیع عبد الرحمن باسپانیول آمد طریقه مالکی که در اسپانیول رواج داشت در سلطنت محمد اول مبدل بطریقه حنفی شد (روم) لئون چهارم پاپ چون مبتر سید که اعراب شهر روم را مفتوح سازند حصاری کرد یکی از محلات کشید آن محله موسوم بشهر لئونیم شد **افریقا** جمعی کثیر از روم بهانه بغنیمت بمصر ورود نموده بنای حرق و نهب را گذاشتند و تقریبا ششصد نفر زن اسیر کرده و در سفاین خود جا داده از راه دریا باز گشتند

سنه ۲۳۹ هجری — سنه ۸۵۳ مسیحی

اسیا امر کردن متوکل بخراب نمودن کلیسا هائیکه در بلاد اسلام ساخته بودند و پوشیدن اهل ذمه برد و قبا دو دراعه عسلی و نهی کردن آنها را از سواری اسب و یابو و وفات محمد بن غیلان مروزی از مشایخ بخاری و مسلم **اروپا** نزول عساکر اسلام در حوالی قسطنطنیه

سنه ۲۴۰ هجری — سنه ۸۵۴ مسیحی

اسیا شوریدن اهل حمص بر عامل خود ابو المغیث موسی بن ابراهیم الرافعی که او را و عامل خراج را نیز اخراج کردند و متوکل عتاب بن عتاب و محمد بن عبدویه الانباری را بجای آن دو نفر بحمص فرستاد اهل حمص بحکومت عبدویه راضی شدند و چون محمد مسلط شد بر حمصیها سخت گرفت تا بجنک با او برخاستند عزل کردن متوکل یحیی بن اکثم را از قضاوت و ضبط کردن معادل هفتاد و پنجهزار دینار از اموال او و چهل هزار جریب از اراضی و املاک او در بصره و قاضی القضاة نمودن جعفر بن عبد الواحد بن جعفر بن سلیمان بن علی و وفات محمد پسر شافعی که مکنی بابو عثمان و قاضی جزیره بود و شافعی پسر دیگر داشت که او نیز موسوم بمحمد بود و در سنه دویست و سی و یک در مصر وفات کرد و وفات ابو ثور ابراهیم بن خالد بن ابی الیمان الکلبی فقیه بغدادی مصاحب امام شافعی **اروپا** (اسپانیول) محاربه شدید فیمابین اهل فرنک و مسلمین در اندلس که عده مقتولین از دو جانب به بیست هزار نفر رسید و عاقبت از حسن کفایت محمد اول پادشاه اسپانیول مسلمین غالب آمدند

سنه ۲۴۱ هجری — سنه ۸۵۵ مسیحی

اسیا شورش حمصیها بر عامل خود محمد بن عبدویه و همدستی نصاری با آنها و کمک فرستادن متوکل برای محمد بن عبدویه و غلبه او بر حمصیها و هلاک نمودن بسیاری از آنها را و اخراج کردن نصاری را از حمص و خراب نمودن کلیساهای ایشان را نزول باران شدید در سامرا پیدا شدن ستاره بسیار در آسمان که احصای آن ممکن نبود وقوع زلزله شدیدی در ری که خرابی بسیار نمود و خلق کثیری را تلف کرد و چهل روز امتداد داشت و زیدن باد شدید از طرف ترکستان که از سرخس به نیشابور و همدان و ری و حلوان رسید و وفات احمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادریس منسوب بمعد بن عدنان در ربیع الاول **افریقا** طغیان طایفه بجاة و غارت کردن بعضی اماکن مصر را و این

طایفه

طایفه بشر از بن با مسلمین صلح کرده و از منافع معادن طلای خود هر ساله سهمی بمسلمین میدادند و از بلاد آنها تا خاک اسلام بکماه راه و مسلکی بسیار صعب داشت متوکل محمد بن عبد الله قمی را بجنگ آنها مامور کرده او بر سلطان بجاه که علی بابا نام داشت غلبه کرده او امان خواست و متقبل ادای خراج چندین ساله کردید و با محمد بن عبد الله قمی نزد متوکل آمده مخلع شد و ببلاد خود باز گشت

سنه ۲۴۲ هجری — سنه ۸۵۶ مسیحی

آسیا زلزله شدید در قومس و شام و فارس و خراسان و یمن که در قومس از همه جا شدیدتر بود و تقریبا چهل و پنجهزار نفر از اهالی قومس را هلاک نمود وفات قاضی یحیی بن اکثم تمیمی در ربذه در مراجعت از مکه وفات ابو حصین یحیی بن سلیم الرازی المحدث **اروپا** رومیهای و مبتنعی الصغری از سمیساط که شهریست در کنار فرات شروع بقتل و غارت کرده تا ناحیه آمد که در نزدیکی قریه قریهاس میباشد تاختند و تقریبا ده هزار نفر را اسیر کردند متوکل علی بن یحیی ارمنی را بتعقیب آنها مامور نمود (اسپانیول) فتح کردن محمد اول پادشاه اسپانیول قلاع و حصون کثیره را که غنایم بسیار بدست آوردند **افریقا** وفات ابو العباس محمد بن اغلب امیر افریقیه که بعد از او پسرش ابو ابراهیم احمد بن محمد امارت افریقیه یافت

سنه ۲۴۳ هجری — سنه ۸۵۷ مسیحی

آسیا حرکت کردن متوکل بعزم دمشق از راه موصل در ماه ذیقعده وفات ابراهیم بن عباس بن محمد بن صول صولی که مردی ادیب و شاعر بود و حارث بن اسد المحاسبی الزاهد **اروپا** وفات شهید بن عیسی بن شهید الاندلسی از علمای اندلس

شهید بن عیسی بن شهید سنه ۲۴۳

سنه ۲۴۴ مسیحی — سنه ۱۵۸ مسیحی

آسیا ورود متوکل در ماه صفر بدمشق که عزم اقامت در این شهر داشت ولی هوای دمشق با مزاج او سازکار نشده بسامرا باز گشت و مدت اقامت او در این بلده دو ماه و چند روز بود غضب کردن متوکل بر بختیشوع طبیب و ضبط اموال او و فرستادن او را بحرین کشتن متوکل ابو یوسف یعقوب بن اسحق معروف بابن سکیت نحوی لغوی را بجرم اینکه پسران متوکل المعتز و المؤید را بر حسنین علیهما السلام ترجیح و تفضیل نداده هلاک جمعی کثیر از اهل خلاط از شنیدن صدای مهیبی در جو و نزول تکرک شدید در عراق و خراب شدن شهرها از زلزله در این سال عید اضحی و عید فطر یهود و شعانین نصاری در یکروز اتفاقا افتاد **اروپا** در اثنائیکه متوکل در دمشق بود بغاء کبیر را بجنگ رومیهای و مبتنعی الصغری فرستاد و او صلمه را فتح کرد

سنه ۲۴۵ هجری — سنه ۸۵۹ مسیحی

آسیا امر کردن متوکل به بنای جعفریه در محلی که موسوم بماحوزه بود و آن را متوکلیه نیز نامیدند و مخارج زیاد در بنای جعفریه کرد و قصر بسیار رفیعی در آن بساخت و آن را موسوم بلؤلؤیه نمود و در حوالی جعفریه امر بحفر نهری کرد و پیش از اینکه این نهر تمام شود متوکل کشته شد و امر نهر مختل ماند و جعفریه خراب شد وقوع زلزله شدیده در انطاکیه که زیاده از نود برج از قلعه انطاکیه خراب شد و خلق کثیری هلاک شدند و کوه اقرع از هم پاشیده بدریا ریخت و در شام و مکه و قبره و دیار جزیره و بلاد سرحدیه نیز زلزله سختی شد وفات ابو تراب نخشبی صوفی **اروپا** خروج مجوس از طرف دریا و وصول ایشان باشبیلیه و نزول بجزیره و سوزانیدن مسجد جامع و امر کردن محمد اول پادشاه اسپانیول عساکر اسلام را

ابو تراب نخشبی

بلدفع

بدفع وی بآنها **افریقیا** زلزله شدید در مغرب مجاور بحر سخت بر ماسپا ابو ابراهیم احمد بن محمد بن الاغلب وفات ذو النون مصری در ماه ذیقعده

سنه ۸۵۸ مسیحی — سنه ۲۴۴ هجری

آسیا آمدن متوکل بجعفریه باران شدید در بغداد که زیاده از بیست روز ببارید و در رود بواز کیاه رویاند باریدن خون از آسمان در یکی از کوچه های بلخ که معروف بسکة الدهاقین است و شکافتن زمین فوت دعبل بن علی خزاعی شاعر شیعی مذهب مادح آل رسول علیهم السلام وفات سر بن معاذ الشیبانی والی ری که فاضل و نیکو سیرت بود فتح کردن عمرو بن عبدالله بن الاقطع حصار انطاکیه را **اروپا** رفتن عمرو بن عبدالله بن الاقطع بجنگ روم و مهاروه الصغری که هفده هزار سر و اسیر از آنها آورد و تا فریباس رانده پنجهزار نفر را دستگیر نمود

سنه ۸۶۱ مسیحی — سنه ۲۴۷ هجری

آسیا کشته شدن متوکل بمواعده منتصر پسر او با قواد لشکر و وصیف در شب چهارشنبه چهارم شوال و سبب قتل او این بود که با منتصر پسر خود بدرفتاری کرده او را از ولیعهدی خلع نمود و بفتح بن خاقان که دیوان رسایل را بود امر کرده که باصفهان و بلاد جبل بنویسد که املاک و مزارع وصیف را که یکی از رؤسای لشکر بود ضبط کنند خلاصه در شب عزم بود در حالتیکه متوکل مست بود براو داخل شدند و او را و فتح بن خاقان را و چند نفر از خواص خدم خلیفه را بکشتند مدت خلافت متوکل چهارده سال و ده ماه و سه روز عمرش نفریبا چهل سال بود صبح چهارشنبه که در شب آن متوکل کشته شد مردم و سران سپاه در جعفریه (جعفری) جمع شده با منتصر ابا جعفر محمد بن جعفر المتوکل که یازدهمین خلیفه عباسی است بیعت کردند نیز بطلب معتز و مؤید فرستاده ایشانرا حاضر ساخته آنها هم با منتصر بیعت کردند وفات ابو عثمان بکر بن محمد المازنی نحوی از علمای بزرگ نحو **اروپا** غلبه عساکر محمد اول پادشاه اسپانیول بر شهر شلونه که از بلاد فرنساست و کرفتن دو برج از برجهای این بلد و کشتن بسیاری و دریافت غنیمت وافر **افریقیا** وفات عباس امیر صقلیه و ولایت عبدالله بن عباس در صقلیه و ورود خفاجه بن سفیان از افریقیه بصقلیه و فتوحات او در این جزیره و هلاک شدن او بدست یکی از لشکریان خود و برخاستن مردم محمد بن خفاجه را بامارت صقلیه و امضا کردن محمد بن احمد بن اغلب حکمران قیروان امارت ابن خفاجه را و او امیر صقلیه بود تا در سنه دویست و پنجاه و هفت خواجه های او او را بکشتند

سنه ۸۶۲ مسیحی — سنه ۲۴۸ هجری

آسیا وفات منتصر در سامرا در روز یکشنبه پنجم ربیع الاول که مدت خلافتش شش ماه و دو روز و مدت عمرش بیست و پنج سال و شش ماه بود منتصر مردم را امر بزیارت مرقد حضرت سید الشهداء علیه السلام نمود و علویین را که در عهد متوکل خائف بودند ایمن کرد عقل و انصاف کاملی داشت اتفاق بزرگان از قبیل بغاء کبیر و بغاء صغیر و رؤسای اتراک برخلافت المستعین احمد بن محمد المعتصم بجهت اینکه با وجود کشتن متوکل میل بخلافت پسران او نداشتند و او دوازدهمین خلیفه عباسی و در بنو قت بیست و هشت ساله و مکنی بابو العباس بود رسیدن خبر وفات طاهر بن عبدالله بن طاهر والی خراسان به المستعین که محمد بن طاهر پسر او را المستعین ولایت خراسان داد وفات بغاء کبیر که المستعین پسرش موسی بن بغا را بجای او برقرار کرد حرکت کردن یعقوب بن لیث صفار از سجستان بجانب هرات وفات محمد بن علاء همدانی از مشایخ بخاری و مسلم ولایت محمد بن عبدالله بن طاهر در عراق که حکومت حرمین و فراشباشی کری خلیفه و معاونت امر سودان نیز او را شد **اروپا**

منتصر

منتصر قبل از انکه وفات کند وصیف ترکی را بجا ربه روم فرستاد و بنه التصری فی بغداد

سنه ۲۴۹ هجری — سنه ۸۶۳ مسیحی

آسیا شورش یکدسته لشکر معروف بشاکریه و عامه ناس در بغداد بر اتراک بسبب انکه اتراک مسلمین هیچ بی‌ملاحظه بوده هر خلیفه را که میخواستند میکشتند و هر کس را میخواستند بخلافت اختیار میکردند و مسلمین را دخلی در اینکارها نبود بر پا شدن فتنه در سامرا که عوام منشأ آن شده در زندانهای خلیفه را باز کردند و محبوسین را رها نمودند اتراک بنشاندن فتنه قیام نموده جمعی را کشتند تا این فساد منطفی شده کشته شدن اتامش ترکی بدست موالی و غارت کردن خانه او بسبب انکه المستعین مادر خود را و اتامش را و شاهک خادم را بیوتات اموال مطلق العنان کرده و سایرین ممنوع بودند بعد از کشته شدن اتامش المستعین ابا صالح عبدالله بن یزداد را خلعت وزارت داد وقوع زلزله شدیده در ری که خرابی‌ها وارد آورد و جمع کثیری را هلاک کرد و بقیه مردم بخارج بلد فرار نمودند نیز وقوع زلزله در قزوین و تبریز وفات علی بن جهم شاعر **اروپا** در این سال در میان رومیها و مسلمین در مرج الاسقف جنگ سختی روی داد و سردار عساکر اسلام عمر بن عبدالله بن اقطع که از شجاعان بود در این جنگ کشته شد و مسلمین منهزم شدند و جماعتی از ایشان کشته و رومیها ثغور جزیره را غارت کردند **افریقیا** وفات ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن الاغلب حکمران افریقیه و برقرار شدن زیادة الله بن محمد مکنی بابو محمد برادرزاده ابراهیم بجای او

سنه ۲۵۰ هجری — سنه ۸۶۴ مسیحی

آسیا ظهور یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام که مکنی بابو الحسین بود در کوفه و اجتماع خلق کثیری در دور او و استیلا یافتن بر کوفه تهیه دیدن محمد بن عبدالله بن طاهر قتال با یحیی را و کشته شدن یحیی در جنگ و منهزم شدن اصحاب او و کشته شدن بسیاری و فرستادن محمد بن عبدالله بن طاهر سر یحیی را برای المستعین ظهور حسن بن زید بن محمد بن اسمعیل بن زید بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام بطبرستان که جمع کثیری دور او جمع شده و استقلالی در این مملکت بهم رسانید و موسوم بداعی الحق کرد بد و بجالت استیلاء باقی ماند تا در سنه دویست و هشتاد و هفت کشته شد و بعد از او پسرش الناصر حسن بن علی بجای او استقرار یافت شورش اهل حمص بر فضل بن قارن عامل خود که برادر مازیار بود و کشتن او و فرستادن المستعین موسی بن بغاء کبیر را بجنگ آنها و منهزم شدن حمصیها و کشته شدن جماعتی کثیر و مفتوح شدن حمص و بسیاری از اماکن او را سوزانیدن وفات خلیع شاعر که اسم او حسین بن ضحاک بود **افریقیا** وفات زیادة الله بن محمد بن ابراهیم بن اغلب امیر افریقیه که هیجده ماه امارت کرده بود و برقرار شدن پسر برادر او ابو عبدالله محمد بن احمد بجای او

سنه ۲۵۱ هجری — سنه ۸۶۵ مسیحی

آسیا اتفاق کردن بغاء صغیر و وصیف و کشتن باغر ترکی و شورش اتراک بدین واسطه و محاصره نمودن المستعین و بغاء و وصیف را در قصر سامرا و نشستن المستعین با بغا و وصیف در زورقی و فرار کردن آنها به بغداد با شرحی از اتراک از المستعین و بیرون آوردن المعتز بالله را از محبس و بیعت نمودن با او و منصور شدن المعتز و مادر او اموالی را که در سامرا بود و دادن آنها را بقشون و فرستادن پنجاه هزار نفر جمعی اکثر اتراک بسرداری برادر خود الموفق طلحه بن متوکل ببغداد بجنگ المستعین و تحصن المستعین ببغداد و ماندن المعتز بسامرا و المستعین ببغداد که جنگهای سخت در میان آنها بود تا ارکان دولت در بغداد بخلع المستعین اتفاق کردند مقاتله شدید

محمد بن طاهر با حسن بن زید و منهزم شدن حسن ظهور طالبیین در ری و در کوفه و در مکه که نسب آنها بحضرت علی بن ابیطالب میرسید و تسعیر غله و ماکول در مکه بواسطه اغتشاشی که در این نواحی روداده بود و کشته شدن هزار و صد نفر از حاج ظهور دولت بنی اخیضر از شرفاء حجاز وفات سری سقطی زاهد معروف بتصوف **اروپا** (روس) رودریك (روریك) نام که از سواحل بالتیك با اهل خود بشهر نوگرد آمده بود و بر طایفه اسلاو غلبه کرده اهل خود و طایفه اسلاو مغلوب را روس نامید و ابتدای تشکیل ملت روس در این سنه شد (اسپانیول) غلبه عساکر محمد اول بر فرنکیها

سنه ۲۵۲ هجری — سنه ۸۶۶ مسیحی

آسیا خلافت المعتز بالله بن متوکل سیزدهمین خلیفه عباسی که بعد از خلع المستعین در چهارم محرم در بغداد خطبه باسم المعتز خواندند و از جمیع اهل بغداد بیعت برای او گرفتند و المستعین را بواسط بردند و المعتز امر بقتل المستعین نمود و باحمد بن طولون نوشت که کار او را تمام کند احمد از کشتن المستعین ابا نمود و او را بقا طولبرد و او را بحاجب یعنی سعید بن صالح تسلیم کرد و سعید او را زد تا مرد و سر او را برای المعتز فرستاد مدت خلافت المستعین تا روز خلع او سه سال و نه ماه و کسری بود داخل شدن رمله در بیعت عیسی بن شیخ بن سلیك از اولاد جساس بن مرة بن ذهل بن شیبان که در فتنه عراق شیخ مذکور بر دمشق و اعمال آن غلبه کرده و اموالی را که از شام برای خلیفه میبردند صاحب شد و کار او بالا گرفته بود وفات محمد بن بشار و محمد بن المثنی الزمن که هر دو بصری و از مشایخ بخاری و مسلم بودند شیوع فتنه و قحط و غلاء در بغداد که سبب آن جنگی بود که میان لشکر بغداد و اصحاب محمد بن عبدالله بن طاهر بجهة اخذ جیره و مواجب در گرفت خلع کردن المعتز برادر خود المؤید را از ولایت عهد و مردن او در ماه رجب ولایت عبدالعزیز بن ابی دلف العجلی در جبل از جانب وصیف تاختن مساور خارجی بر حلوان و کشتن جمعی از مردم آنجا تسلط حکمران دیلم باتفاق عیسی بن احمد علوی و حسن بن احمد کوکبی بر ری و قتل و غارت ایشان و لایت و گریختن عبدالله بن عزیز حاکم ری و مصالحه کردن اهل ری با آنها بدادن دو هزار هزار درهم که آنها باز گشتند و ابن عزیز بری مراجعت کرد

سنه ۲۵۳ هجری — سنه ۸۶۷ مسیحی

اسیا عساکر المعتز جیره و مقرری چهار ماهه از وصیف خواستند جوابی نداد آنها طغیان کرده بر سر وصیف ریختند و او را بکشتند خلیفه اعمال و مشاغل او را بعهده بغاء شرابی موکول نمود وفات محمد بن عبدالله بن طاهر بن الحسین و برقرار نمودن المعتز برادرش عبیدالله را بجای او و انتزاع نمودن عساکر خلیفه کرج را از دست عبدالعزیز بن ابی دلف و تملك و فتح یعقوب صفاری هرات و بوشنج را و ظهور اقتدار او و خائف شدن والی خراسان و غیره از او و ابتدای دولت صفاریه **اروپا** کشته شدن امپراطور میشل (میخائیل) بدست بزیل نامی و منصوب کردیدن بزیل بامپراطوری قسطنطنیه (اسپانیول) ده سال قحط و غلا و خشکسالی در اسپانیول و مغرب بسبب ضعف مسلمانان شد

سنه ۲۵۴ هجری — سنه ۸۶۷ مسیحی

اسیا کشته شدن بغای شرابی از ملازمان خلیفه بامر خلیفه ارتحال حضرت امام علی النقی علیه السلام در ماه جمادی الاخره که تولد آنحضرت در سال دویست و چهارده یا دویست و سیزده بود چنانکه ولادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سنه دویست و سی و ارتحال آنحضرت در دویست و شصت در جمادی الاولی یا ربیع الاول بوده و ولادت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه در دویست و پنجاه و پنج و ابتدای غیبت صغری بروایت اغلب مورخین در دویست و شصت و

وبنج مینباشد که آنحضرت سلام الله علیه شش ساله بوده اند وروایات دراین باب مختلفاست وفات احمد بن رشید عم
واثق خسوف کلی قمر **افریقا** ولایت احمد بن طولون درتمام مملکت مصر وفات ابو الولید بن عبد الملک بن قطن النحوی
القیروانی

۲۵۵ سنه هجری ۸۶۸ سنه مسیحی

آسیا استیلای یعقوب بن لیث صفاری برکرمان وغلبهٔ او برفارس وداخل شدن بشیراز وامان دادن
اهل انشهر را واظهار انقیاد بالمعتز وفرستادن هدایای کثیره برای او ومطالبه کردن تا ترا الذخیرهٔ خود را از المعتز وآن
معادل پنجاه هزار دینار بود والمعتز نداشت که بدهد ومادر شرام ولد که معروف به قبیحه بود اضعاف مضاعف
این وجه را داشت والمعتز از و خواست او مضایقه کرد لهذا اتراک ومغاربه وفراعنه بر خلع المعتز اتفاق کرده او را
خلع کردند وبزجر بکشتند ودر سامرا در پهلوی منتصر مدفون شد مدت خلافت او از روزیکه در سامرا با او
بیعت کردند چهار سال و شش ماه و بیست و سه روز بود و عمرش بیست و چهار سال و بیست و سه روز خلافت محمد بن
واثق ملقب بالمهتدی بالله چهاردهمین خلیفه عباسی که در بیست و هفتم رجب با او بیعت کردند خروج صاحب الزنج
که اسمش علی بن محمد بن عبد الرحیم و از طایفه عبد قیس بود و زنگیها که در سباخ در طرف بصره سکنی داشتند دور
او جمع آمدند و او ادعا کرد که علی بن محمد بن احمد بن عیسی بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است اما صاحب
زنج را نسب حقیقی همان بود که ذکر شد و پیش از این در حواشی منتصر و بمدح آل عباس میگذرانید و صله شعر از آنها
میگرفت در سنه دویست و چهل و نه از سامرا بهجر رفت و ادعا کرد که علوی هستم و در احسا اقامت نمود بعد
در دویست و پنجاه و چهار به بصره رفت و در این سال خروج نمود و کار او بالا گرفت و اصحاب خود را از هر طرف به نهب
غارت فرستاد و از دجله عبور کرده به دیناری نزول نمود وفات محمد بن کرام سجستانی صاحب المقاله در تشبیه وفات
عبد الله بن عبد الرحمن دارمی صاحب المسند وفات ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ صاحب تصانیف مشهوره ولایت سلیمان بن
عبد الله بن طاهر در بغداد و شوریدن قشون و عامه بر او و استیلاء مفلح از ملازمان خلیفه بر طبرستان و منهزم شدن
حسن بن زید علوی و گریختن او به دیلم استیلاء مساور خارجی بر موصل **افریقا** وفات خفاجة بن سفیان حکمران
صقلیه و ولایت محمد پسرش بجای او (مادر المعتز ام ولد را از کمال حسن قبیحه میگفتند مثل زنگی که گفتن بکافور)

۲۵۶ سنه هجری ۸۶۹ سنه مسیحی

آسیا جمع کردن موسی بن بغا اصحاب خود را بجهت کشتن صالح بن وصیف و گریختن صالح و مخفی شدن او که موسی
او را بدست آورده بکشت خلع کردن المهتدی را در نیمه رجب و علت خلع او این بود که قصد قتل موسی بن بغا کرده
و به بایکیال که از بزرگان ترک بود نوشت که موسی را بقتل برسان و خود بجای او برقرار باش و موسی در نیوقت در جلو
بعضی خوارج اردو داشت بایکیال موسی را از این فقره با خبر کرد و این هر دو در قتل المهتدی متفق شدند و بسامرا آمدند
بایکیال بحضور المهتدی رفت المهتدی او را محبوس و مقتول ساخت و بجنگ موسی بر خاست اتراک که در ملازمت
المهتدی بودند با عساکر خود از او روگردان شدند و بموسی پیوستند المهتدی که خود را ضعیف دید فرار نمود
و داخل یکخانه شد او را بگرفتند و خصیهٔ او را بفشردند و سیلی بصورت او زدند تا بمرد و در مقبره منتصر مدفون شد
و این در هیجدهم رجب بود خلافت المهتدی یازده ماه و نیم و عمرش سی و هشت سال با ورع و کثیر العباده بود و بمجوات
در میان بنی عباس مثل عمر بن عبد العزیز باشد در بنی امیه بیرون آوردن ارکان دولت ابو العباس احمد بن متوکل را از

حبس نمودن و رها داشتن او را بخلافت که ملقب بالمعتمد علی الله شد و او پانزدهمین خلیفه عباسی است وزارت عبیدالله بن یحیی بن خاقان
کرفتن صاحب زنج ابله را بغلبه و کشتن بسیاری از اهل ابله را و سوزانیدن بیوتات آنجا که از ساج بود و استیلای او بر
عبادان بطور امان نیز غلبه کردن او بر اهواز بضرب شمشیر عزل عیسی بن شیخ از شام که غلبه بر آنولایت کرده بود و مالیات
بغداد نمیفرستاد چنانکه پیش ذکر شد خلاصه خلیفه حکومت ارمینیه را باسم او کرده و اماجور را والی شام نمود و اماجور
بشام آمده بعد از جنگ سخت با اصحاب عیسی بر او غالب آمد و در شام استقرار یافت وفات محمد بن اسمعیل البخاری الجعفی
صاحب المسند الصحیح در قریه خرتنک دو فرسخی سمرقند از بنی سال تا سال دویست و هفتاد هجری در عراق عرب زلزلها شد

سنه ۲۵۷ هجری — سنه ۸۷۰ مسیحی

آسیا کرفتن زنج بصره را که هر کس را یافتند کشتند و شهر را خراب کردند تملک یعقوب صفاری بلخ را و راندن بکابل و
استیلای او بر اینشهر که بتهای آن بلاد و نواحی در آن بلد بود هدیه فرستادن یعقوب برای المعتمد خلیفه راندن حسن بن
زید العلوی حکمران طبرستان معروف بداعی کبیر بجرجان و تملک او آنولایت را وفات عباس بن الفرج الریاشی اللغوی افریقا
دادن محمد بن احمد الاغلبی حکمران افریقیه حکومت صقلیه را با حمد بن یعقوب پس از کشته شدن محمد بن خفاجه امیر صقلیه چنانکه
پیش ذکر شد

سنه ۲۵۸ هجری — سنه ۸۷۱ مسیحی

آسیا فرستادن المعتمد برادرش الموفق ابو احمد را بجنگ زنج و کشته شدن مفلح که با الموفق بجنگ زنج مامور بود و متفرق
شدن عساکر او و کرفتار شدن یحیی بن محمد البحرانی سرکرده صاحب زنج که او را بسامره بردند و بکشتند و صاحب زنج و اصحاب
او از کشته شدن یحیی بسیار جزع کردند بروز و وبا در دستاق دجله که خلق کثیری در بغداد و واسط و سامره و غیرها هلاک
شدند در آنسال صدای عظیمی در صیمره مسموع و بعد از آن صدائی عظیمتر از صدای اولی که اکثر شهر را خراب کرد و
دیوارها افتاد و قریب بیست هزار نفر مردند وفات بادکوجور ترکی که فوتا و اسباب استقلال احمد بن طولون در مصر شد
جنگ عساکر موسی بن بغا و لشکر حسن بن زید علوی و انهزام اصحاب حسن اسیر شدن بسیاری از زنجها که آنها را بسامره آورده
کردن زدند وفات یحیی بن معاذ رازی واعظ که مرد عابد صالحی بود و با بایزید و غیره مصاحبت داشت

سنه ۲۵۹ هجری — سنه ۸۷۲ مسیحی

آسیا استیلای یعقوب صفاری بر نیشابور و تملک او آنولایت را و انقراض آل طاهر در خراسان وفات محمد بن موسی بن شاکر
یکی از سه برادرها که به بنی موسی مشهور و منسوب بآنها میباشند و اخوان ثلثه در تحصیل علوم قدیمه خاصه در هندسه همت
عالی داشتند در عهد مامون بامر مامون دور کره ارض را بقانون علمی معین نمودند غلبه زنج بر اهواز و مامور کردن المعتمد
موسی بن بغا را بجنگ زنج و محاربه ها دسته جات عساکر او در محلهای مختلف با اصحاب صاحب زنج غلبه کردن حسن بن
زید علوی بر قومس اروپا (اسپانیول) عنتر شدن محمد بن عبدالرحمن بعضی از بلاد اسپانیا را که در دست او بود
و عمروس بن عمروس باطاعت محمد بن عبدالرحمن

سنه ۲۶۰ هجری — سنه ۸۷۳ مسیحی

آسیا کشتن عرب منجور والی حمص را و بقرار کردن بکتمر را بجای او وفات مالک بن طوق التغلبی (التغلبی) بانی رحبه
در رحبه و چون منسوب باوست این رحبه را رحبه مالک کویند ارتحال حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وفات حسن بن
صباح زعفرانی از بغدادیین اصحاب شافعی وفات حسین بن اسحق طبیب عبادی که کتب حکمای یونان را بعربی ترجمه

کرده

کرده وکتاب اقلیدس و بطلمیوس و مجسطی را نیز تعریب و تنقیح نموده و عبادی منسوب بعباد حیره است که چند شعبه از چند قبیله مختلف میباشند که در حیره منزل نمودند و نصاری بودند تاختن یعقوب بن لیث بر طبرستان و محاربه او با حسن بن زید و انهزام حسن و داخل شدن او بر ساری و آمل و گرفتن خراج یکساله را از آنها و رفتن در جبال طبرستان بتعاقب و طلب حسن و چون در این هنگام چهل روز متوالی بر او باران بارید بمرام خود نایل نگردید جماعتی انقراض طایفه طاهری و ابتدای صفاریها را در اینسال نوشته اند شورش اهل موصل و بیرون کردن حاکم خود را غلاء شدید در عموم بلاد اسلام **اروپا** (اسپانیول) غلاء شدید در اندلس که این بلیه در افریقیه و بلاد مغرب نیز عموم داشت و بعد از آن طاعون و وباء عظیمی بروز کرد و خلق کثیری را بکشت

سنه ۲۶۱ هجری — سنه ۸۷۴ مسیحی

آسیا ابتدای دولت سامانیها در ماوراء النهر که نسب ایشان ببهرام چوبین میرسد و از زمان مامون در خراسان بجهت اکرامیکه مامون نسبت بایشان نمود کار ایشان بالا گرفت و در اینسال نصر بن احمد بن اسد بن سامان برادر خود اسمعیل را والی بخارا کرد بعد ها میان دو برادر سعایت کردند و در سال دویست و هفتاد و پنج دو برادر با هم مقاتله نمودند و اسمعیل بر نصر ظفر یافت و چون نصر را نزد اسمعیل آوردند اسمعیل پیاده شد و دست نصر را بوسید و بمحل حکمرانی خود معاودت داد و خود در بخارا بماند و چون اسمعیل مرد خیری بود و اهل علم را دوست میداشت سلطنت در اولاد او امتدادی بهم رسانید وفات حسن بن عبد الملک بن ابی الشوارب قاضی القضاة که از اولاد عتاب بن اسید بود که حضرت رسول صلعم ولایت مکه را باو داد وفات ابو یزید بسطامی زاهد معروف بتصوف که اسم او طیفور بن عیسی بن سروشان و سروشان جد او مجوس بوده و اسلام اختیار کرده وفات ابو الحسین مسلم بن حجاج نیشابوری صاحب المسند الصحیح **اروپا** (اسپانیول) بسط و غلبه عساکر محمد اموی در نواحی اسپانیا **افریقا** عصیان اهل برقه بر احمد بن طولون والی مصر که لشکری فرستاده آنها را محاصره کردند و برقه را فتح نمودند و جماعتی از رؤسای اهل برقه را گرفتند وفات محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب حکمران افریقیه در جمادی الاولی که ده سال و پنجاه و نیم حکمرانی کرده بود و بعد از او برادرش ابراهیم بن احمد بن محمد بجای او برقرار شد و بیست و پنجسال فرمان روائی داشت و مخصوصا در صقلیه فتوحات عظیمه نمود و در شب نوزدهم ذیقعده سال دویست و هشتاد و هفت یا دویست و هشتاد و نه درگذشت و فطانت و بزرگواری ابراهیم مشهور است

سنه ۲۶۲ هجری — سنه ۸۷۵ مسیحی

آسیا فرستادن صاحب زنج لشکری بنواحی واسط که قتل و نهب و حرق زیادی نمودند وفات عمر بن شبه (شیبه) نمیری اخباری مقاتله شدید الموفق برادر المعتمد با یعقوب صفاری در دیر عاقول و هزیمت لشکر یعقوب و خلاصی یافتن محمد بن طاهر که در بند یعقوب بود و آمدن او ببغداد مردن صلابی والی ری و ولایت کیغلغ بجای او **اروپا** (اسپانیول) فرستادن محمد اموی پادشاه اسپانیول پسر خود منذر را با لشکری بجنگ جلیقی که با محمد مخالفت میکرد و رفتن جلیقی از شهر بطلیوس بقلعه کرکر و محاصره کردن عساکر محمد این قلعه را و کشتن بسیاری از متابعین جلیقی را

سنه ۲۶۳ هجری — سنه ۸۷۶ مسیحی

آسیا استیلای یعقوب صفاری بر اهواز وفات عبید الله بن یحیی بن خاقان وزیر المعتمد که وزارت المعتمد با سلیمان بن وهب شد **اروپا** (اسپانیول) کشته شدن عساکر محمد پادشاه اسپانیول در جنگ جلیقی که احدی از این دسته قشون جان بدر نبرد

افریقیا شروع کردن ابراهیم امیر افریقیه بنای شهر رقاده را

سنه ۲۶۴ هجری — سنه ۸۷۷ مسیحی

آسیا وفات اماجور کارگذار دمشق و آمدن احمد بن طولون از مصر به دمشق و از دمشق بحمص و حماة الی حلب و گرفتن این بلاد را جمیعاً او راندن بانطاکیه و دعوت کردن سیما الطویل امیر انطاکیه را بداخل شدن در اطاعت خود و اباکردن سیما و مقاتله شدن او با احمد بن طولون که سیما کشته شد و انطاکیه را احمد متصرف کرده بطرسوس رفت و قصد احمد این بود که در طرسوس اقامت داشته باشد و بجهاد پردازد اما قیمت اجناس و ماکولات بالا رفت و قوت و آذوقه خیلی کم شد لهذا بشام مراجعت نمود بروز طاعون در تمام مملکت خراسان و هلاک شدن خلقی کثیر خروج خارجی مجهول النسب که نامی در چین که جمعیت او زیاد شد و قصد شهر خانفو از بلاد چین نموده آنرا محاصره کرده و این بلد با حصانت بود و نهر عظیمی داشت و جمعیت کثیری از مسلمین و نصاری و یهود و مجوس و غیرهم در این بلد سکنی داشتند خارجی این شهر را بغلبه گرفت و خلق بیشماری را بکشت و بر بعضی دیگر از بلاد چین استیلا یافت ولی در جنگ فاخان چین خود او معدوم و اصحاب او منهزم شدند وفات قنبجه مادر معتز و ابو ابراهیم المزنی صاحب الشافعی اروپا (اسپانیول) قتل و نهب عساکر محمد اموی پادشاه اسپانیا در بلاد این مملکت که در دایره اسلام نبودند افریقیا تمام کردن ابراهیم بن احمد بن محمد الاغلبی شهر رقاده را و ساکن شدن در آن وفات یونس بن عبد الاعلی بن موسی در مصر و یونس یکی از اصحاب شافعی بود و عبد الرحمن بن احمد بن یونس بن عبد الاعلی مؤلف تاریخ مشهور مصر از نبایر همین یونس است بنای مسجد احمد بن طولون در مصر تملک مسلمین شهر سیرقوسه را که بزرگترین مدینه صقلیه است

سنه ۲۶۵ هجری — سنه ۸۷۸ مسیحی

آسیا داخل شدن زنج بر نعمانیه و غارت کردن و سوختن آن و رفتن بجرجرایا و آمدن اهل سواد ببغداد وفات یعقوب بن لیث صفاری در نوزدهم شوال بجندی سابور از رستاق اهواز بناخوشی قولنج و در مرض موت او معتمد خلیفه نامه و رسولی نزد او فرستاده که او را استمالت و دعوت باطاعت خلیفه نماید یعقوب شمشیری و نان خشکی و پیازی حاضر کرده برسول گفت بخلیفه بگو اگر من مردم هر دو راحت میشویم و اگر ماندم میان من و تو جز این شمشیر نخواهد بود نهایت اینست کار من میکشد بخوردن نان خشک و پیاز و از کارهای یعقوب یکی فتح رخج بود و کشتن پادشاه آن که دعوی الوهیت میکرد و پس از غلبه یعقوب بر رخج اهالی بدست یعقوب باسلام اختیار کردند برقرار شدن عمرو بن لیث برادر یعقوب بجای او و اظهار اطاعت کردن بخلیفه که الموفق خراسان و اصفهان و سجستان و سند و کرمان را باو داد و برای او خلعتها با فرمان فرستاد وفات ابراهیم بن هانی بن اسحق نیشابوری از ابدال اروپا (ایطالیا) ژان هشتم پاپ روم از پادشاه فرانسه بجهة دفع اعراب کمک میطلبید (انگلیس) الفرد اعظم که تمام طوایف مختلفه ساکن جزایر انگلیس را در تحت بیعت خود در آورده و پادشاه مستقل آن مملکت بعد از یک سلطنت ممتدی وفات مینماید افریقیا مخالفت عباس بن احمد بن طولون با پدر خود و رفتن بافریقیه و مقاتله با عساکر ابراهیم اغلبی حکمران افریقیه و منهزم شدن که بعد از آن بدست عساکر پدر خود گرفتار و محبوس شد

شده بود

سنه ۲۶۶ هجری — سنه ۸۷۹ مسیحی

آسیا کشتن اهل حمص عیسی کرخی عامل خود شان را سختی عظیم رعایای بلاد بکر در تحت بیعت خلیفه بودند بجهة غلبه سرکردها و لشکریان و تسلط آنها بر امور و عدم خوف آنها و عجز المعتمد و اشتغال او بغیر تدبیر مملکت و مشغول بودن الموفق برادر خلیفه بقتال صاحب زنج داخل شدن علی بن ابان و زنج برامهرمز جنگ علویین با جعفر بن سدر در مدینه و ظهور غلا در این بلد و سایر

بلاد حجاز و عراق و موصل و جزیره و شام و غیر ذلک وفات صالح بن احمد بن حنبل **اروپا** (اسپانیول) امر کردن محمد بن عبد الرحمن پادشاه اسپانیول بساختن کشتیها برای جنگ بحری با جلیقیه **افریقا** (مصر) احمد بن طولون والی مصر از بیعت المعتمد عباسی سر پیچیده مستقلاً سلطنت میکند

سنه ۲۶۷ هجری — سنه ۸۸۰ مسیحی

آسیا جنگهای متوالی الموفق و صاحب زنج و راندن زنج از اهواز و رفتن موفق بشهر صاحب زنج که آنرا بجد مستحکم نموده و مختاره مینامیدند و محاصره کردن آنرا و امان خواستن اکثر اهل آن از الموفق و بیرون آمدن از شهر و ضعیف شدن باقی و تسلیم نمودن شهر را و ابو العباس پسر الموفق در این حرب و بیماری الموفق بود زلزله عظیم در شام و مصر و بلاد جزیره و افریقیه و اندلس اشتداد گرما در راه مکه که بسیاری از حاج ناچار بمکه نرفته از بین راه بر گشتند و خلق کثیری از حرارت و تشنگی بمردند **اروپا** (اسپانیول) ابتدای مخالفت ابن حفصون با محمد بن عبد الرحمن پادشاه اسپانیول و شکست دادن عساکر محمد را و ازدیاد شوکت ابن حفصون **افریقا** ولایت حسن بن عباس در صقلیه و فرستادن سرایا بهر ناحیه

سنه ۲۶۸ هجری — سنه ۸۸۱ مسیحی

آسیا محاربه اصحاب صاحب زنج با عساکر الموفق و منهزم شدن آنها گرفتن ابو العباس احمد بن موفق که ملقب بالمعتضد بود اعرابی را که آذوقه از برای عساکر صاحب زنج میبردند و کشتن بسیاری از آنها و اسیر کردن باقی را رفتن عمرو بن لیث بفارس بجنگ محمد بن لیث عامل فارس و منهزم کردن او و داخل شدن باصطخر و غارت کردن این بلد و اسیر کردن محمد بن لیث را و رفتن بشیراز و اقامت نمودن در این بلد وقوع زلزله در بغداد و سقوط چهار صاعقه در آن فرستادن عمرو بن لیث سی صد هزار دینار و پنجاه من مشک و پنجاه من عنبر و دویست من عود و سیصد ثوب جامه زربفت و ظروف طلا و نقره و دواب و غلمان بسیار برای موفق وفات محمد بن عبد الله بن عبد الحکم مصری فقیه مالکی که مصاحب شافعی بود و از او اخذ علم کرده **اروپا** (اسپانیول) در سمت جنوب و مغرب این مملکت زلزله سخت اسباب خرابی زیاد و تشویش مسلمانان این نواحی میکرده (ایطالیا) پنجاه و چهار سال بود که مسلمانان جزیره سیسیل متصرف بود ندا اما تصرفی در شهر سیراکوس نداشتند در اینسال تغلبه نیز این شهر را مفتوح نمودند **افریقا** مخالفت لؤلؤ غلام احمد بن طولون با او و انقطاع خطبه عباسیه از مصر مردن محمد بن عبد الحکم مفتی مصر

سنه ۲۶۹ مسیحی — سنه ۸۸۲ مسیحی

آسیا امر کردن المعتمد بلعن احمد بن طولون بر سر منابر بجهت قطع کردن خطبه عباسیه یعنی انداختن اسم الموفق را از خطبه و این امر را المعتمد از روی اکراه نمود زیرا که باطناً مایل باحمد بن طولون بود بلکه چون المعتمد مداخله در کارها نداشته و همه راجع بالموفق میشد خیال داشت بمصر نزد ابن طولون برود و او المعتمد را بر الموفق مسلط کند ولی اسحق بن کنداج عامل موصل از بین راه المعتمد را کرهاً باز گردانیدند و او بسامرا آمد و در این وقت الموفق بجنگ صاحب زنج مشغول بود خسوف کلی قمر همچنین کسوف کلی آفتاب وفات عیسی بن شیخ بن سلیل شیبانی که ارمنیه و دیار بکر او را بود بنای قبه عالیه بامر احمد بن طولون بر قبر معاویه **اروپا** رئیس طایفه نرمن که چندین سال بود بمملکت فرانسه خرابی وارد می آورد تغییر مذهب داده قبول دین عیسوی نمود **افریقا** (مصر) مخالفت لؤلؤ غلام احمد بن طولون والی مصر با آقای خود بقول بعضی در اینسال بود

سنه ۲۷۰ هجری — سنه ۸۸۳ مسیحی

آسیا کشته شدن صاحب زنج در جنگ با الموفق بعد از محاربه های سخت و کشته شدن و غرق شدن خلق کثیری از اصحاب او

کرسر او را بریدند و باطراف کردانیدند و موفق بجای خود بازگشت و جمع کثیری از زنج نزد الموفق آمده امان خواستند و او آنها را امان داد و سر صاحب زنج را ببغداد فرستاد خروج صاحب زنج روز چهار شنبه بیست و ششم ماه رمضان بوده و روز شنبه دویم صفر اینسال کشته شد بنابراین ایام حکمرانی و شورش او چهارده سال و چهار ماه و شش روز میباشد وفات حسن بن زید علوی (داعی کبیر) حکمران طبرستان در ماه رجب که مدت حکمرانی او نوزده سال و هشت ماه و کسری بود و برادر او محمد بن زید بجای او برقرار شد وفات محمد بن اسحق بن جعفر الصاغانی و داود بن علی الاصفهانی پیشوای اصحاب ظاهر که مرد زاهد با ورعی بود و اصحاب او را باین جهة اهل ظاهر میگفتند که بظاهر اخبار و احادیث عمل میکردند و از تاویل اعراض داشتند **اروپا** محمد بن فضل امیر صقلیه با عساکر خود ببلاد روم و بره الصغری تاختن بسیاری از دو شهرها را بگشت و با غنیمت و اسیر زیاد به بلرم بازگشت **افریقا** وفات احمد بن طولون حکمران مصر و شام در انطاکیه که تقریبا شانزده سال امارت داشت و مرد عاقل با حزمی بود و قلعه یافا را او بنا کرد و الا پیش از آن قلعه نداشت و میان مصر و قاهره جامع معروف بجامع ابن طولون را او بنا خت و ولایت خمارویه پسر ابن طولون بعد از او

سنه ۲۷۱ هجری — سنه ۸۸۴ مسیحی

آسیا جنگ معتضد بن موفق با خمارویه بن احمد بن طولون حکمران مصر که اخر الامر معتضد و عساکرش گریختند خمارویه نیز از اسطر و منهزمها تا احد و مصر رفت و لشکر او ثابت قدم ایستاده بودند و از فرار او خبر نداشتند و العجب که معتضدهم از گریختن خمارویه بیخبر بود و این واقعه و قتال میانه دمشق و رمله اتفاق افتاد احضار کردن المعتمد بعضی از حاج خراسانی را و اعلام کردن بایشان که من عمرو بن لیث را از مشاغل و اعمال و ولایتی که داشت عزل کردم و خراسان را بمحمد بن طاهر دادم و لعن کردن المعتمد عمرو بن لیث را در حضور حاج مشار الیهم و امر کردن بلعن عمرو بر سر منابر و رفتن صاعد بن مخلد بفارس بجنگ عمرو بن لیث محاربه مابین عساکر خلیفه که احمد بن عبد العزیز بن ابی دلف سردار بود با عمرو بن لیث در دهم ربیع الاول و شکست فاحش عمرو که مبلغی غنیمت و اسیر و شتم عساکر خلیفه شد **اروپا** (اسپانیول) فرستادن محمد بن عبد الرحمن لشکری با منذر پسر خود بشهر بطلیوس و فتح مروان جلیقی که با محمد مخالفت داشت از اینشهر و آتش زدن منذر این بلد را و غلبه غالب بن حفصون بشهر تدلی

سنه ۲۷۲ هجری — سنه ۸۸۵ مسیحی

آسیا آمدن صاعد بن مخلد از فارس بواسط و امر کردن الموفق بجمیع سرکرده های خود که همه او را استقبال کنند و چون آنها باستقبال او شتافتند برای او پیاده شدند و دست او را بوسیدند و او از شدت تکبر با هیچیک تکلم نمیکرد و لی چیزی نگذشت که الموفق او و کسان او را بگرفت و خانه های آنها را غارت نمود تسعیر غله و ظهور غلا در بغداد **افریقا** زلزله شدیده در مصر در ماه جمادی الاخره که بیوتات کثیره و جامع را خراب کرد و در یکروز هزار نفر را بشماره بخاک سپردند

سنه ۲۷۳ هجری — سنه ۸۸۶ مسیحی

آسیا وفات ابو داود سلیمان بن اشعث السجستانی صاحب کتاب سنن وفات خالد بن احمد السدوسی که امیر خراسان بود و فصد جمع کرده المعتمد او را بگرفت و حبس کرد و او در اینسال در حبس بمرد گویند خالد بخاری صاحب صحیح را از بخارا اخراج کرد بجهة دوم نفرین کرده و رسید باو آنچه رسید وفات حافظ محمد بن یزید بن ماجه قزوینی مشهور و مصنف کتاب سنن در حدیث که حافظ در علوم حدیث و جمیع ما یتعلق به کمال تبحر را داشت و این حافظ را تفسیر بسیار معتبری برای قرآن و تاریخ خوبیست که بسبب متخلفان نوشته **اروپا** (اسپانیول) وفات محمد بن عبد الرحمن بن حکم بن هشام الاموی پادشاه اسپانیول در سلخ ماه صفر در شصت و پنجسالگی که سی و چهار سال و یازده ماه سلطنت کرده بود بعد از محمد سی و سه اولاد ذکور از او

ماند و پسرش منذر بن محمد بجای او سلطنت اسپانیول یافت یعنی سُرّ قُد بعد از فوت پدرش با او بیعت کردند و نیز بقا
خطبه خواندن محمد بن ابی الساج در بعضی از ولایاتیکه در جزیره داشت باسم خمارویه ابن احمد بن طولون حکمران مصر

سنه ۲۷۴ هجری

سنه ۸۸۷ مسیحی

آسیا رفتن الموفق بفارس بجنگ عمرو بن لیث صفاری و رفتن عمرو بکرمان و از کرمان بسجستان و چون موفق کرمان و

بکر فتح ع

سجستان فتح نیامد باز گشت وفات ابو العباس بن کبش المتوکل **اروپا** راندن بازمار بجانک رومیه الصغری و قتل
وهب و لهرزیاد در آن نواحی و مراجعت کردن بطرسوس

سنه ۲۷۵ هجری

سنه ۸۸۸ مسیحی

آسیا گرفتن الموفق المعتضد پسر خود را و حبس نمودن که در حبس بود تا در مرض موت موفق مستخلص شد وفات ابو معبد
حسین بن حسن بن عبدالله البکری النحوی اللغوی صاحب التصانیف استیلاء رافع بن هرثمه بر جرجان **اروپا** (اسپانیول)
وفات منذر بن محمد بن عبدالرحمن پادشاه اسپانیول در محرم در چهل و شش سالگی که یکسال و یازده ماه سلطنت کرده
بود و بر قرار شدن برادرش عبدالله بن محمد بجای او

سنه ۲۷۶ هجری

سنه ۸۸۹ مسیحی

آسیا وفات عبدالملک بن محمد الرقاشی وفات عبدالله بن مسلم بن قتیبه صاحب کتاب ادب الکاتب در مراجعت حاج بن ابی
مکه در وقتیکه در ربک وادی بنی منزل داشتند سیلی آمده جمیعاً را بدریا برده عامل کردن الموفق بالله ابن ابی الساج را بر
آذربایجان و آمدن عبدالله بن الحسن الهمدانی حکمران مستقل مراغه بجنگ او که عبدالله منهزم و محصور شد و در سنه
دویست و هشتاد ولایت او را از او منتزع نمودند

سنه ۲۷۷ هجری

سنه ۸۹۰ مسیحی

آسیا وفات یعقوب بن سفیان نسوی پیشوا که شیعی مذهب بود وفات عریب مغنیه مامونیه که بعضی او را دختر
جعفر بن یحیی بن خالد البرمکی دانسته اند وفات ابوحاتم رازی که اسم او محمد بن ادریس بن منذر و از اقران بخاری و مسلم بود

سنه ۲۷۸ هجری

سنه ۸۹۱ مسیحی

آسیا وفات ابواحمد طلحه الموفق بالله بن جعفر المتوکل در چهار شنبه بیست و دوم ماه صفر بناخوشی داء الفیل
و مقرر بود که الموفق بعد از المفوض بن المعتمد ولیعهد یعنی خلیفه باشد چون درگذشت سرکرده های عساکر جمع
با پسرش المعتضد بیعت نمودند باینکه بعد از المفوض ولایت عهد المعتضد را باشد در این سال الجماعتی در سواد کوفه
پیدا شدند معروف بقرامطه و شخصی که آنها را بمذهب و دین خود دعوت میکرد در قریه از سواد کوفه بیمار شد
شخصی از اهل آن قریه که او را کرمیته میگفتند متحمل او شده و چون بزرگ قرامطه عافیت یافت خود را باسم او نامید
کرمیته را که در لغت نبطی اسم از برای سرخ چشم است مخفف نموده قرمط گفتند و قرامطه یعنی طایفه منسوب
بقرمط خلاصه او عوام اهل سواد بادیه را بدین خود خواند و آنها اجابت نمودند و کتابی آورد که در او نوشته بود
(بسم الله الرحمن الرحیم میگوید فرج بن عثمان از قریه نصرانه که داعی مسیح است و عیسی است و کلمه است و مهدی است و احمد بن
محمد حنفیه است و جبرئیل است و مسیح مصور شده در جسم انسان و گفت تو ئی داعی و تو ئی حجت و تو ئی ناقه و تو ئی
دابه و تو ئی یحیی بن زکریا و تو ئی روح قدس) خلاصه احکام غریبه اظهار کرد از جمله گفت نماز چهار رکعت
دو رکعت قبل از طلوع آفتاب و دو رکعت قبل از غروب آفتاب و اذان در هر نماز عبارتست از بسم الله اکبر

ودو اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان آدم رسول الله واشهد ان نوحا رسول الله واشهد ان ابراهیم رسول الله
واشهد ان عیسی رسول الله واشهد ان محمدا رسول الله واشهد ان احمد بن محمد حنفیه رسول الله و بیت المقدس را قبله قرار
داد و بجای جمعه روز دوشنبه را قبول کرد که در آن بکاری مشغول نشوند و در هر رکعت نمازی استفتاح را
بخوانند واستفتاح را ادعا میکرد که بر احمد بن محمد بن حنفیه نازل شده وآن عبارت از دعائی بود که خود بهم بافته بود
واز سنن او این بود که در سال دو روز روزه بگیرند روز مهرگان و روز نوروز و نبیذ را حرام میدانست و شراب را
حلال و غسلی برای جنابت لازم نمیدانست لیکن وضوی او مثل وضوی معمولی بود و گوشت هر صاحب ناب و مخلبی را
حلال میدانست ظهور کوکب ذو ذوابه **اروپا** رفتن باز مان بمراهی احمد العجیفی بفتح بلادر و منبر الصغری و عین دربه
غلبه و استیلا بود که قطعه سنگی از منجنیق بپهلوی او خورد و بواسطه صدمه آن مراجعت نموده در بین راه در گذشت

سنه ۸۹۲ مسیحی — سنه ۲۷۹ هجری

آسیا وفات المعتمد علی الله ابن جعفر المتوکل بن معتصم در نوزدهم رجب در بغداد که شراب زیاد خورده وشام و افراط
در شراب نمود و شبانه مرد المعتضد قضاة و اعیان را حاضر کرده جسد او را دیدند و او را متهم بسر من رای نموده دفن
آنجا دفن کردند عمر المعتمد پنجاه سال و شش ماه و مدت خلافتش بیست و سه سال و شش روز ولی کاری بدست او نبود رتق
و فتق امور را الموفق برادر او میکرد و چندان بر المعتمد سخت گرفته که بکوفتی محتاج بسیصد دینار شده و برای او آن وقت
میسر نبود خلاصه صبح آن شبی که المعتمد در گذشت مردم با ابو العباس احمد المعتضد بالله بن الموفق بیعت بخلافت نمودند
والمعتضد شانزدهمین خلیفه عباسی است وفات نصر بن احمد سامانی که برادر او اسمعیل بن احمد بن اسد بن سامان
در ماوراء النهر بجای او برقرار آمد آمدن حسین بن عبد الله معروف بجصاص از مصر با هدایای وافره از جانب خمارویه بن
احمد بن طولون حکمران مصر بخدمت المعتضد برای آنکه المعتضد دختر خمارویه را تزویج کند وفات ابو عیسی محمد بن عیسی بن
سورة الترمذی سلمی در ترمذ در رجب و ابو عیسی با وجود کوری صاحب تصانیف معتبره و در علم حدیث مخصوصا متبحر بود
شیوع علم نجوم و فلسفه و رواج کتب فلاسفه عزل کردن المعتضد رافع بن هرثمه را از خراسان که آخر الامر در خوارزم
بدست ملازمان خوارزمشاه کشته شد و سر او را برای عمرو بن لیث فرستادند و چون او را المعتضد از خراسان معزول کرده
عمرو بن لیث را منصوب نمود

سنه ۸۹۳ مسیحی — سنه ۲۸۰ هجری

آسیا وفات جعفر بن المعتمد که ملقب بالمفوض بود و المعتمد او را از ولایت عهد خلع کرده المعتضد برادرزاده خود را
ولیعهد نمود گرفتن محمد بن ابی الساج از ملازمان خلیفه مراغه را بعد از جنگ و محاصره سخت وفات احمد بن عبد العزیز بن
ابی دلف که برادرش عمر بن عبد العزیز بن ابی دلف بجای او برقرار شد جنگ اسمعیل بن احمد سامانی در بلاد ترک و گرفتن
دار الملک ایشان را و اسر و نهب زیاد کمی آب در ری و طبرستان که قیمت سه رطل آب بیک درهم رسید و غله نیز یافت نمیشد خسوف
کلی قمر در شوال که بعد از آن باد سیاه وزید تا ثلث از شب و در آن وقت زلزله شد و خرابی زیاد نمود **افریقا**
وفات ابو جعفر احمد بن ابی عمران الفقیه الحنفی بمصر

سنه ۸۹۴ مسیحی — سنه ۲۸۱ هجری

آسیا راندن المعتضد بماردین و گرفتن حمدان که در ماردین حکمرانی داشت و گذاشتن پسر خود را در این بلد
که المعتضد با او مقاتله کرده و او ماردین را تسلیم نمود طغج بن جف که از جانب خمارویه عامل دمشق بود از طرسوس

بلاد روم تیز الصغری تاخت و بعضی اماکن را غارت نمود و وفات عبد الله بن محمد بن ابی عبد الله بن ابی الدنیا صاحب التصانیف
الکبیرة المشهورة **اروپا** عساکر خمارویه بن احمد بن طولون یکی از بلاد روم تیز الصغری را فتح نمودند

سنه ۸۹۵ مسیحی — سنه ۲۸۲ هجری

آسیا امر کردن معتضد باینکه اول گرفتن خراج در نوروز معتضدی باشد و آن در حزیران ماه رومی و اواخر جوزا است
و مقصود از این حکم تسهیل عمل بود برای رعایا که حاصل بدست آنها آمده باشد وفات ابو حنیفه احمد بن داود الدینوری صاحب
کتاب النبات وفات حارث بن ابی اسامه وفات ابو العینا محمد بن القاسم که از اصمعی روایت میکرد و کور بود و صاحب نوادر و
اشعار و سریع الجواب و از ظرفا و ذکاوت فوق العاده داشت آوردن ابن جصاص دختر خمارویه زوجه المعتضد را از مصر
بجهة خلیفه ولادت جعفر بن المعتضد که المقتدر باشد و مادر او جاریه مسماة به شغب بود **افریقا** کشتن خواص خمارویه
حکمران مصر او را در خوابگاه بجهة وحشتی که از او بهم رسانیده بودند و علت وحشت این بود که بخمارویه گفته بودند خواص
او هر یکنفر از خواجه سراهای او را بمنزله شوهر برای خود گرفته اند خمارویه خواست تحقیق این مطلب نماید خواص او
برای اینکه این سر فاش نشود او را بکشتند و فرار کردند پس از او سران سپاه پسر او جیش را بجای او برقرار نمودند و او
هنوز طفل بود

سنه ۸۹۶ مسیحی — سنه ۲۸۳ هجری

آسیا وفات بحتری شاعر که اسم او ولید بن عباده بود و در منبج یا در حلب در گذشت وفات علی بن عباس معروف بابن
رومی شاعر محاربه عساکر المعتضد با اولاد ابی دلف محاربه عمرو بن لیث صفاری با رافع بن هرثمه در نیشابور که رافع در
این شهر باسم محمد بن زید علوی خطبه خوانده بود و گریختن رافع بطوس و تعاقب کردن عساکر عمرو او را و رفتن او بخوارزم
و کشته شدن چنانکه پیش بدان اشاره نمودیم امر کردن معتضد باینکه مطاعن معاویه و پسرش یزید و پدرش ابو سفیان را
بنویسند و مباح نمودن لعن آنها را و چون با و گفتند که اینمعنی بر اقتدار علویین که دائما بر خلفاء ظهور مینمایند می افزاید
المعتضد از اینکار در گذشت توریث ذوی الارحام بامر معتضد **اروپا** محاصره کردن طایفه اسلاو (صقالبه)
قسطنطنیه را که کار بر امپراطور قسطنطنیه تنگ شده اسرای مسلمین را که در قسطنطنیه بودند اسلحه داد که امداد او نمایند
و آنها اسلاوها را شکست دادند بعد از آن امپراطور از خوف اینکه مسلمین بر خود او حمله نمایند اسلحه آنها را گرفت و خود آنها را
در بلاد متفرق نمود **افریقا** طغج بن جف حکمران دمشق جیش پسر خمارویه را در دمشق خلع کردیم واختلاف ما بین عساکر بجهة اینکه جیش نشاد
او طفل بود و اوباش را دور خود جمع کرده و بعساکر و لشکریان تهدید مینمود و این اختلاف سبب شد که او را بکشتند و خانه
او را غارت کردند و مصر را نهب نموده بسوختند بعد هرون بن خمارویه را بجای او نشانیدند و مدت حکمرانی جیش نه
ماه بود

سنه ۸۹۷ مسیحی — سنه ۲۸۴ هجری

آسیا در اینسال منجمین گفتند از کثرت باران و طغیان آب انهار اکثر اقلیم مستغرق در آب خواهد شد بالعکس چندان کم
آبی شد که اهل بغداد بکرات باستسقا رفتند وفات اسحق بن موسی الاسفراینی الفقیه الشافعی **افریقا** اختلال احوال
هرون بن خمارویه بن احمد بن طولون در مصر و اختلاف و عصیان سرکرده های او در مخالفت با او و گسستن رشته نظام
مملکت و طغج بن جف از جانب هرون حکمرانی دمشق میکرد

سنه ۸۹۸ مسیحی — سنه ۲۸۵ هجری

آسیا آمدن المعتضد بآمد و فتح کردن آنرا بامان و این بلد در تصرف محمد بن احمد بن عیسی بن الشیخ بود پس از آن المعتضد
بقنسرین آمد و قنسرین و عواصم (سرحدات) را که ماشتکان هرون بن خمارویه بالمعتضد تسلیم نمودند و وفات ابراهیم بن
اسحق از اعیان محدثین بغداد و وزیدن باد زرد و سیاه در کوفه و باریدن بارانهای تند با رعدهای غریب و ریختن سنگهای
سیاه و سفید از آسمان در آن نواحی و وزیدن بادهای زرد و سبز و سیاه در بصره و باریدن بارانهای متوالی و آمدن تگرگ که
هر دانه از آن از قرار مذکور صد و پنجاه درهم بود دادن المعتضد ولایت اعمال آذربایجان و ارمینیه را بمحمد بن ابی الساج که
در این نواحی غلبه کرده بنای مخالفت را گذاشت

سنه ۲۸۶ هجری — سنه ۸۹۹ مسیحی

آسیا ظهور شخصی از قرامطه در بحرین که معروف بابو سعید جنابی بود و جمع شدن جمع کثیری دور او و کشتن او جماعتی را
از قطیف و قرای آن نواحی و وفات مبرد نحوی لغوی مشهور که ابو العباس محمد بن عبد الله بن زید باشد و مبرد صاحب تصانیف
مشهوره است عزل کردن المعتضد احمد بن محمد بن فرات را از دیوان مشرق و واگذار کردن این شغل را بمحمد بن داود بن الجراح
وفات ابن اخشید حکمران طرسوس که ابا ثابت بجای او برقرار کرده بود در جنگ رومیها و معمر الصغیر اسیر و کشته شد

سنه ۲۸۷ هجری — سنه ۹۰۰ مسیحی

آسیا چون عمرو بن لیث صفاری سر رافع بن هرثمه را نزد المعتضد فرستاد استدعا کرد که او را والی ماوراء النهر کند المعتضد
قبول کرده خلعت و لوائی برای او فرستاد و عمرو محمد بن بشیر را که مقدم خواص او بود بالشکری بجنگ اسمعیل بن احمد سامانی
حکمران ماوراء النهر فرستاد محمد منهزم و مقتول شد عمرو خود بجهت قتال اسمعیل کرد و اسمعیل ابرام نمود که عمرو بمملکت
وسیعه خود قانع شده متعرض ماوراء النهر نشود عمرو قبول نکرده باعساکر خود متوجه بماوراء النهر شد و از نهر بلخ
عبور کرد اسمعیل بغتةً او را دور نهاده بعد از جنگ شدیدی عمرو و لشکر او گریختند عساکر اسمعیل عمرو را گرفته نزد او آوردند
اسمعیل او را نزد المعتضد فرستاد المعتضد خلعتی برای اسمعیل فرستاد و ولایاتی را که در دست عمرو بود باو مفوض
داشت و اسمعیل بر خراسان مستولی شد و المعتضد عمرو را در بغداد محبس کرد و محبوس بود تا در سال دویست و هشتاد و نه
او را در حبس بکشتند چون محمد بن زید علوی که طبرستان متصرف بود شنید عمرو بن لیث صفاری اسیر شد بخراسان تاخت که
این مملکت را متصاحب کند و میان او و عساکر اسمعیل جنگ سختی در گرفت اتباع و لشکر محمد بن زید گریختند و خود او چند زخم
برداشته بعد از چند روز بواسطه آن زخمها درگذشت پسر او زید را که در جنگ اسیر شده بود نزد اسمعیل سامانی آوردند
اسمعیل او را اکرام نموده موسع بداشت محمد بن زید مرد ادیب فاضل شاعر نیکو سیرتی بود بعد از او الناصر للحق حسن بن علی معروف
بالاطروش بجای او برقرار آمد و وفات قطر الندی دختر خمارویه زوجه المعتضد **افریقیا** دادن ابراهیم اغلبی حکمران افریقیه
ولایت صقلیه را بپسر خود ابو العباس بن ابراهیم بن احمد بن اغلب

سنه ۲۸۸ هجری — سنه ۹۰۰ مسیحی

آسیا بروز وبای شدیدی در آذربایجان وفات محمد بن ابی الساج حکمران آذربایجان بناخوشی وبا وفات عبید الله بن سلیمان
وزیر المعتضد و دادن المعتضد شغل او را بپسرش ابو الحسین القاسم بن عبید الله وفات ثابت بن قرة بن سنان الصابی طبیب مشهور

سنه ۲۸۹ هجری — سنه ۹۰۱ مسیحی

آسیا جنگهای متوالی در شام میان طغج بن جف حکمران دمشق و قرامطه و وفات ابو العباس احمد المعتضد بن طلحة الموفق
بن جعفر المتوکل بن محمد المعتصم بن هرون الرشید در بیست و دویم ربیع الاخر که شبانه در خانه محمد بن طاهر او را دفن کردند

المکتفی هفدهمین خلیفه عباسی بود

المعتضد در ذیحجه سنه دویست و هشتاد و نه متوفی شده بود خلافتش نه سال و نه ماه سیزده روز چون درگذشت
پسر از او ماند که یکی علی المکتفی و دیگری جعفر مقتدر و سیمی هرون باشد و یازده دختر داشت شجاعت سطوت و عفت
او معروفست خلافت علی المکتفی که در وفات پدرش المعتضد در رقه بود در جمادی الاولی ببغداد آمد کشته شدن
عمرو بن لیث صفاری در حبس باشاره وزیر المعتضد بدون رضایت المکتفی زلزلهای عالی که در بغداد بروز کرد سرما در حمص و
بغداد در تابستان بطوریکه آب یخ بست باد شدید تا آب دجله بقدر پانزده ذراع و زیدن باد شدید در بصره که بسیاری
از نخلها را برکند و موضعی خسف شد که شش هزار نفر را معدوم نمود **اروپا** (انکلیس) فوت پادشاه الفرد از طائفه
ساکسن که در سمت جنوب انکلیس چند بیست سلطنت کرده بودند و طایفه دانوا در سمت شمال موسو بنواحی آنکل سلطنت
مینمودند **افریقا** وفات ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم اغلب حکمران افریقیه و برقرار شدن پسرش عبدالله بن ابراهیم
بجای او و عبدالله عادل و نیکو سیرت بود

سنه ۲۹۰ هجری — سنه ۹۰۲ مسیحی

آسیا ازدیاد شوکت قرامطه و منهزم کردن لشکر طغج بن جف حکمران دمشق را و محاصره کردن دمشق و کشته شدن بزرگ
قرامطه که یحیی معروف بشیخ بود و رئیس شدن حسین برادر یحیی بر قرامطه که خود را احمد نامید و خالی در چهره خود
پدیدار کرده اظهار داشت که این آیت و علامت منست و چون جمعیت او زیاد شد اهل دمشق مبلغی باو دادند و با او
صلح کردند و او دست از دمشق کشیده بحمص رفت و غلبه بر حمص نمود و خطبه در منابر حمص باسم او خواندند و او خود
را مهدی امیر المؤمنین نامید و ابن عم خود عبدالله را ولیعهد خود ساخت و او را المدثر لقب داد و گفت این همان
مدثر است که در قرآن مذکور است بعد بحماه و معره و آن نواحی راند و اهالی را حتی اطفال و نسوان را کشت و بسلمیه رفت
و اهل سلمیه را امان داد چون آنها تسلیم شدند شمشیر در آنها گذاشته کشت حتی اطفال مکتب خانهها را همینکه شوکت
قرمطی صاحب خال زیاد شد المکتفی از بغداد برقه آمد و بتوقف عساکر بجهة دفع او پرداخت وفات عبدالله بن احمد بن حنبل

سنه ۲۹۱ هجری — سنه ۹۰۳ مسیحی

آسیا عساکر خلیفه در دوازده میلی حماه ببزرگ قرامطه و همراهان او تاختند قرامطه منهزم شدند و بزرگ قرامطه
صاحب خال با مدثر ابن عم او و غلام رومی او فرار میکردند که دستگیر شدند و آنها را در رقه نزد المکتفی آوردند المکتفی
آنها را ببغداد آورده کشت و سر صاحب خال را در اطراف و جوانب بگردانیدند وفات قاسم بن عبدالله وزیر خلیفه
وفات ابو العباس احمد بن یحیی بن زید المعروف بثعلب (ثعلب) پیشوای کوفیین در نحو و لغت

سنه ۲۹۲ هجری — سنه ۹۰۴ مسیحی

آسیا فرستادن المکتفی لشکری بسرداری محمد بن سلیمان بدمشق و استیلای محمد بر دمشق و راندن بطرف مصر که هرون بن
خمارویه این مملکت را در تصرف داشت چون محمد بن سلیمان بمصر نزدیک شد سرکردههای هرون بن خمارویه از او اعراض
کرده بعساکر خلیفه پیوستند و هرون با بقیه لشکر خود بمقابلت و مقاتلت عساکر خلیفه بیرون آمد و میان او و
محمد بن سلیمان جنگها اتفاق افتاد آخر الامر در میان جیش خمارویه خصومت افتاد و کار بجنگ کشید هرون سوار شد
که فتنه را بخواباند یکی از مغربیها مزراقی باو زد و او را کشت (مزراق نیزه کوتاه هست) پس از کشته شدن هرون عم او
شیبان بجای او برخاست و از محمد بن سلیمان امان خواست محمد او را امان داد و شیبان نصف شب گریخت و دیگر او را
نیافتند و محمد بن سلیمان بر مصر استیلا یافت و بنو طولون را که هفده هجده نفر بودند بگرفت و اموال آنها را ضبط

نمود وخود آنها را باخبر فتح مغلولاً ببغداد فرستاد واین در ماه صفر اینسال بود وسلطنت بنی طولون منقرض شد
عزل کردن خلیفه ابو العشایر را از سرحدات ونصب کردن رستم بن بردو را بجای او وجهه عزل ابو العشایر این بود که
اندرونقس رومی مرعش وآن نواحی را غارت کرد واهالی سرحد فرار کرده بدند ناپادشدن آب دجله بحدیکه خانهائیکه
در عراق در کنار دجله بود خراب شد باتفاق در بغداد در باب الطاق از جانب شرقی در رسته صفارها که هزار دکان پرازی
مال التجاره بسوخت طلوع ستاره دنباله داری در برج جوزا که دنباله اش بسیار بلندی داشت وفات قاضی عبد الحمید بن
عبد العزیز ابو حازم قاضی المعتضد در بغداد واین قاضی از افاضل قضاة بود **اروپا** (روس) هشتاد هزار نفر روس
که بر دو هزار قایق سوار بودند بسرداری اُلغ نامی از رود دنیپر پایین آمده بقراء نکیز رسیده الی انقره رانده قسطنطنیه را
محاصره نمودند واطراف این شهر را سوزانیده جمعیت زیادی بکشتند لئون امپراطور قسطنطنیه بعد از مبلغ گزافی با آنها شهر را
نکاهداری مینماید وطایفه روس با غنائم معاودت باوطان خود مینمایند

سنه ۲۹۳ هجری — سنه ۹۰۵ مسیحی

آسیا بعد از استیلاء عساکر خلیفه بر مصر وبازکشت محمد بن سلیمان از این مملکت شخصی خارجی که او را خلیجی میگفتند در
بلاد مصر خروج کرد وشوکت زیادی بهم رسانید احمد بن کیغلغ عامل دمشق مامور دفع خلیجی کردید قرامطه میدان را خالی
دیده دمشق وطبریه را غارت کرده ومتوجه کوفه شدند المکتفی لشکری با سردارهای مخصوص خودش مثل وصیف بن صوار تکین
الترکی وفضل بن موسی بن بغا وبشر الخادم الافشینی ورائق الخزری بدفع آنها فرستاد وجنک سختی قرامطه با آنها نموده
عساکر خلیفه بکلی منهزم وبسیاری کشته شدند وغنیمت زیادی قسمت قرامطه شد وهمین اسباب علت
قوت آنها کردید وفات عبد الله بن احمد الناشی الشاعر ونصر بن احمد الحافظ وفات احمد الراوندی ابن یحیی بن
اسحق معروف بابن الراوندی که کتابها در کفر والحاد ومناقضه با شریعت ومعارضه قرآن تالیف کرده بود وعلمای اعلام
جمیع اقاویل وکتب او را با براهین قاطعه رد نموده اند وفوت او در تاریخ قاضی شهاب الدین ابن ابی الدم الحموی در این
سال نوشته اما ابن خلکان وفات او را از حوادث سنه دویست وچهل وپنج نوشته است وبعضی دویست وپنجاه هم کفته اند دادن
المکتفی ولایت موصل واعمال آنرا بابی الهیجا عبد الله بن حمدان حمدون تغلبی وشورش اکراد هذبانیه بریاست محمد بن بلال
که ابن حمدان بر آنها غالب شده ایشان را امان داد واعتنت دایر کرده بود واینست اول امارت بنی حمدان در موصل کرفتار
نمودن عساکر المکتفی بعد از جنکهای سخت خلیجی را که در مصر خروج کرده بود وآوردن او را ببغداد بامر خلیفه ومحبوس شدن
او فتح کردن اسمعیل بن احمد سامانی بعضی از بلاد ترکستان را

سنه ۲۹۴ هجری — سنه ۹۰۶ مسیحی

آسیا قرامطه بر حجاج راه عراق تاخته تمام آنها را که بیست هزار نفر بودند بکشتند واموال آنها را ضبط کردند بزرک
قرامطه ذکرویه بود المکتفی لشکری بسر آنها فرستاده با آنها جنک کردند وجمع کثیری از آنها بکشتند وذکرویه زخمدار
اسیر شد وپس از شش روز بمرده او را بریدند وببغداد آوردند ودر شهر بکردانیدند وفات محمد بن نصر مروزی
صاحب تصانیف کثیره در سمرقند **اروپا** جنک ابن کیغلغ در بلاد رومیه الصغری وغلبه او بر رومیها که بسیاری را
بکشت وبعضی شهرها را فتح کرد

سنه ۲۹۵ هجری — سنه ۹۰۷ مسیحی

آسیا وفات اسمعیل بن احمد بن اسد السامانی پادشاه ماوراء النهر در ماه صفر وبرقرار شدن پسرش ابونصر

احمد بن اسمعیل بجای او و با مضای المکتفی و فات المکتفی بالله ابو محمد علی بن المعتضد بالله ابی العباس احمد بن الموفق بالله که مدت خلافتش شش و سال و شش ماه و نوزده روز بود و عمرش سی و سه سال و در خانه محمد بن طاهر مدفون شد خلافت المقتدر بالله ابو الفضل جعفر بن المعتضد هیجدهمین خلیفه عباسی که در بنوقت سیزده ساله بود و فات ابو جعفر محمد بن احمد بن نصر الزمدی فقیه شافعی محدث (چین) طایفه تنک که سیصد سال بود در ین مملکت سلطنت میکردند منقرض شدند و طایفه هولی لگ بجای آنها برقرار آمدند

سنه ۲۹۶ هجری — سنه ۹۰۸ مسیحی

آسیا خلع کردن سرداران لشکر و قضاة المقتدر را و بیعت کردن با عبد الله بن معتز و ملقب نمودن او را بالراضی بالله و وقوع منافشه و محاربه میانه غلامانیکه هواخواه مقتدر بودند و غلامانیکه بالراضی بالله میل داشتند که آخر الامر ابن معتز منهزم شد و پنهان گردید و اتباع او متفرق شدند پس از آن ابن معتز گرفتار و محبوس گشت و در شب دو ربیع الثانی بود ناد در زندان او را طناب انداختند و چنین شهرت دارند که او باجل موعود در گذشت عمر ابن معتز تقریبا چهل و نه سال و او مرد فاضل شاعری بود مدت خلافتش یکروز و زلزلهٔ بزرگی در بغداد که از صبح تا عصر میبارید و چهار انگشت بر روی زمین نشست و سرمای شدید شد و لاینه یوسف بن ابی الساج در ارمنیه و آذربایجان **اروپا** جنگ مونس مظفر در بلاد رومیه الصغری و غلبه او بر رومیها **افریقا** ابو نصر زیادة الله بن عبد الله بن ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب که در سال دویست و نود سلطان افریقیه بود قبل از انکه پادشاه شود پدرش بجهة شرب خمر او را حبس کرده او با سه نفر صقالبه بر قتل پدرش اتفاق کرده آنها عبد الله پدر زیادة الله را بکشتند و سرش را در زندان نزد زیادة الله بردند چون او سلطان شد حکم کرد قاتلین پدرش را کشتند و از آنجا که ابو نصر زیادة الله در استیفای لذات ولوع بود و بیشتر بصحبت اهل هزل مشغول و بر هر کس از اغالبه از اعمام و برادران خود دست مییافت میکشت و در امر مملکت اهمال میکرد ابی عبد الله شیعی که دعوت بدولت علویه فاطمیه مینمود در مغرب قوی شد زیادة الله جمیع لشکر خود را که چهل هزار نفر بودند بسرداری ابراهیم نامی از بنو اعمام خود بجنگ ابی عبد الله شیعی فرستاد ابو عبد الله آنها را منهزم کرد زیادة الله چون دید نمیتواند مقابل ابی عبد الله بایستد هر قدر توانست از اموال خود را برداشت و بطرف مشرق مملکت خود رفت و در اینسال بمصر آمد نوشری عامل مصر بود ماجری را بالمقتدر نوشت و زیادة الله بر قهر آمد المقتدر او را حکم کرد که بمغرب باز گردد و بنوشری نوشت که او را امداد نماید تا مملکت خود را مسترد سازد زیادة الله بمصر آمد و نوشری باو گفت که در خارج بلد اقامت نما تا تهیه کمک برای تو نمایم و در ترتیب امداد اهمال کرد و مع ذلک زیادة الله بشرب خمر و ملاهی مداومت داشت و طول کشید و از کمک اثری بظهور نرسید همراهان زیادة الله متفرق گردیدند و امراض بر مزاج او غالب آمد بقصد اقامت در قدس شریف حرکت کرد و در رمله مرده همانجا مدفون شد و دولت بنی اغلب منقرض گردید و دیگر کسی از آنها در مغرب نماند و مدت سلطنت بنی اغلب تقریبا صد و دوازده سال بود پس در اینسال خلافت خلفاء علویین در مغرب شروع نمود و در پانصد و شصت و هفت در مصر منقرض شد چنانکه بیاید و اول شخص از خلفای علویین ابو محمد عبید الله بن محمد بن عبد الله بن میمون بن محمد بن اسمعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعضی عبید الله بن احمد بن اسمعیل الثانی بن محمد بن اسمعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام گفته اند و در نسب ایشان علماء زیاده از حد اختلاف کرده اند بر حتی آنها را علوی ندانسته جماعتی گویند بلاشک علوی میباشند شریف الرضی رحمه الله تصدیق به علوی بودن آنها کرده چنانکه گوید (البس الذل فی بلاد الاعادی   و بمصر الخلیفة العلوی) خلاصه

عبید الله که اولین خلیفه علوی و مشهور بمهدی باشد با پسرش در سجلماسه در حبس بود

چون ابو عبد الله شیعی بر افریقیه استیلا یافت برادر خود ابو العباس و ابو زاکی را در افریقیه جانشین کرده بسجلماسه آمد و در
این وقت الیسع حکمران سجلماسه بود چون ابو عبد الله شیعی بسجلماسه نزدیک شد الیسع بمقاتله او شتافت ولی تاب مقاومت نیاورده
نیم شبی بکریخت ابو عبد الله شیعی داخل سجلماسه شد و مهدی و پسرش را از زندان بیرون آورد و آنها را سوار کرد و خود ابو عبد الله
و سران قبایل پیاده پیش آنها میرفتند و ابو عبد الله اشاره بمهدی میکرد و بمردم میکفت اینست آقای شما و مهدی از شدت
فرح کریه میکرد خلاصه رفتند تا فسطاط و چون مهدی مستقل شد فرستاد الیسع را آوردند و بکشتند بعد مهدی متوجه
افریقیه شده در ربیع الاول دویست و نود و هفت برقاده رسید و در آنجا برقرار کرده مالیات معین نمود و عمال باطراف
فرستاد و حسن بن احمد بن ابی حفص را بر جزیره صقلیه حاکم کرد و بسلطنت مهدی دولت بنی اغلب در افریقیه و دولت بنی مدرار
حکمرانان سجلماسه و دولت بنی رستم از تاهرت زوال یافت مدت حکمرانی بنی مدرار صد و سی سال و مدت ملک بنی رستم صد و
شصت سال بود و چون با وجود مهدی حکمی برای ابو عبد الله شیعی و ابو العباس برادرش نماند آنها دلتنگ شده و بسمع
مهدی رسید که ابو عبد الله و ابو العباس بمردم میکویند این آن مهدی نیست که ما شما را باو دعوت کردیم لهذا آنها را طلبید
و بکشت

۲۹۷ سنه هجری ۹۰۹ سنه مسیحی

آسیا وفات ابو عبد الله محمد بن سالم صاحب سهل بن عبد الله التستری و فیض بن الخضر و ابو بکر محمد بن داود بن علی الاصفهانی
الفقیه الظاهری و موسی بن اسحق القاضی و قاضی ابو محمد یوسف بن یعقوب بن حماد **اروپا** فرستادن المقتدر قاسم بن
سیما را بجنک رومیهای ومیه الصغری **افریقیا** وفات عیسی النوشری در مصر و برقرار کردن المقتدر تکین خادم را
بجای او

۲۹۸ سنه هجری ۹۱۰ سنه مسیحی

آسیا وفات ابو القاسم جنید بن محمد الصوفی البغدادی که پیشوای وقت خود بود و فقه را از ابی ثور مصاحب شافعی اخذ
کرده و تصوف را از سری سقطی استیلای ابو نصر احمد بن اسمعیل السامانی بر سجستان زلزله در کوفه و بغداد که بسیاری
از خانه ها را خراب کرد **اروپا** بیعت کرفتن ابو عبد الله علوی از مسلمانهای سیسیل

۲۹۹ سنه هجری ۹۱۱ سنه مسیحی

آسیا کرفتن المقتدر وزیر خود ابو الحسین بن فرات را و غارت کردن خانه او را و هتک در حرم او و برقرار شدن
ابو علی محمد بن یحیی بن عبید الله بن خاقان و این وزیر حالت غریبی داشت یعنی اولاد او بر او غلبه داشتند و هر کس که با آنها رشوه
میداد در کار او سعی میکردند لهذا بر عکس عمال اعمال تغییر مینمود چنانکه در مدت بیست روز هفت حاکم در ماه کوفه
حکومت کردند که متوالیا یکی معزول و دیکری بجای او منصوب میشد و مع ذلک خلیفه بکفته نسوان و خدام عمل و کار
میکرد و اینمعنی اسباب هرزکی شد وفات ابو الحسن محمد بن احمد بن کیسان النحوی که عالم بنحو بصریین و کوفیین هر دو بود
وفات اسحق بن حنین الطبیب زلزله شدیده در مصر و کوفه **اروپا** جنک رستم حکمران ثغور با رومیهای ومیه الصغری
افریقیا زلزله شدید در قیروان که هرکز نظیر آن را ندیده بودند

۳۰۰ سنه هجری ۹۱۲ سنه مسیحی

آسیا عزل کردن المقتدر ابا علی محمد بن یحیی بن عبید الله بن خاقان وزیر خود را و نصب کردن علی بن عیسی را بجای او
عصیان اهل سجستان نسبت بابو نصر سامانی که دو باره در تحت اطاعت او در آمدند اطاعت اهل صقلیه بالمقتدر

که باز از او و کردان شده مطیع مهدی علوی شدند کثرت امراض و علل در بغداد و وفات عبید الله بن عبد الله بن طاهر بن
الحسین در شصت و هفت سالگی و وفات یحیی بن علی بن یحیی منجم معروف بندیم **اروپا** (اسپانیول) وفات عبد الله بن
محمد بن عبد الرحمن بن حکم بن هشام بن عبد الرحمن داخل پادشاه اسپانیول در چهل و دو سالگی که بیست و پنج سال و
کسری سلطنت کرد و یازده اولاد ذکور بهم رسانید از جمله محمد مقتول بود که پدرش بجنایتی او را بکشت و بعد از فوت
عبد الله عبد الرحمن سیم که بعدها معروف به الناصر شد و پسر محمد مقتول بود بموجب ولایت عهد بجای عبد الله پادشاه
اسپانیول گردید و اعمام او و اعمام پدر او بدون اینکه هیچگونه مخالفتی اظهار کنند تمکین او نمودند در هفدهم ژون
در اسپانیول کسوف کلی روی داد (قسطنطنیه) لئون سیم امپراطور قسطنطنیه فوت کرد و پسرش قسطنطین که
هفت ساله بود بجای او جلوس کرد (فرانسه) طایفه نرمانها که اغلب نقاط فرانسه را متصرف بودند قبول دین عیسوی
کردند (روس) الغ پادشاه روس مطالبه خراج از امپراطور قسطنطنیه میکند و ایجاد قانون در میان طایفه خود
مینماید

سنه ۳۰۱ هجری — سنه ۹۱۳ مسیحی

آسیا کشته شدن ابو نصر احمد بن اسمعیل سامانی پادشاه خراسان و ما وراء النهر در شکارگاه که شب بعضی از غلامان
او او را بر روی تختگاه او کشتند و فرار کردند و این در شب جمعه بیست و ستم جمادی الاخره بود و حمل کردن جسد او را
بنجارا و دفن کردن در این شهر و گرفتن بعضی از غلامان او را و کشتن آنها و جلوس پسرش ابو الحسن نصر بن احمد در
سن هشت سالگی بجای او و کشته شدن ابو سعید حسن بن بهرام جنابی بزرگ قرامطه در حمام بدست یکی از خدام او که
صقلبی بود و چون آن خادم او را کشت از حمام بیرون آمده بیکی دیگر از بزرگان قرامطه گفت که ابو سعید ترا احضار کرده
او نیز داخل حمام و بدست آن غلام کشته شد و بهمین طور آن غلام چهار نفر از روسای قرامطه را کشت بعد از آن
قرمطیها ملتفت شده جمع شدند و آن غلام را کشتند و ابو سعید جنابی پسر بزرگ خود سعید الاکبر را ولیعهد کرده بود
اما سعید از عهده برنیامده برادر کوچک او ابو طاهر سلیمان که شجاعت و دلیری داشت مباشر مهام امور شد و وقتی
که ابو سعید کشته گشت بر هجر و احسا و قطیف و سایر بلاد بحرین استیلا داشت استیلاء حسن بن علی بن حسن بن عمر بن علی بن
الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام معروف باطروش بر طبرستان و منهزم شدن محمد بن ابراهیم صعلوک عامل امیر نصر بن احمد
سامانی از او و وفات قاضی ابو عبد الله محمد بن احمد المقری الثقفی و وفات محمد بن یحیی بن منده حافظ مشهور صاحب تاریخ اصفهان
که یکی از حفاظ و ثقات و از خانواده بزرگی بود که جماعتی از علماء از آن خانواده بیرون آمدند **اروپا** (روس) وفات الغ
پادشاه روس و جلوس ایغور بجای او **افریقا** فرستادن مهدی علوی لشکر بسرداری پسر خود ابو القاسم ببلاد مصر و
استیلای آنها بر اسکندریه و فیوم که المقتدر قشونی بسرکردگی مونس بن خادم مامور نمود و آنها را از دیار مصر راندند

سنه ۳۰۲ هجری — سنه ۹۱۴ مسیحی

آسیا گرفتن المقتدر حسین بن عبد الله جوهری معروف بابن جصاص را که انواع اموال از او اخذ کرده و قیمت آنها معادل
چهار هزار هزار دینار بلکه زیادتر بود با انتها رسیدن تاریخ ابی جعفر طبری و وفات ابو سعید فاطمی رئیس قرامطه وفات
علی بن احمد بن منصور شاعر معروف ببسامی که از اعیان شعرا و کثیر الهجا بود و بعضی فوتش را در سال قبل نوشته اند
اروپا (روسیه الصغری) پادشاه سیمئون (بلغار) شهر ادرنه را مفتوح ساخته از تصرف سلاطین قسطنطنیه خارج میکند
(اسپانیول) عبد الرحمن سیم پادشاه اسپانیول تغییر سکه میدهد تا اینوقت اسامی سلاطین در مسکوکات نبود از این

بعد اسم سلاطین مسلمان اسپانیول بخطاب امامی در مسکوکات نقش میشود و در خطبه لقب خلیفه که بخود دادند **افریقا** فرستادن مهدی علوی لشکری بسرکردگی حباشه (حباشه) در دریا و استیلاء آن لشکر براسکندریه که المقتدر مونس خادم مامور این نواحی نموده در میانه مصر و اسکندریه چهار مرتبه با لشکر مهدی جنگ کردند و جمع کثیری از طرفین کشته شدند آخر الامر مغربیها منهزم شده ببلاد خود باز گشتند

سنه ۳۰۲ هجری — سنه ۹۱۴ مسیحی

آسیا وفات ابو عبد الرحمن احمد بن علی بن شعیب النسائی صاحب کتاب السنن در مکه و ابو عبد الرحمن از پیشوایان و حافظ و محدث بود و بین صفا و مروه مدفون شد وفات ابو علی محمد بن عبد الوهاب الجبائی المعتزلی گرفتار شدن حسین بن حمدان نائب المقتدر و گرفتن المقتدر ابو الهیجاء بن حمدان و جمیع برادران او را و حبس نمودن آنها وقوع یافتن در بغداد در چند محل که بسیاری از اماکن را بسوزانید **اروپا** (ایطالیا) برانگیزانیدن پاپ پادشاه این مملکت از طرف پاپ بلقب امپراطور نایل گردید (در رومیه الصغری) تاختن رومیها بر ثغور و آمدن بحصن منصور و نهب و غارت کردن انچه را که در این حصن بود **افریقا** اختیار کردن مهدی علوی موضع شهر مهدیه را در ساحل دریا و آن موضع عبارت بود از جزیره متصل بر هیئت کف دستی که متصل بزمین باشد و مهدیه را در آن بنا کرد و دار الملک خود قرار داد و قلعه بسیار محکم و دروازه های عظیم برای آن بساخت و ابتدای بنای مهدیه در روز شنبه پنجم ذیقعده بود همینکه مهدیه تمام شد بواسطه حصانت آن مهدی گفت حالا من از باب فاطمیه اطمینان بهم رسانیدم

سنه ۳۰۳ هجری — سنه ۹۱۵ مسیحی

آسیا وفات الناصر العلوی که او را اطروش میگفتند و در سال سیصد و یک طبرستان را متصرف شد بعد از او داماد او حسن بن قاسم العلوی ملقب بداعی بجای اطروش و در سال سیصد و شانزده حسن وفات نموده سلطنت علویین در طبرستان منقرض شد وفات یوسف بن حسین بن علی الرازی مصاحب ذو النون مصری عزل شدن علی بن عیسی از وزارت المقتدر و وزارت ابو الحسن علی بن الفرات ثانی **اروپا** جنگ کردن مونس مظفر در بلاد رومیه الصغری که قلاع و حصون بسیار در این بلاد فتح کرد

سنه ۳۰۴ هجری — سنه ۹۱۶ مسیحی

آسیا آمدن دو سفیر از جانب سلطان روم ببغداد که در روز شرفیابی حضور المقتدر تزیینات و تشریفات بسیار منظور داشته بودند از جمله صد و شصت هزار عسکر سواره و پیاده صف کشیده بودند و غلامها با زینتها و کمرهای مرتب ایستاده همچنین خواجه ها و چهار هزار خادم سفید و سه هزار خادم سیاه و هفتصد نفر حاجب همه با لباسهای فاخر و کشتیها و قایقهای زیاد زینت نموده در شط انداخته بودند و شهر را نیز آراسته و سی و هشت هزار پرده آویخته که از جمله دوازده هزار و پانصد پرده زری بود و از تجملات بسیار که آنروز سفرا دیدند درختی بود که از طلا و نقره ساخته بودند و اوراق درخت نیز از طلا و نقره بود و مرغها و گنجشکهای طلا و نقره بر شاخه ها قرار داده و درخت بطور تناسب حرکت میکرد و مرغها نیز بترتیب موزون میخواندند و چون سفرا بحضور خلیفه باریافتند سؤال و جواب ایشان را وزیر واسطه و مبلغ بود وفات ابو جعفر محمد بن عثمان العسکری معروف بسمان رئیس امامیه که نزد همه معروف و مدعی بود که باب امام منتظر است استخلاص ابو الهیجا عبد الله بن حمدان و برادران و کسان او از حبس خلیفه **اروپا** مامور شدن ثمال (ثمل) خادم بجنگ بحری با رومیهای رومیه الصغری و جنگ کردن جنی صفوانی در بلاد همین مملکت

و هیجده شاخه داشت

سنه ۳۰۶ هجری — سنه ۹۱۸ مسیحی

آسیا عزل کردن المقتدر ابن فرات را از وزارت و وزارت حامد بن العباس امر کردن المقتدر بساختن مریضخانه در بغداد و قرار دادن مخارج زیاد بر آن و اینمریضخانه معروف به بیمارستان مقتدری شد وفات قاضی محمد بن خلف بن حیان ابو بکر ضبی معروف بوکیع که عالم با خبار ناس و صاحب تصانیف حسنه بود وفات ابو العباس احمد بن سریج فقیه شافعی از بزرگان شافعیه و پیشوایان که او را باز اشهب میگفتند و او در شیراز قضاوت یافت و مصنفات او بچهار صد کتاب رسید و مذهب شافعی از او منتشر در آفاق شد گویند در راس هر مائه خداوند شخصی را بر میانگیزاند که احیای سنت و رفع بدعت کند و در راس اول مائه هجری عمر بن عبد العزیز و در راس مائه دویم شافعی و در راس مائه سیم باز اشهب نمودار شد **اروپا** جنگ ثمل خادم در بحر روم و غزو بشر افشینی در بلاد روم و مطمورة الصغری و گرفتن او حصون بسیار در این بلاد **افریقا** استیلاء عساکر مهدی علوی بر اسکندریه و بعضی اماکن صعید مصر بواسطه سفاین که مونس خادم را المقتدر از بغداد بدفع آنها مامور کرده با امداد کشتیهای طرسوس عساکر مهدی را مغلوب و بسیاری را مقتول نمود و مونس در این واقعه ملقب بالمظفر شد و بقیة السیف لشکر مهدی علوی بافریقیه برگشت بعد از آنکه دچار وبا و غلا بودند

سنه ۳۰۷ هجری — سنه ۹۱۹ مسیحی

آسیا ظهور اغتشاش در بغداد بواسطه تسعیر غله و احتکار آن که بسبب باز کردن درانبارهای غله رفع غلا و فتنه شد با نقبین در محله کرخ بغداد که بسیاری از انبارها بسوخت **آسیا** (اسپانیا) غالب بن حفصون که با چهار پادشاه مسلمان اسپانیول سی و شش سال یاغیگری میکرد در اینسال وفات نمود (روس) غلبه طایفه جنگل نشین که در سواحل رود ولگا بودند بایغر پادشاه روس و مصالحه بین الطرفین **افریقا** انقراض دولت آل ادریس در مغرب و غلبه عبد الله بن حبوس بر یحیی بن ادریس بن عمر بن ادریس بن ادریس آخرین سلطان آل ادریس در فاس بعد از آن حسن بن محمد بن قاسم بن ادریس بن ادریس ظهور کرد و خواست دوباره دولت آل ادریس را برقرار کند اما چون کار مهدی علوی رو باقبال بود حسن مذکور زیاده از دو سال سلطنت نکرد و دولت آل ادریس در جمیع مغرب اقصی منقرض شد و غالب افراد سر را گرفتند و نزد مهدی علوی و پسر او آوردند مگر آنها که پناه بکوهها بردند در سال سیصد و چهل ادریس نامی از اولاد محمد بن قاسم بن ادریس بن ادریس ظهور کرد و دوباره این شخص امامت را برای خانواده آل ادریس برقرار نمود که سال انقراض آنها را نیز بعد ها ذکر خواهیم نمود پس از آنها عبد الملک بن منصور بن ابی عامر بر عدوه غلبه کرد و خطبه در این بلاد باسم بنی امیه خواند و همینکه مراجعت باندلس نمود دولت او در بر العدوه متزلزل گردید و بنوا ابی العافیه الزناتیون بر فاس غلبه نمودند تا وقتیکه یوسف بن تاشفین امیر مسلمین در این بلاد استیلا یافت

سنه ۳۰۸ هجری — سنه ۹۲۰ مسیحی

آسیا خلعت دادن المقتدر بابی الهیجا عبد الله بن حمدان و او را مامور راه خراسان و دینور کردن و خلعت دادن برادران او وفات ابراهیم بن حمدان نقل بدر الشرابی از موردتوقا و عکبرا و راه موصل را احمد بن فرستاده برادر صعلوک با تحف و هدایا نزد المقتدر و اظهار انقیاد دائمی او نسبت بخلافت

سنه ۳۰۹ هجری — سنه ۹۲۱ مسیحی

آسیا کشته شدن لیلی بن نعمان دیلمی که یکی از سرکرده های اولاد اطروش علوی بود و از جانب حسن بن قاسم داعی ولایت جرجان داشت در جرجان حمویه بن علی سردار امیر نصر سامانی که سر او را ببغداد فرستادند کشته شد حسین بن منصور

حلاج صوفی در بغداد بفتوای قاضی ابی عمر که حامد وزیر چون اصراری بکشتن حسین بن منصور داشت عنفاً فتوای
قتل او را از قاضی گرفت و نزد خلیفه فرستاده اذن کشتن حسین را بخواست خلیفه اذن داد حامد هزار تازیانه بمنصور زد و دست
و پای او را برید و در آتش سوزانید و سر او را در بغداد در محلی نصب کرد و کرامات بسیار از حسین بن منصور نوشته اند
وفات ابو العباس احمد بن محمد بن سهل بن عطاء صوفی از کبار مشایخ و علمای متصوفه وفات ابراهیم بن هرون الحرانی الطبیب
فرستادن المقتدر بالله سفرائی نزد طایفه بلغار که در حوالی رود ولگا بودند و رئیس سفراء ابن فضلان بود و مقصود از این سفارت
دعوت طایفه بلغار است بدین اسلام و ابن فضلان اول شخصی است که تاریخ روس را بزبان عرب نوشت و تا این وقت هیچ
تاریخی از ملت روس مدون نشده بود **اروپا** (اسپانیول) غلبه عبدالرحمن سیم پادشاه اسپانیول بر سلاطین عیسوی
که بر ضد او میجنگیدند و عبور او از کوه پیرنه و ورود و گردش او بخاک فرانسه و محاصره شهر تولوز و در مراجعت باسپانیول بواسطه
غنیمت زیاد دیگر عساکر آورده و سنگین بار شده بودند و در یک دره تنگی طایفه ناوار بر آنها تاخته جمعیت زیادی از آنها بقتل رسانیدند

سنه ۳۱۰ هجری — سنه ۹۲۲ مسیحی

آسیا وفات ابو جعفر محمد بن جریر طبری صاحب تاریخ طبری و تفسیر طبری در بغداد و تاریخ طبری از اول عالم است تا آخر
سال سیصد و دو هجری و تفسیر طبری بهترین تفسیرهاست و ابو جعفر فقیه و عالم و عارف باقاویل صحابه و تابعین بود و مصنفات
رائقه او راست که همه قابل تمجید است وفات ابوبکر محمد بن سری بن سهل نحوی معروف بابن سراج که یکی از علمای بزرگ نحو
بود و اخذ علم از ابو العباس مبرد کرده و جمعی نیز از او استفاضه نموده اند از جمله ابو سعید سیرافی و علی بن عیسی
الرمانی و غیرهما میباشند و ابن سراج صاحب مصنفات مشهوره است و با وجود فضایل در حرف راء لثغه داشته
و راء را غاء تلفظ میکرده رها کردن المقتدر بشفاعت مونس خادم یوسف بن ابی الساج را و خلعت دادن
و دادن حکومت ری و قزوین و ابهر و زنجان و آذربایجان را باو با اینکه سالی پانصد هزار دینار به بیت المال
بفرستد علاوه بر جیره و مواجبی که بعساکر متوقفه در این ولایات باید بدهد ظهور ذو ذنب عظیم در برج
سنبله که تقریباً ذنب او دو ذراع بنظر می آمد **اروپا** جنگ مسلمین با رومیها در آسیة الصغری براً و بحراً

سنه ۳۱۱ هجری — سنه ۹۲۳ مسیحی

آسیا شبیخون زدن ابو طاهر سلیمان بن ابو سعید جنابی بزرگ قرامطه با قرامطه ببصره و بالا رفتن از دیوارهای
بلد و کشتن حاکم بصره که هفده روز قرامطه در بصره مانده مردم را میکشتند و اموال از بصره حمل مینمودند وفات
ابو محمد احمد بن محمد بن الحسین الجریری از مشاهیر مشایخ صوفیه و ابراهیم بن سری الزجاج النحوی صاحب کتاب
معانی القرآن وفات محمد بن زکریا الرازی طبیب مشهور و مجدد در جوانی عود میزد همینکه ملتحی شد گفت آوازیکه
از میان شارب و ریش بیرون آید خوش آیند نیست و عمل خود را ترک کرده بنای تحصیل طب و فلسفه گذاشت و عمر
زیاد کرده و در علم بمقامی بلند رسید و کتب نافعه در طب نوشت که یکی از آنها حاوی و در سی مجلد بوده و یکی کتاب المنصوری
و یکی مختصر نافع که برای یکی از ملوک سامانی نوشته و علاوه بر کتب طبیه و فلسفه سفرنامه محمد رازی نوشته و شرح سیاحت
خود را در اغلب بلاد آسیا و شامات و مصر حتی اسپانیول در آن درج نموده است تولد محمد بن زکریا در خراسان شده است
اروپا (قسطنطنیه) طایفه بلغار یکه در سمت دانوب بودند بعد از تصرف مقدونیه و اترانس شهر قسطنطنیه
را محاصره کردند ولی بشفاعت کشیش اعظم قسطنطنیه دست از محاصره کشیده مراجعت نمودند

سنه ۳۱۲ هجری — سنه ۹۲۴ مسیحی

آسیا گرفتن ابوطاهر قرمطی حجاج را و اخذ کردن مال بسیاری از آنها و هلاک شدن اکثر حجاج از گرسنگی و تشنگی گرفتن المقتدر وزیر خود ابوالحسن بن فرات را که پس از گرفتن در قتل او سعایت کردند و خلیفه حکم بکشتن او کرد او و پسرش محسن را بکشتند و عمر ابن فرات هفتاد و یکسال بود و عمر پسرش محسن سی و سه سال و بعد از ابن فرات ابوالقاسم خاقانی وزیر شد راندن ابوطاهر قرمطی بکوفه و شمشیر گذاشتن در میان اهالی و شش روز و در آنها ابوطاهر داخل شهر شده حمل اموال و ثیاب از این بلد مینمودند و شبها باردوی خود میرفت آمدن سفیر سلطان روم نزد المقتدر با هدایای وافره و طلب صلح نمودن ظهور مردی در کوفه که مدعی بود باینکه محمد بن اسمعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام است و رئیس اسمعیلیه میباشد خلاصه جمع کثیری دور او را گرفته و کار او بالا گرفت لشکری از بغداد بمقاتله او مامور شده و بسیاری از تبعه او را بکشتند و بقیة السیف فرار کردند
اروپا (انگلیس) اتهلستان بسلطنت مستقله تمام انگلستان جلوس نمود (رومیة الصغری) جنگ موتس مظفر در بلاد روم و فتح چندین قلعه و جنگ بحری نیز با اهالی همین مملکت و اخذ غنایم کثیره

سنه ۳۱۳ هجری — سنه ۹۲۵ مسیحی

اسیا عزل ابوالقاسم الخاقانی از وزارت المقتدر و وزارت ابوالعباس الخصیبی وفات عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز البغوی که صد و دو سال عمر داشت وفات علی بن محمد بن بشار الزاهد **افریقا** جنگ عساکر صقلیه بسرداری سالم بن راشد باتفاق لشکر همکاعلوی با رومیها که بعضی بلاد جزیره صقلیه و قلوریه را متصرف بودند

سنه ۳۱۴ هجری — سنه ۹۲۶ مسیحی

اسیا مامور کردن المقتدر یوسف بن ابی الساج را بتقلد امور نواحی مشرق و رفتن بواسط بجنگ قرامطه و یوسف مذکور در آذربایجان بود و از اینجا بواسط بمقاتله قرامطه رفت استیلای نصر بن احمد سامانی بری که پس از دو ماه اقامت در این بلد ببخارا برگشت فساد عرب در خاک موصل و راه خراسان و نوشتن عبدالله بن حمدان که در بغداد بود بپسر خود ناصرالدوله که در موصل بود که دفع این فساد را نماید و اطاعت و انقیاد عرب بعد از مقاتله با عساکر ناصرالدوله و ملاحظه شوکت و قوت او عزل ابوالعباس الخصیبی وزیر المقتدر و وزارت علی بن عیسی انجماد دجله در حوالی موصل از شدت سرما بحدیکه از روی آن عبور میکردند وفات وزیر ابوالقاسم الخاقانی **اروپا** آمدن رومیهای رومیة الصغری بملطیه و حوالی آن که دمستق و ملیح ارمنی با آنها بود و جنگ سختی میان آنها و اهل ملطیه اتفاق افتاد و اهل ملطیه آنها را دفع کرده نگذاشتند بر شهر ظفر یابند ولی خرابی زیاد در آنجا وارد کردند

سنه ۳۱۵ هجری — سنه ۹۲۷ مسیحی

اسیا وصول قرامطه بکوفه و راندن یوسف بن ابی الساج از واسط بجنگ آنها با لشکری جرار که تقریبا چهل هزار نفر بودند و قرامطه هزار و پانصد نفر یعنی که هفتصد سوار و هشتصد پیاده بودند همینکه ابن ابی الساج قلت عدد آنها را دید بنظر حقارت در آنها دید و گفت بخلیفه فتحنامه بنویسید زیرا که اینها از جنگ من جان بدر نخواهند برد از قضا چون بقتال پرداختند عساکر خلیفه منهزم شدند و یوسف بن ابی الساج دستگیر شد و ابوطاهر قرمطی او را بکشت و مستولی بر کوفه شد و اموال زیاد از آن شهر بگرفت بعد المقتدر

لشکر زیادی با مونس خادم بجنگ قرمطیها مامور کرد اما اکثر این عساکر قبل از ملاقات با طرف مقابل فرار کردند و باقی هم بعد از تلاقی فئتین کریختند و بدین واسطه خوفی از قرامطه و غارتگری (یعنی) غالب بلاد فراتیه را در دل اهل بغداد پدیدار آمد پس از آن قرامطه بهجر معاودت کردند استیلای اسفار بن شیرویه که از ملازمان ماکان بن کالی دیلمی بود بر جرجان
اروپا (اسپانیول) ظفر یافتن عبد الرحمن سیم بر اهل طلیطله (تلد) بعد از طول محاصره و خراب کردن بسیاری از عمارات این بلد را و اینشهر چهل و دو سال بتصرف غالب بن حفصون و اولاد او بود و آنها بر سلاطین مسلمان اسپانیول یاغی بودند نادرا بنسال مجددا اینشهر مسخر سلاطین مشار الیهم شد **افریقا** فرستادن مهدی علوی حکمران افریقیه لشکر جراری با پسرش ابو القاسم از مهدیه بمغرب و سبب سوقش این بود که محمد بن خرز الزناتی بر جلیشی از کتامه ظفر یافته و خلق کثیری را کشته بود و عسکر مهدی تا آنطرف تاهرت راند و دشمنان بعد از حرکت این لشکر متفرق شده بودند ابو القاسم از این سفر باز کشت با نیزه خود نقشه شهری را کشیده امر بنای آن نمود و آن را محمدیه نامید و جمع کثیری برای سکنی باینشهر آمدند و در این نواحی جز محمدیه شهری نبود

سنه ۳۱۶ هجری — سنه ۹۲۸ مسیحی

آسیا داخل شدن قرامطه برحبه غارت کردن و اسیر بردن و رفتن برقه و نهب نمودن محلات بیرون شهر را و راندن نسیجار و اسیمان اهالی سجار را آنها و امان دادن قرمطیها اهل سجار را و تاراج کردن آبادیهای کوهستان و غیره را و مراجعت کردن بهجر عزل کردن المقتدر علی بن عیسی وزیر را و کرفتن و وزارت ابو علی بن مقله اول شخص در خط نسخ

ابتدای امر مرداویج

اسفار بن شیرویه در سنه سیصد و پانزده بر جرجان استیلا یافت و از ملازمان اسفار سرکرده بود که بر سایر سرکرده ها تقدم داشت و او را مرداویج بن زیار دیلمی میکفتند بعد از آنکه اغلب لشکریان در خفا با مرداویج بیعت کردند او بر اسفار خروج نمود اسفار کریخت مرداویج بطلب او شتافت و او را دریافت و کشت و در این سال شروع بتملک بلاد نمود و قزوین و ری و همدان و کنکور و دینور و بروجرد و قم و کاشان و اصفهان و کلپایکان را مسخر کرد و تختی از طلا ساخته بر آن جلوس میکرد و عساکر او در مقابل او از دو رصف میکشیدند و با کسی مکالمه نمیکرد مکر با حاجبها یکه مخصوص اینکار قرار داده بود و آنها واسطه سؤال و جواب او با هر کسی بودند بعد ها مرداویج بر طبرستان هم غلبه نمود کشته شدن حسن بن قاسم الداعی بدست عساکر اسفار بن شیرویه
اروپا (قسطنطنیه) دمستق با لشکر جراری از جانب امپراطور قسطنطنیه آمده خلاط را محاصره کرد اهل خلاط طالب مصالحه شدند دمستق کفت بشرط اینکه منبر مسجد جامع را از جای خود بر کنده خاجی بجای او قرار دهید اهالی خلاط چنان کردند دمستق از آنجا به بدلیس راند و با اهالی بدلیس همین معامله نمود (دمستق اسم یکی از بلاد نیست که در مشرق خلیج قسطنطنیه واقع است و بعید نیست که معرب دُمِستیک باشد که در لغت فرانسه بمعنی نوکر است)

سنه ۳۱۷ هجری — سنه ۹۲۹ مسیحی

آسیا در اینسال المقتدر بالله را از خلافت خلع کردند و جهت این بود که لشکریان بواسطه غلبه نسوان و خدام بر امور دولتی و تصرفشان در اموال و املاک از المقتدر رنجیدند و وحشت مونس خادم نیز مزید علت شد

بنابراین

بنابراین عساکر نزد مونس خادم جمع شده قصد دار الخلافه کردند و مقتدر را با مادر و خاله و خواص جواری و
اولادش از بیت الخلافه بیرون آورده بخانهٔ مونس بردند و بند نهادند و برادر المقتدر محمد بن المعتضد را بخلافت برداشتند
و با او بیعت کردند و القاهر بالله لقب دادند و المقتدر را وا داشتند باینکه اعتراف نماید باینکه خود را از خلافت خلع
نموده است و بیت الخلافه را غارت کردند و ششصد هزار دینار که مادر المقتدر مدفون نموده بود از زیر خاک
بیرون آوردند و بخانهٔ خلیفه حمل کردند و خلع المقتدر در نیمهٔ محرم بود سه روز بعد که روز دوشنبه هفدهم محرم باشد
وقت صبح مردم در خانهٔ القاهر جمع شدند تا مونس مظفر حاضر نشد و اهل سلاح از رجاله حاضر شده حق بیعت و جیره
و علیق یکساله خود را طلبیدند و صداها بلند شد القاهر یاروک (نازوک) را گفت برو مردم را آرام و مطمئن کن یاروک
چون بیرون آمد اهل سلاح را با شمشیرهای کشیده دید ترسید و برگشت جمعی او را تعاقب کرده در دار خلافت او را
کشتند و فریاد یا مقتدر و یا منصور بلند شد و هجوم بطرف القاهر نمودند القاهر گریخت و پنهان شد و مردم متفرق
شدند و احدی در سرای خلافت نماند بعد رجاله در خانهٔ مونس خادم آمده المقتدر را طلبیدند مونس المقتدر را
بیرون آورده بآنها تسلیم نمود رجاله المقتدر را بگردن خود سوار کرده بدار الخلافه بردند و مقتدر فرستاده قاهر را
امان داد و بحضور خود احضار کرد چون حاضر شد گفت من میدانم که تو را تقصیری نیست آسوده باش این بگفت
و پیشانی او را بوسید و القاهر اظهار تشکر نمود پس از آن القاهر را المقتدر نزد مادر خود حبس کرد و مادر
المقتدر کمال خوش رفتاری را از هر جهت با القاهر نمود و المقتدر ثانیاً در خلافت مستقر آمد و فتنه خوابید و
از آنجا که مونس اشاره باعادهٔ المقتدر نموده بود مخلع کرد به ضعف و عجز خلافت از نگاهداری سرحدات و ممالک محروسه
با رعیتها رومیهٔ الصغری هم در این سال ابوطاهر قرمطی روز ترویه بمکه رسید و اموال حجاج را در صور بمکه
سالماً بمکه رسیده بودند نهب کرد و خود آنها را بکشت حتی در مسجد الحرام و داخل کعبه و حجر الاسود را از رکن برکند
و بهجر برد و ابن محلب حکمران مکه را با کسان او مقتول ساخت و در بیت را قلع کرد و شخصی رفت که میزاب را هم قلع نماید
اما از بام افتاد و بمرد بعضی از مقتولین را در چاه زمزم انداختند و برخی را دفن کردند و جامهٔ کعبه را بین قرامطه
بردند و قطعه قطعه کرده قسمت نمودند وفات محمد بن جابر بن سنان الحرانی الاصل البتانی محاسب و منجم مشهور
صاحب زیج صابی و این منجم در سال دویست و شصت و چهار شروع برصد نمود تا سال سیصد و شش و وفات نصر بن
احمد بن نصر بصری معروف بخبزارزی (نان برنجی) که ادیب و راوی اشعار و امی بود و در مربد بصره نان برنج میفروخت و
اشعار بسیار ممتاز بنظم در می آورد

سنة ۳۱۸ هجری — سنة ۹۳۰ مسیحی

آسیا بعد از عود المقتدر بخلافت گفتگوی طولانی میان رجاله و اهل سلاح در گرفته از بغداد بیرون آمدند و
میانهٔ آنها و لشکریان جنگ درگرفت و رجاله بواسط گریختند و استیلاء بر این بلد یافتند مونس مظفر مامور
دفع آنها شده بواسط آمد و بسیاری از رجاله را کشته باقی را متفرق ساخت وفات ابوبکر الحسن بن علی بن احمد بن
بشار معروف بابن علاف ضریر (کور) نهروانی که عمر او بصد سال رسیده بود و اشعار مراثی ابوبکر در حق گربه
مشهور است بعضی وفات ابوبکر را در سال قبل نوشته اند گویا اشعار مرثیهٔ گربه را ابوبکر رمزاً بجهت ابن معتز
گفته است و برخی غیر از این گفته اند عزل ناصر الدوله بن حمدان از موصل و نصب سعید و نصر دو عم او بجای او و ولایت
ناصر الدوله در دیار ربیعه و نصیبین و سنجار و خابور و رأس عین و غیرها عزل ابن مقله از وزارت و نصب سلیمان بن

حسین بجای او وظهور دولت آل الیاس از فروع سامانیه در کرمان **اروپا** جنگهای ثمل والی طرسوس در بلاد
دومیه الصغری که از جمله یکفقره تا عموریه براند وجمع کثیری را بقتل رسانید واسیر وغنیمت وافر بچنگ آورد

سنه ۳۱۹ هجری ۹۳۱ مسیحی

آسیا ۱ فرستادن المقتدر سپاهی بجنگ مرداویج وتلاف شدن بنواحی همدان وانهزام عساکر خلیفه واستیلاء
مرداویج بر تمام بلاد جبل ورسیدن قشون او بانهب وغارت تا نواحی حلوان وفرستادن مرداویج سپاهی باصفهان
که اینشهر را نیز گرفتند زیاد شدن وحشت مابین مونس خادم ومقتدر در نتیجه اینسال گرفتن المقتدر سلیمان
وزیر را ووزارت ابو القاسم الکلوذانی که بعد از آن کلوذانی نیز معزول وحسین بن قاسم وزارت یافت جریان
سیل شدید بجهت نزول باران زیاد در تکریت که خرابی ومضرت آن بسیار شد ووزیدن باد سرخ وسیاه
شدید در موصل ووفات ابو القاسم عبد الله بن احمد بن محمود بلخی از متکلمین معتزله

سنه ۳۲۰ هجری ۹۳۲ مسیحی

آسیا ۱ رفتن مونس خادم بموصل بار نجش تمام از خلیفه واستیلای المقتدر بر اقطاع واملاک واموال مونس و
بستگان او ونوشتن المقتدر به بنی حمدان امراء موصل که مونس را بر گردانند وبا او جنگ کنند ووقوع محاربه میان
امرای موصل ومونس وغلبه مونس واستیلای او بر موصل وجمع شدن عساکر از هر طرف نزد مونس که نه ماه در موصل
اقامت کرد وبعد از آن آهنگ بغداد نموده بتکریت آمد ودر باب شماسیه نزول نمود وچون مقتدر ضعف خود را مشاهده
نمود ودید که لشکریان از او کناره کردند قصد رفتن بواسط کرد وکسانیکه نزد او باقیمانده بودند بر جنگ با مونس اتفاق
کردند والمقتدر را از رفتن بواسط منع نمودند مقتدر ناچار بجنگ مونس بیرون شد وفقها وقرآ با المقتدر بودند و
با آنها قرآنها بود بدینقسم آمدند تا مقابل دشمن المقتدر واصحاب وبالای تلی ایستادند وبعساکر خود ابرام نمود که تقدم
بر قتال بجویند آنها تقدم جستند ولی منهزم شدند وقومی از مغربیها بالمقتدر رسیدند گفت وای بر شما من خلیفه ام آنها
گفتند ای سفله تو را میشناسیم تو خلیفه شیطانی این بگفتند ویکی از مغربیها شمشیری بالمقتدر زد او بخاک افتاد و
سرش را بریدند وبسر چوبی کردند ودر اینحال تکبیر میگفتند والمقتدر را لعن میکردند ولباس او را حتی زیر جامه او را
بدنش بیرون آوردند ونعش را در حفره دفن وبعدها قبر را محو کردند که آثاری از او نمودار نباشد بعد سرش را نزد مونس
خادم که در راشدیه بود وبجنگ حاضر نشده بردند همینکه مونس خادم سر المقتدر را بدید لطمه بر روی خود زد وگریست
المقتدر در کار خلافت اهمال داشت واموال تفریط مینمود وحکم با نسوان وخدام بود مدت خلافت المقتدر بیست وچهار
سال ویازده ماه وشانزده روز وعمرش سی وهشت سال چون المقتدر مقتول شد مونس خادم گفت باید ابو العباس بن
المقتدر را بخلافت برداشت ابو یعقوب اسحق بن اسمعیل نوبختی بر او اعتراض کرده گفت ابو العباس طفل است وخلافت او
موجب فساد میشود لهذا القاهر بالله محمد بن المعتضد را احضار کردند ودر بیست وهشتم شوال با او بیعت کردند و
القاهر نوزدهمین خلیفه عباسی است چون القاهر بخلافت برقرار شد مادر المقتدر را طلبید واز او وجوه اموال شد
مادر المقتدر هر چیز نزد او بود اعتراف کرد القاهر او را بشدت زد در صورتیکه مریض ومستسقی شده بود بعد او را بیاویخت
واو قسم خورد که سوای آنچه اعتراف کرده چیزی نزد او نیست ووزیر کردن القاهر ابو علی بن مقله را ووفات قاضی ابو عمرو
محمد بن یوسف که از فضلا بود ووفات ابو الحسین بن صالح الفقیه الشافعی که از عباد بود ووفات ابو نعیم عبد الملک
الفقیه الشافعی الجرجانی معروف باستر الاستر ابادی

آسیا وفات شغب مادر المقتدر حصول وحشت میانهٔ مونس و القاهر مونس بلیق را حاجب قرار داده و امور دار الخلافه را راجع باو کرده و بلیق بر القاهر تنگ گرفته بود و نمیگذاشت هیچ زنی داخل بیت خلافت شود مگر آنکه او را بشناسد و بفهمد که کیست و جهت این ملاحظات این بود که قاهر در باطن جماعتی را استمالت کرده بود که بلیق حاجب و مونس خادم را بگیرند و طریف السبکری که بزرگترین سرکردها بود در این باب با القاهر اتفاق داشت بالجمله در اول شعبان القاهر بلیق حاجب و پسرش و مونس خادم را بگرفت بجهت اینکه اینها متفق شده بودند که القاهر را خلع و ابو احمد بن المکتفی را بخلافت بردارند و ابن مقله وزیر نیز با آنها همداستان شده بود القاهر بتهیه هر سه را بگرفت و ابن مقله را نیز از وزارت عزل کرده و ابا جعفر محمد بن قاسم را وزارت داد و چون مونس و ابن بلیق و بلیق گرفتار و محبوس شدند لشکریها هجوم آورده استخلاص مونس را میخواستند القاهر سر هر سه را بریده در بازارهای بغداد بگردانید بعد از آن بموجب سعی که داشتند این سرها را در خزانه سرها گذاشتند پس از آن القاهر ابا جعفر را عزل کرده و خصیبی را وزارت داد و طریف السبکری را هم بگرفت و اگر طریف نبود القاهر بر مونس و بلیق و پسرش ظفر نمییافت

ذکر ابتدای دولت بنی بویه

بویه مرد متوسط الحالی بود از دیلم مکنی بابی شجاع پس از آنکه کار اینها بالا گرفت نسب آنها را چنین گفتند (بویه بن فنا خسرو بن تمام بن کوهی بن شیرزیل الاصغر بن شیرکنده بن شیرزیل الاکبر بن شیران شاه بن شیرفنه بن بستان شاه بن شیر فیروز بن شیرو زیل بن سبسنا (سنسنا) بن بهرام گور بن یزدجرد) همچنین تا اردشیر بابکان و بویه سه پسر داشت عماد الدوله ابو الحسن علی و رکن الدوله حسن و معز الدوله ابو الحسین احمد و اینها در خدمت ماکان بن کاکی دیلمی بودند و وقتیکه اسفار بن شیرویه و مرداویج دیلمی سلطنت یافتند ماکان بن کاکی هم طبرستان را تملک نمود همینکه مرداویج متملکات ماکان بن کاکی را یعنی طبرستان را گرفت ماکان از طبرستان بدامغان رفته بر اینولایت استیلا یافت بعد منهزماً بنیشابور آمد و اولاد بویه با او بودند چون ضعف او را دیدند گفتند تو را دستتنگی است بهتر اینست که ما را مرخص کنی همینکه کار تو اصلاح شد باز ما بخدمت آئیم ماکان آنها را مرخص کرد و جمعی از لشکریان نیز متابعت آنها نمودند و آنها بمرداویج پیوستند مرداویج عماد الدوله علی بن بویه را عامل کرج کرد و او در اینجا قوتی گرفت مرداویج جماعتی از سرکردهای خود را حواله مالی بکرج داد چون آنها بکرج آمدند عماد الدوله از آنها استمالت کرد و اینها متقبل اطاعت او شدند مرداویج خبر شده وحشت او را گرفت عماد الدوله در این وقت قصد اصفهان کرد و ابن یاقوت حکمران این شهر بود و از لشکر عماد الدوله منهزم شده عماد الدوله بر اصفهان استیلا یافت و در این جنگ لشکر عماد الدوله نهصد نفر و عساکر ابن یاقوت ده هزار نفر بودند و این یکی از اسباب هیبت عماد الدوله در انظار شد و هرچه مرداویج ازو بالمراسله طلب ملاطفت کرد او دفع الوقت نمود و نزد او حاضر نشد و دو ماه در اصفهان مانده خراج گرفت و بارجان در قفای ابن یاقوت که موسوم بابی بکر بود راند ابن یاقوت بدون جنگ گریخت و عماد الدوله بر ارجان مستولی شد و این در ذیحجه سال سیصد و بیست بود عماد الدوله از ارجان بنوبندگان آمد و آنجا را هم در ربیع الآخر سال سیصد و بیست و یک بگرفت بعد برادرش رکن الدوله را بکازرون و آنحدود فرستاد و مالیات آن نواحی را بگرفت و باقی اخبار آل بویه در سنوات بعد بیاید

وفات ابو بکر محمد بن حسین درید لغوی فاضل شاعر صاحب قصیدهٔ مقصوره معروف بمقصوره ابن درید و صاحب تصانیف

در نحو و لغت و وفات ابو هاشم بن ابی علی الجبائی المتکلم المعتزلی و وفات محمد بن یوسف بن مطر الفربری راوی صحیح بخاری
(فربر قریه ایست در بخارا یا بلده ایست در حوالی جیحون) **اروپا** قرائت خطبه بنام عبد الرحمن سیم پادشاه اسپانیول
در شهر فز (فاس) و انقراض و برافتادن نسل بنی ادریس ولی بعد از یکسال خلفای فاطمی فاس را از تصرف عبد الرحمن
بیرون آوردند غلبه عیسویها بر مسلمانان و تسخیر شهرها در **افریقا** وفات ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامة الازدی
الطحاوی الفقیه در مصر و ریاست اصحاب ابو حنیفه در مصر منتهی با بو جعفر میشود

سنه ۳۲۲ هجری — سنه ۹۳۳ مسیحی

آسیا استیلای عماد الدوله بر شیراز کشته شدن اسحق بن اسمعیل نوبختی بحکم القاهر و نوبختی همانست که گفته باید
القاهر را بخلافت برداشت خلع القاهر از خلافت بسبب غدر بکه از او نسبت بطریف سبکری بظهور رسید و نیز قسم دروغ که
خورده در امان دادن مونس و بلیق و پسرش توضیح آنکه ابن مقله در این اوقات پنهان بود و بلباسهای مختلف در می آمد و
بهر طور بکه بود قلوب را از القاهر متوحش مینمود و سرکرده ها را او میشوراند تا اینکه سیما سرکرده طایفه ساجیه و
بعضی دیگر از القاهر وحشت بهم رسانیده و بر گرفتن او اتفاق کردند و جمع شده در خانه او آمدند و درها را گرفتند القاهر
شب شراب زیادی خورده و مست خوابیده بود از هیاهوی مخمورا بیدار شد و به بام حمام گریخت عقب او رفتند و او را
گرفتند و آوردند بمحلی که طریف السبکری در آن محبوس بود طریف را بیرون آوردند و القاهر را بجای او حبس کردند و
چشمهای او را بنر میل کشیدند مدت خلافتش یکسال و ششماه و هشت روز وقتیکه القاهر را گرفتند ابو العباس احمد بن
المقتدر با مادرش محبوس بودند آنها را از حبس بیرون آوردند و احمد را بتخت القاهر نشانیدند و بخلافت تهنیت گفتند
و الراضی بالله لقب دادند و روز چهارشنبه ششم جمادی الاولی با او بیعت کردند و الراضی بیستمین خلیفه عباسی است
و باشاره سیمای قاید الراضی ابن مقله را وزیر کرد و هر چه کردند و اصرار نمودند که القاهر بگوید من خود را از خلافت خلع
کردم نگفت و امتناع نمود کشته شدن محمد بن علی الشلمغانی تناسخی که صاحب عقاید باطله بود بفتوای فقها و حکم خلیفه (شلمغان
قریه ایست در نواحی واسط) وفات ابو نعیم فقیه جرجانی استرابادی و ابو علی محمد الروذباری الصوفی و وفات حسین بن عبد الله
النساج الصوفی از اهل سامرا که از ابدال بود و محمد بن علی بن جعفر الکتانی الصوفی از اصحاب جنید **افریقا** وفات مهدی عبید الله
العلوی الفاطمی در مهدیه در ربیع الاول که پسرش قایم ابو القاسم یکسال مردن او را مصلحة پنهان داشت و پس از انکه
آشکار کرد مردم با او بیعت کردند عمر مهدی شصت و سه سال و ولایتش بیست و چهار سال و یکماه و بیست روز

سنه ۳۲۳ هجری — سنه ۹۳۴ مسیحی

آسیا کشته شدن مرداویج دیلمی پادشاه جبل در حمام اصفهان بدست اتراک از عساکر خودش که نسبت بآنها
بد رفتاری میکرد و مرداویج بسیار متکبر بود و کرسیها از نقره برای خواص خود ساخته بود و تاج مرصعی بوضع تاج
کسری برای خود ترتیب داده و چون مقتول شد برادرش وشمگیر بن زیار بجای او برقرار آمد سخت گرفتن حنابله در بغداد
بر مردم که خانه ها و منازل را کاوش میکردند و هر جا شراب میدیدند میریختند و مطرب میدیدند میزدند و از این قبیل
کارها و آخر الامر خلیفه قسم خورد اگر ترک این حرکات نکنند شمشیر در میان آنها خواهد گذاشت و منازل آنها را
خواهد سوزانید کشتن ناصر الدوله حسن بن عبد الله بن حمدان حکمران موصل عم خود ابو العلاء بن حمدان را بجهة اینکه
قصد حکومت موصل کرده بود استیلای عماد الدوله بن بویه بر اصفهان و منازعه او با وشمگیر بر سر این بلد و همدان و
قم و کاشان و کرج و ری و کنکور و قزوین و غیرها وفات ابراهیم بن محمد بن عرفه المعروف بنفطویه النحوی الواسطی

از اولاد مهلّب بن ابی صفره **افریقا** دادن الراضی ولایت مصر را باخشید محمد بن طغج که پیش از اینها حاکم رمله بود و بعد از آن حکمران دمشق شد و در این وقت احمد بن کیغلغ والی مصر بود و الراضی او را معزول کرده شام و مصر هر دو را باخشید داد و او در ماه رمضان بمصر آمد فرستادن القائم علوی حکمران مغرب لشکری از طرف دریا بافریقیه که شهر جنوه را گرفتند و بر اهل سردانیه تاختند

سنه ۳۲۴ هجری — سنه ۹۳۵ مسیحی

آسیا [1] گرفتن حجریه و مظفر بن یاقوت ابن مقله وزیر را که خلیفه این عمل را مستحسن شمرد اغتشاش امر وزارت خلیفه و طلبیدن الراضی محمد بن رایق را از واسط بجهة تقلّد وزارت و آمدن او ببغداد و چون ابن رایق قشون و عساکر معروف بساجیه را گرفته بود عساکر حجریه نیز از او متوحش شدند و عمل وزارت باطل شد و ابن رایق ناظر جمیع امور شد و عمال و حکام اطراف دم از خودسری زدند و از برای خلیفه نماند مگر بغداد و اعمال آن و در اینجا هم خلیفه حکمی نداشت بلکه حکم با ابن رایق بود اما باقی جاها بصره بدست ابن رایق مذکور بود و خوزستان در تصرف بریدی و فارس در حکم عماد الدوله و کرمان در اطاعت ابو علی محمد بن الیاس و ری و اصفهان و جبل در تبعیت رکن الدوله بن بویه و وشمگیر بن زیار برادر مرداویج که باهم کشمکش داشتند و موصل و دیار بکر و مضر و ربیعه در تحت بنی حمدان و مصر و شام مسخر اخشید محمد بن طغج و مغرب و افریقیه در تملک قائم بن مهدی علوی و اندلس در چنگ عبد الرحمن بن محمد الاموی ملقب به الناصر و خراسان و ماوراء النهر در زیر حکم امیر نصر بن احمد سامانی و طبرستان و جرجان مطیع دیلم و بحرین و یمامه مقهور ابو طاهر قرمطی طلبیدن ابن رایق فضل بن جعفر بن فرات را که عامل خراج مصر و شام بود ببغداد که بوزارت ابن رایق و خلیفه بپردازد تولد عضد الدوله دیلمی در اصفهان وفات جحظه برمکی از اولاد یحیی بن خالد بن برمک که در فنون مختلفه علوم عالم بود وفات عبد الله بن احمد بن محمد بن مغلس فقیه ظاهری صاحب التصانیف و عبد الله بن محمد الفقیه الشافعی النیشابوری

سنه ۳۲۵ هجری — سنه ۹۳۶ مسیحی

آسیا [1] رفتن الراضی و ابن رایق بواسط بجهة جنگ با بریدی و گرفتن ابن رایق بعضی از عساکر حجریه را و منقبل شدن بریدی آنچه را که الراضی از او مطالبه نماید و برگشتن الراضی و ابن رایق ببغداد و نکول کردن ابو عبد الله بن بریدی بقبول آن خود را و فرستادن ابن رایق لشکری بسرداری بجکم (بحکم) برسر ابن بریدی که او را منهزم کردند و او نزد عماد الدوله بن بویه آمد و او را بطمع عراق انداخت وقع خلیفه را از نظر او برد وفات عبد الله بن محمد الخزاز (الجزار) نحوی صاحب تصانیف در علوم قرآن

افریقا بدسلوکی کردن عامل صقلیه سالم بن راشد که از جانب القائم علوی حکمران صقلیه بود و عصیان اهالی جرجنت از صقلیه و نوشتن سالم بالقائم و مدد خواستن و فرستادن القائم لشکری بامداد او و محاصره نمودن جرجنت را و کمک خواستن اهل جرجنت از امپراطور قسطنطنیه و کمک دادن امپراطور بآنها و امتداد محاصره تا سال سیصد و بیست و نه که بعضی از اهالی رفتند و باقی امان خواستند و بزرگان آنها را گرفتند و در کشتی نشاندند که بافریقیه برند چون بوسط دریا رسیدند کشتی آنها را غرق کردند

سنه ۳۲۶ هجری — سنه ۹۳۷ مسیحی

آسیا [1] فرستادن عماد الدوله برادر خود معز الدوله را باهواز و استیلای او بر این بلاد و ابن بواسطه پیوستن ابن بریدی بعماد الدوله بود چنانکه پیش اشاره نمودیم قطع کردن دست ابن مقله بجهة اینکه خیال داشت ابن رایق را بگیرد و بجکم را بجای او برقرار کند ابن رایق فهمید و او را گرفته حبس کرده و در زندان با و گفتگوها با الراضی کرده و آخر الامر

ابن مقله را از حبس بیرون آوردند و دست او را بریدند و این در نیمه شوال بود و چون ابن مقله از این زخم منکر جان بدر
برد و شفا یافت باز در تحصیل رتبه وزارت ساعی بود و قلم را بدست مقطوع خود میبست و مینوشت ابن رایق با زخبر شد
و دانست که ابن مقله مردم را بر ضد او و الراضی تحریک میکند زبان او را هم برید و در حبس بر او سخت گرفت تا از سختی در
اواخر شوال سیصد و بیست و هشت در زندان در گذشت و در خانه خلیفه مدفون شد بعد اهل او جسد او را طلبیدند
لهذا قبر او را نبش کرده نعش او را بیرون آوردند و تسلیم آنها کردند اهل ابن مقله او را در خانه خودش دفن نمودند بعد
از آن محل هم او را بجای دیگر برده مدفون ساختند از عجایب اینکه ابن مقله سه مرتبه متقلد امر وزارت شد و وزارت سه
خلیفه را که المقتدر و القاهر و الراضی باشند نمود و سه سفر کرد دو بشیراز و سفری در وزارت بموصل و سه دفعه
پس از مردن مدفون شد استیلاء بجکم بر بغداد و دار الخلیفه پس از آنکه بواسط رفته بود و لشکر ابن رایق را که
بجنگ او فرستاده بود منهزم ساخته و چون ببغداد رسید ابن رایق بعکبرا گریخت و پنهان شد و الراضی بجکم را خلعت
داد و امیر الامراء کرد مدت امارت ابن رایق یکسال و ده ماه و شانزده روز و بجکم ابتداء مملوک وزیر ماکان کاکی دیلمی
بود ماکان او را از وزیر خود گرفت بعد از ماکان کناره کرده بمرداویج پیوست و از جمله کشندگان مرداویج شد و بعراق
آمد و بخدمت ابن رایق پرداخت و ابن رایق او را باهواز فرستاد و ابن بریدی را دفع و طرد کرد فساد حال قرامطه و کشتن
یکدیگر را و ماندن آنها در هجر **اروپا** (اسپانیول) اتمام قصری که عبدالرحمن ستیم در شهر زهرا در پنج میلی کرده و
(قرطبه) بنا کرده بود و موسوم بالقصر نموده و غالب ستونهای این قصر از سنگ مرمر سفید یا چوب سدر بود و یک
حوضی از شبه و طلا داشته و درین وقت از آن قصر و مکنت اثری نیست

سنه ۳۲۷ هجری — سنه ۹۳۸ مسیحی

آسیا راندن بجکم و الراضی بموصل و گریختن ناصر الدوله بن حمدان که پیشکشی گرفته با او صلح کردند و ببغداد بر گشتند
و قبل از ورود ببغداد ابن رایق با جماعتی ببغداد آمده بود و اینمعنی اسباب خوف خلیفه و بجکم شده آخر الامر قرار
دادند که ابن رایق والی حران و الرها و قنسرین و سرحدات باشد و ابن رایق باین نواحی آمده استیلاء یافت وفات عبد
الرحمن بن ابی حاتم الرازی صاحب الجرح و التعدیل و عثمان بن خطاب ابو الدنیا معروف بأشج که گویند او حضرت علی بن ابی
طالب علیه السلام را ملاقات نموده و صحیفه او راست که روایات از آنحضرت نموده اما این ضعیف است وفات محمد بن جعفر صاحب
تصانیف مشهوره از قبیل اعلال القلوب و غیره وفات کعبی (العلنی) المعتزلی که اسمش عبدالله بن احمد بن محمود و
مکنی بابو القاسم و صاحب مقالات بود **اروپا** (اسپانیول) مخالفت امیه بن اسحق با عبدالرحمن ستیم پادشاه
اسپانیول بشنزین و کمک خواستن از جلالقه و شکست دادن مسلمین را که در جنگ ثانی جلالقه شکست خوردند
و بسیاری از آنها کشته شد و امیه از عبدالرحمن امان خواسته و امان یافت در جنگ سیمانکاس رامیرو بر قشون
عبدالرحمن غالب آمده هشتاد هزار نفر از مسلمین بقتل رسیدند ولی مورخین سلاطین اسلام اسپانیول این واقعه
را در سال بعد نوشته و میگویند بعد از آنکه پنجاه هزار نفر از قشون عبدالرحمن کشته شد بر خصم غلبه نمود

سنه ۳۲۸ هجری — سنه ۹۳۹ مسیحی

آسیا استیلای ابن رایق بر شام و غلبه او بر دمشق و حمص و راندن بدر نایب اخشید و رفتن تا عریش
بقصد مصر و گرفتن اخشید جلو او را و جنگ سخت بین فئتین و گریختن ابن رایق بدمشق و فرستادن اخشید
لشکری با برادر خود بجنگ ابن رایق و فرار عساکر اخشید و کشته شدن برادرش و فرستادن ابن رایق

شغر بیا اخشید که مزاحم پسر خود را نزد او روانه کرد و اظهار داشت که برادر تو بحکم من کشته نشد و باوجود
این اگر بخواهی بجای او مزاحم پسر مرا بکش اخشید مزاحم را خلعت داده نزد پدرش معاودت داد و مصر بر اخشید
وشام بر محمد بن رایق مقرر آمد کشته شدن طریف السبکری در سرحد وفات محمد بن کلینی از ائمه امامیه و
محمد بن احمد معروف بابن شنبوذ المقری و ابو محمد المرتعش از مشایخ صوفیه و ابوبکر محمد بن قاسم معروف بابن
انباری از علمای نحو و ادب انتشار کواکب **اروپا** (اسپانیول) وفات ابو عمر احمد بن عبد ربه بن حبیب (جنیب)
قرطبی از موالی هشام بن عبد الرحمن داخل که از علمای کثیر الحافظه و محفوظات زیاد داشت و مصنف کتاب
عقد که از کتب نفیسه است

سنه ۳۲۹ هجری — سنه ۹۴۰ مسیحی

آسیا وفات الراضی در نیمه ربیع الاول بعلت استسقا که مدت خلافتش شش سال و ده روز و عمرش سی و دو سال
و ادیب شاعر و سخی بود و اهل ادب و فضل را دوست میداشت سنان بن ثابت الصابی الطبیب از ندمای او بود و الراضی
آخرین خلیفه ایست که اشعار مدون دارد و خطبه بسیار بر منبر خوانده است و با ندما نشسته است و مقرری و مستمری
و خزانه و مطبخ و امور او بر ترتیب خلفاء متقدمین بوده است بالجمله پس از وفات راضی چون بجکم در واسط بود امر
خلافت معوق ماند تا بجکم نامه و دستور العمل با ابو عبد الله کوفی کاتب خود ببغداد فرستاد و او ارکان دولت را جمع
کرد و پس از مشورت با ابراهیم بن المقتدر بالله ابی الفضل جعفر را بخلافت برداشتند و ابراهیم المتقی لله را از
میان القاب اختیار کرد و باشاره بجکم سلامه الطولونی حاجب المتقی شد و سلیمان بن حسن وزیر الراضی وزارت
یافت اما از وزارت جز اسمی نداشت و رسم آن با ابو عبد الله کوفی کاتب بجکم بود و المتقی بیست و یکمین خلیفه عباسی
است کشته شدن ماکان بن کاکی تفسیر آنکه ماکان بر جرجان استیلا یافته بود یکی از سرکرده های سامانی
در لشکر خراسان موسوم با بوعلی بن محمد بن مظفر بن محتاج بجانب او تاخته او را منهزم کرد ماکان بطبرستان آمد
ابو علی بن محتاج از جرجان قصد ری کرد و شمکیر بن زیار برادر مرداویج در ری بود و از ماکان بن کاکی در طبرستان بجهت
مقاومت با ابو علی بن محتاج کمک خواست ماکان از طبرستان بری آمده با وشمکیر بمقابله ابو علی محتاج پرداختند ناگاه
تیری بر سر ماکان آمده او را بکشت و وشمکیر بطبرستان گریخت و ابو علی بن محتاج بر ری استیلا یافت کشته شدن
بجکم تفصیل این اجمال آنکه بجکم لشکری بجنگ ابو عبد الله بریدی فرستاده بود و خود نیز از واسط عقب لشکر حرکت
کرد شنید لشکر او بر بریدی غلبه کرده و بریدی گریخته بجکم عزم مراجعت بواسط کرد و در راه مشغول بشکار بود
تا رسید بنهر جور (جور) در اینجا شنید که اکرادی در این نواحی هستند که صاحب ثروت اند شره او را بر این داشت که
با قلیل جماعت خود حمله بر آنها کند و ایشان را غارت نماید چون قصد اکراد کرد آنها گریختند کودکی از آنها
نشناخته از پشت سر نیزه بر تهیگاه او زد که همان نیزه او را بکشت همینکه خبر کشته شدن بجکم بالمتقی رسید بخانه
او فرستاد و اموال زیادی از خانه او بیرون آوردند که اکثر آن زیر خاک مدفون بود و برای بریدی هم فرج بعد از
شدتی شد امارت بجکم دو سال و هشت ماه و چند روز بود آنگاه بریدی ببغداد آمد و چند روزی بر کارها
مسلط گردید اما چون بد سلوک بود عامه او را اخراج کردند و کورتکین روی کار آمد بعد ابن رایق از شام ببغداد
آمد و ابو الحسن احمد بن علی بن مقاتل را در شام نایب خود کرد پس از مقاتله ها کورتکین بر او غالب آمده او را حبس نمود
و المتقی او را امیر الامراء کرد وفات متی بن یونس الحکیم الفیلسوف و بختیشوع بن یحیی الطبیب وفات ابو الحسن

علی بن محمد السمری آخرین سفرای اربعه از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه بر مذهب شیعه و غیبت کبری

سنه ۳۳۰ هجری — سنه ۹۴۱ مسیحی

آسیا عود بریدی ببغداد و استیلای او و گریختن ابن رایق و المتقی بطرف موصل و غارت کردن بریدی بغداد را و ظلم زیاد و چون المتقی و ابن رایق بتکریت رسیدند بناصر الدوله بن حمدان نوشتند از او استمداد نمودند و روانه موصل شدند ناصر الدوله از موصل بجانب تکریت رفت المتقی بپسرش ابو منصور و ابن رایق را نزد ناصر الدوله فرستاد ناصر الدوله آنها را بخوبی پذیرفت و نقود بسیار خلیفه را اهدی کرد همینکه قصد مراجعت کردند ناصر الدوله بملازمان خود امر کرد ابن رایق را کشتند و این در بیست و ستم رجب بود آنگاه ابن حمدان بخدمت المتقی آمد المتقی او را خلعت داده امیر الامراء کرد و برادر او ابو الحسن علی را خلعت داده سیف الدوله لقب داد و این در اول شعبان بود و المتقی با ناصر الدوله ببغداد آمد و بریدی بکر بخت و مردم بکی بکر را غارت کردند و ورود المتقی با بنی حمدان و عساکر کثیره در ماه شوال این سال بود همینکه ناصر الدوله در بغداد استقراری یافت دنانیرها اصلاح کرد و دینار یکبرده درهم قیمت داشت سیزده درهم شد و وفات ابو بکر محمد بن عبد الله محاملی فقیه شافعی و وفات ابو الحسن علی بن اسمعیل بن ابی بشر اشعری که حنابله از روی جهالت او را تکفیر میکردند و میخواستند قبر او را نبش کنند و جسد او را بسوزانند طغیان دجله و غلاء شدید **اروپا** (رومیه الصغری) استیلای پادشاه بلغار بر نواحی فرنک در شرح اندلس آمدن عساکر روم تا نواحی حلب و خراب کردن بلاد ابن حمدان را و بعلاوه خرابیها تقریبا پانزده هزار نفر از مسلمین را اسیر نمودند داخل شدن نصر بن علی از ناحیه طرسوس ببلاد روم و قتل و نهب نمود در این بلاد **افریقا** چون خبر کشته شدن ابن رایق با خشید حکمران مصر رسید لشکر بشام کشیده بر دمشق مستولی شد

سنه ۳۳۱ هجری — سنه ۹۴۲ مسیحی

آسیا رفتن ناصر الدوله از بغداد بموصل و غارت کردن دیلم خانه او را و سیف الدوله برادر ناصر الدوله در واسط بود از آنجا برادر تاختند سیف الدوله بطرف ناصر الدوله و تبا و پیوست بعد ببغداد آمد و طلب مالی از المتقی نمود که بعساکر بدهد المتقی چهارصد هزار دینار برای او فرستاد و او در میان اصحاب خود تقسیم کرد در این بین توزون ببغداد رسید و سیف الدوله گریخت و المتقی او را خلعت داده امیر الامراء کرد و از او بجالت خوف بماند و وفات ابو سعید نصر بن احمد سامانی پادشاه خراسان و ماوراء النهر بمرض سل در سی و هشت سالگی که مدت سلطنتش سی سال و سی و سه روز و مرد حلیم کریمی بود و بعد از او پسرش نوح بن نصر در ماه شعبان بجای او برقرار گردید خواستن امپراطور قسطنطنیه از المتقی مندیلی را که بزعم نصاری حضرت مسیح علیه السلام صورت خود را بر آن مسح نموده و عکس صورت مسیح در آن مانده و این مندیل در کلیسای الرها بود و وعده کردن که در ازای این مندیل جمع کثیری از اسرای مسلمین را رها خواهد کرد و امر کردن المتقی بتسلیم مندیل را بکماشتگان امپراطور و مستخلص شدن جمعی از اسرای اسلام بدین واسطه وفات محمد بن اسمعیل فرغانی صوفی استاد ابی بکر دقاق و وفات سنان بن ثابت بن قره طبیب حاذق زلزله بسیار شدید در ناحیه نسا که دهکده های زیاد خراب شد و خلقی هلاک شدند

سنه ۳۳۲ هجری — سنه ۹۴۳ مسیحی

آسیا رفتن المتقی از ترس توزون و ابن شیرزاد از بغداد بطرف ناصر الدوله بموصل و آمدن سیف الدوله بملاقات

خلیفه شکریت که بعد از آن ناصر الدوله هم بتکریت آمده المتقی را بموصل برد و بنو حمدان باتفاق المتقی برقه رفتند
و در آنجا اقامت کردند و بر المتقی معلوم شد که بنی حمدان باطنا میل بودن با خلیفه ندارند و مفارقت او را طالبند
لهذا نامه بتورون نوشته طلب صلح نمود تا ببغداد برود و در اینکار بودند که سال باخر رسید فوت ابو طاهر
قرمطی رئیس قرامطه غلاء عظیم در بغداد عامل کردن ناصر الدوله بن حمدان محمد بن علی بن مقاتل را بر قنسرین
و عواصم و حمص که بعد از آن در همین سال پسر عم خود حسین بن سعید بن حمدان را بر اماکن مزبوره عامل نمود
اروپا طایفه از روس از طرف دریا بنهر کر آمده بردعه رسیدند و بر اینولایت استیلا یافتند و نهب باد
کردند و سفاین آنها بروس معاودت نمود

سنه ۳۳۳ هجری سنه ۹۴۴ مسیحی

آسیا نوشتن المتقی نامه باخشید حکمران مصر و شام و شکایت کردن از حالت خود و آمدن اخشید از مصر بحلب
و از حلب برقه و ملاقات کردن با المتقی و هدایای وافره دادن باو و اصرار نمودن که با او بمصر یا بشام برود تا اخشید
با او باشد و قبول نکردن المتقی و اظهار داشتن اخشید که پس در رقه بمان و از تورون بپرهیز اما از آنجا که المتقی
بتورون نامه نوشته و طلب صلح کرده بود و تورون از برای متقی قسم خورده که مطابق میل او حرکت کند المتقی در بیست
و ششم محرم بطرف بغداد متحدر شد و اخشید بطرف مصر باز گشت و چون المتقی بهیت رسید توقف کرد و باز نزد
تورون فرستاد و تجدید قسم نمود و تورون از بغداد بملاقات المتقی شتافته در سندیه تلاقی شد و موکل بر
المتقی گماشت تا در سراپرده خود نزول کرد فی الفور تورون آمده او را بگرفت و چشمهای او را میل کشید المتقی و حرم
او بنای فریاد زدن را گذاشتند تورون امر کرد طبل زدند تا صدای آنها بگوش مردم نرسد و تورون المتقی را کور
وارد بغداد کرد خلافت المتقی سه سال و پنجاه و بیست روز و مادرش ام ولد و اسمش خلوب بود بیعت کردن
با المستکفی بالله ابو القاسم عبد الله بن المکتفی بالله علی بن المعتضد بیست و دومین خلیفه عباسی که او را بسند به
احضار کرده و مردم عموما در اینجا با او بیعت کردند و این در ماه صفر در روز خلع المتقی بود فرستادن المستکفی
القاهر را از دار خلافت بخانه ابی طاهر و القاهر بحدی بی چیز شده که جبه پنبه و کفش چوبی پوشیده بود استیلاء
سیف الدوله ابو الحسن علی بن ابی الهیجاء عبد الله بن حمدان بر حلب و حمص و محاصره کردن او دمشق را و آمدن اخشید
از مصر بمقاتله سیف الدوله و رفتن سیف الدوله بقنسرین و تلاقی فئتین که هیچیک غالب و مغلوب نشدند و سیف الدوله
بجزیره باز گشت و چون اخشید بدمشق آمد سیف الدوله بحلب معاودت نمود و این بلد را متصرف شد و در این وقت
عساکر قسطنطنیه تا حوالی حلب آمدند و سیف الدوله آنها را منهزم کرد **افریقا** خروج ابو یزید خارجی در قیروان
و ازدیاد شوکت او و غلبه کردن بر اغلب بلاد این نواحی و استیلای او بر تونس و قیروان و مقاتله های شدید او با القائم
علوی و منهزم شدن عساکر القائم و محاصره کردن ابو یزید او را در مهدیه در جمادی الاولی که محصور و در تنگی بود
تا سال بر آمد و در ماه صفر سال بعد ابو یزید بقیروان رفت و القائم در اینسال که سال سیصد و سی و چهار
هجری باشد وفات نمود و پسرش اسمعیل منصور بجای او برقرار شده با ابو یزید جنگها کرد و در بلاد صنهاجه زیری
فرزند مناد امیر زیری صنهاجی جد ملوک بنی بادیس منصور علوی پیوست و بعد ها باز مقاتله میانه ابو یزید خارجی
و منصور علوی دایر بود تا در قلعه کتامه او را محصور کردند و قلعه را بغلبه فتح کردند و ابو یزید را گرفته نزد منصور
آوردند و او مجروح بود و در سلخ محرم سال سیصد و سی و شش مرد و پوست او را کندند و پر از کاه کردند

ومنصور بمهدیه بازگشت (مذهب ابویزید تکفیر اهل ملت و اباحه اموال و دماء آنها بود)

سنه ۳۳۴ هجری — سنه ۹۴۵ مسیحی

آسیا مردن توزون در محرم در بغداد و امارت او دو سال و چهار ماه و نه روز بود و بعد از او ابن شیرزاد از هیت به بغداد آمده امارت قشون یافت و معز الدوله از اهواز متوجه بغداد شد همینکه نزدیک بغداد رسید المستکفی و ابن شیرزاد مخفی شدند و امارت ابن شیرزاد سه ماه و چند روز بود خلاصه حسن بن محمد مهلبی مصاحب معز الدوله به بغداد آمد و اتراک از بغداد بطرف موصل رفتند و مستکفی آشکار شد و با مهلبی ملاقات و اظهار سرور نمود و گفت پنهان شدن من از ترس اتراک بود بعد در دوازدهم جمادی الاولی معز الدوله به بغداد آمد و با المستکفی ملاقات و بیعت کرد و المستکفی او را خلعت داده و در اینوقت ملقب به معز الدوله نمود و امر کرد القاب آل بویه را بر دنانیر و دراهم نقش کنند و معز الدوله در خانه مونس منزل گرفت و همراهان او در خانه های مردم و این سبب زحمت شدید مردم شد و معز الدوله قرار داد روزی پنجهزار درهم بجهة مخارج المستکفی باو کارسازی نمایند خلع کردن معز الدوله المستکفی را و میل کشیدن بچشم او و بیعت نمودن با المطیع لله بیست و سیمین خلیفه عباسی که اسم او ابو الفضل بن المقتدر بود در روز پنجشنبه بیست و دویم جمادی الاخره و در واقع خلیفه جز اسم و اجرای تیول که معز الدوله برای او قرار کرده چیزی نداشت محاربه ناصر الدوله بن حمدان و معز الدوله بن بویه که آخر الامر معز الدوله غالب آمد و کار بصلح انجامید شدت غلا و عدم قوت در بغداد و وفات علی بن عیسی بن جراح وزیر که نود سال داشت و عمر بن حسین خرقی حنبلی و وفات ابو بکر الشبلی الصوفی که حاجب الموفق بود بعد از اعمال دیوانی احتراز کرد و صحبت عرفا را اختیار نمود و وحید عصر خود شد و شبلی مالکی مذهب بود وفات محمد بن عیسی معروف بابی موسی فقیه حنبلی **اروپا** فوت ایغر پادشاه ملک روس جلوس اسویاتسلاو بجای او **افریقیا** وفات اخشید حکمران مصر و شام که بعد از او پسرش ابو القاسم انوجود (یعنی محمود) بجای او برقرار آمد و کافور که غلام اخشید و سپاه بود بر امور استیلا یافت زیرا که انوجود صغیر بود و بعد از مردن اخشید کافور بمصر رفت و سیف الدوله بدمشق آمده این ولایت را تملک نمود اهل دمشق قدوم کافور را استدعا نمودند و کافور آمد و سیف الدوله را از دمشق بیرون کردند و سیف الدوله در حلب استقرار یافت و کافور بمصر مراجعت کرد و بدر اخشیدی را والی دمشق کرد و او یکسال در دمشق ولایت داشت بعد ابو المظفر بن طغج ولایت دمشق یافت

سنه ۳۳۵ هجری — سنه ۹۴۶ مسیحی

آسیا وفات ابو بکر الصولی که عالم بفنون ادب و اخبار بود و صاحب تصانیف مشهوره صلح معز الدوله و ناصر الدوله استیلاء رکن الدوله بر ری

سنه ۳۳۶ هجری — سنه ۹۴۷ مسیحی

آسیا استیلاء معز الدوله بر بصره تملک رکن الدوله طبرستان و جرجان را ظهور ذو ذنبی در طرف مشرق که تقریباً ذنب او دو ذرع بنظر میآمد و وفات سلامة الدلولی که حاجب خلفاء بود **اروپا** (روس) ایجاد شهر پلیسکف بحکم ملکه این مملکت الگا **افریقیا** وفات سعود ملقب بقطب الدین که اصلاً مدنی و در بغداد متولد شده بود و در قاهره درگذشت مروج الذهب از مصنفات مسعودی مشهور است دادن منصور علوی ولایت جزیره صقلیه را بحسن بن علی بن ابی الحسین الکلبی که از این تاریخ دولت بنی کلب در جزیره صقلیه شروع نمود

سنه ۳۳۷ هجری — سنه ۹۴۸ مسیحی

آسیا تصرف نمودن معز الدوله موصل را و رفتن ناصر الدوله بنصیبین و در اینجا الخبر رسید که لشکر خراسان متوجه بلاد معز الدوله شده اند ناچار معز الدوله از موصل حرکت کرد و ناصر الدوله بموصل معاودت نمود رفتن سیف الدوله حمدان ببلاد روم الصغری و مقاتله با رومیها و منهزم شدن سیف الدوله و گرفتن رومیها مرعش را و تاختن بر اهل طرسوس

سنه ۳۳۸ هجری — سنه ۹۴۹ مسیحی

آسیا وفات ابو الحسن عماد الدوله علی بن بویه در شیراز در ماه جمادی الاخره و چون عماد الدوله اولاد ذکور نداشت یکسال قبل از آنکه وفات نماید نزد برادرش رکن الدوله فرستاده عضد الدوله فنا خسرو پسر رکن الدوله را طلبید که او را ولیعهد خود کند عضد الدوله نزد عماد الدوله آمده در حیات خود او را حکمرانی داد و مردم را با طاعت او امر کرد همین که عماد الدوله در گذشت عضد الدوله بفارس ماند و در میان عساکر او نسبت باو خلاف افتاد رکن الدوله پدید او بفارس آمد و مبانی امور را متقن ساخت و همینکه رکن الدوله بفارس رسید ابتدا بزیارت قبر برادرش عماد الدوله باصطخر پرداخت و پابرهنه و سر برهنه در حالتیکه عساکر در ملازمت او بودند بطرف قبر شتافت و سه روز در سر قبر اقامت جست با سرکرده ها و بزرگان باز گشت او را بشهر استدعا کردند تا عماد الدوله حیات داشت امیر الامراء بود همینکه مرد رکن الدوله امیر الامراء شد و معز الدوله مستولی بر عراق شد و بمنزله نایب این دو نفر بود و وفات المستکفی مخلوع اعمی در حبس در خانه خلافت وفات ابو جعفر نحاس نحوی

سنه ۳۳۹ هجری — سنه ۹۵۰ مسیحی

آسیا باز آوردن قرامطه حجر الاسود را بمکه و حجر الاسود را قرامطه بیست و دو سال نگاه داشته بودند وفات ابو نصر محمد بن طرخان الفارابی الفیلسوف معروف بمعلم ثانی که اصلا ترک بود و در فاراب که در اینوقت معروف باطرار است متولد شده فارابی در ابتدای تحصیل ببغداد آمد و مشغول بعلم حکمت شد و نزد متی بن یونس حکیم مشهور منطق خواند بعد بشهر حران رفت و نزد ابی حنا حکیم نصرانی درس خواند آنگاه ببغداد برگشت و بحل کتب ارسطو و اتقان علم موسیقی پرداخت و عمده تصانیف خود را در بغداد نمود پس از آن بدمشق و از دمشق بمصر رفت و باز بدمشق برگشت و در ایام سیف الدوله در این بلاد اقامت کرد و سیف الدوله نسبت باو اکرام نمود و چون فارابی مرد زاهدی بود سیف الدوله روزی چهار درهم برای او مستمری قرار داده بود و او بهمین قناعت میکرد تا در دمشق در گذشت و در بیرون دروازه صغیر مدفون شد و وفات زجاجی نحوی که ابو القاسم عبد الرحمن بن اسحق باشد و چون مصاحب ابراهیم السری الزجاج بود او را زجاجی گفتند جنگ سیف الدوله در بلاد روم الصغری و قتل و غارت کردن و دریافت غنیمت و در مراجعت سیف الدوله در جاهای سخت رومیها بر او تاختند و اغلب عساکر او را کشتند و سیف الدوله با معدودی از همراهان خود جان بدر برد طلوع قمر در ماه ذیحجه منخسفا که تمام آن بگرفت **اروپا** (اسپانیول) عبد الرحمن سیم پادشاه مسلمان اسپانیول محض اشاعه عدل و تعمیم احکام پسر خود را بجهت مرتکب شدن خلاف شرع بکشت

سنه ۳۴۰ هجری — سنه ۹۵۱ مسیحی

آسیا وفات عبد الله بن الحسین الکرخی فقیه مشهور حنفی معتزلی که مرد عابدی بود و وفات ابو جعفر فقیه بخارا

وفات ابو علی اسمعیل بن محمد بن اسمعیل الصفار النحوی المحدث از اصحاب مبرد که نود و سه سال داشت **آفریقا** وفات
ابو اسحق ابراهیم بن احمد بن اسحق المروزی الفقیه الشافعی بمصر که ریاست در عراق بعد از ابن سریج باو منتهی میشود
و کتب زیادی تصنیف نموده و مختصر مزنی را شرح کرده است زلزله شدید در مصر

سنه ۳۴۱ هجری — سنه ۹۵۲ مسیحی

آسیا ۱ راندن یوسف بن وجیه حکمران عمان از طرف خشکی و دریا بصره و محاصره کردن ابن یزید را و امداد کردن قرامطه
یوسف و ماندن چیزی در اینجا که بعد از آن مهلبی وزیر معزالدوله با عساکر متوجه آنها شده آنها از بصره برفتند **اروپا** گرفتن رومیهای ر و مینا الصغری شهر سروج که اهالی را اسیر شده و اموال آنها را بغارت بردند و مساجد را
خراب کردند **آفریقا** بنای شهر منصوریه در مصر در ساحل نیل وفات منصور بالله العلوی ابو طاهر اسمعیل بن
القائم بامر الله ابو القاسم محمد بن عبدالله المهدی در سلخ شوال که مدت خلافتش هفت سال و شانزده روز و عمرش
سی و نه سال بود منصور خطیب و بلیغ و در اختراع خطبه در هر وقتی جرأت ذهن داشت و شجاعت او در جنگ
ابو یزید خارجی مشهود گشت خلافت ابی تمیم سعد بن منصور اسمعیل ملقب بالمعز لدین الله بجای او

سنه ۳۴۲ هجری — سنه ۹۵۳ مسیحی

آسیا ۱ ملخ خوارکی در سواد عراق و اهواز و موصل و جزیره و شام و سایر النواحی وفات علی بن ابی الفهم داود ابو القاسم
جد قاضی علی بن حسن بن علی التنوخی که عالم باصول معتزله و نجوم و شاعر بود **اروپا** (اسپانیول) شهر لیزبون
که حالا پای تخت مملکت پورتغال است و آن وقت در تصرف اعراب مسلم بود عیسویان آن شهر را بحیطه تصرف
در آوردند

سنه ۳۴۳ هجری — سنه ۹۵۴ مسیحی

آسیا ۱ وفات امیر نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل السامانی در ربیع الآخر که ملقب بامیر حمید و کریم الاخلاق و حسن
السیره بود و ابتدای سلطنت او در سال سیصد و سی و یک بوده و بعد از او پسرش عبدالملک بن نوح سلطنت یافت
جنگ سیف الدوله بن حمدان در بلاد روم و دریافت غنیمت و کشته شدن جمع کثیری از جانبین و غلبه و نصرت
سیف الدوله فرستادن معزالدوله سبکتکین را با لشکری بشهرزور که فتح نکرده مراجعت کردند وفات محمد بن عباس
معروف بابن النحوی فقیه و محمد بن قاسم کرخی

سنه ۳۴۴ هجری — سنه ۹۵۵ مسیحی

آسیا وفات ابو علی بن المحتاج سردار لشکر خراسان بعد از آنکه امیر نوح او را از خراسان عزل کرده بود و او بتوسط
نقض طاعت امیر نوح خارج شده ملحق برکن الدوله بن بویه گردیده و در خدمت او در گذشت انقراض دولت آل طباطبا
در کوفه و یمن **اروپا** (اسپانیول) ساختن کشتی بزرگی در اسپانیول بحکم عبدالرحمن الناصر الاموی که مثل او تا آن
وقت نساخته بودند و مقصود از ساختن این کشتی این بود که امتعه مملکت را بواسطه آن ببلاد شرق برده بفروشند
و امتعه بلاد شرق را در عوض بمملکت حمل کنند و این کشتی در دریا رسید بسفینه که رسولی با مراسلات از صقلیه
در آن بود و نزد المعز علوی میرفت کشتی اندلسی هرچه در آن سفینه بود قهراً بگرفت و این خبر بالمعز رسیده کشتی
باحسن بن علی که از جانب او عامل صقلیه بود باندلس فرستاد و آنها بمریه آمده هرچه در بندرگاه کشتی بود بسوزانیدند
و کشتی بزرگ مذکور را بعد از آنکه از اسکندریه برگشته و حامل کنیزهای مغنیه و امتعه بود و هم تعلق بعبدالرحمن

داشت

داشت بکر فشد و بحشکی نیز داخل شده جنگی با عساکر عبد الرحمن کردند و سالما مراجعت بمهدیه نمودند و بعد از آن عبد الرحمن دستم فشونی مامور کرد و بافریقیه آمدند و جنگی با عساکر المعز نموده معاودت کردند (روس) الگا ملکه ملت روس مایل بدین عیسوی شده سفری بقسطنطنیه کرده تابع دین مسیح میشود ولی در مراجعت پسر خود را که پادشاه بود نمیتواند عیسوی کند **افریقا** مدت سه ساعت در مصر زلزله شد

سنه ۳۴۵ هجری — سنه ۹۵۶ مسیحی

آسیا وفات ابو عمر محمد بن عبد الواحد الزاهد غلام ثعلب معروف بالمطرز که یکی از ائمه لغت بود و صاحب تصنیفات عدیده و بواسطه سعت روایت و کثرة محفوظات او را تکذیب نموده جعال خواندند جنگ کردن سیف الدوله بن حمدان در بلاد روم و گرفتن غنیمت و اسیر و قلاع چند و مراجعت او در اذنه که چندی در اینجا ماند و بعد بحلب رفت خراب شدن دیوانخانه همدان از زلزله **اروپا** هزیمت عساکر قیصر از اهل اسلام در جنگ کریت و غلبه رولم بر طرسوس (فرانسه) فوت هوق پادشاه فرانسه و تفویض سلطنت بپسرش شد او هوق کاپه

سنه ۳۴۶ هجری — سنه ۹۵۷ مسیحی

آسیا وفات سلار مرزبان حکمران آذربایجان که بعد از او حسان پسرش بجای او برقرار گردید اما ابن مرزبان برادری داشت موسوم به وهشوذان و او بنای فساد را در میان پسرهای برادر خود گذاشته بطوریکه میانه آنها مقاتله در گرفت و وهشوذان بمقصودیکه داشت نایل آمد ناقص شدن آب دریای فارس بقدر هشتاد باع که جزایر و جبالیکه پیش از آن پدیدار نبود در دریا نمودار شد خسف اراضی ری و طالقان از زلازل عظیمه اتفاق زلزله در عراق عجم که کوهی را شکافت و دهکده را بهوا بلند کرد و اندک وقتی آن دهکده در هوا ماند مثل اینکه آویزان باشد بعد از آن با سکنه که در آن بود بزمین افتاد نیز زمین منصدع شده دود سیاه بد بوئی از شکاف آن بیرون آمد کثرت اورام حلق و ماشرا و موت فجاه در بغداد وفات ابو العباس محمد بن یعقوب الاموی النیشابوری معروف باصم که در حدیث عالی الاسناد بود وفات ابو اسحق ابراهیم بن محمد الفقیه البخاری الامین

سنه ۳۴۷ هجری — سنه ۹۵۸ مسیحی

آسیا استیلای معز الدوله بر بلاد جزیره و وقوع زلزله در بغداد و جبال و وفات ابن درستویه و وفات ابو الحسن علی بن البوشنجی الصوفی در نیشابور و ابو الحسن محمد از اولاد ابی الشوارب قاضی بغداد بود و ابو علی حسین بن علی النیشابوری و ابو محمد عبد الله الفارسی النحوی که از مبرد اخذ علم نحو کرده بود خسوف کلی قمر و وباء عظیم در بلاد جبل **افریقا** وزارت یافتن ابو الحسین جوهر عبد المعز از ملازمان المعز علوی و مامور شدن او با لشکری جرار در ماه صفر با قاصی مغرب و فتح بلاد تاهرت و از آنجا بفاس در جمادی الاخره که احمد بن بکر دروازه های شهر را بست و جوهر با وجود مقاتله غلبه نکرده رفت تا انتهای بحر محیط و بلاد آن نواحی را پیمود بعد بفاس برگشت و این بلد را بغلبه گرفت و زیری بن مناد صنهاجی در این مامورین با جوهر مشارکت داشت و فتح فاس در رمضان سال بعد اتفاق افتاده است وفات ابن یونس مورخ مصر

حکمران فاس

سنه ۳۴۸ هجری — سنه ۹۵۹ مسیحی

آسیا نیامدن باران و غلا و تسعیر غله در اغلب بلاد و وفات ابو بکر بن سلیمان الفقیه الحنبلی معروف بالنجاد در نود و پنجسالگی وفات جعفر بن محمد خلدی (خلدی) صوفی از اصحاب جنید خراب شدن رها و حران و جزایر و بنیه بواسطه استیلای رومیها **اروپا** (قسطنطنیه) فوت امپراطور قسطنطین که پسرش رومن او را مسموم ساخت

سنه ۳۴۹ هجری

سنه ۳۴۹ هجری — سنه ۹۶۰ مسیحی

آسیا وقوع خلاف میان اولاد مرزبان حکمران آذربایجان واحتیاج آنها بهمراهی عم خود وهسوذان ومکابره و
مخالفت او با او وآمدن او نزد ایشان وغدر ومکر کردن با ایشان وگرفتن وهسوذان حسان وناصر را که پسران مرزبان
بودند وکشتن این دو را وکشتن مادر حسان وناصر را جنگ کردن سیف الدوله حمدان در بلاد رومیه
الصغری وفتح نمودن بعضی از این بلاد را وسوزانیدن وکشتن وغنیمت گرفتن وراندن تا خرشنه اما در مراجعت
لشکرهای رومیها او را احاطه کرده آنچه از آنها که همراه بود مسترد ساختند وهمراهان او را کشتند فقط خود سیف
الدوله با سیصد نفر نجات یافتند باید دانست که پیش از وقت بعضی از اشخاص که معرفتی بحال این راه داشتند
بسیف الدوله گفتند که مصلحت نیست از این راه عبور کنی اما چون سیف الدوله استنکاف داشت که برای دیگری عمل
کند مبتلا باین بلا شد اسلام آوردن دویست هزار خرگاه از اتراک وفات ابن الحسن تبیانی در رصد وبیست سالگی وکرامات
ابو الحسن مشهور است واقعه عظیمه مابین شیعه وسنی در بغداد وغلبه شیعه بسبب بنی هاشم ومعز الدوله **افریقا** وفات
انوجور بن الاخشید حکمران مصر وبرقرار شدن برادرش علی بن اخشید بجای او وحجاج مصر در مراجعت از مکه در وادیی
منزل نمودند سیل آمد وآنها را با جمیع احمال واثقال بدریا برد

سنه ۳۵۰ هجری — سنه ۹۶۱ مسیحی

آسیا افتادن عبد الملک بن نوح سامانی در شکارگاه از اسب ودرگذشتن او بواسطه همین صدمه ودر گرفتن فتنه
در خراسان بعد از فوت او وبرقرار شدن برادرش منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل بن اسد بن سامان بحکمرانی بجای او
رسیدن ابو العباس عبد الله بن حسن بن ابی الشوارب بمنصب قاضی القضاتی در بغداد وتقبل او بدادن دویست هزار درهم
هر سالی بدیوان واین اول کسی است که بجهة این منصب اداء وجه قرار داد واین در ایام معز الدوله بن بویه بنای دار السلطنه
در بغداد برای معز الدوله انقراض بنی اخضر از شرفای حجاز وظهور بنی هاشم در مکه **اروپا** (اسپانیول) وفات عبد
الرحمن سیم پادشاه اسپانیول که پنجاه سال وشش ماه سلطنت کرده بود در هفتاد وسه سالگی در ماه رمضان واین اول
پادشاه مسلمان اسپانیا است که خود را خلیفه وامیر المؤمنین والناصر لدین الله لقب داد واین بهم چشمی خلفای علوی
افریقیه بود سلطنت حکم دویم پسر عبد الرحمن سیم بعد از فوت عبد الرحمن وملقب شدن او بالمستنصر (المنتصر) ودر
این وقت حکم چهل وهشت ساله بود (رم) ژان دوازدهم پاپ بواسطه افراط در معاصی ومناهی مردود شده ودر سنه
نهصد وشصت ونه مسیحی از پاپی خلع میشود (رومیة الصغری) گرفتن رومیها جزیره کرید را از اهل اسلام **افریقا**
وفات ابو شجاع فاتک که رومی بود واخشید حکمران مصر در رمله او را از آقای او گرفته وصاحب جاه ومکانتی نموده بود
وفاتک با کافور موافقتی داشت هنگام که اخشید مرد وکافور اتابک پسر اخشید شد فاتک را خوش نیامده بفیوم که اقطاع
او بود رفت ولی آب وهوای فیوم با او سازگار نشد که ناچار بمصر بازگشت وعاقبت در این سال در مصر درگذشت

سنه ۳۵۱ هجری — سنه ۹۶۲ مسیحی

آسیا آمدن عساکر رومیة الصغری بهمراهی دمستق بعین زربه وفتح کردن این محل را بطور امان وکشتن بعضی از
اهالی را ورها نمودن باقی را استیلای همین عساکر بر حلب ومقاتله با سیف الدوله وکشته شدن اغلب از قشون سیف الدوله
وگریختن خود او با معدودی وغارت کردن دمستق خانه سیف الدوله را که در بیرون شهر حلب بود وبردن اموال واسلحه
بسیار واسیر کردن چندین هزار نفر از اطفال ومراجعت دمستق وهمراهان او پس از نه روز اقامت در این بلد استیلای

دکن

رکن الدوله بن بویه بر طبرستان و جرجان و وفات ابو بکر محمد بن حسن النقاش المقری صاحب کتاب شفاء الصدور و قوت
مذهب شیعه و غلبه اهل این مذهب بواسطهٔ معز الدوله بن بویه **اروپا** (روم الصغری) فتح کردن رومیها قلعه ابو
رابضه را بشمشیر و مسخر کردن سر قلعه از قلاع مجاور آن را اسیر کردن رومیها ابا فراس حارث بن سعید بن حمدان را
و ابا فراس در اینمحل حکومت داشت **افریقا** رفتن عساکر اسلام به صقلیه و فتح کردن طبرمین را که مستحکمترین قلاع
بود و طبرمین را طبرمین معزیه میگویند و منسوبست بالمعز علوی

سنه ۳۵۲ هجری — سنه ۹۶۳ مسیحی

آسیا وفات وزیر مهلبی ابو محمد که مردی کریم عاقل فاضل بود و سیزده سال و سه ماه وزارت کرده حکم کردن
معز الدوله بشیعه‌ها بغداد که در روز دهم محرم دکاکین خود را ببندند و بتعزیه داری حضرت خامس آل عبا
مشغول شوند و زنها موهای خود را پریشان کرده صورتهای خود را سیاه نموده از خانه‌ها بیرون آیند و بر سر و سینه
بزنند و جامه پاره کنند و چون شیعه‌ها زیاد بودند و سلطان با آنها متفق بود سنیها نتوانستند مانع این اعمال شوند
عزل ابن ابی الشوارب از قضاوت و ابطال وجهی که ادای آن را ملتزم شده بود گرفتن معز الدوله عبد علیه را با
تشریفات هرچه تمامتر **اروپا** کشتن رومیها امپراطور قسطنطنیه را و اختیار کردن دیگری را بجای او با امپراطوری
و دمستق شدن ابن شمشقیق

سنه ۳۵۳ هجری — سنه ۹۶۴ مسیحی

آسیا راندن معز الدوله بموصل و نصیبین و مسخر کردن آنها و ولایات آن و منهزم شدن ناصر الدوله که بعد از آن
موافقت فیمابین معز الدوله و ناصر الدوله حاصل شده و ناصر الدوله ملتزم شد که هر سالی از بابت مالیات موصل
بمعز الدوله مبلغی بدهد معز الدوله راضی شده موصل را باو واگذار کرده و مراجعت ببغداد نمود فرار لشکر معز الدوله
در جنگ صقلیه وفات ابو سعید احمد بصری

سنه ۳۵۴ هجری — سنه ۹۶۵ مسیحی

آسیا مخالفت اهل انطاکیه با سیف الدوله و اطاعت نمودن برشیق که از طرسوس متوجه انطاکیه شده بود و بحلب
راند و با قرعویه که از جانب سیف الدوله عامل حلب بود جنگ کرد و در این وقت سیف الدوله در میافارقین بود و لشکری
بسرداری بشاره خادم خود بحلب فرستاد و بشاره و قرعویه متفقا با رشیق مقاتله نمودند و رشیق کشته شد و همراهانش
گریختند و بانطاکیه رفتند استیلاء خلف بن احمد سجستانی بر سجستان کشته شدن ابو الطیب متنبی و پسرش بدست اعراب و بردن
جمیع اموالی را که همراه داشت و اسم متنبی احمد بن حسین بن حسن بن عبد الصمد کندی بود و در سال سیصد و سه
در کوفه در محله کنده متولد شده و منسوب باین کنده کرده نه کنده که اسم قبیله است متنبی از قبیله جعفی است گویند ابتدا
متنبی در کوفه سقائی میکرد اما هنوز در سن کودکی بود که بشام آمده بفنون ادب مشغول و ماهر شد و در لغت مخصوصا
تسلط و تبحر کامل بهم رسانید و شعر او باقصی درجه رسید و او را از این جهت متنبی گفته‌اند که در اراضی سماوه ادعای نبوت کرده
و خلق کثیری از بنی کلب و غیره با وی گرویدند لؤلؤ از نواب اخشیدیه بقصد او بحمص آمده متنبی را اسیر کرد و اصحاب او را متفرق
نمود و مدتی او را محبوس داشت تا توبه کرد آنگاه او را رها نموده متنبی در سال سیصد و سی و هفت بسیف الدوله
پیوست بعدها از او جدا شده در سنه سیصد و چهل و شش بمصر رفت و کافور اخشیدی را مدح کرد بعدها هجو کافور
گفته در سال سیصد و پنجاه بفارس آمده عضد الدوله دیلمی را مدح نمود و در اینسال از فارس متوجه کوفه شده در نزدیکی

نمایند در رجا بن عزنی سواد بغداد در نزدیکی بر عاقول عرب بر سراو ریختند او را کشتند و اموالش را بردند وفات محمد بن رجان ابو حاتم بن احمد بن حبان بستی صاحب تصانیف مشهوره **اروپا** آمدن امپراطور قسطنطنیه بمصیصه و گرفتن این بلد را قهرا و کشتن و اسیر نمودن بسیاری از اهالی را و آمدن بطرسوس و امان خواستن اهل طرسوس که ایشان را امان داد و جامع را طویله کرد و منبر را سوزانید و جمعی نصرانی شدند و امپراطور بقسطنطنیه مراجعت کرد

سنه ۹۶۵ مسیحی — سنه ۳۵۵ هجری

آسیا مستخلص نمودن سیف الدوله بن حمدان پسر عموی خود ابو فراس بن حمدان را که بدست رومیها اسیر بود بدادن فدیه تفرقه و اضطراب قافله حاج مصر و شام از خوف غارت بنی سلیم **اروپا** (رومیه الصغری) آمدن امپراطور قسطنطنیه به آمد و محاصره کردن این بلد را و باز گشتن و راندن تا حوالی نصیبین و فرار اهل نصیبین و گرفتن غنایم و رفتن از جزیره بشام و نزول با نطاکیه که پس از مدت زمانی اقامت در اینجا بطرف طرسوس رفت (اسپانیول) حکم دوم پادشاه این مملکت بجهت اینکه مسلمانهای اسپانیول در شرب خمر افراط و اکثار میکردند حکم بکندن تمام تاکهای ممالک اسپانیول که در تصرف او بود نمود (روس) طایفه خزر که در سواحل قرادنکز یورت داشتند و بر طوایف املا و کرسو که در سواحل رود ولکا ساکن بودند غلبه و تسلط کامل بهم رسانیده پادشاه روس اسویاتسلاو بر آنها غالب آمده آنها را بسمت مشرق میراند

سنه ۹۶۶ مسیحی — سنه ۳۵۶ هجری

آسیا رفتن معز الدوله بواسط و تجهیز دادن عساکر برای جنگ عمران بن شاهین که بطیحه را متصرف بود اما چون در بین راه معز الدوله مبتلا باسهال شد و مرض را غالب دید ببغداد باز گشت و پسرش بختیار را ولایتعهد داد و اموال زیادی بوجه تصدق بذل کرد و غلامان خود را آزاد ساخت و توبه بود و در سیزدهم ربیع الاخر در گذشت و در باب التبن در میان مقابر قریش مدفون شد مدت امارتش بیست و یکسال و یازده ماه و پس از او چون بختیار امارت یافت بعساکر که بمهمای حرب عمران بن شاهین بودند نوشت که با او صلح کنند و ببغداد بر گردند و خود بلهو و لعب مشغول شد گرفتن ابو تغلب پسر ناصر الدوله پدر خود را و حلس کردن او بجهت اینکه پیر شده بود و بداخلاقی و بد رفتاری با اولاد خود میکرد و متضمن شد که از بابت مالیات بلاد محکومه خود سالی دو کرور و دویست هزار درهم بنجتیار بدهد وفات وشمکیر بن زیار برادر مرداویج که بیستون پسرش بجای او بر قرار آمد و بعضی وفات وشمکیر را در محرم سال بعد نوشته اند وفات سیف الدوله ابو الحسن علی بن عبد الله بن حمدان بن حمدون التغلبی الربعی در ماه صفر در حلب که نعش او را بمیا فارقین برده دفن کردند تولد سیف الدوله در ذیحجه سیصد و سه و مرض موت او عسر البول و او اول شخصی است از بنی حمدان که حلب را بگرفت و از ولایت در دست احمد بن سعید کلابی نایب اخشید بود تملک سعد الدوله شریف مکنی بابو المعالی پسر سیف الدوله بلادی را که در تصرف پدر او بود وفات ابو محمد بن الیاس پادشاه کرمان وفات ابو الفرج علی بن حسین بن محمد بن احمد بن الهیثم بن عبد الرحمن بن مروان بن عبد الله بن مروان بن محمد بن مروان بن الحکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف الاموی الکاتب الاصفهانی صاحب کتاب الاغانی ابو الفرج اصفهانی الاصل و بغدادی المنشأ و با وجود اموی بودن شیعه بوده است **اروپا** جزیره قبرس که در تصرف مسلمانان بود از دست آنها خارج کردید **افریقا** وفات کافور اخشیدی که خواجه سیاه و از موالی محمد بن طغج الاخشید حکمران مصر بود بعد از اخشید پسرش انوجور حکمران مصر شده ولی مدار جمیع امور شخص کافور را بود انوجور در سال سیصد و چهل و نه مرد

وبرادرش

و برادرش علی بن اخشید که صغیر بود بجای او بتخت نشست علی نیز در سال سیصد و پنجاه و پنج بمرد و کافور خود بالاستقلال حکمران مصر شد و کافور را اخشید بهیجده دینار خریده بود بعضی وفات کافور را در سال بعد نوشته اند برقرار شدن ابو الفوارس احمد بن علی بن اخشید بجای او

سنه ۳۵۷ هجری — سنه ۹۶۷ مسیحی

آسیا استیلای عضد الدوله بن رکن الدوله بن بویه بر کرمان بعد از مردن علی بن الیاس پادشاه کرمان کشته شدن ابو فراس بن حمدان بدست عساکر ابو المعالی بن سیف الدوله و ابو فراس چنانکه ذکر نمودیم در منبج بدست رومیها اسیر شده او را بقسطنطنیه برده چهار سال نگاه داشتند وفات المتقی لله ابراهیم بن مقتدر عباسی مخلوع اعمی وفات علی بن بندار صوفی نیشابوری تقاعد حجاج بجهة نا امنی راه **اروپا** (روس) اسویاتسلاو پادشاه روس بر طوایف بلغار که در ساحل دانوب بودند غلبه کرده و منظورش اینست که پایتخت و مرکز دولت خود را در ساحل این رودخانه قرار دهد

سنه ۳۵۸ هجری — سنه ۹۶۸ مسیحی

آسیا اختلاف میان اولاد ناصر الدوله و مردن ناصر الدوله در حبس و غلبه ابو تغلب بن ناصر الدوله که بعدة الدوله الغضنفر ملقب شد استیلای قرعویه غلام سیف الدوله بر حلب و خواستن سابور بن ابی طاهر القرمطی از اعمام خود که او را رئیس کنند و حبس کردن او را و مردن در حبس **اروپا** نیسفر امپراطور قسطنطنیه شهر نصیبین را فتح کرده تا حوالی بغداد راند و از آنجا مراجعت بقسطنطنیه نمود **افریقا** فرستادن المعز لدین الله علوی لشکری بسرداری جوهر رومی که غلام پدرش بود بمصر و استیلای جوهر بر مصر و انقراض اخشیدیه

سنه ۳۵۹ هجری — سنه ۹۶۹ مسیحی

آسیا راندن ابو تغلب بن ناصر الدوله بحران و محاصره کردن این بلد را مدتی و فتح نمودن آن را بدادن امان و عامل کردن بر قبیله را که از اکابر ملازمان بنی حمدان بود در این ولایت و معاودت ابو تغلب بموصل گرفتن عساکر روم مینر الصغری انطاکیه را بضرب شمشیر و کشتن و اسیر کردن اهالی را و اخذ غنایم موفوره و راندن بحلب و فتح نمودن این بلد و محاصره کردن قلعه او را که پس از محاصره با قرعویه غلام سیف الدوله که این بلاد را تملک نموده بود و آقا زاده خود ابو المعالی شریف بن سیف الدوله را بیرون نموده مصالحه کردند باینکه هر سال مبلغی خراج بابت از بلاد عنصر و حمص برای امپراطور قسطنطنیه ارسال دارد فتح کردن عساکر و مینر الصغری ملازکرد را که از ولایات ارمنیه بود بغلبه و اسر و غارت زیاد در این مملکت صلح قرعویه با آقا زاده خود ابو المعالی و خطبه خواندن باسم او در حلب و ابو المعالی در این وقت در حمص بود و در این ولایت و حلب نیز باسم المعز لدین الله علوی حکمران مصر خطبه خواندند و در مکه باسم المطیع لله عباسی و در مدینه باسم المعز و ابو محمد موسوی پدر شریف رضی در خارج مدینه نیز باسم المطیع خطبه خواند وفات محمد بن داود دینوری معروف بالرقی از مشاهیر مشایخ صوفیه وفات قاضی ابو العلاء محارب بن محمد بن محارب فقیه شافعی که عالم بفقه و کلام بود انقراض دولت آل الیاس و کشته شدن سلیمان در جنگ عضد الدوله در کرمان استیلای ابن فلاح از جانب جوهر غلام معز علوی بر طبریه از بلاد شام ظهور دولت اکراد حسنویه در دینور **اروپا** کشته شدن نیسفر (نقفور) امپراطور قسطنطنیه بواسطه زوجه او و جلوس یکی از امپراطور زاده های قسطنطنیه بسریر سلطنت و مینر الصغری (روس) فوت الگا مادر پادشاه روس **افریقا** جوهر غلام منصور و سردار

المعز علوی بعد از غلبه بر تمام مصر بنای شهر قاهره را نمود و اسم خلفای بغداد از خطبه افتاد و شهر قاهره پای تخت خلفای فاطمی شد و شام ضمیمه مصر گردید

سنه ۹۷۰ مسیحی
سنه ۳۶۰ هجری

آسیا در ذیقعده اینسال قرامطه بدمشق آمدند و با جعفر بن فلاح نایب المعز جنگ کردند و ابن فلاح را کشتند و دمشق را گرفتند و اهالی را امان دادند و برمله رفتند و این بلد را نیز مسخر نمودند بعد جمعی از اخشیدیه با آنها پیوستند و آنها قصد مصر نموده بعین شمس فرود آمدند و میان آنها و مغاربه و جوهر جنگ در گرفت ابتدا قرامطه غلبه کردند بعد مغاربه مسلط شدند و قرامطه مراجعت بشام نمودند و بزرگ قرامطه در اینوقت حسن بن احمد بن بهرام بود یافتن ابو القاسم صاحب بن عباد وزارت مؤید الدوله بن رکن الدوله را وفات ابو القاسم سلیمان بن ایوب طبرانی صاحب المعاجم الثلاثه باصفهان در صد سالگی وفات سری الرفا شاعر موصلی ببغداد **افریقا** تمام شدن بنای قاهره و جامع ازهر بمباشرت جوهر

سنه ۹۷۱ مسیحی
سنه ۳۶۱ هجری

آسیا مصالحه مابین منصور بن نوح سامانی پادشاه ماوراء النهر و خراسان و رکن الدوله بن بویه باینکه هر سال رکن الدوله صد و پنجاه هزار دینار برای منصور بفرستد تزویج منصور و دختر عضد الدوله تصرف ابو تغلب بن ناصر الدوله بن حمدان قلعه ماردین را که نایب برادرش حمدان اینقلعه را باو تسلیم کرد و او هر چه مال و سلاح از برادرش در ماردین بود متصاحب نمود **اروپا** وفات محمد بن حسینی مورخ اندلس تاختن رومیهای و میه الصغری بجزیره و رها و نصیبین و قتل و نهب و اسر زیاد **افریقا** کوچ کردن المعز علوی از افریقیه در اواخر شوال با خزائن و اموال زیادی که داشت بقصد آمدن بمصر و در حین روانگی المعز یوسف معروف به بلکین بن زیری بن مناد الصنهاجی را عامل افریقیه قرار داد و ابو القاسم علی بن حسن بن علی بن ابی الحسین را بحکومت بلاد صقلیه معین نمود و حکومت طرابلس غرب را بعهده عبد الله بن یخلف الکتامی موکول داشت و چون المعز برقه رسید محمد بن هانی شاعر اندلسی ملیح المعز را که با او بود در اینجا هلاک نمودند و قاتل او معلوم نشد و المعز در اواخر شعبان سال سیصد و شصت و دو باسکندریه رسید و اهل مصر بخدمت او شتافتند و مورد اکرام شدند و در پنجم ماه رمضان سنه سیصد و شصت و دو بقاهره دار الملک خود ورود نمود

سنه ۹۷۲ مسیحی
سنه ۳۶۲ هجری

آسیا حصول وحشت فیما بین بختیار و ملازمان او از دیلم و ترک رسیدن دمستق بحدود میافارقین و نهب و قتل او و فرستادن ابو تغلب بن ناصر الدوله برادر خود هبة الله را با لشکری بجنگ دمستق و غلبه کردن هبة الله و گرفتن رومیها و اسیر شدن دمستق و مردن او در حبس ابو تغلب **اروپا** پادشاه روس بلقب امپراطوری نایل میگردد

سنه ۹۷۳ مسیحی
سنه ۳۶۳ هجری

آسیا وادار نمودن سبکتکین ترکی المطیع لله را باینکه خود را از خلافت خلع نماید و خلع کردن المطیع خود را از خلافت در نیمه ماه ذیقعده مدت خلافت المطیع بیست و نه سال و پنجماه سوای چند روز بود بیعت کردن مردم با الطایع لله بیست و چهارمین خلیفه عباسی که اسمش عبد الکریم بن مفضل المطیع لله بن جعفر المقتدر بن المعتضد احمد بود و

کشتن ابوبکر رفتن سبکتکین و اتراک بطرف واسط که الطایع خلیفه و المطیع مخلوع را نیز با خود بردند و المطیع در دیر عاقول بمرد و سبکتکین نیز درگذشت و اتراک افتکین را که بزرگترین سرکردها بود بر خود رئیس کردند و تا نزدیکی واسط راندند و بختیار که در واسط بود لشکر بجنگ آنها کشید پنجاه روز تا بروز قتال مشتغل بود و اتراک غلبه داشتند و بختیار متوالیا نزد عضد الدوله فرستاد و از او کمک خواست و عضد الدوله کمک برای او فرستاد و سال بسر رسید باتمام رسیدن تاریخ ثابت بن قره که ابتدای آن از خلافت المقتدر و سال دویست و نود و پنج بود راندن قرامطه بمصر و وقوع جنگها ما بین آنها و عساکر المعز که آخر الامر قرامطه منهزم شدند بسیاری از آنها کشته شد و المعز ده هزار سوار بتعاقب آنها فرستاد و قرامطه باحسا و قطیف آمدند و بعد از آنکه قرامطه منهزم و از شام دور شدند المعز ظالم بن موهوب العقیلی سرکرده را بدمشق فرستاد و او در انولایت قوت یافت و در میان اهل دمشق و مغاربه فتنه ها برپا بود تا سنه سیصد و شصت و چهار و یک قسمتی از دمشق در این فتنه ها بسوخت زلزله در واسط انقطاع خطبه بنی عباس از حرمین بامر المعز وفات ابن سنان از حکماء و مورخین مردن حجاج در دره عراق اروپا کشته شدن پادشاه روس بدست یکی از رؤسای طایفه تاتار و تقسیم مملکت در میان سه اولاد او

سنه ۳۶۴ هجری — سنه ۹۷۴ مسیحی

آسیا چون عضد الدوله با عساکر فارس تا نزدیکی واسط آمد افتکین و اتراک مراجعت ببغداد کردند عضد الدوله نیز متوجه جانب شرقی بغداد شد و عز الدوله بختیار را حکم کرد بجانب غربی بغداد رود و اتراک از بغداد بیرون آمده با عضد الدوله جنگ کردند و منهزم شدند و عضد الدوله داخل بغداد شد و خلیفه را که اتراک گرفته بودند از چنگ آنها بدر آورد و چون عضد الدوله در بغداد استقرار یافت لشکریان بجهت اینکه اجرای آنها نرسیده و بختیار مالی نداشت که بآنها بدهد شورش کردند عضد الدوله به بختیار گفت از امارت استعفا کن و او چنان کرد بعد عضد الدوله بختیار و برادران او را بگرفت و خود در بغداد مستقل شد و کار خلیفه بالا گرفت و اموال زیاد نزد او برد چون عز الدوله بختیار را عضد الدوله گرفت مرزبان بن بختیار که حکومت بصره داشت خبر شده برکن الدوله شاکی شد و رکن الدوله را اینکار بسیار بد آمد ناچار عضد الدوله بجهت استرضای پدر خود و دفع اغتشاش که بواسطه او در امور پیدا شده بود بختیار را از حبس بیرون آورده خلعت داد و مملکت او را با او مسترد ساخت و خود بفارس بازگشت اما افتکین که در جنگ عز الدوله بختیار و عضد الدوله هزیمت یافته بود بحمص و دمشق راند اهل دمشق با افتکین همدست شده حکمران خود ریان (زبان) خادم را که از جانب المعز علوی حکومت میکرد بیرون کردند و اسم المعز را از خطبه انداختند و افتکین بر دمشق مستولی شد المعز علوی خواست از مصر بشام بجنگ افتکین آید که درگذشت چنانکه در وقایع سال بعد بیاید العزیز پسر المعز جوهر سردار را با لشکری بشام فرستاد و افتکین را در دمشق محاصره کردند افتکین از قرامطه استمداد نمود چون قرامطه نزدیک دمشق رسیدند جوهر عزم مراجعت بمصر نمود آنها او را تعاقب کرده در عسقلان محصور نمودند و جوهر و همراهانش نزدیک بود که از گرسنگی بمیرند لهذا مبلغ گزافی داده مستخلص شده بمصر آمد العزیز که این بدانست بنفسه متوجه شام شد و در ظاهر رمله با افتکین و قرامطه جنگ شدیدی کرده و آنها را منهزم ساخت و افتکین را بعد از فرار گرفتند و نزد العزیز آوردند العزیز او را بنواخت و خلعت داد و با اکرام با خود بمصر برد و در مصر بود تا مرد وفات ابوبکر بستی از حفاظ

سنه ۳۶۵ هجری — سنه ۹۷۵ مسیحی

آسیا ۱ وفات سنان بن قرة الصابی صاحب التاریخ وفات ابو بکر محمد بن علی بن اسمعیل القفال الشاشی فقیه شافعی که پیشوای
عصر خود بود و در زمان خود در ماوراء النهر نظیری نداشت بعضی وفات ابو بکر را در سال سیصد و شصت و شش
نوشته اند و برخی در سنه سیصد و سی و شش و ابو بکر مذکور پدر قاسم است که مصنف کتاب تقریب میباشد و این تقریب
غیر از تقریب سلیم رازی است چنانکه ابو بکر محمد شاشی هم غیر ابو بکر محمد شاشی صاحب کتاب عمده و کتاب مستظهری است استقرار
عضد الدوله در فارس و کرمان **افریقیا** وفات المعز لدین الله ابو تمیم معد بن المنصور بالله اسمعیل بن القائم بامر الله ابو
القاسم محمد بن مهدی عبید الله العلوی در مصر در هفدهم ربیع الاول المعز در شهر مهدیه افریقیه در یازدهم رمضان
سنه سیصد و نوزده متولد شده و تقریباً بیست و دو سال خلافت کرد برقرار شدن العزیز پسرش بجای او و در همین
سال در مکه خطبه باسم العزیز خواندند جنگ کردن ابو القاسم بن حسن بن علی بن ابی الحسین امیر صقلیه در بلاد روم
الصغری و فتح کردن بعضی قلاع و بلاد را با نهب و اسر زیاد

سنه ۳۶۶ هجری — سنه ۹۷۶ مسیحی

آسیا ۱ وفات رکن الدوله حسن بن بویه در محرم اینسال و رکن الدوله زیاده از هفتاد سال داشت و چهل و
چهار سال امارت کرد و در مرض موت مقرر نمود همدان و اعمال الجبل در تحت حکم ابن پسرش فخر الدوله باشد و اصفهان
و اعمال آن مخصوص پسر دیگرش مؤید الدوله و این هر دو در تحت اطاعت عضد الدوله باشند که او نیز پسر رکن الدوله
و از سایر برادرها معتبرتر بود راندن عضد الدوله بعد از فوت رکن الدوله بعراق و بیرون آمدن عز الدوله بختیار
بجنگ او و مقاتله فئتین در اهواز و منهزم شدن و رفتن بختیار بواسط و استیلای عساکر عضد الدوله بصره و رفتن
بختیار ببغداد و آمدن عضد الدوله ببصره و این نواحی و مفرر نمودن امور این حدود در او حال بر اینمنوال بود که سال
باخر رسید ابتدای دولت سلجوقیان و تملک سبکتکین غزنین را و سبکتکین از غلامان ابو اسحق بن البتکین سرکرده لشکر
سامانی در غزنین بود و چون سبکتکین مرد عاقل باکیاستی بود نزد آقای خود کمال منزلت را داشت و بعد از مردن ابو اسحق
لشکریان اتفاق کرده سبکتکین را سالار خود کردند و رفته رفته کار او بالا گرفت و در بلاد هند جنگها کرد و بر بست و
قصدار مستولی شد وفات منصور بن نوح سامانی پادشاه خراسان و ماوراء النهر در نیمه شوال در بخارا که مدت
سلطنتش پانزده سال بود برقرار شدن نوح بن منصور که سیزده سال داشت بجای او و گرفتن عضد الدوله ابو الفتح
بن العمید وزیر پدرش را و میل کشیدن یک چشم او را و بریدن بینی او را در آمدن حلب در تحت حکمرانی ابو المعالی
شریف بن سیف الدوله وفات ظهیر الدوله بهستون بن وشمکیر در جرجان و استیلای برادرش قابوس بن وشمکیر بن زیار
بر طبرستان و جرجان وفات یوسف بن حسن الجنابی القرمطی حکمران هجر و بعد از او شش نفر مشترکاً ریاست قرامطه را
متقلد شدند و آنها را السادة (آقایان) گفتند **اروپا** ولیعهد نمودن الحکم دوم پادشاه اسپانیول هشام پسر خود را
که یازده ساله بود و ملقب کردن او را بمؤید الدوله و درگذشتن الحکم که پانزده سال و پنجماه سلطنت کرده بود و شصت
و سه سال و هفت ماه عمر داشت و چون هشام صغیر بود ابو عامر محمد بن عبد الله بن ابی عامر محمد بن ولید بن یزید المعافری
(المغافری) القحطانی را بلقب حاجب ملقب ساخت و بنیابت او بکار سلطنت رسیدگی میکرد و ابو عامر ملقب بالمنصور بود و مرجع
جمیع امور و هشام ابدا مدخلیتی نداشت و المنصور بزرگ و بزرگوار و طالب علم و زیاده از پنجاه جنگ با فرنگیها کرد

سنه ۳۶۷ هجری — سنه ۹۷۷ مسیحی

آسیا راندن عضد الدوله بعراق و نوشتن بعز الدوله بختیار که ازین بلاد بیرون رو و هر ولایتی را که بخواهی من بتو خواهم داد تمکین کردن بختیار این کفته را و فرستادن عضد الدوله خلعت برای او و پوشیدن او و رفتن بطرف شام و داخل شدن عضد الدوله ببغداد و استقرار او در آن شهر و کشتن ابن بقیه وزیر بختیار را و بدار زدن او و همراهی کردن حمدان بن ناصر الدوله با عز الدوله بختیار و انداختن او را بطمع ملک موصل و رفتن بختیار بطرف موصل و فرستادن ابو تغلب بن ناصر الدوله نزد بختیار و پیغام دادن که اگر برادرم را بمن تسلیم نمائی من با تو متفق میشوم و با عضد الدوله جنگ میکنیم و او را از عراق بیرون مینمائیم چون بختیار این بشنید حمدان را گرفته بابی تغلب تسلیم نمود و ابو تغلب او را حبس کرد و لشکر جمع نموده با بختیار قصد عضد الدوله کردند عضد الدوله نیز از بغداد حرکت نموده در قصر جص از نواحی تکریت در هیجدهم شوال فیمابین تلاقی کردند عضد الدوله آنها را منهزم نمود و بختیار را دستگیر کرده بکشت و متوجه موصل شده این ولایت را نیز بگرفت و ابو تغلب بمیافارقین گریخت عساکر عضد الدوله او را تعاقب نمودند و از میافارقین بتدلیس آمد باز لشکر عضد الدوله او را دنبال کرده او ببلاد روم رفت و قشون عضد الدوله باو رسیدند او قشون عضد الدوله را اینبار نیز شکست داد و بعضی زیاد که بعدها بحرث برث معروف شد آمد و اقامت نمود وفات محمد بن عبد الرحمن معروف بابن قریعه بغدادی قاضی سندیه و غیرها من اعمال بغداد و قاضی مشار الیه در حاضر جوابی و فصاحت اعجوبه دهر و مصاحب مهلبی وزیر بوده است (سندیه قریه ایست در ساحل نهر عیسی میانه بغداد و انبار و منسوب بسندیه را سندی میگویند تا فرق باشد میانه این سندی و سندی که منسوب بسند هند است) **افریقا** وقوع زلزله در افریقیه

سنه ٣٦٨ هجری — سنه ٩٧٨ مسیحی

اسیا فتح کردن ابو الوفا سردار لشکر عضد الدوله میافارقین را بامان و چون ابو تغلب این بشنید از آمد بطرف رحبه آمد و ابو الوفا آمد را نیز بگرفت و عضد الدوله بر جمیع دیار بکر مستولی شد پس از آن بر جمیع دیار مضر و رحبه استیلا یافت چون عضد الدوله تمام مملکت ابو تغلب را مسخر کرد ابو الوفا را در موصل نایب خود نمود و خود ببغداد آمد و ابو تغلب متوجه دمشق شد و در بنوقت قسام که محل اعتماد افتکین بود بر دمشق مستولی شده و خطبه باسم العزیز علوی میخواند و ابو تغلب را مانع از دخول دمشق گشت و با او مقاتله نمود ناچار ابو تغلب بطبریه رفت وفات قاضی ابو سعید حسن بن عبد الله سیرافی نحوی مصنف شرح کتاب سیبویه که فاضل و فقیه و مهندس و منطقی بود و بعد از او ابو محمد بن معروف بالحکم در جانب شرقی بغداد قضاوت یافت بنای حصار مدینه بامر عضد الدوله زلزله های شدید در عراق عجم اتحاد دیلمی و ترک بغداد با قرامطه بجهت دفع خلفای فاطمی مصر

سنه ٣٦٩ هجری — سنه ٩٧٩ مسیحی

آسیا ابو تغلب بن ناصر الدوله از طبریه برمله آمد دغفل بن مفرج طائی که اسم او فضل و از سرکرده های العزیز علوی بود و با لشکری قصد جنگ و تسخیر شامات را داشت بجز با ابو تغلب برخاست و جز هفتصد نفر از غلامان ابو تغلب و پدرش دیگر کسی با او نبود لهذا از جلو دغفل گریخت دغفل او را تعاقب کرده بگرفت و بکشت و سر او را بمصر نزد العزیز فرستاد وفات عمران بن شاهین که در بطیحه مستقلا حکمرانی داشت و پسرش حسن بن عمران جای او بگرفت و باج گذار عضد الدوله شد ظهور وحشت فیمابین عضد الدوله و فخر الدوله و راندن عضد الدوله بلاد فخر الدوله و کریختن فخر الدوله و پیوستن بشمس المعالی قابوس بن وشمگیر و اکرام بینهایت شمس المعالی نسبت باو و تملک عضد الدوله بلاد فخر الدوله را که عبارتست از ری و همدان و ما بینهما بود رفتن عضد الدوله ببلاد حسنویه کردی و استیلای او در آن بلاد عارض

شدن صرع در پیکر عضد الدوله و پنهان داشتن او این مرض را همچنین کثرت نسیانی که بر او طاری شده بود فرستادن عضد الدوله لشکر بسر اکراد هکاریه از اعمال موصل و مقهور و منقاد نمودن آنها را تزویج کردن الطائع لله دختر عضد الدوله را وفات حسین بن زکریای لغوی صاحب کتاب المجمل فی اللغة وفات ثابت بن ابراهیم حرانی المتطبب الصابی وفات عبدالله رودآبادی از کبار مشایخ

سنه ۹۸۰ مسیحی
سنه ۳۷۰ هجری

آسیا وفات احدب عزه رشید نوبین بپا معروف فرستادن حکمران یمن هدیه برای عضد الدوله که از آن جمله یک قطعه عنبر بود که پنجاه و شش رطل بغدادی وزن داشت وفات ازهری ابو منصور محمد بن احمد بن الازهر بن طلحة اللغوی پیشوای مشهور که فقیه شافعی مذهب بود و در لغت بیشتر تبحر داشت و کتاب تهذیب در لغت از مصنفات اوست **اروپا** سلطنت مستقله ولادیمیر بعد از قتل برادران خود در مملکت روس

سنه ۹۸۱ مسیحی
سنه ۳۷۱ هجری

آسیا استیلای عضد الدوله بر بلاد جرجان و طبرستان و راندن قابوس بن وشمگیر حکمران و سلطان این مملکت را از این بلاد و سبب جنگ عضد الدوله با قابوس این بود که فخر الدوله علی برادر خود را که پناه بقابوس برده بود از او خواست چون او فخر الدوله را تسلیم عضد الدوله نکرد کار بدینجا کشید گرفتن عضد الدوله قاضی محسن بن علی التنوخی را که حنفی و شدید التعصب بود و بنا بر شافعی مکلف رها کردن عضد الدوله ابی اسحق ابراهیم الصابی را که در سنه سیصد و شصت و هفت گرفته و حبس کرده بود و جهت گرفتن او این بود که در مصلحت بختیار حق نصیحت را ادا کرده بود فرستادن عضد الدوله قاضی ابوبکر محمد بن طیب اشعری معروف بابن باقلانی را با جواب نامه امپراطور قسطنطنیه بروم [illegible] وفات ابوبکر احمد بن ابراهیم بن اسمعیل الاسماعیلی فقیه شافعی جرجانی و امام محمد بن احمد بن عبدالله المروزی فقیه شافعی که عالم بحدیث و غیره بود و صحیح بخاری را از فربری روایت میکرد

سنه ۹۸۲ مسیحی
سنه ۳۷۲ هجری

آسیا اتمام بنای دار الشفای عضدی در بغداد وفات عضد الدوله فناخسرو بن رکن الدوله حسن بن بویه در هشتم شوال بناخوشی صرع که او را بنجف حمل کرده دفن نمودند و مدت سلطنت او در عراق پنج سال و شش ماه و عمر او چهل و هفت سال بود و چون میل مفرط بعلوم داشت مصنفات کثیره اهل فضل باسم او نمودند پس از عضد الدوله امرا و سرکردها بر سلطنت پسرش کالیجار مرزبان اتفاق نمودند و او را ملقب بصمصام الدوله کردند و برادر صمصام الدوله شرف الدوله شیرزیل بن عضد الدوله که در کرمان بود چون خبر فوت پدر را شنید بفارس آمده این مملکت را تملک نمود و خطبه صمصام الدوله را قطع کرد کشتن ابو الفرج محمد بن عمران بن شاهین برادر خود حسن بن عمران حکمران بالاستقلال بطیحه را و استیلای او بر این ناحیه **افریقا** گرفتن عساکر العزیز علوی خلیفه مصر فلسطین و دمشق را کشته شدن علی کلبی پادشاه صقلیه در جنگ فرنگ

سنه ۹۸۳ مسیحی
سنه ۳۷۳ هجری

آسیا وفات مؤید الدوله بویه بن رکن الدوله بن بویه که عضد الدوله حکمرانی او را در بلاد دیگر پدرش مخصوص او کرده بود امضا نموده و مملکت فخر الدوله را نیز ضمیمه حکمرانی او داشته و چون او بمرد فخر الدوله علی چنانکه ذکر کردیم نزد قابوس بن وشمگیر پناهیار بود بگرگان لشکر مؤید الدوله بر حکمرانی فخر الدوله اتفاق کردند و باو نوشتند و او در رمضان

اینسال بمجل حکمرانی خود بی منازع و معارضه احدی بازگشت و درکار خود مستقر گردید و خلیفه عباسی برای او خلعت فرستاد
و حکمرانی او را امضا نمود اتفاق بزرگان لشکر عمران بن شاهین و کشتن ابو الفرج محمد بن عمران را بجهة بد سلوکی او و
برداشتن ابو المعالی بن حسن بن عمران بن شاهین را که صغیر بود بحکمرانی و مظفر بن علی الحاجب که بزرگترین سرکرده ها
جد او بود بتدبیر امور پرداخت و پس از چندی ابو المعالی و مادرش را بواسط فرستاده خود بر بطیحه مستولی شد و
خاندان عمران بن شاهین منقرض گردید بدینطور که پیش از این گفتیم که بکجور غلام قرعویه آقای خود را بگرفت و حلب را مالک شد بعد
ابو المعالی سعد الدوله بن سیف الدوله بن حمدان حلب را از بکجور منتزع نمود و او را والی حمص کرد درینسال بکجور عریضه
بالعزیز علوی نوشت و استدعای ولایت دمشق نمود العزیز قبول کرده بعامل خود بکتکین نوشت که دمشق را به بکجور
واگذار کند و او چنین کرد و بکجور بنای بدرفتاری را در دمشق گذاشت و فات ابو عثمان قاری از شیوخ نیشابور **افریقا**
وفات یوسف بن بلکین بن زیری امیر افریقیه در دیجیر و ولایت پسرش منصور بن یوسف بجای او و فرستادن برای
العزیز هدیه که قیمتش صد هزار هزار دینار بود

سنه ۳۷۴ هجری — سنه ۹۸۴ مسیحی

اسیا ابتدای امارت بنی ثمال در کوفه که اول شخص اینطایفه ابو طریف علیان بن ثمال الخفاجی بود وفات ابو الفتح محمد بن
الحسن (الحسین) الموصلی حافظ مشهور وفات خطیب ابو یحیی عبد الرحیم بن اسمعیل بن بنانه صاحب خطب مشهوره
درمیا فارقین و ابن بنانه از ائمه ادب و وحید اعصار بود

سنه ۳۷۵ هجری — سنه ۹۸۵ مسیحی

اسیا آمدن قرامطه باد و نفر از شش نفر که آنها را السادة (آقایان) نامیده بودند بکوفه و مسخر کردن و نهب
نمودن این بلد را و فرستادن صمصام الدوله بن عضد الدوله لشکری بدفع آنها و منهزم شدن قرامطه و مقتول
شدن جمع کثیری از آنها و تمام شدن هیبت اینطایفه گویند در اینسال مرغی که بزرگتر از فیل بوده در دریای عمان
پیدا شده بر تلی قرار میگرفت و بزبان فصیح سه مرتبه میگفت (قد قرب) یعنی نزدیک شده است و سه روز اینکار را
کرد و دیگر مرئی نشد العهدة علی الراوی وفات ابو زرعه احمد الرازی ابو القاسم دارکی شیخ شافعی **اروپا** غلبه
فتون المنصور پادشاه اسپانیول بر آخر حکمرانان ادارسه افریقا و فتح شهر فاس (فز)

بعد میرفتند برآب

سنه ۳۷۶ هجری — سنه ۹۸۶ مسیحی

اسیا مسخر نمودن شرف الدوله بن عضد الدوله عراق را راندن شرف الدوله از اهواز بواسط و گرفتن اینولایت را
در بین وقت ملازمان صمصام الدوله باو گفتند که بطرف موصل یا سمت دیگر رود و انه شود نشنید و با خواص خود
سوار شده نزد شرف الدوله آمد و از او امان خواست شرف الدوله او را بخوبی پذیرفت اما همینکه از پیش او بیرون
شد غدر کرده او را بگرفت و بطرف بغداد راند و در ماه رمضان داخل این بلد گردید و صمصام الدوله مغلولا
با او بود بعد او را بفارس فرستاده در یکی از قلاع این مملکت حبس کرد و بند نهاد مدت حکمرانی صمصام الدوله در
بغداد سه سال بود وفات مظفر حاجب حکمران بالاستقلال بطیحه که بعد از او پسر خواهرش ابو الحسن علی بن نصر
جای او بگرفت و امضای حکمرانی او از بغداد باو رسید و ملقب بمهذب الدوله گردید و بنای نیک سیرتی را
گذاشت وفات ابو علی حسن بن احمد بن عبد الغفار الفارسی النحوی صاحب ایضاح و مصنفات مشهوره دیگر در بغداد
که زیاده از نود سال داشت وفات ابو اسحق سمانی و ابو بکر شاذان صوفی خراب شدن شهر موصل از زلزله

سنه ۳۷۷ هجری — **سنه ۹۸۷ مسیحی**

آسیا غلاء مفرط در بغداد و وفات ابو الحسن انطاکی **اروپا** شهر پاریس درین سنه پای تخت مملکت فرانسه گردید

سنه ۳۷۸ هجری — **سنه ۹۸۸ مسیحی**

اسیا در محرم اینسال الصاحب بن عباد دیناری بوزن هزار مثقال بهدیه فخر الدوله علی بن رکن الدوله حسن اهدا نمود و وفات ابو حامد محمد بن محمد بن احمد بن اسحق حاکم نیشابوری صاحب تصانیف مشهوره بنای رصد در بغداد بامر شرف الدوله و وفات ابو بکر سنجری

سنه ۳۷۹ هجری — **سنه ۹۸۹ مسیحی**

اسیا فرستادن شرف الدوله محمد شیرازی را بمیل کشیدن چشم صمصام الدوله مرزبان و محمد وقتی بقلعه محبس صمصام الدوله رسید که شرف الدوله مرده بود بهر حال محمد چشم صمصام الدوله را میل کشیده کور کرد و وفات شرف الدوله ابو الفوارس شیرزیل بن عضد الدوله بمرض استسقاء در شب اول جمادی الاخره که او را بنجف برده دفن کردند سلطنت شرف الدوله در عراق دو سال و هشت ماه و عمرش بیست و هشت سال و پنجماه بر قرار شدن ابو نصر بهاء الدوله بن عضد الدوله بجای او که الطایع خلیفه او را خلعت داد و متقلد امر سلطنت کرد بعضی اسم ابو نصر را خاشاذ نوشته اند و نوع فتنه در بغداد میانه ترک و دیلم و قوت گرفتن اتراک و ضعف دیلم گریختن ابو العباس احمد بن الامیر اسحق بن المقتدر از خوف الطایع به بطیحه و پذیرفتن و حمایت کردن مهذب الدوله حکمران بطیحه از او و معاودت پسران ناصر الدوله بن حمدان ابو طاهر ابراهیم و ابو عبد الله الحسین که در خدمت شرف الدوله بودند باجازت بهاء الدوله بموصل و استقرار حکومت ایشان در این ولایت بعد از مقاتله با عامل موصل و راندن او و وفات محمد بن احمد بن العباس السلمی النقاش از متکلمین اشعریه طغیان عیاران در بغداد **اروپا** ولادیمیر پادشاه روس بعد از آنکه (آن) خواهر امپراطور قسطنطنیه را در حباله نکاح خود در آورد بتها را شکسته مذهب عیسوی اختیار نمود و در شهر کیف که پای تختش بود بنای کلیسا و معبد گذارد و تقویمی که بجهة تعیین شهور و ایام و سنوات در قسطنطنیه معمول بود قبول میکند

سنه ۳۸۰ هجری — **سنه ۹۹۰ مسیحی**

اسیا جنگ سخت باد حکمران مستقل دیار بکر با عساکر ابو طاهر ابراهیم و ابو عبد الله الحسین پسران ناصر الدوله که موصل را در تحت فرمان خود داشتند و کشته شدن باد که سر او را نزد پسران ناصر الدوله آوردند و ابن باد خال ابو علی بن مروان بود همینکه کشته شد ابو علی بحصن کیفا که زوجه خال او در آن بود آمد و با زوجه خال خود ساخت و جمیع حصون و قلاعی را که باد در تصرف داشت مسلم و مسخر کرد و با پسران ناصر الدوله جنگها کرد بعد بمصر رفت و از جانب العزیز خلیفه علوی ولایت حلب و آن نواحی یافت و بدیار بکر برگشته بود تا بعضی از اهل آمد با شیخ خود عبد البر ساختند ابو علی را کشتند و قاتل ابو علی معروف بابن دمنه بود پس از قتل ابو علی عبد البر آن نواحی استیلا یافت و دختر خود را بزنی بابن دمنه داد ابن دمنه عبد البر را نیز بکشت و بر آمد مستولی شده در آن مستقر گردید ابو علی بن مروان برادری داشت ملقب بمهد الدوله همینکه ابو علی کشته شد مهد الدوله بمیافارقین آمده این ولایت را تملک نمود و بعدها سایر ممالک برادر نیز مالک شد یکی از بزرگان سپاه مهد الدوله موسوم بشروه بود روزی مهد الدوله را دعوت کرده و بقتل رسانید و بر اغلب بلاد بنی مروان غالب آمد و این در سنه چهار صد و دو بود برادر دیگر مهد الدوله موسوم بابو نصر احمد که ابو علی او را حبس کرده بود چون مهد الدوله مقتول شد ابو نصر برادر اسیلا یافت و امر شروه رو بضعف نهاد و بلاد از

اطاعت او خارج گردید و سایر بلاد دیاربکر نیز ابو نصر را شد و روزگار او امتدادی یافت و بحسن سیرت کار کرد و از سال
چهارصد و دو بماند تا سنهٔ چهارصد و پنجاه و سه استیلای ابو الذواد محمد بن مسیب بن رافع بن مقلد بن جعفر امیر بنی عقیل
بر موصل که ابو طاهر بن ناصر الدوله و اولاد و بعضی از سردارهای او را بکشت و در موصل مستقل گردید ظهور خاقان ترک
از نسل افراسیاب در سمرقند وفات ابو حیان التوحیدی **اروپا** (روس) ایجاد شهر ولادیمیر در سمت غربی مسکو
که باسم پادشاه موسوم گردید

سنهٔ ۳۸۱ هجری — سنهٔ ۹۹۱ مسیحی

آسیا خلع کردن بهاء الدوله بن عضد الدوله الطایع لله عبد الکریم را از خلافت که هفده سال و هشت ماه خلافت
کرده بود و چون القادر بالله خلیفه شد طایع را مکرما نزد خود بداشت تا در سال سیصد و نود و سه در گذشت
تولد الطایع در سال سیصد و هفده بود چون بهاء الدوله الطایع را خلع کرد ابو العباس احمد بن امیر اسحق بن المقتدر
بن المعتضد را که در بطیحه بود بطلبید همینکه ابو العباس نزدیک بغداد رسید بهاء الدوله با اعیان باستقبال او
شتافت و او را داخل دار الخلافه کرد و مردم با او بیعت نمودند و این در دوازدهم رمضان بود و ابو العباس ملقب
بالقادر بالله بیست و پنجمین خلیفهٔ عباسی است و القادر دو سال و یازده ماه در بطیحه نزد مهذب الدوله اقامت
داشت و مهذب الدوله کمال اکرام و احترام را با او میکرد و وقتیکه وارد بغداد شد اموال زیاد با و تقدیم کرد پیش از
این اشاره نمودیم که منیر خادم از جانب العزیز علوی بر دمشق استیلا یافت و بکجور از دمشق برقه رفت در این سال
بکجور بجنگ سعد الدوله بن سیف الدوله مبادرت نمود و پس از قتال شدید بکجور بخت و بسیاری از لشکر او کشته و
خود او دستگیر گردید و او را نزد سعد الدوله آوردند و سعد الدوله او را بکشت و بسزای خیانت و ناسپاسی
و کفرانی که با آقای خود کرده بود رسید پس از آن سعد الدوله بر رقه رانده و اولاد بکجور را بگرفت و اموال آنها را ضبط
کرد آنگاه بحلب آمد و بمرض فالج مبتلا شد و در گذشت اسم سعد الدوله شریف و کنیتش ابو المعالی بود و پیش از مردن
ابو الفضائل پسر خود را ولیعهد خود کرد و قرار داد لؤلؤ غلام او مدبر امور ابو الفضائل باشد زلزلهٔ سخت در دمشق
اروپا آمدن امپراطور قسطنطینیه بشام و نزول نمودن بحمص و فتح و نهب این بلد و راندن بر شیزر و غارت کردن این
محل را نیز که از اینجا بطرابلس رفت و این بلد را مدتی در بند محاصره داشت تا معاودت برومیة الصغری نمود **افریقا**
وفات جوهر سردار علویین که مصر را برای المعز فتح کرد در حالتیکه معزول بود

سنهٔ ۳۸۲ هجری — سنهٔ ۹۹۲ مسیحی

آسیا شورش لشکریان بر بهاء الدوله بجهة اینکه ابو الحسن بن معلم معروف بکوکبی وزیر بهاء الدوله بر کلیهٔ امور مسلط
شده بود بهاء الدوله چون چنین دید ابو الحسن را گرفته بلشکریان تسلیم کرد و آنها او را بکشتند وفات ابو احمد عسکری
صاحب الامثال

سنهٔ ۳۸۳ هجری — سنهٔ ۹۹۳ مسیحی

آسیا استیلای بغراخان بر بخارا اسم بغراخان هرون بن سلیمان ایلک خان است و سلطنت کاشغر و بلاساغون تا حد چین
او را بود چون متوجه بخارا شد عساکر امیر رضی نوح بن منصور سامانی بمقاتلهٔ او شتافتند بغراخان بر آنها غالب آمده
بخارا را بگرفت و امیر نوح پنهانی از بخارا فرار کرده از جیحون گذشت و در آمل (امو) در حوالی جیحون بماند و ملازمان
او باو پیوستند و ابو علی بن سیمجور سردار لشکر خراسان را احضار کرد ابو علی اطاعت ننمود و حاضر نشد در اینحال بغراخان

در بخارا امیر بضرشد واز این شهر کوچ کرده ببلاد خود رو نمود و در راه بمرد و طغان خان ابو نصر احمد بن علی خان بجای او
سلطنت ترکستان یافت بغراخان ببیامتدین بود و دوست داشت که او را غلام رسول الله صلعم بنویسند خلاصه چون
بغراخان از بخارا رفت و مرد امیر نوح ببخارا برگشت و در مملکت خود مستقل گردید

سنه ۹۹۴ مسیحی — سنه ۳۸۴ هجری

آسیا همینکه امیر نوح ببخارا برگشت ابو علی بن سیمجور و فایق بجنگ با امیر نوح اتفاق کردند امیر نوح بسبکتکین که در
غزنین بود حال را اعلام نمود و او را والی خراسان کرد سبکتکین با پسر خود محمود متوجه خراسان گردید و امیر نوح نیز
از بخارا قصد خراسان کرده هر دو در نواحی هرات جنگ کردند ابو علی و عساکر او منهزم شدند و عساکر نوح آنها را تعاقب
نمودند و جمعی از آنها را بکشتند چون خراسان برای امیر نوح مصفی شد محمود بن سبکتکین را عامل خراسان کرد و وفات
عبید الله بن محمد بن نافع از صلحا که هفتاد سال مانده بود و هرگز بر بوریا یا مخده تکیه نکرده و وفات ابو الحسن علی بن عیسی
نحوی معروف برمانی صاحب تفسیر کبیر و وفات محمد بن عباس بن احمد القزاز صاحب مکتوبات زیاد که خط او در صحت
نقل حجت بود و وفات ابو اسحق ابراهیم بن الهلال کاتب الصابی المشهور منشی معز الدوله و بختیار و صاحب کتاب
تاجی در تاریخ دیلم نقاعد حجاج شام و عراق انتهی

سنه ۹۹۵ مسیحی — سنه ۳۸۵ هجری

آسیا آمدن ابو علی بن سیمجور بخراسان و جنگ کردن با محمود بن سبکتکین و بیرون نمودن محمود را از خراسان که
بعد از آن سبکتکین و محمود پسرش با عساکر خود بر سر ابو علی بن سیمجور آمده در طوس لشکر او را شکست دادند و او را
منهزم نمودند ابو علی چون چنین دید از امیر نوح امان خواست امیر نوح او را امان داد و او ببخارا رفت همینکه ببخارا
رسید امیر نوح او و اتباع او را گرفته حبس کرد و در حبس بود تا درگذشت و وفات صاحب ابو القاسم اسمعیل بن عباد
وزیر فخر الدوله علی بن رکن الدوله بری که نعش او را باصفهان برده در آنجا دفن کردند و صاحب در علم و فضل و کرم
مشهور و اول کسی است از وزرا که صاحب لقب یافت و جهت این بود که با ابو الفضل بن العمید مصاحبت داشت و مصنفات
عدیده او راست و عباد پدر صاحب وزیر رکن الدوله بود و در سال سیصد و سی و چهار یا سی و پنج درگذشت و وفات
ابو الحسن (الحسین) علی بن عمر بن احمد معروف بدار قطنی حافظ و پیشوا و فقیه شافعی مذهب که بسیاری از دواوین
شعرا از حفظ داشت (دار قطن اسم محله بزرگیست از بغداد) و وفات ابو محمد یوسف بن حسن بن عبد الله بن مرزبان
سیرافی نحوی (سیراف فرضه ایست از فارس)

و او را صاحب ابن عمید
میگفتند که لقب صاحب
مطلق معروف شد و
صاحب اول وزارت
مؤید الدوله بن رکن
الدوله را داشت

سنه ۹۹۶ مسیحی — سنه ۳۸۶ هجری

آسیا ظهور دولت آل فریغون از خوارزمیین در خوارزم و وفات ابو ذواد بن مسیب امیر موصل که بعد از او
برادرش مقلد بن مسیب بجای او برقرار گردید و وفات ابو طالب محمد بن علی بن عطیه المکی صاحب کتاب قوت القلوب
که عالم و مجتهد در عبادت و از اهل جبل بود چون در مکه مجاور شد معروف بمکی گردید **اروپا** (فرانسه) وفات هوق کاپه
پادشاه فرانسه و جلوس پسرش روبر بجای او **افریقا** وفات العزیز بالله ابو منصور نزار بن المعز معد بن المنصور اسمعیل
الفاطمی خلیفه مصر در شهر بلبیس عمر العزیز چهل و دو سال و هشت ماه و مدت خلافتش بیست و یکسال و پنجاه و نیم برقرار
شدن پسرش منصور ابو علی الحاکم بامر الله بجای او بموجب ولایت عهد یکه داشت در سن یازده سالگی و چون الحاکم صغیر
بود یکی از خدام پدرش که خواجه بود و ارجوان نام داشت بتدبیر ملک پرداخت تا الحاکم کبیر شد و ارجوان را الحاکم بکشت

وفات

وفات منصور بن یوسف بلکین بن زیری الصنهاجی امیر افریقیه که پادشاه کریم شجاعی بود و برقرار شدن پسرش بادیس منصور بجای او

سنه ۳۸۷ هجری — سنه ۹۹۷ مسیحی

اسیا وفات الرضی امیر نوح بن منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل سامانی در ماه رجب و اختلال کار سلاطین سامانی از مردن امیر نوح و برقرار شدن پسرش ابو الحارث منصور بن نوح بجای او و وفات سبکتکین در ماه شعبان و مدت امارت او نزدیک به بیست سال بود پس از سبکتکین بموجب وصایت عهد پسر کوچکتر او اسمعیل بجای او برقرار آمد و جنگ میان او و محمود که برادر بزرگتر بود درگرفت و اسمعیل منهزم شد و در قلعه غزنین محصور شد و محمود او را محاصره کرده کار بر او تنگ شد و امان خواست و از قلعه فرود آمد و محمود او را اکرام نمود وفات فخر الدوله ابو الحسن علی بن رکن الدوله در قلعه طبرک در ماه شعبان که بعد از او پسرش مجد الدوله ابو طالب رستم را که چهار ساله بود بجای او برقرار کردند و مادر ابو طالب بتدابیر مملکت پرداخت وفات ابو الوفا محمد بن محمد المهندس الحاسب البوزجانی که یکی از ائمه و مشاهیر علمای هندسه بود و در رمضان سیصد و بیست و هشت در بوزجان که شهریست از خراسان مابین هرات و نیشابور متولد شده وفات حسن بن ابراهیم بن الحسین از اولاد سلیمان بن زولاق که مصری الاصل و در علم تاریخ فاضل و صاحب مصنفات بود وفات حسن بن عبد الله بن سعید العسکری مکنی با بو احمد صاحب مصنفات کثیره در لغت و امثال و غیرها که از اهل عسکر مکرم اهواز بود **افریقیا** دادن بادیس بن منصور بن بلکین حکمران افریقیه حکومت اشیر را بعم خود حماد بن بلکین که بدین واسطه دولت بنی حماد ملوک بجایه ابتدا نمود و نشت در اشیر حکمرانی کردند تا در سال پانصد و چهل و هفت منقرض شدند

سنه ۳۸۸ هجری — سنه ۹۹۸ مسیحی

اسیا شورش دیلم بر صمصام الدوله ابو کالیجار مرزبان بن عضد الدوله و کشتن او و عمر صمصام الدوله سی و پنج سال و هفت ماه و مدت ولایت او در فارس نه سال و هشت روز و میل کشیدن چشم صمصام الدوله و کور شدن او و ذکر نمودیم پیش در مدت ولایت صمصام الدوله تا بینا بود وفات محمد بن الحسن (الحسین) بن المظفر المعروف بالحاتمی یکی از ائمه ادب و لغت که صاحب رساله حاتمیه و اثبات سرقت متنبی بود وفات امام ابو سلیمان صاحب معالم

سنه ۳۸۹ هجری — سنه ۹۹۸ مسیحی

اسیا متفق شدن اعیان عساکر منصور سامانی با بکتوزون و فایق و خلع کردن منصور بن نوح را و امر کردن بکتوزون بمیل کشیدن در چشم منصور و کور کردن او و برقرار کردن عبد الملک برادر او را که طفل صغیر بود بجای او و مدت سلطنت منصور یکسال و هفت ماه بود ملامت کردن محمود بن سبکتکین بکتوزون و فایق را بجهت ناسپاسی با منصور و لشکر کشیدن بر سر آنها و وقوع جنگ شدید و هزیمت بکتوزون و فایق و دنبال کردن محمود آنها را و کشتن بسیاری از آن جماعت را و مستولی شدن محمود غزنوی بر خراسان و قطع کردن خطبه سامانیان را در این مملکت و مردن فایق و آمدن ایلک خان که اسمش ارسلان بود با جمعی از اتراک به بخارا و اظهار مودت و حمیت کردن با عبد الملک و گرفتن بکتوزون و سرکردها عبد الملک را و داخل شدن در دهم ذیقعده بشهر بخارا و گرفتن عبد الملک را و حبس کردن که او و برادر کورش منصور در حبس بودند تا مردند و بقیه آل سامان نیز محبوس و اسیر ترکستانیها شده دولت ملوک سامانی منقرض گردید در صورتیکه بسط کلی بهم رسانیده بودند و عدالت و حسن سیرت آنها مشهور است فسبحان الله من لا یزول ملکه مدت

سلطنت

سلطنت آل سامان صد و بیست و نه سال است **اروپا** بواسطه شکست المنصور پادشاه اسپانیول سردار این پادشاه
از شدت غیرت بقدری گرسنگی میکشد که خود را هلاک میسازد

سنه ۳۹۰ هجری — سنه ۹۹۹ مسیحی

آسیا وفات ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا الرازی اللغوی که در علوم متعدده تبحر کامل داشت خصوصاً در
لغت و مصنفات او بسیار است و بدیع همدانی صاحب مقامات نزد او تحصیل کرده بعضی وفات ابوالحسین را در سال
سیصد و نود و پنج و برخی در سیصد و هفتاد و پنج نوشته‌اند وفات قاضی امیر فرخ نهروانی

سنه ۳۹۱ هجری — سنه ۱۰۰۰ مسیحی

آسیا کشته شدن مقلد بن مسیب بن رافع ملقب بحسام الدوله امیر موصل بدست غلامان خود در انبار و برقرار
شدن پسرش قرواش بن مقلد بجای او و شروع کردن حکیم ابوالقاسم فردوسی نظم شاهنامه را و وفات ابوعبدالله
حسین بن حجاج شاعر در نیل که بلده ایست در سواحل فرات میان بغداد و کوفه ابوعبدالله از شعرای مشهور و کبار
شیعه میباشد و قبل از مردن وصیت کرده که او را در مشهد حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دفن کنند و بر روی
قبر او بنویسند وکلبهم باسط ذراعیه بالوصید) **اروپا** در تمام ممالک اروپا سنه هزار عیسوی سال شومی بنظر
می‌آمد و عقیده عامه این بود که قیام قیامت و فنای عامه در این سال خواهد بود لهذا اشقیا و ظالمین نسبت بمظلومین
و ملهوفین در نهایت مهربانی بودند و عباد و زهاد و معتقدین مذهب زیاده از همه وقت گردیدند (آلمان)
اتهن سیم امپراطور که یکی از ظلمه بود تمام سال را بریاضت و عبادت مشغول گردید و در آخر این سنه قبر امپراطور بزرگ
شارلمن را که در شهر اکس بود بشکافت (مجارستان) اتی ین نام بسلطنت این ناحیه برقرار میگردد

سنه ۳۹۲ هجری — سنه ۱۰۰۱ مسیحی

آسیا جنگ سلطان محمود غزنوی در بلاد هند که بعد از اخذ غنایم کثیره و اسر و سبی سالماً بغزنین بازگشت جنگ میانه
قرواش بن مقلد بن مسیب عقیلی و عساکر بهاء الدوله که ابتدا قرواش غالب شد بعد عساکر بهاء الدوله غلبه کردند
وفات ابوبکر محمد بن محمد بن جعفر فقیه شافعی معروف بابن دقاق صاحب الاصول **اروپا** (سوئد) الاف پادشاه این
مملکت مذهب عیسوی اختیار نمود

سنه ۳۹۳ هجری — سنه ۱۰۰۲ مسیحی

آسیا گرفتن یمین الدوله سلطان محمود سیستان را از خلف بن احمد مالک این مملکت و خلف در بند سلطان محمود بود تا
در سال سیصد و نود و نه درگذشت کثرت میل خلف بعلم مشهور است و تفسیری دارد که نزدیک بصد کتاب است زیاد شدن
عیاران و مفسدین و ارباب فتن در بغداد و وفات عثمان بن جنی موصلی نحوی شیخ عربیه و مصنف اللمع وغیره و وفات قاضی
علی بن عبدالعزیز جرجانی در ری و قاضی علی پیشوا و فاضل و صاحب فنون کثیره بود و وفات ابوالحسن محمد بن عبدالله السلامی
الشاعر البغدادی **اروپا** (آلمان) فوت اتهن امپراطور و نصب هانوی دویم بجای او (انگلیس) تمام تبعه دانمارک که
درین مملکت بودند در سیزدهم نوامبر در یکشب تماما بحکم پادشاه انگلیس کشته شدند (اسپانیول) وفات ابوعامر محمد الملقب
بالمنصور حکمران اندلس که بیست و هفت سال پادشاهی کرده بود برقرار شدن پسرش ابومروان عبدالملک بن منصور ملقب
بالمظفر بجای او و وفات ولید بن بکر بن مخلد الاندلسی فقیه مالکی و محدث مشهور **افریقا** دادن الحاکم علوی خلیفه مصر
و شام حکومت دمشق را بابومحمد اسود

سنه ۳۹۴ هجری | سنه ۱۰۰۳ مسیحی

آسیا شخصی که اورا ابو العباس بن واصل میگفتند بر بطیحه استیلا یافت سبب آنکه ابن واصل بخدمت ابن وآن میرد اخت تا در
سال مزبور زمان مهذب الدوله حکمران بطیحه منسلک کردید و نزد او مقامی بهم رسانید تا اینکه مهذب الدوله لشکری با او
همراه نموده او بصره و سیراف را فتح کرد و اموال زیادی بچنگ او افتاد و در بقیه اطاعت مهذب الدوله را از کردن خود انداخت
بلکه قصد مهذب الدوله نمود و مهذب الدوله منهزم شد و ابن واصل بر بطیحه مستولی کردید و مال زیاده از حد قیمت
او کشت مهذب الدوله متوجه بغداد شد لکن راه نیافت و این برخلاف مظنون او بود زیرا که منتهای خدمت و احسان را
بالقادر نموده در وقتیکه ببطیحه کریخته بود دادن بهاء الدوله نقابت علویین عراق را بشریف ابو احمد موسوی پدر شریف
رضی و ملقب نمودن او را به الطاهر ذو المناقب

سنه ۳۹۵ هجری | سنه ۱۰۰۴ مسیحی

آسیا چون ابن واصل بر بطیحه مستولی شد تا بیست روز انجا کذاشت و خود بطرف بصره رفت اهل بطیحه از اطاعت نایب
ابن واصل خارج شدند و از طرف عمید الجیوش که از جانب بهاء الدوله امیر عراق بود لشکری با مهذب الدوله
بواسطه سفاین ببطیحه فرستاد همینکه مهذب الدوله ببطیحه رسید و اهل بطیحه او را دیدند از قدوم او زیاد الوصف مسرور
شده و جمیع ولایات را باو تسلیم نمودند و او قرار داد سالی پنجاه هزار دینار از برای بهاء الدوله بفرستد کرفتن سلطان
محمود غزنوی شهر بهادیر (بهاطیه) را که از بلاد قدیمه معتبره هند است وفات احمد بن فارس ابو عبد الله منده
از حافظهای اصفهان

سنه ۳۹۶ هجری | سنه ۱۰۰۵ مسیحی

آسیا کرفتن سلطان محمود غزنوی ملتان را و راندن بطرف بیدا پادشاه هند و کریختن بیدا بقلعه کالنجار و
محاصره کردن سلطان محمود او را در این قلعه و فرستادن بیدا مبلغ خطیری برای سلطان محمود که باین مبلغ مصالحه کردند
و پادشاه هند خلعت سلطان محمود را بپوشید دادن بهاء الدوله نقابت طالبیین را بشریف رضی و ملقب کردن او را
برضی و برادر او را بمرتضی وفات محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی بن منده اصفهانی صاحب تصانیف مشهوره وفات ابو العباس
احمد نسوی از متصوفه **اروپا** انقراض دومان پادشاه بلغار و غلبه امپراطور قسطنطنیه بر این مملکت

سنه ۳۹۷ هجری | سنه ۱۰۰۶ مسیحی

آسیا جنکهای متوالی ما بین ابو العباس بن واصل و عساکر بهاء الدوله که آخر الامر ابن واصل منهزم شده ببصره
آمد و از اینجا نیز کریخت و عاقبت اسیر شده او را نزد بهاء الدوله آوردند و بهاء الدوله پیش از آنکه او را ببیند حکم کرد
او را بکشتند و سر او را در خوزستان بکردانیدند زلزله عظیم در بغداد کریختن ایلک خان در جنک بلخ از سلطان
محمود وفات ابو الفرج ببغائی شاعر مشهور **افریقیا** شخصی اموی از اولاد هشام بن عبد الملک معروف بابو رکوه بر الحاکم
خلیفه مصر خروج کرد و در رقه استقرار بهم رسانید لشکر الحاکم بدفع او فرستاد او آن لشکر را شکست داده و
اموال زیاد بغنیمت برد و قوتی کرفت و بر صعید مصر مستولی شد الحاکم مجددا لشکر جراری بجنک او مامور نمود و پس از
جنک سخت ابو رکوه منهزم و خود او اسیر کردید و الحاکم او را بکشت و جسد او را بدار زد و سر او را بکردانیدند

سنه ۳۹۸ هجری | سنه ۱۰۰۷ مسیحی

آسیا فتوحات سلطان محمود غزنوی در هند دادن مادر مجد الدوله بن فخر الدوله حکومت اصفهان را بابو جعفر

شهریار (شهریار) معروف بابن کاکویه چون او پسر خال مادر مجد الدوله بود و کاکویه بفارسی یعنی خال است معروف بابن کاکویه شد بنابراین ابتدای دولت ابن کاکویه در این سال است وفات عبد الواحد بن نصر شاعر معروف به ببغا و وفات بدیع ابو الفضل احمد بن حسین همدانی صاحب کتاب مقامات معروف که حریری در مقامات خود باقتفا نموده و وفات ابو نصر اسمعیل بن احمد (حماد) جوهری صاحب کتاب صحاح جوهری در لغت و اصل ابو نصر اسمعیل از فاراب ترکستان است که بعدها باطراز معروف شده
غلبهٔ اهل سنه در جنگ بغداد بر شیعه زلزلهٔ عظیم در دینور که شانزده هزار نفر زیر آوار هلاک شدند

سنه ۳۹۹ هجری — سنه ۱۰۰۸ مسیحی

آسیا کشته شدن ابو علی بن ثمال الخفاجی که الحاکم علوی او را حکومت رحبه داده بود و بعد از او امر حکومت رحبه بر صالح بن مرداس کلابی حکمران حلب مقرر آمد رجوع قافلهٔ حاج از راه عراق و هلاک شدن قافلهٔ بصره در دیه **افریقیا** وفات علی بن عبد الرحمن بن احمد بن یونس المصری صاحب زیج الحاکمی که معروف به زیج ابن یونس و زیج بزرگیست که در چهار مجلد است گویند العزیز علوی پدر الحاکم امر بانجام دادن این زیج نمود

سنه ۴۰۰ هجری — سنه ۱۰۰۹ مسیحی

آسیا رفتن سلطان محمود بهندوستان و جنگ کردن و بازگشتن با غنیمت بنا کردن ابو محمد بن سهلان قلعه برای نجف اشرف و وفات ابو العباس رامی شاعر و ابو الفتح علی بن محمد البستی الکاتب الشاعر صاحب التجنیس **اروپا** پیشتر ذکر کردیم که مؤید اموی یعنی هشام بن حکم در تخت سلطنت اسپانیول برقرار شده سالها بود و ابو عامر محمد بن ابی عامر ملقب بحاجب با قتدار بتدبیر ملک پرداخت و مؤید محجوب از مردم بود ولی سلطنت داشت تا سال سیصد و نود و نهم در این سال محمد بن هشام بن عبد الجبار بن عبد الرحمن بن الناصر الاموی بر او خروج کرد و مردم با او بیعت نمودند و او مؤید را گرفته در قرطبه (کردوا) حبس کرد و محمد بن هشام ملقب بمهدی شد و بسلطنت پرداخت تا سلیمان بن حکم بن سلیمان بن عبد الرحمن الناصر بر او خروج کرد محمد بن هشام بکر بخت و سلیمان در اوایل این سال که سال چهارصد باشد بسلطنت جلوس کرد بعد محمد بن هشام جمعیتی جمع کرد و رو بقرطبه نهاده قصد سلیمان نمود سلیمان فرار کرد و محمد بسلطنت بازگشت پس از آن بزرگان لشکر جمع شده محمد را گرفتند و مؤید را از حبس بیرون آورده و در هفتم ذیحجه باز بر سریر سلطنت اسپانیول متمکن کردند و محمد را بحضور او آوردند و او حکم بقتل محمد داده و او را بکشتند و واضح عامری از جانب مؤید بمهام مملکت ناظر آمد چندی که گذشت مؤید واضح را نیز بکشت و در مملکت اغتشاش پدیدار شد و بربر با سلیمان بن حکم بن سلیمان بن عبد الرحمن بن ناصر اتفاق نموده رو بقرطبه نهادند و مؤید را در این شهر محاصره نمودند و شهر را فتح کردند و مؤید را از قصر سلطنتی بیرون آوردند و معلوم نشد که حال او چه شد یعنی دیگر کسی او را ندید و با سلیمان در نیمهٔ شوال سال چهارصد و سیم بیعت کردند و سلیمان ملقب بالمستعین بالله و پادشاه اسپانیول شد

> وفات نقیب ابو احمد الموسوی پدر شریف رضی در نود و شش سالگی

سنه ۴۰۱ هجری — سنه ۱۰۱۰ مسیحی

آسیا رفتن ایلک خان پادشاه ترک از سمرقند با عساکر خود بجنگ برادر خود طغان خان و رسیدن او بارکند و مانع شدن برف او را از اینجا از حرکت و بازگشتن او و خطبه خواندن قرواش بن مقلد بن مسیب امیر بنی عقیل باسم الحاکم بالله خلیفهٔ علوی مصر در قلمرو حکمرانی خود که موصل و انبار و مداین و کوفه و غیرها باشد و چون بهاء الدوله این بشنید عمید الجیوش (سپهسالار) را بجنگ قرواش مأمور کرد و او متوجه قرواش گردید قرواش عذر خواست و قطع خطبهٔ علویین نمود وفات ابو عبید هروی از مشایخ لغت وفات عمید الجیوش ابو علی بن استاد هرمز که از

جانب بهاء الدوله رئیس فنون و حکمران بغداد بود و هشت سال و چهار ماه و چند روز این مناصب را دوام کرد عمر عمید الجیوش چهل و نه سال و پدرش استاد هرمز از حجاب عضد الدوله بود و فتنه ها بسکون در بغداد برپا کرده بود بوجود عمید الجیوش قمع شد چون او بمرد بهاء الدوله فخر الملک ابو غالب را بجای او برقرار کرد

آسیا (ذکر اخبار صالح بن مرداس و تملک او حلب را و اخبار اولاد او تا سال چهارصد و هفتاد و دو)

سنه ۴۰۲ هجری — سنه ۱۰۱۱ مسیحی

اگرچه ترتیب این کتاب از روی ترتیب سنوات است اما چون اخبار مسطوره در ذیل مختصر و بهم بسته است و تفکیک آن موجب اغتشاش ذهن میشود در ضمن این سال مینگاریم و ذکر سنین هم در طی اخبار میشود

پیش ذکر نمودیم که ابو المعالی شریف ملقب بسعد الدوله ابن سیف الدوله بن حمدان حلب را تملک نمود و در بنو لابت حکمرانی داشت تا بمرض فالج درگذشت و ابو الفضایل پسرش بجای او برقرار آمد و غلام پدرش لؤلؤ بنام بر ملک پسر داخت بعد ابو نصر بن لؤلؤ بر ابو الفضایل غلبه کرده حلب را از او بگرفت و باسم الحاکم علوی خطبه خواند والحاکم او را مرتضی الدوله لقب داد و میانه او و صالح بن مرداس کلابی و حسنی بید بنی کلاب بد آمده جنگها اتفاق افتاد و ابن لؤلؤ غلامی داشت فتح نام که قلعه بیکی حلب او را بود میانه فتح و آقای او نیز وحشتی حاصل شده بنای عصیان گذاشت و با الحاکم علوی عریضه نوشته حکمرانی صیدا و بیروت را بگرفت و حلب را بکارکنان الحاکم تسلیم کرد ابن لؤلؤ آقای او با نطاکیه که در تصرف عثمانیها بود رفته اقامت کرد و حلب در دست حکام الحاکم بود تا شخصی از آل حمدان معروف بعزیز الملک از جانب الحاکم والی اینولایت شد و بود تا الحاکم مقتول والظاهر لاعزاز دین الله علوی بخلافت مصر برقرار آمد و ابن ثعبان نامی از جانب الظاهر والی حلب گردید و قلعه را خادمی معروف بموصوف در تصرف داشت صالح بن مرداس امیر بنی کلاب قصد ابن ثعبان و موصوف نمود اهل حلب بجهة بدرفتاری علویین حلب را تسلیم صالح کردند و صالح ابن ثعبان را در قلعه محاصره کرده قلعه را نیز در چهار صد و چهارده بگرفت و در حلب استقرار یافت و بعلبک را الی عانه ضمیمه حلب کرد و شش سال حکمرانی نمود همینکه سال چهار صد و بیست شد الظاهر علوی لشکری بسرکردگی انوشتکین بجنگ صالح و قتال حسان امیر بنی طی مامور کرد و حسان مذکور بر رمله و بلاد این نواحی استیلا یافته بود حسان و صالح برای جنگ با انوشتکین متفق شده در اردن نزدیکی طبریه جمع آمدند و جنگ در گرفت و صالح بن مرداس و پسر کوچک او کشته شدند و سر آنها را بمصر فرستادند و پسر بزرگ صالح ابو کامل نصر بن صالح بن مرداس نجات یافت و بحلب آمده اینولایت را تملک نمود و ابو کامل ملقب بشبل الدوله بود شبل الدوله مالک حلب بود تا سال چهار صد و بیست و نه در این سال المستنصر بالله علوی از مصر لشکری بسرداری انوشتکین که ملقب بدزبری بود بجنگ شبل الدوله فرستاد و در ماه شعبان در نزدیکی حماة جنگ سختی درگرفته شبل الدوله کشته شد و دزبری حلب را مالک آمد و کار او در این بلد بالا گرفت تا در سال چهار صد و سی و سه بحلب درگذشت صالح بن مرداس پسری دیگر داشت موسوم بابو علوان ثمال و ملقب بمعز الدوله چون معز الدوله وفات دزبری را شنید بحلب آمده اینولایت را مالک شد و در ماه صفر چهار صد و سی و چهار قلعه حلب را نیز بگرفت و بود تا چهار صد و چهل در این سال مصریها لشکری بجنگ او فرستادند او آنها را منهزم کرد در ثانی لشکری مامور کردند آن لشکر هم شکست خوردند بعد معز الدوله با مصریها صلح کرد و حلب را بآنها واگذار نمود و مصریها شخصی که حسن بن علی بن ملهم معروف و ملقب بمکین الدوله بود بحکومت حلب فرستادند و در سال چهار صد و چهل و نه

معز الدوله حلب را تسلیم مکین الدوله کرد و بمصر رفت و برادرش عطیة بن صالح بن مرداس بوجیه آمد شبل الدوله که در
جنگ در نهری کشته شد پسری داشت محمود نام اهل حلب از اطاعت مکین الدوله خارج شده نامه بمحمود نوشتند و قدوم او را
خواهش کردند محمود رو بحلب کرده اهل حلب با او متفق شدند و مکین الدوله را محاصره نمودند و این در چهارصد و
پنجاه و دو بود مصریها قشونی بکمک مکین الدوله فرستادند لشکر چون بحلب نزدیک شد محمود از حلب فرار کرد
و مکین الدوله جمعی از اهل این ولایت را بگرفت و اموال آنها را تصرف نمود و قشون محمود را تعاقب کردند ولی محمود آنها را
شکست داد و بحلب بازگشته این شهر را محاصره نمود و بگرفت و مکین الدوله و سرکرده لشکر مصری ناصر الدوله را که از اولاد
ناصر الدوله بن حمدان بود رها کرد و آنها بمصر رفتند و محمود بن شبل الدوله در حلب متمکن گردید چون مکین الدوله
و ناصر الدوله بمصر رسیدند مصریها ثمال بن صالح بن مرداس را که پیش بمصر رفته بود با لشکری بجنگ محمود که پسر برادر او
بود فرستادند و او محمود را منهزم و در چهارصد و پنجاه و سه حلب را مسلم کرد و در سال بعد مرد و عطیه برادرش
که بر جبه رفته بود بجای او حلب را مالک شد محمود بن شبل الدوله پس از منهزم شدن از ثمال بحران رفت و بعد از
فوت ثمال لشکری جمع کرده بحلب آمد و عطیه عموی خود را منهزم کرد عطیه برقه آمده این بلد را تملک نمود بعد دفعه
راهم از او منتزع نمودند و عطیه بقسطنطنیه رفته در اینجا بماند تا مرد بعد محمود ارتاح را نیز از رومیها بگرفت و در
ذیحجه چهارصد و شصت و هشت داعی حق را لبیک اجابت گفت و پسرش نصر بن محمود جای او بگرفت و در چهارصد و
شصت و نه بدست ترکمانان کشته شد و پس از او برادرش سابق بن محمود بن نصر بن صالح بن مرداس مالک حلب شد
تا در سال چهارصد و هفتاد و دو شرف الدوله مسلم بن قریش حکمران موصل حلب را از تصرف سابق بن محمود
خارج ساخت

هم در این سال یعنی در سنه چهارصد و دو بامر القادر شهادت نامه برای ابطال صحت نسب خلفای علوی مصر نوشتند
و شرح زیاد از آنها نمودند و نسبت کفر و زندقه بآنها دادند و گفتند آنها از اولاد علی علیه السلام نیستند بلکه معد بن
اسمعیل پسر عبدالرحمن بن سعید است که نسب او به دیصان بن سعید که دیصانیه باو منسوبند میرسد و وفات ابن لبان
مقری بصری از فقهای عراق شدت یافتن خفاجه بحجاج و قطع کردن راه آنها را

سنه ۴۰۳ هجری — سنه ۱۰۱۲ مسیحی

آسیا کشته شدن شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار بواسطه سختگیری که نسبت بعمال زمان خود داشت
و مطلقا اغماض در کارها نمیکرد و قابوس مردی فاضل متشدد قلیل العفو بود و علم نجوم را مخصوصا خوب میدانست
و اشعار بسیار خوب و راسته مردن پادشاه ترک ایلک خان و برقرار شدن طغان خان برادرش بجای او و ایلک
خان دوستدار دین و اهل دانش و عادل بود و وفات بهاء الدوله ابو نصر خاشاذ بن عضد الدوله بناخوشی صرع در دهم
جمادی الاخره در ارجان و بهاء الدوله چهل و دو سال و نه ماه داشت که مالک عراق شد و بیست و چهار سال
سلطنت کرد و بعد از او پسرش سلطان الدوله ابو شجاع بجای او برقرار گردید و وفات قاضی ابو بکر بن الباقلانی که اسم
او محمد بن طیب بن محمد بن جعفر بود و ابو بکر بر مذهب ابوالحسن الاشعری بوده ساکن بغداد و صاحب تصانیف کثیره
در علم کلام و ریاست مذهب مذکور باو منتهی میشود و چون باقلا میفروخته او را باقلانی گفته اند و این نسبت
شاذ است

سنه ۴۰۴ هجری — سنه ۱۰۱۳ مسیحی

آسیا

آسیا رفتن سلطان محمود بجنگ هند و فتوحات او در این مملکت و اخذ غنایم وافره و بازگشتن او بغزنین اضرار و خرابی و نهب خفاجه در سواد کوفه که عساکر عراق بر سر آنها ریخته بعضی را بکشتند و برخی را اسیر کردند (خفاجه قبیله ایست از بنی عامر) وفات ابو الحسن علی بن سعید الاصطخری از شیوخ معتزله که زیاده از هشتاد سال داشت وفات ابو الفرج نهروانی مقری بغداد

سنه ۴۰۵ هجری — سنه ۱۰۱۴ مسیحی

آسیا وفات حافظ محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعیم الضبی الطهمانی معروف بابن حاکم نیشابوری پیشوای اهل حدیث در عصر خود شوریدن طایفهٔ از عوام دینور قاضی خود ابو القاسم یوسف بن احمد بن کج الفقیه الشافعی را بواسطهٔ خوفی که از او داشتند و قاضی مزبور ریاست علمی و دنیائی را باهم داشت وفات ابن شاذان واعظ بغدادی اروپا اطاعت کردن بوسنه و بلغار امپراطور قسطنطنیه را افریقا منع کردن الحاکم بامر الله علوی حکمران مصر نسوان مصر را از خروج

سنه ۴۰۶ هجری — سنه ۱۰۱۵ مسیحی

آسیا رفتن یمین الدوله بغزو هند و گم کردن راه راهنما و عساکر او و گرفتار مردابی که از دریا نشر کرده بود شدند و بسیاری از آنها غرق و هلاک شده باقی پس از چند روز مستخلص گردیده بخراسان برگشتند عزل کردن سلطان الدوله فخر الدوله ابا غالب را که در عراق نایب او بود و کشتن او و او در سلخ ربیع الاول عمر فخر الدوله پنجاه و دو سال و یازده ماه و مدت ولایت او در عراق پنج سال و چهار ماه و چند روز بود و هزار هزار دینار پول نقد او بدست افتاد سوای اموالی که از او غارت شده یا نقد بنه بود دادن سلطان الدوله وزارت خود را با بو محمد حسن بن سهلان (چین) از تعداد نفوسی که در این سنه با کمال دقت در چین نمودند معلوم شد که جز جوانان از بیست سال بپائین و نسوان و قضاة و علما و رؤسای دین و خواجه ها و مشوون بر تبه و بحری جهل و سه کرور و چهارصد و هفتاد و شش هزار و نهصد و شصت و پنج نفر عده سکنه مملکت چین است و اگر طبقات مذکوره را نیز ضمیمه میکردند مضاعف میشد وفات شریف الحسینی ملقب برضی که محمد بن حسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر الصادق علیه السلام باشد و رضی صاحب دیوان شعر بسیار جیدی است وفات ابو حامد احمد بن محمد بن احمد الاسفراینی پیشوای اصحاب شافعی اهز ام شیعه و اواسط از جنگ اهل سنت اروپا (روس) فوت ولادیمیر پادشاه این مملکت که عیسویان روس او را از ائمه میشمارند و در یازدهم ژوییه پادکار او جشنی برپا میکنند در سلطنت ولادیمیر شهرها بنا شد و معابد ساخته آمد و اراضی بایر دایر گردید بعد از فوت ولادیمیر برادرزاده اش داعیهٔ سلطنت دارد

سنه ۴۰۷ هجری — سنه ۱۰۱۶ مسیحی

آسیا انقراض آل فریغون در خوارزم رفتن سلطان محمود ببلاد هند بجنگ و رسیدن بکشمیر و قنوج و رود گنگ و فتح کردن بسیاری از بلاد این مملکت را و اخذ غنایم و اموال بسیار و جواهر نفیسه و معاودت کردن او بغزنین مؤیداً منصوراً اروپا (اسپانیول) انقراض دولت و خلافت خلفای اموی از اسپانیول کردن و نفر از بنی ادریس که در پی در مدت کمی سلطنت نمودند از آل ادریس چنانکه پیش ذکر کرده ایم علوی بودند و از این تاریخ خلافت و سلطنت اسپانیا مبدل بملوک الطوایف شد و بهترین مرآت برای اخبار ملوک الطوایف اسپانیول ارجوزه ایست که ابو طالب عبد الجبار المعروف بالمتنبی الاندلسی با اهالی جزیره شقر برشته نظم کشیده ما عین آن را در ذیل مینگاریم

لما رای اعلام اهل قرطبه | ان الامور عندهم مضطربه
وعدمت شاکله للطاعه | استعملت آراءها الجماعه
فقدموا الشیخ من آل جهور | المکتنی بالحزم والتدبیر
ثم ابنه ابو الولید بعده | وکان یحدو فی السداد قصده
فجاهرت لجورها الجهاوره | وکل قطر حل فیه فاقره
والثغر الاعلی قام فیه منذر | ثم ابن هود بعد فیما یذکر
وابن یعیش ثار فی طلیطله | ثم ابن ذی النون تسنی الملک له
وفی بطلیوس انتزی سابور | وبعده ابن الافطس المنصور
وثار فی اشبیله بنو عباد | والکذب والفتون فی ازدیاد
وثار فی غرناطه حبوس | ثم ابنه من بعده بادیس
وال معن ملکوا المریه | بسیره محموده مرضیه
وثار فی شرقها البلاد الفتیان | العامریون ومنهم خیران
ثم زهیر والفتی لبیب | ومنهم مجاهد التبیب
سلطانه رسی بمرسی دانیه | ثم غزا حتی الی سردانیه
ثم اقامت هذه الصقالبه | لابن ابی عامرهم بشاطبه
وحل ما ملکهم بلنسیه | وثار آل طاهر بمرسیه
وبلد البیت لآل قاسم | وهو حتی الآن فیه حاکم
وابن رزین جاره فی السهله | امهل بعینا ثم کل المهله
ثم استمرت هذه الطوایف | یخلفهم من آلهم خوالف

انبذب نسخه بدل

هم درینسال شهر لیون را که اعراب خراب نموده بودند الفنس پنجم مرمت کرد **افریقیا** کشته شدن شیعه ها
افریقیه بدست سنیها

سنه ۴۰۸ — سنه ۱۰۱۷ مسیحی

آسیا وفات قراخان پادشاه ترکستان وبعضی وفات او را در سال چهارصد وشش نوشته اند وشهر معتبر ترکستان درینوقت کاشغر بود گویند چون قراخان بیمار شد عساکر چین از ترک وختا تقریبا سیصد هزار خرگاه متوجه بلاد او شدند او دعا کرد که خدا او را شفا دهد ولشکر دشمن را از ملک خود بیرون کند خدا تعالی او را شفا داد وقشون چینی را شکست داد زیاده از دویست هزار نفر آنها را مقتول وصد هزار نفر را اسیر کرده وغنیمت بی حسابی عاید او گردید وبلاد صاغون باز گشت وبلا فاصله در گذشت قراخان پادشاه عادل دیندار بود واسمش ابو نصر احمد بن طغاخان وبعد از او برادرش ابو المظفر ارسلان خان بجای او برقرار آمد وفات مهذب الدوله حکمران بطیحه که در مرض موت او پسر خواهر او ابو محمد احمد پسر مهذب الدوله را بگرفت وچون مهذب الدوله در گذشت خود بجای او متمکن شد واحمد را چندان بزد که بمرد اما ابو محمد بن مهذب الدوله با ناخوشی منجر شده وکمتر از سه ماه حکمرانی نموده بدرود زندگی گفت وحسین بن بکر شرابی از خواص مهذب الدوله بحکمرانی بطیحه برقرار آمد وسلطان الدوله در سنه چهارصد وشانزده او را بگرفت وصدقه بن فارس المازیادی را به بطیحه فرستاد

این نواحی را تملک نمود وفات علی بن مزید الاسدی که بعد از آن پسرش دبیس بن علی بن مزید امارت یافت ضعف امر دیلم در بغداد وطمع عامه در آنها وکثرت عیاران ومفسدین در بغداد ونهب اموال آمدن سلطان الدوله ببغداد وطبل زدن در اوقات پنجگانه نماز وجدا وعضد الدوله در سه وقت نماز او فقط نماز این کار را میکرد وفات ابو الفضل جرجانی شیخ قرا **اروپا** طایفه دانمارک در انکلیس تسلط یافتند

سنه ۴۰۹ هجری — سنه ۱۰۱۸ مسیحی

آسیا جنگ سلطان محمود در هند چنانکه عادت او بود که بعد از اخذ غنایم موفوره مظفر و منصور بغزنین بازگشت وفات ارسلان خان ابو المظفر بن طغاخان علی که بعد از او بلاد ماوراء النهر را قدرخان یوسف بن بغراخان هرون بن سلیمان تملک نمود **افریقا** وفات عبد الغنی بن سعید الحافظ المصری صاحب المؤتلف والمختلف

سنه ۴۱۰ هجری — سنه ۱۰۱۹ مسیحی

اسیا وفات وثاب بن سابق النمیری حکمران حران که بعد از او پسرش شبیب بن وثاب مالک ملک او شد وفات مردویه اصفهانی وابن بابک شاعر مشهور

سنه ۴۱۱ هجری — سنه ۱۰۲۰ مسیحی

اسیا شورش لشکریان در بغداد بر سلطان الدوله که بدینواسطه قصد واسط کرد لشکریان گفتند پسر یا برادر خود را حکمران عراق کن سلطان الدوله مشرف الدوله برادر خود را نایب عراق نمود واز بغداد باهواز رفت ودر راه ابن سهلان را وزیر کرد ومشرف الدوله را از این باب وحشت دست داد وسلطان الدوله ابن سهلان را فرستاد که مشرف الدوله را از عراق بیرون کند مشرف الدوله با ابن سهلان جنگ کرده لشکر او را شکست داد وخود او را گرفته کور کرد سلطان الدوله که این بشنید بترسید وبا چهارصد سوار باهواز گریخت ومشرف الدوله در عراق مستقل شد وقطع خطبه سلطان الدوله نمود ودر اواخر محرم سال بعد خطبه باسم مشرف الدوله خواندند اتفاق واجتماع غریب بن معن ودبیس بن علی بن مزید وآمدن قشون از بغداد نزد آنها وجنگ کردن با معتمد الدوله قرواش ومنهزم شدن قرواش که دست نواب سلطان در مملکت او دراز شد وقرواش نزد سلطان فرستاده طلب عفو نمود غلاء مفرط در بغداد **افریقا** کشته شدن الحاکم بامر الله ابو علی منصور بن العزیز بالله العلوی خلیفه مصر بمواضعه خواهر او باسر کرده های او عمر الحاکم سی وشش سال ونه ماه ومدت خلافتش بیست وپنج سال وچند روز از قرار مذکور الحاکم دعوی الوهیت میکرد چون الحاکم کشته شد پسرش الظاهر لاعزاز دین الله بجای او خلافت یافت واز آنجا که الظاهر طفل بود عمه اش بتدبیر ملک پرداخت گویند درین سال در افریقیه ابر پر رعد وبرقی در آسمان پیدا شد سنگهای بسیار بارید وآن سنگها هر کس خورد مرد

سنه ۴۱۲ هجری — سنه ۱۰۲۱ مسیحی

اسیا ابتدای دولت بنی نجاح در یمن که تا سنه پانصد وپنجاه وسه در یمن مملکت حکمرانی کردند وفات صدقه بن فارس المازیاری امیر بطیحه واستقرار ابو نصر شیرزاد بن حسن بن مروان در آنجا وفات علی بن هلال خوشنویس معروف بابن بواب در بعضی وفات او را در سال بعد نوشته اند ابن هلال را ابن ستری هم میگویند وفات ابو عبد الرحمن محمد بن الحسین السلمی الصوفی صاحب طبقات الصوفیه وفات علی بن عبد الرحمن الفقیه البغدادی معروف بصریع الدلاء شاعر مشهور

سنه ۴۱۳ هجری — سنه ۱۰۲۲ مسیحی

اسیا مصالحه ما بین مشرف الدوله وبرادرش سلطان الدوله باینکه تمام عراق مشرف الدوله را باشد وکرمان وفارس

سلطان الدوله را داده بمشرف الدوله و وزارت خود را با بو الحسن بن الحسن الرخجی و ملقب کردن او را بمؤید الملک که او
مریضخانه در واسط ساخت و موقوفات زیادی برای آن قرار داد و وفات علی بن عیسی السکری شاعر السنه و او را
شاعر السنه گفتند از انجهت اینکه اکثر در مدح صحابه و مناقضه با شعرای شیعه میکرد و وفات عبدالله بن المعلم فقیه
الامامیه و وفات ابو الفضل الجارودی

سنه ۴۱۴ هجری — سنه ۱۰۲۳ مسیحی

آسیا استیلای علاء الدوله ابو جعفر بن کاکویه بر همدان و گرفتن او این بلد را از صاحب آن سماء الدوله ابو الحسن بن شمس
الدوله از آل بویه و راندن علاء الدوله بدینور و تملک نمودن اینولایت را که بعد از آن شاپور خواست و نیز بگرفت و قوت و
صیت او زیاد شد گرفتن مشرف الدوله وزیر خود رخجی را و دادن منصب وزارت را با بو القاسم مغربی که اسم او حسین و وزیر
قرواش بود و پدرش از ملازمان سیف الدوله بن حمدان که بمصر رفت و ابو القاسم بمصر متولد شد و الحاکم پدر او را بکشت
و ابو القاسم بشام گریخت و مشغول نوکری شد جنگ سلطان محمود در هند بموضع سفرات قبل وفات قاضی عبدالجبار
متکلم معتزلی صاحب تصانیف مشهوره در علم کلام که زیاده از نود سال داشت

سنه ۴۱۵ هجری — سنه ۱۰۲۴ مسیحی

آسیا وفات سلطان الدوله ابو شجاع ابن بهاء الدوله ابی نصر بن عضد الدوله در ماه شوال در شیراز که عمر او بیست و دو سال و
چند ماه بود استیلا یافتن برادر او قوام الدوله ابو الفوارس بن بهاء الدوله بر مملکت کرمان و تملک او فارس را در بهوقت
ابو کالیجار بن سلطان الدوله که در اهواز بود قصد عم خود کرده ابو الفوارس را منهزم کرد و بر مملکت پدر خود مستولی شد بعد ها
ابو الفوارس مملکت را از او منتزع کرد ابو کالیجار مجددا ممالک پدری را از چنگ عم خود بیرون آورد و ابو الفوارس منهزم شد
وفات علی بن عبید الله بن عبد الغفار السمسانی اللغوی **اروپا** (المان) فوت هانری دوم امپراطور (فرانسه) شورش
رعیت بر ملاکین (اسپانیول) زلزله در اندلس **افریقا** فوت محمد بن سفیان قاری صاحب هادی در قیروان

سنه ۴۱۶ هجری — سنه ۱۰۲۵ مسیحی

آسیا فتح کردن سلطان محمود غزنوی سومنات را که در بتکده چندان جواهر قیمتی و طلا بود که بوصف در نمی آید و همه را
سلطان محمود تصاحب کرد و بعد بتهای هنود هلاکت رسیدند که تعداد آنها مشکل کردید و بت بزرگ که پنج ذرع طول آن بود
بسوزانید و قطعه از آنرا با خود بغزنین آورده و در کریاس و عتبه جامع نصب کرد وفات مشرف الدوله ابو علی بن بهاء الدوله
در ربیع الاول که بیست و سه سال و چند ماه عمر او بود و حکمرانی او پنج سال و چند روز کشته شدن محمد تهامی شاعر مشهور
صاحب شعر مشهور (حکم المنیة فی البریة جاری) که در مردن طفل صغیر خود گفته و محمد بن کوزنامه از حسان بن مفرج بن دغفل
بدوی برای نبی فرو داشت و پنهانی بقاهره رفت از حال او خبر شده او را حبس کردند و در حبس بکشتند (تهامی منسوب
بتهامه است که اطلاق بر مکه و بلاد بکر میان حجاز و اطراف یمن است میشود) **اروپا** کانوت پادشاه دانمارک که
انکلیس را متصرف شده بود بواسطه نارضائی اهل مملکت خود از غیبت طولانی او مجبور با دانمارک معاودت نمود

سنه ۴۱۷ هجری — سنه ۱۰۲۶ مسیحی

آسیا تسلط اتراک در بغداد و مصادره کردن مردم و بازشدن دست عیاران و ازدیاد مال و عرض مردم و فتنه
ابن مرجح مرجح بمشرف الدوله و خالی ماندن بغداد از سلطان بود و وفات ابو بکر عبدالله بن احمد بن عبدالله فقیه
شافعی مشهور بقفال صاحب تصانیف نافعه و این ابو بکر غیر از ابو بکر قفال شاشی است که ذکر نمودیم گویند ابو بکر در قفل

سازی ماهر بوده ودربزرگی یعنی درسی سالگی شروع بتحصیل علم نموده ومقدم اهل زمان خود شده است وفات ابو الحسن حماسی مفری عراق

سنه ٤١٨ هجری — سنه ١٠٢٧ مسیحی

آسیا طلبیدن لشکریان بغداد بامر خلیفه جلال الدوله ابو طاهر بن بهاء الدوله را به بغداد برای دفع اغتشاش که در بیستم رمضان وارد این شهر شد وخلیفه او را استقبال کرده واو را سوگند داده وطلب وثوق از او نمود وجلال الدوله در بغداد استقرار یافت نزول تگرگ در عراق که هر دانه از آن یك رطل ودو رطل بغدادی وزن داشت وکوچك آن بقدر تخم مرغ بود وفات وزیر ابو القاسم مغربی سابق الذکر خراب شدن خانه که معز الدوله در بغداد ساخته بود وهزار هزار دینار خرج آن کرده وهشتاد هزار دینار مصرف مقرنس کاری سقف آن رسانیده بود وفات استاد ابو اسحق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مروان (مهران) اسفراینی ملقب برکن الدین فقیه شافعی ومتکلم اصولی صاحب تصانیف جلیله در اصول ورد بر ملحدین **اروپا** (اسپانیول) جنك الفنس پنجم پادشاه لئون با اعراب وکشته شدن او در محاصره شهر ویزه **افریقا** وفات ابو القاسم بن طباطبا الشریف که اسم او احمد بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم طباطبا ابن اسمعیل بن ابراهیم بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام ونقیب طالبیین مصر بود وصاحب اشعار جید وطباطبا لقب جد او بود زیرا که لثغه داشت وروزی جامه خود را از غلام خود طلبید غلام گفت دراعه را بیاورم گفت نه طباطبا مقصودش قبا قبا بود وابو القاسم از اکابر طایفه مذکوره محسوب میشود

سنه ٤١٩ هجری — سنه ١٠٢٨ مسیحی

اسیا وفات قوام الدوله ابو الفوارس بن بهاء الدوله حکمران بالاستقلال کرمان در ذیقعده وراندن پسر برادر او ابو کالیجار بن سلطان الدوله پادشاه فارس بکرمان واستیلای وی بر ان ولایت بدون جنك ومنازعه انقراض طبقه اولی از ملوك باوندیه طبرستان وفات حسن صوری از شعراء **اروپا** آدزیرا امپراطوری قسطنطنیه منتخب کرده بعد از او زوجه اش زوئی هفتاد ودو سال سلطنت کرده ونه یکی از امپراطریسهای قسطنطنیه بود که در لهو ولعب دفع شهوت اختیار نفس خود را نداشت

سنه ٤٢٠ هجری — سنه ١٠٢٩ مسیحی

اسیا استیلای یمین الدوله سلطان محمود بن سبکتکین بر ری وگرفتن مجد الدوله بن فخر الدوله علی بن رکن الدوله حسن بن بویه حکمران بالاستقلال ری را وسبب این بود که مجد الدوله از تدبیر مملکت غفلت کرده بمعاشرت نسوان ومطالعه کتب اشتغال میورزید لشکریان بر او شوریده حال را بسلطان محمود نوشتند سلطان محمود عجز مجد الدوله را بدانست ولشکری فرستاده مجد الدوله را گرفتند وری را از او منتزع نمودند وفات منوچهر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار که پسرش انوشیروان بن منوچهر بجای او برقرار کردید وزیدن بادهای تند وضعف حال شیعه در بغداد وفات علی الربعی از نحاة زلزله در فلسطین **افریقا** زلزله در مصر

سنه ٤٢١ هجری — سنه ١٠٣٠ مسیحی

اسیا وفات سلطان محمود در ربیع الاول بمرض اسهال وسوء مزاج تولد سلطان محمود در عاشورای سنه سیصد شصت بوده وپسر کوچکتر خود محمد را ولیعهد کرده واو جلوس کرد ومسعود برادر بزرگتر او که در اصفهان بود متوجه خصوص برادر شده وبزرگان لشکر اتفاق کرده محمد را گرفتند ومملکت را تسلیم مسعود نمودند ومسعود استقرار

بهم رسانید برادر خود محمد را رها کرد و با او بلخی بود و سرکرده ها ایکر او را گرفته بودند و مملکت را تسلیم مسعود نمود
بگرفت واین نتیجه غدر آنها شد قتال سنی وشیعه در عاشورا در بغداد وفات ابو علی احمد بن محمد شارح حماسه
اروپا پادشاه دانمارک مملکت نروژ را نیز ضمیمه مملکت خود نموده در مملکت ثلاثه دانمارک ونروژ وانکلیس
باکمال عدل وانصاف سلطنت میکند (روس) شهر دربت در مملکت لیونی بنا شد

سنه ۴۲۲ هجری — سنه ۱۰۳۰ مسیحی

آسیا فرستادن سلطان مسعود بن محمود لشکری به تیز و مکران وغلبه کردن آن لشکر بر این حدود وفات القادر
بالله عباسی ابن مقتدر در ماه ذیحجه که هشتاد وشش ساله بود ده مال عمر کرده بود وچهل ویکسال ویکماه خلافت
وبعد از او القائم بامر الله ابو جعفر عبد الله بن القادر که بیست وششمین خلیفه عباسی است خلافت یافت فرستادن
القائم ابو الحسن الماوردی را نزد ابی کالیجار وبیعت گرفتن از و برای القائم وخطبه خواندن ابو کالیجار در بلاد
خود باسم القائم غلبه سنیهای بغداد بر شیعه ها اروپا استیلای رومیهای رومیه الصغری بر رها آمدن عسا
قسطنطینیه بشام ورسیدن بفامیه وقتل ونهب وسبی آنها در این بلد وحسان بن مفرج طائی که مسلمان بود ودر
اردن از عساکر الظاهر علوی که بجنبه روم رفته بود با این قشون بود وعلمی بالای سر خود داشت که شکل صلیب
بر او نقش شده (اسپانیول) آخرین خلیفه اموی که هشام سیم باشد از سلطنت استعفا نمود ومملکت اسپانیول
بکلی در میان ملوک الطوایف قسمت شد اما اهالی پای تخت جعفر نامی را که وزیر خلیفه اموی بود بر خود سلطان
نمودند وابتدای ملوک الطوایف اسپانیول را ذکر کرده ایم (فرانسه) فوت روبر پادشاه فرانسه که هانری اول
پسر او بجای او منصوب شد

سنه ۴۲۳ هجری — سنه ۱۰۳۱ مسیحی

آسیا شورش لشکریان در بغداد بر جلال الدوله وغارت کردن خانه او وبیرون کردن او را از بغداد و
نوشتن بابی کالیجار که ببغداد آید و رفتن جلال الدوله بعکبرا اما ابو کالیجار در آمدن ببغداد مساهله نموده
وجلال الدوله ببغداد بازگشت واستقرار یافت وفات قدر خان یوسف بن بغراخان هرون بن سلیمان پادشاه
ترکستان وبرقرار شدن پسرش عمر بن قدر خان بجای او اروپا قحطی سخت در مملکت فرانسه (روس) اهالی
نوگرد تا دامنه کوه اورال که سرحد مابین آسیا واروپا ست تاختند ولی از ین جمعیت احدی بوطن خود سالما مراجعت
نکرد

سنه ۴۲۴ هجری — سنه ۱۰۳۲ مسیحی

آسیا شهر یوش حکمران ساوه وقم واین نواحی حجاج خراسان را بسیار اذیت میکرد سلطان مسعود لشکری فرستاده
او را بگرفتند وبر دیوار قلعه ساوه بدار زدند وفات احمد بن الحسین المیمندی وزیر سلطان مسعود وسلطان محمود
واین قول ظاهرا ضعیف باشد زیرا که بعضی از مورخین نوشته اند سلطان محمود این وزیر خود را بکشت وفات
قاضی ابن السماک که نود وپنجسال عمر کرده بود

سنه ۴۲۵ هجری — سنه ۱۰۳۳ مسیحی

آسیا فتح کردن سلطان مسعود قلعه سرسی وبلاد حوالی آنرا در هند واین قلعه بسیار محکم بود وبارها سلطان
محمود قصد آن کرده وبر تسخیر آن فایز نشده بود سلطان محمود خندق قلعه را با اشجار ونی شکر پر انباشت وقلعه را

بگرفت

بکرفت واهالی را بکشت وجمعی را اسیر کرد وفات بدران بن مقلد حکمران نصیبین که پسرش قرایش زد عمّ خود قرواش
رمغشر قرواش او را براموال ومملکت پدرش که نصیبین باشد قرار کرد زلزله در شام اروپا هوبیر از اهل
ساکس در مملکت ساو وابنای پاسنت بکذارد وخانواده ساو واکه سلاطین حالیه ایطالیا میباشند
منسوب باین شخص اند افریقا زلزله در مصر

هوبیر دل

سنه ۴۲۶ هجری سنه ۱۰۳۴ مسیحی

آسیا ضعف امر سلطنت وخلافت در بغداد وغلبهٔ لجامه وعیاران که اموال مردم را روز وشب میبردند وجلال
الدوله از دفع آنها عاجز وخلیفه از جلال الدوله عاجز بود وعرب در بادیه منفرق شده بتاراج مال رعایا پرداختند
وقطع طریق کردند تاراج نمودن خفاجه کوفه را وفات احمد بن کلیب شاعر که عاشق اسلم بن احمد بن سعید بود واز
عشق او مرد عبور اهل سلجوق از جیحون وپورت کرفتن ایشان در مملکت خراسان اروپا وفات ابن شهید شاعر اندلس

سنه ۴۲۷ هجری سنه ۱۰۳۵ مسیحی

آسیا سویدا را رومیها عمارت کرده بودند واهل قرای مجاور در آن جای کرفته ابن وثاب وابن عطیر بالشکر مرادی
از جانب نصر الدوله بن مروان آمده سویدا را بغلبه کرفتند وفات دافع بن حسین بن معن که مرد حازم شجاعی بود و
اشعار جید داشت وفات ابو اسحق شیخ احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی (ثعالبی) که در علم تفسیر اوحد زمان خود بود
وکتاب عرایس در قصص الانبیا از مؤلفات وست وبعضی وفات ابو اسحق را در سال چهار صد وسی وهفت نوشته اند
اروپا (انکلیس) قونت کانوت اعظم پادشاه دانمارک ونروژ واین اول پادشاهی است که در ایالات شمالی فرنک
سکه زد وقبل از او وطوایف دانمارک وسود ونروژ معاملات خود را باشمش طلا ونقره مینمودند بعد از فوت این
پادشاه مملکت نروژ از تحت سلطنت خانواده کانوت خارج میشود افریقا وفات الظاهر لاعزاز دین الله ابو الحسن
علی بن الحاکم خلیفه علوی مصر در سی وسه سالگی که پانزده سال وسه ماه وچند روز خلافت کرده بود ومصر وشام را
در تحت تصرف خود داشت نیک سیرت ومنصف بود خلافت پسرش ابو تمیم معد ملقب به المستنصر بالله که در سال
چهار صد وبیست متولد شده بود وابن مستنصر است که در بغداد خطبه باسم او خواندند وحسن بن صباح اسمعلی نزد او آمد
بدعوت علویین خراسان وعراق عجم مامور شد واز المستنصر پرسید که اکر تو از میان بروی کیست بعد از تو که امام ما شد
المستنصر بپسرش نزار اشارت کرد

انکلیس

سنه ۴۲۸ هجری سنه ۱۰۳ مسیحی

آسیا وفات ابو القاسم بن حسین بن مکرّم حکمران عمان که پسرش جای او بکرفت وفات مهیار شاعر که مجوسی
بود ودر سیصد ونود وچهار اسلام اختیار کرد ومصاحب شریف رضی شد وفات ابو الحسین احمد بن محمد بن
القدوری الحنفی که ریاست اصحاب ابو حنیفه در عراق باو منتهی میشود وکتاب او که موسوم بقدوری است مشهور
است ونسبت او بقدور جمع قدر است قاضی شمس الدین خلکان کوید وجه نسبت ابو الحسین را بقدور ندانسته
که چیست وفات شیخ الرئیس ابو علی حسین بن عبد الله بن سینا البخاری که پدرش از اهل بلخ بود ودر ایام امیر نوح بن منصور
سامانی بنجارا آمده زنی را در قریه افشنه تزویج نمود ودر آنجا ساکن شد وشیخ الرئیس بوجود آمد شیخ الرئیس قرآن را
در ده سالگی ختم کرد ودر نزد ابی عبد الله الناتلی حکمت خواند ومجسطی واقلیدس را حل نمود ومشغول طب شد ودر هیجده
سالگی در بخارا فارغ التحصیل کردید بکر کاهی که جرجانیه باشد رفت ودر بعضی از بلاد کردش کرد ودر جرجان

ابو عبدالله جورجانی که از اکابر اصحاب شیخ الرئیس است باو پیوست بعد بری آمد و بخدمت مجد الدوله بن فخر الدوله بن
رکن الدوله مشغول شد بعد بخدمت شمس المعالی قابوس بن وشمگیر شتافت چندیکه گذشت از قابوس نیز مفارقت کرده قصد
اصفهان و خدمت علاء الدوله بن کاکویه نمود و مرتبتی نزد او بهم رسانید آنگاه مبتلا بمرض صرع و قولنج شده بهمدان آمد و در
گذشت عمر ابن سینا پنجاه و هشت سال و مصنفات و فضایل او مستغنی از ذکر و توصیف است فرنگیها تولد ابو علی را در شیراز
مینویسند و نشو و نمایش را در بخارا بهر حال در فنون حکم ابن سینا بطریقه ارسطو بوده و در طب پیروی بقراط نموده و در
سالهای دراز در فرنگستان معالجات را از روی قانون او میکردند غلاء مفرط در جمیع بلاد استیلای طغرل بیک
در نیشابور

سنه ۴۲۹ هجری — سنه ۱۰۳۷ مسیحی

آسیا وفات ابو منصور عبد الملک بن محمد اسمعیل الثعالبی النیشابوری مؤلف یتیمة الدهر و مؤلفات بسیار ممتاز دیگر و
ثعالبی پیشوای عصر خود بود و در سنه سیصد و پنجاه متولد شده **اروپا** بروز طاعون در ایطالیا (رومیة الصغری)
امپراطور قسطنطنیه و المستنصر بالله علوی صلح کردند براینکه امپراطور پنجهزار نفر اسرای اسلام را رها کند و بساختن
قمامه که الحاکم در ایام خلافت خود خراب کرده بود بپردازد و امپراطور مبلغ گزافی خرج ساختن قمامه نمود

سنه ۴۳۰ هجری — سنه ۱۰۳۸ مسیحی

آسیا وفات ابو علی حسین سهی که ابتدا وزیر سلاطین آل بویه بود بعد از وزارت استعفا کرده و در ایام بیکاری باز
بر وزرا تقدم داشت وفات ابو الفتوح حسن بن جعفر علوی امیر مکه و وفات ابو نعیم احمد بن عبدالله الاصفهانی الحافظ
و فضل بن منصور بن ظریف الفارقی الامیر الشاعر که صاحب دیوان ممتاز است

سنه ۴۳۱ هجری — سنه ۱۰۳۹ مسیحی

آسیا تملک ابو کالیجار بصره را برقرار شدن ابو محمد بن ابو القاسم بن مکرم بحکمرانی عمان با بن معنی که بعد از فوت
ابو القاسم ابو الجیش بجای او برقرار گردید و چیزی نگذشت که در گذشت و چون ابو محمد پسر دیگر ابو القاسم صغیر بود
ابن هطال که امیر قشون ابو القاسم بود بر عمان استیلا یافت و بنای بدرفتاری را گذاشت ابو کالیجار چون این بشنید
لشکری بعمان فرستاده مردم را از اطاعت ابن هطال خارج نمود و ملازمان ابن هطال او را بکشتند و مملکت بر ابو
محمد بن ابو القاسم بن مکرم مقرر گردید و وفات شبیب بن وثاب النمیری حکمران رقه و سروج و حران و وفات ابو نصر
موسکان کاتب انشای سلطان مسعود و پدرش سلطان محمود که از کتاب بسیار قابل زبردست بود و وفات ابو القاسم
حسن بن احمد عنصری از مشاهیر شعرای عجم

سنه ۴۳۲ هجری — سنه ۱۰۴۰ مسیحی

آسیا (ابتدای دولت سلاجقه)

در اینسال آل سلجوق قوت و شوکت بهم رسانیدند تفصیل آنکه طغرل بیک و داود پسران میکائیل بن سلجوق بن دقاق
بودند و دقاق مرد با جلادتی بود از بزرگان اتراک و سلجوق پسر او پس از نشو و نما چون آثار نجابت و بزرگی در او نمایان
بود بیغو (بیغو) پادشاه ترکستان او را مقامی عالی داد و در رشدی خود جمعیتی زیادی بهم رسانید پادشاه ترکستان
سلجوق خائف گردیده بعدها از او متغیر شده با جمعیت خود ببلاد اسلام آمد و در جند که شهر کوچکی است از نواحی بخارا اقامت کرد و با
اتراک جنگ میکرد تا در جند در گذشت سلجوق سه پسر داشت ارسلان و میکائیل و موسی آنها نیز با اتراک پیکار
داشتند

داشتند و میکائیل در رزم اتراك کشته شد و او نیز سه پسر داشت بیغو و طغرل بیك و چغر بیك داود و اینها بده
فرسخی بخارا نزول کردند امیر بخارا این مجاورت خوش نیامده ملتجی ببغراخان پادشاه ترکستان شد طغرل بیك و برادرش داود
قرار دادند که اگر بغراخان آنها را احضار کند یکی نزد او حاضر شود و دیگری بجای خود بماند که مبادا بغراخان در حق آنها غدری
اندیشیده باشد بغراخان هرچه سعی کرد که ان هر دو نزد وی حاضر آیند ممکن نشد لهذا طغرل بیك را گرفت و لشکر بر
سر داود فرستاده جنك سختی کردند و قشون بغراخان منهزم شد و داود بطرف بغراخان رانده طغرل بیك را مستخلص
کرد و باز بشهر جند آمدند و بودند تا دولت سامانیها منقرض شد و ایلك خان بخارا را تملك نمود و ارسلان مرتبت شاهانی
نزد ایلك خان بهم رسانید و ایلك خان از بخارا رفته علی تکین با ارسلان بن سلجوق در بخارا ماندند تا سلطان محمود از
جیحون گذشته قصد بخارا کرد علی تکین از بخارا فرار کرد و ارسلان با جمعیتی که داشت داخل بیابان و رمل شده خود را
از سلطان محفوظ داشت سلطان نامه بارسلان نوشته او را استمالت کرد و او بحضور سلطان محمود آمد سلطان محمود
او را بگرفت و خرگاههای او را غارت کرد و جمعیت ارسلان را در نواحی خراسان تا اصفهان متفرق نمود و خراج برآنها
مقرر کرد و عمال بنای ظلم و تعدی را نسبت بآنها گذاشتند جماعتی از آنها از خراسان متوجه اصفهان شده با علاء الدوله
بن کاکویه جنك کرده بعد بآذربایجان رفتند و طغرل بیك و بیغو و داود از خراسان ببغداد راندند علی تکین جمعی از
آنها را بکشت آنها ناچار بخراسان بازگشتند و از نهر جیحون گذشته در ظاهر خوارزم خیمه زدند و این در سال چهارصد
و بیست و شش بود پس از نزول بظاهر خوارزم با خوارزمشاه هرون بن طبطاش (طنطاش) اتفاق نمودند و عهد بستند
ولی خوارزمشاه غدر کرده بسیاری از آنها را غارت نمود لهذا از خوارزم بطرف مرو رفتند سلطان مسعود لشکری بجنك
آنها فرستاده پس از حربها لشکر مسعود منهزم شد و هیبت سلاجقه در قلوب عساکر سلطان مسعود جا گرفت و سلطان مسعود نامه
بآنها نوشته از ایشان استمالت نمود آنها در جواب اظهار انقیاد کردند و درخواست نمودند که عم ایشان ارسلان را سلطان
مسعود رها کند سلطان مسعود ارسلان را در بلخ نزد خود حاضر ساخته طغرل بیك و برادرانش را احضار کرد آنها حاضر نشدند
لهذا دوباره ارسلان را حبس کرد و جنك بین فئتین درگرفته مکرر عساکر سلطان مسعود شکست خوردند و کار سلاجقه
بالا گرفته و بر غالب خراسان استیلا یافتند و نواب باطراف فرستادند و در نیشابور باسم طغرل بیك خطبه خواندند و داود
بهرات راند و در اینجا نیز لشکر سلطان مسعود را شکست داده بغزنین دوانید سلطان مسعود با جمیع عساکر و فیلهای خود از غزنین
رو بخراسان نهاد و بعد از جنگها و سه سال زد و خورد آخر الامر لشکر سلطان مسعود شکست فاحشی خوردند و سلطان با جمعیت
قلیلی فرار کرد و غنیمت بیحساب قسمت سلاجقه شده کار آنها در خراسان استحکام و استقرار یافت و در منابر باسم آنها
خطبه خواندند و این در اواخر سال چهارصد و سی و یك بود چون سلطان مسعود بغزنین مراجعت کرد سردار لشکر خود
سیاوشی را با بسیاری از امرای خود بگرفت و مودود پسر خود را ببلخ فرستاده که داود را از آنجا براند و مودود در این سال
که سال چهارصد و سی و دو باشد متوجه بلخ شد و سلطان مسعود بر رسم پدرش محمود بجنك هند رفت و از سیحون
گذشته را نوشتکین که یکی از سرکردههای سلطان مسعود بود بعضی از خزاین را غارت کرد و جمعی را دور خود
جمع نمود و محمد برادر مسعود را وا داشت که بامر سلطنت قیام کند و بجنك با مسعود بپردازد بنا بر این در نیمه ربیع الآخر
اینسال جنك سختی میانه محمد و مسعود درگرفت و مسعود منهزم و در رباطی متحصن شد عساکر محمد مسعود را محاصره کردند
او ناچار از رباط بیرون آمد و محمد او را با اهل و عیال بقلعه کیدی فرستاد و امر باکرام او نمود چون کار محمد استقراری یافت
امور دولت را بپسرش احمد واگذار کرد احمد عم خود مسعود را در قلعه کیدی بکشت سلطان مسعود کثیر الصدقه و طالب علم و

بکشت و اموال آنها را

از سلاطین بزرگ و دارای مملکت وسیعه و بحر و بر چون مودود در خراسان از قتل پدرش مسعود مطلع شد بغزنین آمد و جنگ میانه او و عم وی محمد درگرفت و محمد منهزم شد و مودود محمد و پسرش احمد و نوشتکین را که خزاین را غارت کرده بود بگرفت و بکشت و جمیع اولاد محمد را سوای عبدالرحیم نیز آنکسانی را که در گرفتن سلطان مسعود مداخله داشتند مقتول نمود و در بیست و سیم شعبان اینسال سلطنت مودود در غزنین استقرار یافت و بنای حسن سیرت را گذاشته و پادشاه ترکستان در ماوراء النهر بود منقاد او شد و وفات مظفر محمد بن حسن بن احمد مروزی در شهر زور زلزله عظیم در تبریز **افریقیا** زلزله سخت در افریقیه

سنة ۴۳۳ هجری **سنة ۱۰۴۱ مسیحی**

آسیا وفات علاء الدوله ابو جعفر بن شهریار معروف بابن کاکویه در محرم ابن کاکویه مرد شجاعی بود و چون درگذشت پسرش ظهیر الدوله ابو منصور فرامرز که اکبر اولاد او بود در اصفهان بجای او برقرار شد و پسر دیگرش گرشاسب بن علاء الدوله همدان را نده این بلد را بگرفت در آن اقامت نمود تملک و تسخیر طغرل بیک جرجان و طبرستان را فرستادن ابو کالیجار قشونی بعمان و استیلای آنها در آن شهر وفات ابو منصور بهرام ملقب بعادل وزیر ابو کالیجار که در سال سیصد و شصت و شش متولد شده و مرد نیک سیرتی بود و کتابخانه در فیروزآباد ساخته هفت هزار جلد کتاب در آن گذاشت زلزله عظیم در تبریز که پنجاه هزار نفر هلاک نمود **اروپا** (لهستان) کازمیر اول از بیجای این مملکت که فرارا بپاریس رفته بود و مشغول تحصیل گردیده بواسطه انقلابیکه در مملکت لهرو داد بعضی از اهالی مملکت او را بلیه طلبیده سلطنت لهستان باو تفویض شد

سنة ۴۳۴ هجری **سنة ۱۰۴۲ مسیحی**

آسیا تملک سلطان طغرل بیک خوارزم را که از ممالک سلطان محمود بود و پس از او بسلطان مسعود رسید و از جانب او طبطاش که حاجب پدرش بود در این مملکت حکمرانی میکرد چون طبطاش بمرد سلطان مسعود پسرش هرون بن طبطاش را حکمرانی خوارزم داده او را خوارزمشاه لقب داد خوارزمشاه را در شکارگاه ملازمانش بکشتند و عبد الجبار نامی بر این مملکت استیلا یافت غلامان خوارزمشاه او را نیز کشتند و اسمعیل بن طبطاش برادر خوارزمشاه را بحکمرانی برداشتند شاه ملک بن علی که بعضی متصرفات در اطراف خوارزم داشت لشکر کشیده اسمعیل را منهزم کرد طغرل بیک شاه ملک را شکست داده خوارزم او را شد و در همین سال طغرل بیک بر جبل نیز استیلا یافت زلزله عظیم در تبریز **افریقیا** شخصی در مصر خروج کرد و چون شباهت بالحاکم علوی داشت دعوی کرد که من الحاکم هستم و رجعت نموده ام بعضی گرویدند آخر الامر او را و اصحاب او را گرفته کشتند و بدار زدند

سنة ۴۳۵ هجری **سنة ۱۰۴۳ مسیحی**

آسیا وفات جلال الدوله ابو طاهر بن بهاء الدوله بن عضد الدوله در بغداد بورم کبد در پنجاه و دو سالگی که مدت سلطنتش در بغداد شانزده سال یازده ماه بود چون وقتیکه جلال الدوله مرد پسرش ملک عزیز در واسط بود و از عهده برقرار شدن بجای پدر برنیامد ابو کالیجار نامه بعسکر بغداد نوشته و حکمرانی عراق نیز بر ابو کالیجار بن سلطان الدوله بن بهاء الدوله بن عضد الدوله مقرر و مسلم آمد و در ماه صفر سنه چهارصد و سی و شش در بغداد باسم او خطبه خواندند فتح کردن عساکر مودود بن مسعود بعضی حصون از بلاد هند را اسلام آوردن پنجهزار خرگاه از اتراک و متفرق شدن آنها در بلاد اسلام تقسیم کردن شرف الدوله پادشاه ترکستان ممالک خود را که

بخارا و سمرقند و غیرها را ببرادرش تکین داد و اطرار (فاریاب) و اسبیجاب را ببرادر دیگرش بغراخان و اکناف و فرغانه
را بپسر عم خود طغان عطا کرد و بلاساغون و کاشغر برای او بماند و از برادران و عم خود فقط قناعت باطاعت
از او مینمودند **افریقیا** قطع کردن معز بن بادیس خطبهٔ خلفای علویین مصر را در افریقیه و خطبه خواندن بنام
القائم عباسی خلیفه بغداد و فرستادن القائم خلعت و علم برای او از راه قسطنطنیه و دریا

سنه ۴۳۶ هجری — سنه ۱۰۴۴ مسیحی

آسیا خطبه خواندن ابوالشوک در بلاد خود باسم ابوکالیجار هچنین ابن مرثد (مزید) در متصرفات خود و نصر الدوله
بن مروان در دیار بکر و آمدن ابوکالیجار ببغداد و زینت بستن شهر را هنگام ورود او و امر کردن ابوکالیجار بساختن قلعه
دور شهر شیراز در کمال استحکام کرد دور قلعه دوازده هزار ذراع و ارتفاع قلعه هشت ذراع بود و یازده دروازه
داشت و در سال چهارصد و چهل از بنای آن فراغت یافتند و وفات شریف مرتضی ابوالقاسم برادر شریف رضی که در
سال سیصد و پنجاه و پنج متولد شده بود و بعد از او نقابت علویین بپسر برادرش عدنان بن رضی رسید و وفات قاضی
ابوعبدالله الحسین الصیمری شیخ اصحاب ابوحنیفه و وفات ابوالحسین محمد بن علی البصری المعتزلی صاحب تصانیف
مشهوره و وفات قاسم بن غالب لغوی

سنه ۴۳۷ هجری — سنه ۱۰۴۵ مسیحی

آسیا فرستادن طغرل بیک برادر خود ابراهیم ینال بن میکال را بطرف همدان و انتزاع نمودن ابراهیم همدان را از
چنگ کرشاسب بن علاء الدوله بن کاکویه و گرفتن او دینور را از ابی الشوک و استیلای او بر صیمره و وفات ابوالشوک
فارس بن محمد بن عنان در قلعهٔ سیروان که پسر او و اکراد در حق پسرش غدر کرده با مهلهل بن محمد برادرش ساختند
کشته شدن عیسی بن موسی همدانی حکمران اربل بدست پسرش و مالک شدن پسرش قلعهٔ اربل را و عیسی را برادری بود سلار
نام که از او وحشت کرده نزد قرواش حکمران موصل رفته بود چون عیسی کشته شد قرواش و سلار باربل آمدند و قرواش
اربل را گرفته بسلار تسلیم نمود و بموصل بازگشت بروز ناخوشی آسیان در تمام بلاد و وفات احمد بن یوسف المنازی از
اعیان فضلا و شعرا که وزارت ابونصر احمد بن مروان کردی حکمران دیار بکر را نموده بود و کتب زیادی وقف بجامع
میافارقین و جامع آمد کرده (منازی منسوب بمنازجرد است که شهریست در حوالی خرتبرت و ابن مناز غیر مناز
کرد هاست که از اعمال خلاط میباشد) **اروپا** (فرانسه) ایجاد مریضخانه ها در این مملکت بجهت فقرا (روس) سفاین
جنگی روس تا خلیج قسطنطنیه راندند (اسپانبول) وفات مکی بن ابوطالب شیخ اندلس

سنه ۴۳۸ هجری — سنه ۱۰۴۶ مسیحی

آسیا تملک مهلهل بن محمد بن عنان برادر ابوالشوک قرمسین و دینور را پس از آنکه برادر طغرل چنانکه ذکر شد آن
استیلا یافته بود و وفات عبدالله بن یوسف الجوینی والد امام الحرمین و عبدالله از ائمهٔ شافعیه و صاحب فضایل از قبیله
سنبس بود که شعبه ایست از طی

سنه ۴۳۹ هجری — سنه ۱۰۴۷ مسیحی

آسیا استیلای عساکر ابوکالیجار بر بطیحه و گرفتن این ناحیه را از ابی نصر بن الهیثم و گریختن ابن هیثم به دیرب
غلای سخت در عراق که مردم اکل میته نمودند و بازارهای بغداد خالی از سکنه شد و وفات عبدالواحد بن محمد شاعر معروف
بالمطرز و وفات ابوالخطاب جبلی شاعر و وفات بغراخان محمد بن قدرخان یوسف که برادرش عمر بن قدرخان را گرفته و مرو

در این سال شمس‌ماوراء‌النهر گذشتند و شمس‌الملک طفقاج خان ابواسحق ابراهیم بن نصر ایلک‌خان از سمرقند بلاد آنهارا
مملکت آنهارا مالک شد و طفقاج در سال چهارصد و شصت و دو درگذشت وفات ابوالحسن عبدالرحمن قدوری
صاحب تکلم و تحریر

سنه ۱۰۴۸ مسیحی
سنه ۴۴۰ هجری

آسیا وفات ابوکالیجار مرزبان بن سلطان الدوله بن بهاء‌الدوله در چهارم جمادی‌الاولی در شهر جناباز بلاد
کرمان و عقصود ابوکالیجار از آمدن بکرمان تدمیر بهرام دیلمی حکمران کرمان بود که از ربقه اطاعت ابوکالیجار خارج شده
عمر ابوکالیجار چهل سال و چند ماه سلطنت او در عراق چهار سال و دو ماه وچون درگذشت اتراک خزاین و
سلاح و دواب عساکر را غارت کردند و پسر ابوکالیجار ابومنصور فلاستون که با او بکرمان آمده بود بشیراز آمده این
شهر را تصرف کرد و پسر دیگر ابوکالیجار ملک رحیم ابونصر خسره (خسرو) فیروز که در بغداد بود لشکریان را طلبید
و سوگند داده و بر بغداد استیلا یافت و لشکری بشیراز فرستاده ابومنصور فلاستون و مادرش را گرفتند و
در ماه شوال اینسال در شیراز باسم ملک رحیم خطبه خواندند بعد ملک رحیم از بغداد بخوزستان رفت و
عساکر خوزستان اطاعت او و عموم و از جمله گرشاسب بن علاء‌الدوله حکمران همدان بود که پس از گرفتن ابراهیم برادر
طغرل بیک همدان را بخدمت ابوکالیجار شتافته بود وفات محمد بن محمد بن غیلان البزار راوی احادیث معروفه
بغیلانیات

سنه ۱۰۴۹ مسیحی
سنه ۴۴۱ هجری

آسیا جمع کردن فلاستون بن ابوکالیجار جمعیت کثیری بعد از مستخلص شدن و استیلای او بر بلاد فارس و حشتهای انه
طغرل بیک و ابراهیم ینال برادرش که منجر بجنگ شده ابراهیم منهزم شد و بقلعه سرماج تحصن جست طغرل بیک او را
محاصره کرده و قهرا از قلعه بیرون آورد و بگرفت و بعدها او را رها کرده و ملازم خدمت خود نمود وفات ابوالفتح مودود بن
مسعود حکمران غزنین در غزنین در بیست و نه سالگی که نه سال و ده ماه سلطنت کرده بود و بعد از او عم او عبدالرشید
که در حبس مودود بود بجای او بگرفت و شمس بن الله سیف‌الدوله لقب یافت مالک شدن بساسیری بزرگ اتراک
انبار را و اظهار عدل و حسن سیرت کردن و چون در انبار قرار و مدار امور را داد ببغداد بازگشت وقوع فتنه
در بغداد ما بین شیعه و سنی بطوریکه بازارها بسته شد و اهل کرخ بنای قلعه بدور محله خود گذاشتند و در
اذان در اماکن شیعه میگفتند (حی علی خیر العمل) و در اماکن سنی (الصلوة خیر من النوم) وفات ابوبکر منصور بن
جلال‌الدوله صاحب اشعار **اروپا** (رم) لئون نهم پاپ کشیشهای کاتولیکی را از ازدواج منع مینماید

سنه ۱۰۵۰ مسیحی
سنه ۴۴۲ هجری

آسیا آمدن طغرل بیک از خراسان باصفهان محاصره کردن اینشهر را و ابومنصور بن علاء‌الدوله بن کاکویه حکمران
اصفهان را که قریب یکسال محاصره طول بکشید و آخرالامر بطور امان شهر را بگرفت و در محرم سال چهارصد و چهل
و سه داخل بلد شد و سلاح و ذخایری که در وی داشت بری حمل نمود غلبه ابوکامل برادر قرواش حکمران موصل که در بکر
حکمی برای قرواش نماند و ابوکامل زعیم‌الدوله لقب یافت رفتن مهلهل بن محمد بن عنان برادر ابوالشوک بخدمت
طغرل بیک و پیش رفتن طغرل بیک او را بخوبی و برقرار کردن او را بر بلادیکه داشت که از جمله سیروان و دقوقا و شهرزور
و صامغان بود و سرخاب بن محمد برادر مهلهل که طغرل بیک او را در حبس داشته رهنمود و مستخلص شد **افریقا** چون

المعز بن بادیس خطبهٔ علویین را در افریقیه قطع کرد و باسم خلفای عباسی خطبه خواند المستنصر علوی عساکری از عرب
بافریقیه فرستاد و بکرات المعز را شکست دادند

سنه ۴۴۳ هجری — سنه ۱۰۵۱ مسیحی

آسیا ۱ فتنهٔ عظیم در بغداد فیما بین شیعه و سنی که ضریح حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را بسوختند و قبر زبیده و قبور
ملوک بنی بویه و جمیع مقابری که در آن حوالی بود آتش زدند و دست بغارت دراز کردند و اهل کرخ بخان حنفیین داخل
شده اباسعید سرخسی مدرس حنفیها را کشتند و خان و خانهٔ فقها را آتش زدند بعد فتنه بطرف شرقی افتاد و خون
ریزیها شد وفات زعیم الدوله برکة بن مقلد بن مسیب بکر بنی که عرب اجتماع کرده پسر برادر او قریش بن بدران بن مقلد را
بجای او برقرار کردند بدران بن مقلد مالک نصیبین بود ۷ قریش راشد و قرواش در بند برادرش زعیم الدوله بود ولی
او را به نیکوئی میداشت همینکه حکمرانی موصل بقریش رسید عم خود قرواش را بقلعهٔ جراحیه از اعمال موصل فرستاده
در آنجا حبس کرد ظهور کوکبی در بغداد وقت عصر که ذوابه داشت و نور آن بر روشنی آفتاب غلبه میکرد و بطور بطوء
حرکت نموده تا غایب شد رسیدن فرستاده طغرل بیک با هدایا بخدمت خلیفه عباسی مراجعت طغرل بیک از اصفهان
بری وفات کرشاسب بن علاء الدوله بن کاکویه در اهواز و کرشاسب از جانب ابومنصور بن ابوکالیجار در بنولاین حکومت
داشت **اروپا** (فرانسه) هانری اول دختر پادشاه روس (آن) را بحباله نکاح در می آورد

بعد ازان م

سنه ۴۴۴ هجری — سنه ۱۰۵۲ مسیحی

آسیا ۱ کشته شدن عبد الرشید بن محمود پادشاه غزنین بدست طغرل حاجب که حجابت مودود را داشت عبد الرشید
نیز او را بهمین منصب برقرار کرد و تقدم داد حاجب طغرل در سلطنت طمع نموده بر عبد الرشید خروج کرد عبد الرشید در قلعه
غزنین متحصن شد و طغرل او را محاصره نمود اهل قلعه تسلیم شدند و قلعه را بتصرف او دادند طغرل عبد الرشید را کشت
و دختر سلطان مسعود را بزور تزویج کرد ارکان دولت متفق شده طغرل را کشتند و فرخ زاد بن مسعود را که در یکی از
قلاع حبس بود بیرون آورده سلطان کردند و خرخیز که اعمال هند باو راجع بود پیشکار فرخ زاد شده کسانی را که در
قتل عبد الرشید دخالت داشتند بدست آورده بقتل رسانید وفات معتمد الدوله ابو منیع قرواش بن مقلد عقیلی حکمران
سابق موصل که در قلعهٔ جراحیه حبس بود و در تل توبه از شهر نینوی در شرقی موصل مدفون شد و بعضی را عقیده است
که قرواش را برادرزاده او قریش احضار کرده بکشت کشته شدن علی ابو عشام بن خمیس بن معن صاحب تکریت برادرش عیسی بن
خمیس او را حبس کرد و او مستولی شد بر تکریت زلزلهٔ عظیم در خوزستان و آن نواحی که در ارجان از همه جا سخت تر
بود و کوه بزرگی در حوالی ارجان شکافته شد و در وسط آن پله ها از آجر و گچ نمودار شده مایه تعجب مردم گردید زلزلهٔ شدید
در خراسان که شدت آن در بیهق از همه جا بیشتر بود و قلعهٔ قصبهٔ بیهق بتوسط خرابی گردید مدتی منهدم بود
تا نظام الملک در سال چهارصد و شصت و چهار آن را بساخت بعد الب ارسلان در غوا آن را خراب کرد و مجد الملک براوستانی
باز بساخت وقوع فتنه در بغداد میان سنی و شیعه که شیعه ها بعد از اذان حی علی خیر العمل گفتند و در مساجد خود نوشتند
(محمد و علی خیر البشر) **افریقا** انقراض دولت بنی کلب در صقلیه

سنه ۴۴۵ هجری — سنه ۱۰۵۳ مسیحی

آسیا ۱ معاودت ابو منصور فولاستون بن ابوکالیجار و استیلای او بر شیراز و انتزاع کردن این بلد از چنگ برادرش ابو
سعید بن ابوکالیجار و چون ابو منصور در شیراز تمکن یافت باسم سلطان طغرل بیک و ملک رحیم برادر خود و باسم خود بعد از

این دو نفر خطبه خواندند دخول سلاجقه بحلوان و وفات ابو سعید همانی از حفاظ حدیث

سنه ۴۴۶ هجری — سنه ۱۰۵۴ مسیحی

آسیا راندن طغرلبیک با آذربایجان بقصد گرفتن تبریز و اطاعت کردن وهسوذان حکمران تبریز از او و خطبه خواندن در آن
شهر باسم طغرلبیک و هدایا و اموال دادن باو که سایر نواحی آذربایجان هم همین معامله را نموده و چون آذربایجان طغرلبیک
را مسلم شد بارمینیه راند و قصد ملازکرد که متصرف رومیها بود کرد ولی بر فتح آن قادر نیامد و لیکن داخل ممالک رومیه
الصغری شده نهب و قتل پرداخت و کارهای بزرگ کرد حصول وحشت ما بین القائم خلیفه و بساسیری و وفات ابو علی اهوازی
مقری شام **اروپا** تفکیک کلیسای قسطنطنیه از کلیسای رم باینمعنی که طایفه یونان از شعبه کاتولیکی جدا شد که هنوز
هم جدا هستند

سنه ۴۴۷ هجری — سنه ۱۰۵۵ مسیحی

اسیا کشتن عبد الله بن ابی طاهر البشنوی الکردی بخلعه امیر ابو حرب سلیمان بن نصر الدوله بن مروان حکمران جزیره را شورش
سپاه در بغداد و اذن خواستن از خلیفه که امر بمعروف کنند و اذن دادن خلیفه که موجب ازدیاد شر آنها گردید و بعدها اجازت
طلبیدند که خانه های بساسیری را غارت کنند و رخصت یافتند و بتاراج اموال بساسیری و آتش زدن خانه های او پرداختند
و بساسیری و ملک رحیم در واسط بودند خلیفه نزد ملک رحیم فرستاد که بساسیری را تبعید کند ملک رحیم چنین کرد و بساسیری
چون با دبیس بن مزید مصاهرت داشت بطرف او رفت و ملک رحیم ببغداد آمد آمدن طغرل بیک بحلوان و فرستادن سرکرده هایش
عساکر بغداد نزد او و اظهار اطاعت کردن و خطبه خواندن در بغداد در بیست و دویم رمضان باسم سلطان طغرل بیک و استیذان
طغرل بیک از خلیفه برای آمدن ببغداد که پس از آنکه از جانب خلیفه و ملک رحیم از جانب طغرل بیک اطمینان حاصل شد خلیفه
او را اذن داده ببغداد آمد و بدروازه شماسیه نزول نمود اختلاف میانه اهل بغداد و عساکر طغرل بیک و گرفتن طغرل بیک
ملک رحیم و بعضی سرکرده ها را و ملک رحیم آخرین ملوک آل بویه است که بر عراق مستولی شد وقوع فتنه میان شافعیها و حنبلیها
در بغداد وفات ابو الفتح سلیم بن ایوب رازی مفسر

سنه ۴۴۸ هجری — سنه ۱۰۵۶ مسیحی

اسیا مزاوجت خلیفه القائم با دختر داود برادر طغرل بیک رفتن طغرل بیک از بغداد بنصیبین و از اینجا بدیار بکر
که در مملکت ابن مروان بود و اقامت طغرل بیک در بغداد سیزده ماه بود و علت رفتن او اینکه بواسطه قشون او کار بر اهل
بغداد تنگ گردیده لهذا کوچ کرد وفات امیرک کاتب بیهقی از رجال بزرگ دنیا ظهور ملوک شبانکاره در فارس وفات شمس
الائمه عبد العزیز بن احمد الحلوانی و امام عبد الغافر فارسی **اروپا** فوت هانری سیم پادشاه المان (قسطنطنیه) وفات
تئودورا امپراطریس که بعد از خواهر خود زوء دو سال سلطنت کرده بود **افریقا** ابتدای دولت ملثمین این طایفه از چند
قبیله از قبایل منسوب بحمیر هستند و اول حرکت آنها از یمن در عهد خلیفه اول بود و ابتدا بشام آمدند بعد بمصر بعد
بمغرب با موسی بن نصیر و با طارق متوجه طنجه شدند و چون میل بانفراد داشتند در صحرا منزل گرفتند و در این سال شخصی
جوهر نام از قبیله جداله با فقیهی آمد که بحج برود در معاودت عبد الله بن یاسین الکزولی فقیه از قیروان با او همراه شد
که قبایل مذکوره را دین اسلام بیاموزد زیرا که آنها غیر از شهادتین چیزی نمیدانستند و قلیلی از آنها نماز هم میکردند
فقیه مشار الیه چون با جوهر بقبیله لمتونه که یوسف بن تاشفین امیر المسلمین از این قبیله است رسیدند و مردم را
بدین اسلام دعوت کردند گفتند نماز و روزه و زکوة را حرفی نداریم اما قتل قاتل و بریدن دست سارق و رجم زانی را

ملتزم نمیشویم جوهر و عبدالله بقبیله جداله رفتند و قبایل آن حوالی را عبدالله بشرایع اسلام خواند و بیشتر آنها دعوتش
را اجابت کردند و مقرر شد که امیر آنها را باشد که هر طایفه مخالفت قوانین مسلمانی نمایند آن امیر بقتال آنها پردازد و کار
برابی بکر بن عمر رئیس قبیله لمتونه که مرد بزرگی بود قرار گرفت و او را امیر المسلمین نامیدند و مسلمین بر او جمع شدند و عبدالله بن
یاسین این جماعت را تحریض بر جهاد کرده مرابطین لقب داد و آنها دو هزار نفر از مخالفین را کشتند تا قبایل صحرا مطیع آنها
شدند و شوکت این جماعت زیاد شد بعد جنگ میانه مرابطین و اهل سوس در گرفت و ابن یاسین کشته شد و مرابطین بسجلماسه
رفته این بلد را بگرفتند و حکمران آن را کشتند و یوسف بن تاشفین اللمتونی را که پسر عم ابوبکر بن عمر بود حکومت سجلماسه
دادند و این در سال چهارصد و پنجاه و سه بود بعد ابوبکر یوسف را با لشکری از مرابطین بسوس فرستاده این بلد را فتح نمود
و در چهارصد و شصت و دو که ابوبکر در گذشت مردم یوسف بن تاشفین را رئیس خود قرار داده امیر المسلمین خواندند
و او در مغرب فتوحات نموده بمحل مراکش که بایر بود راند و مراکش را بساخت و پای تخت خود قرار داد و بلدان نواحی از قبیل
سبته و طنجه و سلا و غیرها را تملک نمود و عساکر او زیاد شد و مرابطین را ملثمین هم میگویند زیرا که برسم عرب لثام داشتند
و لثام چیزیست مانند نقاب که بدهن می بندند و بعضی وجوه دیگر هم در وجه تسمیه ملثمین گفته اند غلاء مفرط در مصر

سنه ۴۴۹ هجری — سنه ۱۰۵۷ مسیحی

آسیا معاودت طغرل بیک ببغداد بعد از استیلای بر موصل و اعمال آن و دادن این ولایت را ببرادر خود ابراهیم ینال و
رسیدن بخدمت خلیفه و زمین بوسیدن و دادن خلیفه امارت جمیع ممالک و ولایاتی را که مطیع خلافت بودند باو و مخلع
ساختن او وفات ابوالعلا احمد بن سلیمان المعری کور شاعر مشهور که هشتاد و شش سال داشت بعضی گفته اند چشم
ابوالعلا در طفولیت بمرض آبله کور شد برخی گویند کور متولد شد و فساد عقیده ابوالعلا معروفست وفات ابوعثمان
اسمعیل بن عبدالرحمن الصابونی مقدم اصحاب حدیث بخراسان وفات بازغلام سلطان محمود وفات ابو احمد عدنان پسر
شریف الرضی نقیب علویین وبای شدید در ماوراء النهر در کوفه و بعضی بلاد عرب اسم خلیفه عباسی را از خطبه انداختند
اسم المستنصر علوی را بجای او درج مینمایند **اروپا** اسحق نامی بسلطنت قسطنطنیه برقرار میگردد **افریقا** المستنصر
بالله خلیفه فاطمی مصر داعیه خلافت جمیع مسلمین را دارد گرفتن المستنصر وزیر خود یازوری را که حسن بن عبدالله باشد
و حسن قاضی رمله بود بمذهب ابو حنیفه و بوزارت رسید و چون او را گرفتند مکاتبات او با بغداد بدست آمد

سنه ۴۵۰ هجری — سنه ۱۰۵۸ مسیحی

آسیا رفتن ابراهیم ینال از موصل بهمدان و رفتن طغرل بیک از بغداد بجانب همین بلد خروج ابراهیم ینال بر طغرل بیک و ابراهیم
چند دفعه بر طغرل بیک خروج کرده بود و طغرل او را عفو نموده این دفعه پس از جنگ و غلبه بر ابراهیم او را خفه کرد
آمدن بساسیری ببغداد و استیلای او در این بلد و شوکت شیعه بواسطه او و خطبه خواندن باسم المستنصر علوی
و امر کردن که در اذان حی علی خیر العمل بگویند و رفتن خلیفه با پسر عم خود مهارش از بغداد بعد از آنکه دار خلافت را
غارت کرده بودند کشتن بساسیری رئیس الرؤسا محمود ابو علی بن مسلمه وزیر خلیفه را وفات شهاب الدوله ابوالفوارس
منصور بن حسین اسدی حکمران جزیره و برقرار شدن پسرش صدقه بجای او وفات ملک رحیم ابو نصر خسره فیروز آخرین
پادشاه آل بویه که در قلعه ری محبوس بود در گذشت وفات ابوالطیب طبری فقیه شافعی که با وجود صد و دو سال
عمر مشاعر او در کمال خوبی بود وفات قاضی القضاة ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب الماوردی صاحب تصانیف کثیره در هشتاد
و شش سالگی ماوردی گلاب فروش بوده و صاحب تفسیر قران و نکت العیون و احکام السلطانیه و قانون الوزاره و غیرها

میباشد زلزلهٔ عظیم در عراق و موصل که یکساعت طول کشید بسیاری از ابنیه را خراب کرد و جمعی کثیر هلاک شدند

سنه ۱۰۵۵ مسیحی
سنه ۴۴۷ هجری

آسیا آمدن طغرل بیك بعراق برای معاودت دادن خلیفه عباسی را ببغداد و نوشتن بِبساسیری که خلیفه را بجای خود مراجعت ده و من از تو بخطبه رضا میشوم و بعراق و رُوم نمیمانم قبول نکردن بساسیری اینمطلب را و راندن طغرل بیك بطرف بغداد که چون نزدیك شد بساسیری و ملازمانش از راه دجله از بغداد خارج شدند و طغرل بیك ببغداد رسید و بطلب خلیفه فرستاد و خلیفه با پسر عم خود مهارش ببغداد آمد و طغرل بیك از خلیفه بجهة دیر آمدن ببغداد معذرت خواست و قتال با ابراهیم ینال برادر خود را و فوت برادر دیگرش داود را بخراسان عذر تخلف قرار داد و احترامات زیاد نسبت بخلیفه نمود و لشکری بجنگ بساسیری مامور کرد و بساسیری را در هشتم ذیحجه بکشتند و قشون او را متفرق کردند و سر او را ببغداد آوردند و در جلو باب نوبی او بخشند بساسیری غلامی ترك بود از بهاء الدوله موسوم بارسلان و چون آقای اوّلی او اهل بسا بود ببساسیری منسوب شد و بسا را عرب معرّب نموده فسا گفته اند و از شهرهای معروف فارس است و ابو علی نحوی فارسی فسائیست وفات ملك فرخ زاد بن مسعود بن سلطان محمود بن غزنوی پادشاه غزنین بمرض قولنج که بعد از او ابراهیم بن مسعود پادشاه غزنین شد و بنای حسن سیرت را گذاشت و بعضی قلاع از هند فتح نمود و چون در غزنین استقرار یافت با داود بن میکائیل بن سلجوقی حکمران خراسان مصالحه کرد وفات داود بن میکائیل بن سلجوق که هفتاد سال داشت و در خراسان سلطنت میکرد و بعد از او الب ارسلان بجای او برقرار شد و زوجه او را طغرل بیك بگرفت وفات علی بن محمود بن ابراهیم الزوزنی که رباط زوزنی مقابل جامع منصور بغداد منسوب باوست **اروپا** بروز طایفه سلجوقیه در بعضی ممالك امپراطور قسطنطنیه در آسیا صغیر (فرانسه) قحط و غلای شدید که هفت سال طول کشید

سنه ۱۰۶۰ مسیحی
سنه ۴۵۲ هجری

آسیا رفتن طغرل بیك از بغداد بجبل در ربیع الاوّل و قرار دادن امیر برسق را داروغه بغداد وفات والده القائم خلیفه عباسی که جاریه ارمنیه و اسمش قطر الندی بود وفات ابن المواز بن شاعر حلب **اروپا** (فرانسه) فوت هانری اوّل و جلوس پسرش فلیپ اوّل بجای او (روس) طوایف اتراك که در ساحل رود دنیپر مملکت روس بروز کرده بودند اولاد یارسلاو که در روس بعد از پدر سلطنت مینمودند بر اینطایفه غلبه کرده تمام اتراك از کرسنکی و سرما و طاعون معدوم شدند

سنه ۱۰۶۱ مسیحی
سنه ۴۵۳ هجری

آسیا وفات قریش بن بدران بن مقلد بن المسیب حکمران موصل و نصیبین و برقرار شدن پسرش شرف الدوله ابو المکارم مسلم بن قریش بجای او وفات نصر الدوله ابو نصر احمد بن مروان الکردی مالك دیار بکر که زیاده از هشتاد سال داشت و پنجاه و دو سال حکمرانی کرده بود و استیلای تمام یافته و کنیزکهای مغنیه داشت که بعضی از آنها پنجاه هزار دینار قیمت داشتند و اسباب مجلسش زیاده از دویست هزار دینار قیمت میرسید و دو پسر داشت نصر و سعید که بعد از او در میافارقین بجای او نصر برقرار شد و سعید آمد را تملك نمود وفات شکر علوی حسینی امیر مکه صاحب اشعار رائقه **اروپا** (روس) طوایف تاتار از سمت دشت قبچاق ظهور کرده بعضی از شهرهای روس را تصاحب نموده و اغلب را ویران ساختند روسها این طایفه را بپلوتسی یعنی شکارچی موسوم نمودند **افریقا** وفات المعز بن بادیس حکمران افریقیه که چهل و هفت سال حکمرانی کرده بود و برقرار شدن پسرش تمیم بن معز بجای او

سنه ۴۵۴ هجری

سنه ۴۵۴ هجری — سنه ۱۰۶۲ مسیحی

آسیا تزویج کردن طغرل بیک دختر خلیفه القائم را که عقد آن نیز او جنید در ماه شعبان در ظاهر تبریز بسته شد و وکیل در این تزویج از جانب القائم عمید الملک بود دادن القائم وزارت خود را بفخر الدوله ابو نصر بن جهیر بعد از عزل و کردن شدن او از ابن مروان طغیان دجله و خرابی و غرق بغداد **افریقیا** وفات قاضی ابو عبد الله محمد بن سلامة بن جعفر القضاعی فقیه شافعی که از جانب خلفای علوی قضاوت مصر یافته بود و نیز از طرف همین خلفا با ایلچی گری بروم رفته و قاضی مشار الیه صاحب تصانیف جلیله است

سنه ۴۵۵ هجری — سنه ۱۰۶۳ مسیحی

آسیا استیلای علی بن قاضی محمد بن علی الصلیحی بر تمام یمن و قاضی محمد پدر علی صلیحی سنی مذهب بود و رجال حراز که سی و چهل هزار نفر بودند اطاعت او مینمودند علی پسر قاضی مذهب تشیع اختیار کرده و رسوم و نکات دعوت را از عامر بن عبد الله رواحی یمنی که از دعاة بزرگ خلفای فاطمی بود دریافت نموده و پس از عامر با جهد تمام بدعوت پرداخت و دلیل حجاج یمن که از راه طایف و بلاد سرو بمکه میرفتند شد تا سال چهار صد و بیست و نه در این سال ترک این شغل کفته با شصت نفر بر اس مسافی که بلند ترین قلهٔ ... از آن است رفت و دو زبر و زکار او بالا میگرفت تا جمیع یمن در اینسال یعنی سال چهار صد و پنجاه و پنج او را شد و برادر ... خود اسما که پسر عم او نیز بود و موسوم با سعد بن شهاب از جانب علی ولایت زبید یافت و در همین سال مکه را گرفت و بنای حسن سیرت را بگذاشت و قوت و ماکولات بمکه آورد و علی حکمرانی یمن داشت تا در سال چهار صد و هفتاد و سه در ماه ذیقعده در راه مکه بنی نجاح بر او حمله کرده بغتة او را بکشتند و تهامه بنی نجاح را شد و پسر علی صلیحی احمد که ملقب بملک مکرم بود در صنعا استقرار یافت و جماعتی از عرب را جمع کرده متوجه زبید شد و با سعید بن نجاح جنگ سختی کرده او را منهزم و زبید را در چهار صد و هفتاد و پنج متصرف شد و میان او و سعید بر سر زبید زد و خورد بود تا سعید کشته شد و جیاش برادرش جای او گرفت و در زبید استقرار یافت و احمد مکرم در صنعا حکمرانی داشت تا در سال چهار صد و هشتاد و چهار در گذشت و پسر عم او ابو حمیر سبا بن احمد بن مظفر بن علی الصلیحی بجای او برقرار شد و حکمرانی کرد تا در سال چهار صد و نود و پنج وفات نمود و او آخر ملوک صلیحی بود بعد از سبا خلیفه فاطمی مصر علی بن ابراهیم بن نجیب الدوله را بیمن بدعوت و حکومت فرستاد و او در سال پانصد و سیزده بجبال یمن رسید و بود تا در سال پانصد و بیست آمر خلیفه مصری فرستاد ابن نجیب را بگرفتند و امر دعوت بآل زریع بن عباس بن مکرم که اهل عدن و از قبیله همدان بن جشم بودند تعلق گرفت و بنی مکرم بآل الذیب اشتهار داشتند و عدن از زریع بن عباس بن مکرم و عم او مسعود بن مکرم بود و این دو بر سر زبید با ملک مفضل جنگ کردند و چون ایند و درگذشتند پسران آنها ابو السعود بن زریع و ابو الغارات بن مسعود جای پدران خود را بگرفتند و بعد از آنها محمد بن ابی الغارات و پس از او پسرش علی بن محمد حکمرانی میکرد آنگاه سبا بن ابی السعود بن زریع بر دعوت و حکومت استیلا یافت و بود تا در سنه پانصد و سی و سه در گذشت و پسرش علی بن سبا جای او گرفت و بعد از علی برادرش المعظم محمد بن سبا حکمرانی یافت پس از او پسرش عمران بن محمد بن سبا که او نیز در سنه پانصد و شصت وفات نمود و دو طفل از او ماند یکی محمد و دیگری ابو السعود و یکی از اشخاصی که از صلیحیین حکمرانی کرد ملکه زوجه احمد مکرم بود که مسماة بسیده و حره لقب داشت و حره در حیات شوهر خود بمهام ملکی مشغول شد و شوهر او بعیش میکذرانید و حره در سال پانصد و سی و دو درگذشت و کسیکه در حکمرانی با حره شراکت داشت ملک

مفضل ابو البرکات ابن الولید الحمیری مالک تعز بود و پس از مفضل پسرش ملک منصور جای پدر بگرفت و محمد بن سبا بن ابی السعود در سال پانصد و چهل و هفت از منصور مملکات صلیحیین را که بیست و هشت قلعه بود بصد هزار دینار خرید و فقط تعز برای منصور ماند و چون منصور تقریبا هشتاد سال حکمرانی کرده زندگانی را بدرود نمود و بقیه اخبار این بیاید ان شاء الله تعالی.

آمدن طغرل بیک ببغداد و زفاف با دختر خلیفه و اذیت عساکر طغرل بیک با اهل بغداد که خانه های آنها را برای نشیمن خود خالی کردند و دست درازی بمال و عرض آنها نمودند رفتن طغرل بیک از بغداد بطرف جبل که در ری ناخوش شده روز جمعه هشتم رمضان درگذشت و چون اولاد نداشت پسر برادرش الپ ارسلان بن داود بن میکائیل بن سلجوق بجای او برقرار شد عمر طغرل بیک تقریبا هفتاد سال بود زلزله عظیم در شام که خرابی زیاد در بلاد نمود و قلعه طرابلس را منهدم کرد وفات سعید بن نصر الدوله احمد بن مروان مالک آمد از دیاربکر وفات ابو طاهر اسمعیل بن خلف مقری صاحب عنوان در قرائت **اروپا** تشکیل پادشاهی در مجارستان

سنه ۴۵۵ هجری — سنه ۱۰۶۳ مسیحی

آسیا گرفتن الپ ارسلان عمید الملک کندری وزیر طغرل بیک را بسعایت نظام الملک وزیر الپ ارسلان و حبس کردن او را در مرو و دیگر پس از یکسال او را در حبس بکشت و عمید الملک از کبار وزراء بوده است گرفتن الپ ارسلان قلعه ختلان را و رفتن بهرات و محاصره کردن عم خود بیغو بن میکائیل بن سلجوق را در این شهر و مسخر نمودن هرات و بیرون آوردن عم خود را از شهر و اکرام کردن نسبت باو و رفتن بصغانیان و مسخر کردن این ولایت را بضرب شمشیر و اسیر نمودن موسی حکمران صغانیان را امر کردن الپ ارسلان بمعاودت دختر القائم خلیفه زوجه طغرل بیک از ری ببغداد عصیان قتلمش بن ارسلان سلجوقی بر الپ ارسلان و نصیحت کردن الپ ارسلان او را و نپذیرفتن و جنگ کردن او با الپ ارسلان در حوالی ری و مردن او که بعقیده بعضی از خوف درگذشت و ملالت سخت الپ ارسلان بجهت وفات او و این قتلمش جد ملوک قونیه و اقسرا و ملطیه بوده است و در علم نجوم مهارت داشته وفات ابو القاسم علی بن برهان الاسدی النحوی المتکلم که زیاده از هشتاد سال داشت و بمذهب مرجیه معتزله مایل بود

سنه ۴۵۷ هجری — سنه ۱۰۶۴ مسیحی

آسیا عبور کردن الپ ارسلان از جیحون و رفتن بجند و صبران که در حوالی بخارا است و اطاعت حکمران جند از او و برقرار کردن الپ ارسلان حکمران جند را در حکومتی که داشت و رفتن به کرکنج (جرجانیه) و از آنجا بمرو شروع کردن نظام الملک بساختن مدرسه نظامیه در بغداد **اروپا** هفت هزار نفر از مملکت فرانسه عزیمت بیت المقدس نمودند

سنه ۴۵۸ هجری — سنه ۱۰۶۵ مسیحی

آسیا دادن الپ ارسلان انبار و تکریت را بشرف الدوله مسلم بن قریش بن بدران بن المقلد بن مسیب حکمران موصل وفات ابوبکر احمد بن الحسین بن علی البیهقی الخسروجردی که از ائمه حدیث و فقه بود در مذهب شافعی وفات ابو یعلی محمد بن الحسین بن الحسن بن الفراء منتشر کننده مذهب احمد بن حنبل زلزله در جبال که چند روز متوالیا بروز میکرد **اروپا** وفات حافظ ابو الحسن علی بن اسمعیل المعروف بابن سیده المرسی از ائمه لغت که کور بود و در پنجاه سالگی در شرق اندلس درگذشت

سنه ۴۵۹ هجری — سنه ۱۰۶۶ مسیحی

آسیا تمام شدن مدرسه نظامیه در بغداد و شروع بتدریس در آن که شیخ ابو اسحق شیرازی را مدرس قرار دادند اما

چون شیخ شنیده بود که زمین مدرسه غصبی است بتدریس نیامد و این امر بر یوسف بن صباغ قرار گرفت و بیست روز درس گفت ولی مردم جدّ و جهد نموده شیخ ابو اسحق را بمدرسه آوردند و او در این مدرسه مدرّس بود تا مُرد **اروپا** (انکلیس) سلطنت گلیوم اوّل از طایفهٔ نُرماند در انکلیس و ابتدای سلطنت طایفهٔ نُرماندا است در انکلیس و بنیان خانواده های نجیب انکلیس میباشد که هنوز از آن وقت برقرار میباشند و این گلیوم موسوم بگلیوم فاتح کردید (روس) بواسطهٔ اختلافی که میان شاهزاده های مملکت روداده بود طایفهٔ تاتار قوت گرفتند

سنه ۴۶۰ هجری — سنه ۱۰۶۷ مسیحی

آسیا زلزلهٔ عظیم در رمله و جبال و فلسطین و فات شیخ ابو نصر عبد الملک بن یوسف از اعیان زمان **افریقا** زلزلهٔ شدیده در مصر

سنه ۴۶۱ هجری — سنه ۱۰۶۸ مسیحی

آسیا وقوع فتنه در دمشق فیما بین اهل مغرب و مشرق که یکی از خانه های مجاور جامع را آتش زدند و آن آتش بجامع سرایت کرده و محاسن و اعمال رائقهٔ مسجد بسوخته و مردم از عهدهٔ اطفای آتش بر نیامدند انقطاع خطبهٔ فاطمیه از حجاز و فات قاضی حسین مروذی از شافعیه **افریقا** امتداد قحط و غلا و اندیاد و باو زلزله در مصر

سنه ۴۶۲ هجری — سنه ۱۰۶۹ مسیحی

آسیا و فات طفغاج خان پادشاه ماوراء النهر که اسم او ابو اسحق ابراهیم بن نصر ایلک خان بود و پسرش شمس الملک نصر بن طفغاج خان بجای او برقرار کردید و سلطنت کرد تا در گذشت و سال فوتش را مورخین نوشته اند بعد از شمس الملک برادرش خضر خان و بعد از او پسرش احمد سلطنت نمود **افریقا** کار غلا در مصر بجائی کشید که مردم یکدیگر را خوردند و هر کس توانست از مصر هجرت اختیار کرد و مستنصر علوی مجبور شد که نفایس ذخایر خزینهٔ خود را بفروشد

سنه ۴۶۳ هجری — سنه ۱۰۷۰ مسیحی

آسیا قطع کردن محمود بن نصر صالح بن مرداس مالک حلب خطبهٔ المستنصر علوی را و خطبه خواندن باسم القائم عباسی رفتن الب ارسلان بدیار بکر و اطاعت کردن حکمران دیار بکر نصر بن احمد بن مروان از او و رفتن الب ارسلان بحلب و اطاعت کردن محمود نیز او را فتح کردن یوسف بن ابق خوارزمی از امرای ملکشاه بن الب ارسلان شهر رمله و بیت المقدس را که از عمال خلیفهٔ علوی منتزع کرد و دمشق را نیز محاصره نمود ولی بر فتح آن فایز نیامد و فات ابو القاسم عبد الرحمن بن محمد بن احمد الفورانی الفقیه الشافعی و فات خطیب ابو بکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی صاحب مصنفات کثیره که در زمان خود پیشوای دنیا بود و تاریخ بسیار خوبی برای بغداد نوشته و خطیب مذکور در عصر خود حافظ شرق بود و فات کریمه دختر احمد بن محمد که مروزیه بود و صحیح بخاری را در مکه روایت مینمود **اروپا** (رومیهٔ الصغری) امپراطور قسطنطنیه ارمانوس با جمعی کثیر از روم و روس و چرکس و غیرهم بطرف آسیا رانده بملازکرد رسید الب ارسلان بمقابلهٔ او شتافته و طلب صلح نمود امپراطور قبول نکرده و جنگ درگرفته رومیها منهزم شدند و بسیاری از آنها بقتل رسیدند و امپراطور اسیر شده در تواریخ فرنک ابتدای این سال را بعد از سنت هیلد هند و اسم امپراطور را دیوجن ودیوجانس مینویسند بهر حال پس از تقبلات الب ارسلان امپراطور قسطنطنیه را رها کرده و او بقسطنطنیه معاودت نمود اما اهل مملکت دیگر او را بامپراطوری قبول نکرده بلکه چشمهای او را بیرون آوردند (اسپانیول) وفات ابو الولید

احمد بن عبد الله بن احمد بن غالب بن زیدون الاندلسی قرطبی که از ابنای فقهاء بود و تغییر سبک داده بوزارت المعتضد
بن عباد حکمران اشبیلیه رسید و ابن زیدون را اشعار بسیار ممتاز است وفات ابو عمرو یوسف بن عبد البر صاحب
الاستیعاب حافظ الغرب در شهر شاطبه در اندلس که زیاده از شصت کتاب تصنیف کرده بود

سنه ۴۶۴ هجری — سنه ۱۰۷۱ مسیحی

آسیا وفات قاضی ابو طالب بن عمار قاضی طرابلس که برانشهر استیلا یافته و استبدادی در امور بهم رسانیده بود
برقرار شدن پسر برادرش جلال الملک ابو الحسن عمار بجای او که بخوبی این بلد را منضبط نمود

سنه ۴۶۵ هجری — سنه ۱۰۷۲ مسیحی

آسیا رفتن الب ارسلان با زیاده از صد هزار سوار بما وراء النهر و جسر بستن بر روی جیحون و عبور از آن و نزول
به قریه که شهر کوچکی است در حوالی جیحون کشته شدن الب ارسلان بدست یوسف خوارزمی تبیین آنکه قلعه در کناره
جیحون بود که یوسف کوتوالی آن قلعه را داشت چون خلاف از او بظهور رسیده الب ارسلان او را احضار نموده حکم
کرد بچهار میخش بکشند تا جان بدهد یوسف بالب ارسلان بد گفته الب ارسلان دست بتیر و کمان برد و گفت
او را رها کنید یوسف را رها کردند الب ارسلان تیری بجانب او انداخت ولی تیر خطا شد و یوسف دویده کاردی
برالب ارسلان زد اتراک ریختند و یوسف را پاره پاره نمودند و این در ششم ربیع الاول بود و الب ارسلان
در دهم ربیع الآخر بواسطهٔ زخمی که داشت در گذشت عمر او چهل و چند سال و چند ماه و مدت سلطنتش از روزیکه خطبه باسم
او خواندند نه سال و شش ماه و چند روز بود برقرار شدن ملکشاه بن الب ارسلان بجای پدر و بازگشتن او با
عساکر از ماوراء النهر بخراسان وفات ابو القاسم عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملک القشیری النیشابوری فقیه اصولی
مفسر صاحب فضایل کثیره که در علم تصوف نیز پیشوا بود و اشعار خوب داشت وفات علی بن حسین بن علی بن
مفضل کاتب معروف بصره و شاعر مشهور **اروپا** (ایطالیا) جزیرهٔ سیسیل که تا این زمان بتصرف اعراب بود
بدست رژر نام مفتوح گردید **افریقا** پس از استیلای والده مستنصر علوی خلیفه مصر کار سلطنت موهون شده
بود ناصر الدوله که از اولاد ناصر الدوله حمدان و بزرگترین سردارهای مصر بود اغتشاش مصر را رفع نمود و والده مستنصر
را گرفته پنجاه هزار دینار جریمه کرد و اهل و اولاد مستنصر را از دور او متفرق ساخت و مستنصر را بحالتی انداخت که روی حصیر
می نشست و بر هیچ قادر نبود و غرض ناصر الدوله این بود که باسم القائم عباسی خطبه بخواند که یکی از سردارهای بزرگ اتراک دکز
نام با جماعتی ملتفت شده بر سر ناصر الدوله ریخته در این سال او را بکشتند و برادرش فخر العرب را نیز مقتول نمود و نسل بنی
حمدان را از مصر برانداخت و امر در مصر مضطرب و متزلزل بود تا سال چهارصد و شصت و هفت امیر الجیوش بدر جمالی در مصر
غلبه بر امور بهم رسانید

سنه ۴۶۶ هجری — سنه ۱۰۷۳ مسیحی

آسیا زیاد شدن آب دجله و آمدن سیل و غرق کردن طرف شرقی بغداد را و بعضی از جانب غربی را و داخل شدن آب از
بالا در منازل و خانه ها و از زیر جوشیدن و بیرون آمدن از بالوعه ها که در سمت غربی شهر مقبرهٔ احمد و مشهد باب
التبن غرق شد و خلق کثیری هلاک شدند استیلای شهریار بن زیار در طبرستان و ابتدای طبقهٔ ثانیه باوندیه
وفات ابو بکر خیاط مقری عراق

سنه ۴۶۷ هجری — سنه ۱۰۷۴ مسیحی

آسیا وفات القائم بامر الله عبد الله مکنّی بابو جعفر ابن القادر احمد بن اسحق بن المقتدر بالله در شب پنجشنبه سیزدهم شعبان عمر القائم هفتاد و شش سال و سه ماه و چند روز مدت خلافتش چهل و چهار سال و هشت ماه و بیست و پنج روز و بعضی عمر القائم را نود و شش سال و چند ماه نوشته اند خلافت المقتدی بامر الله عبد الله بن محمد ذخیرة الدین ابن القائم ببیست و هفتمین خلیفهٔ عباسی بموجب ولایت عهدی که از جد خود القائم داشت و القائم جز این پسر زاده اولادی نداشت و محمد ذخیرة الدین در حیات القائم وفات کرده بود جمع کردن ملکشاه و نظام الملک وزیر جمعی از منجمین را و قرار دادن نوروز را در اول حمل و پیش از این نوروز در وسط ماه حوت بود بستن رصد بامر ملکشاه و جمع شدن جماعتی از فضلا برای انجام اینعمل که از جمله عمر خیام و ابو المظفر اسفراینی و میمون بن نجیب الواسطی بودند و ملکشاه مخارج زیادی برای اینکار کرد و این رصد دایر بود تا سال چهار صد و هشتاد و پنج که سلطان ملکشاه وفات کرد و عمل رصد باطل شد حمله کردن سلیمان سلجوقی بسمت آسیای صغیر و فتح کردن تا شهر نیسیه را وفات ابو الحسن احرازی از ادبای خراسان

افریقا پیش ضعف و استیصال المستنصر خلیفهٔ علوی مصر را ذکر کردیم این خلیفه بحر بر اشکال نجالی بدر جمالی را که متولی سواحل شام بود فرستاد بدر در اینسال بمصر آمده استیصال خلیفه را مبدل بقوت تمام نمود و بلاهای مصر رفع نموده باحسن احوال رسانید

سنهٔ ۴۶۸ هجری — سنهٔ ۱۰۷۵ مسیحی

آسیا گرفتن اتسز دمشق را و قطع کردن خطبهٔ علویین را که بعد از آن دیگر در دمشق باسم علویین خطبه خوانده نشد و در اواخر ذیقعده باسم المقتدی عباسی خطبه خواندند و اتسز گفتن حی علی خیر العمل را در اذان منع کرد ابتدای تاریخ جلالی را بحکم ملکشاه در تواریخ فرنگ از وقایع اینسال نوشته اند اما مورخین آسیا یکسال قبل نسبت میدهند وفات ابو الحسن علی بن احمد بن متویه الواحدی المفسر مصنف وسیط و بسیط و وجیز و ابو الحسن نیشابوری است و او را متوی میگویند نسبت بجدّ او متویه و واحدی نسبت بواحد بن مهره استاد عصر او در نحو و تفسیر وفات شریف هاشمی عباسی ابو جعفر مسعود بن عبد العزیز المعروف به بیاضی صاحب اشعار بسیار ممتاز وفات ابو علی هراس مقری واسط

سنهٔ ۴۶۹ هجری — سنهٔ ۱۰۷۶ مسیحی

آسیا رفتن اتسز حکمران شام بمصر و عود او منهزماً غارت بیت المقدس بحکم سلطان ملکشاه سلجوقی وفات محمود بن شبل الدوله نصر بن صالح بن مرداس الکلابی حکمران حلب بعقیدهٔ ابن اثیر اما ابو الفدا گوید من در تاریخ حلب از مؤلفات کمال الدین معروف بابن عدیم دیده ام که وفات محمود را در سال چهار صد و شصت و هفت نوشته و چون او را در گذشت پسرش نصر بن محمود بجای او برقرار شد و نصر اکثار در شرب مینمود چنانکه روز عید فطر سال چهار صد و شصت و هشت از صبح تا عصر مشغول شرب بود و مستی بر او غلبه کرده قصد کرد با اتراک (ترکمانان) که در شهر منزل داشتند قتال کند یکی از اتراک تیری بحلق او زد و کشته شد و بعد از او برادرش سابق بن محمود حکمران حلب یافت فتنهٔ اشعریه و حنبلیه در بغداد

اروپا وفات حنان بن خلف مورخ اندلس **افریقا** افتادن طاهر بن احمد بن بابشاذ نحوی مصری از بام جامع عمرو بن العاص در مصر و درگذشتن او

سنهٔ ۴۷۰ هجری — سنهٔ ۱۰۷۷ مسیحی

آسیا وفات عبد الرحمن بن محمد بن الاسحق اصفهانی الحافظ صاحب تصانیف کثیره که از جمله تاریخ اصفهان است و طایفه از

اهل اصفهان در اعتقاد منسوب بعبد الرحمن میباشند وایشان را عبد رحمانیه میگویند انقراض دولت بنی زیار در طبرستان فتنهٔ عظیم اشعریه وحنبلیه در بغداد

سنه ۱۰۷۸ مسیحی

سنه ۴۷۱ هجری

آسیا دادن ملکشاه دمشق را با هر جائیکه مفتوح سازد باقطاع تاج الدوله تتش بن الب ارسلان ودر پنوقت عساکر مصر از جانب بدر جمالی بر سر دمشق آمده بودند واتسز که حکمران دمشق بود حلب را در بند محاصره داشت وبرای دفع سپاه مصر از تتش استمداد نمود تتش بطرف دمشق راند وعساکر مصر از ین نواحی رفتند وچون اتسز مراسم ادب را کاملا نسبت بتتش مرعی نداشته بود تتش او را بکشت وممالک دمشق بشد وبنای حسن سیرت را گذاشت وفات امام عبد القاهر بن عبد الرحمن جرجانی **اروپا** (انگلیس) ساختن قلعه در لندن که مأمن برای پادشاه باشد شوریدن ربر پسر خود گیلیوم فاتح ومجروح شدن پادشاه

سنه ۱۰۷۹ مسیحی

سنه ۴۷۲ هجری

اسیا جنگ کردن ابراهیم بن مسعود بن محمود پادشاه غزنین در هند وستان که پس از فتوحات باغنایم موفوره سالما بغزنین بازگشت راندن شرف الدوله مسلم بن قریش بن بدران بن مقلد بن مسیب حکمران موصل بجلبت محاصره کردن او این بلد را که در سال بعد او را مسلم شد وسابق ووثاب پسران محمود را از قلعه بیرون آورده وقلعه را نیز تسلیم او نمودند وفات نصر بن احمد بن مروان مالک دیار بکر که پسر او منصور بن نصر بجای او برقرار شد وابن ابناری از جانب او بتدبیر ملک پرداخت وفات ابو الفتیان محمد بن سلطان بن جیوش شاعر مشهور استیلای سلطان ملکشاه سلجوقی بر کرمان **افریقا** زلزله در مغرب

سنه ۱۰۸۰ مسیحی

سنه ۴۷۳ هجری

اسیا وفات ابن فتوس شاعر شام منزع ساختن مؤید الملک بن نظام الملک تکریت را از تصرف مهرباط وفات ابن شبل شاعر مشهور استیلای تکش برادر ملکشاه بر بعضی از بلاد خراسان واسترداد ملکشاه آن نواحی را از او ووقوع صلح مابین ملکشاه وتکش که با او مخالفت داشت وفات عبد السلام بن احمد بن محمد جعفر ابو الفتح الصوفی الفارسی و یوسف بن حسن بن محمد بن حسن ابو الهیثم التفکری الزنجانی از علمای عاملین

سنه ۱۰۸۱ مسیحی

سنه ۴۷۴ هجری

اسیا خطبه کردن خلیفه المقتدی عباسی دختر ملکشاه را گرفتن تتش وبعضی حصون آن نواحی را (طرطوس) وفات داود بن ملکشاه وفات ابو اسحق ابراهیم بن عقیل بن حاش القرشی النحوی **اروپا** وفات ابو البید الناصر (الناحی) از علمای اندلس

سنه ۱۰۸۲ مسیحی

سنه ۴۷۵ هجری

اسیا وفات جمال الملک منصور بن نظام الملک فرستادن خلیفه المقتدی شیخ ابو اسحق شیرازی را برسالت نزد ملکشاه ونظام الملک وشکایت کردن از ابو الفتح بن ابی اللیث بن عمید عراق وپذیرفتن ملکشاه ونظام الملک بخوبی شیخ ابو اسحق را ومناظره شیخ ابو اسحق با امام الحرمین ابو المعالی جوینی در حضور نظام الملک ومعاودت شیخ ببغداد مقضی المرام که دست عمید عراق از جمیع متعلقات خلیفه کوتاه شد وفات ابو نصر علی بن وزیر ابو القاسم هبة الله بن ماکولا مصنف کتاب اکمال که ممالیک او در کرمان او را بکشتند فتنه در بغداد میان شافعیها وحنبلیها

وفات ابو عمرو عبد الوهاب بن محمد بن اسحق بن منده اصفهانی حافظ که از فضلا بود متصرف شدن سلیمان سلجوقی
تمام آسیای صغیر را سوای طرابوزان و اینکی نیم و قونیه

سنه ۴۷۶ هجری — سنه ۱۰۸۳ مسیحی

آسیا وفات شیخ ابو اسحق ابراهیم بن علی الشیرازی الفیروزآبادی از اجله علما و صاحب اشعار ممتاز در ماه جمادی الاخره شاگردهای شیخ در تمام عالم دیده میشدند و گویند مستجاب الدعوه بوده استعزال عمید الدوله بن جهیر از وزارت خلیفه عباسی و وزارت ابو شجاع محمد بن الحسین خروج حسن صباح در الموت قزوین **اروپا** (اسپانیول) وفات مهک شاعر اندلس وفات ابو الحجاج بن یوسف بن سلیمان الاعلم الشنتمری منسوب بشنتمریه شهر اندلس که از اینشهر بقرطبه (کردو) آمده مشغول تحصیل شد و از ائمه ادب و عربیت گردید و حماسه را شرح کرد

سنه ۴۷۷ هجری — سنه ۱۰۸۴ مسیحی

آسیا فرستادن ملکشاه سپاهی بسرکردگی فخر الدوله بن جهیر بجنگ شرف الدوله مسلم بن قریش فرستادن ملکشاه دسته قشون دیگر نزد فخر الدوله که سردار این قشون ارتق بن اکسک (اکسب) بود انهزام شرف الدوله و محصور شدن در آمد که مبلغی بارتق داده و از آمد خارج شد و برقه رفت و ملکشاه عمید الدوله بن فخر الدوله بن جهیر را با لشکر جرار بهمراهی آقسنقر قسیم الدوله بموصل فرستاده بر اینولایت استیلا یافتند و آقسنقر پدر عماد الدوله زنگی میباشد خلاصه مؤید الملک بن نظام الملک نزد شرف الدوله فرستاده او را اطمینان داد و احضار نموده بحضور ملکشاه برد و او هدایای وافره بملکشاه پیشکش کرد و از جمله اسبی بود که در روزگار نظیر نداشت و ملکشاه از او خشنود شده او را خلعت داد و بر ولایت خود برقرار کرد فتح کردن سلیمان بن قتلمش سلجوقی ممالک قونیه و قیصریه (اقسرا) و غیره انطاکیه را جنگ سلیمان بن قتلمش با شرف الدوله مسلم حکمران موصل بجهت خراجیکه مسلم از انطاکیه مطالبه مینمود و کشته شدن شرف الدوله مسلم در جنگ در ماه صفر و منهزم شدن عساکر او و پس از او بنی عقیل ابراهیم بن قریش برادر شرف الدوله را که در حبس بود بیرون آورده بجای او برقرار کردند و ابراهیم بقدری در حبس مانده بود که وقتی بیرون آمد نمیتوانست راه برود تولد سنجر بن ملکشاه در سنجار وفات ابو نصر عبد السید بن محمد بن عبد الواحد بن الصباغ فقیه شافعی صاحب تصانیف وفات قاضی ابو عبدالله بن الحسین علی البغدادی معروف بابن قفال از مشاهیر اصحاب شافعیه **اروپا** (انکلیس) ربر پسر گیلیوم فاتح پادشاه انکلیس مجددا بر پدر خود شورش مینماید

سنه ۴۷۸ هجری — سنه ۱۰۸۵ مسیحی

آسیا استیلای فخر الدوله بن جهیر ابتدا بر آمد و بعد بر میافارقین بعد بر جزیره ابن عمر که اینها بلاد بنی مروان و در تصرف منصور بن نصر بن مروان بود و پس از این فتوحات دولت آل مروان منقرض گردید وفات امام الحرمین ابو المعالی عبد الملک بن عبدالله بن یوسف الجوینی صاحب تصانیف جلیله و تلامذه معروف از فضلا مثل غزالی و ابو القاسم انصاری و ابو الحسن علی الطبری زلزله در خوزستان **اروپا** (اسپانیول) شهر تُلِد (طلیطله) از تصرف مسلمین خارج شد الفنس ششم این بلد را مسخر کرد و پایتخت خود قرار داد و سلاطین مسلمان اسپانیول اعلان جهاد نموده یوسف[۷] را که از طرف خلیفه بغداد حکمران مغرب بود بر خود رئیس ساختند (ایطالیا) فوت گرگوار هفتم پاپ

[۷] المرابط بن تاشفین؟

سنه ۴۷۹ هجری — سنه ۱۰۸۶ مسیحی

آسیا چون سلیمان سلجوقی مسلم بن قریش را چنانکه پیش ذکر نمودیم بکشت نزد ابن حبیبی عباسی بزرگ اهل حلب فرستاده تسلیم حلب را خواست ابن حبیبی از او مهلت خواست و نزد تتش بن الب ارسلان برادر ملکشاه حکمران دمشق فرستاد و قدوم او را استدعا نمود تتش با ارتق بن اکسک بحلب رفت و جنگ میان او و پسر عمش سلیمان بن قتلمش درگرفت عساکر سلیمان منهزم شدند و سلیمان از شدت غرور و غیرت خود را بکشت و مملکتی که تازه برای خود تشکیل داده بود منقسم شده در هر شهری شخصی مقتدر را حکمرانی نمود آمدن ملکشاه بحلب و تملک او این نواحی را و در بین راه نیز فتوحات نموده از جمله حران را گرفت و باقطاع محمد بن شرف الدوله مسلم داد. و در حلب امیر نصر بن علی بن منقذ الکنانی صاحب شیزر نزد ملکشاه آمده اظهار اطاعت امیر نصر را بملکشاه نمود و ملکشاه حلب را بقسیم الدوله آقسنقر داد و ببغداد رفت و بعد ها چند محل دیگر را از قبیل رحبه و خابور و سروج و رقه را باقطاع محمد بن شرف الدوله مزید کرد و خواهر خود زلیخا دختر الب ارسلان را در سلک ازدواج او در آورد وفات شریف ابو نصر زینبی عباسی نقیب هاشمیین محدث مشهور وفات بهاء الدوله ابو کامل منصور بن دبیس بن علی بن مزید الاسدی صاحب حله و نیل و غیرها که مرد فاضلی بود و اشعار ممتاز داشت بر قرار شدن پسرش صدقه بجای او که سیف الدوله لقب یافت زلزله در عراق عرب **اروپا** (اسپانیول) رفتن یوسف بن تاشفین امیر المسلمین باسپانیول و جنگ کردن با الفنس ششم و منهزم کردن عساکر او را و منتزع نمودن غرناطه را از عبد الله بن بلکین بن بادیس بن حبوس بن ماکسن بن بلکین بن زیری الصنهاجی و این اول شهری بود از اندلس که یوسف بن تاشفین تملک نمود خلاصه یوسف بعد از فتوحات نمایان از اسپانیول بمملکت خود معاودت نمود

ششم نسخه بدل

سنه ۴۸۰ هجری — سنه ۱۰۸۷ مسیحی

آسیا رفتن ملکشاه در ماه صفر از بغداد بطرف اصفهان زفاف خلیفه با دختر ملکشاه تولد محمود بن ملکشاه که مادرش ترکان خاتون بود کسوف کلی شمس وفات فاطمه دختر علی المؤدب معروفه به بنت الاقرع و فاطمه از جمیع مردم خط را بهتر مینوشت و از علوم نیز بهره داشت وفات غرس النعمه ابو الحسن محمد بن صابی صاحب تاریخ **اروپا** (انکلیس) منازعه مابین گیلیوم فاتح پادشاه انکلیس و فیلیپ اول پادشاه فرانسه و حرق شهر مانت در مملکت فرانسه فوت گیلیوم در مملکت نرماندی و دفن او در همین مملکت سلطنت گیلیوم دوم پسر اولی و بجای او در انکلیس و سلطنت روبر نام پسر دویم او در نرماندی (مجار) الحاق مملکت کرواتی باین مملکت در سلطنت لادیسلاس اول

سنه ۴۸۱ هجری — سنه ۱۰۸۸ مسیحی

آسیا وفات ملک المؤید ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی پادشاه غزنین بعقیده ابن اثیر و بعضی اما اعتقاد ابو الفدا و جمعی دیگر اینست که ابراهیم بن مسعود در چهارصد و نود و دو وفات کرده است و گویا این صحیح باشد بهرحال بعد از او پسرش مسعود بن ابراهیم بجای او جلوس کرد و مسعود داماد ملکشاه بود لشکر کشیدن آقسنقر حکمران حلب بقلعه شیزر و محاصره کردن نصر بن علی بن منقذ را و تنگ گرفتن بر او و غارت کردن آبادیهای بیرون قلعه را و عاقبت کار بصلح انجامیده آقسنقر بحلب بازگشت وفات شیخ الاسلام عبد الله انصاری و حکیم ناصر خسرو علوی **اروپا** (اسپانیول) طلب کردن مسلمانان اسپانیول مجدداً یوسف بن تاشفین را از افریقیه بکمک خود جنگ بی ثمر و فایده یوسف بن تاشفین با الفنس ششم و مراجعت او بافریقا

سنه ۴۸۲ هجری — سنه ۱۰۸۹ مسیحی

آسیا.

آسیا رفتن سلطان ملکشاه با لشکر بیشماری بماوراء النهر و بخارا و گرفتن بلادی را که در خط راه بود تا بخارا
که از آنجا بسمرقند رفته این شهر را هم فتح نمود و احمد خان مالک سمرقند را دستگیر کرد ولی او را معزز بداشت بعد بطرف
کاشغر راند و بیوزکند رسید و نزد حکمران کاشغر فرستاده امر نمود که خطبه و سکه باسم ملکشاه باشد حکمران
کاشغر قبول نموده بحضور ملکشاه حاضر شد سلطان او را اکرام کرده و در مملکت خود برقرار فرموده، بخراسان
بازگشت وفات عاصم بن محمد بن حسن البغدادی صاحب اشعار جید وفات فخر الاسلام بن محمد المروزی از کبار علما

سنه ۴۸۳ هجری — سنه ۱۰۹۰ مسیحی

آسیا وفات فخر الدوله ابو نصر محمد بن محمد بن جهیر در موصل فخر الدوله وزارت نصر الدوله احمد بن مروان حکمران
دیار بکر را کرده و بعدها بوزارت خلیفه عباسی رسیده پس از آن با ملکشاه بدیار بکر رفت و اینولایت را از بنی
مروان بگرفت در ماه شعبان اینسال الحسن بن صباح رئیس اسمعیلیه بقلعه الموت صعود کرده بنای دعوت را
گذاشت شوکت سنیها و ضعف کار شیعه **اروپا** (اسپانیول) در اینسال یوسف بن تاشفین باز باسپانیول
رفته پادشاه مسلمانیکه در غرناطه بود خلع کرده بافریقا مراجعت نمود (بعقیده مورخین فرنگ)

سنه ۴۸۴ هجری — سنه ۱۰۹۱ مسیحی

آسیا رسیدن عمید الدوله بن فخر الدوله بن جهیر بوزارت المقتدی خلیفه عباسی در رمضان اینسال ملکشاه
ببغداد آمد و تتش برادرش از دمشق بحضور او حاضر گردید و آقسنقر نیز از حلب بخدمتش شتافت و بزرگان
اطراف در بغداد جمع شدند و شب میلاد خود را جشن گرفتند امر کردن ملکشاه بساختن جامع معروف بجامع سلطان
در بغداد که قبله جامع را بهرام منجم سلطان و جماعتی از اهل رصد تشخیص دادند و امرای سلطان بنای ساختن
منازل ببغداد گذاشتند وفات امیر ارتق ابن اکسک ترکمانی جد ملوک ماردین که قدس شریف را مالک شده بود و پسران
او قدس را بپسرش ایلغازی و سقمان راشد و در تصرف آنها بود تا افضل سپهسالار لشکر مصر آمده این بلد را از تصرف
آنها منتزع نمود خراب شدن حصار انطاکیه و شام از زلزله انتشار طایفه اسمعیلیه که آنها را باطنیه نیز گویند در
عراق عجم **اروپا** (اسپانیول) استیلای یوسف بن تاشفین بر جمیع بلاد اندلس **افریقا** استیلای بعضی از طوایف
فرنگ بر صقلیه

سنه ۴۸۵ هجری — سنه ۱۰۹۲ مسیحی

آسیا امر کردن ملکشاه بر آقسنقر که تتش برادر ملکشاه را بر فتح شام و اماکنی که بدست کاشتگان خلیفه علوی مصری
است امداد نماید و رفتن آقسنقر و تتش بگرفتن حمص و منتزع نمودن اینولایت را از خلف بن ملاعب و راندن بعرقه و
فامیه و گرفتن این بلد و محل را حصول وحشت فیمابین ملکشاه و نظام الملک و کشته شدن نظام الملک در حوالی نهاوند
بدست طفلی دیلمی که کاردی باو زد و کار او را بساخت و این بتدبیر سلطان بود ملازمان نظام الملک آن طفل را بکشتند
چون نظام الملک کشته شد در میان لشکریان غوغا در گرفت ملکشاه سوار شده غوغا را بخوابانید نظام الملک در سال
چهارصد و هشت از دهقان زاده های طوس بود و در مراتب علم و عربیت مقامی داشت و ابتدا بوزارت طغرلبیک
رسید و در عهد الب ارسلان مشغول خدمات ملکشاه بن الب ارسلان بود چون ملکشاه سلطان شد مقامی در
وزارت او یافت که هیچ وزیری بآن مقام نرسیده و با علما میل مفرطی داشت و مدارس در بلاد بنا نمود و اوصاف حسنه
نظام الملک بسیار است وفات ملکشاه ببغداد در بیست و چهارم رمضان و مردن او در شب جمعه نیمه شوال سی و پنج روز
بعد از کشته شدن نظام الملک ملکشاه در سنه چهار صد و چهل و هفت متولد شده بود نیکو صورت و با معنی و ایام

او ایام عدل وسکون واز حدود چین تا آخر شام واز اقاصی بلاد اسلام در شمال تا آخر بلاد یمن باسم او خطبه میخواندند
وسلاطین روم بطریق الصغری باو پیشکش میدادند در عمارت بلاد وبذل اموال ملکشاه نهایت ساعی بود در بغداد
مسجد جامع ودر راه مکه برکه‌ها بنا ساخت میل او بشکار زیاد بود چون ملکشاه در گذشت زوجه او ترکان خاتون
وفات او را مخفی داشت واموال زیاد بامرا بذل کرد وآنهارا باصفهان فرستاد ولشکریان را باطاعت فرزند خود محمود سوگند
داد ومحمود در اینوقت چهار ساله وهشتماهه داشت خلاصه در بغداد وبعضی جاهای دیگر باسم محمود خطبه خواندند
وتاج الملک در خدمت ترکان خاتون بمهام وتدبیر مملکت مشغول شده باصفهان آمدند چون باصفهان رسیدند برکیارق
بن ملکشاه از اصفهان گریخت اما عساکر نظامیه از ترکان خاتون ومحمود پسرش جدا شده ببرکیارق پیوستند وجهت این
تخلف این بود که با تاج الملک دشمن بودند زیرا که مبدا فتنه‌ها واسباب کشته شدن نظام الملک را فراهم آورده است
خلاصه لشکر ترکان خاتون بجنگ برکیارق مامور نمود ودر حوالی بروجرد فیمابین جنگ کردند عساکر ترکان خاتون منهزم
شده برکیارق آنهارا تعاقب کرده تا اصفهان وانشهررا محاصره نمود وتاج الملک را که در عسکر ترکان خاتون بود دستگیر
نمود ومیخواست او را وزارت دهد اما عساکر نظامیه که با او دشمن بودند تدبیر او ریخته او را بکشتند تاج الملک
صاحب فضایل کثیره بود در ینحال سال بانتهار سید زلزله در کرده کوه حرقه در بغداد اضطراب حجاج عراق از خفاجه
(اناطولی) بعد از هفت سال هرج ومرج مملکت سلجوقی ایکنیم (قونیه) بدست قلیج ارسلان پسر سلطان
سلیمان می افتد **اروپا** (لهستان) شروع جنگ نجیبا با روس وپروس

سنهٔ ۴۸۶ هجری — سنهٔ ۱۰۹۳ مسیحی

آسیا حرکت کردن تتش از دمشق بقصد جلوس بتخت ملکشاهی واتفاق آقسنقر حکمران حلب باو وخطبه یاغی سیان
حکمران انطاکیه وبزان حکمران رها باسم تتش وفتح کردن تتش نصیبین را بغلبه وراندن بطرف موصل وگرفتن اینولایت را
وکشتن ابراهیم حکمران موصل را ونایب قرار دادن علی بن مسلم بن قریش که مادرش عمه تتش بود در موصل وفرستادن ببغداد
که در اینشهر خطبه باسم او بخوانند اما نخواندند وتتش بدیار بکر رفته در اینولایت نیز استیلا یافت وباذربایجان شتافت
در حالتیکه برکیارق بر اکثر این نواحی مسلط شده بود چون تتش متوجه آذربایجان شد برکیارق بمدافعه عم خود برخواست
وآقسنقر گفت اتفاق ما با تتش بجهت این بود که از پسران ملکشاه کسی بامر سلطنت قیام نداشت حال که برکیارق بن
ملکشاه مباشر مهام ملکی است ما از خدمت او تخلف نداریم این بگفت وببرکیارق پیوست واینفقره سبب ضعف تتش
شده بشام معاودت نمود تقاعد حجاج عراق واضطراب حجاج شام **اروپا** فوت ملکلم پادشاه اکس در بین
جنگ با پادشاه انگلیس وسلطنت طایفه اسنوارت در نیممملکت (روس) غارت طایفه تاتار شهر کیف واطراف
آن را **افریقا** تملک عساکر المستنصر بالله علوی خلیفه مصر شهر صور را اغلبه پادشاه افریقا بر سلاطین مسلمان
اندلس

سنهٔ ۴۸۷ هجری — سنهٔ ۱۰۹۴ مسیحی

آسیا وفات المقتدی بامر الله ابو القاسم عبد الله بن محمد ذخیرة الدین بن القائم بموت فجاءه روز شنبه پانزدهم محرم
عمر المقتدی سی وهشت سال وهشت ماه وچند روز ومدت خلافتش نوزده سال وهشتماه بود مادر المقتدی ارمنیه
وارجوان نام داشت خلافت المقتدی وخلافت پسرش المستظهر بالله وخلافت پسر پسرش المسترشد بالله را بدیه خلافت
المستظهر بالله ابو العباس احمد بن المقتدی چون المقتدی در گذشت برکیارق ببغداد آمد وبرای المستظهر بیعت گرفت

ودراین وقت المستظهر شانزده سال و دو ماه داشت جمع کردن تتش در شام عساکر خود را که عدهٔ زیادی بودند و
جمع نمودن آقسنقر در حلب لشکر جهة مدافعهٔ او و امداد کردن برکیارق او را بسپاهی بسرکردگی کربوغا و تلاقی فریقین
در نهر سبعین در نزدیکی تل سلطان در شش فرسخی حلب و مقاتله و غدر کردن بعضی عساکر آقسنقر و پیوستن به
تتش و منهزم شدن باقی و پایداری کردن آقسنقر که اسیر شد و او را نزد تتش بردند تتش به آقسنقر گفت اگر
تو بر من ظفر مییافتی چه میکردی گفت ترا میکشتم گفت منهم حکم خود ترا درباره تو صادر میکنم و امر کرد او را کشتند
و تتش بحلب راند و ابو لایت را متصرف شده بوازار را اسیر و مقتول نمود و کربوغا را دستگیر کرده بحمص فرستاد
و محبوس داشت بعد تتش بحران و رها استیلا یافته ببلاد جزیره راند و این بلاد را مسلم کرد و بدیار بکر و خلاط
رفت از اینجا باذربایجان آمد و این بلاد او را شد آنگاه بهمدان رو کرد و این شهر نیز مسخر او شد و ببغداد نزد
المستظهر بالله فرستاد و از او خواست که خطبه باسم او بخواند المستظهر قبول کرد برکیارق چون استیلای عم
خود تتش را بر آذربایجان بشنید باربل رفت و از آنجا ببلد شرحاب کردی بن بدر راند تا نزدیک بعساکر عم خود تتش
شد و زیاده از هزار نفر با برکیارق نبود و حال آنکه عساکر تتش پنجاه هزار نفر بودند و دسته از آنها برکیارق را
منهزم کردند و او باصفهان گریخت و محمود برادرش در اصفهان بود عساکر محمود خواستند چشم برکیارق را میل
بکشند اما در این وقت محمود آبله در آورد لهذا دست نگاه داشتند تا ببینند حال محمود بکجا منتهی میشود محمود بمرض
آبله درگذشت و این فرجی شد بعد از شدت برای برکیارق و عساکر محمود برکیارق پیوستند وفات امیر مکه محمد بن
ابی هاشم الحسینی که زیاده از هفتاد سال داشت و امیر قاسم بن ابی هاشم بجای او برقرار شد وفات ترکان خاتون زوجه
ملکشاه زلزله در شام **اروپا** مسافرت پیر ارمیت از قسیسین عیسوی از اهالی امیم شهر فرانسه به بیت المقدس
که برای العین صدمه و ذلت عیسویان را دیده و در مراجعت بفرنگ حکم بجهاد میدهد (شروع بتمهید مقدمه جهاد
مابین عیسویان و مسلمانان که بعدها تفصیل آن بیاید در این سال شد) **افریقا** مردن امیر الجیوش بدر جمالی
در ربیع الاول که زیاده از هشتاد سال داشت و در دولت المستنصر علوی خلیفه مصر حکومت با او بود و چون بمرد
فضل پسرش بجای او برقرار آمد وفات المستنصر بالله ابو تمیم معد بن ابی الحسین علی الظاهر لاعزاز دین الله ابن الحاکم که
شصت سال و چهار ماه در مصر خلافت کرده بود و شصت و هفت سال عمر داشت خلافت پسرش ابو القاسم احمد
المستعلی بالله بجای او

سنه ۴۸۸ هجری — سنه ۱۰۹۵ مسیحی

آسیا اجتماع سرکرده های عساکر احمد خان پادشاه سمرقند و گرفتن او را بجهة زندقه او که فقها حکم قتل او را دادند
و کشته شد و پسر عم او مسعود را بجای او بنشاندند و مسعود معروف به قدرخان و موسوم بجبرئیل بن عمر بود و سلطان
سنجر جبرئیل مذکور را بکشت و محمد خان بن سلیمان بن داود بن ابراهیم بن طفغاج بجای او برقرار آمد و حکمرانی داشت
تا سال پانصد و پانزدهم جنگ برکیارق با تتش در حوالی ری در ماه صفر و منهزم شدن عساکر تتش و ثبات او تا کشته
شد و سلطنت برکیارق استقرار یافت وقتیکه تتش کشته شد پسرش دقاق در جنگ با او بود و پسر دیگرش رضوان در
حوالی هیت بود که خبر کشته شدن پدرش باو رسید رضوان که عازم عراق بود بحلب برگشت ابو القاسم حسن بن علی
خوارزمی که از جانب پدر تتش در حلب بود برضوان پیوست سرکرده های تتش و دقاق برادرش و دو برادر صغیرش
ابوطالب و بهرام نیز در حلب باو ملحق شدند و این جمله مثل این بود که مهمان ابو القاسم حسن خوارزمی باشند زیرا که او

برای

بر این بلد استیلا داشتند شبی رضوان خوارزمی را بگرفت و در حلب باسم رضوان خطبه خواندند و باغی سیان بن محمد
ترکمان صاحب انطاکیه با رضوان بود رضوان بقصد استیلا بدیار بکر متوجه شده قصد سروج نمود سقمان بن
ارتق پیش دستی کرده سروج را بگرفت و رضوان را مانع استیلا شد رضوان بر هار رفته بر این محل مسلط گردید و
قلعه هار را با باغی سیان رها کرد بعد اختلاف میان عساکر رضوان و باغی سیان و جناح الدوله شوهر مادر رضوان
افتاد و جناح الدوله بزرگترین سرکرده ها بود رضوان بحلب باز گشته و باغی سیان با نطاکیه رفت و ابو القاسم
خوارزمی با او بود اما دقاق ساوتکین خادم که در دمشق والی بود نامه با و نوشته قدوم او را مستدعی شدند او را مالک
دمشق نماید دقاق نیز پنهانی از حلب گریخته بدمشق آمد و ساوتکین این ولایت را تسلیم او نمود و طغتکین شوهر مادر
دقاق که در جنگ سابق الذکر با تتش بود با جماعتی از خواص تتش بدقاق پیوسته و دقاق و طغتکین اتفاق نموده
ساوتکین را کشتند پس از آن باغی سیان ترکمانی صاحب انطاکیه با ابو القاسم حسن خوارزمی بدمشق نزد دقاق آمده و باغی
سیان ابو القاسم حسن را وزیر دقاق کرده ترک تدریس و تزهد ابو حامد غزالی و پوشیدن لباس خشن و رفتن بزیارت
قدس و مکه و معاودتش ببغداد و آمدن او از بغداد بخراسان **اروپا** (اسپانیول) وفات ابو عبدالله محمد بن ابی
نصر فتوح بن عبدالله بن حمید الحمیدی الاندلسی از فضلای ثقه که اهل میورقه بود وفات المعتمد بن عباد صاحب اشبیلیه
وغیرها از بلاد اندلس و المعتمد در حبس بود در اغمات که مرد المعتمد صاحب اشعار رائقه است و بعد از فوتش فضلا
وشعرا برای او مرثیه ها گفته اند **افریقا** وفات علی بن عبدالغنی مقری کور حصری قیروانی شاعر مشهور

سنه ۴۸۹ هجری — سنه ۱۰۹۵ مسیحی

آسیا چنانکه پیش ذکر شد تتش کربوغا را در حمص حبس کرده بود بر کیارق نزد رضوان حکمران حلب فرستاده امر
برها کردن او نمود رضوان کربوغا و برادرش طنطاش را رها کرده جمعی دور کربوغا جمع شده او قصد نصیبین کرده
محمد بن شرف الدوله مسلم بن قریش که در نصیبین بود نزد کربوغا آمده او را سوگند داد که با او بد ننماید لیکن مع ذلک
کربوغا غدر کرده محمد را گرفت و نصیبین را محاصره کرده فتح نمود و بموصل راند و در بین راه محمد را بکشت و پس از
نه ماه محاصره موصل کربوغا را مسلم شد و برادر خود طنطاش را در موصل بکشت و در حکمرانی موصل بنای حسن
سیرت را بگذاشت قران سبعه سیاره غیر از زحل در حوت و حکم منجمین بطوفان غرق حجاز از سیل وفات ابو مظفر
سمعانی **اروپا** مرابطین جزایر بالئار را از تصرف سلاطین عرب اسپانیول خارج میکنند (مجار) فوت لادیسلاس
اول پادشاه اینملکت (رم) اوربن دویم پاپ کشیشها را منع از مزاوجت مینماید ورود سفرای قیصر و منه الصغری
بروم و شکایت نمودن نزد پاپ از تعدیات مسلمانان با آنها مسافرت پاپ بفرانسه و تحریک کردن مردم را بجنگ
مسلمین اجماع مجاهدین بدوا در فرانسه برای استخلاص بیت المقدس و صورت خاجی از پارچه سرخ بطرف چپ سینه
دوختن (ابن ابتدای ایجاد نشان است در عالم) **افریقا** استیلای عساکر خلیفه علوی مصر بر بیت المقدس در ماه
شعبان که آن را از دست ایلغازی و سقمان پسران ارتق منتزع نمودند و این شهر از تبعیت خلیفه عباسی خارج شد

سنه ۴۹۰ هجری — سنه ۱۰۹۶ مسیحی

آسیا ملکشاه برادری داشت ارسلان ارغون نام که بعد از ملکشاه بر خراسان استیلا یافته بود چون شدید العقوبة
بود ملازمان او از او زیاد خائف بودند در اینسال یکی از غلامان او او را بکشت و برکیارق بخراسان رفته بر این ولایت استیلا
یافته و بما وراء النهر فرستاده در آنجا نیز خطبه باسم او خواندند و برکیارق خراسان را بسلطان سنجر برادر خود واگذاشت

وابو الفتح علی بن حسین طغرائی را وزیر او قرار داد ابتدای دولت خوارزمشاهیان تبیین آنکه محمد خوارزمشاه ابن انوشتکین که اولین حکمران این خانواده است پدرش انوشتکین مملوک شخص غرشستانی بوده وبهمین جهة اورا انوشتکین غرشه میگفتند یکی از امرای سلجوقی که اسمش بلکابک بود اورا خرید چون انوشتکین فراست وکیاستی داشت نزد بلکابک مقامی بهم رسانید ومحمد پسر او بوجود آمده باحسن تربیت پدر مرد عالم ادیب مدبر باکفایتی شد درین هنگام در خراسان فتنه حادث گردید وبرکیارق امیر داذای حبشی را باطفای نایره فتنه بخراسان فرستاد چون نایب خوارزم در فتنه مذکوره بدست اتراک کشته شده بود امیر داذ پس از آنکه امور خوارزم را اصلاح کرد محمد بن انوشتکین را حکمران این مملکت کرد وخوارزمشاه لقب داد واو بنشر عدل وتدبیر ملک وتقرب اهل علم پرداخت وقدر او نزد سلطان سنجر که امضا حکمرانی او نموده بود رفیع گردید وچون محمد خوارزمشاه درگذشت پسرش اتسز بجای او خوارزمشاهی یافت وبسباط عدل وامن بسط کرد جنگ کردن رضوان با برادرش دقاق در قنسرین ومنهزم شدن دقاق خطبه خواندن رضوان در چهار جمعه باسم المستعلی بامر الله علوی خلیفه مصر که بعد از آن از سوء عاقبت اینکار ترسیده خطبه علوی را قطع وباز باسم خلیفه عباسی خطبه خواند کشتن طایفه باطنیه ارغش نظامی را در ری وارغش صاحب مقامی منیع بود ودختر یاقوتی عم سلطان برکیارق را در حباله نکاح داشت نیز کشتن باطنیه امیر برسق را که از ملازمان طغرل بیک واول کسی بود که از جانب سلاجقه داروغه بغداد شد وفات نصر قدسی از شیوخ شافعیه **اروپا** پادشاه نرماندی مملکت خود را بده هزار تومان نزد برادر خود پادشاه انکلیس گرو گذارده تدارک سفر مشرق زمین وجهاد می بیند در سنه اول مجاهدین که از ملت المان وفرانسه ومجار وایطالیا بودند براهنمائی کشیشی ملقب بمسکین از اهل فرانسه وپیر ارمیت سابق الذکر بسمت مشرق حرکت میکنند ونرسیده بمقصد دربین راه اغلب مقتول میشوند بعد از آنها بلا فاصله در سنه دیگر از هر جا حرکت کرده از راه خشکی بطرف اسلامبول می آیند وعدد این دسته مجاهدین را صد هزار سوار وششصد هزار پیاده مینویسند اهالی ونیز دویست کشتی مجانا باختیار آنها وامیگذارند (چون این جنگ در تواریخ فرنگ بعنوان جهاد وجنگ مذهبی نوشته شده ما نیز عنوان آنرا تغییر ندادیم دقیقه پایان خود ملتفت مسئله هستند)

سنه هجری ۴۹۱ — سنه مسیحی ۱۰۹۷

آسیا واروپا در هم وحشت الکسی امپراطور از نزدیک شدن مجاهدین فرنگ بمملکت او معاهده ما بین مجاهدین وامپراطور که بمملکت او تعدی نکنند عبور کردن مجاهدین فرنگ از خلیج قسطنطنیه وورود بموزن بر آزی منیر (آسیای صغیر) ومحاصره کردن شهر نیسه را وجنگ سخت ما بین مجاهدین وقلیج ارسلان بن سلیمان وفتح کردن فرنگیها نیسه را ومنهزم شدن قلیج ارسلان ابو الفدا گوید چون قلیج ارسلان منهزم شد فرنگیها ببلاد لئون ارمنی راندند وبانطاکیه آمده این بلد را محاصره کردند ونه ماه اینمحاصره طول کشید وباغی سیان ترکمانی صاحب انطاکیه در مدافعه فرنگیها کمال شجاعت ورشادت را بظهور رسانید ولی از آنجا که فرنگیها در جنگ کوشش زیاد میکردند غالب آمدند وباغی سیان نیم شبی بگریخت وپس از گریختن حالت تاسف او بر اهل وعیال او که در انطاکیه بودند وافسوس او بر مذلت ومقهور شدن مسلمین اورا از کار باز داشت بحدیکه از سواری عاجز آمد وهمراهان او لابد اورا رها کرده برفتند واو افتاده نیم جانی داشت که شخصی ارمنی بر سر او آمده سر او را جدا کرد ونزد فرنگیها برد خلاصه انطاکیه را فرنگیها در سال بعد بگرفتند وشمشیر در اهالی گذاشته بسیاری را بکشتند واموال زیاد بغارت بردند

سنه هجری ۴۹۲ — سنه مسیحی ۱۰۹۸

آسیا مجاهدین فرنگ بعد از هفت ماه محاصره دمشق را نیز فتح کردند وچون انطاکیه را نیز در همین سال مسخر نمودند

تغلب آنها در این بلاد زیاد شد کربوغا (قربوغا) حکمران موصل چون این خبر شنید با عساکر خود بمرج دابق آمد و دقاق بن تتش
صاحب دمشق و طغتکین اتابک و جناح الدوله صاحب حمص که شوهر مادر ملك رضوان بود و امراء و سرکرده های دیگر با
کربوغا در مدافعه فرنکیها اتفاق کردند و بانطاکیه رفتند و فرنکیها را محاصره کردند و کار بر آنها تنگ شد و از کربوغا درخواست
کردند که دست از آنها بکشد و آنها بلاد خود برگردند کربوغا قبول نکرد مقارن اینحال کربوغا بنای بدرفتاری و تکبر را
با امرا و بزرگان گذارد با و بقتال فرنکیها آمده بودند گذاشت و این اسباب وهن عساکر اسلام شده حسن موقعی بدست فرنکیها
افتاد و مسلمانان را در حوالی انطاکیه در فصل تابستان شکست سختی دادند و آذوقه و اسلحه ایشان را تصرف کرده قوتی از نو بکرفتند
چون مسلمانان منهزم شدند فرنکیها بمعره شتافته بر اینجا نیز استیلا یافتند و زیاده از صد هزار نفر را بکشتند و اموال زیاد
بغارت بردند و پس از چهل روز اقامت در معره بحمص راندند و اهل حمص با آنها صلح نمودند (در تواریخ آسیائی ذکری از رفتن
مجاهدین بدمشق را نشده اما در تواریخ فرنك مخصوصا متوجه شده و نکاشته اند) توقف کردن و رفتن کار محمد بن ملکشاه که برادر
پدری و مادری سلطان سنجر بود و جمع شدن عساکر در او و دادن محمد منصب وزارت خود را بمؤید الملك عبید الله بن نظام الملك
و راندن محمد بری و رفتن برکیارق از ری و خطبه خواندن باسم محمد در بغداد در روز جمعه هفدهم ذیحجه نقل مصحف عثمان
از طبریه بجامع دمشق طغیان باطنیه در اصفهان کریختن دولتشاه والی بلخ از جنك سلطان سنجر

سنه ۴۹۳ هجری
سنه ۱۰۹۹ مسیحی

آسیا مجاهدین فرنك که در بدو حرکت هفتصد هزار نفر بودند و قبلکه در اینسال بحوالی بیت المقدس رسیدند زیاده از
بیست و پنج هزار مرد و هزار و پانصد اسب از آنها باقی نمانده بود خلاصه این عده پس از انکه سی و نه روز شهر بیت المقدس را
در بند محاصره داشتند در پانزدهم ژانویه این شهر را فتح کردند بعقیده مورخین آسیائی فرنکیها شهر بیت المقدس را در سال
قبل فتح نموده اند ابو الفدا کوید تتش سلجوقی بیت المقدس را بامیر ارتق باقطاع داده بود همینکه ارتق درگذشت پسران او ایلغازی
و سقمان این بلد را داشتند تا خلیفه مصری در شعبان سنه چهار صد و هشتاد و نه این بلد را بطور امان گرفت و سقمان برها
و ایلغازی بعراق رفت فرنکیها در سال چهار صد و نود و دو بیت المقدس را زیاده از چهل روز محاصره کرده تا این شهر را روز
جمعه بیست و دویم یا بیست و سیم شعبان بگرفتند و یکهفته در اینشهر مشغول قتل بودند چنانکه زیاده از هفتاد هزار نفر از
مسلمانان را در مسجد اقصی بقتل رسانیدند و بسیاری از مقتولین از ائمه مسلمین و علما و عباد و زهاد بودند که در این
بلد مجاورت داشتند و غنایم بحساب بدست فرنکیها افتاد و فراریهای مسلمین ببغداد آمدند و استغاثه کردند اما چون
میان سلاطین سلجوقی خلاف در گرفته بود کسی باینمطالب اعتنائی ننمود بالجمله بموجب تواریخ اروپا مجاهدین فرنك
بعد از این فتح کنت فرو دو بوین را پادشاه خود قرار دادند و سلطنت عیسویان در این طرف دویست سال امتداد
یافته و بیست هزار نفر که از طرف خلفای مصر بجنك عیسویان آمده بودند در حوالی عسقلان شکست خوردند و اهالی
رها نیز بلدة خود را تسلیم فرنکیها نموده ثاقا را متصرف شدند آمدن برکیارق ببغداد و مجددا خطبه خواندن باسم او در اینشهر و روانه شدن بجنك
برادر خود محمد و جنك فیمابین در حوالی همدان و کریختن برکیارق و فرستادن محمد ببغداد که دوباره باسم او خطبه بخوانند
چون برکیارق منهزم شد بری آمد و جمع خود را جمع کرده با امیر داد امیر لشکر خراسان متفق شد و میان او و سلطان
سنجر نیز جنکی واقع شده باز برکیارق هزیمت یافته بجرجان رفت و از جرجان بدامغان آمد وفات ابو علی یحیی بن عیسی بن
جزلة الطبیب صاحب کتاب منهاج که جامع ادویه و اغذیه مفرده و مرکبه است و ابو علی اصلا نصرانی بود و اسلام اختیار
کرد کتاب تقویم الابدان نیز از مصنفات او است ابتدای ملوك خلاط باستیلای سقمان (سکمان) قطبی بر خلاط سقمان

مبارك

ملوک ملکشاه اسمعیل سلجوقی صاحب مرند آذربایجان بود و اسمعیل قطب الدین لقب داشت و سقمان را بجهت نسبت باو قطبی
میگفتند و اصل او ترک و صاحب کفایت و شهامت بود و خلاط را بنی مروان ملوک دیار بکر در تصرف داشتند و ظلم زیاد
میکردند چون عدل و کفایت سقمان مشهور شد و اهل خلاط از ظلم بنی مروان بستوه آمده بودند عریضه بسقمان نوشته قدوم
او را استدعا نمودند و در این سال بخلاط آمد و بنی مروان بگریختند و سقمان در خلاط حکمرانی میکرد تا در سال پانصد و
شش درگذشت و پسرش ظهیر الدین ابراهیم بن سکمان بجای او برقرار آمد

سنه ۴۹۴ هجری — سنه ۱۱۰۰ مسیحی

آسیا (۱) پیش هزیمت برکیارق از جنگ محمد برادرش و شکست خوردن او و رادر خراسان از عساکر برادر دیگرش سنجر ذکر نمودیم
پس از انهزام برکیارق بخوزستان رفت و جمعی دور او جمع شدند آنگاه بعسکر مکرم آمد و در اینجا جمعیت او زیاد شده بهمدان راند و
محمد برادرش بقتال او شتافته در ماه جمادی الآخره او را شکست داد و مؤید الملک بن نظام الملک وزیر او را بگرفت و چون مؤید
الملک مادر برکیارق را کشته بود برکیارق او را بدست خود بقتل رسانید بعد از آن برکیارق بری آمد و محمد بخراسان گریخت و با
سلطان سنجر عهد بسته بر اتفاق سوگند خوردند و با جمعیتی برای جنگ برکیارق روی بری نهادند برکیارق که این بشنید ببغداد
رفت و چون شکست شده بود پنجاه هزار دینار از خلیفه بگرفت و دست درازی باموال رعیت نمود و در این بین مریض شد
اما محمد و سلطان سنجر بر بلاد برکیارق استیلا یافته راندند تا ببغداد رسیدند و چون مرض برکیارق شدت کرده بود او را
بجانب غربی بغداد بردند و اینجا بهبودی یافته روانه واسط شد و خلیفه المستظهر از سوء سیرت برکیارق بمحمد و سلطان
سنجر شکایت کرد و در بغداد باسم محمد خطبه خواندند تملک ابو علی بن محمد بن عمار صاحب طرابلس شهر جبله را شوکت و استیلای
باطنیه یعنی اسمعیلیه در الموت و بسیاری از مواضع دیگر و خوف و هراس مردم از آنها غلبه مجاهدین فرنگ بر شهر مرج از بلاد
جزیره و تملک آنها ارسوف را بساحل عکا و قیساریه فوت گودفروا دوبوین که در بیت المقدس بر مجاهدین پادشاه شده بود
در سن چهل سالگی و نصب برادرش بودوین بجای او **اروپا** (انگلیس) فوت گیلیوم دویم پادشاه و چون برادرش زبر
در انگلیس نبود و با مجاهدین ببیت المقدس رفته هانری پسر سیم گیلیوم فاتح که برادر دیگر او بود بهانری اول معروف شده
در انگلیس سلطنت مینماید (ایطالیا) در مدرسه سالرن کتاب طب منظوماً بزبان لاتین مدون شد ولی آنچه از این
کتاب مانده است زیاده از چهار صد بیت نیست

سنه ۴۹۵ هجری — سنه ۱۱۰۱ مسیحی

آسیا (۱) آمدن محمد و برکیارق بری و دوباره جنگ و کار بصلح انجامید و مقرر شد که برکیارق پادشاه باشد و محمد
در بلاد آذربایجان و دیار بکر و جزیره و موصل مستقلاً حکمرانی کند و لشکر متفرق شد تا مابعد نقض عهد نمود در
ماه جمادی الاولی در ری بمقاتله پرداختند و این جنگ چهارم آنها باهم بود خلاصه لشکر محمد منهزم شد و محمد با قلیلی
باصفهان آمد و برکیارق او را در اینشهر محاصره کرد و کار بر او تنگ شد و محمد در خفا از اصفهان گریخت و برکیارق نیز در
هیجدهم ذیحجه از اصفهان بهمدان رفت مردن کربوغا در خوی و استیلای شمس الدوله جکرمش حکمران جزیره ابن عمر که
از امرای او بود بر موصل تملک مجاهدین فرنگ انطرسوس و اعمال حمص را کشتن بنی نمیر در حوالی هیت مؤید بن مسلم بن قریش
امیر بنی عقیل را وفات امیر منصور بن عمارة الحسینی امیر مدینه طیبه که پسرش بجای او برقرار شد و امیر منصور از اولاد
مهنا بود بنای قصبه حله در کنار شط فرات بمباشرت ابو کلیل منصور زلزله در کردکوه **افریقا** وفات المستعلی بامر الله
ابو القاسم احمد بن المستنصر العلوی خلیفه مصر در هفدهم صفر تولد المستعلی در بیستم شعبان سنه چهار صد و شصت و هفت

بود مدت خلافتش هفت سال و دو ماه تقریباً خلافت پسرش ابو علی منصور ملقب به آمر باحکام الله که در آنوقت پنجساله
بکماه داشت و افضل بن بدر جمالی از جانب او شدایبر امور مملکت پرداخت

سنه ۱۱۰۲ مسیحی — سنه ۴۹۶ هجری

آسیا جنگ پنجم برکیارق و محمد پسران ملکشاه و انهزام محمد و این جنگ در بیرون شهر خوی بود و برکیارق پس از جنگ
بکوهی که میانه تبریز و مراغه و برکیاه است رفت و پس از چندی اقامت در ایجا بزنجان آمد و محمد با دجلیش از اعمال خلاط و از
آنجا بخلاط رفت دقاق بن تتش بن الب ارسلان صاحب دمشق بر رحبه استیلای او بر این ناحیه که پس از نظم امور عود
بدمشق کرد و اینواقعه بعقیدهٔ مورخین آسیا است اما باعتقاد مورخین اروپا چنانکه پیش ذکر شد دمشق را مجاهدین
فرنگ بگرفتند مگر یکوئیم اینشهر را دقاق از مجاهدین دوباره پس بگرفت

سنه ۱۱۰۳ مسیحی — سنه ۴۹۷ هجری

آسیا استیلای بلک بن بهرام بن ارتق بن اکسک پسر برادر سقمان و ایلغازی بر شهر عانه و بر شهر حدیثه و انتزاع این دو بلد
از بنی یعیش بن عیسی غارت کردن مجاهدین فرنگ قلعه جعبر و رقه را که در تملک سالم بن مالک بن بدران بن المقلد عقیلی بود
مصالحه برکیارق و محمد که برکیارق در اینوقت در ری بود و در ولایت و جبل و طبرستان و فارس و دیار بکر و جزیره و حرمین
خطبه باسم او میخواندند و محمد در آذربایجان بود و در اینمملکت و بلاد سنجر خطبه باسم او خوانده میشد خطبه خواندن در بغداد
باسم برکیارق تملک بودوین پادشاه بیت المقدس جبیل و عکا را و اینواقعه را تواریخ فرنگ بسال بعد نسبت میدهند
وفات دقاق بن تتش صاحب دمشق که بعد از او طغتکین پسرش را که طفل بود بجای او برقرار کرد استیلای صدقه بن مزید
صاحب حله بر واسط وفات امین الدوله ابو سعد حسن بن موصلایا از بلغا و فصحا که شصت و پنجسال در خدمت خلفای عباسی
بود امین الدوله دین عیسوی داشت در سنه چهارصد و هشتاد و چهار مسلمان شد و پسر سنه ترقی بود تا از وزارت
توبه کرد سیرت نیکو و کثرت صدقات او معروفست **اروپا** یوسف بن تاشفین باسپانیول آمده پسر خود علی بن
یوسف را بسلطنت بعضی از بلاد اسپانیول برقرار مینماید (دانمارک) اریک سیم پادشاه که حزو مجاهدین بسمت بیت
المقدس می آمد در جزیره قبرس درگذشت اینواقعه را بعض مورخین فرنگ بسال بعد نسبت میدهند

سنه ۱۱۰۴ مسیحی — سنه ۴۹۸ هجری

آسیا وفات برکیارق بن ملکشاه در ربیع الآخر در بروجرد که نعش او را باصفهان حمل نموده دفن کردند عمر برکیارق بیست و
پنجسال و مدت سلطنتش دوازده سال و چهار ماه و لی اغلب بزد و خورد و دواهی عظیم مبتلا بود بعد از او بموجب وصیت او
ایاز که برکیارق او را اتابک ملکشاه پسر خود کرده بود با عساکر ملکشاه را ببغداد برده در آنجا باسم او خطبه خواندند
آمدن محمد برادر برکیارق ببغداد و وقوع صلح ما بین او و ایاز اتابک ملکشاه و اکرام محمد نسبت بملکشاه و ایاز و استقرار
امر سلطنت محمد در عشر آخر جمادی الاولی و کشتن او ایاز را در سیزدهم جمادی الاخره وفات سقمان بن ارتق بن اکسک
در ماه صفر و سقمان حصن کیفا و ماردین را مالک بود و پس از او برادرش ایلغازی ماردین را تملک نمود و حصن کیفا
بپسرش ابراهیم بن سقمان رسید و اینمحل را مالک بود تا درگذشت و ملک او ببرادرش داود بن سقمان منتقل شد پس از
داود قرا ارسلان بن داود این ملک را مالک آمد کشتن باطنیه وقت سحر در حوالی دیه حجاج هند و ماوراء النهر و خراسان
وغیرها را که پس از قتل اموال و دواب آنها را بغارت بردند وفات محمد بن علی بن حسن معروف بابن ابی الصقر فقیه شافعی
که تقوی و شعر او غلبه داشت

سنه ۴۹۹ هجری — سنه ۱۱۰۵ مسیحی

آسیا ۱ تملک سیف الدوله صدقة بن مزید صاحب حله بصره را که بعد ها در همین سال تکریت را هم مسخر نمود ظهور دولت بنی طغتکین در شام کردن مجاهد بن فرنک فامیه را (شهریست در شام) جنگ مجاهد بن مذکور با اهل طرابلس که پنج سال طول کشیده و ثبات ابو علی بن عمار صاحب طرابلس و ابتلای اهل طرابلس بغلا و سختی **اروپا** (دانمارک) سلطنت اینمملکت به نیکلا نامی رسید

سنه ۵۰۰ هجری — سنه ۱۱۰۶ مسیحی

آسیا ۱ کشته شدن فخر الملک ابو المظفر علی بن نظام الملک در روز عاشورا در نیشابور بدست باطنیه و فخر الملک پسر بزرگ نظام الملک بود و وزارت برکیارق و سنجر را نموده و سلطان سنجر قاتل او را بکشت دادن سلطان محمد موصل و جاهائیرا که بدست جکرمش بود باقطاع جاولی که او با بولایت آمده با جکرمش جنگ کرد و جکرمش در ینوقت بمرض فالج مبتلا بود و بدست عساکر جاولی اسیر شد و مع ذلک اهل موصل شهر را تسلیم ننمودند و جکرمش در ینحال برد و اهل موصل قلعه قلیج ارسلان بن سلیمان را مستدعی شدند و آمدن ابن بلد را متصرف شد و ملکشاه پسر خود را حاکم موصل قرار داد و بجنگ جاولی پرداخت و در این جنگ مفقود و نابود شد ملکشاه پسر او نزد سلطان محمد رفت و موصل جاولی را شد غلبه عساکر سلطان محمد بر شاه در که قلعهٔ بود در حوالی اصفهان و متصرف باطنیه و بزرگ باطنیه احمد بن عبد الملک بن عطاش بود که با جمع کثیری کشته شد و شاه در را عساکر سلطان محمد خراب کردند و فات امیر شرخاب بن بدر بن مهلهل معروف با بن ابی الشوک کردی صاحب اموال کثیره و اسبهای زیاد که بجست در ری آمده و برادرش منصور بن بدر بجای او برقرار آمد و امارت در خاندان او صد و سه سال بماند انقراض دولت اکراد و آل اخشید در دینور و شهر زور **اروپا** (المان) بواسطه شراره دنبال دار طلوع پادشاه یقین بمرگ خود کرده و در ظرف همین سال میمیرد **افریقا** وفات یوسف المرابط ابن تاشفین ملقب بامیر المسلمین در مراکش در سن صد سالگی برقرار شدن پسرش علی بن یوسف بن تاشفین بجای او که علی نیز ملقب بامیر المسلمین شد

سنه ۵۰۱ هجری — سنه ۱۱۰۷ مسیحی

آسیا ۱ کشته شدن سیف الدوله صدقة بن منصور بن دبیس بن مزید در جنگ با عساکر سلطان محمد عمر صدقه پنجاه و نه سال و امارتش بیست و یکسال و بعقیده ابن اثیر او است که حله را در عراق بنا کرد اما ابو الفدا از اینفقره استعجاب کرده گوید حله قبل از صدقه بوده است ممکن است صدقه بواسطه ابنیه عمده حله را صورت قصبه داده باشد بهر حال صدقه متشیع و صاحب جاه و شان عظیم و سبب جنگ او با سلطان محمد اینکه سلطان محمد بر ابو دلف سرخاب بن کیخسرو صاحب ساوه غضب کرد ابو دلف پناه بصدقه برد سلطان محمد او را از صدقه خواست صدقه از تسلیم کردن او امتناع نمود لهذا جنگ در گرفت و صدقه کشته شد و پسرش دبیس و ابو دلف مذکور اسیر شدند **افریقا** وفات تمیم بن المعز بن بادیس حکمران افریقیه (قیروان) در هفتاد و نه سالگی که چهل و شش سال و ده ماه و بیست روز امارت کرده بود و تمیم مرد با ذکاوت شاعر حلیمی بود و چون بمرد صد پسر و شصت دختر داشت برقرار شدن پسرش یحیی بن تمیم بجای او و یحیی در اینوقت چهل و سه سال و شش ماه داشت

سنه ۵۰۲ هجری — سنه ۱۱۰۸ مسیحی

آسیا ۱ فرستادن سلطان محمد لشکری بسرکردگی مودود بن الطنتکین بموصل برای انتزاع نمودن اینشهر را از جاولی و فرار کردن جاولی بر جبه و مسلم شدن موصل مودود را و آمدن جاولی در حوالی اصفهان بخدمت سلطان و طلب عفو کردن و معفو

شدن دادن سلطان محمد شحنگی بغداد را بمجاهد الدین بهروز و امر کردن او را که سرای سلطنتی در بغداد بنا نماید و حسن
سلوک بهروز در بغداد و چون سلطان محمد ببغداد رفت بهروز را شحنه تمام عراق نمود کشته شدن جماعتی از باطنیه در
شیزر و وفات خطیب ابوزکریا یحیی بن علی التبریزی از ائمه لغت صاحب تصانیف کثیره

سنه ۱۱۰۹ مسیحی

سنه ۵۰۳ هجری

آسیا فتح طرابلس شرقیه بدست عیسویان مجاهد بعد از طول محاصره و این طرابلس در این وقت در تصرف نواب خلیفه
علوی مصری بود

سنه ۱۱۱۰ مسیحی

سنه ۵۰۴ هجری

آسیا تملک مجاهدین صیدا را بطور امان و رفتن صاحب انطاکیه با جماعتی از مجاهدین به اثارب که در نزدیکی حلب است و
محاصره کردن این محل را و امتداد قتال و غلبه مجاهدین که از اینجا به ازدنا رفتند این محل را نیز بغلبه گرفتند مصالحه کردن ملک
رضوان با مجاهدین فرنگ بدادن اموال کثیره رعب اهل شام از مجاهدین مذکوره و مصالحه حکمرانان این مملکت با آنها که از
جمله صاحب شهر صور و صاحب شیزر و صاحب حماة بودند که هر یک مبلغی مال المصالحه بمجاهدین دادند وفات کیا الهراسی
الطبری که اسم او ابوالحسن علی بن محمد بن علی و از علما و فضلا و مدرس مدرسه نظامیه بغداد بود (کیا در فارسی شخص بزرگ
جلیل القدر را گویند) رفتن پادشاه مجاهدین فرنگ بمملکت مصر و رسیدن به فرما و آتش زدن و سوزاندن ایشان مسجد جامع
این بلد را و قصد کردن او مراجعت بشام را که در بین راه درگذشت مورخین آسیا اسم این پادشاه را بردویل نوشته ولی در تواریخ
فرنگ چنانکه ذکر نمودیم بودوین ضبط است برخی این واقعه را بسال پانصد و یازده نسبت داده اند

سنه ۱۱۱۱ مسیحی

سنه ۵۰۵ هجری

آسیا فرستادن سلطان محمد لشکری بسرکردگی مودود صاحب موصل بجنگ مجاهدین که پیشرفتی برای عساکر سلطان
محمد نشد وفات ابوحامد محمد بن محمد بن محمد الغزالی ملقب بحجة الاسلام زین الدین طوسی صاحب کتب مشهوره

سنه ۱۱۱۲ مسیحی

سنه ۵۰۶ هجری

آسیا وفات تیل ارمنی صاحب بلاد ارمن که پیش از فوت او حکمران انطاکیه که از مجاهدین فرنگ بود قصد این بلاد کرد در این
رفتن بسیس معروف بود بمود ولی در راه درگذشت و سیرجال ارمن را تملک نمود وفات سکمان (ارسقمان) صاحب خلاط و برقرار
شدن ظهیرالدین ابراهیم بجای او که حکمرانی خلاط را داشت تا در سال پانصد و بیست و یک وفات نمود و برادرش احمد بن
سکمان بجای او حکمرانی خلاط یافت و پس از ده ماه او نیز درگذشت و مادر احمد و ابراهیم اینانج خواتون دختر ارکان
بحکمرانی خلاط پرداخت و سکمان بن ابراهیم بن سکمان با او بود ولی چون قصد اعدام پسرزاده خود را کرد که مستقل الحکمرانی
کند ارکان دولت او را خفه کردند و پسرزاده او شاه ارمن سکمان بن ابراهیم را بجای او برقرار کردند و این در سال پانصد
و بیست و هشت بود

سنه ۱۱۱۳ مسیحی

سنه ۵۰۷ هجری

آسیا جنگ مسلمین با مجاهدین فرنگ در طبریه و فرار مجاهدین و کشته شدن مودود صاحب موصل بعد از این جنگ
در جامع دمشق بدست یکنفر از باطنیه وفات ملک رضوان بن تتش بن الب ارسلان حکمران حلب که پسرش الب ارسلان اخرس
بجای او والب ارسلان بواسطه لکنتی که داشت باخرس معروف شد و مادرش دختر باغی سیان صاحب انطاکیه بود و در عهد
الب ارسلان لؤلؤ خادم مباشرت امور را داشت وفات اسمعیل بن احمد الحسین البیهقی در بیهق و وفات محمد بن احمد بن محمد

برقرار شده

ابیوردی

ابیوردی ادیب شاعر و محدّث از بنی امیه و صاحب اشعار رائق است وفات محمد بن احمد بن الحسن بن عمر شاشی مکنّی با بوبکر فقیه شافعی مصنف کتاب مستظهری وفات محمد بن طاهر مقدسی از حفاظ **اروپا** (روس) فوت اسویاتوپولك دویم در شهر کیف وسلطنت پسر برادرش اوزولد در سلطنت اسویاتوپولك طایفه یهود بواسطه تجارت راهی در این مملکت پیدا کردند

سنه ۵۰۸ هجری — سنه ۱۱۱۴ مسیحی

آسیا دادن سلطان ولایت موصل را با آقسنقر برسقی و امر کردن با مرا و حکام اطراف که بهمراهی برسقی بجنگ مجاهدین فرنك روند جنگ برسقی و ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین و فرار برسقی که بعد ایلغازی از سلطان خائف شده نزد طغتکین مالك دمشق رفت و این دو بمجاهدین مذکور نامه نوشته معاونت از آنها خواستند پس از آن ایلغازی از دمشق ببلاد خود مراجعت کرد و چون جمعیتی همراه خود نداشت در حوالی حمص قیرخان بن قراجا صاحب حمص او را بگرفت و مدتی در بند او بماند تا عهد بوسنی کرده و رها شد وفات علاء الدوله ابو سعد مسعود بن ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی حکمران غزنین که پس از او پسرش ارسلان شاه بن مسعود بجای او برقرار شد و برادران خود را بگرفت و بهرامشاه از برادران او بگریخت و بسلطان سنجر حکمران خراسان پناه برد سنجر از او شفاعت نمود ارسلان شاه قبول نکرد لهذا سلطان سنجر با عساکر و فیلهای خود رو بغزنین نهاد و ارسلان شاه را منهزم کرد و بر غزنین استیلا یافت و اموال زیاد بدست آورد و سلطنت را بر بهرامشاه مقرر نمود و بازگشت ارسلان شاه که بهند فرار کرده بود با جمعیتی بجنگ بهرامشاه آمد بهرامشاه باز با معاونت سپاه سنجر بر او غالب آمده او را بگرفتند و بکشتند و این در سال پانصد و دوازده بود کشته شدن تاج الدوله الب ارسلان اخرس صاحب حلب بدست غلامان خود و برقرار شدن برادرش سلطان شاه بن رضوان بجای او و امور باز بدست لؤلؤ خادم بود زلزله در عراق عرب و شام

سنه ۵۰۹ هجری — سنه ۱۱۱۵ مسیحی

آسیا فرستادن سلطان محمد لشکر جراری بجنگ طغتکین صاحب دمشق و ایلغازی صاحب ماردین و کرفتن این لشکر حماه را که از طغتکین بود بغلبه و تسلیم کردن آنرا با میر قیرخان بن قراجا صاحب حمص و اقامت عساکر مزبوره در حماه و اجتماع ایلغازی و طغتکین و مجاهدین فرنك که انطاکیه و طرابلس و غیرها از آنها بود در فامیه اما چون زمستان در رسید مجاهدین متفرق شدند و طغتکین و ایلغازی ببلاد خود رفتند بعد از آن قشون اسلام بکفرطاب که در تصرف مجاهدین بود رفتند و در این بلد استیلا یافتند بعد معره کران نیز مجاهدین را بود شتافتند و از آنجا عزیمت حلب نمودند صاحب انطاکیه در راه آنها را منهزم نمود آمدن سلطان محمد ببغداد و آمدن طغتکین صاحب دمشق بخدمت او و استرضا نمودن و راضی شدن سلطان از او و برگردانیدن او را بدمشق گرفتن سلطان محمد موصل و مضافات را از آقسنقر برسقی و دادن باقطاع امیر جیوش بك و باقی ماندن برسقی در رحبه که اقطاع او بود وفات ابو شجاع دیلمی از حفاظ

سنه ۵۱۰ هجری — سنه ۱۱۱۶ مسیحی

آسیا وفات جاولی سقاوه در فارس که بعد از عزل از موصل سلطان محمد او را والی فارس کرده بود وفات ابو محمد حسن بن مسعود بن محمد معروف بفراء البغوی صاحب تصانیف جلیله (بغوی منسوب است ببلده خراسان که آنرا بغ و بغشور ابن میکویند) بعضی وفات ابو محمد را در سال پانصد و شانزده نوشته اند شوکت محمود شبانکاری بعد از فوت جاولی وفات ابوبکر سمعانی از حفاظ

افریقیا وفات یحیی بن تمیم بن المعز بن بادیس حکمران افریقیه روز عید اضحی و برقرار شدن پسرش یحیی بجای او

سنه ۵۱۱ هجری — سنه ۱۱۱۷ مسیحی

آسیا وفات سلطان محمد بن ملکشاه در بیست و چهارم ذیحجه که سی و شش سال و چهار ماه و شش روز عمر کرده بود و جلوس
پسرش محمود بر تخت سلطنت در بیست و هشتم ذیحجه کشته شدن لؤلؤ خادم که در حلب استیلا یافته بود و بعد از او و پس از اختلاف
حلب تسلیم ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین شد و او پسرش حسام الدین تمرتاش را در آن ولایت بحکومت برقرار کرد غرق شهر سنجار
و هلاک خلقی کثیر و خراب شدن خانه‌ها از عجایب که حکایت کرده‌اند سیل گهواره را که طفلی در او بود ببرد گهواره بدرخت
زیتونی متعلق شده و بعد از آنکه آب کم شد طفل زنده و سلامت بود حمله کردن مجاهدین فرنگ بر محله بیرون شهر حماة
که زیاده از صد هزار نفر را بکشتند و بمحل خود باز گشتند وفات یحیی بن مهدی اصفهانی مورخ زلزله در عراق عرب و عراق عجم

سنه ۵۱۲ هجری — سنه ۱۱۱۸ مسیحی

آسیا عزل کردن سلطان محمود سلجوقی مجاهد الدین بهروز را از شحنگی بغداد و برقرار کردن آقسنقر برسقی را بجای او و رفتن
بهروز بتکریت که اقطاع او بود و مدبر امور دولت سلطان محمود وزیر الطبیب ابو منصور بود رها کردن سلطان محمود دبیس بن
صدقه را که از زمان قتل پدرش در حبس سلطان محمد بود و چون رها شد بحله رفت و اعراب و اکراد دور او جمع شدند وفات
المستظهر بالله احمد بن المقتدی بامر الله که عمرش چهل و یکسال و شش ماه و چند روز و مدت خلافتش بیست و چهار سال و
سه ماه و یازده روز بود خلافت پسرش المسترشد بالله ابو منصور فضل بن احمد بیست و نهمین خلیفه عباسی که قاضی ابو الحسن
دامغانی از مردم برای او بیعت گرفت وفات ابو زکریا یحیی بن عبد الوهاب بن منده اصفهانی محدث مشهور که در حدیث
صاحب تصانیف حسنه می‌باشد وفات ابو الفضل احمد بن محمد بن خازن که ادیب و صاحب اشعار نیکو بود **اروپا** (رم)
فوت پاسکال دویم پاپ

سنه ۵۱۳ هجری — سنه ۱۱۱۹ مسیحی

آسیا جنگ سلطان سنجر با پسر برادرش سلطان محمود در خاک ری در نزدیکی ساوه و انهزام محمود و فرود آمدن سلطان
سنجر در حمام او و وقوع صلح بینهما بر اینکه اسم سلطان سنجر در خطبه مقدم بر اسم سلطان محمود باشد استیلای سنجر بر ری
که این ولایت را نیز بر متصرفات خود افزود آمدن سلطان محمود در ری نزد سلطان سنجر و اکرام نمودن سنجر نسبت با و جنگ
ایلغازی بن ارتق و مجاهدین فرنگ در خاک حلب و انهزام مجاهدین و کشته شدن سرجال صاحب انطاکیه و بعد از این جنگ
ایلغازی اثارب و زردنا را از چنگ مجاهدین منتزع نمود دادن سلطان سنجر محمد را شحنگی عراق را به بهروز پیدا شدن قبر
حضرت ابراهیم خلیل و قبور دو پسرش اسحق و یعقوب علیهم السلام در نزدیکی بیت المقدس و جمعی اجساد آنها را که پوسیده بود
دیدند و در مغاره که این اجساد پیدا شد قندیلهای طلا و نقره بود

سنه ۵۱۴ هجری — سنه ۱۱۲۰ مسیحی

آسیا جنگ ما بین مسعود بن سلطان محمد که موصل و آذربایجان او را بود با سلطان محمود برادرش و هزیمت مسعود و پنهان
شدن او در جبال و فرستادن نزد محمود و امان خواستن و امان یافتن و رفتن نزد محمود و اکرام زیاد محمود نسبت با و
و چون دبیس بن صدقه ما بین فتنه شده محمود بجانب او راند همینکه عساکر محمود بحله نزدیک شد دبیس پناه با یلغازی برد و
اخر امر براین قرار گرفت که دبیس برادرش منصور را بطور گروی در ملازمت محمود بگذارد خروج گرجیها و گرفتن تفلیس را
بغلبه و کشتن بسیاری از مسلمانان را و نهب کردن اموال آنها را وفات ابو سعد عبد الرحیم بن عبد الکریم بن هوازن القشیری
که عزای او را در بلاد بعیده گرفتند **افریقا** ابتدای امر محمد بن عبد الله بن تومرت علوی حسینی از قبیله مصامده از اهل
جبل السوس از بلاد مغرب که پس از تحصیل علم در مشرق بمغرب برگشته بنای امر بمعروف و نهی از منکر را گذاشت و در نزدیکی

بجای عبد المؤمن بن علی الکومی با او پیوست و ابن تومرت ملقب بمهدی شد و کار او بالا گرفت و چنین وانمود کرد او مهدی صاحب الامر است
و در سنهٔ پانصد و بیست و چهار با علی بن یوسف بن تاشفین بقتال پرداخت و عساکر او منهزم شد و او چون بیمار شده
بود بمرد و بموجب وصیت او عبد المؤمن که او را امیر المؤمنین لقب داده بود بر اتباع او رئیس شد و عبد المؤمن در مغرب فتوحات
نمود و دولت مرابطین را منقرض کرد و چون مراکش مفتوح او شد در آن شهر اقامت نمود و مقر سلطنت موحدین انتخاب و مراکش
دار الملک او شد پس انقراض دولت مرابطین در سنهٔ پانصد و چهل و دو واست و چهار نفر از مرابطین حکمرانی کرده یوسف بن
تاشفین و پسرش علی بن یوسف و تاشفین بن علی و اسحق بن علی مدت ملک مرابطین هشتاد سال بوده است

سنه ۵۱۵ هجری — سنه ۱۱۲۱ مسیحی

اسیا دادن سلطان محمود موصل و اعمال آنرا مثل جزیره و سنجار باقطاع امیر آقسنقر برسقی و دادن سلطان محمود میافارقین
را باقطاع امیر ایلغازی متزلزل شدن رکن یمانی از بیت الله الحرام شرفه الله تعالی از زلزله که بعضی از آن خراب شد
وفات ابو محمد القاسم مصنف مقامات حریری که تقریبا در چهارصد و چهل و شش متولد شده بود و از ائمه نحو و لغت
و صاحب مصنفات جلیله بود و مقامات را بنام ابو شیروان بن خالد بن محمد وزیر سلطان محمود سلجوقی انشا کرد
حریری بصری المولد منسوب به بعید الفرس میباشد کشته شدن مؤید الدین حسین بن علی بن محمد الطغرائی منشی دئلی
از اولاد ابو الاسود دئلی از اهل اصفهان که عالم و فاضل و شاعر و منشی بود و در خدمت ملکشاه بن الب ارسلان در
دیوان طغرا پاسبت داشت سلطان مسعود او را منصب وزارت داد و چون جنگ درمیان سلطان مسعود و برادرش
محمود در گرفت مسعود منهزم و طغرائی اسیر و مقتول شد و ابن بعقیده قاضی شهاب الدین استاد شیخ عز الدین
علی بن اثیر گوید طغرائی را سلطان محمود در سنهٔ پانصد و چهارده بتهمت فساد عقیده بکشت طغرائی زیاده از
شصت سال داشت و مصنفات در علم کیمیا دارد و قصیده لامیة العجم معروف از او ست یافتن در بغداد زلزله
در حجاز **افریقیا** وفات امیر علی بن یحیی بن تمیم حکمران افریقیه که پنج سال و چهار ماه امارت کرده بود برقرار شدن
پسرش حسن بن علی بجای او و حسن چون دوازده ساله بود صندل خواجه بتدبیر ملکی مشغول شد وفات علی بن جعفر بن
علی محمد معروف بابن قطاع نحوی عروضی از ائمه لغت و علم ادب در مصر و علی بن جعفر را تصنیفات جلیله است کشته شدن
امیر الجیوش افضل بن بدر جمالی بدست اجامرهٔ مصر که اموال بحساب و نفایس بیشمار از ماملک و بخلیفه آمر باحکام الله
علوی رسید

سنه ۵۱۶ هجری — سنه ۱۱۲۲ مسیحی

اسیا کشته شدن سلطان محمود جیوش بیک را و جیوش بیک کسی بود که با سلطان مسعود در جنگ و قتال سلطان محمود
همراهی داشت وفات ایلغازی بن ارتق صاحب میافارقین که بعد از او پسرش تمرتاش قلعه ماردین را مالک شد و پسر دیگرش
سلیمان میافارقین را تملک نمود و پسر برادرش سلیمان بن عبد الجبار حکومت حلب را داشت و این حکمرانی بماند تا پسر عم او
بهرام بن ارتق ابو لایت را از او بگرفت اضافه کردن سلطان محمود شهر واسط را بر ولایات آقسنقر برسقی و عامل قرار
دادن برسقی عماد الدین زنگی بن آقسنقر را بر واسط وفات عبد القادر بن محمد بن عبد القادر بن محمد از ثقات و حافظ حدیث

سنه ۵۱۷ هجری — سنه ۱۱۲۳ مسیحی

اسیا جنگ سخت خلیفه المسترشد با دبیس بن صدقه که خلیفه خود در این جنگ حاضر بود و دبیس منهزم شده
پیش از آن با عرب منتفق متفق گردیده بصره را غارت نمود و بشام رفت و مجاهدین فرنگ ابا بکر بن جلب محرک شد تسلیم

کردن سلیمان بن عبدالجبار بن ارتق قلعه اثارب را بمجاهدین فرنک رفتن بملک بن بهرام بن ارتق بحران که آنرا تملک نمود
وچون از عجز پسر عم خود سلیمان با خبر شد بحلب رانده آنولایت را نیز بگرفت گرفتن مجاهدین فرنک حرث وبرث را از
بلک واسترداد بلک آن را وفات قاسم بن هاشم علوی الحسنی امیر مکه وبرقرار شدن پسرش ابو فلیته بجای او رفتن امیر
محمود بن قراجا صاحب حماة بتاخت محله بیرون شهر فامیه وخوردن تیری بدست که بعدها از زخم او را بکشت و اهل حماة از
ظلم او آسوده شدند وحماة را طغتکین صاحب دمشق تملک نمود وفات احمد بن محمد بن علی معروف بابن خیاط شاعر دمشقی
صاحب اشعار فایقه (بیت المقدس) جنگ سخت کشتیهای ونیز با اعراب در بندر یافا

سنه ۱۱۲۴ مسیحی
سنه ۵۱۸ هجری

آسیا کشته شدن بهرام بن ارتق صاحب حلب در محاصره قلعه منبج فتملک تمرتاش بن ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین حلب را
تملک مجاهدین فرنک شهر صور را که از خلفای علویین بود بعد از طول محاصره اتفاق مجاهدین مذکور با دبیس بن صدقه
ومحاصره نمودن حلب را وساختن خانه ها در بیرون شهر واستدعای اهل حلب قدوم آقسنقر برسقی صاحب موصل را که او آمد
وآنولایت تسلیم او شد ومجاهدین برفتند وفات حسن بن صباح رئیس اسمعیلیه صاحب الموت گرفتن کشتیهای ونیز شهر تیر را
از مسلمانان دمشق (تیر همان نقطه ایست که از مردان واقع شده) وفات ابو الفضل احمد المیدانی صاحب مجمع الامثال

سنه ۱۱۲۵ مسیحی
سنه ۵۱۹ هجری

آسیا رفتن برسقی بکفرطاب وانتزاع کردن آن را از مجاهدین فرنک ورفتن بعزاز واجتماع مجاهدین مذکور وشکست
دادن برسقی را وکشته شدن خلق کثیری از مسلمین وفات سالم بن مالک بن بدران بن مقلد بن مسیب صاحب قلعه جعبر و
برقرار شدن پسرش مالک بن سالم بجای او

سنه ۱۱۲۶ مسیحی
سنه ۵۲۰ هجری

آسیا کشتن چند نفر از باطنیه در جامع موصل قسیم الدوله آقسنقر برسقی حکمران موصل را قسیم الدوله آقسنقر
مملوکی بود ترکی شجاع ومتدین ونیکو سیرت وپسرش عز الدین مسعود در آنوقت در حلب بود چون خبر کشته شدن پدرش را
شنید بموصل آمده بجای او برقرار شد جنگ طغتکین صاحب شام ومجاهدین فرنک که عاقبت مجاهدین منهزم شدند
تملک مجاهدین رفنیه را وفات ابو الفتوح احمد بن محمد بن محمد الغزالی واعظ برادر ابو حامد غزالی که معروف بکرامات است
وکتاب احیاء العلوم برادرش را در یک جلد ملخص نموده آنرا لباب الاحیاء نامید

سنه ۱۱۲۷ مسیحی
سنه ۵۲۱ هجری

آسیا دادن سلطان محمود شحنگی عراق را بعماد الدین زنگی بن آقسنقر بعلاوه ولایت واسط که داشت رفتن سلطان محمود
از بغداد رفتن مسعود بن آقسنقر برسقی صاحب موصل برحبه ومحاصره کردن آن را که چون بیمار بود در روز تسلیم رحبه در
گذشت وبعد از او جاولی که از ممالیک برسقی بود برتق وفتق امور پرداخت وبرادر مسعود را که صغیر بود بحکمرانی برداشت
ونزد سلطان مسعود فرستاده ولایت او را استدعا نمود سلطان مسعود قبول نکرده عماد الدین زنگی پسر آقسنقر را ولایت
موصل داد واز بغداد بآنولایت آمده بمهام ملکی پرداخت ورحبه را بجاولی غلام برسقی داد وبعد از آن نصیبین وسنجار وحران
وجزیره ابن عمر را نیز تملک نمود دادن سلطان محمود شحنگی عراق را بعد از رفتن عماد الدین بموصل بمجاهد الدین بهروز وفات محمد بن
عبدالملک بن ابراهیم الفرضی الهمدانی صاحب التاریخ سلطنت کردن اتابکهای آذربایجان وفارس ولرستان بطور استقلال

سنه ۱۱۲۸ مسیحی
سنه ۵۲۲ هجری

آسیا

آسیا ۱ تملک عماد الدین زنکی حلب را در محرم اینسال و در بین راه که بحلب می آمد منبج و بزاعه را هم تملک نمود آمدن سلطان سنجر بهمراهی دبیس بن صدقه که پناه باو برده بود از خراسان بری و ماضر شدن سلطان محمود بخواهش سلطان سنجر بحضور او و اکرام کردن سلطان سنجر نسبت بسلطان محمود و نشاندن او را با خود بر تخت سلطنت و امر کردن باو که با دبیس بطور احسان حرکت کند و معاودت سلطان سنجر بخراسان وفات طغتکین صاحب دمشق در ماه صفر و طغتکین از ممالیک تتش بن الب ارسلان و مردی عاقل خیری بود و ملقب بظهیر الدین پسر او بوری بود بن طغتکین ملقب بتاج الملوک بوجب ولایت عهدیکه از پدرش داشت بجای او برقرار آمد

سنه ۵۲۳ هجری — سنه ۱۱۲۸ مسیحی

آسیا ۱ طغیان کردن دبیس مجدداً بر سلطان محمود و بر خلیفه و ارسال و مرسول فیمابین برای صلح که صورت نگرفت و تجهیز سلطان محمود لشکر جراری برای تنبیه دبیس و حرکت کردن از بغداد و غارت نمودن دبیس بصره و اموال خلیفه و سلطان را و رفتن بطرف بر اجتماع اسمعیلیه در دمشق و مساعدت وزیر تاج الملوک بوری که طاهر بن سعد مزدغانی نام داشت با آنها و قوت اسمعیلیه که تاج الملوک خبر شده مزدغانی را بکشت و امر بقتل اسمعیلیه نمود و اهل دمشق شش هزار نفر از اینطایفه را بقتل رسانیدند و اسمعیل نام از اسمعیلیه که در قلعه بانیاس اسیتلا یافته بود این قلعه را تسلیم مجاهدین فرنک نمود انتزاع نمودن عماد الدین زنکی حماة را از تصرف سونج پسر تاج الملوک بوری صاحب دمشق بعد از آنکه سونج را گرفت با بعضی امرای دیگر حبس نمود تملک مجاهدین فرنک حصن قدموس را وفات ابو الفتح اسعد بن ابو نصر فقیه شافعی مدرس مدرسه نظامیه که نزد خلیفه مرتبه عظیم و قبول عامه داشت وفات شریف حمزة بن هبة الله بن محمد العلوی الحسینی النیشابوری صاحب شرافت نسب و نفس و تقوی که زیدی مذهب بود

سنه ۵۲۴ هجری — سنه ۱۱۲۹ مسیحی

اسیا ۱ جنگ عماد الدین زنکی با مجاهدین فرنک در شام که آنها را منهزم کرد و بعد اثارب را نیز بغلبه فتح نمود و قلعه آنرا ویران ساخت که بهمین حال باند تبستن بدیع اسطرلابی که در شرف بغداد که با تمام نرسید تملک سلطان مسعود (محمود) قلعه الموت را وفات ابراهیم بن عثمان بن محمد الغزی در قلعه بلخ که در همین جا مدفون شد و ابراهیم از شعرای بزرگوار است ظهور عقرب پرنده در بغداد زلزله در حیات **افریقا** کشته شدن آمر باحکام الله علوی خلیفه مصر در اثنای تفرج بدست یکی از باطنیه و چون آمر اولاد نداشت پسر عم او الحافظ لدین الله عبد المجید بن ابو القاسم بن المستنصر بعنوان نیابت بجای او برقرار شد و ابو علی احمد بن افضل بن بدر جمالی را وزیر خود قرار داد ولی ابو علی حافظ را بی دخل کرد و خود بر امور غلبه نمود و هرچند در قصر خلافت بود لیکن برای خود آورد آمر در همین خلیفه علوی بود عمرش سی و چهار سال و مدت خلافتش بیست و نه سال و پنجماه و پانزده روز

سنه ۵۲۵ هجری — سنه ۱۱۳۰ مسیحی

اسیا ۱ گرفتار شدن دبیس بن صدقه بدست طایفه کلبیه در شرف غوطه سکنی داشتند و بردن او را نزد تاج الملوک بوری حکمران دمشق و حبس کردن بوری او را و شنیدن عماد الدین زنکی این واقعه را و نوشتن بتاج الملوک که دبیس را باو تسلیم کند و در عوض سونج پسر تاج الملوک را با امرائیکه با او در بند داشت رها نماید و چنین کردند و دبیس چون جنگهای سخت با عماد الدین کرده بود نیز موضع یقین بر هلاک خود نمود ولی بر عکس عماد الدین نهایت احسان را باو کرد و باو اموال و اسلحه و دواب داد و او را بر خود مقدم داشت و دبیس با عماد الدین بود تا وقتیکه بطرف عراق روانه شدند چنانکه بیاید و خلیفه مسترشد چون

کرفتاری بپسر راشنیدند رد عماد الدین فرستاد و تبعید او را از او بخواست ولی او اطاعت خلیفه نکرد وفات سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه بن
الب ارسلان سلجوقی در همدان درماه شوال در بیست و هفت سالگی که دوازده سال و نه ماه و بیست روز سلطنت کرده بود
پس از او ابو القاسم النسابادی وزیر سلطان محمود پسرش داود بن محمود را بجای او برقرار کرد و آقسنقر احمدیلی اتابک داود شد
زدن باطنیه دو ضربت بتاج الملوک توری صاحب دمشق که یکی شفا یافت و دیگری او را در صدمه داشت ولی بازیکسال رهاری سبب که میکرد
وفات حماد بن مسلم الرحبی الرباشی زاهد مشهور صاحب کرامات

سنه ۵۲۶ هجری

سنه ۱۱۳۱ مسیحی

آسیا گرفتن سلطان مسعود بن سلطان محمد سلطنت را از برادرزاده خود داود بن محمود و حرکت کردن سلجوق بن سلطان
محمد حکمران فارس بطلب سلطنت و آمدن او ببغداد و اتفاق خلیفه المسترشد با او و اتابک سلجوق قراجا بو کمک خواستن
مسعود از عماد الدین زنکی برای جنگ با خلیفه و سلجوق و جنگ قراجا اتابک سلجوق با عماد الدین و منهزم شدن عماد الدین
و رفتن بتکریت و عبور کردن از این بلد و دزدار (قلعه تکریت) نکریت نجم الدین ایوب بود و در این وقت خدمات بعماد الدین کرد
و عماد الدین ببلاد خود رفت و این عمل نجم الدین سبب اتصال او بعماد الدین شد و بدینجهة بعدها سلاطین آل ایوب بلاد را
تملک نمودند خلاصه پس از جنگ آرا براین متفق شد که سلطنت مسعود را باشد و برادرش ولیعهد او آنگاه سلطان سنجر از
خراسان با طغرل پسر سلطان محمد که برادرزاده او بود بطلب سلطنت برای طغرل حرکت کردند و جنگ درمیان سنجر و مسعود و
سلجوق در گرفت و مسعود منهزم شد بعد سلطان سنجر مسعود را امان داد و احضار نموده اکرام کرد و طغرل را بسلطنت
نشانید و در جمیع بلاد خطبه باسم او خواندند و سلطان سنجر بخراسان بازگشت آمدن عماد الدین زنکی و دبیس بن صدقه
بجنگ خلیفه المسترشد و شکست خوردن او از عساکر خلیفه در حصن برامکه در کنار دجله در بیست و هفتم رجب و کشته شدن
خلق کثیری وفات تاج الملوک توری صاحب دمشق بجهة زخمی که از باطنیه داشت در بیست و یکم رجب که چهار سال و پنجماه و چند روز
امارت کرده بود و پسر خود شمس الملوک اسمعیل را جانشین نموده و پسر دیگر خود شمس الدوله را حکومت بعلبک و اعمال آن داده

افریقا پیش غلبه ابو علی بن افضل بن بدر جمالی وزیر الحافظ لدین الله را برادر ذکر کردیم ابو علی خطبه علویین را قطع نموده و
باسم خود خطبه میخواند و حی علی خیر العمل را از اذان بینداخت لهذا شیعه علویین از او رنجیده او را بکشتند و با الحافظ بیعت کردند
و پیش از این الحافظ در بند ابو علی بود

سنه ۵۲۷ هجری

سنه ۱۱۳۲ مسیحی

آسیا منزع نمودن شمس الملوک اسمعیل بن توری صاحب دمشق قلعه بانیاس را از چنگ مجاهدین فرنگ اتفاق سلطان
مسعود و برادرزاده او داود بن محمود و جنگ کردن با طغرل و غلبه نمودن بر او محاصره کردن خلیفه المسترشد موصل را که زیاده
بفتح آن نشده ببغداد بازگشت گرفتن شمس الملوک اسمعیل شهر حماة را که در تصرف عماد الدین زنکی بود در دویم شوال
جنگ ترکمن در حوالی طرابلس و آن نواحی با مجاهدین فرنگ خریدن اسمعیلیه حصن قدموس را از صاحب آن ابن عمرون وفات
علی بن یعلی بن عوض الهروی الواعظ که در خراسان بسیاری باو معتقد بودند وفات ابو فلیته امیر مکه معظمه که بعد از او
ابو القاسم امارت این شهر شریف یافت

سنه ۵۲۸ هجری

سنه ۱۱۳۳ مسیحی

آسیا گرفتن شمس الملوک اسمعیل بن توری صاحب دمشق حصن شقیق را که سپرده ضحاک بن جندل رئیس وادی تیم بود
و معارضه او با مجاهدین فرنگ که آخر کار منجر بصلح شد استیلای عماد الدین زنکی بر جمیع قلاع اکراد حمیدیه که از جمله قلعه

عفر و قلعه سوش و غیرها بود و بعد از آن بر قلاع هکاریه و کواشی نیز مستولی شد کشتن ابن دانشمند صاحب ملطیه شبیاری از مجاهدین فرنگ را که در شام بودند صلح خلیفه المسترشد با عماد الدین زنکی **اروپا** (المان) لترودوییم در مملکت المان سلطنت مینماید (اسپانیول) وفات ابو الصلت اندلسی

سنه ۵۲۹ هجری — سنه ۱۱۳۴ مسیحی

آسیا زلزله در جبال وفات طغرل بن سلطان محمد در محرم و طغرل بعد از شکست خوردن از برادرش مسعود بر جبل استیلا یافته بود و بعد از او مسعود بر جمیع بلاد مستولی شد کشته شدن شمس الملوک اسمعیل بن توری بن طغتکین بدست جماعتی که با مادر او در قتل او مواضعه داشتند و چون ظالم بود مردم از کشته شدن او مسرور شدند و بعد از او برادرش شهاب الدین محمود بن توری بجای او برقرار شد محاصره کردن عماد الدین دمشق را بعد از قتل شمس الملوک و نایل نشدن بفتح آن جنگ خلیفه المسترشد با سلطان مسعود و غلبه سلطان که خلیفه را که در بند خود داشت و میکردانید تا بعد و فرسخی مراغه نزول کرده بود و در بیوقت سلطان سنجر باین نواحی سید سلطان مسعود با عساکر خود باستقبال سلطان سنجر رفت خلیفه تنها در چادری بود یکی از باطنیه داخل خیمه شده او را کشت و دماغ و کوشهای او را برید و این در روز یکشنبه هفدهم ذیقعده بود عمر المسترشد چهل و سه سال و سه ماه و خلافتش هفده سال و شش ماه و بیست روز خلافت الراشد بالله ابو جعفر المنصور بن المسترشد هر روز دوشنبه بیست و هشتم ذیقعده و نوشتن سلطان مسعود اینفقره را ببغداد و حاضر شدن بیست و یکنفر از اولاد خلفاد در مجلس بیعت الراشد کشته شدن دبیس بن صدقه در دروازه خیمه بامر سلطان مسعود بدست غلامی ارمنی و در بیوقت پسرش صدقه بن دبیس در حله بود و عساکر پدرش بدور او جمع آمدند **اروپا** (اسپانیول) تسلیم نمودن مستنصر بن هود حصن توطه را که از بلاد اندلس است بپادشاه طلیطله وقوع صلح بینهما (پورتوغال) تشکیل پادشاهی در این مملکت **افریقا** استیلای فرنگ بر جزیره جربه از اعمال افریقیه و فرار و اسر مسلمین کشتن الحافظ لدین الله علوی پسر خود حسن را که وزارت داده بود و او باسوء سیرت رفتار مینمود مردم و عساکر متفق شدند که براو و الحافظ شورش کنند الحافظ خبر شده پسر خود را مسموم نمود و تاج الدوله بهرام نصرانی را وزیر کرد و او همها را بدو اعمال عامل نمود

سنه ۵۳۰ هجری — سنه ۱۱۳۵ مسیحی

آسیا تسلیم کردن اولاد امیر قیرخان شهر حمص و قلعه آن را بشهاب الدین محمود بن توری صاحب دمشق باینکه تدمر را در عوض بآنها واگذار کند چنانکه کرد و معین الدین انز را که از ممالیک جد او بود شهاب الدین حکمران حمص نمود رفتن عساکر عماد الدین زنکی بر سر مجاهدین فرنگ و آوردن غنایم و اسیر بیاد که شام مملو از آن شد خلع کردن سلطان مسعود راشد را بجهه اینکه با او مخالفت کرده و اقدام بجنگ نموده بود و میخواست او را از سلطنت خلع کند و داود بن سلطان مسعود را سلطان نماید برقرار شدن محمد بن مستظهر ملقب شدن بالمقتفی لامر الله و مقتفی عم راشد و مستظهر برادر مسترشد بود وفات محمد بن حمویه از مشایخ **اروپا** اگرچه انکشاف امریک بعد از سیصد سال شد اما طایفه اسکاندیناو از طرف شمال یک قسمتی از امریک را منکشف کرده بودند چنانکه در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار عیسوی اینفقره معلوم کردید

طایفه اسکاندیناو اهالی سوئد و نروژ میباشند

سنه ۵۳۱ هجری — سنه ۱۱۳۶ مسیحی

آسیا جنگ عماد الدین زنکی با مجاهدین فرنگ و کرفتن حصن بعرین را از آنها با پنجاه هزار دینار و ضعف حال مجاهدین بالنسبه و قوت حال ملوک مسلمان این نواحی کریختن محمود خان حاکم سمرقند از کورخان در جنگ خجند و کشته شدن او

اروپا جنگ مابین پادشاه روس و پادشاه لهستان پادشاه روس ملتفت بکسالی **افریقا** عزل کردن الحافظ علوی خلیفه مصر وزیر خود بهرام نصرانی را بجهت اهانتی که از جانب کارگذاران او نسبت بمسلمانان شده بود و دادن وزارت خود را برضوان ابن الوکحشی و ملقب کردن او را بملک افضل و این اول وزیر مصر است که ملک لقب یافت ولی میان الحافظ و این وزیر هم خلاف درگرفت و آخر الامر الحافظ او را بکشت و دیگر قبول وزیر ننمود و تا بود خود با مور رسیدگی میکرد

سنه ۵۳۲ هجری — سنه ۱۱۳۷ مسیحی

آسیا ۱ گرفتن عماد الدین زنکی حمص را آمدن امپراطور قسطنطنیه با قشون خود بشامات و زد و خورد عساکر عماد الدین زنکی با آنها که بالمآل امپراطور از غلبه در این حدود مأیوس شد و بازگشت و بسیاری از قشون او بدست عساکر زنکی کشته شدند و غنایم بسیار از آنها را شد و عماد الدین در طرابلس و شامات فتوحات نمود کشته شدن الراشد مخلوع در اصفهان بدست چند نفر خراسانی که در خدمت او بودند و مدفون شدن او در ظاهر اصفهان بشهرستان گرفتن تمرتاش بن ایلغازی صاحب ماردین قلعه هتاخ را از دیار بکر و این قلعه بدست یکی از بنی مروان ملوک ماردین بود و این آخر شخصی بود که از بنی مروان مانده زلزله در عراق عرب **اروپا** (رم) قانون ژوستینین قیصر که مفقود شده بود دوباره بدست آمد و انتشار نسخه های متعدد از روی آن برداشتند

سنه ۵۳۳ هجری — سنه ۱۱۳۸ مسیحی

آسیا ۱ رفتن سلطان سنجر با عساکر خود بخوارزم و جنگ کردن با خوارزمشاه اتسز بن محمد بن انوشتکین و منهزم شدن اتسز و استیلای سنجر بر خوارزم (هزار اسب) که حکمرانی برای ابن مملکت برقرار کرده بممالک خود بازگشت و چون سلطان سنجر از خوارزم دور شد باز اتسز آمد و بر این مملکت مستولی شد کشته شدن سه نفر از خواص شهاب الدین محمود بن بوری او را در رختخواب کرده و دو نفر از آنها بدست آمده مصلوب شدند و یکی فرار کرد و بعد از شهاب الدین برادرش جمال الدین محمد بن بوری که صاحب بعلبک بود بدمشق آمده این مملکت را مالک شد گرفتن عماد الدین زنکی بعلبک را و بدار زدن اهل قلعه بعلبک را بعد از آنکه امان بآنها داده بود و این نظر ها خیلی ناشایسته آمد و بعلبک را جمال الدین و قتیکه مالک دمشق شد بمعین الدین انر داده و معین الدین شوهر مادر جمال الدین بود زلزله های متوالی در شام که بسیاری از بلاد خاصه حلب را خراب کرد و از چهارم صفر تا نوزدهم امتداد داشت پوشیدن بعضی از تجار کعبه معظمه را بثیاب فاخره

سنه ۵۳۴ هجری — سنه ۱۱۳۹ مسیحی

آسیا ۱ محاصره کردن عماد الدین زنکی دمشق را و در این محاصره جمال الدین محمد بن بوری صاحب دمشق درگذشت و کوشش زنکی در گرفتن دمشق زیاد شد ولی بمقصود خود فایز نیامد و بعد از جمال الدین معین الدین انر پسرش مجیر الدین ابق بن محمد بن بوری را بجای او برقرار کرد و خود بمهام مملکت پرداخت منتزع نمودن زنکی شهرزور را از قبچق بن البارسلان شاه ترکمانی که قبچق در ملازمت زنکی بماند و در عداد عساکر او در آمد کشتن باطنیه جوهر را که از امرای عسکریه سلطان سنجر و بسیار مقرب و اداره جمله اقطاعات او یکی دی بود وفات هبة الله بن حسین بن یوسف معروف به بدیع اسطرلابی که در عمل اسطرلاب و آلات فلکیه ید طولی داشت و هبة الله را اشعار جید است که اکثر در هزل میباشد هلاک شدن دویست و سی هزار نفر در گنجه از زلزله

سنه ۵۳۵ هجری — سنه ۱۱۴۰ مسیحی

آسیا ۱ سلطان سنجر برده و عصای حضرت رسول صلی الله علیه و آله را از مسترشد که گرفته بود در اینسال در رسول سلطان

سنجر اینه و مخلف معظم را نزد المتنفی معاودت داد تملک اسمعیلیه حصن مصیاف را در شام وکشتن والی این حصن را که از
ممالیک بنی منقذ صاحب شیرز بود **افریقا** گرفتن عبد المؤمن حصار مراکش را بعد از یکسال محاصره کشته شدن محمد بن
عبید الله بن خاقان در فندق مراکش و محمد بن عبید الله از ادبای فاضل بود و چندین کتاب تالیف کرده که از جمله قلائد
العقیان است

سنه ۵۳۶ هجری — سنه ۱۱۴۱ مسیحی

آسیا بعد از جنگ سلطان سنجر با اتسز خوارزمشاه وکشتن پسر او اتسز به دولت ختا نوشته آنها را بطمع ملک
ماوراء النهر انداخت و بارسال لشکر جراری از ختا بقصد گرفتن ماوراء النهر حرکت کرد و سنجر نیز با عساکر زیادی
بمقاتله آنها شتافته لشکر ختا غالب و عساکر سلطان سنجر منهزم شد و زوجه سلطان سنجر اسیر گردید و چون لشکر
سلطان سنجر بکلی متفرق گشت اتسز خوارزمشاه نیز بخراسان آمده بنهب اموال سنجر و بلاد او پرداخت و دولت ختا
و ترک (کورخان) در ماوراء النهر استقرار یافت

سنه ۵۳۷ هجری — سنه ۱۱۴۲ مسیحی

اسیا فرستادن عماد الدین زنکی لشکری بفتح قلاع هکاریه و فتح کردن آن لشکر قلعه اسب را که اعظم و امنع حصون اکراد
هکاریه بود و چون این قلعه مفتوح شد عماد الدین حکم کرد آنرا خراب کردند و قلعه معروف بعمادیه را بساختند و عمادیه قلعه بزرگی بود
اما خراب چون عماد الدین او را مرمت و آباد کرد منسوب باو شد و آنرا عمادیه گفتند و وفات محمد بن دانشمند صاحب ملطیه و
سرحد که بعد از او مسعود بن قلیج ارسلان سلجوقی صاحب قونیه بلاد او را تملک نمود انقراض دولت کاکویه در فارس و
استقلال اتابکان از فروع آل بویه در این مملکت **افریقا** رفتن مجاهد بن فرنک از دریا از صقلیه بطرابلس غرب و محاصره
کردن آنرا و مراجعت نمودن

سنه ۵۳۸ هجری — سنه ۱۱۴۳ مسیحی

اسیا صلح مابین سلطان مسعود و عماد الدین زنکی فرستادن زنکی عساکر خود را بدیار بکر و فتح کردن آنها طنزه و اسعرد
و حیزان و حصن الروق و حصن فطلیس و حصن باتاسا و حصن ذی القرنین را و گرفتن از ماردین جملین و موزر و تل موزن از
حصون شختان را که بتصرف مجاهد بن فرنک بود رفتن سلطان سنجر با عساکر خود بخوارزم و محاصره کردن اتسز را و قبول
نمودن اتسز اطاعت سلطان سنجر را و مصالحه فیما بین و عود سنجر بمرو و تملک زنکی عانه را از اعمال فرات کشته شدن داود بن
سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه و معلوم نشدن قاتل او وفات ابو القاسم محمود بن عمر النحوی الزمخشری که در رجب سنه چهارصد
و شصت و هفت متولد شده بود زمخشر قریه ایست در خوارزم و زمخشری منسوب باین قریه و از ائمه علوم و مصنف مفصل
است در نحو و کشاف در تفسیر و مصنفات دیگر و چون زمخشری در مکه مجاور شد او را جار الله گویند و اشعار
بسیار خوب دارد

سنه ۵۳۹ هجری — سنه ۱۱۴۴ مسیحی

اسیا گرفتن عماد الدین زنکی رها و شهر سروج و ادس و سایر اماکنی که بتصرف مجاهد بن فرنک بود دادن مجاهد بن
مذکور بیره را نیز از خوف عماد الدین بنجم الدین صاحب ماردین **اروپا** انکلیس (انکلیسها) قبول قانون شیاصره روم را نمودند
افریقا وفات تاشفین بن علی بن یوسف بن تاشفین حکمران مغرب و برقرار شدن برادرش اسحق بجای او و ضعف
امر ملثمین و قوت عبد المؤمن چنانکه بیش هم گفته شد گرفتن فرنکیها شهر برسک را

سنه ۵۴۰ هجری — سنه ۱۱۴۵ مسیحی

آسیا سلطان مسعود میخواست علی بن دبیس بن صدقه را در قلعه تکریت حبس کند علی که بخشنه بر حله مستولی شده و
جمعیتی بادی دور او را گرفته قوتی بهم رسانید استقلال اتابکان آذربایجان حبس کردن خلیفه المقتفی برادرش ابوطالب را
و بعضی دیگر از اقارب خود را وفات مجاهد الدین بهروز که زیاده از سی سال در عراق حکم میکرد بهروز خواجه و سفید بود
وفات شیخ ابو منصور موهوب بن احمد الجوالیقی اللغوی از علمای دانشمند **اروپا** وفات ابوبکر یحیی بن عبدالرحمن بن بقی
الاندلسی القرطبی شاعر مشهور صاحب موشحات بدیعه گرفتن فرنگیها شنترین و تاجرو و ماردة و اشبونه و سایر معاقل
این نواحی را از بلاد اندلس **افریقا** اقتدار عبدالمؤمن حکمران مراکش و غیره اینطایفه شیعی مذهب و ملقب بامیر
المؤمنین میشوند

سنه ۵۴۱ هجری — سنه ۱۱۴۶ مسیحی

آسیا کشته شدن عماد الدین زنگی بدست ممالیک خود در پنجم ربیع الاخر در وقتیکه خود او قلعه جعبر را محاصره کرده بود
و یکدسته لشکر او فنک دیگر مجاور جزیرهٔ ابن عمر است در بند محاصره داشتند و صاحب قلعهٔ جعبر مالک بن سالم بن مالک بن
بدران بن مقلد بن مسیب العقیلی بود و صاحب فنک حسام الدوله کردی بشنوی خلاصه زنگی در رقه مدفون شد و پسرش
نور الدین محمود که با او بود انگشتری پدرش را از انگشتش بیرون آورده بحلب رفت و اینولایت را تملک نمود و الب ارسلان بن محمود
بن سلطان محمد سلجوقی که در صحبت زنگی بود و همیشه زنگی میگفت ممالک متصرفی من از این پادشاه است و من اتابک اویم
و بهمین واسطه باتابک مشهور شده برقه رفته و بزرگان دولت زنگی پسر او سیف الدین غازی که در شهرزور بود واقعه را
اعلام نمودند او بموصل آمده بجای زنگی برقرار شد و عساکری که بدور الب ارسلان جمع بودند متفرق شدند و الب ارسلان
بموصل آمد که اینولایت را تملک نماید غازی بن زنگی او را گرفته در قلعه موصل حبس کرد و حکمرانی او مستقر گردید آمدن
مجیر الدین ابق صاحب دمشق بمحاصره بعلبک که نجم الدین ایوب بن شاذی مستحفظ آن بود چون نجم الدین یقین نداشت که
اولاد زنگی بتوانند بزودی امداد او کنند با مجیر الدین مصالحه نمود و بعلبک را باو تسلیم کرد و مجیر الدین چند قریه
از بلاد دمشق باو داد و نجم الدین بدمشق آمده ساکن شد **اروپا و افریقا** استیلای عبدالمؤمن بر اندلس و گرفتن شهر
فاس (فز) را در ماه (رُم) اژن سیم در رُم پاپ میشود پادشاه فرانسه و پادشاه المان متعهد فرستادن کمک
برای مجاهدین بیت المقدس میشوند طایفه یهود که در سواحل رود رن در المان سکنی داشتند تماما مقتول میشوند
(سیسیل) در این جزیره شروع بزراعت نیشکر و ابریشم مینمایند

سنه ۵۴۲ هجری — سنه ۱۱۴۷ مسیحی

آسیا ورود نور الدین محمود بن زنگی صاحب حلب به بلادیکه در تصرف مجاهدین فرنک بود و گرفتن ارتاح را
بغلبه و محاصره کردن مامولة و بصرفوث و کفرلاثا ظهور دولت آل سلغر در فارس و کرمان زلزله در حلوان **اروپا**
پادشاه فرانسه و پادشاه المان بسمت بیت المقدس حرکت کرده از راه مجارستان بقسطنطنیه آمدند

سنه ۵۴۳ هجری — سنه ۱۱۴۸ مسیحی

آسیا جنگ نور الدین محمود بن زنگی با مجاهدین فرنک بارض یغری و اخذ غنیمت و اسیر زیاد که انها را برای برادرش سیف
الدین غازی صاحب موصل فرستاد غلاء [illegible] در خراسان و عراق و شام حتی بلاد مغرب خرابی سواد عراق از لشکر مسعود
دراینسال سلاطین المان و فرانسه بزحمت [illegible] ی خود را باسیای صغیر رسانیدند و پادشاه فرانسه لوئی بانطاکیه

ورود کرد و از آنجا ببیت المقدس آمد ابو الفدا گوید درینسال پادشاه المان با لشکر جراری بشام آمده دمشق را محاصره نمود صاحب دمشق مجیر الدین انر بن محمد بن تور بن طغتکین بود و معین الدین انر ملوک طغتکین بتدبیر ملک میپرداخت در ششم ربیع الاول عساکر پادشاه المان بر دمشق غلبه کرده و پادشاه المان بمیدان اخضر نزول نمود انر نزد سیف الدین غازی صاحب موصل فرستاده از او استمداد نمود سیف الدین بهمراهی نور الدین برادرش با لشکر بکمرداشتند و بشام نهاده بحمص رسیدند و اینمعنی از قوت لشکر فرنک بکاست و انر نزد مجاهدین فرنک که در شام بودند فرستاده با آنها وعده نمود که اگر عساکر پادشاه المان بدلالت آنها برو نداو قلعه بانیاس را با آنها بدهد مجاهدین مزبور دلالت کرده پادشاه المان و قشون او از دمشق رفتند و انر هم بوعده خود وفا نمود کشته شدن نور الدوله شاهنشاه بن ایوب برادر صلاح الدین بدست عساکر فرنک که دمشق را محاصره کرده بودند **افریقیا** گرفتن فرنکیها شهر مهدیه را از اعراض ملوک بنی بادیس در افریقیه ملوک بنی بادیس نه نفر بودند و ابتدای دولتشان در سیصد و شصت و یک بود

سنه ۱۱۴۹ مسیحی — سنه ۵۴۴ هجری

آسیا وفات سیف الدین غازی پسر عماد الدین زنکی صاحب موصل در اواخر جمادی الآخره که سه سال و یکماه و بیست روز حکمرانی کرده بود و در سال پانصد متولد شده و سیف الدین طفل ذکوری داشت که آنهم بزودی درگذشت لهذا مملکت او ببرادرش قطب الدین مودود بن زنکی رسید و قدخز مرتاش صاحب ماردین را قطب الدین بگرفت و اولاد قطب الدین از او بوجود آمدند جنگ نور الدین محمود بن زنکی با حکمران انطاکیه که از مجاهدین فرنک بود و غلبه نور الدین و وفات معین الدین انر مدبر مهام دمشق دادن المقتفی عباسی وزارت خود را با بو المظفر یحیی بن هبیره وفات قاضی ناصح الدین ارجانی قاضی شوشتر که اسمش احمد بن محمد بن حسین و صاحب اشعار فایقه بود **اروپا** طایفه یونان شهر کرفو را متصرف شدند پادشاه فرانسه بازحمت زیادی خود را از بیت المقدس بفرانسه رسانید **افریقیا** عبد المؤمن غیر از متصرفاتی که در اسپانیول پیدا کرد در افریقا الوزر (الجزایر) و بونس و مهدیه را نیز فتح نمود وفات الحافظ لدین الله علوی خلیفه مصری در جمادی الاخره که نوزده سال و هفتماه خلافت کرده بود در هفتاد و هفت سالگی خلافت به پسرش الظافر بامر الله ابو منصور اسمعیل بن الحافظ که عادل بن سلار در وزارت او چنان مسلط شد که حکمی برای الظافر نماند

سنه ۱۱۵۰ مسیحی — سنه ۵۴۵ هجری

آسیا در چهاردهم محرم اینسال عرب جمیع حجاج را در میانه مکه معظمه و مدینه طیبه کرفتند و اکثر آنها هلاک شدند و باوطان خود نرسیدند رفتن نور الدین محمود بن زنکی بفامیه و محاصره کردن قلعه آنرا و منتزع نمودن آن را از دست مجاهدین فرنک وفات امیر علی بن دبیس بن صدقه صاحب حله استقرار اتابکان لرستان **اروپا** مملکت سوئد که منقسم بچندین ناحیه بود سلطنت مستقله شده قبول پادشاهی میکند (اسپانیول) آمدن الفنس پادشاه تلد (طلیطله) بجانب کرمو (قرطبه) و محاصره کردن سه ماه این بلد را و چون نایل بفتح آن نشد بمملکت خود عود نمود

سنه ۱۱۵۱ مسیحی — سنه ۵۴۶ هجری

آسیا غلبه نور الدین و استیلای آنبر اکثر بلاد متصرفی مجاهدین فرنک بعد از اسیر شدن جوسلین که از رؤسای شجاع دانشمند مهاجرین مزبور بود وفات ادیب صابر از شعرای معروف عجم زلزله در شام **اروپا** (رم) ترجمه انجیل و تورات از عبری بزبان لاتن

سنه ۱۱۵۲ مسیحی — سنه ۵۴۷ هجری

آسیا

۱ وفات سلطان مسعود بن محمد بن ملکشاه در همدان که فی الحقیقه بثبوت او سعادت آل سلجوق با منقرض شد تولد مسعود در سال پانصد و دو بوده بعضی وفات او را در سال قبل نوشته اند بعد از قرار شدن ملکشاه بن محمود پسر برادر مسعود بموجب وصیت او بسلطنت اما امیری خاص بیک نام که اول پسر ترکمانی بود در خدمت سلطان مسعود مقامی یافته و بر ملک غلبه داشت ملکشاه را گرفته حبس کرد و محمد بن محمود برادرش را از خوزستان طلبیده بر تخت سلطنت نشانید و قصد خاص بیک این بود که محمد را نیز خلع و خود پادشاه شود اما محمد در روز دویم وصول خود او را گرفته بکشت و زنگی جاندار را نیز با او مقتول ساخت فتح کردن نور الدین زنگی دولوک را وفات حسام الدین تمرتاش بن ایلغازی صاحب ماردین و میافارقین که زیاده از سی سال امارت کرده بود برقرار شدن پسرش نجم الدین ایلبی بن تمرتاش بن ایلغازی ارتق بجای او

ابتدای ملوک غور و انقراض دولت آل سبکتکین

اول شخص غوریه محمد بن حسین است که سمت مصاهرت بهرامشاه بن مسعود پادشاه غزنین را داشت و چون او بخدعه با بهرامشاه حرکت میکرد بهرامشاه او را بکشت و بعد از او برادرش سوری (سوری) بجای او برقرار شد و بخونخواهی برادرش لشکر بغزنین راند و با بهرامشاه جنگ کرد و بهرامشاه غالب آمد بعد علاء الدین حسین بن حسین برادر آن دو غوری امالک شده بغزنین آمد و بهرامشاه را شکست داد و بر این ولایت مستولی شده برادرش سیف الدین سام بن حسین را در غزنین گذاشته و بغور بازگشت درینوقت اهل غزنین به بهرامشاه عریضه نوشته قدوم او را مستدعی شدند و بغزنین راند بر سیف الدین سام غالب آمد و او را بکشت پس از چندی بهرامشاه درگذشت و پسرش خسروشاه بجای او برقرار آمد علاء الدین حسین ملک غور تهیه دیده رو بغزنین نهاد و چون با سواد لاهور به بکشد خسروشاه از غزنین بلهاور رفت و علاء الدین غزنین را مالک شده سوز و غارت کرد پس از آن علاء الدین ملقب بسلطان معظم شد و بعادت سلاطین سلجوقی چتر بر سر گرفته و پادشاه بود تا در سال پانصد و پنجاه و شش درگذشته و پسر برادرش غیاث الدین محمد بن سام بن الحسین که داماد او بود بجای او برقرار شد و در دولت او شهاب الدین برادرش کرمان و شنوران و ماه سند را بر ممالک او افزوده و لهاور را که خسروشاه در او بود در سنه پانصد و هفتاد و نه بگرفت و خسروشاه و پسرش را اطمینان داده نزد غیاث الدین فرستاد و غیاث الدین ان دو را در یکی از قلاع حبس کرده و دولت آل سبکتکین که در سال سیصد و شصت و شش ابتدای آن بود در سال پانصد و هفتاد و هشت منقرض شد و بعضی گفته اند خسروشاه در زمان سلطنت درگذشته و پسرش ملکشاه بعد از او پادشاه شد مختصر سلطنت غوریه در لهاور استقرار یافت بعد هرات و بوشنج و بادغیس و کالین و بیوار هم ضمیمه متصرفات غیاث الدین و شهاب الدین شد انگاه شهاب الدین در هند رفته فتوحات نمایان کرد و مملکت وسیعی را متصرف شد و شهر دهلی را که یکی از قاعده های بلاد هند بود بمملوک خود قطب الدین ایبک داد و قطب الدین نیز بلاد چند از اقاصی هند که تا آن وقت مطلقا مفتوح سلاطین مسلمان نشده بود بگرفت تا نزدیک بچین شد وفات اوحد الدین انوری شاعر بسیار معروف عجم

اروپا

(اللمان) کنراد سیم پادشاه و نصب فردریک اول بجای او

افریقا

رفتن عبد المؤمن بن علی به بجایه و گرفتن آن را و مسخر کردن جمیع ممالک بنی حماد را و آخر ملوک بنی حماد یحیی بن عزیز بن حماد بود که چون مغلوب عبد المؤمن شد از او امان خواست عبد المؤمن او را امان داد و ببلاد مغرب فرستاد و وظیفه نسبتا عمده برای او مقرر داشت این نقل ابن اثیر است اما ابو الفدا از تاریخ قیروان نقل کرده که بعد تملک عبد المؤمن تونس و افریقیه را در سال پانصد و پنجاه و چهار بوده است

سنهٔ ۵۴۴ هجری

سنه ۵۴۸ هجری — سنه ۱۱۵۳ مسیحی

آسیا شکست سلطان سنجر از طایفه غز که یکی از قبایل ترک بودند و گرفتار شدن سنجر بدست این طایفه و نهب و غارت نمودن غزها تمام خراسان سوای هرات و دهستان که بجهت حصانت این دو موضع محفوظ ماند چون سلطان سنجر اسیر شد یکی از ممالیک او ایبه نام که ملقب بالمؤید بود مستولی بر نیشابور و طوس و نسا و ابیورد و شهرستان و دامغان شد و غزها را از این نواحی براند عبای حسن سیرت را بگذاشت و مملوک دیگر سنجر موسوم باینانج و هادی الملوک بری استیلا یافت وفات بهرام شاه غزنوی و جلوس خسرو شاه پسرش بجای او وفات ابو الفتح محمد بن عبد الکریم بن احمد الشهرستانی المتکلم اشعری مذهب از ائمه علم کلام و فقه صاحب مصنفات عدیده که از جمله ملل و نحل است (شهرستان اسم سه شهر بوده است یکی بخراسان میانه نیشابور و خوارزم که شهرستانی صاحب ملل و نحل از این شهر است دویم شهریست در خاک فارس سیمی در جی اصفهان) فتح عسقلان بدست پادشاه عیسوی بیت المقدس و این شهر در تصرف خلفای مصری بود **اروپا** یکنفر از خانواده های سلاطین ادریسی که در جزیره سیسیل سلطنت میکردند مشهور بشریف الادریسی که در مدرسه کردو (قرطبه) تحصیل کرده بود برای رژر پادشاه کتاب جغرافی تالیف کرد و کره بهیئت نقره برای او بساخت (کتاب جغرافی شریف الادریسی نزد مؤلف موجود است) **افریقا** دمیان صقلیه تشهر تنیس از دیار مصر رسیده این بلد را غارت کردند عادل بن سلار وزیر الظافر علوی خلیفه بمصر بدست ربیب خود عباس بن ابو الفتوح صنهاجی کشته شد با اینکه سلار در تربیت او کوشیده بود پس از او عباس وزارت الظافر یافت جنگ محمد عبد المؤمن حکمران مغرب با عرب و غلبه عبد المؤمن

سنه ۵۴۹ هجری — سنه ۱۱۵۴ مسیحی

آسیا محاصره کردن المقتفی تکریت را و نایل نشدن بفتح آن منتزع نمودن نور الدین محمود بن زنگی دمشق را از مجیر الدین ابو محمد بن بوری بن طغتکین گرفتن نور الدین قلعه تل باشر را از مجاهدین فرنگ ولادت چنگیز خان **اروپا** در ساحل رود مسکوا شهر مسکو بنا شد **افریقا** کشتن عباس وزیر صنهاجی الظافر علوی خلیفه مصر را خلافت الفائز بنصر الله ابو القاسم عیسی بن ظافر اسمعیل ثانی که در وقت سه ساله یا پنجساله بود چون عباس صنهاجی الظافر را بکشت و نفایس اموال او را متصرف شد خانواده خلیفه بطلایع بن رزیک که والی منیه ابن خصیب بود و بشهامت مشهور تظلم نمودند طلایع قصد عباس کرده عباس بشام گریخت و در راه بدست مجاهدین فرنگ کشته شد و طلایع وزارت خلیفه مصر یافته ملقب بملک صالح شد

سنه ۵۵۰ هجری — سنه ۱۱۵۵ مسیحی

آسیا محاصره کردن خلیفه المقتفی دقوقا را که در اثنای محاصره شنید عساکر موصل بطرف او حرکت کرده اند دست از محاصره کشیده بازگشت هجوم غزها بر نیشابور و قتل و غارت در این بلد گویند سلطان سنجر با غزها بود ولی در بند واسم سلطنت بر او گذاشته بودند اما اعتنائی باو نمیکردند و هر وقت غذائی باو میدادند قدری از آن ذخیره میکرد که مبادا دفعه دیگر ملتفت غذا دادن او نشوند زلزله در عراق عجم

سنه ۵۵۱ هجری — سنه ۱۱۵۶ مسیحی

آسیا سلیمان شاه بن سلطان محمد سلجوقی که ببغداد آمده بود در اینسال خلیفه باو خلعت داد و او را مقلد امر سلطنت کرد وخطبه باسم او خواندند و او با عساکر خلیفه ببلاد جبل راند که این بلاد را مسخر کند و جنگ میان او و پسر عمش سلطان محمد بن

محمود بن محمد در کرفت و سلیمان شاه منهزم شد و خواست از طرف شهرزور ببغداد رود زین الدین علی کوچک نایب
قطب الدین مودود بن زنکی صاحب موصل او را دستگیر نمود و در قلعهٔ موصل او را مکرما در حبس داشت وفات
خوارزمشاه اتسز بن محمد بن انوشتکین که در سنهٔ چهارصد و نود متولد شده بود سلطنت پسرش ارسلان بن اتسز
بعد از او کریختن سلطان سنجر از بند غزها و آمدن بترمد و از ترمد بجیحون و رسیدن بمرو در ماه رمضان وفات
ملک مسعود بن قلیج ارسلان سلجوقی حکمران آسیای صغیر و برقرار شدن قلیج ارسلان بن مسعود بجای او محاصره کردن
ملک محمد بن سلطان محمود سلجوقی بغداد را و تحصن خلیفه در دار خلافت و در این ضمن ملک محمد شنید که برادرش
ملکشاه و دکز صاحب بلاد اران و ملک ارسلان بن ملک طغرل بن محمد داخل همدان شده اند لهذا دست از محاصره کشیده
باز کشت (دکز مذکور مادر ملک ارسلان را تزویج کرده بود) حریق شدید در بغداد وفات ابو الحسن بن خل شیخ
شافعیه در بغداد که زیاده از نود سال داشت کشته شدن مظفر بن حماد صاحب بطیحه در حمام و برقرار شدن پسرش
بجای او وفات واوا الحلبی شاعر مشهور وفات حکیم فیلسوف ابو جعفر بن محمد البخاری باسفراین **اروپا** (اسپانیول)
نشان سن ژولیین کبیر الکانترا (القنطره) موسوم است در اسپانیول ایجاد شد

سنه ۱۱۵۷ مسیحی
سنه ۵۵۲ هجری

آسیا زلازل شدیده در شام در ماه رجب که بسیاری از بلاد را خراب و ویران کرد و خلق کثیری هلاک شدند و حکمرانان
شیزر که بنی منقذ مخصوصا در زیر آوار مانده بودند و بهمین جهت نور الدین زنکی در سال بعد در جمادی الاولی شیزر را تملک نمود و
بر جمیع متصرفات بنی منقذ استیلا یافت وفات سلطان سنجر در ربیع الاول و سنجر پسر خواهر خود را که محمود بن محمد بن بغراخان باشد
در مرض موت خود در خراسان جانشین خویش ساخت سلطان سنجر از سلاطین بزرک کریم بود و مدت چهل سال در اکثر منابر
اسلام خطبه بنام او بلفظ سلطان میخواندند و پیش از آن تقریبا بیست سال او را ملک میگفتند و جانشین او در خراسان
خاقان از غزها منهزم پس گرفتن نور الدین بن زنکی بعلبک را بر گرفتن المقتفی عباسی در کعبه را که بجای آن دری مصفح بنقرهٔ مطلا
شده ساخته نصب نمود و از در قدیمی تابوتی برای خود ترتیب داد وفات محمد بن عبد اللطیف بن محمد الخجندی رئیس اصحاب
شافعی در اصفهان که مقام بلندی نزد سلاطین داشت قحط مفرط در خراسان **افریقا** استیلای ابو سعید بن عبد المؤمن
بر غرناطه از بلاد اندلس که آن را از ملثمین گرفت و این طایفه منقرض شدند و از برای آنها جائی جز جزیره میورقه نماند بعد ابو سعید
بجزیره اندلس رانده مریه را که بدست فرنکیها بود منتزع کرد

سنه ۱۱۵۸ مسیحی
سنه ۵۵۳ هجری

آسیا آمدن ملکشاه بن سلطان محمود سلجوقی بقم و کاشان و غارت کردن اینها و شهرها و برادر او سلطان محمد بن محمود که
بعد از مراجعت از محاصره بغداد مریض شده بود و ناخوشی او طول کشیده نزد ملکشاه فرستاده که دست از طلب بکشد
تا او را ولیعهد خود کند ملکشاه قبول نکرد و بخوزستان رفته این ولایت را از ید شمله ترکمانی منتزع نمود وفات یحیی بن
سلامة بن الحسن الحصکفی (الحصافی) شاعر شیعه در میافارقین

سنه ۱۱۵۹ مسیحی
سنه ۵۵۴ هجری

آسیا وفات سلطان محمد بن محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی در ماه ذیحجه بمرض سل در همدان که تولد او در ربیع الاخر سال
پانصد و دو شده بود چون محمد محتضر شد پسری صغیر داشت او را با آقسنقر احمدیلی سپرد و گفت من میدانم عساکر از چنین طفل
صغیری اطاعت نخواهند کرد تو او را محافظت کن بالجمله پس از سلطان محمد آرا مختلف شد طایفهٔ ملکشاه برادر او را خواستند

جمعی سلیمان شاه بن محمد بن ملکشاه را که در موصل حبس بود هواخواه کردیدند و اکثر بودند نیز ارسلان بن طغرل را که بادکن بود خواهان شدند و ملکشاه باصفهان راند و این شهر را متملک نمود بیمار... نور الدین بن زنگی استقرار سلطنت علی بن مهدی در یمن و زوال دولت بنی نجاح و علی بن مهدی حمیری از اهل قریه عنبره واقع در ساحل زبید بود و ابتدای استقرار او بعد از کشته شدن فاتک بن محمد اخر ملوک بنی نجاح و غلبه بر غلامان او روز جمعه چهاردهم رجب بود و پس از دو ماه و بیست و یکروز درگذشت و پسرش مهدی بن علی جانشین گردید وفات مهدی بن علی در تواریخ ثبت نیست همین قدر معلوم میشود که بعد از او پسرش عبد النبی بن مهدی حکمران یمن شد بعد یمن از تصرف او خارج شده برادرش عبد الله آنرا متصرف شد پس از چندی باز بعبد النبی رسید تا در سال پانصد و شصت و نه توران شاه بن ایوب از مصر بیمن آمده این مملکت را فتح نمود و عبد النبی را اسیر کرد **ارو پا** امپراطور قسطنطنیه مانوئل بقصد جهاد با قشون زیاد بسمت مشرق حرکت نمود ولی قلیج ارسلان بن مسعود بن قلیج ارسلان حکمران آسیای صغیر او را شکست داد (رُم) فوت ادرین چهارم پاپ و نصب الکساندر سیم بجای او **افریقا** فتح کردن و گرفتن عبد المؤمن مهدیه را از مجاهد بن فرنك و استیلای او بر جمیع افریقیه

سنه ۵۵۵ هجری
سنه ۱۱۶۰ مسیحی

آسیا پس از وفات سلطان محمد چنانکه ذکر شد امرا بطلب عم او سلیمان شاه بن محمد که در موصل مکرر حبس بود فرستادند تا او را بسلطنت بردارند قطب الدین مودود بن زنگی صاحب موصل تهیه لایق بجلال سلطنت برای او دید و زین الدین علی کجک با عساکر موصل با او بهمدان آمد و استقرار یافت اما از آنجا که مولع بشرب خمر بود و غفلت از کارها مینمود عساکر بر او مسلط شدند و او را بگرفتند و بکشتند و این در ربیع الاخر سال بعد بود بعد از کشته شدن سلیمان شاه دکز شوهر مادر ارسلان شاه بن طغرل با ارسلان و زیاده از بیست هزار قشون بهمدان آمده خطبه باسم ارسلان شاه خواندند و سلطنت او راشد و دکز از مادر ارسلانشاه دو پسر بهم رسانیده یکی معروف بپهلوان محمد و دیگری موسوم بقزل ارسلان عثمان دکز خود اتابکی ارسلان شاه یافت و پسرش پهلوان که برادر مادری ارسلان شاه بود حاجب شد و ارسلان شاه دکز را ببغداد فرستاد که باسم او خطبه بخوانند ولی نخواندند وفات خلیفه المقتفی لامر الله عباسی که در ربیع الاخر چهارصد و هشتاد و نه متولد شده بود مدت خلافتش بیست و چهار سال و سه ماه و شانزده روز خلافت پسرش یوسف ملقب بالمستنجد بالله که سی و دویمین خلیفه عباسی بود وفات خسرو شاه بن بهرامشاه غزنوی و برقرار شدن پسرش ملکشاه بجای او و بعضی خسرو شاه را آخرین سلاطین غزنوی دانسته اند چنانکه پیش اشاره نمودیم وفات ملکشاه بن الب ارسلان که در اصفهان او را مسموم کردند و درگذشت شیخ اسد الدین شیرکوه بن شاذی سردار عساکر نور الدین محمود بن زنگی

محمود بن محمد بن ملکشاه

ارو پا طایفه الموحدین (مهدیین) که عبد المؤمن پادشاه آنهاست چون در اسپانیول اقتداری بهم رسانیده در حوالی جبل الطارق بنام عبد المؤمن شهری بنا کردند و آنرا جبل الفتح نامیدند و این بعقیده مورخین اروپا است اما در تواریخ آسیا نوشته اند عبد المؤمن در سال پانصد و پنجاه و شش خود باسپانیول آمده این شهر را بنا کرد **افریقا** وفات الفایز بنصر الله ابو القاسم عیسی بن اسمعیل الظافر خلیفه علوی مصر که شش سال و دو ماه خلافت کرد و وقتی خلیفه شد سه ساله یا پنجساله بود بعد از الفایز صالح بن زریك العاضد لدین الله ابو محمد عبد الله بن امیر یوسف بن الحافظ را بخلافت برداشت و العاضد نیز بیش از ده دوازده سال نداشت و صالح دختر خود را در حباله نکاح او در آورده جهاز بی حسابی با او بخانه العاضد فرستاد

سنه ۵۵۶ هجری
سنه ۱۱۶۱ مسیحی

آسیا وفات ملک علاء الدین حسین بن حسین غوری در ربیع الاخر که پادشاه عادل نیک سیرتی بود برقرار شدن برادرش غیاث الدین محمد بجای او و آمدن المؤید ایبه بنشابور و گرفتن اعیان این بلد را که رؤسای مسارقین و مفسدین بودند و نهب و خرابی نیشابور که بکلی منهدم و بی سکنه شد و امر کردن ایبه بساختن شهر شادباخ (شادیاخ) که از بناهای عبدالله بن طاهر ذوالیمینین و خراب بود کشته شدن قاسم بن ابی فلیته بن قاسم بن ابو هاشم علوی حسینی امیر مکه بدست علازمان عم خود عیسی بن قاسم بن ابو هاشم و برقرار شدن عیسی بن قاسم بجای او گرفتن قرا ارسلان صاحب حصن کیفا قلعه شاتان را که از اکراد بود و خراب کردن این قلعه را و قرار دادن اعمال آن را از مضافات حصن طالب **اروپا** آمدن عبدالمؤمن بشخصه باسپانیول بعقیده مورخین فرنک **افریقا** کشته شدن ملک صالح بن رزیک وزیر العاضد علوی خلیفه مصر بتحریک عمه العاضد و قبل از آنکه صالح بمیرد العاضد عمه خود را که قتل زد صالح فرستاد و صالح او را بکشت و از العاضد خواهش کرد که پسرش رزیک بن صالح را وزارت دهد

سنه ۱۱۶۱ مسیحی
سنه ۵۵۷ هجری

آسیا آمدن گرجیها با جمعیت زیاد بطرف آذربایجان و گرفتن شهر دوین را از اعمال آذربایجان و جنگ کردن حکمران آذربایجان با گرجیها و غلبه کردن بر آنها قتال فیما بین حکمران مکه و امیر حاج که با بنو اسطه بعضی از حاج نتوانستند طواف کنند وفات کیا الصنهاجی (الصباحی) صاحب الموت رئیس اسمعیلیه و برقرار شدن پسرش بجای او و اظهار توبه کردن از قبول این مذهب وفات شیخ عدی بن مسافر زاهد ببلد هکاریه از اعمال موصل که اصل او شامی و از بلد بعلبک بود و اهل سواد و جبال این نواحی با و اعتقادی داشتند کسوف کلی **اروپا** شهر میلان در ایطالیا مفتوح فردریک اول امپراطور المان گردید

سنه ۱۱۶۲ مسیحی
سنه ۵۵۸ هجری

آسیا تملک المؤید ایبه قومس را و فرستادن سلطان ارسلان بن طغرل برای او خلعت و لوا و هدایا و خطبه خواندن باسم او در بلاد او شکست خوردن نورالدین بن زنکی از مجاهدین فرنک در وقتیکه در بقیعه در زیر حصن اکراد با عساکر خود اردو داشت آمدن بحیره (دریاچه) حمص که در اینجا بقیة السیف علازمانش باو پیوستند امر کردن المستنجد خلیفه بکوچانیدن بنی اسد که از اهل حله بودند بجهه فساد یکه در بلاد مینمودند و کشته شدن جمعی از این طایفه و منفرق شدن باقی در بلاد که اراضی آن بتصرف شخصی معروف بابن معروف درآمد وفات سدید الدوله محمد بن عبد الکریم بن ابراهیم معروف بابن انباری کاتب انشاء دار الخلافه که مرد فاضل ادیبی بود و تقریبا نود سال عمر کرده **اروپا** کلیسای بزرگ پاریس موسوم بنتردام در این سال ساخته شد چون عبدالمؤمن بن علی حکمران بلاد مغرب و افریقیه و اندلس در ماه جمادی الاخره این سال درگذشت بموجب وصیت او پسرش یوسف در اسپانیول و ماوراء آن جلوس نمود مدت حکمرانی عبدالمؤمن سی و سه سال و چند ماه بوده **افریقا** کشته شدن عادل رزیک بن صالح وزیر العاضد خلیفه مصر بدست علازمان شاور که از خدام پدرش بوده و در سعید مصر حکمرانی داشت و میخواست او را معزول کند و چون رزیک کشته شد دولت بنی رزیک منقرض گردید و بعد از او شاور بوزارت رسید و امیر الجیوش لقب یافت بعد از آن ضرغام مدعی وزارت شد و با شاور جنگ کرده او را منهزم نمود و شاور بشام آمد که از نورالدین استمداد نماید و ضرغام بجای او وزارت یافت و برای استقلال خود بسیاری از امرای مصر را بکشت و این سبب ضعف دولت شد

سنه ۵۵۹ هجری — سنه ۱۱۶۳ مسیحی

آسیا گرفتن نورالدین زنگی قلعه حارم و بانیاس راکه بتصرف مجاهدین فرنگ بود و قتل و اسر بسیاری از آنجماعت واخذ غنایم کثیره وفات جمال الدین ابو جعفر محمد بن علی بن ابو منصور اصفهانی وزیر قطب الدین مودود بن زنگی صاحب موصل که نعش او و اسد الدین شیرکوه بنابر معاهده که داشتند بمدینه منوره فرستاده در محلی دفن کردند که تا زده ذراع با مضجع حضرت رسول صلعم فاصله داشت و مآثر جمال الدین از بنای قلعه مدینه و مسجد در کوه عرفات و سقاخانه ها در عرفات و غیرها بسیار است وفات نصر بن خلف حکمران سجستان که زیاده از صد سال عمر داشت و هشتاد سال حکمرانی نموده بود وفات عمر خوارزمی خطیب و مفتی بلخ و قاضی ابو بکر محمودی (حمیدی) صاحب تصانیف و اشعار که مقاماتی بسبک حریری در فارسی نوشته است (مقامات حمیدی معروف است) **افریقیا** غلبه شاور بر ضرغام بمعاونت عساکر نورالدین زنگی بسرکردگی اسد الدین شیرکوه و کشته شدن ضرغام و رسیدن شاور مجددا بوزارت العاضد خلیفه علوی مصر که پس از استقلال با نورالدین عذر نمود

سنه ۵۶۰ هجری — سنه ۱۱۶۴ مسیحی

آسیا وفات رستم بن علی بن شهریار بن قارن پادشاه مازندران و برقرار شدن پسرش علاء الدین حسن بجای او تملک المؤید ایبه هرات را جنگ میانه قلیج ارسلان حکمران آسیای صغیر و بلاد مجاور آن که بتصرف رومیها و دومینه الصغری بود همچنین جنگ با یغی ارسلان بن دانشمند صاحب ملطیه و بلاد مجاور که آنها نیز از رومیها بود و مردن یاغی ارسلان در این بین و برقرار شدن برادرش ابراهیم بن محمد بن دانشمند بجای او و استیلای ذوالنون بن محمد بن دانشمند بر قیساریه و تملک شاهان شاه بن مسعود برادر قلیج ارسلان انکوریه (عموریه) را و صلح فیما بین ایشان وفات عون الدین وزیر ابن هبیره یحیی بن محمد بن مظفر که المقتفی میگفت احدی مثل او وزارت بنی عباس ننموده وفات ابو القاسم عمر بن عکرمه بن البرزی فقیه شافعی که اهل جزیره ابن عمر بود وفات ابو الحسن هبة الله بن صاعد معروف بامین الدوله بن تلمیذ که از معمرین و طبیب دار الخلافه و مردی حاذق و فاضل از متدینین نصاری بود و در علوم و ادب ید طولی داشت و اصابت رای و فهم او معروف است و از مصنفات جلیله او یکی قرابادین میباشد که معتمد علیه اطباست وفات حجة الافاضل علی بن محمد نحوی

سنه ۵۶۱ هجری — سنه ۱۱۶۵ مسیحی

آسیا گرفتن نورالدین زنگی حصن المنیطره را که واقع در شام است و در تصرف مجاهدین فرنگ بود وفات شیخ عبد القادر بن ابو صالح گیلانی مکنی بابو محمد که مقیم بغداد و حنبلی مذهب بود و مدرسه و رباط او در بغداد مشهور است تولد شیخ عبد القادر در سنه چهارصد و هفتاد بوده شیوع مذهب تشیع

سنه ۵۶۲ هجری — سنه ۱۱۶۶ مسیحی

آسیا و افریقیا فرستادن اسد الدین شیرکوه لشکر عمده بمصر و استیلای او بر جیزه و استمداد شاور از فرنگیها که با مصریها بطرف صعید برای شیرکوه رفتند و در شهری که اورا ابوان میگفتند تلاقی کرده مصریها و فرنگیها منهزم شده و شیرکوه بر بلاد جیزه مستولی شده و اسباب نگاهداری آنرا فراهم آورده و باسکندریه رفت و اینشهر را نیز تملک نمود و پسر برادر خود صلاح الدین یوسف بن ایوب را در اسکندریه گذاشته خود بطرف صعید معاودت نمود لشکر مصر و فرنگ صلاح الدین را در اسکندریه محاصره کرده سه ماه محصور بود تا شیرکوه بدان طرف راند و بر صلح اتفاق

المنیطره بل

نمودند باینکه مبلغی بشیرکوه بدهند بنا براین اسکندریه را بمصریها تسلیم نموده وشیرکوه بشام بازگشت ومیانه فرنگیها و مصریها نیز صلح شد باینکه شحنه از آنها در مصر باشد و دروازه های مصر را سواران آنها داشته باشند وهر سال صد هزار دینار از دخل مصر بآنها بدهند فتح کردن نورالدین صافیثا وعریمه (عریمه) را عصیان غازی بن حسان صاحب منبج بر نورالدین که نورالدین لشکری فرستاده منبج را بگرفتند وبعد از آن باقطاع قطب الدین ینال بن حسان برادرزاده غازی مذکور داد و بدست او بود تا صلاح الدین یوسف بن ایوب در سنه پانصد وهفتاد ودو از او بگرفت وفات فخرالدین قرا ارسلان بن داود بن سقمان بن ارتق صاحب حصن کیفا که پسرش نورالدین محمود بن قرا ارسلان بجای او برقرار شد وفات عبدالکریم ابوسعید بن محمد بن منصور بن ابوبکر المظفر السمعانی المروزی فقیه شافعی صاحب تصانیف مشهوره (سمعان بطنی است از تمیم)

سنه ۵۶۳ هجری — سنه ۱۱۶۷ مسیحی

آسیا مفارقت کردن زین الدین علی کجک بن بکتکین نایب قطب الدین مودود بن زنکی صاحب موصل از خدمت قطب الدین واستقرار او باربل واربل وبعضی بلاد دیگر اقطاع زین الدین بود او باربل اقتصار نموده باقی را بقطب الدین واگذار کرد وزین الدین مذکور کور وکر شده بود وفات ابوالنجیب سهروردی از مشایخ

سنه ۵۶۴ هجری — سنه ۱۱۶۸ مسیحی

آسیا منتزع نمودن نورالدین محمود قلعه جعبر را از دست شهاب الدین مالک بن علی بن مالک بن سالم بن مالک بن بدران بن مقلد بن مسیب بن عقیلی جنگ مابین ایناخ صاحب ری و دکز وغلبه دکز وگرفتن ری را وگریختن ایناخ و محصور شدن در یکی از قلاع وکشتن ایناخ او را بتحریک دکز وفات شیخ ابومحمد فارقی از زهاد معروف بکرامات وفات یاروق ارسلان ترکمانی که رباط یاروقیه منسوب باو میباشند وعمارات معروفه یاروقیه در ساحل توریق از بنای او واتباع او است **افریقا** چون فرنگیها بر بلاد مصر غلبه کردند خلیفه مصر العاضد نزد نورالدین بن زنکی فرستاده استغاثه نمود نورالدین شیرکوه را با تهیه وقشون وچند نفر از امرا که از جمله صلاح الدین یوسف بن ایوب برادرزاده شیرکوه بود بمصر فرستاد وصلاح الدین کمال کراهت را از رفتن بمصر داشت (عسی ان تکرهوا شیئا الخ) همینکه شیرکوه نزدیک بمصر رسید فرنگیها ببلاد خود باز گشتند وشیرکوه بقاهره رسید وبا العاضد ملاقات کرده العاضد باو خلعت داد وبرای او وعساکر او اجراهای وافره قرار داد آما شاور وزیر العاضد در اموال که باید با ثلث بلاد مصر برای نورالدین مقرر دارد باز مماطله مینمود وبهمین واسطه کشته شد والعاضد بشیرکوه خلعت وزارت داد وملقب بملک منصور امیرالجیوش نمود ودر دارالوزاره که جای شاور بود منزل داد وفرمانی برای او با کمال احترام نوشته جمیع امور خلافت را باو تفویض کرد چون اسدالدین شیرکوه مستقل شد ومنازعی برای او نماند در روز شنبه بیست ودویم جمادی الاخره درگذشت وتمام مدت حکمرانی او دوماه وپنج روز شد بعد از او العاضد بصلاح الدین یوسف بن ایوب خلعت وزارت داد وامرا همه بتدریج او را اطاعت کردند ودولت آل ایوب ابتدا نمود وصلاح الدین در اطاعت نورالدین بن زنکی مجد بود ونورالدین هر وقت نامه باو مینوشت او را امیر سپهسالار خطاب میکرد بعد از آن صلاح الدین نزد نورالدین فرستاده پدرش ایوب را با هرکس که داشت طلبید نورالدین آنها را بمصر فرستاد وصلاح الدین اقطاعات از قصر بلاد بآنها داد ودر این مملکت متمکن شدند وکار العاضد بضعف نهاد صلاح الدین شرب خمر مینمود همینکه امر حکمرانی بر او مقرر شد از شرب واسباب لهو اعراض وتوبه نمود و

بکار پرداخت

توضیح

اسد الدین شیرکوه و ایوب برادرش پسران شاذی بودند از اهالی شهر دوین بموجب نگارش ابن اثیر اصلا آنها از اکراد دوین بوده بهر حال بعراق آمدند و بخدمت بهروز که از جانب سلاجقه شحنه بغداد بود پرداختند و ایوب بزرگتر از شیرکوه بود و بهروز آنها را مستحفظ قلعه تکریت کرد چون عماد الدین زنکی از عسکر خلیفه شکست خورد و بتکریت گذشت ایوب و شیرکوه باو خدمت کردند بعد شیرکوه یکنفر را در تکریت کشت بهروز بان واسطه آنها را از تکریت اخراج کرد ایوب و شیرکوه بخدمت عماد الدین زنکی آمدند عماد الدین آنها را پذیرفته اقطاعات جلیله داد همینکه قلعه بعلبک را گرفت ایوب را مستحفظ آن قرار داد بعد از وفات زنکی عسکر دمشق بعلبک را محاصره کردند ایوب بعلبک را با آنها تسلیم کرد و در عوض اقطاع بزرگی از آنها دریافت نمود و ایوب از بزرگترین امرای عسکریه دمشق محسوب شد و شیرکوه با نور الدین محمود بن زنکی بود و بواسطه شجاعتی که داشت نور الدین حمص و رحبه و بعضی جاهای دیگر را باقطاع او داده بود و او را سردار عساکر خود نموده چون نور الدین قصد تملک دمشق کرد امر کرد بشیرکوه که در این باب با برادرش ایوب مکاتبه کند ایوب در این مسئله مساعد نور الدین شد و بودند با نور الدین تا مامور بمصر شدند چنانکه ذکر نمودیم

سنه ۵۶۵ هجری — سنه ۱۱۶۹ مسیحی

آسیا زلزله عظیمه که شام را خراب کرد و نور الدین بساختن دیوار دور شهرها پرداخت و بلاد را حفظ کرد و این زلزله در بلاد دیگر متصرفه مجاهدین فرنگ بود نیز خیلی خرابی نمود. وفات قطب الدین مودود بن زنکی بن آقسنقر صاحب موصل که بعد از او رجال دولت بر حکمرانی پسر کوچکش سیف الدین غازی اتفاق کردند و پسر بزرگش عماد الدین نزد عم خود نور الدین رفت که از او استمداد نماید عمر قطب الدین تقریبا چهل سال و مدت حکمرانیش بیست و یکسال و پنجماه و نیم و [illegible] ملک طغرل بیک بن قاورد بیک پادشاه کرمان و اختلاف میان اولاد او بهرامشاه و ارسلانشاه که بزرگتر بود و استقرار بهرامشاه در مملکت کرمان. وفات مجد الدین ابو بکر بن دایه رضیع نور الدین که حلب و حارم و جعبر از اقطاع او بود دادن نور الدین اقطاع مجد الدین را ببرادرش علی بن دایه وفات محمد بن محمد بن ظفر صاحب کتاب سلوان المطاع و مصنفات دیگر و اصل محمد از صقلیه بود و در حماة وفات نمود **اروپا** تشکیل پادشاهی در ناپل از ممالک ایطالیا **افریقا** محاصره کردن مجاهدین فرنک شهر دمیاط را که از یکطرف صلاح الدین بن ایوب حمله سخت بر آنها نموده از طرف دیگر نور الدین بمتصرفات شامات آنها پرداخت ناچار مجاهدین دست از محاصره کشیده مراجعت کردند

و مردن ارسلانشاه

سنه ۵۶۶ هجری — سنه ۱۱۷۰ مسیحی

آسیا وفات المستنجد بالله ابو المظفر یوسف بن المقتفی عباسی در نهم ربیع الآخر که در اول ربیع الآخر سنه پانصد و ده متولد شده بود خلافت پسرش المستضیء بامر الله حسن مکنی بابو محمد استیلای نور الدین بر موصل که بدست پسر برادرش سیف الدین غازی بن مودود بود و بعد از استیلا آن را بسیف الدین مذکور بخشید و سنجار را بعماد الدین زنکی ابن مودود داد و عماد الدین از سیف الدین بزرگتر بود استیلای خزر بر بعضی از بلاد ارمینیه و کشتن سی هزار نفر از مسلمانان را **افریقا** استیلای صلاح الدین بن ایوب بر بعضی از متصرفات مجاهدین فرنک عزل کردن صلاح الدین قضاة شیعه مصر را که از شافعیها بجای آنها گذاشت وفات قاضی ابن الخلال از اعیان فضلا و کتاب مصریین که صاحب دیوان انشا بود

سنه ۵۶۷ هجری

سنه ۵۶۷ هجری — سنه ۱۱۷۱ مسیحی

آسیا وحشت میانه نور الدین بن زنکی و صلاح الدین بن ایوب انهزام عسکر خوارزمشاه از لشکر ختا ترتیب کردن نور الدین در شام کبوتران نامه بر را وفات ابو محمد عبد الله بن احمد بن احمد المعروف بابن خشاب بغدادی عالم مشهور در ادب و نحو و تفسیر و حدیث **اروپا** (انکلیس) هانری دویم در صدد فتح و الحاق ارلند بمملکت خود میباشد (ایطالیا) ایجاد بانک در مملکت ونیز **افریقا** امر کردن نور الدین بصلاح الدین که خطبه خلفای مصریه را قطع کند و باسم خلفای عباسی در مصر خطبه بخواند و در این ضمن العاضد خلیفه علوی مصر ناخوش شد و مرض او اشتداد یافت در این حال صلاح الدین خطبه او را قطع کرد و باسم المستضیئ عباسی خطبه خواند و العاضد در روز عاشورا درگذشت بدون اینکه بداند خطبه او قطع شده و اموال و نفایس و جواهر زیاد خلافت بتصرف صلاح الدین در آمد و دولت خلفای علوی مصر منقرض شد خلفای مصر چهارده نفر بوده اند و مدت خلافتشان تقریبا دویست و هفتاد و دو سال بود چون خبر ببغداد رسید که در مصر خطبه باسم المستضیئ خوانده اند نقاره خانه زدند و خلیفه خلعت برای نور الدین و صلاح الدین فرستاد و صلاح الدین بالاصالة در مصر استقلال یافت

سنه ۵۶۸ هجری — سنه ۱۱۷۲ مسیحی

آسیا وفات خوارزمشاه ارسلان بن اتسز بن محمد بن انوشتکین که بعد از او پسرش سلطانشاه محمود بجای پدر برقرار شد و چون صغیر بود مادرش بتدبیر ملک پرداخت و علاء الدین تکش پسر بزرگ ارسلان بن اتسز در جند بود چون از فوت پدرش و جلوس برادرش مطلع شد بر او دشوار آمده از لشکر ختا استمداد نموده بجنگ برادرش سلطانشاه پرداخت و سلطانشاه نیز از ملوک اطراف کمک خواسته جنگ در میان دو برادر دایر بود تا در سال پانصد و هشتاد و نه سلطانشاه بمرد و علاء الدین تکش در مملکت خوارزم استقرار یافت و در جنگ میانه این دو برادر المؤید آیبه بدست تکش مقتول شد و پسرش طغانشاه جای او بگرفت وفات شمس الدین ایلدکز بهمدان و برقرار شدن پسرش محمد پهلوان بجای او تاختن نور الدین محمود به بلاد قلیج ارسلان بن مسعود و گرفتن چند بلد او طلب صلح نمودن قلیج ارسلان از او که نور الدین گفت اگر ملطیه را که از ذوالنون دانشمند گرفته باو رد میکنی من با تو صلح مینمایم قلیج ارسلان سیواس را باین دانشمند داد و صلح کردند اما بعد از فوت نور الدین قلیج ارسلان سیواس را از ابن دانشمند باز پس گرفت وفات ابو تراب حسن بن ابو الحسن صافی ابن عبد الله بن نزار نحوی معروف بملک النحاة زلزله در شام **اروپا** جنگ ابو یعقوب بن عبد المؤمن در بلاد فرنکیهای اندلس **افریقا** رفتن طایفه از ترک همراه قراقوش که مملوک تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب بود بافریقیه و گرفتن طرابلس غرب را و استیلای قراقوش بر اکثر بلاد افریقیه وفات ایوب پدر صلاح الدین حکمران مصر در بیست و هفتم ذیحجه

سنه ۵۶۹ هجری — سنه ۱۱۷۳ مسیحی

آسیا وفات ملک عادل نور الدین محمود بن عماد الدین زنکی بن آقسنقر صاحب شام و دیار جزیره و غیره در روز یازدهم شوال در قلعه دمشق و تولد نور الدین در سنه پانصد و یازده بوده و در مصر و حرمین و یمن نیز باسم او خطبه میخواندند و مآثر و فضایل نور الدین بسیار است و عیوبها کالخوف از او داشتند برقرار شدن پسرش ملک صالح اسمعیل بن نور الدین بجای او در یازده سالگی و صلاح الدین در مصر از او اطاعت کرده خطبه باسم او خواند و سکه باسم او زد و مدبر ملک ملک صالح شمس الدین محمد بن عبد الملک معروف بابن مقدم بود پس از فوت نور الدین سیف الدین غازی بن قطب الدین مودود جمیع بلاد جزیره را متصرف شد **افریقا** فرستادن صلاح الدین برادرش توران شاه را با لشکری بیمن و استیلای توران شاه بر بلاد این مملکت و بر عدن کشتن صلاح الدین جماعتی از اعیان مصر را که میخواستند بر او شورش کنند

و درباره

ودوباره دولت علویین را برقرار نمایند واز جمله مقتولین عمارة بن علی یمنی شاعر فقیه صاحب اشعار جید بود

سنه ۵۷۰ هجری — سنه ۱۱۷۴ مسیحی

آسیا گرفتن صلاح الدین یوسف بن ایوب شهر دمشق و حمص و حماة را بتخصیص و گذاشتن برادرش سیف الاسلام طغتکین بن ایوب را در دمشق و قطع کردن خطبهٔ ملک صالح را و محو کردن اسم او را از سکه منتزع نمودن صلاح الدین قلعه بارین را از فخر الدین مسعود بن زعفرانی و فخر الدین از اکابر امرای نوریه بود گرفتن پهلوان بن دگز تبریز را از ابن آقسنقر احمدیلی وفات شمله ترکمانی صاحب خوزستان که پسرش بجای او برقرار شد اختلاف ما بین خلیفه عباسی و قطب الدین قیماز سرکرده قشون بغداد که خانه قیماز را غارت کردند و خود او بحله گریخت و از حله رو بموصل نهاده اکثر ملازمانش در راه از تشنگی مردند و خود او نیز بموصل نرسیده درگذشت و پس از گریختن قیماز خلیفه عضد الدین وزیر را در ثانی وزارت داد

سنه ۵۷۱ هجری — سنه ۱۱۷۵ مسیحی

آسیا انهزام سیف الدین غازی صاحب موصل از سلطان صلاح الدین در تل السلطان و گرفتن صلاح الدین بزاعه و منبج و اعزاز را و در محاصره اعزاز یکی از اسمعیلیها زخمی بسر صلاح الدین زده و اسمعیلی بحکم صلاح الدین کشته شد و بعد از فتح اعزاز صلاح الدین بحلب راند و آن شهر را محاصره نمود و ملک صالح بن نور الدین در حلب بود و در اثنای محاصره سال بسر رسید و اهل حلب طلب صلح از صلاح الدین نمودند و او قبول کرد و دختر صغیرهٔ از نور الدین محمود نزد صلاح الدین آوردند و اموال کثیره بآن دختر داد و گفت چه میخواهی گفت قلعه اعزاز را میخواهم و این فقره را بدختر آموخته بودند صلاح الدین آن قلعه را باو واگذاشت و صلح برقرار شده صلاح الدین در بیستم محرم سال پانصد و هفتاد و دو مراجعت نمود در اینسال امیر حاج عراق طاشتکین بود و خلیفه عباسی باو حکم کرد مکثر بن عیسی حکمران مکه را عزل کند و میانهٔ مکثر و حجاج جنگ در گرفت مکثر به بیابان گریخت و برادرش داود در مکه بجای او بماند آمدن شمس الدوله تورانشاه بن ایوب از یمن بشام و اعلام نمودن بصلاح الدین وصول خود را باین مملکت وفات حافظ ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله المعروف بابن عساکر ملقب بنور الدین الدمشقی از ائمه حدیث و اعیان فقهای شافعی مصنف تاریخ دمشق در هشتاد مجلد بوضع تاریخ بغداد زلزله در ایران و ماوراء النهر

سنه ۵۷۲ هجری — سنه ۱۱۷۶ مسیحی

آسیا وفات قاضی جمال الدین محمد بن عبد الله بن قاسم شهرزوری قاضی دمشق و جمیع شام راندن صلاح الدین بن ایوب ببلاد اسمعیلیه و غارت کردن آن و محاصره کردن قلعه مصیاف را و فرستادن سنان رئیس اسمعیلیه نزد شهاب الدین الحارمی صاحب حماة که خال صلاح الدین بود و طلب صلح کردن و بتوسط حارمی قبول کردن صلاح الدین و چون از وقتیکه صلاح الدین شام را متصرف شده بمصر نرفته بود عزیمت مصر نمود **افریقا** امر کردن صلاح الدین بساختن دیواری دور مصر و قاهره و قلعه که بر روی کوه مقطم بود ساختن صلاح الدین مدرسه در قرافه در پهلوی مقبره شافعی

سنه ۵۷۳ هجری — سنه ۱۱۷۷ مسیحی

آسیا خطبه خواندن باسم طغرل بن ارسلان بن طغرل بن سلطان محمد بن ملکشاه که در بلاد دگز مقیم بود وفات عضد الدین وزیر خلیفه عباسی که اسمعیلیه او را مجروح کردند و درگذشت وفات صدقة بن حسین الحداد که ذیلی از برای تاریخ ابن زعفرانی ببغداد نوشته گرفتن ملک صالح اسمعیل بن نور الدین سعد الدین گمشتکین صاحب حلب را که غلبه بر کارها کرده بود و قلعه حارم

در تصرف

در تصرف کشتکین بود ملک صالح نزد ملازمان کشتکین فرستاد که حارم را تسلیم کنند آنها تمکین نکردند کشتکین فرستاد
وامر بتسلیم قلعه نمود باز قبول نکردند ملک صالح امر بآزار وعذاب کشتکین نمود تا قلعه را کسان او تسلیم کنند آنها ان عذاب را
دیده وترحم بر آقای خود نکردند ودر شکنجه مرد بعد از آن مجاهدین فرنک چهار ماه این قلعه را در بند محاصره داشتند
ملک صالح مبلغی نزد آنها مال المصالحه فرستاده تا دست از محاصره کشیده رفتند بعد ملک صالح لشکری بحارم کشیده
بدون جنگ قلعه را متصرف شد محاصره مجاهدین فرنک حماه را که بر فتح آن نایل نشدند ووفات شهاب الدین حارمی صاحب حماة
ووفات رشید الدین محمد وطواط شاعر معروف عجم زلزله در بغداد **اروپا** دُژهای ونیز یعنی رؤسای جمهوری سالی یک
مرتبه بدریا رفته انگشتری طلائی از انگشت بیرون آورده بدریا می انداختند واین علامت است که دریای ادریاتیک را
بمزاوجت خود در آوردند واین رسم چند صد سال برقرار میماند **افریقا** شکست سخت صلاح الدین بن ایوب پادشاه مصر
در سرحد شام از مجاهدین فرنک وهزیمت وفرار او بمصر

سنه ۱۱۷۸ مسیحی

سنه ۵۷۴ هجری

آسیا غلای عام در بلاد که بعد از آن وبای شدیدی بروز کرد ووفات حیص بیص شاعر که اسمش سعد بن محمد بن سعد بود ووفات
شهده بنت احمد بن عمر الابری از علما که تقریباً صد سال عمر کرده بود **افریقا** دادن صلاح الدین پادشاه مصر بعلبک را
باقطاع برادرش توران شاه فرستادن صلاح الدین پسر برادرش تقی الدین عمر را بحماة وپسر عم خود محمد بن شیرکوه را
بحمص واستقرار آنها در این بلاد

حیص بیص [illegible]

سنه ۱۱۷۹ مسیحی

سنه ۵۷۵ هجری

اسیا جنگ میانه عساکر قلیج ارسلان بن مسعود حکمران آسیای صغیر وتقی الدین عمر بن شاهنشاه که عساکر قلیج
ارسلان بیست هزار نفر بودند وتقی الدین با هزار سوار آنها را شکست داد ووفات المستضیء بامر الله عباسی در دوم
ذیقعده که در سال پانصد وسی وشش متولد شده بود ونه سال وهفت ماه خلافت کرده خلافت پسرش الناصر
لدین الله **افریقا** فتح کردن صلاح الدین پادشاه مصر قلعه را که مجاهدین فرنک در نزدیکی مخاضة الاحزان (الاحزان)
در حوالی بانیاس قرب خانه حضرت یعقوب ع ساخته بودند درخواست شمس الدوله توران شاه برادر صلاح الدین از صلاح
الدین که بجای بعلبک اسکندریه را باو دهد قبول کردن صلاح الدین این درخواست را که توران شاه باسکندریه آمده
در این بلد اقامت داشت تا بمرد وبعلبک را صلاح الدین بعز الدین فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب باقطاع داد

سنه ۱۱۸۰ مسیحی

سنه ۵۷۶ هجری

اسیا وفات سیف الدین غازی بن مودود بن زنکی بن آقسنقر صاحب موصل ودیار جزیره در سیم صفر بمرض سل که عمرش
سی سال وحکمرانیش ده سال وسه ماه بود وسیف الدین برادر خود عز الدین مسعود را جانشین خود کرده وجزیره ابن عمر
وقلاع آن را بپسر خود سنجر شاه داد ومجاهد الدین قیماز از جانب سنجر مدبر امور مملکت شد ووفات حکیم سنائی حکیم و
عارف وشاعر مشهور عجم **اروپا** سلاطین فرانسه بمهر سلطنتی خود شکل گل مریم نقش میکنند واین در سلطنت
فلیپ دویم بود واین نشان خانواده سلطنت فرانسه شد **افریقا** ووفات شمس الدوله توران شاه بن ایوب
برادر صلاح الدین اکبر در اسکندریه که اکثر بلاد یمن نیز از او بود رسیدن سلطان صلاح الدین بمصر که پسر برادر
خود عز الدین فرخشاه بن ایوب صاحب بعلبک را در شام جانشین خود کرده بود

سنه ۱۱۸۱ مسیحی

سنه ۵۷۷ هجری

آسیا وفات ملک صالح اسمعیل بن نور الدین محمود بن زنکی بن آقسنقر صاحب حلب در نوزده سالگی که بموجب وصیت
او عم او عز الدین مسعود صاحب موصل حلب را متملک شود ولی بعد برادر مسعود عماد الدین از او درخواست نمود که حلب را
با او دهد و سنجار را در عوض بگیرد و چنین کردند وفات ابو البرکات عبد الرحمن بن محمد بن ابو سعید النحوی معروف
بابن انباری ببغداد که فقیه بود و صاحب تصانیف حسنه در نحو عزم کردن پرنس صاحب کرک رفتن بمدینه طیبه را و
استیلا نمودن بر این نواحی که فرخشاه نایب صلاح الدین بدمشق خبر شده لشکری بدفع او حرکت داده مانع مرام او
گردید اختلاف میان نواب تورانشاه بیمن که صلاح الدین جمعی از امرا را با عساکر باین مملکت فرستاد اختلاف را دفع کردند

سنه ۵۷۸ هجری — سنه ۱۱۸۲ مسیحی

آسیا آمدن سلطان صلاح الدین بن ایوب از مصر بشام که دیگر بمصر معاودت ننمود گرفتن صلاح الدین در بین راه
مصر و شام غنایم از مجاهدین فرنک که در محیط راه بودند گرفتن فرخشاه پسر برادر صلاح الدین که نایب او بدمشق بود
شقیف و بلاد مجاور را از مجاهدین مذکور فرستادن سلطان صلاح الدین برادرش سیف الاسلام طغتکین را بیمن و
مصفی نمودن سیف الاسلام این مملکت را گرفتن صلاح الدین رها و رقه و قرقیسیا و ماکسین و عربان و خابور و نصیبین را فرستادن
صاحب کرک سفاین در دریا که بعضی از آنها بمحاصره ایله پرداختند و برخی در نزدیکی عیذاب در سواحل آشوب میکردند و در
این وقت ابو بکر برادر صلاح الدین از جانب او در مصر نایب بود و کشتیها با حسام الدین حاجب موسوم بلؤلؤ که امر سفاین
دیار مصر را متصدی بود بدفع سفاین و عساکر پرنس فرستاده حسام الدین آنها را بکشت و براند وفات عز الدین فرخشاه
بن شاهنشاه بن ایوب صاحب بعلبک که در دمشق نایب صلاح الدین بود و صلاح الدین بعلبک را باقطاع بپسرش بهرامشاه بن
فرخشاه داد وفات مسعود بن محمد بن مسعود نیشابوری فقیه شافعی ملقب بقطب الدین در دمشق وفات ابو العباس احمد بن
علی بن رفاعی از سواد واسط **اروپا** وفات خلف بن عبد الملک بن مسعود بن بشکوال الخزرجی الانصاری از علمای اندلس
در کردوا (قرطبه) و خلف صاحب تصانیف مفیده است (فرانسه) طایفه یهود از فرانسه جلای وطن کردند (دانمارک)
سلطنت کانوت ششم در دانمارک شهر دانزیک در ساحل ویستول و شهر کپن هاک در دانمارک بنا شد

سنه ۵۷۹ هجری — سنه ۱۱۸۳ مسیحی

آسیا گرفتن سلطان صلاح الدین قلعه آمد را بعد از محاصره و دادن آنرا بمحمد بن قرا ارسلان بن داود بن سقمان بن ارتق
صاحب حصن کیفا و رفتن بتل خالد از اعمال حلب و متصرف شدن آنرا و راندن بطرف عینتاب و تسلیم نمودن صاحب آن
عینتاب را که صلاح الدین خود او را در این محل حکومت داده و بحلب آمده این شهر را محاصره نمود و صاحب حلب عماد الدین زنکی
بن مودود بن عماد الدین بن زنکی بعد از طول محاصره حلب را تسلیم کرد با اینکه صلاح الدین سنجار و نصیبین و خابور و رقه
و سروج را باو واگذار کند چنانکه نمود و از کسانیکه در محاصره حلب کشته شد برادر کوچک سلطان صلاح الدین تاج الملوک بوری بن
ایوب بود و پس از حلب حارم نیز صلاح الدین را شد گرفتن عز الدین مسعود صاحب موصل نایب خود مجاهد الدین قیماز را دادن
صلاح الدین حکومت حلب را ببرادرش ابو بکر عادل وفات محمد بن بختیار شاعر معروف بابله وفات شاه ارمن سکمان بن ظهیر الدین
ابراهیم بن سکمان القطبی صاحب خلاط برقرار شدن بکتمر که از ممالیک او (از ممالیک پدر او) بود بجای او **اروپا** (فرانسه)
ایجاد بازار عام برای خرید و فروش هر نوع امتعه در پاریس

سنه ۵۸۰ هجری — سنه ۱۱۸۴ مسیحی

آسیا محاصره کردن صلاح الدین کرک را که بر فتح آن نایل نشد قتل و نهب او در آن نواحی وفات شیخ الشیوخ صدر الدین

عبد الرحیم ابن اسمعیل بن ابی سعید احمد که اوحد زمان خود بود و ریاست بزرگ و دنیا هر دو داشت بر همه و برون اوردن عز الدین
مسعود صاحب موصل مجاهد الدین قیماز را از حبس و احسان کردن باو و وفات قطب الدین ایلغازی بن نجم الدین البی
بن تمرتاش بن ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین ابو الفدا گوید ابتدای حکم ایلغازی مذکور و وفات پدرش البی را در تواریخ
پیدا ننمودم که ثبت کنم اما ایلغازی چون در گذشت اولاد او صغیر بودند و بعد از او پسر صغیرش حسام الدین بولق
ارسلان حکمران ماردین شد و چون او وفات کرد برادرش ناصر الدین ارتق ارسلان مستقلاً حکمرانی ماردین کردید **اروپا**
(فرانسه) شهر پاریس را سنگ فرش نمودند و قلعه لوور را ایجاد کردید (روس) ولادیمیر فستون زیادی بجهة محاصره
طایفه بلغار که در ساحل ولگا سکنی داشتند حرکت داده پای تخت آنها را غارت کرده با آنها مصالحه مینماید

سنه ۵۸۱ هجری — سنه ۱۱۸۵ مسیحی

اسیا محاصره کردن سلطان صلاح الدین موصل را دفعه ثانی که در این ضمن وفات شاهرمن صاحب خلاط را شنید
از موصل بخلاط آمده این شهر را تملک نمود وفات نور الدین محمد بن قرا ارسلان بن داود صاحب آمد که بعد از او پسر
صغیرش سقمان ملقب بقطب الدین بجای او برقرار شده و او بخدمت صلاح الدین آمد و صلاح الدین حکمرانی او را
امضا نمود تملک سلطان صلاح الدین میافارقین را مصالحه ما بین صلاح الدین و عز الدین مسعود صاحب موصل
بدادن صاحب موصل شهرزور و اعمال آنرا باولایت قرابلی و جمیع ماوراء الزاب بصلاح الدین و خطبه خواندن
باسم صلاح الدین در جمیع منابر موصل و سکه زدن باسم او وفات ناصر الدین محمد بن شیرکوه صاحب حمص که پسر
شیرکوه بن محمد که دوازده ساله بود بجای او برقرار کردید وفات حافظ محمد بن عمر بن احمد الاصفهانی المدینی صاحب
مؤلفات مفیده

سنه ۵۸۲ هجری — سنه ۱۱۸۶ مسیحی

اسیا طلبیدن سلطان صلاح الدین پسرش ملک افضل را از مصر و دادن دمشق را باقطاع او و احضار کردن برادرش
عادل را از حلب و فرستادن او را با پسرش العزیز بن صلاح الدین بنیابت مصر و طلبیدن تقی الدین عمر پسر برادر خود را از
مصر و دادن منبج و معره و کفرطاب و میافارقین و جبل جور جمیع اعمال آنرا بتقی الدین بعلاوه حماة که او را بود و چون
صلاح الدین حلب را از عادل برادرش بگرفت حران و رها را نیز باو داد وفات پهلوان محمد بن دکز صاحب جبل و همدان
و ری و اصفهان و آذربایجان و اران و غیرها و برقرار شدن قزل ارسلان عثمان برادرش بجای او و در زمان پهلوان
طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه با او بود و خطبه در بلاد باسم او میخواندند اما کار در بدست او بود
بعد از فوت پهلوان طغرل از قزل ارسلان تمکین نکرده جمعی را جمع کرد و بر بعضی بلاد استیلا یافت و جنگها میان
او و قزل ارسلان روی داد گرفتن برنس صاحب کرک قافله از مسلمین و اسیر کردن آنها را و صلاح الدین بموجب عهد و
مصالحه ما بین فرستاده آنها را خواست برنس قبول نکرد صلاح الدین عهد کرد که اگر بر او غالب شود او را بقتل رساند
قران سبعه سیاره در میزان و حکم کردن منجمین بخراب شدن عالم از باد و طوفان وفات خاقانی از اجله شعرای عجم
افریقا وفات ابو محمد عبد الله بن ابی الوحش بری بن عبد الجبار بن بری المصری از ائمه نحو و لغت

سنه ۵۸۳ هجری — سنه ۱۱۸۷ مسیحی

اسیا فتح کردن سلطان صلاح الدین طبریه را و متصرف شدن صلیب حقیقی را و ورود او به بیت المقدس که از شنیدن
این خبرها اوربن سیم پاپ از شدت غصه مرد و بعد از این فتح صلاح الدین بر بلاد این حدود استیلا یافت و ملوک و

حکمرانان عیسوی را که رفت از جمله برنس صاحب کرك را اسیر کرده بموجب عهدیکه کرده بود بدست خود گردن زد و عکا و بلاد مجاور آن نیز در تصرف عساکر صلاح الدین درآمد و یافا و صیدا و بیروت نیز صلاح الدین را شد و فتح بیت المقدس که بطور امان شهر تسلیم شد و از فتوحات بزرك بود در روز جمعه بیست و هفتم رجب اتفاق افتاد و صلیب کبیر که ذکر شده در رأس قبه صخره بود و مسلمانان از این محل آنرا بتصرف درآوردند و شیونی در بیموقع بلند شد که نظیر آن هرگز مسموع نشده بود خلاصه صلاح الدین تا بیست پنجم شعبان در ظاهر بیت المقدس اقامت نموده امور این بلد را منظم و مرتب ساخته از اینجا بطرف عکا و صور راند و هونین را بطور امان فتح نمود اقتدار سلطان طغرل بن ارسلان و استیلای او بر اغلب بلاد و فرستادن قزل ارسلان نزد خلیفه عباسی و استمداد کردن از او و ترسانیدن خلیفه را از شوکت طغرل رفتن شهاب الدین غوری بغزو بلاد هند دادن خلیفه الناصر عباسی وزارت خود را با بو المظفر عبید الله بن یونس و ملقب نمودن او را بجلال الدین و شوکت و تجملیکه جمیع ارکان دولت حتی قاضی القضاة در رکاب او پیاده میرفتند وفات قاضی القضاة دامغانی که المقتفی او را قضا و شداده بود انقراض دولت سلجوقی در کرمان

سنه ۵۸۴ هجری

سنه ۱۱۸۸ مسیحی

آسیا فتوحات نمایان سلطان صلاح الدین — جنك با مجاهدین فرنك و گرفتن قلاع و بلادیکه در تصرف آنها بود و اقتدار و شوکت تامه سلطان صلاح الدین در این فتوحات ابن اثیر صاحب کامل التواریخ حضور داشته است فرستادن خلیفه عباسی لشکری بامداد قزل ارسلان و جنك طغرل و انهزام لشکر خلیفه در حوالی همدان و در یافت طغرل غنایم موفوره از عساکر خلیفه و اسیر کردن سرکردهٔ آنها را که جلال الدین عبید الله وزیر خلیفه بود وفات محمد بن عبید الله کاتب معروف با بن التعاویذی شاعر مشهور وفات محمد بن عبد الرحمن مسعودی شارح مقامات **اروپا** قتل طایفه یهود بتمامه در لندن فردریك پادشاه المان بندر عکا را محاصره میکند

سنه ۵۸۵ هجری

سنه ۱۱۸۹ مسیحی

آسیا وفات فقیه علیبی در حرب و فقیه مشار الیه مردی شجاع و در عسکر سلطان صلاح الدین جنك میکرد وفات محمد بن یوسف بن محمد بن قاید ملقب بموفق الدین اربلی شاعر مشهور که از ائمه عربیت و اعلم ناس بعلم عروض و نقد شعر بود و کتاب اقلیدس را نیز او حل نمود وفات محمود بن علی بن ابیطالب بن عبید الله اصفهانی معروف بقاضی که متفنن در علوم بود و در وعظ ید طولی داشت جنك سخت صلاح الدین با مجاهدین فرنك در بندر عکا

سنه ۵۸۶ هجری

سنه ۱۱۹۰ مسیحی

آسیا جنك طولانی سلطان صلاح الدین با مجاهدین فرنك در بندر عکا وفات زین الدین یوسف بن زین الدین علی کوچك صاحب اربل که با عساکر خود همراه سلطان صلاح الدین بود و سلطان برادرش کوکبوری را بجای او برقرار کرده شهرزور و در این را دادو او با اربل آمده این ولایت را تملك نمود استیلای خلیفه الناصر لدین الله بر حدیثه عانه بعد از مدتی محاصره وفات شیخ عطار از مشایخ کبار صوفیه صاحب کتب منظومه بسیار　　　مظفر الدین

سنه ۵۸۷ هجری

سنه ۱۱۹۱ مسیحی

آسیا وفات ملك المظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب در اثنای محاصره او با بکتمر صاحب خلاط در ملاذ کرد بواسطه عروض مرض شدید که در نوزدهم رمضان که پسرش ملك منصور محمد وفات او را مخفی داشته نعش او را

بحماة آورد و در ظاهر بلده فن کرده و مدرسهٔ بر سر قبرا و بساخت تقی الدین صاحب فضل و ادب و شعر نیکو بود
وفات حسام الدین محمد بن عمر بن لاجین در شب جمعه که تقی الدین وفات کرده بود و مادر حسام الدین خواهر
صلاح الدین بود که سلطان صلاح الدین بکروز بعزای پسر برادر و پسر خواهر خود دوچار آمد رنجش صلاح
الدین از ملک منصور پسر تقی الدین که بشفاعت ملک عادل عم ملک منصور صلاح الدین او را عفو کرده حماة
و سلمیه و معره و منبج و قلعه نجم را باو داد و آنچه از بلاد شرقیه و مضافات در تصرف تقی الدین بود صلاح الدین
آنها را برادر خود ملک عادل داد کشته شدن قزل ارسلان بن دکز در رختخواب خود و قاتل او معلوم نشد
قزل ارسلان بعد از برادر خود پهلوان آذربایجان و همدان و اصفهان و ری را تملک نمود اما طغرل چنانکه
ذکر شد بر او غالب آمده بود بعد قزل ارسلان غلبه کرده طغرل را گرفت و در یکی از بلاد دربند کرد و باصفهان
آمد و از اصفهان بهمدان و در اینجا کشته شد آمدن قیصر شاه بن قلیج ارسلان حکمران آسیای صغیر نزد سلطان
صلاح الدین و اکرام نمودن صلاح الدین نسبت باو و دادن دختر ملک عادل برادر خود را باو که اینمعنی اسباب
قوت او شد و بمملکت خود بازگشت کشته شدن ابو الفتح یحیی بن حبش بن امیرک ملقب بشهاب الدین سهروردی
حکیم فیلسوف در قلعهٔ حلب در محبس که ملک ظاهر غازی پسر صلاح الدین بامر پدرش او را طناب انداخت عمر
شهاب الدین سی و هشت سال و مصنفات او در حکمت معروفست و او اکثر العلم و قلیل العقل بوشته اند اروپا
پادشاه انگلیس ریشار و پادشاه فرانسه فلیپ اگوست بعد از جنگهای سخت بندر عکا را فتح کردند و چون
پادشاه فرانسه با عساکر خود از مشرق مراجعت نمود ناخوشی جذام را در فرنگ منتشر ساخت

سنه ۵۸۹ هجری

سنه ۱۱۹۳ مسیحی

آسیا شروع کردن مجاهدین فرنگ بساختن عسقلان که سلطان صلاح الدین آنرا بکلی خراب و منهدم کرده بود
کشته شدن پادشاه عیسوی صور بدست یکی از باطنیه مصالحه فیما بین مجاهدین فرنگ و سلطان صلاح الدین
و اطفای نایرهٔ جنگ و انقلاب وفات امیر سیف الدین علی بن احمد مشطوب حرناباس که سلطان ثلث نابلس را
و نصف صالح قدس کرد و دو ثلث دیگر را باقطاع امیر عماد الدین احمد بن سیف الدین علی بن مشطوب داد وفات سلطان
عز الدین قلیج ارسلان سلجوقی حکمران آسیای صغیر که نیف بر بیست و هفت سال پادشاهی کرده بود بعد از او غیاث
الدین کیخسرو پسرش بجای او برقرار آمد پس از آن رکن الدین سلیمان برکیخسرو غلبه نموده قونیه را از او بگرفت و کیخسرو
بشام گریخته پناه بملک ظاهر صاحب حلب برد رکن الدین در سنهٔ ششصد مرد و قلیج ارسلان پسرش بجای او بگرفت
و غیاث الدین کیخسرو بآسیای صغیر آمده جمیع آنچه را متصرف شده بود از او را بکشتند و پسرش عز الدین
کیکاوس بن کیخسرو بجای او برقرار شد چون کیکاوس مرد برادرش علاء الدین کیقباد پادشاه شد و کیقباد
در ششصد و سی و چهار درگذشت و پسرش غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد سلطنت یافت و طایفهٔ تاتار
در ششصد و چهل و یک او را شکست دادند و سلطنت سلاجقه در آسیای صغیر متزلزل شد و چون غیاث
الدین وفات کرد دولت سلاجقه آنچه منقرض شد زیرا که آنها که بعد از غیاث الدین پادشاه شدند فقط
اسم سلطنت داشتند خلاصه بعد از غیاث الدین دو پسر کوچک او رکن الدین و عز الدین معاً بسلطنت نایل شدند
پس از مدتی مدید سلطنت مخصوص رکن الدین شد و عز الدین بقسطنطنیه گریخت و معین الدین پروانه (پروانه)
بر رکن الدین غالب آمد و سلطنت فی الحقیقه تاتار را بود بعد پروانه رکن الدین را کشت و پسری از رکن الدین را

بسلطنت

بسلطنت برداشت و حکم بابروانامه بود که بنیابت تاتار میمنو جنگ شهاب الدین غوری در هند و قتل بادو اخذ
غنایم موفوره بیرون آمدن طغرل بن ارسلان بن طغرل بعد از کشته شدن قزل ارسلان از حبس وفات سنان الدین سنان
بن سلیمان بن محمد مکنی بابو الحسن صاحب دعوهٔ اسمعیلیه بقلاع شام واصل او بصری بود **افریقیا** زلزله در مصر

سنه ۵۸۹ هجری — سنه ۱۱۹۳ مسیحی

آسیا وفات سلطان صلاح الدین یوسف بن ایوب بن شادی در شب بیست و هشتم صفر در دمشق که تولد او در
تکریت در سال پانصد و سی و دو و تقریباً حکمرانی مصر او را بود و قریب نه سال فرمانفرمای شام و سلطان صلاح (چهار سال)
الدین از سلاطین بزرگ کریم و حلیم دیندار بوده است و بعد از او در دمشق و بلاد منسوب باین ولایت ملک افضل
نور الدین علی پسرش استقرار یافت و در دیار مصر پسر دیگرش ملک عزیز عماد الدین عثمان در حلب پسر دیگرش
ملک ظاهر غیاث الدین غازی در کرک و شوبک و بلاد شرقیه برادرش ملک عادل سیف الدین ابوبکر بن ایوب
در حماة و سلمیه و معره و منبج و قلعهٔ نجم ملک منصور ناصر الدین محمد بن ملک مظفر تقی الدین عمر در بعلبک ملک امجد
مجد الدین بهرامشاه بن فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب در حمص و تدمر و رحبه شیرکوه بن محمد بن شیرکوه بن شادی
و در دست ملک ظافر خضر بن صلاح الدین و امراء دولت نیز بلاد و حصون بود از جمله شیرز بدست سابق الدین
عثمان بن الدایه صهیون و حصن برزیه بدست ابو تمیم ناصر الدین بن کورس بن خمارتکین (خمارتکین) تل باشر بدست بدر
الدین دلدرم ابن بهاء الدین یاروقی کوکب و عجلون بدست عز الدین اسامه تعزین و کفر طاب و فامیه بدست عز الدین
ابراهیم بن شمس الدین ابن مقدم و ملک افضل اکبر اولاد صلاح الدین و ولایت عهد داشت و او ضیاء الدین نصر الله بن
محمد ابن اثیر را وزیر خود قرار داد و ضیاء الدین مصنف کتاب مثل السایر است و عز الدین بن اثیر مؤلف تاریخ کامل
برادر ضیاء الدین میباشد و ملک افضل امرای پدرش را براند و آنها نزد برادران او عزیز و ظاهر رفتند و عزیز را
در مصر بخیال انداختند که سلطنت بانفراد او را باشد لهذا میان افضل و عزیز وحشت حاصل شد وفات عز الدین مسعود
مودود بن عماد الدین زنکی بن آقسنقر صاحب موصل در بیست و هفتم شعبان که مردی بزرگ و شبیه بجد خود عماد الدین بود
برقرار شدن پسرش ارسلان شاه بجای او کشته شدن بکتمر صاحب خلاط که از ممالیک ظهیر الدین شاه رمن بود بتحریک
داماد او هزار دیناری که اسمش آقسنقر و لقبش بدر الدین و او را نیز شاه رمن از تاجری چرجانی خریده و با و میلی داشت و او را
ساقی خود قرار داده هزار دیناری نامید هزار دیناری در عهد بکتمر از اجلهٔ امرا شد و دختر بکتمر را تزویج کرد آخر الامر طمع در حکمرانی
خلاط کرده بکتمر بتحریک او کشته شد و پسر و زوجه بکتمر را در قلعهٔ ارزاس بوش (بلوش) حبس کرده و پسر بکتمر در این وقت
هفت ساله بود خلاصه هزار دیناری بحکمرانی مشغول شد تا سال پانصد و نود و چهار که در گذشت فرستادن شهاب الدین
غوری مملوک خود ایبک را با لشکر جراری بهند که فتوحات نموده با غنایم وافره باز گشت وفات سلطانشاه بن ارسلان ابن اتسز
که مرو و خراسان را تملک نموده بود و پس از سلطنت خاص برادرش تکش شد وفات امیر داود بن عیسی بن محمد بن ابو هاشم امیر
مکه که امارت میان او و برادرش تناوب داشت

سنه ۵۹۰ هجری — سنه ۱۱۹۳ مسیحی

آسیا طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه بن الب ارسلان بن داود بن میکائیل سلجوقی که در حبس قزل
ارسلان بود بعد از کشته شدن قزل ارسلان از حبس خلاص شده بر همدان و غیره استیلا یافت و میان او و مظفر الدین
ازبک بن پهلوان جنگ در گرفت و بعضی بجای مظفر الدین ازبک برادرش قتلغ اینانج را نوشته اند بهر حال ابن پهلوان

منهزم شده پس از فرار از علاء الدین تکش خوارزمشاه استمداد نمود تکش در این سال با لشکری بجنگ طغرل آمد طغرل قبل
از آنکه عساکر او جمع شوند بمقابله تکش بتاخت در حوالی ری فیتین تلاقی نمودند و طغرل که زیاده مست بود خود شخصه
حمله بر لشکر تکش نمود و سه شعر از شاهنامه بخواند و گرزی که بدست داشت بزور هر چه تمامتر فرود آورده چون
مستطاخ بود که بر دست اسب خودش خورده اسب در غلطید و طغرل بیفتاد قتلغ اینانج فرود آمده سر او را
بریده نزد تکش برد تکش این سر را ببغداد ارسال داشت چند روزی آنرا در این شهر بر محلی نصب نمودند و کشته شدن
طغرل در بیست و چهارم ربیع الاول بود و تکش بر همدان و بلاد این نواحی استیلا یافته بعضی را باین پهلوان داد و برخی را
باقطاع ممالیک خود و بخوارزم بازگشت و دولت آل سلجوق بقتل طغرل منقرض گردید فرستادن خلیفه الناصر سه
لشکری باوزیر خود مؤید الدین محمد بن علی معروف بابن قصاب بخوزستان که شوشتر را در محرم سال بعد بگرفتند و خوزستان
در ممالک منضم بود و بعد از فوت او اختلاف میان اولاد او افتاد و لشکر خلیفه با سو لا بن آمده جمیع بلاد و قلاع را متصرف
شدند ازدیاد وحشت میانه عزیز و افضل پسران سلطان صلاح الدین که عزیز لشکری از مصر کشیده افضل را در دمشق
محاصره نمود افضل از عم خود عادل و برادر خود ظاهر و پسر عم خود ملک منصور صاحب حماة استمداد کرده آنها بدمشق
آمدند و میانه را اصلاح دادند و عزیز بمصر بازگشت آنها هم ببلاد خود رفتند زلزله در عراقین

سنه ۵۹۱ هجری — سنه ۱۱۹۴ مسیحی

آسیا راندن مؤید الدین بن قصاب وزیر خلیفه الناصر عباسی بعد از فتح خوزستان بطرف همدان و گرفتن این
شهر را و بعضی بلاد دیگر از عراق عجم را برای خلیفه و استیلای او بر ولایات دیگر و ابن قصاب را و اول شعبان سال بعد
در گذشت فرستادن خلیفه الناصر لشکری بسرداری غلامی معروف بسیف الدین طغرل باصفهان و فتح کردن این بلد را
آمدن غلامان پهلوان بسرداری یکی از غلامان پهلوانیه موسوم بکلجا بطرف همدان و ری و استیلای کلجا بر این دو ولایت
اروپا (اسپانیول) جنگهای سخت یعقوب بن یوسف بن عبد المؤمن حکمران مغرب در اندلس با فرنگیهای اسپانیول
و فتوحات یعقوب و انهزام فرنگیها **افریقا** لشکر کشیدن ملک عزیز عثمان پادشاه مصر بطرف شام بقصد جنگ
با برادر خود ملک افضل و استمداد نمودن ملک افضل از عم خود ملک عادل و اصلاح کردن ملک عادل ما بین اخوین را
و مانع شدن آنها را از اقدام بجنگ و آمدن ملک عادل بمصر و اقامت او در این مملکت برای انتظام امور سلطنت ملک عزیز

سنه ۵۹۲ هجری — سنه ۱۱۹۵ مسیحی

آسیا راندن شهاب الدین غوری پادشاه غزنین بهندوستان و فتح کردن قلعه عظیمه هنکر را بطور امان و تاختن بر
بلاد دیگر این مملکت و دریافت غنایم و اسیر زیاد و معاودت او بغزنین کشته شدن صدر الدین محمد بن عبد اللطیف بن
محمد الخجندی رئیس شافعیه در اصفهان بدست سنقر طویل شحنه خلیفه بسبب منافرتی که میانه آنها بهم رسیده بود و صدر
الدین کسی است که اصفهان را تسلیم عساکر خلیفه نمود فرستادن ملک افضل نعش پدر صلاح الدین را از دمشق بمدینه
طیبه و نعش صلاح الدین سه سال در قلعه دمشق بود تمهد و قناعت ملک افضل و تفویض نمودن امور سلطنت را بوزیر (در ماه صفر)
خود ضیاء الدین ابن الاثیر الجزری و متزلزل شدن امور بدینواسطه و آمدن ملک عزیز پادشاه مصر با ملک عادل عم خود
بدمشق و منتزع کردن این ولایت را از ملک افضل و دادن ملک عزیز بموجب معاهده دمشق را بملک عادل و معاودت
نمودن بمصر و خطبه و سکه در دمشق نیز بنابر معاهده باسم ملک عزیز شد مدت حکمرانی ملک افضل در دمشق سه سال
و یکماه بود و چون دمشق را از او بگرفتند صرخد را باو دادند و او با کسان خود بآنجا رفته توطن نمود و از دست برادر

وعم خود بخلیفه الناصر شاکی شد که قتل نصیر (ملک عادل) را از ملک ظافر خضر بن ... الدین بواسطه اتفاقی که با ملک افضل برادر خود داشت و ملحق شدن او ببرادر دیگر خود ملک ظاهر در حلب و اقامت نمودن نزد او

سنه ۵۹۳ هجری — سنه ۱۱۹۶ مسیحی

آسیا وفات ملکشاه بن تکش در نیشابور که پدرش خوارزمشاه او را در ین ولایت مستقر نموده و حکمرانی بلاد این نواحی را باو واگذار کرده بود و ملکشاه ولایت عهد تکش داشت و او را فرزندی بود هندو خان نام پس از فوت ملکشاه تکش پسر دیگر خود را که معروف بقطب الدین محمد بود در نیشابور بجای ملکشاه گذاشت و قطب الدین کسی است که بعد از تکش بسلطنت رسید و لقب خود را تغییر داده علاء الدین قرار داد و میان ملکشاه و قطب الدین عداوت سختی بود و وفات سیف الاسلام ظهیر الدین طغتکین بن ایوب پادشاه یمن در ماه شوال و برقرار شدن پسرش ملک عزیز اسمعیل بجای او و وفات برهان الدین صاحب هدایه

سنه ۵۹۴ هجری — سنه ۱۱۹۷ مسیحی

آسیا وفات عماد الدین زنگی بن مودود بن زنگی بن آقسنقر حکمران سنجار و خابور و رقه در ماه محرم و برقرار شدن پسرش قطب الدین محمد بن زنگی بجای او که از جانب او و مملوک پدرش مجاهد الدین برنقش بند بیر ملکی پرداخت گرفتن خوارزمشاه تکش بخارا را که در تصرف ختا بود جنگ ملک عادل با فرنگیها که بطرف بیروت و این نواحی رانده بودند و غلبه او بمظاهرت ملک عزیز و صلح بین جانبین وفات بدر الدین آقسنقر هزار دیناری حکمران خلاط که بعد از او خشداشش قتلغ که مملوکی ارمنی الاصل بود بر خلاط مستولی شد ولی بعد از هفت روز او را بکشتند و محمد بن بکتمر را که از این نام داشت از حبس بیرون آورده بحکمرانی برداشتند و او را بملک منصور ملقب نمودند و شجاع الدین قتلغ قبچاقی که دوادار شاه ارمن سکمان بن ابراهیم بود بتدبیر ملک پرداخت تا سال ششصد و دو که ملک منصور او را بکشت بعد از آن عز الدین بلبان که مملوک شاه ارمن بود بر ملک منصور خروج کرده او را بگرفت و حبس نمود و در حبس او را مقتول ساخت و کمتر از یکسال در خلاط حکمرانی کرد تا بدست یکی از کسان طغرل بن قلیج ارسلان شاه صاحب ارزن کشته شد و مملکت خلاط بتصرف ملک اوحد ایوب بن ملک عادل ابو بکر بن ایوب در آمد و تقریبا هشت سال ملک اوحد در خلاط حکمرانی کرد لئون والی ارمن که ارمن کبری و صغری هر دو در تصرف تمامه او است لقب سلطنت قبول میکند

اروپا جنگ ما بین فرانسه و انگلیس (رغم) فوت سلستین پاپ روم و جلوس اینوسان سیم بجای او

سنه ۵۹۵ هجری — سنه ۱۱۹۸ مسیحی

آسیا استیلای ملک منصور محمد بن ملک مظفر تقی الدین حکمران حماة بر بعرین و انتزاع نمودن این بلد را از نواب عز الدین ابراهیم بن شمس الدین محمد بن عبد الملک بن مقدم و عز الدین در ین وقت با ملک عادل در دمشق محصور بود وفات مجاهد الدین قیماز در موصل و قیماز مردی ادیب عاقل و فقیه و حنفی مذهب بود و مآثر خیریه از ابتنای مدارس و جوامع و رباطات بسیار است و حالات قیماز پیش ذکر شد فتنه در فیروزکوه در میان عساکر غیاث الدین پادشاه غور بسبب آنکه امام فخر الدین محمد بن عمر بن حسین الرازی المشهور نزد غیاث الدین آمده احترام زیاد نسبت باو کرد و مدرسه در هرات نزدیکی جامع برای او بساخت و این فقره بر کرامیه که مذهب تجسیم و تشبیه داشتند و در هرات زیاد بودند دشوار آمده زیرا که امام فخر شافعی بود خلاصه اتفاق بر این نمودند که فقهای کرامیه و حنابله و شافعیه در فیروزکوه نزد غیاث الدین جمع شده مناظره نمایند و همین اجتماع اسباب فتنه شد ولی فتنه را غیاث الدین خوابانید و امام فخر

بهرات بازگشت (غوریه کلاً از کرامیه بودند) عدول کرد بن غیاث الدین پادشاه غور از مذهب کرامیه بمذهب شافعی
اروپا وفات محمد بن عبد الملک زهر الاندلسی الاشبیلی که فاضل و ادیب و طبیب بود **افریقا** از فات ملک عزیز عماد
الدین عثمان بن صلاح الدین پادشاه مصر در شب بیست و هفتم محرم عمر ملک عزیز بیست و هفت سال و چند ماه و مدت
سلطنتش بمصر پنج سال و یازده ماه بود و در دولت ملک عزیز فخر الدین چهارکس غلبه و استیلائی داشت و پس از ملک عزیز
پسرش ملک منصور محمد را بجای او برقرار نمود و امرا اتفاق برین نمودند که با یکی از بنی ایوب را احضار کرده و متقلد
امور سلطنت نمود زیرا که ملک منصور نه ساله بود بنابراین ملک افضل را از صرخد طلبیدند و او بعنوان اتابکی ملک
منصور بمصر آمده و بتحریک برادرش ملک ظاهر قصد نمود که دمشق را از تصرف عم خود ملک عادل خارج سازد لهذا لشکر
بشام کشید ملک عادل که مشغول محاصره ماردین بود خبر شده پسر خود ملک کامل را بمحاصره ماردین گذاشت و خود بدمشق
آمده با ندک لشکر ملک افضل را شکست اما بعد ها ملک ظاهر حکمران حلب ظاهر شده برادر خود ملک افضل شتافته دمشق
را محاصره کردند و کار را بر اهل دمشق تنگ نمودند و نزدیک بود که دمشق را فتح کنند و ملک عادل نیز قصد کرده بود که شهر را
تسلیم کند در نوبت خلاف میان ملک افضل و ملک ظاهر در گرفت و سال بسر رسید وفات ابو یوسف یعقوب بن یوسف بن
عبد المؤمن حکمران مغرب و اندلس در شهر سلا در جمادی الاولی بعد از پانزده سال حکمرانی و چهل و هشت سال زندگانی
و یعقوب ملقب بمنصور بود و پس از او پسرش محمد بن یعقوب که در سنهٔ پانصد و هفتاد و شش متولد شده بود سلطنت
یافت و ملقب به الناصر گردید و عبد المؤمن و پسران او جمیعاً مخاطب بخطاب امیر المؤمنین بودند

سنهٔ ۵۹۶ هجری — سنهٔ ۱۱۹۹ مسیحی

آسیا پیشتر ذکر کردیم که ملک افضل و ملک ظاهر دمشق را محاصره نموده بودند در اوایل اینسال بجهة خلافی که در
میان آنها ظاهر شده بود از محاصره کشیدند و عقب نشستند و همین فقره اسباب قوت ملک عادل شد و لشکر
بمصر کشیده اینمملکت را متصرف شد و ملک افضل باز بصرخد رفت و ملک ظاهر با ملک عادل صلح کرده در حلب خطبه
و سکه را باسم ملک عادل نمود وفات خوارزمشاه تکش بن ارسلان بن اتسز پادشاه خوارزم و بعضی از خراسان
و ری و غیرها در بیست و نهم رمضان و برقرار شدن پسرش محمد بن تکش ملقب بقطب الدین که لقب خود را تغییر داده معروف
بعلاء الدین شد و علاء الدین پادشاهی عادل و نیک سیرت و فقیه و حنفی مذهب بود چون غیاث الدین پادشاه غور
از فوت تکش خبر دار شد حکم کرد سه روز نوبت بر در سرای او نزدند و بعزاداری تکش قیام نمود با آنکه در میان آنها
عداوت شدید بود بالجمله همینکه علاء الدین در سلطنت استقرار یافت هندوخان بن ملکشاه پسر برادر علاء الدین
نزد غیاث الدین پادشاه غور گریخته از او استمداد نمود غیاث الدین هندوخان را احترام نموده وعدهٔ کمک داد
وفات قاضی فاضل عبد الرحیم بیسانی (ابن بیسان شهر کوچکی است از اعمال دمشق) **اروپا** فوت ریشارد
پادشاه انگلیس و جلوس ژان برادرش بجای او **افریقا** کم شدن آب رود نیل بحدیکه عمق آن بچهارده ذراع نمیرسید
فوت ابو عبد الله محمد بن عمر بن رشد در مراکش ابو عبد الله از علمای بزرگ طب و فلسفه و فقه و هندسه بود اغلب کتب
او بزبان عربی و عبری است فیلسوفی ارسطو را او ترجمه کرده و در تمام عالم ابو عبد الله مشهور بود و در قرطبه متولد
شده

سنهٔ ۵۹۷ هجری — سنهٔ ۱۲۰۰ مسیحی

آسیا وفات عز الدین ابراهیم بن محمد بن عبد الملک بن مقدم که بعد از او منبج و قلعهٔ نجم و فامیه و کفرطاب برادرش شمس الدین بن

عبد الملک.

عبدالملك را شد و ملك ظاهر حکمران حلب منبج و قلعهٔ نجم و کفرطاب را از شمس الدین و نواب او بگرفت محاصره کردن ملك
افضل و ملك ظاهر دمشق را و در بنوقت ملك معظم پسر ملك عادل در دمشق بود و ملك افضل و ملك ظاهر قرار
داده بودند که دمشق و مصر را مسخر کنند و شام جمیعاً ملك ظاهر را باشد و مصر ملك افضل را ولی در اثنای محاصره
باز خلاف در میان آنها در گرفت و کاری از پیش آنها نرفت لشکر کشیدن ملك غیاث الدین پادشاه غور باتفاق
برادرش شهاب الدین بخراسان و استیلا یافتن بر بلاد خراسان که در تصرف خوارزمشاه بود و دادن مرو را بهندو خان
پسر ملکشاه بن تکش و مسخر نمودن غیاث الدین سرخس و طوس و نیشابور و غیرها را فرستادن غیاث الدین برادر
خود شهاب الدین را ببلاد هند و فتح کردن او نهرواله (کهرواله) را که اعظم بلاد هند بود گرفتن رکن الدین سلیمان بن
قلیج ارسلان شهر ملطیه را که بتصرف برادر او معز الدین قیصرشاه بن قلیج ارسلان بود انتزاع کردن رکن الدین ارزن
الروم را از تصرف ملك محمد بن صلیق (صلتق) و ملك محمد از خانواده قدیم بود و این خانواده مدتی مدیده در ارزن
الروم حکمران بودند و حکمرانی ایشان بملك محمد منقرض شد وفات سقمان بن محمد بن قرا ارسلان بن داود بن سقمان بن
ارتق حکمران آمد و حصن کیفا که بعد از او برادرش محمود بن محمد مالك ملك او شد زلزلهٔ عظیم در شام و جزیره و سواحل
که بسیاری از شهرها را خراب کرد وفات ابو الفرج عبد الرحمن بن علی بن الجوزی واعظ مشهور صاحب تصانیف مشهوره
و تولد ابن جوزی در پانصد و ده بوده **اروپا** (فرانسه) اختراع قطب نما بقولی در این مملکت (اسپانیول)
مسافرت سانژ هفتم پادشاه عیسوی ناوار بافریق (مغرب) بقصد مزاوجت با دختر (المهاد) محمد بن یعقوب حکمران
مغرب و اندلس و قبول نکردن محمد این مطلب را بجهة تباین مذهبی و مراجعت سانژ باسپانیول بی نیل مقصود
چون در غیاب سانژ بعضی حوادث در مملکت او حادث شده از این غصه و از غصه اینکه بی نیل مقصود از مغرب
باز گشت بمرض فلج مبتلا شد با وجود این مدت سی و چهار سال در حالت مرض سلطنت کرد **افریقا** غلای شدید
در مصر بجهة کم شدن آب نیل

المهاد مقصود الموحدانست

سنه ۵۹۸ هجری — سنه ۱۲۰۱ مسیحی

آسیا خراب کردن ملك ظاهر قلعهٔ منبج را از خوف اینکه از او منتزع نمایند صلح ما بین ملك ظاهر حکمران حلب و ملك
عادل پادشاه مصر و انتزاع قلعهٔ نجم از ملك ظاهر و دادن بملك افضل که سروج و سمیساط او را بود و دادن ملك عادل
حران و آن نواحی را بپسر خود ملك اشرف مظفر الدین موسی و فرستادن او را بشرق و پس از مصالحهٔ ملك عادل و
ملك ظاهر ملك عادل بشام آمد و ممالك شامیه و شرقیه و دیار مصریه کلاً در تحت سلطنت او در آمده همه جا خطبه
و سکه باسم او زدند و خواندند وفات طاهر بن محمد معروف بظهیر فاریابی از شعرای معروف عجم باز پس گرفتن
خوارزمشاه محمد بن تکش بلاد خراسان را که غوریه از او گرفته بودند **اروپا** تصمیم عزم مجاهدین فرانسه برای
رفتن ببیت المقدس (روس) بنای شهر ریگا در مملکت لیونی **افریقا** وفات هبة الله بن علی بن مسعود بن ثابت
المنستیری (منستیر شهر کوچکی است در افریقیه) هبة الله از علمای بزرگ بوده است

سنه ۵۹۹ هجری — سنه ۱۲۰۲ مسیحی

آسیا وفات فلك الدین سلطان برادر مادری ملك عادل و مدرسهٔ فلکیه در دمشق منسوب باین فلك الدین است
کشته شدن المعز اسمعیل بن سیف الاسلام بن طغتکین حکمران یمن بجهة خفت عقلی که داشت بدست ممالیك پدرش
و اکراد که با آن ممالیك متفق شده بودند و برداشتن برادر صغیر او را بحکمرانی این مملکت و نامیدن او را الناصر که

سیف الدین سنقر مملوک پدرش باتابکی او برقرار شد و بعد از چهار سال در گذشت و یکی از امرا که او را اغانی بن جبرئیل
میکفتند مادر الناصر را در حباله خود در آورد و باتابکی الناصر پرداخت بعد الناصر را مسموم کرد و عرب نیز او را هم
جهت بکشتند و بنی سلطان ماند مادر ناصر زبید را در تحت اقتدار خود در آورده و اموال را نزد خود جمع نمود و منتظر
بود که یکی از بنی ایوب بیمن آید و او را بشوهری قبول کرده بسلطنت این مملکت پردازد تا سلیمان بن سعد بن ملک مظفر
تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب که در سلک فقرا میزیست بیمن آمد و مادر الناصر او را خلعت سلطنت یمن داد و
میان آن دو موافقت حاصل نشد و ظلم و جور یمن را فرو گرفت و سلیمان در این باب نامه بعم جد خود ملک عادل نوشت
و باقی اخبار سلیمان بیاید فرستادن ملک عادل پسر خود ملک اشرف را بمحاصره ماردین که بسعی ملک ظاهر میان ملک
عادل و حکمران ماردین صلح شد و حکمران ماردین در سلک اطاعت ملک عادل در آمد طلبیدن ملک عادل ملک منصور
محمد بن عزیز را از مصر بشام و آمدن او با مادر خود بحلب و اقامت کردن نزد عم خود ملک ظاهر جنگ سخت ملک منصور
صاحب حماة با فرنگیها که در حصن اکراد و طرابلس و ان نواحی بودند و غلبه ملک منصور بمعاونت عساکر بعلبک و حمص
که بامر ملک عادل بامداد او آمده بودند و این جنگ در بعرین و بسیار شدید بود تولد ملک مظفر تقی الدین محمود بن
ملک منصور صاحب حماة در قلعه حماة در چهاردهم رمضان مادر ملک مظفر ملکه خاتون دختر ملک عادل ابوبکر بن
ایوب بود و ابتدا این مولود را عمر نامیدند بعد موسوم بمحمود شد منتزع نمودن ملک عادل ابخر را در تصرف ملک
افضل بود بغیر از سمیساط و پس از این انتزاع ملک افضل دیگر در سمیساط باسم ملک عادل خطبه بخواند و خطبه را
باسم رکن الدین سلیمان بن قلیج ارسلان بن سلجوق حکمران آسیای صغیر کرد وفات غیاث الدین ابو الفتح محمد بن سام بن الحسین
غوری پادشاه غزنین و بعضی از بلاد خراسان و غیرها و در این وقت شهاب الدین برادر غیاث الدین در طوس و عازم
خوارزم بود و غیاث الدین را پسری بود محمود نام که خود را غیاث الدین نامید ولی شهاب الدین برقرار شدن محمود را
بجای پدرش تصدیق ننمود استیلای کرجیها بر شهر دوین از آذربایجان و قتل و نهب در این بلد و آذربایجان در این وقت
در تصرف امیر ابوبکر بن پهلوان بود ولی شب و روز بشرب خمر اشتغال داشت و بکار مملکت نمیپرداخت وفات زمرد مادر
خلیفه الناصر عباسی **اروپا** (دانمارک) فوت کانوت ششم پادشاه و نصب والدمار دوم بجای او (ایطالیا) لئونارد
نام از اهل پیزه ترجمه جبر و مقابله را که در آن وقت در میان اعراب این علم شایع بود از عربی بزبان لاتین نموده و در میان
ملل عیسویه شیوع و رواج میدهد

سنه هجری — سنه ۱۲۰۳ مسیحی

آسیا خطبه خواندن قطب الدین محمد بن عماد الدین زنکی بن مودود حکمران سنجار در بلاد خود باسم ملک عادل که
این معنی بر پسر عم او نور الدین ارسلان شاه بن مسعود دشوار آمده قصد نصیبین که در تصرف قطب الدین بود نمود و بر
این شهر استیلا یافت قطب الدین بمعاونت ملک اشرف بن عادل بر او غلبه نمود و این ابتدای سعادت ملک اشرف بود
و بعد از آن دیگر شکست نخورد و بلاد قطب الدین بر او مقرر آمد وفات سلطان رکن الدین سلیمان بن قلیج ارسلان
پادشاه آسیای صغیر در ششم ذیقعده و بعد از او پسرش قلیج ارسلان بن سلیمان بجای او جلوس کرد ولی چون صغیر
بود امر او استقراری نیافت کشتن خشداشه ایدغمش مملوک پهلوان کلیجا را که او نیز مملوک پهلوان بود و بر ری
و همدان و بلاد جبل استیلا یافته پس از قتل کلیجا ایدغمش ازبک بن پهلوان را در ممالک کلیجا بحکمرانی برداشت ولی
اسم حکمرانی با ازبک و رسم آن با ایدغمش بود استیلای محمود بن محمد الحمیری بر ظفار و مرباط و غیرهما از حضرموت

زلزلهٔ سخت عمومی در شام و مصر و جزیره و بلاد روم و صقلیه و قبرس و عراق و غیرها و خراب شدن دیوار شهر صور

از این زلزله **اروپا** پادشاه دانمارک والدمار مملکت نروژ را مسخر نمود مجاهدین فرنگ که بطرف قسطنطنیه

آمده بودند اینشهر را در تابستان بغلبه گرفتند (پرتوغال) مملکت الواس که در تصرف اعراب اندلس بود ضمیمه

پرتوغال شد

سنهٔ ٦٠١ هجری — سنه ١٢٠٤ مسیحی

آسیا ١ صلح کردن ملک عادل و فرنگها که بعد از صلح ملک عادل از شام بمصر رفت صلح میان ملک منصور صاحب حماة و فرنگها

پس از آنکه بنواحی حماة حمله کرده بودند آمدن سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان از قسطنطنیه و تملک نمودن بلاد

برادرش رکن الدین سلیمان را جنگ میانه امیر قتاده حسینی امیر مکه و امیر سالم بن قاسم الحسینی امیر مدینه **اروپا** ١

فلیپ اکوست پادشاه فرانسه ایالت نرماندی را که در تصرف انکلیسها بود ضمیمهٔ مملکت خود ساخت مجاهدین فرنگ که

در قسطنطنیه بودند بجهة افراط در [illegible] شدت اذیتی که باهالی اینشهر میرسانیدند بعضی مقتول و اکثر از شهر خارج

شدند و خود را آتی کرده که اخری شهر را بغلبه متصرف شده قسطنطنیه را قتل و غارت نمودند و بعضی ابنیه و آثار عالیه

تاریخی را که در اینشهر بود خراب کردند و بدون نامی از اهالی خود شان را بسمت قیصری و امپراطوری در قسطنطنیه

منسوب و برقرار داشتند

سنهٔ ٦٠٢ هجری — سنه ١٢٠٥ مسیحی

آسیا ١ کشته شدن شهاب الدین غوری پادشاه غزنین و بعضی از خراسان در مراجعت از لهاور در منزل دمیل

در شب اول شعبان و در قاتلین شهاب الدین اختلاف است بعضی گفته اند چند تن از طایفه کوکر که از اشرار اهل جبال

میباشند بواسطهٔ اینکه شهاب الدین بلد ایشان را پرداخته در خرگاه او ریختند و او را با کارد پاره پاره کردند برخی

نسبت قتل او را باسمعیلیه میدهند زیرا که از آنها زیاد کشته بود بالجمله چون شهاب الدین مقتول شد بها الدین

سام بن شمس الدین محمد بن مسعود که عم زادهٔ او بود و حکمرانی بامیان داشت متوجه غزنین شد که بجای شهاب الدین برقرار

شود و دو پسر او علاء الدین محمد و جلال الدین با او بودند اما قبل از وصول بغزنین درگذشت و پسر خود علاء الدین را

بموجب وصیت جایگاه شهاب الدین داد و علاء الدین و جلال الدین بغزنین آمدند و علاء الدین بجای شهاب الدین

برقرار شد اما غیاث الدین مملوکی داشت معروف بتاج الدین یلدوز که کرمان را باقطاع او داده بود و او از ارکان

دولت محسوب میشد و مرجع اتراک بود در این هنگام او بغزنین رانده بعد از زد و خوردها علاء الدین و جلال الدین

را بگریخت و ملک ایشان را تملک نمود و اما غیاث الدین محمود بن غیاث الدین که در وقت کشته شدن شهاب الدین در

بست بود بفیروزکوه آمده اینمحل را متصرف شد و بجای پدر خود نشست و ملقب بالقاب او گردید و اهل فیروزکوه

بدیدار او شادمان شدند و تاج الدین یلدوز برای او فتحنامه از غزنین نوشت وفات امیر مجیر الدین تاشتکین امیر حاج

که خلیفه عباسی او را ولایت تمام خوزستان داده بود مجیر الدین شیعی مذهب و مرد خیر صالحی بود فرار و حبس ابوبکر بن

پهلوان حکمران آذربایجان با دختر پادشاه کرج و این مصاهرت از آن بود که ابوبکر بجهة اشتغال بشرب حالت رسیدگی

بامور مملکت و مدافعهٔ دشمن نداشت از در صلح در آمد و کرجیها پس از مواصلت دست از او کشیدند که غزنین لشکر

ختائیها را از عساکر خوارزمشاه **اروپا** ایالات (نورن) (آن ژو) (قانق) که جزو انکلیس بود پادشاه فرانسه

مسخر ساخته متصرف شد

سنهٔ ۶۰۳ هجری — سنه ۱۲۰۶ مسیحی

آسیا آمدن ملک عادل از مصر بشام و منازعهٔ او با مجاهدین فرنک که غلبه او را بود فرستادن غیاث الدین محمود باستمالت یلدوز که مستولی بر غزنین بود و درخواست یلدوز که مملوک پدر او بود آزادی خود را از او که غیاث الدین او را و ایبک را که نیز مملوک پدر او و مستولی بر هند بود آزاد نمود پس از آزادی ایبک در بلاد خود باسم غیاث الدین خطبه خواند ولی یلدوز نخواند و بعضی عساکر یلدوز بجهة عدم اطاعت او از غیاث الدین محمود بر او شوریدند تملک غیاث الدین کیخسرو پادشاه آسیای صغیر انطالیه بلاد را که یکی از بلاد رومیهٔ الصغری و در ساحل بحر است (مغولستان) تموچین در حضور یکصد نفر از رؤسای قبایل مغول ملقب بچنکیزخان شده و در این مجلس عهد و میثاق می بندد که تمام ممالک آسیا را متصرف شود **اروپا** طایفه بلغار بر پادشاه جدید قسطنطنیه غلبه کرده او را در حوالی ادرنه دستگیر و مقتول میسازند برادر پادشاه مقتول هانری اول بجای او نصب میشود

سنهٔ ۶۰۴ هجری — سنه ۱۲۰۷ مسیحی

آسیا استیلای ملک اوحد نجم الدین ایوب پسر ملک عادل بر خلاط و صاحب خلاط چنانکه پیش ذکر شد بلبان بود رسیدن خلعت خلیفه الناصر عباسی بمصاحبت شیخ شهاب الدین سهروردی بملک عادل در دمشق که با این خلعت خلیفه فرمانی برای ملک عادل فرستاده بلادی را که در تحت حکمرانی او بود باو واگذار کرده یعنی امضای حکمرانی او نموده او را مخاطب بخطاب شاهنشاه و ملک الملوک و دوست امیر المؤمنین ساخته و برای هر یک از پسران ملک عادل نیز خلعت ارسال شده بود جنکهای متوالیهٔ خوارزمشاه با ختا بمحاربهٔ ملوک ماوراء النهر و گرفتار شدن خوارزمشاه در یکی از جنکها و بحیله مستخلص شدن و چون در گرفتاری خوارزمشاه برادرش علیشاه او را معدوم پنداشته بجای او خود را پادشاه خوانده بود همینکه خوارزمشاه خلاص شد و بمملکت خود عود نمود علیشاه خائف شده نزد غیاث الدین محمود غوری که بجنگ خوارزمشاه لشکری بسرداری امیر ملک نامی بغزنه و زکوه فرستاده غیاث الدین محمود و علیشاه را بگرفتند و هر دو را بگروز بکشتند و سلطنت سلاطین غوری که هیجده نفر بودند منقرض شد و خراسان بتمامه در تحت تصرف خوارزمشاه در آمد پس از آن خوارزمشاه دولت ختا را نیز بهم زده بانقراض رسانید وفات علم الدین عبد الکریم عراقی از علما و ابن ساعاتی از شعرا زلزله در موصل

سنهٔ ۶۰۵ هجری — سنه ۱۲۰۸ مسیحی

آسیا جاری ساختن ملک ظاهر قنات از جیلان بحلب بخرج زیاد کشته شدن معز الدین سنجرشاه ابن سیف الدین غازی بن مودود بن عماد الدین بن زنکی بن آقسنقر صاحب جزیرهٔ ابن عمر بدست پسرش غازی بجهة سوء سیرت و ستمکری که نسبت بعموم مردم و اولاد خود داشته و کشته شدن غازی نیز بدست علماء زمان پدرش و برقرار شدن محمود بن سنجرشاه بجای پدرش و ملقب شدن بمعز الدین و گرفتن محمود برادر خود مودود را زلزله در نیشابور

سنهٔ ۶۰۶ هجری — سنه ۱۲۰۹ مسیحی

آسیا نقض ملک ظاهر صاحب حلب صلح با ملک عادل را استیلای ملک عادل بر نصیبین که در تصرف قطب الدین محمد بن عماد الدین زنکی صاحب سنجار بود نیز استیلای او بر خابور وفات ملک المؤید نجم الدین مسعود بن سلطان صلاح الدین وفات امام فخر رازی موسوم بمحمد بن عمر بن الحسین بن حسن بن علی التیمی البکری الطبرستانی الاصل الرازی المولد الفقیه الشافعی خطیب ری صاحب تصانیف مشهور و اشعار نیکو تولد امام فخر بعقیدهٔ ابن اثیر در سنهٔ پانصد و چهل و سه

بوده است وفات مجد الدین بن السعادات المبارك بن محمد بن عبد الکریم معروف بابن اثیر برادر عز الدین علی مورخ مؤلف
کتاب کامل در تاریخ و مجد الدین در فقه و اصول و نحو و حدیث و لغت عالم و صاحب تصانیف مشهوره میباشد و در
انشا یدی طولی داشت و وفات المجد المطرزی النحوی الخوارزمی از ائمهٔ نحو صاحب تصانیف حسنه تاختن اهالی فرانسه
کرد در بیت المقدس بودند تا سرحدات مصر

سنه ۶۰۷ هجری — سنه ۱۲۱۰ مسیحی

آسیا محاصره کردن کرجیها ملك اوحد بن ملك عادل را در خلاط و گرفتار شدن پادشاه آنها و صلح سی ساله میانهٔ کرجیها
با مسلمین بشرط اینکه پادشاه کرج دختر خود را بمزاوجت ملك اوحد دهد وفات نور الدین ارسلان شاه بن عز الدین مسعود
بن مودود بن عماد الدین زنکی صاحب موصل که هفده سال و یازده ماه حکمرانی اینولایت را کرده بود برقرار شدن پسرش
ملك قاهر عز الدین مسعود بجای او در ده سالکی و پرداختن بدر الدین لؤلؤ مملوك پدرش بتدبیر مملکت و نور الدین را
پسر دیگر بود کوچکتر از القاهر موسوم بعماد الدین زنکی که پدرش او را حکمران قلعهٔ شوش و قلعهٔ عقر که در نزدیکی موصل بود
نموده رفتن ملك عادل از دمشق بمصر وفات فخر الدین چهارکس از سرکردهای صلاحیه وفات ملك اوحد ایوب بن ملك
عادل صاحب خلاط و تملك ملك اشرف ملك او را که بدین واسطه کار او بالا گرفت و ملقب بشاه ارمن شد کشته شدن
غیاث الدین کیخسرو حکمران آزی مینر بدست ملك الاشکری و برقرار شدن پسرش کیکاوس بجای او **اروپا** (فرانسه)
در شورای مذهبی پاریس حکم شد کتب فلسفی ارسطو را بسوزانند و هر کس این کتب را مطالعه کند نیز حتماً همین حکم
دربارهٔ او مجری شود

سنه ۶۰۸ هجری — سنه ۱۲۱۱ مسیحی

آسیا گرفتن ملك معظم عیسی بن ملك عادل عز الدین اسامه صاحب دو قلعهٔ کوکب و عجلون را که او را در کرك حبس کرد
تا مرد و صلاحیه منقرض شدند و ملك معظم بلاد چهارکس را متصرف شد و صرخد را بمملوك خود عز الدین ایبك معظمی داد
معاودت ملك عادل بشام و دادن رها و میافارقین را بپسر خود ملك مظفر مزاوجت ضیفه خاتون دختر ملك عادل
با ملك ظاهر و رفع نقار جانبین باین واسطه و خطبهٔ این مزاوجت در این سال و عقد آن در سال بعد بود اظهار داشتن کیا
جلال الدین حسن صاحب الموت که از اولاد حسن صباح بود شعایر اسلام را و نوشتن اینمطلب را بجمیع قلاع اسمعیلیه و دایر
شدن شعایر اسلام در آن قلاع وفات ابو حامد محمد بن یونس بن منعه فقیه شافعی که از فضلا و حسن الخلق بود در موصل **افریقا**
وفات قاضی سعید معروف بابن سنا الملك که هبة الله بن جعفر بن سنا الملك السعدی الشاعر المشهور المصری باشد و قاضی سعید
از فضلا و رؤسا و صاحب نظم جید و کثیر الحظ و از خوشبختهای عالم بود زلزله در مصر

سنه ۶۰۹ هجری — سنه ۱۲۱۲ مسیحی

آسیا ساختن ملك عادل قلعهٔ طور را که ارباب صنایع و عساکر را در اینجا جمع کرده تا تمام شد محاصره کردن طغرلشاه
بن قلیج ارسلان صاحب ارزن الروم پسر برادر خود کیکاوس حکمران آزی مینر را در سیواس و استمداد کیکاوس از ملك
اشرف بن ملك عادل که طغرل بدینواسطه خایف شده دست از محاصره کشید استیلای کیقباد برادر کیکاوس بر
انکوریه که در تصرف کیکاوس بود و محاصره نمودن کیکاوس کیقباد را در این بلد و فتح کردن آن و گرفتن کیقباد را و
حبس نمودن و امرای کیقباد را تنبیه کردن **اروپا** (روس) فوت ولادیمیر پادشاه و نصب شدن وسیولد سیم پسرش
بجای او (اسپانیول) انهزام ناصر محمد صاحب الموحدی از عساکر اسپانیول در جنگ طلیطله (تلد) که این واقعه

مشهور بو وغیر عقابست

سنه ۱۲۱۳ مسیحی
سنه ۶۱۰ هجری

آسیا غلبهٔ عزالدین کیخسرو بر کران آذی هیننز بر بلاد عم خود طغرلبو کرفتن وکشتن او را و اکثر امرای او را و وفات فارس الدین میمون قصری که آخر امرا از امرای کبار صلاحیه بود در حلب و فارس الدین منسوب بقصر خلفای مصر است که صلاح الدین آنرا فتح کرد تولد ملک عزیز غیاث الدین محمد پسر ملک ظاهر و ضیفه خاتون دختر ملک عادل کشته شدن ایدغمش مملوک پهلوان بدست منکلی از پهلوانیه و استقلال منکلی در مملکت او که همدان و جبال باشد **اروپا** (فرانسه) ایجاد سفاین جنگی در مملکت بقصد تسخیر انکلیس (اسپانیول) وفات علی بن محمد بن علی المعروف بابن خروف النحوی الاندلسی الاشبیلی که کتاب سیبویه را در کمال خوبی شرح کرده و بر جمل زجاجی نیز شرحی نوشته و برخی وفات او را در سال قبل نوشته اند **افریقا** وفات محمد ناصر بن یعقوب المنصور بن یوسف بن عبد المؤمن پادشاه مغرب که نقریبا شانزده سال سلطنت کرده بود برقرار شدن پسرش یوسف بجای او که ملقب بالمستنصر امیر المؤمنین کردید وکنیهٔ او ابو یعقوب بود و وفات عیسی بن عبد العزیز جزولی از ائمهٔ نحو در مراکش صاحب مقدمهٔ جزولیه مسمی بقانون و جزولی منسوب بجزوله است که بطنی از بربر باشد و آنرا کزوله هم کفته اند

سنه ۱۲۱۴ مسیحی
سنه ۶۱۱ هجری

اسیا وفات شیخ علی بن ابی بکر هروی که در انواع فنون شعبده و سیمیا مهارت کامل داشت و اشعار زیاد داشت و قبر او در شمالی حلب واقع و معروفست اسیر کردن ترکمانان ملک الاشکری را که قاتل غیاث الدین کیخسرو بود و آوردن او را نزد کیکاوس بن کیخسرو چون قصد کشتن ملک الاشکری نمود او اموال زیاد داد و بلاد و قلاع چند که تا آن وقت متصرف مسلمین در بنا مده بود تسلیم کیکاوس کرد و جان خود را خرید معاودت ملک عادل از شام بمصر و وفات دکر عبد السلام ابن عبد الوهاب بن عبد القاهر جیلی والی چند ولایت بغداد و دکر متهم بمذهب فلاسفه بود چنانکه همین و اسطه چندی محبوس شد و وفات عبد العزیز بن محمود بن الاخضر از فضلای محدثین در هشتاد و هفت سالکی اسیلای عساکر خوارزمشاه بر کرمان **اروپا** اتحاد و اتفاق سلاطین انکلیس و المان و بعضی ولات دیکر ممالک فرنك و جمعی از معارف که ناراضی از پادشاه فرانسه بودند بر ضد این پادشاه

وکیکاوس ع

سنه ۱۲۱۵ مسیحی
سنه ۶۱۲ هجری

اسیا فرستادن ملک کامل بن ملک عادل پسر خود مسعود یوسف معروف باقسیس را با لشکری بیمن و غلبهٔ او بر سلیمان صاحب یمن که او را کرفته مغلولا بمصر فرستاد و ملک کامل او را در قاهره موظف میداشت تا در سال ششصد و چهل و هفت در منصوره در جنک کشته شد و وفات امیر علی بن الناصر خلیفهٔ عباسی جنک کردن عساکر بغداد و غیره با منکلی صاحب همدان و اصفهان و ری تا بینهما و کشته شدن منکلی در ساوه و برقرار شدن اغلمش از ممالیک پهلوانیه بجای او و انتزاع نمودن علاء الدین تکش خوارزمشاه غزنین و اعمال آنرا از یلدوز مملوک شهاب الدین غوری و فرار یلدوز بلهاور از هند و استیلای او بر این ولایت که از اینجا بداخله هند رانده بعضی بلاد را که قطب الدین ایبك متصرف بود بکرفت و آخر الامر در جنک با عساکر ایبك مقتول شد و وفات ابو حبیب مبارك بن ابی الازهر سعید بن دهان نحوی اعمی از فضلا و وفات عبد القاهر ابرهاوی از حفاظ مسخر کردن چنکیزخان بغلبه شهر پکن را و سوزانیدن تمام کتب و اسباب علمیه را که در این شهر بود و تاختن تا جبال شمالی مملکت چین **اروپا** (المان) در مجلس اعاظم که در شهر اکسلا شاپل منعقد شده

بود

بود اینطور مقرر داشتند که بقید قسم از تمام رعایای آلمان عهد بگیرند که قوافل و تجار را محترم بدارند و آنها را در شوارع عامه صدمه و آسیبی نرسانند (رم) منع پاپ کشیشان را از زن گرفتن

سنه ۶۱۳ هجری — سنه ۱۲۱۶ مسیحی

آسیا وفات ملک ظاهر غازی بن سلطان صلاح الدین بن یوسف بن ایوب صاحب حلب در بیستم جمادی الآخره عمر ملک ظاهر چهل و چهار سال و چند ماه و مدت حکمرانی او در حلب انروقتیکه پدرش اینولایت را باو داده بود سی و یکسال بر قرار شدن ملک عزیز پسر کوچک ملک ظاهر بجای او در سن دو سال و چند ماهگی و پرداختن شهاب الدین طغرل خادم بتدبیر مملکت و ملک ظاهر را پسری دوازده ساله بود موسوم بملک صالح که بموجب وصایت بعد از ملک عزیز ولایت عهد او را بود وفات تاج الدین زید بن الحسین بن زید الکندی از ائمه نحو و لغت که در علوم ذی فنون و بغدادی المولد والمنشأ و مقیم دمشق بود غلبهٔ چنگیز خان بر خوارزم و در این قشون کشی علما و مهندسین چینی در فتح بعضی شهرها کمال معاونت را بچنگیز خان نمودند **اروپا** (رم) فوت اینوسان دوم پاپ و جلوس هنریوس سیم بجای او

سنه ۶۱۴ هجری — سنه ۱۲۱۷ مسیحی

آسیا قتل و نهب مجاهدین فرنگ در بلاد اسلام و جمع شدن آنها در عکا گرفتن خوارزمشاه ساوه و قزوین و زنجان و ابهر و همدان و اصفهان و قم کاشان را و اطاعت کردن ازبک بن پهلوان حکمران آذربایجان و اران خوارزمشاه و خطبه خواندن در بلاد خود باسم او و عزم کردن خوارزمشاه رفتن ببغداد را بجهة استیلای بر این نواحی که چون سه منزل از همدان دور شد برف شدیدی آمده اکثر دواب عساکر او را تلف نمود لهذا فسخ عزیمت کرده و از خوف اینکه تاتار بر بلاد او حمله کنند و لایاتی را که تازه تصرف کرده بود بحکام سپرده بخراسان باز گشت و خطبهٔ خلیفه عباسی را از بلاد خراسان و ماوراء النهر قطع کرد ولی در خوارزم و سمرقند و هرات باز باسم خلیفه مشار الیه خطبه میخواندند طغیان دجله

سنه ۶۱۵ هجری — سنه ۱۲۱۸ مسیحی

آسیا و افریقا وفات ملک قاهر عز الدین مسعود بن ارسلان شاه بن مسعود بن مودود بن عماد الدین زنگی صاحب موصل در بیست و هفتم ربیع الاول بعد از هفت سال و نه ماه حکمرانی و فی الحقیقه بفوت او سلطنت اینطایفه منقرض شد عز الدین دو پسر داشت پسر بزرگتر که ده ساله و موسوم بارسلان شاه بود و بموجب وصیت پدرش بحکمرانی موصل جلوس نمود و بدر الدین لؤلؤ بتدبیر ملک پرداخت وفات ملک عادل که از مرج الصفر بعالقین آمده در اینجا مریض شد و در هفتم جمادی الآخره در گذشت و مدت سلطنت او در دمشق بیست و سه سال و در مصر تقریباً نوزده سال و عمرش هفتاد و پنجسال بود ملک عادل شانزده پسر داشت و چند دختر و در وقت وفات او هیچیک از پسرهای او نزد او نبودند لکن ملک معظم عیسی بن ملک عادل که در نابلس بود بعالقین آمده نعش پدر را در محفه گذاشت و جواهر و سلاح و اسب و اموالی را که با ملک عادل بود تصرف کرده وفوت او را پنهان داشته بدمشق آمد و جمیع مردم باطاعت او سوگند خوردند آنگاه فوت ملک عادل را اظهار نمود و بعزاداری پرداخت و خبر فوت ملک عادل وقتی بملک کامل رسید که مشغول دفع مجاهدین فرنگ که بدمیاط حمله نموده بودند بود و بواسطه وصول این خبر اختلاف در میان عساکر افتاد و عماد الدین احمد بن سیف الدین علی بن احمد المشطوب که در میان اکراد هکاریه سردار و رئیس بزرگی بود عزم کرد ملک کامل را از سلطنت مصر خلع کند ملک معظم عیسی بن عادل در شام از اینواقعه خبر شده بجانب برادر

شناخت و عماد الدین مذکور را بشام نفی کرد و امر سلطنت کامل منظم گردید و در این فتنه ها مجاهدین فرنگ خلیج صد
بدمیاط وارد آوردند و در سال بعد بر دمیاط استیلا یافتند اطاعت کردن ارسلان شاه بن عز الدین و بدر
الدین لؤلؤ اتابک را و از ملک اشرف بجهت استمداد او و در دفع عماد الدین زنگی بن ارسلان شاه ابن عم ارسلانشاه
بن عز الدین که بر بلاد او تاخته بود و وفات علی بن نصر بن هرون النحوی الحلی ملقب بمجیر و وفات محمد بن احمد بن محمد العمیدی
الفقیه الحنفی السمرقندی ملقب برکن الدین از علمای بزرگ

سنه ۱۲۱۹ مسیحی

سنه ۶۱۶ هجری

آسیا وفات ارسلان شاه بن عز الدین که بدر الدین لؤلؤ برادرش ناصر الدین محمود را بجای او بحکمرانی موصل برداشت
و محمود سه ساله و آخر شخصی بود که از این خانواده اسم سلطنت یافت و بعد از چندی درگذشت و بدر الدین لؤلؤ
خود در سلطنت موصل مستقر گردید و روزگاری دراز با سعادت سلطنت کرد تا بعد از گرفتن مغول بغداد را در موصل
درگذشت و وفات قطب الدین محمد بن عماد الدین زنگی بن مودود بن عماد الدین زنگی حکمران سنجار و برقرار شدن پسرش
عماد الدین شاهنشاه بجای او که پس از چند ماه برادرش محمود او را بکشت و خود حکمران سنجار شد و این آخر کسی است
از این خانواده که در سنجار سلطنت کرد خراب کردن قلعه بیت المقدس بامر ملک معظم عیسی بن عادل از خوف استیلای
مجاهدین فرنگ بر این شهر و وفات کیکاوس بن کیخسرو بن قلیج ارسلان حکمران آسیای صغیر و برقرار شدن کیقباد بجای او برادرش
فتوحات علاء الدین کیقباد سلجوقی در سمت گرجستان و ارمنستان بعقیده مورخین فرنگ استیلای چنگیزخان
بر بخارا در چهارم ذیحجه پس از جنگ با عساکر علاء الدین محمد خوارزمشاه کشته شدن خلق بیشماری از مسلمین بدست
مغول که نظیر این خونریزی تا این وقت در اسلام نشده بود و وفات ابو البقا عبد الله بن حسین بن عبد الله العکبری اعمی
نحوی لغوی که حنبلی بود و وفات ابو الحسن علی بن القاسم بن علی بن حسن الدمشقی الحافظ بن الحافظ بن الحافظ
معروف با بن عساکر تشکیل سلطنت در جزیره قبرس

سنه ۱۲۲۰ مسیحی

سنه ۶۱۷ هجری

آسیا دادن محمود بن قطب الدین صاحب سنجار این ولایت را بملک اشرف بن عادل و گرفتن رقه را در عوض سنجار و
آمدن ملک اشرف با احتشام تمام بموصل استقرار صلح مابین ملک اشرف و مظفر الدین کوکبوری صاحب اربل و عماد
الدین زنگی بن ارسلان شاه صاحب قلاع عقر و شوش و عمادیه و بدر الدین لؤلؤ حکمران موصل و رفتن ملک اشرف از
موصل بسنجار و دادن بدر الدین لؤلؤ قلعه تلعفر را بملک اشرف و بردن ملک اشرف ابن مشطوب را از حبس موصل
و جا دادن او را مقید در چاهی در شهر حران که در آن چاه در سنه ششصد و نوزده بمرد و وفات ملک منصور محمد بن
ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب صاحب حماة در ذیقعده در قلعه حماة و ملک منصور از فضلا و
صاحب تصنیفات حسنه بود چون ملک منصور درگذشت پسرش ملک مظفر که ولیعهد بود در مصر با خال خود ملک
کامل بجنگ مجاهدین فرنگ اشتغال داشت و پسر دیگرش ملک ناصر صلاح الدین قلیج ارسلان نزد خال دیگر خود
ملک معظم پادشاه دمشق بود زین الدین فریح وزیر ملک منصور و بزرگان دولت ملک ناصر را طلبیدند و بجای
ملک منصور برقرار کردند و ملک مظفر مجبور شد که در مصر بخدمت ملک کامل بپردازد قرار دادن ملک اشرف
برادر خود ملک مظفر شهاب الدین غازی را ولیعهد خود و دادن میافارقین و خلاط را باو و این کار بجهت این
شد که ملک اشرف اولاد نداشت و ملک اشرف رها و سروج را از ملک مظفر بگرفت و وفات شیخ صلاح الدین محمد بن

عمر بن حمویه شیخ الشیوخ شام و مصر که مردی فقیه فاضل بود از یکی از خانواده های بزرگ خراسان و چهل پسر از او
ماند که معروف باولاد الشیخ بودند و بعضی از اخبار آنها بیاید و شیخ صدر الدین برسالت بموصل آمده بود و در این شهر
درگذشت تعاقب کردن قشون چنگیزخان علاء الدین محمد بن علاء الدین تکش بن ارسلان اتسز بن محمد بن انوشتکین
خوارزمشاه را که همه جا راندند تا جزیرهٔ آبسکون و در قلعهٔ آبسکون درگذشت در حالتیکه کفن نداشت غلبهٔ لشکر مغول
بعد از مایوس شدن از دستگیر نمودن خوارزمشاه بر اغلبی از بلاد ایران و گرفتن شهر مراغه را در ماه صفر سال بعد
که از اینجا بتبریز راندند و این بلد را نیز بگرفتند بعد بخوارزم تاختند و از خرابی و قتل و غارت هیچ فروگذار نکردند آنگاه
نزد چنگیزخان رفتند و از لشکری مامور بغزنین کرد سلطان جلال الدین منکبرنی پسر علاء الدین محمد خوارزمشاه که غزنین را
متصرف بود لشکر چنگیزخان را شکست داد در ثانی چنگیزخان لشکری بقتال سلطان جلال الدین فرستاده آن لشکر
نیز شکست چون چنگیزخان بنفسه متوجه حرب سلطان جلال الدین شد سلطان جلال الدین تاب مقاومت نیاورده
بهند راند چنگیزخان او را تعاقب کرده در کنار رود سند جنگ سختی بین فئتین درگرفت و جلال الدین از رود سند
عبور کرده بطرف هند رفت و چنگیزخان معاودت نموده بر غزنین استیلا یافت و لشکر او بقبچاق راندند شهر قبچاق را که سوق
لسوادی بود بگرفتند بعد ببلاد لکزی که در نزدیکی دربند شیروان است استیلا یافتند بخاک روس داخل شدند و جنگها
نمودند و غلبه لشکر مغول را بود وفات رضی الدین موید بن محمد بن علی الطوسی الاصل النیشابوری المسکن از علمای بزرگ

سنهٔ ۶۱۸ هجری — سنهٔ ۱۲۲۱ مسیحی

اسیا انتزاع ملک اشرف رقه را از محمود بن قطب الدین وفات ملک صالح ناصر الدین محمود بن محمد بن قرا ارسلان بن
داود بن سقمان بن ارتق صاحب آمد و حصن کیفا و برقرار شدن پسرش ملک مسعود بجای او و وفات قتاده بن ادریس العلوی
الحسنی امیر مکهٔ معظمه در نود سالگی که ولایت او تا یمن اتساع یافته بود و پسر او حسن او را خفه کرد و عم و برادر خود را
نیز بکشت و در مکه استقرار یافت وفات جلال الدین حسن صاحب الموت بزرگ اسمعیلیه که پسرش علاء الدین محمد بجای
او برقرار شد **افریقا** جنگ ملک کامل پادشاه مصر با مجاهدین فرنگ بمعاونت برادران خود ملک اشرف و ملک معظم
عیسی و عساکر شام و حماة و غیرها و استرداد دمیاط و ورود ملک کامل با برادران خود بدمیاط با احتشام هر چه تمامتر
بعد از صلح با مجاهدین فرنگ و دادن حکومت این شهر را بامیر شجاع الدین جلدک تقوی از ممالیک ملک مظفر تقی الدین
عمر بن شاهنشاه و معاودت ملک کامل بقاهره و مرخص نمودن برادران خود را که هر یک بمملکت خود باز کردند

سنهٔ ۶۱۹ هجری — سنهٔ ۱۲۲۲ مسیحی

اسیا وفات ناصر الدین محمود بن ملک قاهر و استقلال بدر الدین لولو در حکمرانی موصل و خواندن خود را ملک رحیم
راندن ملک معظم عیسی بن عادل پادشاه دمشق بطرف حماة بجهة اینکه ملک ناصر صاحب حماة قرار داده بود خراجی
برای ملک معظم بفرستد و بقرارداد خود عمل نکرده بود جنگ مختصر ملک معظم با عساکر ملک ناصر و رفتن بسلمیه و استیلای
او در اینجا و راندن بمعره و گرفتن آن را و برگشتن بسلمیه و در اینجا در تهیهٔ جنگ با حماة بود که سال بسر آمد وفات
شیخ یونس بن یوسف بن مساعد شیخ فقراء معروف بیونسیه از صلحا و صاحب کرامات در نزدیکی قنیه بنای حصار قنیه
بامر علاء الدین کیقباد سلجوقی پادشاه آسیای صغیر وفات شیخ روزبهان در شیراز

سنهٔ ۶۲۰ هجری — سنهٔ ۱۲۲۳ مسیحی

اسیا گرفتن ملک مسعود بن ملک کامل پادشاه یمن مکهٔ معظمه را از حسن بن قتاده رفتن ملک معظم بامر ملک کامل از مملکت

ملک ناصر اتفاق ملک کامل و ملک اشرف به اینکه سلمیه را از ملک ناصر انتزاع کرده بملک مظفر برادرش که در مصر بود دهند
وچون چنین کردند ملک مظفر حسام الدین ابوعلی ابن محمد بن علی الهذبانی را بنیابت خود بسلمیه فرستاد و حماة و معره و بعرین در تصرف
ملک ناصر ماند آوردن ملک اشرف خلعت و لوا از مصر از جانب برادرش ملک کامل برای ملک عزیز صاحب حلب که ده ساله بود
و نشاندن او را بر سریر سلطنت خراب کردن قلعه اذقبه را بامر ملک اشرف و بزرگان حلب غلبه غیاث الدین برادر جلال
الدین بن خوارزمشاه بر ری و اصفهان و سایر بلاد عراق عجم و غیاث الدین پیش از این پادشاه کرمان بود **اروپا** (فرانسه)
فوت اگوست پادشاه فرانسه و جلوس لوئی هشتم بجای او ایجاد مدرسه دار الفنون در اروپا **افریقیا** وفات یوسف المستنصر
ابن محمد ناصر بن یعقوب المنصور بن یوسف بن عبد المؤمن و چون یوسف اولادی نداشت بزرگان دولت عم پدرش عبد الواحد
بن یوسف بن عبد المؤمن را که مرد پیری بود بسلطنت برداشتند و المستضی لقب دادند و عبد الواحد مذکور مرد فقیری بود
در مراکش یعنی در بادیه چون بسلطنت رسید به تنعم پرداخت بدون اینکه شرب خمر نماید ولی پس از نه ماه او را بکشتند
و پسر برادرش عبدالله بن یعقوب بن منصور بن یوسف بن عبد المؤمن را بسلطنت اختیار نموده او را العادل خواندند

سنه ۶۲۱ هجری — سنه ۱۲۲۴ مسیحی

آسیا ۱ استیلای غیاث الدین بن علاء الدین محمد خوارزمشاه بر غالب بلاد فارس و حکمران فارس اتابک سعد بن زنگی بود
وقوع مصالحه مابین غیاث الدین و اتابک سعد به اینکه بعضی از فارس غیاث الدین را باشد و قدری اتابک را ۲ انتزاع ملک اشرف
خلاط را از برادر خود ملک مظفر شهاب الدین غازی بجهة عصیان او و نسبت بملک اشرف و دادن فقط میافارقین را باو
اروپا طوایف مغول که بمملکت روس حمله آورده بودند در ساحل رود دنیپر توقف کردند (دنیپر رودی است در روسستان)

سنه ۶۲۲ هجری — سنه ۱۲۲۵ مسیحی

آسیا ۱ آمدن سلطان جلال الدین خوارزمشاهی از هندوستان بکرمان و غلبه او بر تمام ایران تا بگنجه و انتزاع نمودن آنچه
را که از فارس بتصرف غیاث الدین برادر او بود و دادن باتابک سعد بن زنگی و درآمدن غیاث الدین و اتابک هر دو در سلک
اطاعت سلطان جلال الدین و بالا گرفتن کار او از هر جهة وفات ملک افضل نور الدین علی بن سلطان صلاح الدین یوسف
که غیر از سمیساط جائی بدست او نبود عمر ملک افضل پنجاه و هفت سال و مرد فاضل نیک سیرت و جامع فضایل و اخلاق
بود ولی بخت بلندی نداشت شعر را نیز نیکو میگفت وفات خلیفه الناصر لدین الله عباسی بعد از چهل و هفت سال خلافت
در اول شوال و الناصر در اواخر عمر خود کور شده بود عمر الناصر تقریبا هفتاد سال و قبیح السیره و ظالم و متشیع و در ایام
او عراق خراب شد و مردم عراق متفرق گردیدند گویند او بجهة عداوت با خوارزمشاه مغول را بطمع ممالک اسلام انداخت
خلافت الظاهر بامر الله ابونصر محمد پسر الناصر لدین الله که سی و ششمین خلیفه عباسی بود چون الظاهر خلیفه شد بنای معدلت
را گذاشت و در میان مردم بود و پیش از او خلفا را بندرت مردم میدیدند اما خلافتش بیش از نه ماه طول نکشید انقراض
دولت بنی الدکز در آذربایجان بدست سلطان جلال الدین زلزله در موصل

سنه ۶۲۳ هجری — سنه ۱۲۲۶ مسیحی

آسیا ۱ اتفاق ملک معظم بن عادل پادشاه دمشق و جلال الدین خوارزمشاه و مظفر الدین صاحب اربل با یکدیگر و لشکر
کشیدن بر سر حمص و مراجعت کردن بدمشق بجهة مردن اسب و شتر لشکر او و آمدن ملک اشرف نزد برادر خود ملک معظم بجهة
طلب صلح و اقامت نمودن نزد او که بظاهر مکرم بود و در معنی مثل اسیر و ملک اشرف نزد ملک معظم بود که سال آخر رسید
گرفتن سلطان جلال الدین تفلیس را از گرجیها راندن سلطان جلال الدین بخلاط و جنگ کردن با حسام الدین علی الموصلی

الحاجب نایب ملک اشرف که برف زیاد اسباب سختی کار جنگ شده سلطان جلال الدین از خلاط کوچ کرد وفات
خلیفه الظاهر بامر الله عباسی در چهارم رجب و این خلیفه بر عکس پدرش بسیار عادل و نیکوکار بود خلافت المستنصر بالله
ابو جعفر المنصور سی و ششمین خلیفه عباسی پسر اکبر الظاهر بامر الله والظاهر را پسر دیگر بود خفاجه نام در کمال شجاعت
که در غلبه مغول بر بغداد کشته شد گرفتن عساکر علاء الدین کیقباد حکمران آسیای صغیر حصن منصور و حصن الکحت (کاخته)
را از صاحب آمد ملک مسعود ارتقی جنگ دویم سلطان جلال الدین در خلاط که باز بجهة شدت سرما از اینجا کوچ
کرد زلزله در موصل **اروپا** (فرانسه) فوت لوئی هشتم پادشاه و جلوس لوئی نهم بجای او در سیزده سالگی

سنه ۶۲۴ هجری — سنه ۱۲۲۶ مسیحی

آسیا رفتن حسام الدین علی نایب ملک اشرف با قشون بر سر بلاد سلطان جلال الدین و گرفتن خوی و سلماس و
نخجوان را و این بعد از رهائی ملک اشرف بود از جنگ ملک معظم بن عادل وفات ملک معظم عیسی بن عادل در دمشق
در ماه ذیقعده در چهل و نه سالگی و مدت سلطنت ملک معظم در دمشق نه سال و چند ماه بود ملک معظم عادل و
فاضل و بلا تکلف میزیست و مثل سایر سلاطین بعضی رسوم ظاهری را مرعی نمیداشت بعد از او پسرش ملک ناصر صلاح
الدین داود بجای او برقرار شد و مملوک پدرش عز الدین ایبک معظمی صاحب صرخد مدبر ملک پسر او شد فوت
چنگیز خان در این سال طوایف مغول از سمت مغرب تا رود دنیپر و از طرف شرق تا اقصی بلاد مملکت چین را متصرف
بودند و این ممالک وسیعه در میان چهار نفر اولاد چنگیز خان بر حسب وصیت قسمت شد اگرچه اوکتای قاآن شاهنشاه
بود اما جز در حصه و قسمت خود سلطنت و اختیار تامی نداشت **افریقا** خلع شدن العادل عبد الله بن یعقوب
المنصور بن یوسف بن عبد المؤمن پادشاه مغرب از سلطنت که بعد از خلع او را خفه کردند و بعد از او یحیی بن محمد بن
ناصر بن یعقوب منصور بن یوسف بن عبد المؤمن بجای او برقرار شد و هنوز موی عارض یحیی نرسیده بود مقارن جلوس
او خبر رسید که ادریس بن یعقوب برادر العادل مخلوع در اشبیلیه بخلافت برخاسته و ملقب بمأمون شده و بدین
واسطه اهل مراکش با جماعتی از عرب بر یحیی شوریدند و او بکوهستان گریخت و عرب معقل او را کشتند و در مراکش
نیز خطبه باسم ادریس مأمون خوانده شد و بر اندلس بر عدوه هم و در نصرت ادریس آمد بعد متوکل بن هود در شرقی
اندلس بر ادریس خروج کرد و ادریس ناچار از اندلس بمراکش آمد و اندلس از تصرف بنی عبد المؤمن خارج شد و ادریس مرد
فصیح عالمی بود و چون در گذشت پسرش عبد الواحد بجای او برآمد و ملقب برشید شد و او نیز در ششصد و چهل وفات
کرد و برادرش علی بن ادریس ملقب بالمعتضد بجای او نشست والمعتضد در محاصره قلعه در نزدیکی تلمسان در سال ششصد
و چهل و شش در گذشت و ابو حفص عمر بن ابو ابراهیم بن یوسف بجای او برقرار آمد و ملقب بالمرتضی گردید در محرم ششصد
و شصت و پنج الواثق ابو العلاء ادریس معروف بابو دبوس داخل مراکش شده و المرتضی بدست او مقتول گردید و ابو دبوس
بعد از سه سال در جنگ با بنی مرین ملوک تلمسان کشته شد و دولت بنی عبد المؤمن منقرض گردید و بنی مرین بر ممالک
بنی عبد المؤمن غلبه کردند و ابو دبوس را بعضی پسر ادریس مأمون دانسته اند برخی اسم او را ادریس بن عبد الله بن یعقوب بن
یوسف بن عبد المؤمن ضبط کرده اند

سنه ۶۲۵ هجری — سنه ۱۲۲۷ مسیحی

آسیا اجتماع ملک اشرف بن عادل و ملک کامل بن عادل در غزه (غزه شهریست میان شام و مصر) و اتفاق نمودن آنها بر
اینکه دمشق را از الناصر داود پسر برادر خود انتزاع کنند و حران و رها و رقه را که در تصرف ملک اشرف بود در عوض باو

دهند و دمشق ملک اشرف را باشد تا عقبه افیق و از عقبه افیق ببالا بلاد دمشق از ملک کامل باشد نیز قرار دادند که
حماة را از ملک ناصر قلیج ارسلان منتزع سازند و بملک مظفر محمود بن ملک منصور دهند و سلمیه را نیز از ملک مظفر محمود
گرفته بشیرکوه صاحب حمص واگذار کنند و سال بسر رسید در حالتیکه ملک اشرف در ظاهر غزه نزد برادر خود ملک کامل
پادشاه مصر بود آمدن لشکر مغول مجدداً بر سر بلاد و ولایتی که بتصرف سلطان جلال الدین خوارزمشاهی بود و وقوع جنگها
بسیار فیما بین لشکر مغول و عساکر سلطان جلال الدین که اغلب فتح با مغول بود آمدن سلطان جلال الدین پس از جنگها
که با مغول کرده بود بطرف خلاط و قتل و نهب و خرابی او در این نواحی خائف شدن غیاث الدین برادر جلال الدین از او و مفارقت
کردن از جلال الدین و پناه بردن باسمعیلیه

سنه ۶۲۶ هجری

سنه ۱۲۲۸ مسیحی

آسیا محاصره کردن ملک اشرف دمشق را و محصور نمودن ملک ناصر برادرزاده خود را با برادر خود ملک کامل و آخر الامر دمشق در تصرف
ملک اشرف واشد و بلاد شرقیه که برای ملک ناصر معین شده بود یعنی حران و رها و غیرها بتصرف ملک کامل درآمد و
کرک و بلقاء و صلت و اغوار و شوبک را بملک ناصر دادند وفات ملک مسعود بن کامل پادشاه یمن که ملقب به اتسز و معروف
به اقسیس بود در مکه در بیست و شش سالگی مدت سلطنت ملک مسعود در یمن چهارده سال بود و چون از یمن عزیمت مکه
کرد علی بن رسول را در این مملکت جانشین خود قرار داد فرستادن ملک اشرف مملوک خود عز الدین ایبک اشرفی را که اکبر
امرای او بود بخلاط و گرفتن او حاجب علی موصلی را که از جانب ملک اشرف حاکم خلاط بود و حبس کردن و کشتن او و حاجب
مذکور حسام الدین امیر ... و مرد نیک سیرت کثیر الخیری بود استیلای ملک مظفر محمود بن ملک منصور محمد بن ملک مظفر
تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب بر حماة که در تصرف برادرش ملک ناصر قلیج ارسلان بود و گرفتن ملک کامل سلمیه را از او
و دادن بشیرکوه صاحب حمص بنابر معاهده که پیشتر ذکر شد و دادن ملک مظفر محمود بحکم ملک کامل قلعه بارین را به برادر
خود ملک ناصر قلیج ارسلان که تنها حماة و معره در تصرف او ماند فرستادن ملک اشرف برادر خود ملک صالح اسمعیل
صاحب بصری را با لشکری ببعلبک و محاصره نمودن او این بلد را و صاحب بعلبک ملک امجد بهرامشاه بن فرخشاه بن شاهنشاه
بن ایوب بود (بصری شهری است در حوران نشانی رساتیق دمشق) آمدن سلطان جلال الدین خوارزمشاهی بمحاصره خلاط
و محصور کردن ایبک نایب ملک اشرف را در این بلد و این محاصره در کار بود که سال بسر رسید رفتن ملک کامل از شام
بمصر **اروپا** (فرانسه) در شهر تولوز اجماع قسیسین چنین مقرر داشتند که مامورین مخفی آنها هم جا حتی درون
خانه های مردم را تجسس نموده اگر از کسی خلاف شرع و دین بروز کند او را با نهایت سختی و شدت جزا دهند و همچنین
کتاب تورات و انجیل را جز بدست قسیسین بدست هر کس ببینند ماخوذ دارند (المان) فردریک دویم امپراطور
المان که یکی از مجاهدین بطرف بیت المقدس رفته بود بعد از ورود بآنجا از پادشاه مصر ملک کامل بیت المقدس
و بیت اللحم و ناصریه و صیدا را ابتیاع میکند و تاج سلطنت بیت المقدس را بسر نهاده پادشاهی بیت المقدس را
بالقاب سلطنتی خود می افزاید و این عقیده مورخین فرنگ است اما مورخین آسیا گویند شهر صیدا را فردریک
در سال قبل گرفت و جنگ میان عساکر ملک کامل و قشون فردریک در کار بود ناچار ملک کامل بیت المقدس را
بفردریک واگذار نمود و مصالحه کردند

سنه ۶۲۷ هجری

سنه ۱۲۲۹ مسیحی

آسیا شروع کردن صاحب حمص شیرکوه ساختن قلعه شمیمش را در سلمیه استیلای ملک اشرف بر بعلبک که

پس از تصرف این بلد زبدانی و قصیر را که قریه ایست در شمالی دمشق و بعضی مواضع دیگر را در عوض بعلبک بملک امجد بهرامشاه بن فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب صاحب بعلبک داد کشته شدن ملک امجد مذکور در خانه خود در دمشق بدست یکی از ممالیک خود و مدت حکمرانی ملک امجد در بعلبک چهل و نه سال بود ملک امجد اشعر بنی ایوب و اشعار او مشهور میباشد گرفتن سلطان جلال الدین خوارزمشاهی خلاط را بغلبه و قتل و نهب و اسر اهل این بلد و گرفتن ایبک نایب ملک اشرف را و دادن بمملوک حسام الدین حاجب علی الموصلی که آن مملوک ایبک را بقصاص حسام الدین بکشت اتفاق ملک اشرف با کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر و شکست دادن لشکر سلطان جلال الدین را و هلاک شدن اغلب عساکر سلطان جلال الدین و هزیمت او که بهمین جهت قوت سلطان جلال الدین مبدل بضعف شد و بعد ها مغول بر او غالب آمدند آمدن ملک اشرف بخلاط در حالتیکه از صدمه عساکر جلال الدین خراب و ویران شده بود وقوع صلح مابین ملک اشرف و سلطان جلال الدین و کیقباد و معاهده این سه پادشاه باهم که با یکدیگر متفق و باهم همدست باشند استیلای ملک مظفر غازی بن ملک عادل برادر زن ازدیار بکر و این اردن غیر از اردن الروم میباشد و حکمران اردن حسام الدین از خانواده بزرگی بود معروف به بیت الاحدب و از عهد ملکشاه سلجوقی اردن در تصرف این خانواده بود خلاصه بعد از استیلاء ملک مظفر بر اردن شهر جانی را در عوض اردن بحسام الدین داد شکست سخت مجاهد بن فرنک که قصد تسخیر حماة داشتند از ملک مظفر محمود بن ملک منصور صاحب حماة وفات سکاکی صاحب مفتاح

سنه ۶۲۸ هجری

سنه ۱۲۳۰ مسیحی

آسیا ضعف سلطان جلال الدین خوارزمشاهی بجهة سوء سیرت و تدبیر او و قوت مغول و استیلای ایشان تا ماورالنهر و آذربایجان و تعاقب کردن سلطان جلال الدین را و کشته شدن او در حوالی میافارقین بدست یکنفر از اکراد در نیمه شوال جلال الدین نسوی صاحب تاریخ مغول که از ملازمان خدمت سلطان جلال الدین خوارزمشاهی و پدرش علاء الدین محمد خوارزمشاه بوده گوید خوارزمشاه محمد بن تکش که صاحب مملکت وسیعه بود چهار پسر داشت بزرگتر از همه سلطان جلال الدین منکبرنی بود که سلطنت غزنین و بامیان و غور و بست و تکاباد و زمین داور و نواحی هند را که متصل باین بلاد بود باو داده و سلطنت خوارزم و خراسان و مازندران را بپسر دیگرش قطب الدین ازلاغ شاه تفویض نموده و کرمان و کیش و مکران را بحکومت غیاث الدین پیرشاه واگذار کرده و عراق را برکن الدین غورشاه بخشیده و بجمله تجملات سلطنتی داشتند و جلال الدین پس از مراجعت از هند استیلای کلی در این نواحی بهم رسانید اما اعمال و تدابیر غیر صائب او سبب شد که از سلطنت و زندگانی محروم گردید و پس از قتل او مغول در این سال تا نواحی فرات راندند و قتل و نهب کردند و شام بدینواسطه متزلزل شد و مردم دیار بکر و جزیره نیز قتل و خرابی مغول بدرجه کمال رسید **افریقا** وفات ابوالحسن یحیی بن عبد المعطی بن عبد النور الزواوی النحوی الحنفی از ائمه نحو و لغت در قاهره و الفیه ابن معطی معروفست (زواوی منسوب بزواوه است که قبیله بزرگیست در نظاهر بجایه از اعمال افریقیه)

سنه ۶۲۹ هجری

سنه ۱۲۳۱ مسیحی

آسیا گرفتن ملک کامل آمد را از ملک مسعود بن ملک صالح محمود بن محمد بن قرا ارسلان بن داود بن سقمان بن ارتق بجهة سوء رفتار و میل او بنسوان رعایا دادن ملک کامل بلاد ملک مسعود را بپسر خود ملک صالح ایوب و دادن پیشکاری او را بشمس الدین صواب عادلی ظاهر علی بن رسول که نایب یمن بود در این سال امر کند و عمر بن علی پسرش بجای او برقرار شد

سنه ۶۳۰ هجری

سنه ۱۲۳۲ مسیحی

آسیا انتزاع نمودن ملک عزیز حکمران حلب شهر زرا از تصرف شهاب الدین یوسف بن مسعود بن سابق الدین عثمان الداپتر بامر ملک کامل و بمظاهرت ملک مظفر محمود صاحب حماة انتزاع ملک مظفر محمود صاحب حماة بارین را از تصرف برادر خود قلیج ارسلان بامر ملک کامل و رفتن قلیج ارسلان بمصر و دادن ملک کامل بعضی اقطاعات باو اما چون بعد قلیج ارسلان از ملک کامل بد کفته بود ملک کامل او را حبس کرد و او در حبس در سال ششصد و سی و پنج چند روز قبل از وفات ملک کامل در گذشت وفات مظفر الدین کوکبوری بن زین الدین علی کجک حکمران اربل و چون مظفر الدین فرزندی نداشت بموجب وصیت اربل و بلاد متصرفی خود را بالمستنصر خلیفه عباسی واگذار کرد وفات عز الدین علی بن محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد الشیبانی معروف بابن اثیر الجزری از ائمه علم حدیث و تواریخ و انساب صاحب کتاب کامل التواریخ که از اول هبوط آدم تا سال ششصد و بیست و هشت هجری میباشد ابن اثیر در چهارم جمادی الاولی سال پانصد و پنجاه و پنج در جزیره ابن عمر متولد شده و در ماه شعبان اینسال در موصل وفات کرد و غیر از تاریخ کامل مصنفات دیگر او راست و بسیاری از اخبار مندرجه این کتاب بخلاصه و ترجمه کامل التواریخ ابن اثیر است (ابن عمر شهر جزیره را ساختند و این شهر منسوب باوست اسمش عبد العزیز بن عمر و از اهالی برقعید از اعمال موصل میباشد)

سنه ۱۲۳۳ مسیحی — سنه ۶۳۱ هجری

آسیا وفات شهاب الدین طغرل اتابک بحلب وفات سیف الدین علی بن ابی علی بن محمد بن سالم التغلبی الآمدی که در علوم عقلیه و غیره فاضلی متبحر بود وفات صلاح اربلی از فضلاء و شعراء و امراء وفات شیخ بهاء الدین پدر مولوی معنوی صاحب مثنوی بنای مدرسه مستنصریه در بغداد تمام شدن قلعه معره که بمباشرت ملک مظفر صاحب حماة ساخته میشد **افریقا** رفتن ملک کامل با ملوک خانواده خود بجنگ کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر و عدم پیشرفت او در این جنگ و منهزم شدن عساکر او

سنه ۱۲۳۴ مسیحی — سنه ۶۳۲ هجری

آسیا وفات ملک زاهد داود بن سلطان صلاح الدین صاحب بیره و تملک برادرزاده او ملک عزیز محمد حکمران حلب بیره را و ابن الزاهد برادر الظاهر حکمران حلب بود وفات قاضی بهاء الدین بن شداد که قاضی عسکر سلطان صلاح الدین بود و نزد اولاد صلاح الدین منزلتی بهم رسانید که احدی بدان مقام نرسید عمر قاضی بهاء الدین نود و سه سال و اصل او از موصل و مرد فاضل دینداری بود ولادت ملک منصور محمد بن ملک مظفر صاحب حماة در بیست و هشتم ربیع الاول استیلای کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر بر حران و رها که در تصرف ملک کامل بود **افریقا** وفات قاسم بن عمر بن علی الحموی الاصل المصری المسکن معروف بابن فارض صاحب دیوان اشعار بسیار ممتاز در عرفان و ابن فارض در قاهره وفات نمود

سنه ۱۲۳۵ مسیحی — سنه ۶۳۳ هجری

آسیا شکست لشکر مغول در جلو اربل وفات شرف الدین محمد بن نصر بن عنین الزرعی شاعر ماهر مشهور که کثیر الهجا بود و سلطان صلاح الدین او را نفی نمود و شرف الدین در دمشق درگذشت **اروپا** (المان) شورش هانری ولیعهد پادشاه بر پدر خود و حبس نمودن او را در یکی از قلاع **افریقا** استرداد ملک کامل پادشاه مصر حران و رها را از کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر

سنه ۱۲۳۶ مسیحی — سنه ۶۳۴ هجری

آسیا وفات ملک عزیز محمد بن ملک ظاهر غازی بن سلطان صلاح الدین حکمران حلب در ربیع الاول عمر ملک عزیز بیست و سه

سال وچند ماه و مرد نیك سیرتی بود بر قرار شدن پسرش ملك ناصر یوسف بجای او در هفت سالگی به پیشکاری شمس الدین لؤلؤ ارمنی و عز الدین عمر بن محلی وجمال الدوله اقبال الخاتونی و مرجع امور ماد رملك عزیز ضیفه خاتون دختر ملك عادل بود وفات علاء الدین کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر و برقرار شدن پسرش غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد بجای او و متحد گشتن ملك صالح ایوب بن ملك کامل که از جانب پدرش در آمد و حصن کیفا و حران حکمرانی داشت عساکر خوارزم را که بعد از سلطان جلال الدین در خدمت علاء الدین کیقباد پادشاه آسیای صغیر بودند و چون او در گذشت از پسرش کیخسرو رنجیده نزد ملك صالح ایوب آمدند اشتداد وحشت فیما بین ملك اشرف و ملك کامل استیلای لشکر مغول بر اردبیل و قتل عام در این شهر **اروپا** (روس) ششصد هزار سوار از قشون مغول بسرداری باتوخان پسر توشخان از جانب اوکتای قاآن بخاك روس ورود نموده تا شهر مسکو را قتل و غارت کردند و چون اکثری از بلاد روس را نیز تاراج نمودند مراجعت کرده در سواحل وود ولکا اقامت جستند (اسپانیول) شهر کردوا (قرطبه) که پانصد و چهل سال در تصرف اعراب مسلمان بود و بهترین و آبادترین شهرهای اسپانیول شده و زیاده از سیصد هزار نفر جمعیت داشت مسخر و مفتوح فردریك سیم پادشاه کاستیل گردید (کاستیل از ممالك اسپانیول است)

سنه ۶۳۵ هجری — سنه ۱۲۳۷ مسیحی

آسیا وفات ملك اشرف مظفر الدین موسی بن ملك عادل ابو بکر بن ایوب حکمران دمشق در محرم و برقرار شدن ملك صالح اسمعیل برادرش بموجب ولایت عهد بجای او مدت حکمرانی ملك اشرف در دمشق هشت سال و چند ماه و مدت عمر او تقریباً شصت سال و ملك اشرف سخی و باذل و خوش بخت در جنك بود ابنیه بسیار عالی در دمشق بنا ساخت پس از وفات ملك اشرف ملك کامل لشکر از مصر بشام کشیده بر دمشق استیلا یافت و این ولایت را ضمیمه مصر نمود و بعوض دمشق ملك کامل بعلبك و بقاع مضاف بصری را بملك صالح اسمعیل داد و چون چند روزی در دمشق ماند مریض شده در بیست و یکم رجب در گذشت عمر ملك کامل تقریباً شصت سال و مدت سلطنت او در مصر بیست سال بود ملك کامل از سلاطین بزرگ و صائب الرای بود و دوستدار علما و صاحب اقدام و تدبیر بود در کارها بنفسه توجه و رسیدگی داشت پس از او ملك عادل ابو بکر پسرش در مصر بجای او برقرار گردید ملك جواد یونس بن مود ود بن ملك عادل داماد ملك اشرف بمباشرت امور دمشق پرداخت و ملك اشرف را فرزندی جز دختر زوجه ملك جواد نبود و از اولاد شیخ صدر الدین حمویه که معروف باولاد الشیخ و از اکابر دولت ملك کامل و صاحب سیف و قلم بودند و سابقاً ذکر شد از آنها بود یکی عماد الدین بن شیخ با بعضی از عساکر در دمشق نزد ملك جواد بماند و باقی عساکر متفرق شده اکثر بمصر رفتند انتزاع عساکر حلب معره را از تصرف ملك مظفر صاحب حماة بجهت موافقتی که با ملك کامل داشت و رفتن همین قشون بسرداری نور الدین شاه صلاح الدین بر سر حماة و محاصره کردن این شهر را و این محاصره در کار بود که سال بسر رسید خطبه از دواج غازیه خاتون دختر ملك عزیز محمد حکمران حلب با غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد پادشاه آسیای صغیر و مزاوجت ملك ناصر یوسف بن ملك عزیز صاحب حلب با ملکه خاتون خواهر کیخسرو بن کیقباد و مادر ملکه خاتون دختر ملك عادل ابو بکر بن ایوب بود جنك ما بین ملك ناصر داود صاحب کرك و ملك جواد مباشر امور دمشق و فرار ملك ناصر و غلبه ملك جواد که بهمین واسطه قوت و شوکتی بهم رسانید تولد ملك افضل نور الدین علی بن الملك المظفر صاحب حماة پدر ابو الفدا صاحب تاریخ ابو الفدا و تقویم البلدان فاضل و مصنف مشهور و تولد ملك افضل در اواخر این سال بوده است **اروپا** (فرانسه) تاج خاری که بر سر حضرت عیسی در وقت

شهادت میگذاشتند و اوّل همان تاج عینا در خزانهٔ امپراطورهای اسلامبول بود و اهالی ونیز از اسلامبول بمملکت خود آورده بودند پادشاه فرانسه این تاج را ابتیاع نمود و در یک معبد مخصوصی نزدیک عمارت سلطنتی که در پاریس بود بودیعت گذاشته شد (بعضی این حوادث را تواریخ فرنگ در سال بعد می‌نویسند)

سنهٔ ۱۲۳۸ مسیحی

سنهٔ ۶۳۵ هجری

آسیا دست کشیدن عساکر حلب از محاصرهٔ حماة خراب کردن ملک مظفر صاحب حماة قلعهٔ بعرین را تسلیم نمودن ملک جواد یونس دمشق را بملک صالح ایوب بن ملک کامل که در عوض سنجار و رقه و عانه را از او بگرفت عمارت هرات با اوکتای قاآن

سنهٔ ۱۲۳۹ مسیحی

سنهٔ ۶۳۷ هجری

اسیا و افریقا گرفتن ملک صالح اسمعیل صاحب بعلبک بمظاهرت شیرکوه صاحب حمص دمشق را و گرفتن مغیث فتح الدین عمر بن ملک صالح ایوب را که از جانب پدر خود بنیابت در دمشق مینمود و پدر او ملک صالح ایوب صاحب دمشق بقصد استیلای دیار مصر بنابلس رفته بود و چون خبر استیلای ملک صالح اسمعیل بعساکر ملک صالح ایوب رسید از او مفارقت کرده متفرق شدند و الناصر داود که از مصر بکرک می‌آمد ملک صالح ایوب را گرفت و در کرک بند نهاد رفتن الناصر داود به بیت المقدس و گرفتن آنرا از دست مجاهدین فرنگ و خراب کردن قلعهٔ این بلد وفات ملک مجاهد شیرکوه صاحب حمص ابن ناصر الدین محمد بن شیرکوه بن شاذی و برقرار شدن پسرش ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه بجای او و مدت حکمرانی ملک مجاهد شیرکوه در حمص پنجاه و شش سال بود استیلای بدر الدین لؤلؤ صاحب موصل بر سنجار و انتزاع نمودن این بلد را از ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل رها کردن ملک ناصر داود صاحب کرک پسر عم خود ملک صالح ایوب را در رمضان این سال و جمع شدن ممالیک ملک صالح ایوب و کاتبا و بهادر هر دو را و اتفاق و معاهده ملک ناصر داود و ملک صالح ایوب باینکه دیار مصر صالح را باشد و دمشق و بلاد شرقیه بناصر داود مفوض شود و پس از معاهده و اتفاق متوجه مصر شدند ملک عادل ابوبکر بن ملک کامل پادشاه مصر مصمم جنگ با آنها شد و نزد عم خود ملک صالح اسمعیل که دمشق را متصرف بود فرستاده که او هم از طرف شام بالشکر خود بحرب ناصر داود و صالح ایوب روانه شود ملک صالح اسمعیل باعساکر خود بفوار آمده مهیای جنگ ملک ناصر داود و ملک صالح ایوب شد در این بین جمعی از ممالیک اشرفیه بسرداری ایبک اسمر ملک عادل پادشاه مصر را گرفتند و نزد ملک صالح ایوب فرستادند و ملک صالح ایوب با ملک ناصر داود بمصر آمده این مملکت را تملک نمودند و ملک مظفر صاحب حماة از این فقره بی نهایت شادمان شد اما ملک ناصر داود پس از چندی از ملک صالح ایوب بددل شده از ترس اینکه مبادا او را بگیرد از ملک صالح ایوب اجازت خواست و بکرک و سایر بلاد خود معاودت کرد وفات ناصر الدین ارتق ارسلان بن ایلغازی بن البی بن تمرتاش بن ایلغازی بن ارتق حکمران ماردین که ملقب بملک منصور بود برقرار شدن پسرش ملک سعید نجم الدین غازی و بعضی وفات ملک منصور را در یک سال قبل نوشته‌اند

سنهٔ ۱۲۴۰ مسیحی

سنهٔ ۶۳۸ هجری

آسیا قتل و نهب عساکر خوارزمی در حلب و فساد آنها در آن نواحی و بلاد که عاقبت ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص آنها را منهزم و مقهور نموده بعضی بلاد که متصرف شده بودند از تصرف آنها خارج شد هلاکت ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل بدست ملک صالح اسمعیل حکمران دمشق وفات جغتای خان بن چنگیز خان

وفات

وفات شیخ محیی الدین اعرابی دادن ملک ناصر داود بیت المقدس را بمجاهدین فرنک بدون جنک اروپا (روس) قشون مغول تا لهستان تاختند و لیکن در آنجا توقف ننموده بساحل ولکا مراجعت مینمایند

سنه ۶۳۹ هجری — سنه ۱۲۴۱ مسیحی

آسیا مبتلا شدن ملک مظفر صاحب حماة بناخوشی فالج وفات ملک حافظ نور الدین ارسلان شاه بن ملک عادل بن ایوب در قلعه اعزاز و مسلّم شدن این قلعه و اعمال آن بملک ناصر یوسف صاحب حلب وفات شیخ علامه کمال الدین موسی بن یونس بن محمد بن منعه بن مالک شافعی جامع علوم معقول و منقول در موصل استیلای مغول **اروپا** بانوغای با قشون زیاد بمجارستان و بکیفیت عمده از مملکت حالیه روس را متصرف میشود آتش زدن مغول شهر برزل را (برزل از شهرهای پروس است) بروز طاعون شدید و قحط و غلای مفرط در فرنک

سنه ۶۴۰ هجری — سنه ۱۲۴۲ مسیحی

آسیا جنک خوارزمیها بهمراهی ملک مظفر غازی صاحب میافارقین با عساکر حلب که ملک منصور ابراهیم صاحب حمص با آنها همراه بود هزیمت مظفر غازی و خوارزمیه و غلبه ملک منصور ابراهیم و عساکر حلب وفات ملکه ضیفه خاتون حکمران حلب دختر ملک عادل ابو بکر بن ایوب مادر ملک عزیز در یازدهم جمادی الاولی و برقرار شدن ناصر یوسف بن ملک عزیز پسرزادهٔ او بجای او در سیزده سالگی به پیشکاری جمال الدین اقبال که خواجه سرای خاتون بود مدت حکمرانی ملکه ضیفه خاتون در حلب شش سال بود و در کمال خوبی سلطنت کرد وفات المستنصر بالله ابو جعفر المنصور بن الظاهر در دهم جمادی الاخرة و خلافت پسرش عبدالله بجای او که ملقب بالمستعصم بالله شد مستعصم سی و هفتمین خلیفه عباسی بود و خلافت بنی عباس بشخص او منقرض کردید چنانکه بیاید مدت خلافت المستنصر بالله شانزده سال و یازده ماه و مرد عادل نیک سیرتی بود

سنه ۶۴۱ هجری — سنه ۱۲۴۳ مسیحی

آسیا غلبهٔ مغول بر آسیای صغیر و اطاعت کردن غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد حکمران این مملکت بایشان بجهت شکست سخت استیلای مغول بر خلاط و آمد و بلاد این نواحی بنا بر مورخین آسیا کویند در این سال بیت المقدس را ملک ناصر داود صاحب کرک و ملک صالح اسمعیل حکمران دمشق بمجاهدین فرنک واکذار نمودند بعلاوه عسقلان و طبریه و غرض از واکذاردن این بلاد بمجاهدین فرنک این بود که آنها عساکر دمشق را در جنک با مصر معاونت نمایند وفات شیخ رضی الدین علی لالا از مشایخ قزوین

سنه ۶۴۲ هجری — سنه ۱۲۴۴ مسیحی

آسیا و افریقا جنک عساکر دمشق بهمراهی ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص و معاونت مجاهدین فرنک با عساکر مصر که خوارزمیها بمظاهرت آنها آمده بودند غلبهٔ عساکر مصر و شکست قشون دمشق و مجاهدین فرنک و کرفتن ملک صالح ایوب پادشاه مصر بیت المقدس را بغلبه و غارت و قتل کردن این بلد را و رفتن عساکر مصر بمحاصرهٔ دمشق و در کار محاصره بودند که سال بسر آمد و در حین محاصره ملک صالح اسمعیل صاحب دمشق و ملک منصور ابراهیم صاحب حمص در دمشق بودند شنیدن ملک صالح نجم الدین ایوب خبر فوت المغیث فتح الدین عمر را در حبس ملک صالح اسمعیل و زیاده شدن کینهٔ او با ملک صالح اسمعیل بدین واسطه وفات ملک مظفر تقی الدین محمود بن ملک منصور ناصر الدین محمد بن ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب در هشتم جمادی الاولی که مدت حکمرانی او در حماة پانزده سال و هفت ماه

وده روز بود و ملک مظفر مرد بزرگوار دانشمند و دوستدار اهل علم و فضل بود و پس از وی پسرش ملک منصور محمد بن ملک مظفر که نه یا ده ساله بود بجای او برقرار شد و چند نفر که از جمله طغرل مملوک ملک مظفر و شیخ شرف الدین عبد العزیز بن محمد المعروف بشیخ الشیوخ و وزیر بهاء الدین بن تاج باشند بتدبیر امور پرداختند و فی الحقیقه مرجع جمیع امور غازیه خاتون مادر ملک منصور که دختر ملک کامل بوده باشد بود و وفات شهاب الدین ابراهیم بن عبد الله بن عبد المنعم بن علی بن محمد الشافعی معروف بابن ابی الدم قاضی حماه مؤلف تاریخ کبیر مظفری و وفات شمس الائمه محمد بن عبد الستار از حنفیه سلطنت کیوک خان پسر اوکتای قاآن بعد از فوت پدرش **اروپا** (اسپانیول) پادشاهی بنی الاحمر در اسپانیول بعد از اتمام و انقراض خانواده موحدین (فرانسه) پادشاه فرانسه مبتلا بنا خوشی سختی شده نذر کرد که اگر شفا یابد جزو مجاهدین بمشرق زمین برود

سنه ۶۴۳ هجری — سنه ۱۲۴۵ مسیحی

آسیا و افریقا تسخیر عساکر ملک صالح ایوب پادشاه مصر دمشق را و سردار این عساکر معین الدین بن شیخ بود و دمشق را ملک صالح اسمعیل باینعشم تسلیم نمود که بعلبک و بصری و سواد شیر قنا او باشد و حمص و مضافات بشرف ملک ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص که با ملک صالح اسمعیل در دمشق محصور بود و وفات معین الدین بن شیخ در دمشق که نایب او حسام الدین ابن ابو علی الهذبانی بجای او در این شهر بماند شورش عساکر خوارزمی و خارج شدن آنها از اطاعت ملک صالح ایوب و جهت این بود که بعد از فتح دمشق مفاسد آنها بعمل نیامد مخلاصه عساکر خوارزمی بملک اسمعیل پیوستند و ملک ناصر داود صاحب کرک نیز با اینجمله همراه شده آمدند و دمشق را محاصره کردند و حسام الدین بن ابو علی در دفع آنها کمال پایداری را کرد و محاصره در کار بود که سال بسر رسید و درین محاصره کار بر اهل دمشق بسیار تنگ شده بود آمدن لشکر مغول بر سر بغداد و بیرون آمدن عساکر بغداد بمدافعه آنها و چون مغول طاقت مقاومت عساکر بغداد را در خود ندیدند رو بهزیمت گذاشتند نهادند و وفات ربیعه خاتون خواهر سلطان صلاح الدین که زیاده از هشتاد سال داشت و وفات شیخ تقی الدین عثمان بن عبد الرحمن بن عثمان بن الصلاح الفقیه المحدث و وفات علم الدین علی بن محمد بن عبد الصمد السخاوی از علمای نحو و قرائت انتزاع نواب ملک منصور صاحب حماه سلمیه را از صاحب حمص و وفات شیخ موفق الدین ابو البقا یعیش بن محمد بن علی الموصلی الاصل الحلبی المنشأ که از علمای نحو و معروف بابن الصایغ بود و در حلب درگذشت پاره شدن جامه کعبه از باد ها تند **اروپا** مامور نمودن پاپ جمعی از کشیشان را بریاست کارپینی باردوی مغول و تفصیل این سفر را کارپینی بطور روزنامه مشروحا نوشته است (سفرنامه کارپینی نزد مؤلف موجود است)

سنه ۶۴۴ هجری — سنه ۱۲۴۶ مسیحی

آسیا و افریقا پیش ذکر نمودیم که عساکر خوارزمی با ملک صالح اسمعیل و ملک ناصر داود متفق شده دمشق را محاصره کردند و حسام الدین بن ابو علی هذبانی در دمشق بود در اینسال قشون حلب با ملک منصور ابراهیم صاحب حمص اتفاق نموده بهواخواهی ملک صالح ایوب پادشاه مصر برخاستند و متوجه دمشق گردیدند خوارزمیها از محاصره دمشق دست کشیده بمقابلت و مقاتلت قشون حلب رو نمودند قشون حلب و ملک منصور آنها را شکست فاحشی داده سرکرده آنها حسام الدین برکه خان را کشتند و پس از این جنگ شیرازه خوارزمیها از هم گسسته بعضها از آنها بمغول پیوستند و جماعتی در شام متفرق شده در اینجا قبول خدمت نمودند و مردم از تعرض آنها آسوده شدند و چون خبر این فتح بملک صالح ایوب پادشاه مصر رسید زیاده از حد خوشوقت گردید و ملک منصور ابراهیم را

صاحب حمص که طرف بی لطفی او بود مورد مودت شده در میانه صفا و دوستی حاصل آمد اما ملک صالح اسمعیل پناه بملک ناصر یوسف صاحب سنجار برد و حسام الدین ابو علی هذبانی با عساکری که در دمشق داشت ببعلبک که اولاد ملک صالح اسمعیل در آن بودند رانده بعلبک را بطور امان گرفت و اولاد ملک صالح اسمعیل را با وزیر او امین الدوله بمصر فرستاد که در آنجا محبوس شدند و بعلبک نیز ضمیمه ممالک ملک صالح ایوب شد و در همین اوان سیف الدین بن قلیج صاحب عجلون در گذشت و مملکت او نیز بتصرف ملک صالح ایوب در آمد و لشکری از جانب همین پادشاه بسرداری امیر فخر الدین یوسف بن شیخ بجنگ ملک ناصر داود صاحب کرک رفته بلاد او را متصرف شد و جز کرک جائی در تصرف ملک ناصر نمانده زیاد ضعیف شد وفات ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص در دمشق که نعش او را برده دفن کردند و پسرش ملک اشرف مظفر الدین موسی بجای او برقرار شد آمدن ملک صالح ایوب بشام و در شام بود که سال بسر رسید وفات عماد الدین داود موصلی جامع مکارم اخلاق در کرک ظهور رد و لشکر تاز غوئیه در خراسان **اروپا** (روس) ولادیمیر پادشاه روس که بار دوی اوکتای قاآن و مغولستان رفته بود و غرض او از این سفر این بود که تبعیت خود را اظهار و اقرار کند در مراجعت بوطن در بین راه در گذشت

سنه ۶۴۵ هجری سنه ۱۲۴۷ مسیحی

آسیا و افریقا معاودت ملک صالح نجم الدین ایوب از شام بمصر انتزاع نمودن فخر الدین بن الشیخ قلعه عسقلان و قلعه طبریه را از تصرف مجاهد بن فرنگ تسلیم نمودن ملک اشرف صاحب حمص قلعه شمیمس را بملک صالح ایوب و این اسباب واهمه حلبیها شده که مبادا ملک صالح بطمع باقی مملکت شام بیفتد وفات ملک عادل ابو بکر بن ملک کامل در حبس و ملک عادل هشت سال در حبس بود تا در گذشت و از ملک عادل طفل صغیری موسوم بملک مغیث فتح الدین بماند و اخبار او بیاید انشاء الله تعالی وفات علاء الدین قراسنقر ساقی عادلی از ممالیک ملک عادل بن ایوب که ملازمان او بعد از او داخل در خدمت ملک صالح ایوب شدند و یکی از ملازمان مزبور سیف الدین قلاون صالحی بود که پادشاه مصر و شام شد چنانکه بعد ها ذکر خواهیم نمود **اروپا** (اندلس) وفات عمر بن محمد بن عبد الله معروف بشلوبینی در اشبیلیه و عمر بن محمد با اینکه از فضلا و ائمه نحو بود بلاهت و غفلت داشت (شلوبینی منسوب بشلابین است و شلابین حصن منیعی است از حصون اندلس از اعمال سواحل غرناطه در بحر روم)

سنه ۶۴۶ هجری سنه ۱۲۴۸ مسیحی

آسیا و افریقا فرستادن ملک ناصر صاحب حلب لشکری بسرداری شمس الدین لؤلؤ ارمنی بحمص و محاصره کردن آنرا و منتزع نمودن آنرا از تصرف ملک اشرف موسی که در عوض تل باشر را ضمیمه متصرفات او کرده تدمر و رحبه باشد نمودند و چون ملک صالح نجم الدین ایوب پادشاه مصر از غلبه قشون حلب مطلع شده بشام راند که حمص را از حلبیها باز پس گیرد و لشکری با حسام الدین بن ابو علی فخر الدین بن الشیخ بر سر حمص فرستاده این شهر را در کمال سختی محاصره نمودند ولی چون ملک صالح نجم الدین سخت ناخوش شده بود و با و خبر رسید که مجاهد بن فرنگ بطرف دمیاط آمده است از طرفی دیگر نجم الدین باذرائی رسول مستعصم خلیفه عباسی آمده جانبین را بصلح دعوت نمود ملک صالح امر نمود عساکر او از محاصره حمص دست کشیدند و حمص بتصرف حلبیها بماند و ملک صالح را در محفه گذاشتند و از دمشق عزیمت مصر نمود وفات ابو عمرو عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس معروف بابن حاجب ملقب بجمال الدین صاحب کتاب کافیه که در فنون علوم خاصه عربیت مقامی بلند داشت و چون پدر او حاجب

امیر عز الدین بن مرسك الصالحی بود معروف بابن حاجب شد عز ابن حاجب تقریبا هفتاد و شش سال مولد او
در اسناکه شهر کوچکی است در صعید مصر و وفات او در اسکندریه اتفاق افتاد و وفات عز الدین ایبك معظمی
در قاهره در حلب و حالات عز الدین پیش ذکر شده است **اروپا** (فرانسه) پادشاه فرانسه سنت لوئی که ندر
جهاد کرده بود بسمت مشرق حرکت میکند و در زمان غیبت او مادرش نیابت سلطنت دارد و زمستان را
پادشاه در جزیره قبرس اقامت میکند

سنه ١٢٤٩ مسیحی
سنه ٦٤٧ هجری

آسیا و افریقا تصرف کردن عساکر ملك صالح ایوب پادشاه مصر کرك را و ملك صالح با اینکه سخت
مریض بود از تسخیر کرك زیاده از حد خوش وقت شد وفات ملك صالح نجم الدین ایوب بن ملك کامل محمد بن ملك
عادل ابوبکر بن ایوب در شب یکشنبه چهاردهم شعبان و مدت پادشاهی ملك صالح ایوب در مصر نه سال و هشت ماه
و بیست روز و عمر او چهل سال یا چهل و چهار سال بود و پس از او پسرش ملك معظم توران شاه که در حصن کیفا بود بمصر
آمده بجای او برقرار شد و مقرر شد امیر فخر الدین بن الشیخ اتابکی عسکر برقرار باشد حرکت سنت لوئی پادشاه فرانسه
بطرف مصر و گرفتن دمیاط را و این قبل از فوت ملك صالح و در ماه صفر بود و در این سال جنك میانه عساکر مصر و
مجاهدین فرنك دایر بود گرفتن عساکر حلب نصیبین را از بدر الدین لؤلؤ صاحب موصل ظهور دولت الغ خانیه در هند

سنه ١٢٥٠ مسیحی
سنه ٦٤٨ هجری

آسیا و افریقا کشته شدن برادر سنت لوئی پادشاه فرانسه در جنك منصوره از بلاد مصر و راندن سنت لوئی
بطرف قاهره و این بعینه مورخین فرنك است مورخین آسیا گویند مجاهدین فرنك کرد و منصوره را داشتند آذوقه
آنها تمام شده لهذا روانه دمیاط شدند و بین راه عساکر مصری بر سر آنها ریخته سی هزار نفر از آنها را کشتند و پادشاه
فرانسه اسیر شد و او را در منصوره برده حبس کردند هر این اثنا ممالیك توران شاه بن ملك صالح بواسطه سوء رفتار
و سلوك او رنجیده بر او شوریدند و بدست یکی از ممالیك معروف برکن الدین بیبرس که بعدها بسلطنت مصر رسید کشته
شد و زوجه ملك صالح را که شجر الدر نام داشت بسلطنت برداشتند و شجر الدر چون پسری از ملك صالح بهم رسانید
و در صغر سن مرده بود و آن پسر ملك منصور خلیل نام داشت شجر الدر بوالدة خلیل معروف شد و در این وقت با پادشاه
فرانسه گفتگو کردند و قرار دادند که قشون مجاهدین فرنك دمیاط را تسلیم کنند و پادشاه فرانسه مستخلص شود و
چنین کردند و دمیاط تصرف مصریها در آمد و سلطنت والدة خلیل را با امرای دمشق نوشتند امراء مزبور تمکین و
تصدیق ننمودند و ملك سعید بن ملك عزیز عثمان بن ملك عادل صاحب صبیبه که این قلعه را تسلیم ملك صالح نموده
بود مجدداً قلعه خود را بگرفت خلاصه مدت سلطنت توران شاه بن ملك صالح در مصر از وقتیکه باین مملکت رسید پس از
دو ماه و چند روز بود رها کردن بدر الدین الصوابی الصالحی نایب کرك و شوبك ملك مغیث فتح الدین عمر بن ملك عادل
ابوبکر بن ملك عادل ابوبکر بن ملك کامل محمد بن ملك عادل را که توران شاه در کرك حبس کرده بود و برقرار داشتن او را
بحکمرانی کرك و شوبك و مشغول شدن بخدمات او و استیلای ملك ناصر صاحب حلب بر دمشق که از این وقت شام از مصر
مجزی شده جزو حلب که بعد خلع کردن امرای مصری شجر الدر را از سلطنت مصر و برقرار نمودن اتابك ایبك الجاشنکیر الصالحی
ترکمانی را بجای او و ملقب نمودن او را بملك المعز و چیزی بر این نگذشت که آرا بر این متفق شد که یکی از بنی ایوب را
بسلطنت بردارند لهذا موسی بن یوسف بن ملك کامل بن ملك عادل صاحب یمن معروف باقسیس را بپادشاهی خواندند

وایبك مذکور را اتابك شاه و قرار دادند باتفاق ارکان دولت مصر بر خراب کردن قلعهٔ دمیاط که بواسطهٔ آن از تجاوزات فرنك صدمات دیده بودند و این قلعه که خراب شد از ابنیهٔ متوکل عباسی بود خایف شدن ملك ناصر یوسف حکمران دمشق و حلب از ملك ناصر داود صاحب کرك و گرفتن او را و حبس نمودن در حمص لشکر کشیدن ملك ناصر یوسف حکمران دمشق و حلب بمصر که ابتدا لشکر مصر را شکست داده ولی بعد عساکر مصر او را منهزم نمودند و بشام باز گشت کشتن ممالیك ملك منصور عمر بن علی بن رسول حکمران یمن او را که بعد از او پسرش ملك مظفر یوسف بن عمر بجای او برقرار شد و مدت مدیدی سلطنت نمود سلطنت منکوقاآن **اروپا** (ایطالیا) شهر فلورانس وضع جمهوری اختیار میکند

سنه ۶۴۹ هجری — سنه ۱۲۵۱ مسیحی

آسیا و افریقا وفات صاحب محیی الدین بن مطروح که از مقربین ملك صالح ایوب بود وفات علم الدین قیصر بن ابو القاسم بن عبد الغنی بن مسافر الفقیه الحنفی المقری المعروف بتعاسیف از ماهرین علوم ریاضی در دمشق و تولد علم الدین در اصفون از شرقی صعید مصر در سال پانصد و هفتاد و چهار شده بود پادشاه ارمن سامباط برادر خود را برسالت باردوی منکوقاآن میفرستد منکوقاآن باو وعده میدهد که دین حضرت مسیح را خواهد پذیرفت قتل و غارت عساکر مغول در تبت

سنه ۶۵۰ هجری — سنه ۱۲۵۲ مسیحی

آسیا مامور شدن هلاکوخان بدفع اسمعیلیه که در ایران بودند وصول لشکر مغول بدیاربکر و نهب و غارت آن بلاد رفتن پادشاه ارمن آیتون بشخصه باردوی هلاکوخان و قبول کردن هلاکوخان و اعیان دولت او بتوسط پادشاه ارمن مذهب حضرت مسیح علیه السلام را **اروپا** (فرانسه) فوت بلانش کاستیل مادر پادشاه که نیابت سلطنت داشت و استماع سنت لوئی پادشاه فرانسه این خبر موله را در بیت المقدس و مراجعت او معجلا بفرانسه

سنه ۶۵۱ هجری — سنه ۱۲۵۳ مسیحی

آسیا و افریقا صلح مابین ملك ناصر یوسف حکمران شام و مصریها قطع کردن ایبك ترکمانی اجرای حسام الدین بن ابو علی الهذبانی را و آمدن او بشام و داخل کردن ملك ناصر حکمران شام او را در سلك ملازمان خود رها کردن ملك ناصر یوسف ملك ناصر داود صاحب کرك را که در حمص حبس کرده بود بشفاعت خلیفه المستعصم عباسی و آمدن او بطرف بغداد بخیال اینکه معادل صد هزار تومان جواهر که نزد خلیفه امانت سپرده بود استرداد نماید ولی خلیفه آن جواهر را رد نکرد و ملك ناصر یوسف هم چون باطراف نوشته بود که کسی ملك ناصر داود را نپذیرد لهذا مدتی در بیابان سرگردان بود تا باز بشفاعت خلیفه بدمشق باز گشت و ملك ناصر حکمران دمشق وظیفه برای او برقرار نمود ظاهر شدن آتشی در عدن و در بعضی از جبال آن که شبها خود نمودار و روزها دود آن مشهود بود هم در این سال از طرف سنت لوئی پادشاه فرانسه جمعی از فسیسین بدربار منکوقاآن مامور شدند که دین مسیحی او را تکمیل کنند و ضمنا او را نیز بر ضد مسلمین برانگیزند یکی از آنان قسیسها روبروکی فرنسوی و سال در مغولستان اقامت کرده و جغرافیای این مملکت را مفصلا و مشروحا نوشته مخصوصا تفصیل قراقرم پای تخت مغولستان را که شهر بزرگی بوده نگاشته و این کتاب نزد مؤلف موجود است و چون روبروکی در اردوی منکوقاآن با سفرای چین ملاقات کرده بود نمونه از خط و مختصر تفصیلی از وضع مملکت و مدنیت آنها نیز نوشته است بنای شهر با عجه مرسی مو

جوجی خان وفات امام کمال الدین لوندی

سنه ۶۵۲ هجری　　　　سنه ۱۲۵۴ مسیحی

آسیا و افریقا دادن ملک منصور صاحب حماة قضاء حماة را بقاضی شمس الدین ابراهیم بن هبة الله بن البارزی بعد از عزل قاضی محیی حمزة بن محمد وفات عبد الحمید خسروشاهی و صدر الدین محمد خلاطی صاحب تلخیص الجامع خلع کردن ملک معز ایبک ترکمانی ملک اشرف موسی بن یوسف بن ملک کامل محمد بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب را از سلطنت مصر و انقراض سلطنت آل ایوب در مصر و سلطنت مستقل ملک معز ایبک ترکمانی در این مملکت و طایفه مملوک که پس از ایبک پی در پی در مصر سلطنت کردند از نسل همین ملک معز ایبک ترکمانی بودند و انقراض آنها بدست آل عثمان شد جنگ عساکر شام و مصر که در سال بعد جنگ مبدل بصلح شد

ذکر دولت بنی حفص در تونس

اول ملوک بنی حفص ابوحفص عمر بن یحیی الهنتاتی بود هنتاته قبیله ایست از مصامده و آنها بزعم خود قریشی میباشند از بنی عدی بن کعب طایفه عمر بن خطاب خلاصه ابوحفص مذکور یکی از بزرگترین ملازمان ابن تومرت بود بعد از عبد المؤمن در سال ششصد و سه هجری عبد الواحد بن ابی حفص بنیابت یحیی عبد المؤمن بحکمرانی افریقیه برقرار شد و در سال ششصد و هیجده درگذشت ابو العلا از بنی عبد المؤمن بجای او برقرار گردید و چون او وفات کرد حکمرانی افریقیه باز بنی حفص راشد و عبد الله بن عبد الواحد بن ابی حفص در ششصد و بیست و سه حکمران افریقیه گردید و برادرش ابو زکریا یحیی را ولایت قابس داد و برادر دیگرش ابو ابراهیم اسحق را حکومت بلاد جرید داد بعد ملازمان عبد الله بن عبد الواحد براو شوریده او را از سلطنت خلع نمودند و برادرش ابو زکریا را بجای او برقرار کردند و بنی عبد المؤمن را اینطلب خوش نیامد ابو زکریا اسم عبد المؤمن را از خطبه انداخت و اسم المهدی را باقی گذاشت و خود را از سلک اطاعت بنی عبد المؤمن خارج نمود　و افریقیه را مالک شده خود را در خطبه امیر مرتضی خواند و مملکت خود را وسعت داده تلمسان و غرب اوسط و بلاد جرید و زاب را فتح کرد ابو زکریا که مردی ادیب و صاحب مآثر عمده بود در سال ششصد و چهل و هفت درگذشت و چهار پسر داشت ابو عبد الله محمد و ابو اسحق ابراهیم و ابو حفص عمر و ابوبکر نیز دو برادر داشت ابو ابراهیم اسحق و محمد اللحیانی خلاصه پسر ابو زکریا ابو عبد الله محمد بجای او برقرار گردید و ابو ابراهیم عم او او را خلع کرده و برادر خود محمد اللحیانی را که مرد زاهدی بود که جانشین او برقرار کرد ابو عبد الله مخلوع جماعت خود را جمع نموده و عم خود را بکشت و در مملکت مستقل گردید و در خطبه خود را المستنصر بالله امیر المؤمنین ابو عبد الله محمد بن امراء الراشدین خواند و المستنصر در سال ششصد و هفتاد و پنج درگذشت و پسرش محمد ملقب بالواثق بالله امیر المؤمنین شده بجای او برقرار گردید و چون ضعیف الرای بود عم او ابو اسحق ابراهیم براو غالب آمده او را خلع کرد و در ششصد و هفتاد و هشت بجای او مستقل شده خود را امیر مجاهد خواند و برخلاف ذی حفصین بشرب خمر پرداخت و مملکت را برا اولاد خود تقسیم کرد و الواثق مخلوع با دو پسرش بدست المجاهد کشته شدند و یک پسر الواثق که صغیر و ملقب بابو عصیده بود سالم ماند درین ضمن شخصی پیدا شده ادعا کرد که من فضل بن واثق مذبوحم و مردم دور او را گرفتند و او قوت گرفته ابو اسحق و اولاد او را بکشت و پسرهای ابو اسحق موسوم بیحیی بن اسحق سالم ماند بعد ها داعی مذکور بدست ابو حفص عمر بن ابی زکریا برادر اسحق کشته شد و عمر استقلال بهم رسانیده ملقب بالمستنصر بالله امیر المؤمنین شد و ابن المستنصر دوم است و پسر برادر

او

او یحیی بن ابی اسحق که سالم مانده بود بجایه رفته این ولایت را تملک نمود و ملقب بالمنتخب لاحیاء دین الله امیر المؤمنین گردید
والمستنصر دوم در سال ششصد و نود و پنج درگذشت و ابو عصیده بن واثق بجای او برقرار شده ملقب بالمستنصر بالله
گردید و ابن المستنصر سیم است و در زمان او المنتخب صاحب بجایه درگذشت و پسرش خالد بن المنتخب بجای او برقرار
شد ابو عصیده در سنه هفتصد و نه وفات کرد و یکی از حفصیین که او را ابوبکر بن عبد الرحمن بن ابی بکر بن ابی زکریا
بن عبد الواحد بن ابی حفص صاحب ابن تومرت میگفتند حکمران تونس شده اما بیش از هجده روز حکمرانی او طول
نکشید و خالد بن منتخب صاحب بجایه داخل تونس شده او را بکشت پس از آن زکریا بن یحیی بن احمد بن محمد بن زاهد
لحیانی که در مصر بود با عساکر سلطان ملک ناصر بطرابلس غرب آمده عرب با او بیعت کردند و او بتونس آمده خالد بن
منتخب را گرفته حبس کرد و بکشت و در ملک افریقیه مستقر گردید پس از آن برادر خالد بن منتخب قصد زکریای

ابوبکر بن یحیی

لحیانی نموده زکریا بمصر گریخت و در اسکندریه اقامت نمود و ابوبکر بن منتخب تونس و آن نواحی را سوای طرابلس و
مهدیه تملک نمود و این دو ولایت یعنی طرابلس و مهدیه در تصرف لحیانی بماند و فرار لحیانی و استیلای ابوبکر در
سال هفتصد و نوزده بود و در سنه هفتصد و بیست و یک بعضی مکاتبات از تونس در اسکندریه بلحیانی
رسید مضمون اینکه ابوبکر حکمران تونس مملکت خود را ترک کرده و فرار نموده است و مردم بر اطاعت لحیانی اتفاق
کرده و با نایب او محمد بن ابی بکر که از حفصیین میباشد بیعت نموده انتظار وصول لحیانی را دارند محمد بن ابی بکر
داماد زکریای لحیانی بوده است

نگارنده گوید اگر دولت بنی حفص را جزء این وضع مینگاشتیم و تفکیک مینمودیم رشته مطالب از دست مطالعه
کنندگان خارج میشد لهذا در این طایفه ملتزم ترتیب سنوات نشدیم

اروپا (انگلیس) ابتدا و ایجاد پارلمنت در این مملکت و وضع مجلس وکلای پارلمنت مسطور بود که از هر ناحیه
دو نفر از اعیان و نجبا بایده در مجلس پارلمنت حاضر و جالس باشند (ایطالیا) فوت این نسان چهارم پاپ و
نصب الکساندر چهارم بجای او

سنه ۶۵۳ هجری — سنه ۱۲۵۵ مسیحی

آسیا استیذان ملک ناصر داود از ملک ناصر یوسف حکمران دمشق برای رفتن بعراق بقصد استرداد
جواهری که در نزد خلیفه عباسی بامانت سپرده بود و اذن دادن ملک ناصر یوسف باو و آمدن او بکربلا و
رفتن بمکه و شکایت کردن بمدینه منوره از خلیفه عباسی بجهت اینکه جواهر او را باو رد نمینمود و آمدن
ملک ناصر داود از مکه ببغداد و اقامت نمودن در این بلد استقلال دولت مغول در دشت قپچاق و در
خراسان **افریقا** مزاوجت المعز ایبک حکمران مصر با شجر الدر معروف بوالده خلیل که پیش از این زوجه
ملک صالح پادشاه مصر بود **اروپا** (پروس) بنای شهر کنیزبرگ

سنه ۶۵۴ هجری — سنه ۱۲۵۶ مسیحی

آسیا در اینسال آتش سرخی در حوالی مدینه منوره ظاهر شد با یمعنی که در سمت مشرق مدینه مدت
بیکماه آتش سرخی نمودار بود و پنج شش روز قبل از آنکه این آتش ظاهر شود صدای مهیبی مسموع گردید
بعد از آن زمین شکافته شد و رود خانه از آتش جاری گردید که چهار فرسخ امتداد بهم رسانید و چهار
میل عرض و ارتفاع عمده داشت و بقدری روشنائی میداد که در مدینه شبها چراغ لازم نبود سوختن مسجد

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حادثه ظهور آتش و حرق مسجد حضرت رسول را اغلب مورخین از وقایع
سال بعد دانسته اند غرق بغداد از طغیان دجله انقراض نمودن هلاکو خان که بایران آمده بود خانواده
سلطنت اسمعیلیه قهستان را و استیلای او بر حصار الموت و در همین سال برای اینکه المستعصم عباسی رفع
شکایت و مطالبه ملک ناصر داود را بنماید و بهای جواهر او را که بخلیفه سپرده بود داده باشد امر کرد آنچه
مخارج مهمانی او نموده بود بقیمتی گزاف تقویم نمودند و وجه ناقابلی نیز باو داد و کرهاً قبض رسید از او گرفت
و ملک ناصر داود از بغداد کوچ کرد و ملک ناصر یوسف حکمران شام فرستاده از او دلجوئی نمود و برای او سوگند
خورده با اطمینان او را بشام آورد وفات کیخسرو حکمران آسیای صغیر که دو پسر صغیر او عز الدین کیکاوس و رکن
الدین قلیج ارسلان بجای او برقرار شدند وفات سیف الدین طغرل مملوک ملک مظفر محمود صاحب حماة که ملک
مظفر خواهر خود را بزنی باو داده بود و بعد از فوت ملک مظفر سیف الدین مذبور بملکت حماة می پرداخت

سنه ۶۵۵ هجری — سنه ۱۲۵۷ مسیحی

آسیا وفات منکو قاآن آمدن رسول از بغداد نزد هلاکو خان فتنه عظیم در بغداد میان شیعه و سنی
افریقا کشته شدن ملک المعز ایبک ترکمانی حکمران مصر بدست شجر الدر زوجه او و برقرار شدن پسرش
نور الدین بجای او که ملقب بملک منصور و نور الدین در اینوقت پانزده ساله بود کشته شدن شجر الدر
اروپا (اسپانیول) پادشاه کاستیل شهر اشبیلیه را که در تصرف اعراب بود محاصره نمود محصورین
باردوی او نار تفنگ می انداختند و توپ داشتند و این اول استعمال باروط است که در فرنگستان دیده بودند

بنظم در آوردن شیخ سعدی علیه الرحمه کتاب بوستان را

سنه ۶۵۶ هجری — سنه ۱۲۵۸ مسیحی

آسیا استیلای هلاکو خان بر بغداد و انقراض خلافت و دولت بنی عباس تبیین آنکه میان سنی و شیعه در بغداد
چنانکه در نگارش سال قبل ایراد نمودیم فتنه عظیم در گرفت و بحکم ملازمان خلیفه محله کرخ را که اهالی آن شیعه بودند
غارت کردند و نسبت بنسوان دست درازی نمودند و بسیاری از سادات بنی حسین کشته شدند مؤید الدین ابن
علقمی وزیر خلیفه که شیعه و از اهل کرخ بود از اینمعنی زیاده از وصف رنجیده کاغذی بهلاکو خان نوشت و او را تحریک
کرد هلاکو خان که از جانب شمس الحکماء نصیر الملة والدین خواجه نصیر الدین طوسی نیز بدین مطلب ترغیب شده بود متوجه
بغداد گردید و پنجاه هزار نفر از عساکر بغداد را که بمقابلی او آمده بودند در دو منزلی بغداد چنان شکست داد و بکشت
که زیاده از دو نفر جان بدر نبردند و بغداد را محاصره نمود و پس از طول محاصره بگرفت و عساکر او مدت چهل روز
در بغداد قتل و غارت نمودند و خلیفه را که باتفاق مورخین بعیش و ملاهی معتاد بلکه مولع بود در نمد پیچیده
بمالیدند تا انتقال دادند و بساط خلافت بنی عباس که مدت پانصد و بیست و چهار سال منبسط بود بهم پیچیده شد
بلکه با انقراض خلافت و دولت بنی عباس خلافت کلیة منقرض گردید و حکمرانان بعد باسم سلطنت حکمرانی نمودند
و ما جلد اول کتاب منتظم ناصری را باینسال ختم میکنیم زیرا که از اول این کتاب تا این سال سلطنت مذهبی در ملل و ممالک
اسلام با کمال قوت را داشت با این اثر بود و از اینسال ببعد اگرچه سلاطین اسلام انار الله برهانهم در تشیید
دعائم دین مساعی و اقدامات نمودند ولی عنوان خلافت و سلطنت مذهبی نبود پادشاه اسلام بودند و بر مقتضای
عقیده خالص خود عمل مینمودند بالجمله مدت خلافت المستعصم بالله عبد الله ابو احمد بن المستنصر شانزده سال بود
و چون بغداد را هلاکو خان بگرفت پس از چهل روز قتل و غارت مردم بغداد را امان دادند و پس از این فتح فی الحقیقه

سلطنت

سلطنت ایران هلاکوخان داشت و لشکر مغول پس از این واقعه در شام و حلب فتوحات نمودند و تا حوالی قسطنطنیه راندند بموجب مسطورات تواریخ فرنگ جمعیت بغداد در وقت غلبه هلاکوخان بر اینشهر سه کرور و صد هزار نفر بود و بغداد در روز بیست و دویم ژانویه محاصره شده و در دهم فوریه مفتوح گردید و هفت شبانه روز هلاکوخان اجازه قتل و غارت بقشون خود داده بود ابوالفدا که بسیاری از وقایع مندرجه در این کتاب نقل از تاریخ او شده گوید در بیستم محرم اینسال هلاکوخان بغداد را فتح کرد و مدت قتل و غارت در بغداد را ابوالفدا و صاحب تاریخ وصاف و بسیاری از مورخین چهل روز نوشته اند

واز وقایع این سال وفات ملک ناصر داود بن ملک المعظم عیسی بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب است که در ظاهر دمشق در قریه معروفه ببویضا بمرض طاعون در گذشت عمر ملک ناصر داود پنجاه و سه سال و در فضل و علم معقول و منقول و نظم و نثر مرتبتی بلند داشت و وفات غازیه خاتون دختر ملک کامل محمد بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب مادر ملک منصور صاحب حماة در قلعه حماة و غازیه خاتون جده ابوالفدا ابن ملک افضل صاحب تاریخ معروف و تقویم البلدان میباشد محاصره سخت لشکر مغول میافارقین را و حکمران میافارقین در اینوقت ملک کامل محمد بن ملک مظفر شهاب الدین غازی ابن ملک عادل ابوبکر بن ایوب بود و بای شدید در شام خاصه در دمشق هدیه فرستادن ملک ناصر یوسف صاحب دمشق بصحابت پسر خود ملک عزیز محمد برای هلاکوخان وفات شیخ شمس الدین یوسف که از اولاد جمال الدین ابن الجوزی و از وعاظ و فضلا بود و تاریخی تالیف کرده که موسوم بمرآت الزمان است **افریقیا** وفات صاحب بهاء الدین زهیر بن محمد بن علی بن یحیی المهلبی منشی رسایل ملک صالح ایوب در هفتاد و پنج سالگی در قاهره و صاحب مشار الیه فاضل و متبحر و کثیر المروة و صاحب نظم و نثر بسیار ممتاز بود وفات رکن الدین عبدالعظیم از ائمه حدیث در مصر

تالیف نمودن شیخ سعدی علیه الرحمه کتاب گلستان را چنانکه خود فرماید
در آن مدت که ما را وقت خوش بود
ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود

ملحقات

وقایع سال سیم و چهارم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و سلطانه از هشتم ماه ربیع الثانی سنه هزار و دویست و نود و هفت تا نوزدهم ماه ربیع الثانی سنه هزار و دویست و نود و هشت مطابق لوی ئیل ترکی

بقیه ماه ربیع الثانی

روز هشتم ماه ربیع الثانی بحساب زیج محمد شاهی هندی دو ساعت و سی دقیقه و سی و شش ثانیه از طلوع آفتاب گذشته و بحسابه زیج جدید فرنگی دو ساعت و پنجاه و دو دقیقه و پنجاه ثانیه از طلوع گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده و مراسم جشن عید و سال نو در پیشگاه حضور همایون و دربار معدلت مدار اقدس معمول داشته شد نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و بروجرد و عراق و عربستان و لرستان دام الله اقباله العالی را باعطای یک قطعه نشان ذیشان اقدس که

ازامیان

از امتیازات جلیله و برین نشان اپند و لت ابد آ فزا نسب بین الاقران مباهی فرمودند و نواب اشرف معظم له دامت شوکته
با حصول اجازه از حضور معدلت ظهور همایون روز بیست و دویم این ماه بقصبه مبارکه حضرت عبد العظیم نقل
مکان فرمودند که روز غرهٔ جمادی الاولی عزیمت اصفهان نمایند

وقایع ماه جمادی الاولی

جناب میرزا مهرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده کما فی السابق بمنصب وزارت لشکر که خانه هما مالک محروسه
برقرار گردیدند میرعلیخان حشمة الملک با عطای یک قبضه شمشیر مرصع سرافراز گردید و وزارت بنائی و دیوانی کل ممالک
محروسه را از نظام و غیر نظام بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص اعطا فرمودند نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا
ولد مرحوم عماد الدوله را بحکمرانی ولایت کرمانشهان منصوب فرمودند امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول خزانه دار
وجوه نظام با عطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید مظفرخان مهندس باشی با یکهزار تومان انعام و یک حلقه
انگشتری الماس مباهی فرموده میرزا حسنخان ولد معزی الیه را بدرجهٔ سیم استیفا سرافراز ساختند نواب اشرف والا
ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان و مضافات دام الله اقباله العالی را با عطای یک قبضه شمشیر
مرصع مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند

چند ماه بود که متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان میکردند چون این امتحان این اوقات بانجام رسید روز
شنبه چهاردهم جمادی الاولی چهار ساعت بغروب مانده سلام عام در مدرسهٔ دار الفنون منعقد گردید بحضور و رقت
امتحان و مساعی معلمین و ترقیات متعلمین ملحوظ نظر اقدس اعلی گردیده نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم را
با عطای یک توب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه و یکهزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمد حسن میرزا
ولد نواب والا وزیر علوم بمنصب سرتیپی سیم و نشان انعام نایل گردید و امتیازات و عواطفی که
در حق سایرین مبذول شد از قرار ذیل است

جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچه درجات تحصیل و اندازهٔ استحقاقهای مدرسه را بعرض حضور مبارک
میرسانید خرقه ترمه برای خلعت استحباب

دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان متعلمین مدرسه تحمل زحمت و مراقبت نموده
بود یکطاقه شال بسیار ممتاز

جعفر قلیخان سرتیپ ناظم مدرسه مبارکه با عطای نشان شیر و خورشید از درجهٔ اول با حمایل مخصوص آن و دویست
تومان انعام

محمد حسنخان ناظم مدرسه مبارکه منصب سرتیپی دویم و حمایل و نشان مخصوص آن و دویست تومان اضافه مواجب
و پنجاه تومان انعام

محمد تقی میرزای اجودان مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم شصت و پنج تومان اضافه مواجب بیست تومان انعام

معلمین ایرانی

حاجی میرزا عبد الغفار نجم الملک منجم باشی اعلیحضرت همایون و معلم کل علوم ریاضی نشان و حمایل سرتیپی
دویم و پنجاه تومان اضافه مواجب چهل تومان انعام
میرزا ابو القاسم معلم طبابت ایرانی جبه ترمه حاشیه دار توب انعام سی تومان

میرزا

میرزا علی دکتر معلم طب فرنگی جبهٔ ترمه حاشیه دار توب انعام سی تومان
میرزا کاظم معلم شیمی و فیزیک نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم و شصت تومان اضافه مواجب و بیست و پنج تومان انعام
میرزا علی اکبرخان نقاش باشی نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم و شصت تومان اضافه مواجب
میرزا علیخان معلم طب مجانی نشان و حمایل سرهنگی
میرزا ابوالحسن معلم طب مرتبهٔ دویم لقب خانی و سی تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام
علیخان معلم توپخانه منصب سرهنگی خارج از فوج و صد تومان اضافه مواجب

معلمین فرنگی

مسیو ریشارخان نشان و حمایل سرتیپی دویم و سی تومان انعام
مستر طلر نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم شال ترمه ایرانی طاقه
مسیو پروسکی سرتیپ معلم زبان فرانسه و علم جغرافی شال ترمه ایرانی و لقب خانی
مسیو ویلر شال ترمه کشمیری و نشان طلای علمی
مسیو لمر شال ترمه ایرانی و نشان طلای علمی و صد تومان اضافه مواجب
مادروس خان معلم زبان روسی و مترجم زبان روسی و فرانسه نشان شیر و خورشید از درجهٔ چهارم و شال ترمه ایرانی

سایرین

میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب استیفا از درجهٔ دویم و دویست تومان اضافه مواجب و جبهٔ ترمه ایرانی حاشیه دار

محمد ابراهیمخان سرهنگ تحویلدار مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم انعام چهل تومان اضافه مواجب هشتاد تومان

میرزا محمد علیخان منشی باشی وزارت علوم یکصد تومان اضافه مواجب و خطاب مقرب الخاقانی و جبهٔ ترمه ایرانی حاشیه دار و متعلمین نیز هریک بقدر رتبهٔ خود باضافه مواجب و انعام نایل شدند
وفات میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار که مستوفی اول دیوان اعلی و از محترمین رجال این دولت بود در بیست و پنجم جمادی الاولی

وقایع ماه جمادی الثانیه

میرزا عباسخان رئیس مدرسهٔ دولتی تبریز باعطای یکقطعه نشان و یکرشته حمایل از درجهٔ سرتیپی سیم سرافراز شد وصول خبر قتل شیخ مذکورخان از فارس و شرح آن از قرار ذیل است
بواسطهٔ ظهور اغتشاش و انقلابات که در قرون سالفه در کره زمین و بیشتر در قطعهٔ آسیا دست داده بود اهالی هر ولایت جای سخنی را که غالبا در قلل جبال بود اختیار و قلعه و برجی محاط بدیوارهای محکم و خندق عمیق برای حفظ جان و مال و ناموس خود احداث نموده بودند پس از اینکه رفته رفته مردم بنعمت نزدیک و از نعمت آسودگی و امنیت بهره مند شدند معاقل مزبوره پاره خراب و برخی بدست اشرار و متمردین و فتنه جو و سارق افتاده باطمینان امکنهٔ مزبوره دست تعرض بنفوس و اموال بندگان خدا دراز و اوقات مختلفه درازی حکمداران دولت متبوعه خود شان را گرفتار زحمت و مکلف بتکلیف بیرحمانه مینمودند ازجمله در ممالک ایران

بتخصیص در مملکت فارس معدودی از این قلاع مثل قلعهٔ تبر و غیره مانده بود که باهتمامات کافیهٔ نواب والا
معتمد الدوله فرهاد میرزا حکمران فارس منهدم و متمردین و سارقین که باطمینان امکنهٔ مزبوره امنیت را از مقیم و
مسافر سلب کرده بودند بسزای اعمال خودشان رسیدند جائیکه مانده بود و اعتنائی بآن نشده بود قلات سرخ
واقعه در بلوک کاوبندی از کرمسیرات فارس بود که شیخ مذکور خان حاکم کله‌دار و کاوبندی و سایر برج و
دروازه در آن ترتیب داده و مستحفظ نشانده آنجا را برای خود مامنی قرار داده بود بعد از آنکه تمرد و طغیان او
بر نواب والا معتمد الدوله ظاهر شد و جمعیتی برای دستگیر کردن او مامور نمودند بدوا در بندر بشیوع که یکی از
بنادر کنار دریا و در آنجا نیز قلعه و برج محکم ساخته بود متحصن شد جمعیت نواب معظم‌له باستحما ابراهیم خان
بتغلبه و یورش قلعه و برج را گرفته شیخ حاتم برادر او را دستگیر کردند شیخ مذکور خان یک مدتی با مامورین
نواب والا معتمد الدوله در زد و خورد بود آخر الامر مامورین مزبور بتغلبه قلات سرخ را گرفته خراب و منهدم
نمودند و شیخ مذکور خان و همراهان او را دستگیر کرده بشیراز آوردند و توپی که دو ذرع و نیم طول آن بود در
برج نصب کرده بودند منتها شیء از صفحات را از شرارت شیخ مذکور خان و همراهان او امن و آرام نمودند
نزول تگرگ در دشت دوقرای نظر که نیم ذرع تگرگ در روی بامها نشسته و هر دانهٔ تگرگی بدرشتی فندق بود انتشار
جلد چهارم کتاب مرآت البلدان ناصری میرزا محمد علیخان پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب استیفا از درجهٔ سیم
نایل و برقرار گردید نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه حکمران دار الخلافهٔ باهره و غیرها ادام الله اقباله العالی
را با عطای یک قبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصهٔ سلطنتی قرین مفاخرت نموده دستخط جهانمطاع همایون بشرح
ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

نایب السلطنه از خدماتیکه بشما رجوع است از همه جهت خاطر ما آسوده و خرسند است و الحمد لله تعالی روز بروز هم
بر اطمینان خاطر ما و انتظام عمل ادارات مخصوصهٔ شما میافزاید بخصوص در نظم امور دار الخلافه و توابع آن که از امور مهمه
بسیار بزرگست از اهتمام مخصوص شما که در حقیقت شب و روز بشخصه مراقب و مشغول هستید در انتظام جزئی و کلی
آن کمال سعی را کرده است که خاطر ما فوق الغایه راضی است برای علایم رضامندی ما از خدمات شما یک قبضه شمشیر
مرصع از شمشیرهای خاصه را برای شما فرستادیم که زاید علی ما سبق در انتظام کل ادارات خود و بخصوص در نظم
دار الخلافه ساعی و جاهد باشد بتحریراً جمادی الثانیه لوی ئیل
دستخط مبارک در باب آبله کوبی بافتخار نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

اعتضاد السلطنه شیاع آبله کوبی که برای حفظ نفوس محترمه و سلامت اطفال مملکت حکم وجوب دارد و باید
اینکار در تحت یک مراقبت و اهتمام مخصوص و دقیق باشد چون ادارهٔ حفظ صحت بعهدهٔ شماست این امر هم از تکالیف خاصهٔ
شما معدود میشود باید بهر نقطهٔ ایران مامورین شما مواظب اجرای اینکار بوده حکم شما در انتشار و رواج و
شیاع آبله کوبی در اعلی درجهٔ قوت نافذ و جاری باشد و بهر وسیله اطفال رعایای ایران مجبور بکوبیدن آبله و
اولیای آنها مفروض باین امر باشند و بهر وسیله از پیشرفت این مقصود استطلاع نموده ماهی یکنوبت روزنامه
تمام بلاد و نواحی و قراء ایران را بخصوص ما تقدیم نمایند و این روزنامجات بمهر و تصدیق اعیان و کدخداهای

محل موشح باشد و بدانیم که هیچ طفلی از این حکم مستثنی نمانده و در همه جا این قرار ساری و جاری شده است بموجب همین دستخط مقرر میداریم که احکام شما در این خصوص در همه جای ایران واجب الاطاعه و تالی احکام خاصه ملوکانه است و صاحبان ادارات باید اظهارات شما را متعلق باین امر فوری الاجرا دانسته از کمال تقویت و ترویج قصور ننمایند

۲۹ شهر جمادی الثانیه لوی ئیل ۱۲۹۷

اداره تنظیفیه و احتسابیه دار الخلافه را بمؤلف و الکاد فرمودند و دستخط جهانمطاع مبارک در تفویض این شغل بچاکر خطاب بنواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دار الخلافه باهره و غیرها ادام الله اقباله العالی از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

امر احتسابیه و تنظیف شهر طهران نظر باینکه قسمت عمده آن از عمله و دواب بصنیع الدوله سپرده بود و در انجام و اجرای معروضات همایونی تعهدات خوب بمقرون بصرفه دیوان و سهولت امر کرده و بعد از ملاحظه مجلس شورای بعرض حضور ما رسید این خدمت را بطور کلیه بمعزی الیه رجوع و محول میفرمائیم که با همین عمله و اسباب و دواب و مخارجی که حالا از دولت برای نظافت طهران داده میشود محوطه داخل خندق شهر دار الخلافه را از هر جهت پاک و تنظیف داشته و در آنچه متعلق بسلامت عامه است مثل اصلاح و پاکیزگی مجاری میاه و حسن تقسیم و شرب آن و رفع و منع چیزهائی که مستلزم حدوث امراض و اختلال هوا است اهتمامات وافیه مرعی دارد آن فرزند باید در پیشرفت کار و تقویت صنیع الدوله اهتمام و توجه مخصوص مبذول داشته این اداره را که از کارهای اصلی و اساسی طهران است قابل کمال انتظام و مستوجب خلیعت داند و همان قدر که بصنیع الدوله تقویت خواهد نمود مواظب بوده اجرای فصول تعهدات معزی الیه را مطالبه نماید فی ۲ شهر جمادی الثانیه لوی ئیل ۱۲۹۷

وقایع ماه رجب المرجب

محض اشاعه و تعمیم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک بنواب والا معز الدوله وزیر عدلیه اعظم شرف صدور یافت که صورت آن از قرار شرح ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

معز الدوله   این اوقات در وضع دیوان عدالت فتوری مشاهده کردیم و آن بود که بالمشافهه العلیه شما تاکیدات شد این دستخط را مزیدا للتاکید صادر میفرمائیم که وضع دیوانخانه برای اجرای حق و عدل و انجاح امور عارضین و متظلمین است و حدود و تکالیف عدالتخانه بتوضیح و تفسیر محتاج نیست باید قانون شرع مطاع و عدل مبین را پیشرفت و جهد کافی خود قرار داده هیچ محاکمه را از دایره خود مستثنی و هیچ حکم عدل را از قوه خود خارج ندانید و فوتاً جازماً مراقب امور متظلمین و ملهوفین بوده احکام صادره از دیوان عدالت عظمی را حتمی الاجرا دانید و اگر در شعب اینخدمت قصوری بنظر آورید فوراً معروض دارید رفع و منع آنرا بخواهید   شهر رجب المرجب لوی ئیل ۱۲۹۷

صدر این دستخط مبارک را بقلم معجز رقم همایون بعبارت مسطوره در ذیل مؤکد و موشح فرموده بودند

معز الدوله   غرض از دیوانخانه و تعیین امارت دیوانخانه احقاق حق و رفع ظلم و اجرای احکام است که قدرت دارد که خلاف این سر حکم را شرعاً و عرفاً بکند شما را که ما در دیوانخانه گذاشته ایم برای اجرای همین سر فقره است با کمال سختی در اجرای این سر کمال جد و جهد نمائید و هر کس تخلف کرد فوراً اطلاع بدهید تا آنشخص را بسزای خود برسانیم ۹۷

حاجی محمد حسینخان ولد مرحوم احمدخان عمید الملک بمنصب نایب اول دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی برقرار گردید
روز یکشنبه هیجدهم رجب موکب مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه از سلطنت آباد انتهاض نموده بسمت
کلاردشت و ساحات ییلاقیهٔ مازندران تشریف فرما گردیدند نواب حاجی بهاء الدوله بمرتبهٔ اول بیک قبضه شمشیر
مکلل بجواهر از درجهٔ دویم سرافراز گردیدند میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیر کبیر
نایب السلطنهٔ دولت علیه دامت شوکته کتابی در امراض عصبانی ترجمه و تالیف و طبع نموده چون کمال امتیاز را داشت
باعطای یکحلقه انگشتری الماس سرافراز شد چندی قبل ما بین اشتهارد و بوئین در نزدیکی قشلاق شاهسون
بغدادی سنگی از آسمان بزمین افتاده که تقریباً پانزده من تبریز وزن آن میباشد این اوقات سنگ مزبور را امتحان
کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در حالت خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلزی موسوم به نیکل در آن یافت
میشد و این جوهر سنگ درشت و با ذرات نقره نما بنظر می‌آمد و انرهای آهن خالص آن مخلوط با سنگ سیاهی بود
که آنرا الومینیو سیلیکات مینامند نیز که نیشالهای سبز در آن مشاهده نموده اند که نظر آن در اغلب سنگهای آسمانی
دیده میشود روز جمعهٔ بیست و نهم موکب فرخنده کوکب پادشاهی وارد کلاردشت گردید سرکردگان و صاحبمنصبان
و یوزباشیان کشیکخانهٔ خاصه سپرده بجناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم که پیش از تشریف فرمائی موکب اقدس اعلی
بسفر کلاردشت سان داده بودند و سزاوار و مستوجب امتیازات گردیده این اوقات بعواطف مسطورهٔ ذیل
مباهی گردیدند
(عبدالله خان قوللرآقاسی باشی شمشیر مرصع از درجهٔ سیم) (میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرکرده سواران مهدیه
شمشیر مرصع از درجهٔ سیم) (میرزا مصطفی وکیل لشکر عصای مرصع) (محمدحسن میرزای یوزباشی شمشیر یراق طلا) (رستمخان
یوزباشی شمشیر یراق طلا) (محمدقلیخان یوزباشی شمشیر یراق طلا) (هاشمخان یوزباشی شمشیر یراق طلا) (محمودخان
یوزباشی شمشیر یراق طلا) (حاجی حسینخان یوزباشی شمشیر یراق طلا) (عباسقلیخان یوزباشی شمشیر یراق طلا) (حیدر
قلیخان یوزباشی شمشیر یراق طلا) (عبدالله خان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی) (بابلخان یوزباشی سرداری ترمه
ایرانی) (میرزا نقیخان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی) (فتح الله خان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی) (عزت الله خان
یوزباشی سرداری ترمه ایرانی) (علی عسکرخان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی) (رحمت الله خان یوزباشی سرداری ترمه
ایرانی) (عباسعلیخان پسر کلبعلیخان سرداری ترمه ایرانی) (میرزا احمد سررشته دار کشیکخانه و فراشخانه جبهٔ ترمه
ایرانی) (میرزا رضای سررشته دار جبهٔ ترمه ایرانی)

وقایع ماه شعبان

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی غرهٔ روز دهم شعبان از کلاردشت عزیمت معاودت فرمودند و روز سه
شنبه بیست و پنجم به ییلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشتند نواب والا عضد الدوله حکمران قزوین باعطای
یکحلقه انگشتری الماس بر بلیان سرافراز گردید

وقایع ماه رمضان

موکب اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه که تشریف فرمای ییلاق شهرستانک بود روز سه شنبه هفدهم رمضان المبارک
بقصر سلطنت آباد نزول اجلال فرمود نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان
و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی که این اوقات از اصفهان بقصد سرکشی عربستان و لرستان از راه بختیاری

وبروجرد حرکت فرموده مورد مراحم ملوکانه گردیده یکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه بافتخار ایشان ارسال فرمودند

وقایع ماه شوال

جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را در اوایل اینماه از اداره امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته بحکمرانی قزوین برقرار نمودند زلزله شدیده در کروس که بعد از آن چند فقره زلزله خفیف هم اتفاق افتاد ترتیب مهام مملکت آذربایجان را علاوه مشاغل جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند و دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب آقا چون نظم مملکت آذربایجان از همه ممالک واجبتر و لازمتر است و خاطر ما باید از طرف آن مملکت بالکلیه آسوده باشد و رعایای آن مملکت که آسودگی و آبادی و فراغت خاطرشان همیشه منظور نظر ماست در کمال رفاهیت خاطر بوده و امور آن مملکت از هر جهه منظم باشد غور رسی امورات مملکت را کلیةً از هر جهة بشما واگذار میفرمائیم و آنچه احکام لازمه که از جانب ما بولیعهد و آن مملکت صادر میشود باطلاع و استحضار و صوابدید شما باشد و آنچه ولیعهد و اهالی آن مملکت بعرض میرسانند بتوسط شما بعرض برسد از این تاریخ باید خود را کلیةً مسئول امورات مملکت دانسته دره کوتاهی نکنند ۲۹ شهر شوال لوی ئیل خیریت دلیل ۱۲۹۷

شرح وصول مامور مخصوص دولت ژاپن بدار الخلافه باهره

دولت ژاپن که از دول مشرق زمین و در قسمتی از اقلیم وسیع آسیا واقع است این اوقات برای حصول روابط مودت و دوستی و ارتباط با دولت علیه ایران مامور مخصوصی بدربار معدلت مدار همایون روانه داشته این مامور مخصوص که مرد ذیشان دانشمند و موسوم به (یوشیدا مسیحرو) میباشد همراهی (یوکویاما کوئی جرو) مترجم و (فوروکاوانولوبوش) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی روز دوشنبه بیست و هشتم جمادی الثانیه در بندر بوشهر از کشتی دولت ژاپن خارج شده و کارگذاران حکومت بوشهر بوجهی شایسته و لایق ایشانرا پذیرفتند و پس از چند روز اقامت عازم شیراز گردیده در اینشهر نیز گماشتگان حکومت مراسم اعزاز را نسبت بمامور مخصوص و همراهان مرعی و منظور داشتند پس از چهل و پنجروز توقف در شیراز عزیمت دار الخلافه کرده پس از ورود و وصول مشمول توجهات کامله امنای دولت جاوید مدت روز افزون گردیده با شرایط پذیرائی و رعایت لوازم ملاطفت و مهربانی مشار الیهم را در باغ ایلخانی که از باغات مبارکانه دولتی است منزل دادند

روز دوشنبه بیست و یکم شهر شوال المکرم بیکساعت بغروب آفتاب مانده میرزا عبدالله خان مستشار وزارت خارجه با دو دستگاه کالسکه بباغ ایلخانی رفته مامور مخصوص و همراهان او را بدربار اعظم آورده و بخاکپای مبارک عرض کردند مامورین دولت ژاپن حاضر اند و بعد از آنکه احضار شدند صدیق الملک ایشانرا در تالار شمس العماره بحضور باهر النور مقدس مشرف ساخت و عرض کرد مامور مخصوص یوشیدا مسیحرو از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت ژاپن برای درک شرف حضور مکارم ظهور اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک ایران ادام الله شوکته مشرف میشود و پس از ذیل تقدیمات شاهانه مامور مخصوص نطقی بمضمون ذیل بعرض حضور معدلت ظهور اقدس رسانیدند

صورت نطق یوشیدا مستر وهامور مخصوص دولت ژاپن

بحضور اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه ممالک ایران معروض میدارد من خود را نهایت خوش بخت میدانم که بواسطه انتخاب این ماموریت کمال افتخار را حاصل نموده و از جانب اعلیحضرت امپراطور ژاپن مامور شده ام که میل صادقانه و منتها آرزوی ولی نعمت جلیل القدر خود را بجهت صحت و خوشوقتی اعلیحضرت شما و امنیت و شرف و ترقی دولت مملکت آن اعلیحضرت همایون تقدیم نمایم و من بجهت اعلیحضرت امپراطور ژاپن و دولت ایشان و کلیه ملت ژاپن افتخار مخصوص میدانم که اعلیحضرت اقدس همایون مرا مفتخر و امروز بحضور مبارک خود شان مشرف فرموده اند و از جانب پادشاه خود و دولت ایشان از خداوند متعال مسئلت مینمایم که وجود مبارک آن اعلیحضرت همایون را محفوظ فرماید که بجهت ممالک ایران سلطنت ایشان نعمتی است که پروردگار عالم عطا فرموده است بر همه کس حتی بر ساکنین اقصی بلاد ممالک ما معلوم و هویداست که سلطنت اعلیحضرت اقدس همایون شما را استعداد و مقاصد خیریه ایست که اثر آن نه تنها در ایران بلکه در منتها نقطه دنیای متمدن ظاهر گردیده است و همچنین کاملاً آشکار است که خوشوقتی رعایای اعلیحضرت شما و ترقی ممالک و توسعه اقتدار ایشان روز بروز در تزاید میباشد و ولی نعمت جلیل القدر من مرا اجازه فرموده که عرض نمایم منتها امید و آرزوی صادقانه ایشان اینست که روابط مودت آمیز دولتین که از شرفیابی من بحضور مبارک و درک این موهبت بیشتر مستحکم شده تا آخر مستدام بوده و بجهت دولتین اسباب خوشوقتی و فواید گردد و آخر الامر بعرض میرسانم که اعلیحضرت امپراطور و دولت ایشان و جمیع ملت ژاپن امیدوار و متمنی هستند که ترقی حکمرانی با افتخار و امنیت روز مایکه در تحت فرمان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی هستند چندین هزار سال باقی بماند و ایزد متعال عمر طویل بآن اعلیحضرت همایون کرامت فرماید و تفضلات خود را نسبت بوجود مسعود مبارک دایمی و آسایش کامل با یام آتیه اعلیحضرت پادشاهی ارزانی دارد

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز در جواب اظهار کمال مودت و دوستی با اعلیحضرت امپراطور ژاپن فرموده و شخص مامور را مورد مرحمت و التفات مخصوص داشتند

وقایع ماه ذیقعده الحرام

ریاست اداره جلیله عسکریه و قشون ظفر نمون را که عبارت از وزارت جلیله باشد بعهده کفایت و کفالت نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی تفویض و موکول فرموده یکقوب سرداری ترمه مفتول دوز از ملابس خاص سلطنتی بنواب اشرف معظم له دامت شوکته اعطا و مرحمت فرمودند دستخط جهانمطاع مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

ریاست مطلقه قشون ایران چنانکه سابقا اعلان کرده ایم خاصه شخص خود ما و لازمه سلطنت کبری است و بر حسب اینمعنی البته اداره کلیات مهام عسکریه بوجود مسعود ما اختصاص دارد لکن بالضروره برای سیدکی بجزئی و کلی و مراقبت شرایط امر قشون احدی لازم است که قایم مقام شخص همایون ما و واسطه ابلاغ و اجرای احکام دولت باشد و جز نایب السلطنه امیر کبیر که فرزند ارجمند ما و دارای رتبه و لقب نیابت سلطنت است و علاوه بر مقامات کفایت و دولتخواهی بمعلومات او در امور نظامی اعتماد داریم از طرف خود مان بریاست و اداره قشون مخصوص و منصوب داشتیم از امروز باید عموم رؤسا و سرکردگان قشون دولت فرزند معزی الیه را در ریاست قشون نایب مناب

مخصص

دستخط همایون مادام که ترتیباتی که بتوسط فرزند معزی الیه مقرر میشود لازم الاجرا شمارند سیم شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۲۹۷

جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحیة والثنا بمنصب متولیباشی گری مستسعد بودند بدربار همایون احضار شده مجددا بمنصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردیدند و بیک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع بافتخار جناب معزی الیه مرحمت فرموده دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

میرزا سعید خان مؤتمن الملک که همیشه در موارد خدمات امتحانات خوب داده و در ایام سلطنت ما زمان خود را بتصدی خدمات بزرگ گذرانیده و بپیوستگی دولتخواهی و کفایت او موجب کمال رضامندی خاطر ما بوده است این اوقات مجددا بوزارت جلیله امور خارجه منصوب میفرمائیم که باقتضای سوابق اطلاعات و احاطه کامل خود وظایف این تکلیف را کاملا ادا کند و آن طورها که مقامات بصیرت و کفایت معزی الیه در پیشگاه ما مجرب و معهود است این شعبه عمده و اهم دولت را قرین انتظام دارد شهر ذیقعدة الحرام لوی ئیل ۱۲۹۷

جناب مشیر الدوله سپهسالار اعظم را که حکمرانی قزوین داشتند به پیشکاری تمام مملکت آذربایجان برقرار فرمودند

جناب کنت زالوسکی وزیر مختار دولت اطریش مامور باقامت دربار دولت علیه که موقتا بوطن خود رفته بود این اوقات بدار الخلافه معاودت نمود میرزا رضای صدیق الدوله بوزارت دار الخلافه برقرار گردید

وقایع ماه ذیحجة الحرام

مسیو کنت دمنت فرت رئیس پلیس و نظم و امنیت عامه شهر دار الخلافه بمنصب سرتیپی دویم سرافراز گردید جناب حاجی میرزا محمد خان مجد الملک وزیر وظایف و اوقاف معفو شدند و وزارت وظایف و اوقاف بموجب دستخط جهانمطاع مبارک از قرار شرح ذیل برعهده کفایت جناب میرزا علیخان امین الملک مفوض و موکول آمد

سواد دستخط همایون

چون امر وظایف و اوقاف از جمله کارهای معظم دولتست و باید وظیفه و مقرری مردم در نهایت خوبی و درستی باشد و اوقاف منظم باشد و خاطرها از این امر آسوده باشد لهذا این خدمت عمده را بامین الملک رجوع میفرمائیم که آنچه شایسته نظم اینکار است بعمل آورده و کفایت خود را در تنقیح این عمل بظهور و بروز بیاورد فی شهر ذیحجه ۹۷ لوی ئیل

تتمه

در دو سه ماه اواخر اینسال فتنه شیخ عبید الله کرد اسباب کدورت خاطر اهالی دولت و ملت بود تبیین آنکه شیخ عبید الله که از قدیم در سبک و مسلک تصوف بتشویق عوام فریبی بسر میبرد و در ناحیه هکاری میان اکراد تبعه دولت عثمانی مطاعیتی داشته در اوقات جنگ دولتین روس و عثمانی بعضی تفنگ و اسلحه جنگ بدست آورده و بخیال واهی افتاده که اکراد سرحدنشین دولتین ایران و عثمانی را در تحت ریاست خود درآورد در اواخر اینسال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ گریزان شده بشیخ عبید الله پیوست و خیالات او را تایید و تحریک نمود لهذا در حدود کردستان دولت علیه بنای قتل و نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از جهالت و فطرت ناپاک

میباکذاشت اولیای دولت علیه که از غایله با خبر شدند در عرض بیست و دو فرسخ بیست و پنجهزار نفر از عساکر
موجوده را بریاست نواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مهمه حاضر ساختند و قبل از وصول
اردوی بزرگ دولت بساوجبلاغ و اورومی و آن صفحات اعتماد السلطنه مصطفی قلیخان که ریاست قشون آذربایجان
داشت با سایر سرکردکان و عساکر منصوره در حدود مراغه و بناب دو هزار نفر از اعیان را طعمه توپ و تفنگ
نموده شکستهای فاحش بآنها دادند و ششصد هفتصد نفر را که جسارت استیلا بشهر کرده بودند بقتل رسانیدند
و باقی را منهزم ساختند تا سه فرسخی اورومی جمعی از اکراد را که با شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند براه عدم
فرستاده و باقی ماندکان را از سنکر بکیر داشتند و آن سنکر عبارت از کوه سختی بود در واینده تا دو فرسنک تعاقب
نمودند در این اثنا نواب والا حشمة الدوله رئیس اردوی بزرگ در حوالی صاین قلعه بمرضی طبیعی مبتلا شده مرحوم شد
و نعش مرحوم شاهزاده را باکمال احترام معاودت دادند و مقرر شده وقتا محمد قلیخان حسام الدوله رئیس اردو
باشد تا جناب اشرف سپهسالار اعظم باردو ملحق شوند و عبدالقادر خان شجاع الملک برای ابلاغ احکام لازمه
بسرکردکان اردو روانه شد خلاصه در صورتیکه شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان و اتباع خود فرارا بطرف ساوجبلاغ
میرفتند باز بهر قریه و مزرعه که میرسیدند آنرا باتش بیرحمی میسوختند تا جناب حسنعلیخان وزیر فواید با فوج کروس
و سوار شاهسون دوبرن باردوی اعتماد السلطنه پیوسته و با یکدیکر بطرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدین
واسطه شیخ قادر و حمزه آقا مجال نیافته بسمت اشنویه کریختند خود شیخ عبیدالله نیز در حدود اورومی از عساکر
منصوره شکست خورده با اعوان خود بقلعه اسمعیل آقا در دو فرسخی شهر اورومی که جای محکمی است کریخت
روز شانزدهم ذیحجه جناب اشرف سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحشین اکراد را تأمین کرده عساکر و
توپخانه برای کرفتن شیخ عبیدالله و تبعه او در بیست و یکم ذیحجه بطرف سرحد و محال مرکور فرستادند
بموجب خبر تلکرافی که در سلخ ذیحجة الحرام رسیده عرصه ساوجبلاغ و اورومی بکلی از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش
دایر شده است محمد آقا رئیس طایفه مامش بلباس زنهکان کرد باصطبل توپخانه پناه برده با عفو و مرحمت باردوی
جناب اشرف سپهسالار اعظم رفته است شیخ قادر پسر شیخ عبیدالله با معدودی از تبعه خود بنوچیه که مسکن شیخ
عبیدالله و در خاک دولت عثمانی است کریخته

وقایع ماه محرم سنه ۱۲۹۸

تلکرام جناب اشرف سپهسالار اعظم مورخ بتاریخ دویم محرم از ساوجبلاغ اشعار میکند که جناب
اشرف معزی الیه اراده داشته از ساوجبلاغ اردو را حرکت داده از راه سلدوز و لاهیجان و مرکور
باورومیه بروند جناب حسنعلیخان وزیر فواید را بسمت حکمرانی ساوجبلاغ و صاین قلعه برقرار کردند
اسرائیکه از آن نواحی و غیره نزد طغات اکراد بود کلیة مستخلص کردیدند اردوی مامور بتنبیه عشیره منکور
بسرداری عزیزالله خان سرتیپ بمحل خود اصابت کرده یعنی بخاک منکور رسیده حمزه آقا خود را آماده
جنک نموده سنکر و سفناق خود را استحکام داده با طایفه خود که برشادت معروفند در مقابل عساکر
منصوره جلو ایستادکی مینماید در آن کوهستان صعب المسلک مقدمتا سواران ایناللو و بختیاری و دوبرن
و قرایاپاقی و بوربچی اسب انداخته عرصه را باشرار مزبور تنک مینمایند زیاده از شش ساعت جنک طول میکشد
و خونریزی زیاد میشود دو هزار نفر از اشرار مقتول شده حمزه آقا مجال زیست نیافته بطرف حدود دولت

عثمان که بیش از دو فرسنخ فاصله نیست که بخت حسینعلی بیك یاور فوج پنجم و دسته جمعی او قلعه نعلین و عمارت
جدید البنای مرحوم آقا کرم امین و بنگاه فساد آن حدود بود با خاك یکسان کردند این اردو مرکب بودند از افواج
پیاده و سواره و توپخانه بریاست عزیز الله خان سرتیپ سوار شاهسون اینانلو حسینعلیخان ژنرال آجودان
خاصه با فوج پنجم شقاقی اسفندیارخان سرتیپ سوار بختیاری علیرضا خان سرهنگ توپخانه و توپچیان کروسی
کرمیجان سرکرده و سوار شاهسون دویرن بیوکخان و حسنعلیخان سرهنگ با سوار قراپاپاق سیف الله
بیك و سوار بود بچی

شب غره محرم معجزه از حضرت امام ثامن ضامن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثناء بظهور رسید باینمعنی که
زائره کرمانیه مسماة به بنات خانم که زیاده از پانزده سال زمین گیر و افلیج بوده در روضه مقدسه شب غره بود در
عالم بیهوشی حضرت امام همام علیه السلام را در لباس سبز زیارت کرده باو فرمودند برخیز که ترا شفا دادم زائره
مشارالیها بیدار شده خود را صحیح و سالم می بیند تعزیه داری دهه عاشورا در تکیه دولتی با کمال نظم و شکوه
بعمل آمد و جناب عضد الملك خوانسالار و خازن مهر مهر آثار مبارك که در نظم تکیه مبارکه مساعی جمیله نموده
بودند بیکثوب خرقه ترمه از ملابس خاصه درجه اختصاص یافتند و محمد قلیخان نایب النظاره باعطای یکقبضه
قمه مرصع مفتخر آمد نواب والا اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم شب عاشورا برحمت الهی پیوست
و ریاست مدرسه مبارکه دار الفنون و مریضخانه دولتی را بجناب مخبر الدوله علیقلیخان وزیر کل تلگرافخانه های
ممالك محروسه واگذار فرمودند و دستخط مبارك از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارك

برای انتظام مدرسه دار الفنون و مریضخانه دولتی چون وجود یکنفر شخص کافی مجرب دولتخواه لازم بود که مواظب
و مراقب باشد لهذا برای ریاست اینها و عمل مخبر الدوله را منتخب فرموده مقرر میفرمائیم که از این تاریخ ببعد مراقبت
نظم عمل این دو کار بوده ترقیات عمده انشاء الله بعمل مدرسه و علوم بدهد لوی ئیل ۹۱

مجلس تالیف کتاب نامه دانشوران ناصری را بمراقبت مؤلف واگذار فرمودند جناب میرزا قهرمان امین لشکر بموجب
دستخط همایون مقرر شد همه روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و بجای خود را در شعبات امور دولت
اظهار دارد

وقایع ماه صفر

جشن عید مولود اعلیحضرت همایون خلد الله ملکه و سلطانه را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ
ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه باعلی درجه خوبی گرفتند و سه شب مراسم این جشن چنانکه لایق و شایان است
معمول و در کار بود و در موقع این عید سعید اشخاصیکه بنشان و حمایل سرافراز شدند از اینقرار است (رحیم خان
سرتیپ فوج دویم نصرت نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (میرزا زکیخان سرتیپ اداره دیلم و مشکین نشان و حمایل
از درجه دویم سرتیپی) (کلنل شمیل اطریشی رئیس مامورین اطریش نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی) (بارون نرمان
مترجم دار الترجمه همایونی نشان حمایل سرهنگی) (میرزا عبدالعلیخان پیشخدمت مباشی نواب اشرف والا امیر کبیر
نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکته نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی
نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی)

رای جهان آرای شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه نظر بنظم ملکی و دولتی اقتضا فرمود که موجبات ترقی دولت
ابدآیت علیه را بطور دیگر پیشنهاد ضمیر منیر ملوکانه است ترتیب و تکمیل فرمایند و در امور دولت حسن
ترتیبی مقرر شود که روز بروز آبادی و امنیت مملکت و ازدیاد مال و ثروت رعیت و رواج تجارت و توسعه
زراعت و آنچه از لوازم ترقیات دولت معدود میشود بیفزاید اگرچه هر یک از وزرای فخام دربار بکمال
استقلال مشغول اداره امور مختصه بخود هستند ولی در نظر انور همایون لازم آمد که هیئت مجتمعه از
منتخبین وزرای عظام نیز که بافاضه همایون مظهر قدرت کامله دولت علیه باشند تشکیل شود که ایشان
در نهایت مراقبت و دولتخواهی ناظر کلیه امور و ادارات دولتی بوده نواقص هر یک را تکمیل و لوازم هر
کدام را مهیا نمایند و با افکار صائبه قواعد مستحسنه ایجاد و در جمیع شعب امور نتایج خوب مناسب برای
دولت تحصیل نمایند دستخط مطاع مهر شعاع همایون که بر طبق تعهدات وزرای فخام صادر شده است
لفظ بلفظ مندرج میشود هم روزه مجلس دربار همایون تشکیل شده با قدرت کامله و توجهات قویه
ملوکانه بر ترقی و نسق امور دولتی مشغولند و احکامیکه مهر این مجلس عالی صادر میشود در کل ممالک
محروسه ایران لازم الاجراست

سواد دستخط همایون

چون اعظم و اهم امور دولت نظم مملکت و سرحدات و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستمگری که در میان آنها و
انتظام مهام قشون و قورخانه و مهمات عسکریه و سایر شعبات و ادارات شتی ایجاد و انتظام این مهام در خارج
و تشکیل قوانین و تدبیرات لازمه آن منوط باجرای سریعه نافذه احکام مفیده و تشبثات صحیحه دولت است
و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صائبه هم منوط بوجود وزرا و نوکرهای صاحب تجربه دولتخواه عاقل
کامل با غیرتست لهذا بموجب این دستخط که خودمان مینویسیم اختیار و اقتدار کامل میدهیم بوزرای منتخبین
حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم بجلوس فرموده ایم که از این تاریخ ببعد در هر قسم از امور دولت از
جزئی و کلی مختار و مجاز و قادر خواهند بود که قرارهائیکه متضمن خیر و صلاح دولت و ملت باشد بگذارند
و آنچه را که آنها صلاح دانسته و بعرض برسانند قبول فرموده و رد نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت
سلطنت را بهیئت این مجلس اعطا میفرمائیم که انشاء الله تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور
ملک و ملت منظور است در اجرای احکام بعرصه ظهور و بروز آورده خاطر ما را از حسن خدمات و خیر
اندیشیهای خودشان خرسند و مسرور نمایند و حسن ظن و التفات ما را نسبت بخودشان روز بروز
زیادتر کرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند تحریراً ۹۹
اداره معادن ممالک محروسه را بمیرزا علینقی حکیم الممالک از چاکران خاص آستان همایون واگذار فرموده دستخط
همایون از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

معادن ایران که خزائن حقیقی و ذخایر مادی و معنوی دولت و مملکت است بالضروره شایان توجهات مخصوصه و
اداره صحیحه بود این اوقات که شخص همایون ما باستکشاف معادن و ترویج این عمل اقبال مخصوص فرموده ایم
اهمیت آن بیشتر معلوم و مسلم است بالمناسبه و باقتضای اراده علیه همایونی از این تاریخ اداره معادن کل

ممالک ایران را بحکیم الممالک مرجوع و محول فرمودیم که با کمال اهتمام و کفایتی که دارد و سراغ داریم این خدمت مهم را موافق میل و اراده ما و چنانکه حق و تکلیف این دستگاه است بتقدیم رساند شهر صفر المظفر لوی ئیل ۱۲۹۹ شنه

نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان و مضافات دام الله اقباله العالی که در تنسیق امور عسکریه وارده های آذربایجان مساعی جمیله مبذول داشته بودند باعطای یکثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع تن پوش مبارک نواب اشرف امجد معظم له را مرحمتی مخصوص عنایت فرمودند در شکارگاه جاجرود پلنگی شکار شست مبارک گردید محمد تقیخان حاجب الدوله مرحوم شد محمد حسن خان فراشباشی ولد جناب علاء الدوله بلقب جلیل حاجب الدوله ملقب گردید آقا محمد علی ابدارباشی ولد جناب آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلقب امین حضرت مفتخر و سرافراز آمد امیرزاده محمد حسن میرزا ولد مرحوم شاهزاده اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا بمنصب جلیل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار گردید عبدالله خان حکمران گیلان بموجب استدعای نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی بلقب امیر تومانی سرافراز آمد همچنین نصرة الله خان سرتیپ حاکم کرکان و دبسر تیپ دوییم مباهی گردید

وقایع ماه ربیع الاول

از آنجائیکه تربیت آحاد و افراد رعایای ممالک محروسه ایران همیشه و جهتی همت ملوکانه و محل توجه خاطر مهر مظاهر اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه بوده و هست و بهترین زینتها برای شخص با غیرت وطن پرست خدمت بولینعمت و دولت متبوع خود میباشد و بیکاری و عدم شغل و ماموریت غالبا سبب اختلال حواس و خیال است علاوه براین ممکن است بسیاری از مردمان قابل کاردان کافی که دولت و ملت میتوانند منافع کلی از وجود آنها حاصل نماید بعلت بیکاری و مرجع خدمت نشدن عاطل و باطل بمانند و از شخص آنها برای وطن هیچ اثری بظهور نرسد بنا براین رای صواب نمای مقدس شاهانه چنین اقتضا فرمود که برای قاطبه اهالی شغل و خدمتی معین کرده تا بعدها شخص بیکار دیگر دیده نشود و احدی از دایره این حکم محکم خارج نباشد مگر آنها که دولت محض احترام شرع مبین ایشان را موظف داشته یا اشخاصیکه بمناسبت حال آنها از لشکر دعاگو قرار داده و اجرا میدهد از این دو صنف گذشته جمیع طبقات اعم از شاهزادگان و امیرزاده ها یا خوانین و اولاد ارباب قلم و غیرهم هر کس در سال زیاده از پنجاه تومان باسم مواجب و مستمری و وظیفه از خزانه دولت میگیرد در صورت صحت بدن و سلامت مزاج باید بشغل و کار بماند و چون این مقصد اعلی باید بحسن کفایت شخصی اصیل و نجیب که از معتمدان درگاه و اعاظم رجال دولت ابد آیت باشد قرین حصول گردد ریاست این جمع و رسیدگی بکار آنها را بر عهده مراقبت جناب عضد الملک خوانسالار خازن مهر مهر آثار ایلخانی ایل جلیل قاجار موکول و مفوض فرمودند تا بر طبق مکنونات خاطر خطیر همایون امثال را بیقدر را بکار نماید و دستخط آفتاب نمط مبارک در رجوع این خدمت بزرگ بجناب معظم له شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

عضد الملک اگرچه پیشتر هم مقرر شده بود و در دستور العمل کلیه دولت مضبوط و مقید است لکن بسبب اینکه مخصوصا بعهده احدی از رجال دولت واگذار نشد اجرای این قانون بتاخیر ماند امروز بعهده شما مقرر میشود که چون مواجب و مرسوم دیوانی باید بازاء خدمتی و در مقابل رسم و سمتی باشد در دفتر لشکر و کشور و وظایف باید رجوع

کرده اولاً مردم صاحب مواجب از شاهزادگان و قاجار باید لزوماً در سلک آقایان قاجار داخل و اسامی آنها
به ثبت و ربط آقایان آمده حاضر خدمت باشند و آنها که بعد و کبر سن از حاضر شدن رکاب متقاعد شوند
از کسان خود عوض بفرستند و بلا استثناء مواجب دیوانی را بشرط خدمت بگیرند آنچه هم که خارج از این سلسله هستند
و از پنجاه تومان و مازاد مواجب و مستمری دارند و از سلک اهل علم و لشکری خارج هستند باید داخل نوکر سواره
معدود شده ابواجمع آنجا که باشند و اگر کسی ناقص الخلقه و از قدرت خدمت افتاده است معین و در حکم
وظیفه خوار محسوب میشود
مقرر آنکه اینجا کرده و نخواهد خود را باجرا و انجام این کار متحمل و مامور دانسته زودی از دفاتر دولتی ثبت صحیح
بگیرد و علیحده این قاعده را بحکم عام جاری نماید و آنچه از مردم صاحب مواجب و مستمری بیکار بشرح متن معین
شد سوار و پیاده کرده سپرده بخود داشند شهر ربیع الاول لوی ئیل ۱۲۹۹
جناب [illegible] خان وزیر مختار دولت علیه مقیم روسیه که موقتاً بدربار معدلت مدار همایون احضار شده بود در این ایام
بدار الخلافه باهره وارد گردیده مقرر است که پس از چندی بمحل ماموریت خود معاودت کند نواب اشرف والا
ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی که
موقتاً بحضور مبارک احضار شده بودند روز دهم اینماه وارد دار الخلافه گردیدند جناب علاء الدوله وزیر
دربار اعظم و سر کشیکچی باشی را بالقب امیر نظامی و اختیارات تامه در کمال استقلال با اجزاء لازمه مرکب از نوکرهای
کاردیده کافی مامور آذربایجان فرمودند که معجلاً باین مملکت رفته مشغول انتظام امور گردد

وقایع ماه ربیع الثانی تا روز نوزدهم که ختم السنه میباشد

نواب والا عباس میرزا ملک آرا بحکومت قزوین و مضافات برقرار و منصوب گردیدند امیرزاده محمد میرزا ولد نواب
معظم له باعطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد نواب اللهقلی میرزای ایلخانی بحکومت ولایات خمسه برقرار گردیدند
چون میرزا رضای صدیق الدوله وزیر دار الخلافه بهمراهی امیر نظام مامور آذربایجان شد خالصجات طهران که
اعظم املاک دولتی است بمیرزا محمد باقر پسر صدیق الدوله سپرده شد که بنیابت صدیق الدوله متصدی امر خالصجات
مزبوره باشد و داد و ستد مالیاتی و اربابی و سایر مستغلات طهران و بلوکات متعلقه آن بر عهده محمد ابراهیم خان که
از مجربین و پیر مردان دربخانه نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه حکمران دار الخلافه و غیرها ادام الله اقباله
العالی میباشد موکول شد روز دهم اینماه تلگرامی از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول رسید که مضمون
آن حاوی تشیید مبانی دولتین اسلامیتین بود و بموجب این تلگرام اعلیحضرت سلطان عبد الحمید خان اطمینان
داده بودند که دیگر شیخ عبید الله و اکراد طاغی جسارت نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود در دولت عثمانی
باتفاق دولت ایران فراهم خواهند آورد دو روز باختتام اینسال مانده نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم
ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان و مضافات ادام الله اقباله العالی که بدربار معدلت مدار همایون
احضار شده بودند بدار الخلافه باهره ورود فرمودند

وقایع و سوانح معظمه که در ظرف مدت این یکسال یعنی از بیست و یکم ماه مارس ۱۸۸۰ مسیحی الی بیست و یکم ماه مارس ۱۸۸۱ در تمام کره ارض و اقطار عالم واقع و سانح شده است

بقیهٔ ماه مارس (از هشتم ربیع الثانی الی نوزدهم)

فرانسه مجلس وکلاء قانون جدیدی از برای قشون ایجاد کرده و جرکهٔ اتمامار ژرا منظم میکنند انتشار حکم رئیس جمهوری در اخراج نمودن سلسلهٔ ژزوئیت که یکی از شعب مذهب کاتولیکی میباشد از مملکت فرانسه

انکلیس ژنرال رُبرت که در افغانستان بود کاغذی از موسی خان و سایر امرای افغان که در غزنین جمع شده بودند باو رسیده در این کاغذ خوانین مشار الیهم تبعیت خودشان را بدولت انکلیس اظهار و آشکار میکنند بسته شدن مجلس پارلمنت انکلیس با یك خطبه از اعلیحضرت پادشاه انکلستان و امپراطریس هندوستان مسافرت اعلیحضرت معظم لها بسمت المان جنکهای سخت متوالی افاغنه با قشون انکلیس در افغانستان مقاتله های شدید و یورشهای بسیار سخت مابین شهر کابل و کندهك ورود عبد الرحمن خان از افغانستان بترکستان

روس کاغذیکه از طرف اعلیحضرت امپراطور المان باعلیحضرت امپراطور روس رسیده بود و مضامین آن مشعر بر دوستی و مودت مابین دولتین المان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار مییابد

ماه آوریل (از بیستم ربیع الثانی الی بیست و یکم جمادی الاولی)

ینکی دنیای جنوبی سفاین جنکی شیلی بندر کالائو را بضرب توپ منهدم مینمایند جنك تاکنا فتح قشون شیلی و غلبهٔ این قشون بر عساکر متفقهٔ پرو و بلیوی

انکلیس انتخاب وکلاء تازه برای مجلس پارلمنت مساعد پلیتیك و زرای ویك و کلادستون میباشد اجزای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل و نه نفر هو خواه وزرای ویك بودو بیست و سی و پنج نفر هواخواه وزرای توری و شصت و سه نفر اولندی تغییر وزراء در انکلیس و صدارت کلادستون قشون ابو اجمی ژنرال استوارد در حوالی غزنین به سه هزار نفر سوارهٔ افغان برخورده و جنك سختی فیما بین فئتین واقع میشود

روس ژنرال لریس ملیکف از اعاظم وزرای این مملکت که زندکانی او بدست طایفهٔ نیهلیست در معرض تلف و خطر بود بدون صدمه نجات یافت

سوِد و نُرو ژ پارلمنت این مملکت خدمت نظامی را برای تمام افراد و آحاد رعیت این دولت تا سن چهل سالکی حتم و واجب میداند استعفای وزرای این مملکت نُرُد نسکژلد از علما راه وصول بحوالی قطب شمالی را از نقطهٔ شمال غربی مفتوح میسازد

بلغارستان افتتاح مجلس پارلمنت این ایالت

ماه مه (از بیست و دویم جمادی الاولی الی بیست و یکم جمادی الاخری)

برزیل (ینکی دنیای جنوبی) افتتاح مجلس پارلمنت این مملکت با خطبهٔ مفصل اعلیحضرت امپراطور و ایجاد قانون آزادی انتخاب وکلاء

المان اختتام مجلس پارلمنت

فرانسه بخشیدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون که محبوس بودند

ایطالیا عزل وکلای مشتعلم اعلیحضرت امپراطور پادشاه ایطالیا و نصب وکلای جدید

ماه ژوئن (از بیست و دویم جمادی الاخره الی بیست و یکم رجب)

ینکی دنیای جنوبی قشون شیلی شهر آریکا را فتح نموده نیرو فرنسوئنش در ژنبزه

بلژیک افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر بروکسل بواسطه کدورتیکه مابین دولت بلژیک و پاپ روداد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربار پاپ احضار نمود

فرانسه شروع در بیرون کردن طایفه ژزوئیت ملحق شدن جزائر تاهیتی بمملکت فرانسه

انکلیس دولت در مجلس پارلمنت اظهار میکند که احکام سخت برای فرمانفرمای هندوستان صادر شده است که عساکر انکلیس را از افغانستان احضار کند

روس فوت امپراطریس این مملکت

ماه ژوئیه (از بیست و دویم رجب الی بیست و دویم شعبان)

روس عساکر چینی خوقند را فتح نموده اند شروع بساختن راه آهن از تفلیس ببادکوبه پیشرفتن ژنرال اسکبلف بسمت کوک تپه

انکلیس تخلیه نمودن قشون انکلیس کابل را و شناختن دولت انکلیس عبدالرحمن خان را بسمت امیری افغانستان عبور کردن ایوبخان از رود هیرمند و حرکت کردن او بسمت قندهار قشون انکلیس بسرداری ژنرال بوروکرد قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیة السیف آنها بارک قندهار پناه بردند قشون ایوبخان که این شکست سخت را بعساکر انکلیس مقیم در قندهار داده مرکب بود از دوازده هزار مرد و بیست و شش عراده توپ زلزله سخت در منیل که جمع کثیری را مقتول و مجروح کرد و بیوتات زیاد را منهدم نمود ابتدای شورش در باسوتولاند در افریقای جنوبی بر ضد دولت انکلیس

عثمانی دولت عثمانی مصالحه قرار داد که بندر دولسینیو را به منتنگرو واگذار کند حسین حسنی پاشا بجای عثمان پاشای غازی وزیر جنگ میشود مصلحت گذار منتنگرو مقیم اسلامبول بطور قهر از اینشهر خارج میشود زلزله سخت در ازمیر

یونان اعلیحضرت پادشاه یونان سفری بفرنک مینماید

چین مراوده پلیتیکی مابین این دولت و دولت روس نزدیک بانقطاع است

ماه اوت (از بیست و سیم شعبان الی بیست و چهارم رمضان)

ینکی دنیا دکتر تانر نام که شرط کرده و نذر بسته بود مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه اوت وعده او منقضی شد وجهی که بند بسته بود برد

انکلیس ژنرال رابرت سردار کل قشون دولت انکلیس در افغانستان با ده هزار مرد زبده بکمک قشون انکلیس که در قندهار محصور بودند حرکت نمود مسلمانهای هندوستان در صدد شورش بر ضد دولت انکلیس میباشند اهالی ارلند نیز بر ضد دولت مشارالیها علم شورش افراختند فوت لرد ردکلیف از معارف محاصره نمودن ایوبخان قندهار را و ورود ژنرال رابرت بقندهار عقب نشستن ایوبخان از حوالی قندهار و ارغنداب

روس ژنرال لوریس ملیکف وزیر داخله میشود اعلیحضرت پادشاه و ملکه یونان وارد پطرزبورغ میکردند

المان ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان با اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر ایشل

اطریش طغیان آب رودخانه دانوب که ضرر کلی بزراعت رسانید جشن سال پنجاهم تولد اعلیحضرت امپراطور

عثمانی از طرف اعلیحضرت سلطان حکم ماموریت بوزیر جنگ صادر شده که معجلا برد ولسینیو رفته و این شهر را تسلیم منتنگرو نماید دول فرنگ دولت عثمانی را تهدید میکنند که اگر دولسینیو را معجلا بمنتنگرو واگذار نکند با سفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد سفیر کبیر دولت المان که اقدم بر سایر سفراء است از طرف تمام دول فرنگ بباب عالی اظهار داشته و وعده را که در کنگره برلن در رضیه یونان داده بود بخاطر دولت مشار الیها آورد اهالی البانی با دولت عثمانیه در منازعه هستند که چرا دولسینیو را بمنتنگرو واگذار مینماید

هلاند تولد یک دختری از پادشاه یونان مسماة بو پل هلمینا

افلاق بغدان مسافرت والی افلاق بغدان و زوجه ایشان باطریش بشهر ایشل و ملاقات کردن با اعلیحضرت امپراطور و اعلیحضرت امپراطریس اطریش

افغانستان شورش مابین عساکر عبدالرحمن خان

ماه سپتامبر (از بیست و پنجم رمضان الی بیست و چهارم شوال)

انکلیس شکست ایوب‌خان از ژنرال رابرت جنک باستن با عساکر انکلیس و شکست با ستنها

المان وزارت تجارت علاوه بر سایر مشاغل پرنس بزمارک کردید

فرانسه مسیو بارطلمی سنت هیلر بوزارت خارجه برقرار میشود

اسپانیول یکی از پلها یکه در رود والب بود در موقع حرکت قشون از روی این پل شکسته و صد نفر غرق میشوند تولد دختری از اعلیحضرت پادشاه که مادام برسیده میکرد دو ولایت عهد او راست

عثمانی تغییر وزراء صدارت سعید پاشا وزارت خارجه عاصم پاشا سفاین جنگی دول فرنک در بندر راکوزه ازبرای تهدید عثمانی جمع میشود

افلاق بغدان پرنس شارل آنتوان پسر لئوپولد هوهن زلرن که برادر زادهٔ والی حالیه است بواسطهٔ نداشتن اولاد از طرف عم خود بولایت عهد افلاق بغدان منصوب میشود

افغانستان شورش سخت در هرات قتل حاکم هرات ایوب‌خان که در زمین داور بود خود را بعجله بهرات رسانید ینکی دنیا کفتکوی مصالحه مابین پرو و شیلی

ماه اکتبر (از بیست و پنجم شوال الی بیست و پنجم ذیقعده)

استرالی افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر ملبورن

ینکی دنیا شیلی و پرو و بتول میانجیکری انازونی را میکنند

روس تحقیق و رسیدکی باعمال طایفهٔ نهلیست که در زیر عمارت مخصوص اعلیحضرت امپراطور نقب کنده و آتش زده بودند و جمعی مقتول و مجروح شده جدا میشود نیز نقبی در راه آهن که محل عبور کالسکه اعلیحضرت امپراطور بوده منکشف میکردد

ایطالیا کوه آتش‌فشان وزوو با نهایت شدت آتش‌فشانی میکند

ماه نوامبر (از بیست و ششم ذیقعده الی بیست و ششم ذیحجه)

انکلیس اخبار یکه از راس امید میرسد دلیل بر ضعف حال قشون انکلیس است تمام طوایف بابور‌ها بر ضد وی
انکلیس اتفاق نموده‌اند شورش ارلند بها روز بروز در تزاید است
اطریش در وینه و در آکرام بروز زلزله شده خسارت زیادی بمردم میرساند
عثمانی تسلیم نمودن دولت عثمانی دلسینو را بوالی منتنگرو
ینکی دنیا در حوالی لیما جنک سختی مابین شیلی و پرو میدهد و قریب پنجاه هزار نفر در این جنک از طرفین
مشغول مقاتله میباشند

ماه دسامبر (از بیست هفتم ذیحجه الی بیست هشتم محرم)

روس اعلیحضرت امپراطور پرنس دلغوروکی را متعهد مینماید صادر عمرسخت فیما بین اهالی پلیس و طلاب مدارس در
مسکو انکشاف نقب در راه آهن بجهة قتل اعلیحضرت امپراطور روس
انکلیس شکست عساکر انکلیس در باسلس از طایفه بور فرستادن کمک از انکلیس بجهة منقاد نمودن بورها
فرانسه فوت زوجه مسیو طیر فوت بلانکی جمهوری طلب مشهور
اسپانیول در مالاکا طغیان آبها خسارت و خرابی زیاد وارد آورد

ماه ژانویه ۱۸۸۱ (از بیست و نهم محرم الی سلخ صفر)

ایطالیا اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و ملکه بجزایر سیسیل سفر مینمایند در سیسیل از طرف بیلک تونس
جمعی از اعیان تونس بجهة تبریک ورود اعلیحضرت پادشاه ایطالیا می‌آیند
روس انعقاد مصالحه مابین روس و چین فتح کوک تپه بدست ژنرال اسکبلف سردار روس در بیست
و چهارم اینماه
عثمانی دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنک را در مسئله خود و یونان مینماید عثمان پاشای غازی
بوزارت جنک برقرار میشود
ینکی دنیا فتح کردن قشون شیلی لیما پای تخت پرو را

ماه فوریه (از غره ربیع الاول الی بیست و هشتم)

انکلیس وکلای ارلندی از مجلس پارلمنت اخراج میشوند شکست عساکر انکلیس در حوالی راس امید از
طایفه بور قتل ژنرال کولی سردار انکلیس بدست طایفه بور
اطریش مسافرت نواب ولیعهد اطریش بشرق زمین
المان مزاوجت پسر نواب ولیعهد امپراطور المان با یکی از شاهزادخانمهای اشلسویک هلستن
مصر شورش قشون مصری بر ضد خدیو و عزل وزیر جنک

ماه مارس (از بیست نهم ربیع الاول الی نوزدهم ربیع الثانی)

ینکی دنیا (اتازونی) مسیو کارفیلد برياست جمهوری اتازونی برقرار شد
انکلیس ماموریت ژنرال دبرت از انکلیس براس امید با قشون زیاد بجهة تدمیر طایفه بور
ایطالیا زلزله شدید در شهر ناپل و خرابی و خسارت زیاد
روس کشته شدن اعلیحضرت امپراطور روس الکساندر دویم بدست نهلیستها در پطرزبورغ در سیزدهم
اینماه

ابناء و جلوس اعلیحضرت الکساندر سیم ولیعهد بامپراطوری تمام مملکت روس
دانمارک فوت ملکه مادر اعلیحضرت پادشاه
فرانسه فوت درون ولوئیس
عثمانی بروز طاعون یا مرضی شبیه بطاعون در عراق عرب اجتماع سفرای کبار در اسلامبول برای دفع منازعه
مابین عثمانی و یونان

بعون الله
جلد پنجم مرآت البلدان اگرچه نهایت متمم مجلدات
[illegible] ممالک [illegible]
[illegible] المآثر [illegible]
بعهده تعویق ماند و در عوض تاریخ مرتب و منظم
از سنه اول هجرت نبوی صلوات الله علیه و آله
الی هذه السنه [illegible] طبع
در آمد و از ابتدا [illegible]
[illegible] عمیق و منظور اصلی
از تألیف مرآت البلدان [illegible]
[illegible] مطلب و نخبه و دقت کامل
در تطبیق [illegible] اروپ [illegible]
بعضی وقایع و حوادث [illegible]
[illegible] بایستی [illegible]
وقت ما در تصحیح آن [illegible]
هم [illegible]

[illegible]

بحمدالله تعالی
تمام شد کتاب مستطاب منتظم ناصری
با ملحقات آن در شب سه شنبه بیست و ششم شهر جمادی الاولی
سنه هزار و دویست و نود و هشت هجری بید غریق بحر گنه و معاصی و آرزومند
بخشش و الطاف سبحانی ابن مرحوم میرزا سید محمد رضا احمد
الطباطبائی الاردستانی
الاصفهانی

تقویم هذا السنة میمونه ایلان ئیل ترکی مطابق هزار و دو صد و نود و هشت هجری

ایام	عربی ایام	جلالی ایام	رومی ایام	ربیع الثانی	نصف النهار	بین الطلوعین
دوشنبه نوروز	۲۰	۱	۲۱	فروردین ماه جلالی نوروز سلطانی		
سه شنبه	۲۱	۲	۲۲		۲	
چهارشنبه	۲۲	۳	۲۳		۳	
پنجشنبه	۲۳	۴	۲۴	استقامت عطارد	۴	
جمعه	۲۴	۵	۲۵		۵	۲۲
شنبه	۲۵	۶	۲۶	آمدن پرستو	۷	
یکشنبه	۲۶	۷	۲۷		۸	
دوشنبه	۲۷	۸	۲۸	حرکت حشرات الارض	۹	۲۴
سه شنبه	۲۸	۹	۲۹		۱۰	
چهارشنبه	۲۹	۱۰	۳۰		۱۱	
پنجشنبه	۳۰	۱۱	۳۱	هبوط عطارد	۱۲	۲۶

ایام	عربی ایام	جلالی ایام	رومی ایام	جمادی الاولی	نصف النهار	بین الطلوعین
جمعه	غره	۱۲	۱	اول ماه کرگوش	۱۳	۳۱
شنبه	۲	۱۳	۲		۱۴	
یکشنبه	۳	۱۴	۳		۱۵	۳۱
دوشنبه	۴	۱۵	۴	فریاد عندلیب	۱۷	۲۹
سه شنبه	۵	۱۶	۵		۱۸	
چهارشنبه	۶	۱۷	۶		۱۹	۲۹
پنجشنبه	۷	۱۸	۷	اول شرف شمس شب جمعه	۲۰	۳۰
جمعه	۸	۱۹	۸		۲۱	
شنبه	۹	۲۰	۹		۲۲	
یکشنبه	۱۰	۲۱	۱۰		۲۳	۳۰
دوشنبه	۱۱	۲۲	۱۱	تحویل زحل بثور	۲۴	۳۱
سه شنبه	۱۲	۲۳	۱۲		۲۵	
چهارشنبه	۱۳	۲۴	۱۳	نیسان ماه رومی ابریل ماه قیصری	۲۶	۳۱
پنجشنبه	۱۴	۲۵	۱۴		۲۷	
جمعه	۱۵	۲۶	۱۵	ولادت سید سجاد ع	۲۸	۳۱
شنبه	۱۶	۲۷	۱۶		۲۹	۳۲
یکشنبه	۱۷	۲۸	۱۷	خمسه قدیم	۳۱	
دوشنبه	۱۸	۲۹	۱۸		۳۲	
سه شنبه	۱۹	۳۰	۱۹		۳۳	۳۳
چهارشنبه	۲۰	۱	۲۰	اردیبهشت ماه جلالی اول ثور	۳۴	۳۳
پنجشنبه	۲۱	۲	۲۱		۳۵	
جمعه	۲۲	۳	۲۲	اذر ماه قدیم	۳۶	
شنبه	۲۳	۴	۲۳		۳۷	۳۳
یکشنبه	۲۴	۵	۲۴	کاز بهری	۳۸	۳۴
دوشنبه	۲۵	۶	۲۵		۳۹	
سه شنبه	۲۶	۷	۲۶		۴۰	
چهارشنبه	۲۷	۸	۲۷		۴۱	۳۵
پنجشنبه	۲۸	۹	۲۸		۴۲	
جمعه	۲۹	۱۰	۲۹		۴۳	۳۵

ایام	عربی ایام	جلالی ایام	رومی ایام	جمادی الآخری	نصف النهار	بین الطلوعین
شنبه	غره	۱۱	۳۰		۴۳	۲۵
یکشنبه	۲	۱۲	۱	مه ماه فرانسه	۴۵	۵۴
دوشنبه	۳	۱۳	۲	وفات سیدة نساء بقولی	۴۶	
سه شنبه	۴	۱۴	۳		۴۷	
چهارشنبه	۵	۱۵	۴		۴۷	۳۴
پنجشنبه	۶	۱۶	۵		۴۸	۳۴
جمعه	۷	۱۷	۶		۴۹	
شنبه	۸	۱۸	۷	میلاد یوحنا	۴۹	۳۴
یکشنبه	۹	۱۹	۸		۵۰	۳۶
دوشنبه	۱۰	۲۰	۹		۵۱	
سه شنبه	۱۱	۲۱	۱۰		۵۲	
چهارشنبه	۱۲	۲۲	۱۱	آخر ایام مطر	۵۳	۳۹
پنجشنبه	۱۳	۲۳	۱۲		۵۴	
جمعه	۱۴	۲۴	۱۳	ایار ماه رومی مای ماه قیصری	۵۵	۴۰
شنبه	۱۵	۲۵	۱۴		۵۵	۴۰
یکشنبه	۱۶	۲۶	۱۵		۵۶	۴۱
دوشنبه	۱۷	۲۷	۱۶	ظهور زحل در مشرق	۵۷	۴۳
سه شنبه	۱۸	۲۸	۱۷		۵۸	
چهارشنبه	۱۹	۲۹	۱۸		۵۸	
پنجشنبه	۲۰	۳۰	۱۹	ولادت حضرت زهرا	۵۹	۴۴
جمعه	۲۱	۱	۲۰	خرداد ماه جلالی		۴۴
شنبه	۲۲	۲	۲۱	اول جوزا	۱	۴۴
یکشنبه	۲۳	۳	۲۲	دی ماه قدیم	۲	۴۴
دوشنبه	۲۴	۴	۲۳		۳	۴۴
سه شنبه	۲۵	۵	۲۴		۳	
چهارشنبه	۲۶	۶	۲۵		۳	
پنجشنبه	۲۷	۷	۲۶	آغاز گرما	۳	۴۵
جمعه	۲۸	۸	۲۷		۵	
شنبه	۲۹	۹	۲۸		۵	۴۵
یکشنبه	۳۰	۱۰	۲۹		۴	۴۴

ایام	ایام عربی	ایام جلالی	ایام رومی	رجب المرجب	نصف النهار	بین الطلوعین
دوشنبه	غره	١١	٣٠	اول ریاح بوارح	[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	٢	١٢	٣١		٧	
چهارشنبه	٣	١٣	١	ژون ماه فرانسه	٧	٤٢
پنجشنبه	٤	١٤	٢		٨	
جمعه	٥	١٥	٣	تحویل عطارد به سرطان	٨	
شنبه	٦	١٦	٤		٨	
یکشنبه	٧	١٧	٥		٩	٤٩
دوشنبه	٨	١٨	٦		٩	
سه‌شنبه	٩	١٩	٧		٩	
چهارشنبه	١٠	٢٠	٨	وفات امام محمد تقی	١٠	
پنجشنبه	١١	٢١	٩	طلوع ثریا	١٠	
جمعه	١٢	٢٢	١٠		١٠	٤٩
شنبه	١٣	٢٣	١١	ایام البیض	١١	
یکشنبه	١٤	٢٤	١٢		١١	
دوشنبه	١٥	٢٥	١٣	حزیران ماه رومی یون ماه قیصری	١١	٤٩
سه‌شنبه	١٦	٢٦	١٤	وزیدن باد شمال	١١	٥٠
چهارشنبه	١٧	٢٧	١٥		١١	
پنجشنبه	١٨	٢٨	١٦		١٢	٥٠
جمعه	١٩	٢٩	١٧			٥١
شنبه	٢٠	٣٠	١٨		١٢	٥١
یکشنبه	٢١	١	١٩	تیرماه جلالی	١٢	٥٢
دوشنبه	٢٢	٢	٢٠	اول سرطان		
سه‌شنبه	٢٣	٣	٢١	جشنماه قدیم	١٢	
چهارشنبه	٢٤	٤	٢٢		١٢	٥٢
پنجشنبه	٢٥	٥	٢٣			
جمعه	٢٦	٦	٢٤		١٢	٥٢
شنبه	٢٧	٧	٢٥	یوم المبعث	١٢	
یکشنبه	٢٨	٨	٢٦		١١	
دوشنبه	٢٩	٩	٢٧		١١	٥٢

ایام	ایام عربی	ایام جلالی	ایام رومی	شعبان المعظم	نصف النهار	بین الطلوعین
سه‌شنبه	غره	١٠	٢٩		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	٢	١١	٣٠		١١	٥١
پنجشنبه	٣	١٢	٣١	ولادت امام حسین		
جمعه	٤	١٣	١	ژوییت ماه فرانسه		٥٠
شنبه	٥	١٤	٢		١١	
یکشنبه	٦	١٥	٣	میلاد یحیی		
دوشنبه	٧	١٦	٤			
سه‌شنبه	٨	١٧	٥		١٠	٥٠
چهارشنبه	٩	١٨	٦		٩	
پنجشنبه	١٠	١٩	٧	نقصان آب چشمه‌ها	٩	
جمعه	١١	٢٠	٨	آخر ریاح بوارح	٧	
شنبه	١٢	٢١	٩		٧	٥٠
یکشنبه	١٣	٢٢	١٠		٨	٤٩
دوشنبه	١٤	٢٣	١١		٧	٤٨
سه‌شنبه	١٥	٢٤	١٢	شب برات	٧	٤٨
چهارشنبه	١٦	٢٥	١٣	مولود حضرت قائم	٤	٤٧
پنجشنبه	١٧	٢٦	١٤	تموز ماه رومی یول ماه قیصری	٤	
جمعه	١٨	٢٧	١٥		٥	
شنبه	١٩	٢٨	١٦		٤	٤٦
یکشنبه	٢٠	٢٩	١٧	احتراق عطارد	٣	
دوشنبه	٢١	٣٠	١٨			٤٣
سه‌شنبه	٢٢	١	١٩	مرداد ماه جلالی	٣	٤٤
چهارشنبه	٢٣	٢	٢٠		٣	
پنجشنبه	٢٤	٣	٢١	اسفندارمذ ماه قدیم	٣	٤٥
جمعه	٢٥	٤	٢٢		١	
شنبه	٢٦	٥	٢٣	اول اسد	١	٤٣
یکشنبه	٢٧	٦	٢٤		[illegible]	٤٣
دوشنبه	٢٨	٧	٢٥		[illegible]	
سه‌شنبه	٢٩	٨	٢٦		٥٨	
چهارشنبه	٣٠	٩	٢٧	باد خنک وزد	٥٨	٤٣

ایام	ایام عربی	ایام جلالی	ایام رومی	رمضان المبارک	نصف النهار	بین الطلوعین	[illegible]
پنجشنبه	غره	١٠	٢٨	استقامت عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمعه	٢	١١	٢٩		٥٢		٢٠
شنبه	٣	١٢	٣٠		٥٥	٢٤	٢٢
یکشنبه	٤	١٣	٣١	اول چله کوچک تابستان	٥٥	٢١	٢٤
دوشنبه	٥	١٤	١	اوت ماه فرانسه	٥٤	٢١	٢٤
سه‌شنبه	٦	١٥	٢		٥٣	٢٠	٢٦
چهارشنبه	٧	١٦	٣		٥٣		٢٠
پنجشنبه	٨	١٧	٤	طلوع شعرای یمانی	٥١	٢٠	٢٨
جمعه	٩	١٨	٥		٥١	٢٩	٢٤
شنبه	١٠	١٩	٦		٥٠		٢٤
یکشنبه	١١	٢٠	٧	باد خنک آشکارا	٤٩		٢٦
دوشنبه	١٢	٢١	٨		٤٦	٢٦	٢٤
سه‌شنبه	١٣	٢٢	٩		٤٢	٢٢	٤٣
چهارشنبه	١٤	٢٣	١٠	ولادت امام حسن	٤٤		٢٥
پنجشنبه	١٥	٢٤	١١		٤٥	٢٤	٤٢
جمعه	١٦	٢٥	١٢		٤٣	٢٤	٥٠
شنبه	١٧	٢٦	١٣	آب ماه رومی اوگوست ماه قیصری	٤٣		٥٣
یکشنبه	١٨	٢٧	١٤		٤٣	٢٩	٥٥
دوشنبه	١٩	٢٨	١٥		٤١		٥٢
سه‌شنبه	٢٠	٢٩	١٦		٤١		٥٩
چهارشنبه	٢١	٣٠	١٧		٤٠	٢٤	[illegible]
پنجشنبه	٢٢	١	١٨	شهریور ماه جلالی	٣٩		٢
جمعه	٢٣	٢	١٩		٣٦		٤
شنبه	٢٤	٣	٢٠	فروردین ماه قدیم	٣٣	٢٣	٤
یکشنبه	٢٥	٤	٢١		٣٤		٩
دوشنبه	٢٦	٥	٢٢		٣٥		١١
سه‌شنبه	٢٧	٦	٢٣	اول سنبله	٣٤	٢٣	١٣
چهارشنبه	٢٨	٧	٢٤		٣٣		١٥
پنجشنبه	٢٩	٨	٢٥		٣٣	٢٣	١٢
جمعه	٣٠	٩	٢٦	طلوع طرفه	٣١	٢٢	٢٠

ایام اسبوع	ایام عربی	ایام ماه	ماه فرانسه	شوال المکرم	نصف النهار	بین الطلوعین
شنبه	غره	١٠	[illegible]	عید فطر	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	ب	١١	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	ج	١٢	[illegible]	ابانکاه	[illegible]	
سه‌شنبه	د	١٣	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	ه	١٤	[illegible]		[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	و	١٥	١	سپتمبر ماه فرانسه	[illegible]	
جمعه	ز	١٦	[illegible]		[illegible]	
شنبه	ح	١٧	[illegible]	شرف عطارد	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	ط	١٨	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	ی	١٩	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	یا	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	یب	[illegible]	[illegible]	امتزاج الفصلین	[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	یج	[illegible]	[illegible]	عید میلاد مریم	[illegible]	
جمعه	ید	[illegible]	٩		[illegible]	[illegible]
شنبه	یه	[illegible]	١٠		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	یو	[illegible]	١١		[illegible]	
دوشنبه	یز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	یح	[illegible]	[illegible]	ایلول ماه رومی سپتنابر ماه قیصری	[illegible]	
چهارشنبه	یط	[illegible]	[illegible]		١١	[illegible]
پنجشنبه	ک	[illegible]	[illegible]		٩	
جمعه	کا	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	کب	١	[illegible]	مهر ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	کج	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	کد	[illegible]	[illegible]	اخر خمسهٔ ثانیه	[illegible]	
سه‌شنبه	که	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	کو	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	کز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	کح	[illegible]	[illegible]	اول میزان	١	[illegible]
شنبه	کط	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	ل	٩	[illegible]		[illegible]	[illegible]

ایام اسبوع	ایام عربی	ایام ماه	ماه فرانسه	ذیقعده الحرام	نصف النهار	بین الطلوعین
دوشنبه	غره	١٠	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	ب	١١	[illegible]	تحویل زهره به سنبله	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	ج	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	د	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	ه	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	و	[illegible]	١	اکتبر ماه فرانسه	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	ز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	ح	[illegible]	[illegible]	طلوع صرفه	[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	ط	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	ی	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	یا	[illegible]	[illegible]	ولادت حضرت رضا ع	[illegible]	[illegible]
جمعه	یب	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	یج	[illegible]	[illegible]	جلبند دعای اصفهان	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	ید	[illegible]	٩		[illegible]	
دوشنبه	یه	[illegible]	١٠		[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	یو	[illegible]	١١		[illegible]	
چهارشنبه	یز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	یح	[illegible]	[illegible]	تشرین الاول ماه رومی اکتبر ماه قیصری	[illegible]	
جمعه	یط	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	ک	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	کا	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	کب	١	[illegible]	آبان ماه جلالی	[illegible]	
سه‌شنبه	کج	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	کد	[illegible]	[illegible]	خرداد ماه قدیم	[illegible]	
پنجشنبه	که	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	کو	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	کز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	کح	[illegible]	[illegible]	اول عقرب	[illegible]	
دوشنبه	کط	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]

ایام اسبوع	ایام عربی	ایام ماه	ماه فرانسه	ذیحجة الحرام	نصف النهار	بین الطلوعین
سه‌شنبه	غره	٩	[illegible]	اول ایام معلومات	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	ب	١٠	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	ج	١١	[illegible]		[illegible]	[illegible]
جمعه	د	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	ه	[illegible]	[illegible]	طلوع سماک	[illegible]	
یکشنبه	و	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	ز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	ح	[illegible]	١	نومبر ماه فرانسه	[illegible]	
چهارشنبه	ط	[illegible]	[illegible]	یوم العرفه	[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	ی	[illegible]	[illegible]	عید اضحی اخر ایام معلومات	[illegible]	[illegible]
جمعه	یا	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	یب	[illegible]	[illegible]	ایام معدودات	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	یج	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	ید	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	یه	[illegible]	[illegible]	ولادت امام علی النقی ع	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	یو	[illegible]	٩		[illegible]	
پنجشنبه	یز	[illegible]	١٠		١١	
جمعه	یح	[illegible]	١١		[illegible]	[illegible]
شنبه	یط	[illegible]	[illegible]		٩	
یکشنبه	ک	[illegible]	[illegible]	تشرین الآخر نویابر ماه قیصری	[illegible]	[illegible]
دوشنبه	کا	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	کب	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	کج	١	[illegible]	آذر ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	کد	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	که	[illegible]	[illegible]	تیر ماه قدیم	[illegible]	
شنبه	کو	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	کز	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	کح	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	کط	[illegible]	[illegible]	اول قوس	١	[illegible]

محرم الحرام	صفر المظفر	ربیع الاول	ربیع الثانی
غره سال عربی			احتراق زهره
طلوع زبانا	ولادت امام محمد باقر		
			ولادت امام حسن عسکری
		نفس دزده زمین	
	مولود شاهنشاه		
			سقوط جمره دوم
		وفات امام حسن عسکری	
دسامبر فرانسه			
عاشورا	ژانویه فرانسه		مارس ماه فرانسه
		اول عجوز کوچک	
	طلوع شوله	فوریه ماه فرانسه	
			آمدن لقلق
امتزاج الفصلین	لیلة الميلاد	نفس آشکارا	امتزاج الفصلین
طلوع اکلیل	شهادت امام رضا	ولادت حضرت صادق	
			اول برد العجوز
کانون الاول رومی دکابر قیصری			
	کانون الآخر رومی یانوار قیصری		اذار ماه رومی مارت ماه قیصری
دیماه جلالی	بهمن جلالی	شباط ماه رومی فورال ماه قیصری	
		اسفند جلالی	حشم جلالی آخر برد العجوز
مرداد ماه قدیم	شهریور ماه قدیم		
		مهرماه قدیم	آبان ماه قدیم
	اول دلو		
اول جدی مشتیه		سقوط جمره اول	

فهرست اسامی سلاطین قاجاریه انار الله برهانهم

السلطان	ولادت	جلوس	مدت سلطنت	رحلت	عمر	مدفن
فتحعلیخان	سنه ۱۰۹۷	سنه ۱۱۳۳	شش سال	سنه ۱۱۳۹	چهل و دو سال	در خواجه ربیع
محمد حسن شاه	سنه ۱۱۲۷	سنه ۱۱۶۴	هشت سال	سنه ۱۱۷۲	چهل و پنجسال	حضرت عبدالعظیم
حسینقلی شاه ملقب بجهانسوز شاه	سنه ۱۱۶۴	سنه ۱۱۸۴	هفت سال	سنه ۱۱۹۱	عمر بیست و هفت سال	استراباد
آقا محمد شاه مرحوم	سنه ۱۱۵۵	سنه ۱۱۹۳	هیجده سال	سنه ۱۲۱۱	عمر پنجاه و شش سال	نجف اشرف
فتحعلی شاه مبرور	سنه ۱۱۸۵	جلوس در طهران سنه ۱۲۱۲	سی و هشت سال و پنجماه	سنه ۱۲۵۰	عمر شصت و چهار سال و چهار ماه	در قم
نایب السلطنه عباس میرزای مرحوم	سنه ۱۲۰۳			در خراسان سنه ۱۲۴۹	عمر چهل و پنجسال و ششماه	مدفن در مشهد مقدس
محمد شاه طاب ثراه	سنه ۱۲۲۲	سنه ۱۲۵۰	چهارده سال و سه ماه	سنه ۱۲۶۴	عمر چهل و یکسال و یازده ماه	در قم

سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن
الخاقان **ناصر الدین شاه** صاحبقران بن محمد شاه بن
ولیعهد عباس میرزا ابن خاقان فتحعلی شاه بن حسینقلی شاه
بن سلطان محمد حسن شاه بن سلطان فتحعلیخان بن امیر شاه
قلیخان بن مهدیخان بن محمد قلیخان [محمد قلیخان بن] قاجار خلد الله تعالی
ملکه ودولته

تولد همایون

شب سه شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و دویست
و چهل و هفت من الهجرة المقدسة النبویه

جلوس همایون بتخت سلطنت

روز یکشنبه هیجدهم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و دویست
و شصت و چهار در دار السلطنه تبریز

جلوس مبارک بتختگاه سلطنت در دار الخلافه ناصری

در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست
و شصت و چهار که الحال سی و چهار سال تمام است که
بالاستقلال مع الشوکة والعظمة والاجلال سلطنت و
جهانبانی میفرمایند

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت ابد مدت
مظفر الدین میرزا ادام الله اقباله العالی
تولد روز جمعه چهاردهم شهر جمادی الثانیه سنه یکهزار و
دویست و شصت و نه من الهجرة المقدسه

نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه سلطان مسعود
میرزا ادام الله اقباله العالی
تولد یوم بیستم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و دویست و
شصت و شش من الهجره

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دولت علیه
کامران میرزا ادام الله اقباله العالی
تولد روز نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام سنه یکهزار و دویست
و هفتاد و دو من الهجره

بنات سلطنت

نواب علیه عالیه فخر الملوک تولد در سنه ۱۲۶۳
نواب علیه عالیه عصمة الدوله تولد در سنه ۱۲۷۲
نواب علیه عالیه افسر الدوله تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب علیه عالیه والیه تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب علیه عالیه ضیاء السلطنه تولد در سنه ۱۲۷۳
نواب علیه عالیه افتخار الدوله تولد در سنه ۱۲۷۳
نواب علیه عالیه تومان آقا تولد در سنه ۱۲۷۸
نواب علیه عالیه توران آقا تولد در سنه ۱۲۷۹

اخوان سلطنت

نواب والا عباس میرزا ملک آرا   نواب والا عز الدوله عبد
الصمد میرزا   نواب والا رکن الدوله محمد تقی میرزا

اخوات سلطنت

نواب علیه عالیه عزة الدوله   نواب علیه عزیز الدوله
نواب علیه عفت الدوله

اعمام سلطنت

نواب والا معز الدوله بهرام میرزا   نواب والا بهمن میرزا
نواب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا   نواب والا حاجی
حسام السلطنه سلطان مراد میرزا   نواب والا معین الدوله
احمد میرزا   نواب والا نصرة الدوله فیروز میرزا فرمانفرما

اولاد خاقان مغفور

نواب سلطان سلیم میرزا   نواب محمد امین میرزا
نواب عضد الدوله سلطان احمد میرزا   نواب محمد هادی
میرزا   نواب ماشاء الله میرزا   نواب جهانسوز میرزا
امیر تومان   نواب نیر الدوله پرویز میرزا

اولاد محمد علی میرزای مرحوم

نواب محمد رحیم میرزا   نواب حشمة السلطنه بدیع
الملک میرزا

امیرزادگان کرام و غیره

حاجی سیف

حاجی سیف الدوله میرزا ولد مرحوم ظل السلطان عمید
الدوله کیومرث میرزا ابو الفتح میرزا ولد حاجی حسام السلطنه
احتشام الدوله سلطان اویس میرزا ناصر الدوله سلطان
حمید میرزا حاجی ابو النصر میرزا ولد حاجی حسام السلطنه
محمد حسن میرزا پیشخدمت ولد مرحوم وزیر علوم محمد حسن
میرزا ولد مرحوم اسد الله میرزا اعتضاد الدوله محمد
مهدیخان احتشام السلطنه ابراهیم میرزا حاجی بهاء
الدوله ساسان میرزا حاجی حسین میرزا ولد مرحوم جهانگیر
میرزا حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم ایضا محمد علی میرزا
پسر خسرو میرزا اسمعیل میرزا اسحق میرزا عبد الله میرزا
مرتضی قلی میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد
میرزا ولد مرحوم ایضا کامران میرزا محمد باقر میرزا
داراب میرزا پسر مرحوم ضیاء الدوله حاجی سلیمان میرزا
عبد العلی میرزا نایب الایاله اکبر میرزا هوشنگ میرزای
ایلخانی انوشیروان میرزا حاجی محمد طاهر میرزا حاجی
فریدون میرزا مهدیقلی میرزا سهام الملک شعاع
السلطنه ذبیح الله میرزا شمس الشعراء سام میرزا سلطان
محمد میرزا جمشید میرزا ولد مرحوم بهمن میرزای بهاء الدوله
شاهزاده میرزا ولد مرحوم حاجی عباسقلی میرزا

خوانین و آقایان قاجار با ایلخانی گری جناب

عضد الملک خوانسالار و خان مهر مهر آثار

امرا و رؤسا

طایفه قوانلو

امیرزادگان وغیره که در جزو طایفه خوانین قاجار منظور اند
ادریس میرزا محمد شریف میرزا محمد صادق میرزا حبیب الله
میرزا احمد میرزا اکبر میرزا حاجی سیف الله میرزا
محمد رضیخان حیدرخان محمد تقیخان حسینخان
اکبرخان

بنی اعمام

محمد حسینخان رئیس غلام حسینخان حاجی شکر الله خان
محمد اسمعیل خان

حاجی مهدیقلیخانی

حسینقلیخان سرتیپ نجفقلیخان رئیس نجفقلیخان ولد
مرحوم حاجی محمد علیخان حیدرقلیخان قاضی علیخان محمد
قلیخان محمد ناصرخان

قزلایاغ

محمد حسینخان رئیس نور الله خان نصر الله خان رفیعخان غلام
حسینخان احمدخان محمد صادقخان

طایفه دولو

حاجی محمد حسینخان رئیس حاجی محمد تقیخان حاجی قلیخان
حاجی حسینخان محمد علیخان محمد صادقخان

طایفه عز الدینلو

آقاخان رئیس محمد جعفرخان محمد ولیخان محمد قاسمخان
حبیب الله خان محمد تقیخان جبلخان محمد رضاخان

طایفه شامبیاتی

حاجی محمد رحیمخان رئیس محمد حسینخان محمد قاسمخان اللهویردیخان
امامقلیخان محمد حسینخان اللهقلیخان باباخان آقا

طایفه سپانلو

حاجی مشهدی

محمد تقیخان رئیس محمد رحیمخان اسد الله خان
حسینقلیخان محمد طاهرخان میرزا باقرخان

شاه بوداغلو

محمودخان رئیس حاجی محمد تقیخان علی محمدخان احمدخان

طایفه قاجلو وغیره

محمد صادقخان قاجلو محمد رضاخان قاجلو محمد
قلیخان رئیس خزینه دارلو بهرامخان رئیس کهنه لو محمد
خان رئیس کرلو

سایر

یساولان

امیرخان یساول باشی سایر چهار نفر

سایر خوانین

دویست و سی و هشت نفر

دایرهٔ دولت

اسامی وزرای عظام مجلس شورای کبری و وکلای دولت جاوید آیت قاهره

اعضای شورای کبری

نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی
جناب امیر نظام علاء الدوله وزیر دربار اعظم کارگذار مملکت آذربایجان
جناب نظام الملک میرزا کاظمخان وزیر لشکر
جناب مخبر الدوله وزیر علوم

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام اقباله العالی
جناب عضد الملک خوانسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهرآثار همایون
جناب صاحب دیوان وزیر نظام کارگذار مملکت فارس
جناب نصیر الدوله وزیر تجارت

جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر مالیه
جناب وزیر دفتر استیفا آقا میرزا هدایت الله
جناب معاون الملک
جناب امین السلطان

جناب اجل مؤتمن الملک وزیر دول خارجه
جناب ناصر الملک مشیر حضور همایون
جناب امین لشکر
جناب حاجی خازن الملک

جناب امین الملک واسطهٔ عرایض و صدور احکام و مدیر مرتب مجلس محترم شورای کبری و مجلس وکلای دولت جاوید آیت

اسامی وکلای فخام دولت جاوید آیت قاهره

جناب امیر نظام علاء الدوله وزیر دربار اعظم کارگذار مملکت آذربایجان
جناب معاون الملک

جناب عضد الملک خوانسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهرآثار همایون
جناب مخبر الدوله وزیر علوم

جناب ناصر الملک مشیر حضور همایون
جناب نصیر الدوله

جناب صاحب دیوان وزیر نظام کارگذار مملکت فارس
جناب امین السلطان

جناب امین الملک مدیر و مرتب مجلس محترم شورای کبری و مجلس وکلای دولت قاهره

ادارات راجعه بنواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام اقباله العالی

ادارهٔ علماء اعلام و آقایان و سادات و محترمین اداره مهام شاهزادگان فخام و منتسبین خاندان سلطنت عظمی ذکوراً و اناثاً وزارت جنگ و وزارت تجارت حکومت دار الخلافه باهره طهران ایالت دار المرز گیلان ایالت دار المرز مازندران و استراباد و فیروزکوه و دماوند و ولایات قم و ملایر و تویسرکان و نهاوند و ساوه و زرند و شاهسون بغدادی و غیره

وزارت جلیلهٔ جنگ

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و رئیس کل قشون ظفر نمون از توپخانه و قورخانه و زنبورکخانه و افواج قاهره و سواره و پیاده نظام و خارج نظام
جناب نظام الملک وزیر لشکر امیر الامراء العظام اللهیارخان امیر تومان اجودانباشی کل

ارباب قلم دفتر لشکر

ملتزمین رکاب مبارک و غیره

لشکرنویسان

جناب میرزا قهرمان امین لشکر میرزا محمد تقی وکیل لشکر میرزا شفیع میرزا یوسف میرزا اسمعیل میرزا علی ولد مرحوم حکیمباشی میرزا علی ولد جناب وزیر دفتر میرزا زین العابدین میرزا علی میرزا محمد علی توپخانه میرزا رفیعخان میرزا اشرف میرزا عبد الحمید میرزا حبیب الله میرزا ابو القاسم میرزا عبد الله خان میرزا حبیب الله خان میرزا حسینعلی میرزا حسینعلی گروسی میرزا رضا میرزا محمد قلی میرزا علی اصغر میرزا عبد الحسین میرزا مهدی نوری حاجی میرزا اشرف میرزا حبیب الله نوری میرزا ابو القاسم میرزا اسد الله میرزا مهدی کجوری میرزا محمد علی میرزا زمان میرزا حسین مازندرانی میرزا حسین اصفهانی

سررشته داران دفتر لشکر و غیره

دفتر لشکر از بابت سررشته داران و محررین

میرزا ابو القاسم

اشرف مشیر الدوله
[..]نار اعظم ماسور
که به عهد باد دولت
مدرسه

میرزا ابوالقاسم میرزا محسن میرزا نبی میرزا حسین
میرزا سید محمد علی میرزا امامقلی میرزا آقا میرزا احمد
میرزا هادی میرزا اسمعیل کتابچه نویس میرزا محمد علی نوری
میرزا ابوتراب میرزا عبدالکریم میرزا علینقی میرزا بزرگ
میرزا عنایت میرزا طاهر میرزا سید باقر میرزا احسنخان
میرزا اسحق میرزا صادق میرزا امامویردی میرزا ابوالقاسم
میرزا هدایت طهرانی میرزا هدایت وزارت نویس میرزا حسین
میرزا عبدالحسین میرزا سید احمد میرزا محمد میرزا سید محمد علی
میرزا شفیع میرزا اسمعیل علی آبادی میرزا رجب ایضا
حاجی میرزا محمد میرزا سید یوسف حاجی میرزا کاظم
میرزا ابراهیم میرزا عبدالحسین

سررشته داران توپخانه و قورخانه

توپخانه و اصطبل

میرزا محمد علی علوی میرزا اسدالله میرزا علی اکبر سررشته دار
اصطبل میرزا نصرالله میرزا اسمعیل

قورخانه

میرزا ابوالفضل میرزا رضاقلی میرزا اسدالله میرزا آقا
میرزا حسن میرزا آقاجان میرزا اشرف

زنبورکخانه

از بابت میرزا هادی سررشته دار

مهاجر

از بابت میرزا لطفعلی سررشته دار

مخزن

از بابت میرزا سید حسن سررشته دار

منشیان

میرزا محمد خان منشی باشی مخصوص میرزا محمود خان منشی
میرزا کلبعلی میرزا مهدی میرزا ابوالحسن میرزا عبدالکریم
میرزا عبدالرحیم میرزا جان میرزا داود میرزا عبدالحسین میرزا
محمد علی منشی ترجمان صاحبدیوان میرزا محمود

عرب باشی و عرب دفتر لشکر

میرزا محمد علی عرب باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل میرزا
اسمعیل ایضا میرزا جعفر میرزا حسن میرزا علی اصغر
ایضا میرزا جعفر

مأمورین ولایات

آذربایجان

لشکرنویسان

میرزا محمود خان میرزا محمد تقی ایضا میرزا محمد تقی میرزا
غلامعلی ناظم لشکر میرزا سید مرتضی میرزا علی آشتیانی
حاجی میرزا کاظم خان میرزا علیرضا میرزا علی اشرف حاجی
میرزا محسن میرزا احمد میرزا محمد میرزا احمد آشتیانی

میرزا سید علی

سررشته داران

میرزا رحیم میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا قربانعلی
میرزا محمد میرزا ابراهیم ولد حاجی میرزا یوسف میرزا حسین
میرزا نقی میرزا اسکندر

منشیان

میرزا محمد خان میرزا سید رضا میرزا احمد میرزا اسمعیل

خراسان

ارض اقدس

میرزا سید محمد لشکرنویس باشی خراسان

سررشته داران دو نفر

میرزا یوسف سررشته دار میرزا رضا ایضا

فارس

میرزا لطفعلی خان لشکرنویس باشی فارس میرزا مصطفی
لشکرنویس

اصفهان

میرزا محمد علی لشکرنویس میرزا محمد سررشته دار

عربستان

میرزا رضا لشکرنویس

عراق

از بابت میرزا محمد تقی لشکرنویس

مازندران

از بابت میرزا آقا محسن لشکرنویس

استراباد

از بابت میرزا مقیم لشکر نویس

سمنان

از بابت میرزا احمد سررشته دار دفتر لشکر

کرمان

میرزا محمد علی لشکر نویس میرزا عبدالله سررشته دار

کرمانشاهان

از بابت میرزا سید علی لشکر نویس

همدان

از بابت میرزا محمد لشکر نویس

اطبا و جراحان نظام

عالیجناب میرزا سید رضی حکیمباشی عالیجناب میرزا سید محمد حکیمباشی توپخانه عالیجناب میرزا سید علی نایب حکیمباشی میرزا رضا قلی جراح باشی اطبا و جراحان حاضر رکاب مامور ولایات شصت و پنج نفر

صاحب منصبان

امراء تومان

نواب جهانسوز میرزا جناب ناصر الملک جناب وزیر فوج امیر الامراء العظام مصطفی خان امیر الامراء العظام سلیمان خان صاحب اختیار امیر الامراء العظام مصطفی قلیخان اعتماد السلطنه عمدة الامراء العظام میر علیخان حشمت الملک

سرتیپان اول

سوای آنها که جزو افواج و سواره نوشته شده اند احتشام الدوله انوشیروان میرزا وجیه الله میرزا حاجی بهاء الدوله حشمت السلطنه عبدالله میرزا حاجی مستشار الدوله شهاب الدوله اعتضاد الملک سهام الدوله نصر الملک عبدالحسینخان پسر مرحوم سردار صارم الدوله ساری اصلان جناب محمد خان والی خمسه جابر خان نصرة الملک مصطفی قلیخان جهان بیگلو علیخان مشیر الوزاره شجاع الملک میرزا یوسفخان منشی حسینقلیخان افشار برادر ساری اصلان جناب نریمانخان

وزیر مختار مقیم وینه عطاء الله خان

سرتیپان دویم

سوای آنها که جزو افواج و سواره نوشته شده اند عبدالعلی میرزا نایب الایاله عالمشاه میرزا حسین قلیخان والی پشتکوه جمشید خان حاجی آغا جوهر معتمد الحرم

سرتیپان سیم

سوای آنها که جزو افواج و سواره نوشته شده اند محمود میرزا ولد نواب والاهمن میرزا داراب میرزا سلیمان میرزا کامران میرزا مرتضی قلی میرزا نزال اجودان حضور همایون حسینقلیخان سرتیپ سابق خواجه وند مهدی قلیخان دنبلی حاجی هادیخان جهان بیگلو محمد علیخان نظمیه امامقلیخان ماکوئی ابوطالبخان علینقیخان سرتیپ خارج از فوج ایلات میرزا اکبر خان فیروزکوهی میرزا علیخان افشار علیخان کرد حیدر قلیخان هرانی عباسخان ایضا عباسقلیخان پشتکوهی رضا قلیخان عرب قاسمخان سرتیپ اعظم مهدیخان قاجار حاجی اسمعیل پاشاخان ماکوئی باقرخان افشار سیف الله خان لاریجانی میرزا نصر الله خان مهندس محمد نظرخان قاجار محمود خان کیلانی محمد میرزا

سرهنگان خارج از فوج

کلبعلیخان ولد مرحوم امین نظام عبدالعلیخان ولد مرحوم ایضا علی اکبر خان کنکرلو مرتضی قلیخان سمنانی نصرالله خان دماوندی آقاخان خلف مرحوم سلیمان خان امیر تومان میرزا سید علی اصغر عسکرخان شقاقی علیرضا خان خلف مرحوم صمصام الدوله محمد علیخان زند آقا سید میرزای کاشانی موسی خان نواده مستشار الدوله محمد تقیخان محمود خان سرهنگ سابق فوج حشمت نجفخان قزوینی باباخان کرجی میرزا آقای کاشانی حسینخان پسر اجودانباشی محمد حسینخان

ولد محمد خان

ولد محمد خان امیر تومان محمد علیخان ولد مرحوم
حاجی سعد الدوله علیخان ولد مرحوم نظام الدوله کلبعلی
خان نواده مرحوم نظام الدوله حاجی محمد حسنخان زند
آغا حسن خواجه آقا محمد خان غلامرضا خان ولد مرحوم
زین العابدین خان رحمة الله خان شقاقی محمود خان کوکری
علیقلیخان جوانشیر علیقلیخان شقاقی محسن خان ولد شیخعلی
خان آقا خان ماکوئی عبدالله خان شیروانی کاظمخان شقاقی
اسدالله خان ماکوئی آقا لرخان ولد قاسمخان سرتیپ
جعفر خان حاجی فضلعلیخان علینقیخان علی اکبر خان
برادر مشار الیه زین العابدین خان احمد خان جعفر
خان سرهنگ سابق فوج نخجوان ابو الحسن خان محمد خان
یزدی امان الله خان ولد ابراهیم آقای ماکوئی فرج الله
خان ایضا حسینقلیخان سرهنگ سابق فوج پنجم شقاقی
مهدیخان افشار مهدیخان سرهنگ سابق فوج ترشیزی
عبدالعلیخان حسنعلیخان هراتی حسنعلیخان ولد
مرحوم فضلعلیخان ابراهیمخان لاریجانی خانباباخان آذربایجانی
حسنخان افشار اسدآبادی رضاخان کودرزی پاشا
خان خمسه محمد حسینخان دوبرن علی شیخعلی خان
خمسه علینقیخان کوروسی غلامرضاخان مافی
علیقلیخان ولد مرحوم حاجی بهاء الملک حسینقلیخان ولد
ایضا مرتضی قلیخان ولد ایضا فتح الله خان قراکوزلو
فتحعلیخان درجزینی

نایبان اجودانباشی

جلال الدین میرزا مصطفی خان قاجار علیرضا میرزا
عزیزالله میرزا قزل ارسلان میرزا احمد میرزا خلف مرحوم
تیمور میرزا احمد میرزا خلف مرحوم کیقباد میرزا ارسلان میرزا
امیر اصلان میرزا سلطان مجید میرزا میرزا یزدیخان اسد
الله خان مصطفی قلیخان خلف مرحوم منوچهر خان نصیر خان
قزوینی میرزا علی اسدالله خان دنبلی حسینقلیخان
افشار میرزا مسعود خان ولد مرحوم سیف الملک
حسنخان افشار یوسفخان میرزا مسعود خان فیروزکوهی

حسینخان نوری عباس امان ولد مرحوم میرزا علی اکبرخان
غلامحسینخان رحمة الله خان نواده مرحوم سیف الملک
رستمخان کرجی سلطان احمد میرزا علی اکبرخان نواده
مرحوم فضلعلیخان تیمورخان هادیخان زرندی
حسینخان خلف مرحوم چارچی باشی میرزا عبدالله خان
نائینی کبنار میرزا یوسفخان محمد آقا مصطفی قلیخان
ولد مرحوم صمصام الدوله حسنخان ولد نصرالله خان
سرتیپ بنوریخانه محمد علیخان ولد امیر الامراء غلام
رضاخان یزدی جبرئیل خان قهرمانخان چنگیزخان
ولد مرحوم حاجی سعد الدوله سید حسنخان فیروزکوهی
سید حسینخان ایضا حسنخان ولد مرحوم علیقلیخان
حاجی علیخان ولد اکبرخان سرتیپ میرزا عیسیخان ولد
مرحوم عبدالرسولخان عبدالکریمخان خانبابا خان
خلف مرحوم حاجی سعد الدوله محمد حسینخان ولد مرحوم
محمدخان امیر تومان محمد صادقخان قراباغی بیوکخان
افشار مهدیخان ایضا محمد علیخان ولد هاشمخان
سیف الله خان ولد ایضا میرزا احمدخان ولد مرحوم
حاجی شجاع الملک نجفقلیخان عبدالعلیخان افشار
جلال الدین میرزا ولد مرحوم عماد الدوله اسکندر
خان رحمة الله خان حسینخان ولد شکرالله خان
علی بیک افشار مهدیقلی آقای دنبلی محمد علیخان ولد
عبدالرزاقخان سرتیپ ابو الفتح خان ولد حمید علیخان
محمود آقای مامور خراسان اسمعیل خان بسطامی مرتضی
قلیخان نکره رحمة الله خان برادر مرحوم دبیر الملک
مصطفی قلیخان قاجار محمد علیخان کرندی غلام
حسینخان ولد محمد علیخان سفری محمد مرادخان کروسی
قاسمخان ملایری صادقخان منسوب مرحوم وکیل الملک
تقیخان کرمانی جعفرقلیخان ولد مرحوم حاجی سعد
الدوله محمد حسینخان علیخان یار محمدخان میرزا
حسینخان ولد مرحوم میرزا زکی غلامحسین میرزا اسد
الله خان تفرشی حاجی حبیب الله خان کرمانشاهانی

حسین آقای افشار نزد جناب میر نظام حسین آقا ولد علی بیک افشار

یاوران خارج از فوج

عباسقلی بیک مرتضی قلیخان یوسفخان حسن رضاخان کرمانی اسکندرخان پسر جبرئیل خان قهرمان بیک احمد بیک ولد علی رضاخان حسین بیک ولد ایضا رضا قلیخان باعمیشه حسین بیک قراباغی حسین بیک مرندی حسینخان مرندی محسن بیک کرکری اسمعیل خان بادکوبه اسمعیل بیک علیخان مرندی عباسقلی آقا ولد مرحوم بهاء الدین آقا جعفرقلی بیک مرندی محمد یوسفخان هراتی عزیز محمد خان ایضا جعفرقلیخان هراتی محمد خان نصرالله خان قومی رجبخان گودرزی حسینقلیخان خمسه شکرالله خان ایضا عبدالغفارخان قزوینی اسمعیل خان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان عباسعلی بیک خلعم جعفر قلی بیک محمد باقر قراجه داغی اسمعیل خان

معلمین

معلمین ایرانی

عبدالحسین میرزا محمد آقای جدید الاسلام کریمخان میرزا عبدالوهاب علیخان قاجار محمد علیخان مصطفی بیک میرزا شکرالله میرزا محمد علی

معلمین فرنگی

مسیو بهلر سرتیپ اول اندری صاحب مسیو لمر موزیکانچی باشی مسیو اسشی مسیو انجله طبال باشی

مهندسین و مترجمین

مهندسین

ذوالفقارخان احمدخان قاجار محمد حسن میرزا حاجی محمد میرزا

مترجمین

عباسقلیخان سرتیپ مترجم میرزا محمد علی

توپخانهٔ مبارکه

سرتیپان

اللهویردیخان سرتیپ اول حاجی غلامرضاخان شهاب الملک حاجی غلامحسینخان سرتیپ دویم صفر علیخان سرتیپ بهارلو حاجی شکورخان سرتیپ فوج دویم تبریزی و اردبیلی تقیخان سرتیپ فوج پنجم خوئی جلیل خان سرتیپ فوج هفتم شقاقی میرزا فتح الله سرتیپ فوج هشتم خلجالی محمد صادقخان امین نظام سرتیپ فوج مخبران مقدم عبدالحسینخان سرتیپ اصلانخان سرتیپ

سرهنگان

حاجی محمدخان سرهنگ فوج بهادران بهارلو صادقخان سرهنگ فوج بهادران افشار عبدالرحیمخان سرهنگ فوج اول افشار نعمت الله خان سرهنگ فوج چهارم مرندی محمودخان سرهنگ فوج پنجم خوئی بیوکخان سرهنگ فوج مخبران مقدم میرزا شفیعخان سرهنگ فوج قزوینی حاجی باقرخان سرهنگ افشار بکشلو میرزا محمدخان سرهنگ کرمانشاهانی حسینقلیخان سرهنگ ایضا علیرضاخان سرهنگ فوج سیم گروسی مصطفی قلیخان رستمخان سرهنگ سیلاخوری

نایبان اجودانباشی

میرزا اسمعیل خان اجودانباشی توپخانه مبارکه احمدخان ایضا میرزا ابراهیم خان نایب دویم اجودانباشی میرزا محمد ایضا ولد ملک الاطبا میرزا نجاب الله ایضا

یاوران اول

محمد تقیخان بهارلو محمد صادقخان یاور فوج اول بهارلو خسروخان افشار حبیب الله خان ایضا اسدالله میرزا یاور فوج ارونقی حیدرقلیخان ارونقی محمد رضا بیک مرندی اللهویردی بیک لك پاشاخان خلجالی جلیل الله میرزای خمسه صادقخان قزوینی غلام حسین خان قزوینی عبدالباقیخان ایضا حسینخان نهاوندی مظفرخان گروسی فرج الله خان کرمانشاهانی ابوالقاسمخان تبریزی

یاوران دویم

قنبربیك بهادرلو میرزارحیمخان تبریزی میرزازین العابدینخان اردبیلی حسین بیك ارونقی سید ولی بیك مرندی حسین بیك خوئی صادق بیك ایضا بیوکخان شقاقی اسمعیلخان خمسه صادقخان مقدم کریم بیك مقدم شیخعلی بیك خمسه عبدالله بیك کروسی عباس میرزا بسطامی جهانشاه میرزای سیلاخوری ابوالفتح خان ایضا حاجی فرج بیك خرقانی محمد آقا ایضا میرزا رضاقلی جزو قراولان انبار حاجی میرزا فرج تبریزی جزو قراولان انبار نادر میرزا جزو قراولان انبار طاهرخان ایضا آقا بیك ارونقی جزو قراولان انبار حمیدخان خمسه جزو قراولان انبار

قورخانه مبارکه

عمدة الامراء العظام جهانگیرخان اجودانباشی سرتیپ اول ورئیس قورخانه مبارکه

سرهنگان

باقرخان سرهنگ میرزامحسن سرهنگ عبدالله خان سرهنگ حکیم سکیز حکیمباشی توپخانه وقورخانه

یاوران

بیست وشش نفر

زنبورکخانه

نصرالله خان سرتیپ عبدالحسینخان سرهنگ محمدعلی بیك یاور اول اسمعیلخان یاور دویم

موزیکانچیان

صاحبمنصبان

شکرالله خان سرهنگ موزیکانچی باشی محمدحسنخان سرهنگ نواده مرحوم خانباباخان سردار کل صفر علیخان یاور غلامحسین بیك یاور

دسته جات موزیکانچی

دسته

موزیکانچیان توپخانه

دسته

ارنکه ورود باری

دسته

لورانی وشهرستانکی

دسته

مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنه

دسته

موزیکانچیان زنبورکخانه

دسته

ساوه

دسته

سیلاخوری

افواج قاهره

تومان اول

فوج بهادران

شجاع السلطنه سرتیپ اول ابراهیمخان سرهنگ

فوج اول خاصه

حاجی حسام الدوله سرتیپ اول حاجی نقدعلیخان سرهنگ

فوج دویم خاصه

ابوابجمعی حاجی حسام الدوله بسرهنگی حاجی میرزا علیخان

فوج دویم نصرت

رحیمخان سرتیپ احمدخان سرهنگ

فوج مظفر مراغه

عبدالحسینخان سرتیپ فرخان سرهنگ

فوج چهارم تبریزی

آقاخان سرتیپ

فوج پنجم ایلات

ابوابجمعی حاجی حسام الدوله بسرهنگی رحیمعلی خان

فوج ششم اقبال

ابوابجمعی شجاع السلطنه بسرهنگی یوسفخان

فوج هفتم افشار

ابوابجمعی اقبال الدوله اردشیرخان سرتیپ خسروخان سرهنگ

فوج هشتم افشار

اقبال الدوله سرتیپ اول لطفعلیخان سرهنگ

فوج مخبران

بسرهنگی رضاخان

توپمان دویم

فوج بهادران خوئی

شیخعلیخان سرتیپ

فوج اول ایضا

ابوابجمعی تیمور پاشاخان بسرهنگی علیخان

فوج سیم مراغه

ابوابجمعی فتح الله خان سرتیپ

فوج نخجوان قاپو

بسرهنگی قلیخان

فوج پنجم شقاقی

بسرهنگی مرتضی قلی آقا

فوج ششم شقاقی

ابوابجمعی محمد باقرخان سرتیپ

فوج هفتم خلخالی

علیخان سرهنگ

فوج مخبران ماکوئی

بهلول پاشاخان سرتیپ محمد پاشاخان سرهنگ

توپمان سیم

فوج قهرمانیه

حسنعلیخان ژنرال آجودان علیخان سرهنگ

فوج امیریه

احمدخان سرهنگ

فوج اردبیل و مشکین

ابوابجمعی میرزا زکیخان سرتیپ

فوج هفتم شقاقی

ابوابجمعی حسنعلیخان ژنرال بسرهنگی محمد حسینخان

فوج گروس

ابوابجمعی جناب وزیر فواید بسرهنگی خسروخان

فوج جدید افشار

ابوابجمعی شجاع السلطنه بسرهنگی بیوکخان

فوج چهارم جدید مراغه

ابوابجمعی عبدالحسینخان بسرهنگی صادقخان

فوج ششم قراگوزلو

ابوابجمعی حاجی حسام الملک بسرهنگی فضل الله خان

فوج منصور قراگوزلو

حسام الملک سرتیپ اول علی اکبرخان سرهنگ

فوج مخبران

ابوابجمعی جناب ناصرالملک بسرهنگی مهدیخان

توپمان چهارم

فوج بهادران فراهان

ناصرالدوله سرتیپ اول محمد طاهرخان سرهنگ

فوج اول طهران

ابوابجمعی علی اکبرخان سرتیپ اول

فوج دویم خلج ساوه

سیف السلطنه سرتیپ اول دوست محمدخان سرهنگ

فوج سیلاخوری

ابوابجمعی نواب اشرف والا ظل السلطان

فوج هفتم سوادکوهی

ابوابجمعی جناب امین السلطان بسرتیپی صاحبجمع ولد اینسان

فوج مخبران گرازی

صمصام الملک سرتیپ اول حاجی ذوالفقارخان سرهنگ

توپمان پنجم

فوج بهادران حشمت

ابوابجمعی حاجی اسحقخان سرتیپ

فوج دویم ملایری

ابوابجمعی عسکرخان سرتیپ

فوج سیم لاریجانی

ابواجمعی میرزا علیخان سرتیپ

فوج چهارم مراغه

جمعی اکبرخان سرتیپ

فوج پنجم کلپایکان

ابواجمعی کاظمخان سرتیپ

فوج ششم قدیم خمسه

ابواجمعی مظفرالدوله

فوج هفتم جدید خمسه

ابواجمعی علی نقیخان سرتیپ

فوج مخبران بیات زرندی

جمعی محمد حسنخان سرهنگ

تومان ششم

فوج بهادران اخلاص افشار

ابواجمعی صاحب اختیار خانباباخان سرتیپ علیخان سرهنگ

فوج اول قدیم قزوین

نصرالملک سرتیپ اول هدایت الله خان سرهنگ

فوج دویم جدید ایضا

جمعی نصرالملک بسرهنگی مصطفی خان

فوج سیم افشار مکشلو

ابواجمعی اللهیارخان اجودانباشی بسرهنگی حاجی آقاخان

فوج چهارم فریدنی

بسرهنگی حاجی مصطفی قلیخان

فوج ششم چهارمحالی

بسرهنگی ابوالقاسمخان

فوج هفتم عرب و عجم

جان محمدخان سرتیپ عبدالعلیخان سرهنگ

فوج مخبران فیروزکوهی

ابواجمعی اسمعیل خان سرتیپ

تومان هفتم

فوج بهادران دماوندی

علی نقیخان سرتیپ محمد حسینخان سرهنگ

فوج دویم نهاوندی

بسرهنگی علی اکبرخان

فوج سیم بندپی

بسرتیپی عبدالحسینخان

فوج ششم خرقانی

ابواجمعی اجودانباشی بسرهنگی علیمحمدخان

فوج هفتم قدیم کرمان

بسرهنگی نقیخان

فوج هشتم شوکت کرمان

بسرهنگی سلیمانخان

فوج نهم جدید کرمسیری کرمان

ابواجمعی ابراهیمخان سرتیپ

فوج مخبران درجزنی

ابواجمعی سیف السلطنه بسرهنگی احمدخان

تومان هشتم

فوج بهادران کوران قلعه زنجیری

بسرهنگی حسینخان

فوج اول گرندی

علیمرادخان سرتیپ نصرالله خان سرهنگ

فوج سیم کلهر

ابواجمعی محمد حسنخان سرتیپ

فوج چهارم زنگنه

ظهیرالملک سرتیپ دویم حسینخان سرهنگ

فوج مخبران کردستان

جمعی محمد علیخان سرهنگ

تومان نهم

فوج بهادران قزوینی

ابواجمعی اعتمادالسلطنه بسرهنگی عبدالله خان

فوج لرستان

ابواجمعی باقرخان سرهنگ

فوج ششم سردهی

حلیم میرزا

حاجی میرزا عبد الوهابخان سرتیپ نواب جلال الدوله سرهنگ

فوج مخبران ترشیزی

ابوابجمعی سهام الدوله بسرهنگی علا معلیخان

تومان دهم

فوج بهادران قرائی

ابوابجمعی عباسعلیخان سرهنگ

فوج اول قائینی

ابوابجمعی حشمت الملک بسرهنگی حاجی پرویزخان

فوج جدید ابصا

جمعی حشمت الملک بسرهنگی میرزا اسمعیلخان

فوج سیم تنکابنی

سلعد الدوله سرتیپ اول ولیخان سرتیپ سیم

فوج مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنه

برابینه حاجی اللهیارخان

فوج مهندس ملایری

بسرهنگی ذوالفقارخان

سواره

اذربایجانی

دسته

افشار صاینقلعه بسرکردگی عباسقلیخان

دسته

افشار ارومی ابوابجمعی عبد الحسینخان سرتیپ اول بسرهنگی باقرخان

دسته

اردبیل و مشکین جمعی باقرخان سرکرده

دسته

چهاردولی نوروزخان سرتیپ حسینقلیخان سرهنگ

دسته

چلبیانلو محمودخان سرکرده رحیمخان سرکرده

دسته

خوئی عباسعلی بیک امین بیک

دسته

شقاقی جمعی محمدخان شاطرانلو جمعی علیخان سرکرده

دسته

اینانلو جمعی حسنعلیخان یوزباشی

دسته

قراپاپاق جمعی نجفقلیخان سرتیپ

دسته

حاجی علیلو بسرکردگی رستمخان

دسته

قراسوران راه قراجه داغ جمعی عباسعلی بیک

دسته

قراسوران جمعی غفارخان سرکرده

دسته

قراسوران درشق و استارا جمعی امین الوزاره

دسته

قراسوران راه مرند جمعی لطف الله خان

دسته

بکانی جمعی اسفندیارخان

دسته

کلبیری بسرکردگی محمد باقرخان

دسته

ماکوئی بسرکردگی نصرالله خان

دسته

مقدم جمعی محمد صادقخان سرهنگ

دسته

مکری بسرهنگی حاجی اقا بیک

دسته

قوجه بیکلو ابوابجمعی حسینقلیخان سرکرده

سواره مهاجر

ابوابجمعی عبد القادرخان شجاع الملک

شجاع الملک سرتیپ اول حسنخان سرتیپ قنبر اسکندرخان سرهنگ کریمخان سرهنگ

سرکردگان

سرکردگان غلام نصرت

میرهدایت خان میرزین العابدین خان علی قلیخان
حسینخان ابراهیم آقای سرهنگ اسکندرخان
سلیمانخان

خراسانی

ارض اقدس

جماعت هزاره

یوسفخان سرتیپ اسمعیل خان سرهنگ

جماعت تیموری

جمعی علیمراد خان سرتیپ

جماعت مروی

جمعی عطاء الله خان

جماعت درجزی

جمعی بهادرخان بیگلربیگی

جماعت جمشیدی

جمعی ذوالفقارخان

جماعت باخرزی و جامی

علیرضا بیك قراول باشی حسینخان سرکرده محمدرضاخان سرکرده کلبعلی خان سرکرده

جماعت همت آبادی

جمعی نادرقلی بیك

جماعت قرائی

جمعی محمدخان سرکرده

جماعت سبزواری

جمعی محمدرضاخان دسته امان الله خان دسته سعادتقلیخان دسته عباسقلیخان دسته

جماعت نیشابوری و جراحی

ابو الجمعی باقرخان

غلامان مشهدی

جمعی خسرو میرزا

غلامان سبزواری

جمعی میرزا فضل الله

جماعت افشار

جمعی مرتضی قلیخان

ساکنین سرخس

باباخان دسته محمد امین خان دسته

جماعت سالار آباد

جمعی محمد مرکان

جماعت دزد بکیر

حسینخان نیشابوری دسته رمضان بیك دسته غلامرضا خانه هرائی دسته

جماعت بجنوردی

جمعی یار محمدخان ایلخانی

جماعت قوچانی

جمعی امیر حسینخان شجاع الدوله

جماعت مرورزانی

جمعی محمد جعفرخان

جماعت دزدابی

جمعی ملا علی عرب

جماعت سرجامی

جمعی حسینخان و حسنخان

جماعت چولایی و طاروشك

جمعی سلیمان آقا

جماعت عنایت آبادی

جمعی صید محمدخان

جماعت سیستانی

جمعی گل محمدخان

جماعت هرائی

میرزا مسعودخان سرکرده محمد حسن خان سرکرده

جماعت عرب

جمعی باباخان سرکرده

جماعت خوافی

جمعی لطفعلی خان

جماعت بیزکی

جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت صامی

جمعی حاجی آزادخان سرکرده

جماعت پشتکوهی

جمعی سعادتقلیخان سرکرده

جماعت خورد ایماق

دسته دسته
یار محمدخان حیدرخان

جماعت اردلان

جمعی محمدخان سرکرده

جماعت نزشیری

جمعی محمدحسینخان

جماعت قائینی

جمعی علی‌اکبرخان سرکرده

استرابادی وغیره

استرابادی

دسته

غلامان استرابادی جمعی علیخان آقای قاجار

دسته

کلدی‌خان ریش‌سفید طایفه جعفربای

دسته

ایل کلدی نظر ریش‌سفید آتابای

دسته

ایضا نظر ریش‌سفید طایفه آتابای

دسته

قلیچ‌خان سرهنگ جعفربای

سردینی

جمعی افراسیاب‌خان سرکرده

کودری و بسطامی

ابوابجمعی علی محمدخان سرهنگ

کرمانی

از بابت سواره افشار بسرکردگی میرزا محمود

مازندرانی

سواد کوه

میرزا علیخان رئیس

سرکردگان

عبدالله‌خان مدانلو فتح‌الله‌خان ایضا صفی‌خان ایضا
موسی‌خان جهان بیکلو اسدالله‌خان ایضا ابراهیم
خان ایضا حسینخان کرابلی ذوالفقارخان ایضا
حسنخان اوصانلو محمدخان افغان

جماعت خواجه‌وند

ابوابجمعی جناب امین‌السلطان علی‌اکبرخان سرهنگ
یزدان قلیخان سرکرده نعمت‌الله‌خان حسن‌خان
فتح‌الله‌خان

سواره عبدالملکی

ابوابجمعی فضل‌الله‌خان بسرکردگی جعفرخان

عراقی

جماعت زرین کمر

ابوابجمعی ساری اصلان علیقلیخان یوزباشی مهدیخان نایب اول

جماعت شاهسون افشار

ابوابجمعی جناب امین‌السلطان بسرتیپی یوسفخان

جماعت بختیاری

جمعی اسفندیارخان سرتیپ

جماعت عرب اردستان

مصطفی قلیخان سرتیپ میرزا حسینخان سرکرده میرزا حسنخان ایضا

جماعت افشار اسدابادی

ابوابجمعی صاحب‌اختیار بسرکردگی محمدکریمخان

جماعت خمسه

جمعی ذوالفقارخان سرتیپ

جماعت شاهسون اسانلو

عزیزالله‌خان صارم‌الملک سرتیپ دویم حاجی لطف‌الله‌خان سرتیپ سیم

جماعت شاهسون بغدادی

جمعی فتحعلیخان سرتیپ

جماعت شاهسون دوبرن

ابوابجمعی

۷ ابوابجمعی جناب امین السلطان آغا علی خان سرهنگ محمد حسینخان ایضا

جماعت شاهسون قورت بیکلو

ابوابجمعی حسینقلیخان سرتیپ

جماعت باجلان

ابوابجمعی احمدخان سرهنگ

جماعت خرقانی

ابوابجمعی اللهیارخان اجودانباشی کل

جماعت برانوند

جمعی حسینخان سرکرده

جماعت اصانلو

ابوابجمعی جناب امین السلطان بسرهنگی حاجی جعفرقلیخان

جماعت قراچورلوی خوار

ابوابجمعی جناب امین السلطان بسرکردگی عزیز محمدخان

جماعت افشار ساوجبلاغ

جمعی حسینخان سرهنگ

جماعت کرد بچه

جمعی نصرالله خان سرتیپ بسرکردگی خانباباخان

جماعت هداوند

ابوابجمعی جناب امین السلطان بسرکردگی رحیمخان

جماعت شاهسواری

جمعی نصرالله خان سرتیپ بنور کخانه

جماعت ایلات قزوین

جمعی حیدرخان سرتیپ

جماعت افشار بکشلو

ابوابجمعی اجودانباشی بسرهنگی کاظمخان

جماعت چگینی

جمعی نصرالملک بسرهنگی صادقخان

جماعت احمدوند و دهبوئی

بسرهنگی کریمخان

جماعت کلیائی

بسرکردگی جلال الدین میرزا

جماعت بانکلی کرمانشاهان

بسرکردگی سید خسروخان

جماعت بانکلی شهریار

جمعی حسینقلیخان سرکرده

جماعت سنجابی

جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت فیلی

جمعی دارابخان سرکرده

جماعت بختیاری

بسرکردگی محمد علیخان

جماعت عرب و باصری

جمعی محمد حسینخان سرهنگ

پیاده

خراسانی

شمخالچیان ابوابجمعی حیدرقلیخان سرتیپ

جزایرچیان سرخسی غلام محمدخان سرکرده فتح الله سلطان رستم سلطان یوسف بیک

استرابادی

دسته فندرسکی

جمعی میرزا علینقی خان سرتیپ

دسته کتول

جمعی علی محمدخان سرکرده

دسته مقصودلو

جمعی عبدالله خان سرکرده

دسته استراباد رستاقی

جمعی فتحعلیخان ایضا

دسته بالا شاهکوئی

جمعی آقا عبدالرحمن سرکرده

دسته پائین شاهکوئی

جمعی محمد علیخان سرکرده

دسته سدن رستاقی

۷ غلامرضا خان سرکرده
ولی محمد خان ایضا

جمعی محمد

جمعی محمد قلیخان سرکرده

دسته ازانی

جمعی محمد علیخان سرکرده

دسته عشکین

جمعی قاسمخان سرکرده

دسته ساوجی

جمعی جعفر قلیخان جمعی آقا رضا

دسته لیوانی وسیل سپر

جمعی اسد الله خان سرکرده

دسته بلوچ

میرزا بابا بیک علی اکبر بیک

دسته جات کیلانی

دسته سالیانی

جمعی میر یوسفخان سرکرده

دسته ازانی

جمعی جبار قلیخان سرکرده

دسته شفتی

جمعی نعمت الله خان ایضا

مازندرانی

جماعت کلبادی وغیره

جمعی میرزا محمد خان سرهنگ لطفعلیخان سرکرده

محمد مهدیخان سرکرده طایفه عمرانلو جماعت طالش بسرکردگی

علی اکبر خان عکشی بسرکردگی علی اکبر خان

جماعت اشرفی

بسرکردگی عباسقلیخان

کرمان سرکرده ندارد

عراق از بابت پیاده بلوچ عرب

جمعی شیخ محمد خان سرهنگ

اداره افواج طرح اطریشی و سواره طرح قزاق

افواج طرح اطریشی

ژدریمان اول

از بابت پیاده نظام

ژدریمان دویم

از بابت پیاده نظام

شاسبوی

که عبارت از فوج مخبران باشد

ژنی

که عبارت از فوج مهندس باشد

توپچیان توپهای ته پر اطریشی

فوج

موزیکانچیان

اداره مزبوره

اداره قزاقیه

فوج اول

بسرتیپی حسنخان سرتیپ

فوج دویم

بسرتیپی کریمخان سرتیپ

موزیکانچیان

اداره مزبوره

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه وغیره یکصد و پنجاه هزار نفر

ذخیره

پنجاه هزار نفر

دار الخلافه طهران

اجزاء حکومت دار الخلافه

محمد ابراهیم خان وزیر دار الخلافه میرزا باقر پیشکار معتمد الدوله مباشر خالصجات میرزا حسن احتساب الملک کارگذار امور حکومت زکیخان نوری ایضا شیر محمد خان میرزا حسن پسر حاجی میرزا تقی کلانتر

سررشته دار و منشیان حکومت

میرزا هادی سررشته دار میرزا جعفر منشی میرزا حسن منشی

نواب بلوک و محال دار الخلافه

میرزا رضا نایب الحکومه ساوجبلاغ میرزا علیمحمد نایب الحکومه شهریار میرزا شریف نایب الحکومه غار و فشافویه نایب الحکومه ورامین نایب الحکومه شمیرانات

علماء اعلام دار الخلافه

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه جناب صدر العلماء جناب حاجی ملا علی جناب آقا سید صادق جناب آقا میرزا صالح عرب جناب آقا میرحسین تفرشی جناب حاجی آقا محمد جناب آقا جمال الدین مجتهد بروجردی جناب آقا میرزا عبدالرحیم نهاوندی جناب ملا محمد تقی مجتهد کاشانی جناب آقا سید عبدالله جناب آقا شیخ محمد برادر مرحوم شیخ عبدالحسین جناب شیخ الاسلام دار الخلافه جناب آقا شیخ جعفر پسر مرحوم حاجی شیخ محمد جناب آقا سید مصطفی پسر مرحوم حاجی سید حسین جناب حاجی ملا آقا رشتی جناب حاجی سید جعفر جناب آقا شیخ موسی

جناب ناظم العلماء آقا شیخ علی جناب

اعیان و امراء و خوانین و معارف دار الخلافه

از ارباب مناصب دولتی و غیرهم سوای آنها که مذکور داشته به اجزاء ادارات معتبره دولتی هستند ذکر در سنه ماضیه نوشته میشود

میرزا محمد خان نظام العلماء اعتماد الدوله حیدر قلیخان ولد مرحوم آصف الدوله افسر دار ولد مرحوم سپهدار عین الملوک محمد میرزا ولد جناب اعتضاد الدوله عباس میرزا ولد ایضا فتحعلیخان ولد ایضا محمود خان ملک الشعرا حکیم الهی پسر مرحوم حکیم الهی سلیمانخان ولد مرحوم حاجب الدوله اسمعیل خان بشیر الدوله میرزا محمد خان غلامحسینخان میرزا صادقخان ولد مرحوم میرزا حسینخان وزیر نظام حسینقلیخان ولد مرحوم اعتماد الدوله رضا قلیخان عباسقلیخان ولد مرحوم سلیمانخان محمد تقیخان ولد مرحوم سهام خان محمدخان ولد مرحوم احمدخان عمید الملک محمد حسنخان ولد مرحوم ایضا حاجی حسین خان ولد مرحوم ایضا

اولاد مرحوم حاجی محمد باقرخان بیگلربیگی و غیره

محمد مهدیخان عباسخان محمد هادیخان عبدالله خان والی ایالت گیلان سلطان حسین میرزا ولد نیر الدوله امان الله خان امیر اصلانخان غلامحسین خان بهلول خان فضل الله خان محمد ابراهیمخان برادرزاده حاجی آصف الدوله محمد جعفرخان ولد مرحوم حاجی علی خان بیگلربیگی حسینخان ولد ایضا محمد کاظمخان ولد ایضا هدایت الله خان ولد ایضا زین العابدین خان ولد ایضا اللهقلیخان علی اکبرخان نجفقلیخان محمد باقرخان احمدخان امیر اصلانخان اسمعیل خان ولیخان محمد حسنخان ولد مرحوم معتمد الملک عباسخان ولد مرحوم ایضا

وزارت تجارت

مدار اداره نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ جناب نصیر الدوله وزیر تجارت

رؤسا و اعضای مجلس محترم تجارت

امیرزاده نصرالله میرزا نایب الوزاره تجارت حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک محروسه حاجی میرزا احمد رئیس التجار ناظم امور تجارت میرزا محمد حسین کاتب السلطان

رؤسا و معارف تجار دار الخلافه

حاجی میر تقی آقا تاجر تبریزی آقا محمد ... آقا عبدالباقی اردبابی حاجی محمد مهدی کرمانی پسر حاجی سید صادق

معین التجار حاجی علی اکبر تاجر شیرازی آقا محمد ابراهیم
ارباب حاجی محمد حسن امین دار الضرب حاجی محمد ابراهیم
ارباب حاجی ملا حسن طهرانی حاجی علی یزدی حاجی
محمد حسین تاجر تبریزی آقا میرزا محمد علی تاجر شیرازی حاجی
آقا محمد شال فروش حاجی میر محمد آقای تاجر تبریزی

اداره جلیله پلیس دار الخلافه

کنت دو منت فرت سرتیپ و رئیس کل مستحفظین
امین شهر عباسقلیخان سرتیپ نایب کل اداره
عبد الحسینخان مستشار و سرهنگ و منشی و مترجم
میرزا زین العابدین خان مستشار و رئیس اطاق محاکمات
میرزا سید یوسف مستشار سرهنگ و رئیس اطاق جنایات
و رئیس محله سنگلج میرزا محمد حسین مستشار و رئیس
محله دولت میرزا ابراهیم مستشار و رئیس محبس
میرزا عبد الرحیم کاتب اداره و ناظر تبریزی کل اداره
حسنخان داروغه شهر میرزا محمد رئیس سنگلج عباس
قلیخان رئیس محله عودلاجان میرزا سید یحیی رئیس چال میدان
میرزا سید احمد رئیس محله بازار میرزا ابوتراب خان
نایب اول و منشی و مترجم طاطاوس خان مسیحی تحویلدار
میرزا محمد علیخان روزنامه نویس میرزا ربیع نویسنده
استنطاقات و سررشته دار محبس
عده کل اجزای پلیس چهارصد و دو نفر

اسامی کارگذاران و عمله جات مخصوص صدر خانه

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام اقباله العالی
جناب حاجی ملا باشی میرزا علی دکتر و طبیب حضور همایون
و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرزاده حاجی نصر الله میرزا
امیرآخور امیرزاده جمشید میرزا صاحب جمع میرزا عباسعلی
خان سرهنگ و پیشخدمت باشی آقا رجبعلی ده باشی
خلوت

ارباب قلم

مستوفیان

میرزا علی رئیس میرزا هادی میرزا تقی میرزا بزرگ
میرزا سید علی سایر سه نفر

منشیان و غیره

میرزا محمد منشی باشی کاتب السلطان میرزا ابو القاسم
منشی مخصوص میرزا حسن سررشته دار سایر
دو نفر

باشیان و غیرهم

محمد حسینخان پیشخدمت حضور همایون فراشباشی
عبد الله خان تفنگدار باشی محمد اسمعیل خان کشیکچی
باشی اکبرخان ناظر
میرزا سید مهدی
نایب ناظر

ادارات متعلقه بجناب اجل آقای مستوفی الممالک

دوایر مبارکه دولت متعلق و راجع بجناب اجل آقا

وزارت دفتر استیفا دیوان عدالت عظمی اداره خلوت
همایونی و بعضی دیگر از قبیل اداره ایشیک خانه
و انتظامات دربخانه وغیره وغیره از قرار عنوان ذیل

اداره ممالک و ولایات محروسه متعلقه بجناب اجل آقا

فارس اصفهان و یزد کرمان و بلوچستان
کرمانشاهان و کردستان عربستان و لرستان عراق و بروجرد
گلپایگان و خونسار کمره کاشان نطنز جوشقان
محلات همدان و اسدآباد کنگاور

اداره خاصه جناب اجل آقا

جناب معاون الملک حاجی میرزا رضا منشی مخصوص
میرزا حسن منشی مخصوص

منشیان و اجزاء اداره جناب معاون الملک که غیر از بنو نشتجات ولایات و احکام فرد و لیست

حاجی میرزا عبد الله میرزا مهدی گیلانی میرزا محمد سیاوجلاغ

میرزا علی میرزا قاسم میرزا تقی عنوان نگار مأمور خراسان

وزارت دفتر استیفا

جناب جلالت مآب میرزا عبدالله وزیر دفتر استیفا

مستوفیان حاضر رکاب

جناب معاون الملک میرزا علی قایم مقام منشی الممالک
میرزا رضای مهندس باشی حاجی میرزا نصرالله جناب
میرزا محمود وزیر سابق دار الخلافه میرزا عیسی وزیر
سابق دار الخلافه جناب ضیاء الملک حاجی میرزا
شفیع علاء الملک آقا میرزا حسین نایب وزیر دفتر
میرزا عبدالله خان میرزا حسن وزیر درب حرم جلالت
میرزا اسدالله میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل
میرزا محمد ولی میرزا داود وقایع نگار میرزا هدایت
الله لسان الملک میرزا ابراهیم میرزا محمد علیخان
میرزا ذوالفقار خان میرزا رضا ولد مرحوم معین الملک
حاجی میرزا حسینقلیخان حاجی میرزا محمد حسین مستوفی
خزانه میرزا سید احمد میرزا سید محمد میرزا محمد حسین
ولد مرحوم وقایع نگار میرزا ابوالقاسمخان نوری
میرزا سید کاظم مستوفی سابق عضد و [illegible] میرزا مسیح
میرزا علی اکبر میرزا سید ابراهیم حاجی میرزا سید حسین
میرزا ربیع میرزا شفیع خان گرگانی میرزا شفیع مستوفی
نواب حاجی حسام السلطنه میرزا اسدالله خان نوری
میرزا علیرضا میرزا باقر میرزا حسینعلی ولد مرحوم میرزا رضا
میرزا عبدالله میرزا عبدالوهابخان پسر جناب نظام
الملک میرزا علی پسر مرحوم قوام الدوله میرزا زین العابدین
خان میرزا عبدالله خان میرزا محمد علیخان حاجی میرزا
محمد پسر حاجی میرزا نصرالله میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا
محمد میرزا اسحق میرزا نصرالله فراهانی میرزا زکی نوری
میرزا محمود پسر مرحوم صاحبدیوان میرزا سید رضی
احتساب الملک میرزا طاهر میرزا آقاخان لله باشی
میرزا حسن ولد مرحوم میرزا موسی وزیر لشکر میرزا عبدالرحیم
خلخالی میرزا محمد ولد مرحوم میرزا هادی میرزا رضای ابری

میرزا سید محسن میرزا رضای تویسرکانی میرزا رفیع
میرزا علی میرزا محمد ولد حاجی میرزا عباسقلی میرزا عبدالعلی
میرزا حسن پسر میرزا ابراهیم میرزا حسینعلیخان پسر مرحوم میرزا
نظرعلی میرزا محسن پیشکار نواب حاجی حسام السلطنه
میرزا شکرالله پسر نصیر الملک میرزا حسینخان والد میرزا رضای
مهندس باشی میرزا جعفر میرزا محمودخان نواده مرحوم
قایم مقام میرزا علی ولد مرحوم وکیل لشکر میرزا هاشم
مازندرانی عضو باشی دفتر استیفا

مأمورین

جناب صاحبدیوان وزیر نظام مأمور بکارگذاری مملکت فارس
جناب مشیر الملک جناب حاجی مستشار الملک میرزا حسینخان
پسر جناب صاحبدیوان مأمور فارس صدیق الدوله مأمور
آذربایجان میرزا محمد مستوفی نظام مأمور حکومت بوشهر
مؤید الملک میرزا احمد خان مستوفی فارس میرزا رضا قلیخان
مأمور حکومت عراق میرزا محمد حسین خبیر بیان الملک
میرزا رضا مأمور فارس میرزا عبدالکریم ولد مرحوم نایب
مستوفی گیلان

وزارت عدلیه عظمی

نواب الامیر الدوله وزیر عدلیه عظمی

اعضا و غیره

صندوق دیوانخانه سلطان ابراهیم میرزا معاون العدالله
اعتماد الملک حیدرقلیخان مستشار آقا میرزا حسن مستوفی
دیوان اعلی حاجی حسینخان مجتهد میرزا علی رئیس میرزا علی
مستوفی دیوانخانه فتح الله خان ناظم میرزا محمد حسین نوری

ارباب قلم

میرزا اسمعیل منشی میرزا ابوالقاسم منشی میرزا عبدالحسین
منشی باشی میرزا ابراهیم خان منشی میرزا علیخان منشی
میرزا زین العابدین میرزا علیرضا منشی حاجی میرزا زین
العابدین منشی میرزا فضل الله میرزا محمد علی عریضه نگار
میرزا عبدالکریم ثبات میرزا اسدالله میرزا عبدالغنی
منشی سررشته داری دفتر احکام وزارت عدلیه

نایب و فراشان

محمد ابراهیمخان نایب میرزا علی یوزباشی فراشان بیست نفر
باشماقچی نفر

غلامان

محمد ابراهیم بیک پنجاه باشی غلامان بیست نفر

اجزای دیوان مظالم

حاجی رحیمخان رئیس دیوان مظالم

ارباب قلم

میرزا باقر منشی تبریزی میرزا محمد علی منشی ایضا میرزا محمد منشی
ایضا میرزا محمد حسین منشی تفرشی میرزا رضا منشی آهی
میرزا حسن منشی گیلانی میرزا حسن منشی شیرازی میرزا
محمد حسین منشی نوری میرزا محمود منشی ایضا

خلوت همایونی

ارباب مناصب

جناب معتمد الملک وزیر مخصوص و رئیس بیوتات دیوانی ممالک
محروسه جناب امین خلوت رئیس سفید خلوت همایونی
و تفنگدار باشی غلامحسین خان خازن رکیب خانه

سایر

ادیب الملک امین حضور محمد حسینخان محقق
جعفر قلیخان ولد مرحوم اعتماد الدوله محمد حسینخان پیشخدمت
و فراشباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ
سلطانحسین میرزا غلامحسینخان ولد مرحوم امین الدوله
محمد ابراهیمخان ولد مرحوم امین الدوله نور محمد خان امین
دیوان میرزا احمدخان میرزا عبدالله خان جبار خان
آقا علی امین حضرت ناظم خلوت میرزا محمد کروسی و غیره

صندوقخانه مبارکه و رختدارخانه

امین السلطنه صندوقدار و جامه دار خاصه خازن
مخزن تدارکات عسکریه دولت علیه

اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیمباشی ملک الاطباء میرزا کاظم
شیخ الاطباء میرزا حبیب علی میرزا علی دکتر میرزا زین
العابدین کاشانی میرزا لقمان ولد ملک الاطباء میرزا
نصرالله شکابنی مسیو هیدبند دندان ساز

فراشخلوتان خلوت همایون

میرزا کریم تحویلدار علم خلوت همایونی محمد صادقخان
فراشخلوت میرزا اهداب آقا سلیمان آقا صادق
آقا بزرگ آقا سید ابوالقاسم

قهوه خانه مبارکه

غلامعلیخان قهوه چی باشی آقا جبار قهوه چی

تفنگداران خاصه

بریاست جناب میرزا محمد خان امین خلوت رضا قلیخان
محمد زمانخان رستمخان مصطفی قلیخان
آقا خان فرخ خان میرزا باقر خان علی اکبر خان
فرهادخان حیدرخان محمد کریم خان
حسنخان نیسان اسدالله خان اسمعیل خان
محمد خان کرجی نصرالله خان نوری رضا خان
نادر بیک میرزا ابوالفتح خان حاجی تقی خان
حاجی عیسی خان

اداره صرف جیب و عکاسخانه مبارکه

بریاست آقا رضا خان ژنرال آجودان مخصوص حضور
همایون و خازن وجوه صرف جیب مبارک آقا غلامحسین
تحویلدار نقدی میرزا عبدالله سررشته دار
میرزا رضا تحویلدار اجناس میرزا محمد محرر
میرزا حسینعلی عکاس حضور مبارک و مدیر عکاسخانه
همایون سپرده بایشان

خواجه سرایان

معتمد الحرم حاجی آغا جوهر خواجه باشی و سرتیپ
آغا محراب حاجی سرورخان حاجی آغا فیروز
آغا حسن حاجی غلامعلی آغا سید اسمعیل
آغا بهرام آغا فتح الله
آغا فرج

وزارت جلیله خارجه

جناب جلالتمآب مؤتمن الملک متولیباشی و وزیر امور خارجه

اجزاء وزارت خارجه و سفراء و مأمورین داخله و خارجه

ملتزمین رکاب

جناب محمد حسنخان صنیع الدوله مقدم السفراء

اداره صدیق الملک رئیس کل دفاتر وزارت که واسطه رجوع کل ادارها و اجزا با جناب جلالتمآب وزیر دول خارجه است

میرزا سلیمانخان نایب اول وزارت خارجه محمد ابراهیمخان بدایع نگار میرزا جوادخان نایب اول وزارت خارجه متصدی امور تجارتی محمد طاهر میرزا نایب وزارت خارجه نجفقلیخان پسر مرحوم حاجی محمد باقرخان بیگلربیگی حاجی حسینقلیخان پسر مرحوم صدر اعظم میرزا عبدالوهابخان نایب وزارت خارجه پسر مرحوم میرزا محمد علیخان حاجی میرزا علی اکبرخان نایب وزارت خارجه میرزا عبدالرحیم خوشنویس رقم عنوان نامجات میرزا محمد علیخان منشی مخصوص میرزا محمودخان منشی رموز میرزا عباسقلیخان منشی مخصوص و مدیر انتظامات دفتر میرزا محمد حسین سررشته دار و منشی وزارت خارجه میرزا محمد علی عزب باشی میرزا علی اکبر عزب دفتر

اداره منشآت و تحریرات راجعه بسفارتخانه ها

اداره پیغامات جناب جلالتمآب وزیر دول خارجه بسفراء دول متحابه مقیمین طهران و متصدی تحریرات خاصه

میرزا مهدیخان که از اجزاء محترمه وزارت خارجه است میرزا محمد رضا در معیت میرزا مهدیخان

اداره دفترخانه مخصوص وزارت خارجه

میرزا محمد علیخان ناظم دفترخانه مدیر میرزا رضیخان دفتردار میرزا محمد حسینخان دفتردار میرزا جهانگیر پسر ناظم

میرزا ابوالقاسم

اداره تحریرات راجعه بسفارت انگلیس

میرزا حسنخان نایب وزارت خارجه مدیر میرزا عبدالمطلب منشی حاجی میرزا حسین منشی

اداره رجوعات محاکمات فیمابین تبعه دولتین ایران و عثمانی و تحریرات راجعه بسفارت اطریش و فرانسه

میرزا عبدالله‌خان مستشار الوزاره مدیر میرزا اسدالله منشی میرزا آقا منشی میرزا عبدالوهاب خرقانی

اداره نوشتجات راجعه بسفارت عثمانی

میرزا شکرالله نامه نگار مدیر میرزا مهدی منشی پسر مرحوم وکیل لشکر حاجی میرزا رضاخان منشی

اداره تحریرات راجعه بسفارت روس

میرزا نصرالله‌خان منشی مخصوص مدیر میرزا حسنخان پسر میرزا مهدی پیشخدمت میرزا مهدی

اداره تحریرات راجعه بکارگذاریهای خارجه و ایالات

میرزا محمدقلیخان منشی مدیر میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا اسمعیلخان میرزا علی ایضاً پسر مرحوم میرزا اسمعیلخان

اداره پیغامات مجالس وزراء عظام و تحریرات داخله و غیره

میرزا ابوطالبخان منشی مخصوص میرزا اسمعیل

اداره نوشتجات تولیت عتبه مقدسه ارض اقدس

میرزا علیخان منشی مخصوص میرزا مسیح

طبقات صاحبمنصبان و غیره

طبقه اول

حاجی میرزا زمانخان میرزا معصومخان سرتیپ حاجی میرزا صادقخان اسمعیلخان قاجار نواده آصف الدوله مرحوم

نایب الحکومه کرمانشاهان میرزا خانلرخان میرزا عیسی خان
حاجی نجفقلی آقا میرزا غلامحسین میرزا محمودخان مأمور
سابق بحرالعجم علی پاشاخان پسر مرحوم میرزا شفیعخان قراباغی
مأمور سابق لندن حبیب الله خان پسر حاجی میرزا زمانخان
حسینخان پسر مرحوم اللهیارخان قرائی میرزا حسینخان
پسر میرزا محمودخان

طبقه دویم

احمدعلیخان سرهنگ حاجی شاه محمدخان محمدحسینخان
غلام پیشخدمت اسمعیل خان ریش سفید فراشان وزارت
خارجه نور محمدخان حاجی محمدخان تحویلدار میرزا رفیع
جوادبیک محمدحسینخان آقا مهدی

کاغذدار و قلمدان دار وزارت خارجه

آقا بیرون میرزا محمدعلی

مترجمین

میرزا رضاخان سرتیپ مترجم میرزا علیخان مترجم فرانسه
انگلیس و نمسه میرزا هارطون مترجم فرانسه و انگلیس و روس
مسیو نورمان مترجم میرزا مهدیخان مترجم و معمای مخصوص
میرزا غلامحسین مترجم روس میرزا محمدعلی مترجم

مهندسین

میرزا عباسخان سرتیپ مهندس میرزا عبدالرحیمخان مهندس
حاجی عباسقلیخان سرهنگ میرزا علی اشرفخان سرهنگ
مهندس اسدالله خان مهندس میرزا حسین نقاش

اطبّاء

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی میرزا عبدالوهاب طبیب
میرزا عبدالله طبیب حکیم بکز

اجودانها

محمدخان اجودان میرزا حسینخان نایب اجودانباشی

سفراء و مامورین خارجه و داخله

سفارتخانه اسلامبول و سایر جاهای دولت عثمانی

سفارتخانه اسلامبول

جناب حاجی میرزا محسنخان معین الملک سفیر کبیر میرزا
جوادخان مستشار میرزا رضاخان نایب و ترجمان اول سفارت
حاجی نجفعلیخان ژنرال قونسول میرزا آقا نایب و منشی اول
دکتر پاماد و کاحکیم سفارت حاجی آقاخان ترجمان ضبطیه
چورجکی ترجمان تجارت یوسف پلینه ترجمان سفارت پسر
مرحوم اسدآقا مسیو باروینی قانون دان سفارت

بغداد

میرزا محمودخان کارپرداز اول میرزا طهماسب قلی نایب اول
حسن افندی کاتب ترکی حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان

بصره

حاجی ملا رضا کارپرداز

اماکن مشرفه

کربلای معلی

میرزا هادیخان نایب میرزا اسمعیل ترجمان میرزا محمد کاتب ترکی

نجف اشرف

میرزا عبدالوهابخان نایب

کاظمین

کریم بیک

سامره

محمد جعفر بیک

دیوانیه

نایب شریف مشهدی کاظم امین السفراء

کارپردازان

مصر

میرزا احمدخان کارپرداز رعنا افندی مترجم یعقوب افندی
دفتردار

ارزنة الروم

میرزا علی اکبرخان کارپرداز میرزا محمدحسین نایب و منشی

طرابزان

حاجی میرزا حسینعلی کارپرداز علی بیک مترجم

شام

حاجی محمدصادقخان کارپرداز

وان

وان

میرزا آقاخان کارپرداز

سایر قونسولها و وکلاء در خاک عراق عرب و غیره

مسیب نصرالله بیک عماره علی بیک خانقین محمد اسمعیل بیک
مندلیج میرزا ابوطالب سماوه حسین بیک قزلرباط و شهربان
شهرخان بیک یعقوب بیک یوسفخان حله حاجی عباسقلی
سلیمانیه عباس آقا کرکوک حسن بیک کوت الاماره ناصر بیک
قصرشیرین حسنخان ازمیر محمدخان قونسول حلب میرزا
شکرالله قونسول حدیده میرزا حسن قونسول بیت المقدس
میرزا هادی بیروت اسکندر بیک دیاربکر میرزا حسین
صیدا حاجی علی افندی طرابلس حاجی اللهوردی طرابلس
شام جرجیس افندی سویس نقاویس اسکندرون خواجه
حنا بروسا احمد آقا انطاکیه موسی بیک عکا احمد افندی
آدنه میرزا عیسی سیواس حسن آقا انکوره آقا سید علی
صامسون محمد آقا بالکیه حاجی علی روسچق میرزا معصوم
قونسول اماسیه حسن آقا وکیل صور حسین افندی

دولت انگلیس

سفارتخانه لندن

جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار میرزا میکائیل
خان نایب میرزا علی نایب منشی مستر لنج ژنرال قونسول

کارپردازخانه بمبئی

میرزا فضل الله خان کارپرداز میرزا سید علی منشی مترجم

دولت روس

سفارتخانه پطرزبورغ

جناب میرزا اسدالله خان وزیر مختار میرزا علینقی نایب و
منشی مخصوص حکیم سفارت مترجم

سفارتخانه پاریس

جناب نظرآقا وزیر مختار میرزا احمدخان منشی مسیو کاردالو
کارپرداز در بردو مسیو وپله ریمارسیل مسیو ولاماد
کارپرداز در شهر بوال حکیم سفارت مسیو هرمال وکیل

سفارتخانه نمسه

جناب نریمانخان وزیر مختار آرتاکی بیک وابسته سفارت

قفقازیه

کارپردازخانه تفلیس

میرزا محمودخان کارپرداز میرزا معصومخان نایب
میرزا رضاخان نایب مترجم میرزا محمد منشی و دفتردار

بادکوبه

میرزا عبدالرحیمخان قونسول

ایروان

میرزا جبارخان وزیر قونسول میرزا محمدخان منشی

کارپردازخانه حاجی ترخان

میرزا احمدخان سرتیپ کارپرداز میرزا موسی منشی مترجم

مامورین داخله

تبریز

جناب میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک حاجی میرزا صادق
خان نایب اول قلیخان سرتیپ مهماندار سفراء و مستشار
حاجی میرزا معصوم نایب منشی اول میرزا مهدیخان
سرهنگ نایب اول میرزا احسنخان سرهنگ نایب و مهماندار
طاهرخان سرهنگ و مترجم اول میرزا رحیم یاور کارگذاری
میرزا محمد اسحق میرزا محمد دفتردار
عباسقلیخان امین الوزاره رئیس امنای تذکره آذربایجان
میرزا محمد حسین منشی و نایب میرزا هاشمخان کارگذار خارجه
ارومی و سرپرست نصاری و ارامنه و یهود ارومی و سلماس
مسیو دژمی نایب و مترجم حاجی حبیب بیک

ارض اقدس

میرزا ابویوسفخان مستشار کارگذار میرزا حسینخان منشی و نایب

کرمانشاهان

میرزا هادیخان کارگذار میرزا تقیخان نایب

کردستان

میرزا علیخان کارگذار میرزا احمدخان نایب و منشی

گیلان

حاجی میرزا سید رضی کارگذار میرزا حبیب الله امین تذکره

میرزا عبد الرسول نایب و منشی اول میرزا نجم الدین منشی

استراباد

میرزا جواد خان کارگذار حاجی میرزا طاهر نایب و منشی میرزا

علینقی خان وقایع نگار جز

مازندران

میرزا مهدیخان کارگذار میرزا کاظم

فارس

محمد تقیخان سرتیپ کارگذار

بندر عباس

حاجی میرزا عبد الله خان کارگذار

بوشهر

میرزا علی اکبر خان کارگذار

اصفهان

محمد جعفر خان کارگذار اسمعیل خان نایب

یزد و کرمان

ملا کیخسرو کلانتر طایفه زردشتی یزد و کرمان

سفراء دول متحابه و صاحبمنصبان مقیمین در دربار همایون و سایر

سفارت دولت عثمانی

در طهران

جناب فخری بیک افندی سفیر کبیر اسمعیل بیک افندی نایب اول

میرزا حسنخان شوکت منشی اول دکتر ارنو حکیم حافظ الصحه

سایر ولایات

تبریز

علی بهجت بیک افندی باش شهبندر میرزا حاجی آقا منشی

منصور آقا وکیل شهبندر ارومیه عبد الاحد آقا وکیل

شهبندر ساوجبلاغ

کرمانشاهان

حاجی آقا حسن وکیل شهبندر حاجی ملا احمد منشی

کردستان

آقا سید جابر عرب وکیل شهبندر میرزا بشیر منشی

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهبندر میرزا سید محمد منشی

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهبندر آقا محمد حسین منشی

سفارت دولت روس

در طهران

جناب مسیو زینویف ایلچی مخصوص و وزیر مختار

مسیو ارکیرپولو نایب اول مسیو غریغوریچ مترجم اول

مسیو نطروف نایب دویم مسیو فلیپیشوف مترجم دویم مسیو

پاجیطونوف آتشه مسیو اکنایتوف آتشه برنس وایزانتسه

مسیو کوربنیسکی حکیمباشی میرزا علی اکبر منشی اول میرزا

ابو القاسمخان منشی دویم

سایر ولایات

تبریز

مسیو کربل ژنرال قونسول مسیو شولتز فسکی نایب مسیو کخانوفسکی

مترجم میرزا عبد الکریم منشی اول میرزا علی اشرفخان منشی دویم

رشت

مسیو ولاصوف کفیل امور قونسولگری میرزا عبد الله منشی

استراباد

شولکونوف کفیل امور قونسلگری مسیو بناوین نایب میرزا

محمود منشی

ارض اقدس

میرزا عبد الکریم بیک

صاحبمنصبان نظام روسیه

کلنل دومانتوویچ رئیس صاحبمنصبان نظام کاپیتن کوکارنکو

کاپیتن ماکودکین کاپیتن اوبرزدف

سفارتخانه انگلیس و صاحبمنصبان نظامی در طهران

سفارتخانه

جناب مسیو لکونت شارل زالویسکی وزیر مختار و ایلچی مخصوص

مسیو لبادون کودل ولاتو نایب اول

صاحبمنصبان نظامی

کلنل شمل ژنرال قسنقرخان سرتیپ مهندس باشی مامور کرمان
ماژور بارون ستوداک کاپیتن توپخانه واشر کاپیتن
پیاده نظام کرویس کاپیتن پیاده نظام ستادیسکی
کاپیتن مهندس بارون لنتز لیتنان اول ماژور شوابسبرگ
کودسکی لیتنان اول مخزن کزاک لیتنان پیاده نظام زلینق
لیتنان پیاده نظام شموا مدیر موزیکان ژبوئر
صاحبمنصب قورخانه واشا

دولت انگلیس

در طهران

جناب دانلد طامسن وزیر مختار و ایلچی مخصوص و قونسول ژنرال
دالزریبلک مستشار اول ولیم هکر دمستشار دویم دکتر
صاحب السنه شرقی ارتزلاد کر صاحب موقتاً بجای او اسکنل
فین ویس قونسول هنری جرجیل دفتردار سرجوسف دکتر
طبیب میرزا آقاجان منشی اول و مترجم میرزا زین العابدین
منشی دویم میرزا شیخعلی منشی سیم حاجی میرزا حسن منشی چهارم

سایر ولایات

تبریز

دیلیم جارج آبت قونسول ژنرال

گیلان و مازندران و استراباد

کلنل لوت

بوشهر

کلنل راس بالیوز و قونسول ژنرال کپتان مکور نایب اول
منشی دونفر کاتب دونفر

مشهد مقدس

میرزا عباسخان

اصفهان

مستر آقانور

شیراز

حیدرعلیخان وکیل موقتی

همدان

آقا سید حسین

کرمانشاهان

حاجی محمد حسن

سفارت دولت فرانسه

در طهران

جناب کنت رافائل و ویل کاستل شارژدفر
مسیو لر مترجم اول مسیو برتران شانسلیه دفتردار
سفارت میرزا مهدی منشی

تبریز

مسیو امیل برنه ژنرال قونسول مسیو ودی برشانسلیه
میرزا حسن منشی

وزارت دربار اعظم

جناب جلالتمآب امیرنظام علاء الدوله وزیر دربار اعظم و کارگذار مملکت آذربایجان

کشیکخانه مبارکه

عبدالله خان قوللر آقاسی باشی میرزا محمد تقی وکیل لشکر
لشکرنویس و مباشر محاسبات عمل کشیکخانه میرزا احمد سررشته دار
مخصوص وزارت دربار میرزا رضا سررشته دار مامور
آذربایجان

یوزباشیان و غلام پیشخدمتان قدیمی

یوزباشیان از حاضر رکاب و مامور ولایات

محمد حسن میرزا مامور آذربایجان رستمخان عباسقلیخان
عبدالله خان حیدرقلیخان کلبعلیخان محمودخان
ولد جناب امیرنظام هاشمخان مامور آذربایجان
محمدقلیخان عزت الله خان مامور آذربایجان باباخان
طهماسب قلیخان مامور ایضا محمد اسمعیل خان مامور ایضا
سعدالله خان مامور ایضا محمد حسن خان

غلام پیشخدمتان

حسینعلیخان غلام پیشخدمت باشی مامور آذربایجان

مرتبه اول ده نفر
مرتبه دویم بیست و پنج نفر
مرتبه سیم هیجده نفر
مرتبه چهارم هفتاد و چهار نفر

غلامان مهدیه

بریاست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

یوزباشیان

محمود خان حاجی حسینخان میرزا تقی خان رحمة الله
خان فتح الله خان

غلامان جدید منصوره

بریاست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

سرکردگان یازده نفر

خیرالله خان مافی یوزباشی عباسقلیخان سرهنگ
پسر صمصام الملک محمد علیخان خلج یوزباشی حاجی
محمد ولیخان سیل سپر یوزباشی فریدون میرزا
میرزا رضاقلی سرکرده اسمعیل خان سرکرده
آقاسی خان سرکرده میرزا موسی خان سرکرده
علیمرادخان سرکرده شعبانعلیخان سرکرده

فراشخانه و سرایدارخانه

حاجب الدوله محمد حسنخان فراشباشی

فراشخانه مبارکه

محمد آقا قاپوچی باشی آقا سید رضا خیام باشی میرزا
علی اکبر مشرف نایبان فراشخانه چهل و دو نفر

سرایدارخانه

محمد ابراهیم خان سرایدارباشی نایبان سرایدارخانه
هشت نفر

نسقچیخانه مبارکه

حاجب الدوله محمد حسنخان نسقچی باشی

نایبان

عباسخان قاجار هادیخان ایضا یوسفخان ایضا
محمد رضاخان ایضا میرزا آقا تبریزی ابوالقاسمخان

قجار میرزا حسن مشرف میرزا محمود نوری علی اصغر بیک فراشی

اداره دار النظاره مبارکه و اداره مقدسه مهر مهر آثار همایون

بریاست جناب جلالتمآب عضد الملک خوانسالار و خازن مهر مهر آثار

اجزای دار النظاره مبارکه

محمد قلیخان پیشخدمت مخصوص نایب النظاره میرزا علینقی
منشی باشی میرزا علی اکبر مشرف دار النظاره میرزا صادق
سررشته دار حاجی قاسم شربتدارباشی ناظم البکاء
حاجی میرزا محمد رضا تحویلدار نقدی آقا محمد حسین چرکچی باشی
استاد زین العابدین آشپزباشی حاجی نصرالله طباخ خاصه
دویم آقا محمد باقر تحویلدار جنسی

اداره مهر مهر آثار همایون

میرزا زین العابدین حافظ مهر مهر آثار محمد کریم بیک حامل
مهر مبارک قراولان و مستحفظین شش نفر

ایشیکخانه مبارکه علیخان قاجار ایشیک آقاسی باشی

محمد خان قاجار قوریساولباشی محمد امین خان نایب قاجار
حسینقلیخان ولد صاحبقران میرزا

سایر نایبان ایشیک آقاسی باشی

محمد حسنخان نوری جعفرقلیخان ولد نوروز محمد خان سرتیپ
اسدالله خان ولد ایضا مصطفی قلیخان قاجار امان الله
خان قاجار حاجی حسنخان بروجردی محمد علیخان برادر
مرحوم شهبازخان دنبلی ابوالفتح خان ایضا دنبلی عباس
قلیخان پسر شهبازخان دنبلی محمد خان نوائی ولد مرحوم
عمید الملک محمد تقیخان نوائی ولد مرحوم میرزا فضل الله
خان محمد علیخان نوائی غلامحسینخان کاشی

میرزا محسن
مشرف

ادارات خاصه جناب امین الملک جلیل الرتبه وزیر وظایف و مرتب دار الشورای کبری و مجلس وکلای دولت

وزارت وظایف و اوقاف

جناب امین الملک وزیر وظایف و اوقاف

اجزای وزارت وظایف و اوقاف

میرزا محمد علیخان معین الوزاره رئیس کل اداره وظایف
آقا سید مصطفی حسام السادات نایب اول وزارت وظایف
میرزا مهدی منشی میرزا نصرالله سررشته دار میرزا سید حسین
منشی میرزا ابوالقاسم منشی و دفتردار امنای وظایف ولایات
چون هنوز معین و مقرر نشده بودند ثبت نشد

اداره پستخانه مبارکه

بوزارت جناب امین الملک

اجزاء پستخانه دار الخلافه طهران

میرزا رحیم رئیس اداره رسایل خاصه و کل پستخانهای ممالک
محروسه مسیو نیکلا نایب اول و دفتردار و منشی
مکاتبات خارجه میرزا محمد علیخان مستشار و رئیس
اطاق مرکزیه

میرزا ابراهیم سررشته دار و محاسبه نویس کل میرزا
مطلب تفتیش باشی و تحویلدار کل پستخانها میرزا
محمد علی انسپکتر میرزا هادی تحویلدار امانات میرزا
اسدالله منشی باشی میرزا حسینقلی مهردار میرزا علی منشی
دویم ضابط نوشتجات و ثبت مهراحکام اداره دو نفر
میرزا ابوتراب دفتردار مخصوص اسناد تشکیلات اداره
میرزا ابراهیم کیرنده نوشتجات میرزا اسدالله تحویلدار
امانات خارجه میرزا علی معین ایضا میرزا مهدی و
میرزا آقا معین میرزا هادی تحویلدار امانات میرزا
ابراهیم میرزا اوزان نوشتجات اطاق میرزا علی دفتردار ثبت
امانات و سفارشی میرزا علی معین میرزا ابراهیم وجدا
کننده نوشتجات ولایات اسمعیل خان نویسنده قبوض
امانات و پاکتهای سفارشی

میرزا اوانس دفتردار دفتر ثبت امانات و نوشتجات سفارشی
مسیو نیکلای سورکین معین ایضا و مترجم زبان روسی
میرزا اوانس کرد رجابان پاکت نوشتجات خارجه و غیره
مسکرد نادعلیخان غلامباشی غلامان کل ولایات که حمل
بسته مینمایند سوای آذربایجان هشتاد نفر فراشان
پستخانه مرکزیه ده نفر

خط آذربایجان

تبریز

آقاخان سرهنگ رئیس میرزا محمد علی ناظم میرزا حاجی آقا
تحویلدار خارجه میرزا کاظم تحویلدار میرزا رضا سررشته دار
مسیو اماموئل نویسنده دو نفر غلامان شانزده
نفر فراش پنج نفر

قزوین

میرزا زین العابدین رئیس میرزا شفیع نویسنده
فراش دو نفر

زنجان

میرزا محمد علی رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

ولایات جزء آذربایجان

میانج

مباشر نفر فراش نفر

ساوجبلاغ

مباشر نفر فراش نفر

ارومیه

مباشر نفر نویسنده نفر فراش نفر

خوی

مباشر نفر نویسنده نفر فراش نفر

مراغه

مباشر نفر فراش نفر

اردبیل

مباشر نفر نویسنده نفر فراش نفر

سلماس

مباشر نفر فراش نفر

رشت و انزلی

میرزا حسن رئیس رشت و ناظم نویسنده نفر فراش دو نفر
رئیس انزلی نفر نویسنده نفر فراش نفر

خط فارس

قم

میرزا فضل الله رئیس نویسنده نفر فراش نفر

سلطان آباد

میرزا نصرالله رئیس نویسنده نفر فراش نفر

کاشان

میرزا هاشم رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

اصفهان

میرزا کرکین رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

جلفای اصفهان

میرزا کرکین رئیس فراش نفر

آباده

میرزا محمد جعفر فراش نفر

شیراز

میرزا سرکیس خان نویسنده نفر فراش دو نفر
قاصد شش نفر

بندر بوشهر

میرزا [illegible] رئیس نویسنده نفر فراش نفر
قاصد شش نفر

کازرون

مباشر نفر فراش نفر

خط یزد و کرمان

نائین

میرزا محمد حسین فراش نفر

یزد

میرزا ابوالقاسم نویسنده نفر فراش دو نفر
قاصد دو نفر

کرمان

میرزا علیرضا رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

رفسنجان

مباشر نفر فراش نفر

خط خانقین

نوبران

مباشر نفر فراش نفر

همدان

نظرعلیخان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

تویسرکان

میرزا احمدخان رئیس فراش نفر

کنگاور

مباشر نفر فراش نفر

کرمانشاهان

میرزا علیخان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

خانقین

میرزا نصرالله رئیس فراش نفر

خط خراسان

سمنان و دامغان

میرزا حسین رئیس فراش نفر

شاهرود و بسطام

میرزا سید نصرالله رئیس نویسنده نفر فراش نفر

سبزوار

میرزا اسمعیل مباشر نویسنده نفر فراش نفر

نیشابور

میرزا محمد علی مباشر فراش نفر

ارض اقدس

حاجی ابوالقاسم رئیس نویسنده نفر فراش چهار نفر

خط مازندران و غیره

استراباد

میرزا ادهیر رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

اداره ممالک آذربایجان راجع
بجلالتمآب
و متعلق بجناب امین الملک

ساوه و بار فروش

حسنخان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

خط کردستان

دولت آباد

اسدخان رئیس نویسنده نفر فراش نفر

نهاوند

حاجی میرزا فتح الله مباشر فراش نفر

بروجرد

میرزا عبد الغنی رئیس فراش نفر

بیجار کروس

میرزا محمد خان رئیس فراش نفر

سنندج کردستان

ابو القاسم خان رئیس نویسنده نفر
فراش نفر

وزارت علوم وغیره

جناب جلالتمآب مخبر الدوله وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسه

وزارت علوم

مدرسه مبارکه دار الفنون

رؤسا

جعفر قلیخان سرتیپ اول و رئیس مدرسه مبارکه محمد حسین خان سرتیپ دویم و ناظم مدرسه محمد تقی میرزا سرتیپ سیم و اجودان مدرسه میرزا اسحق مستوفی میرزا محمد تقی سر رشته دار مدرسه میرزا جعفرخان ناظر اسد الله خان کتابدار مدرسه مبارکه

معلمین ایرانی و فرنگی

معلمین ایرانی

حاجی نجم الملک منجم باشی حضور همایون و معلم کل علوم ریاضی مدرسه و دارای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی میرزا ابو القاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی میرزا علی اکبر معلم طب فرنگی و دارای نشان و حمایل سرتیپی سیم میرزا محمد کاظم معلم طبیعی و شیمی و دارای نشان سیم شیر و خورشید میرزا اسد الله معلم عربی و فارسی و پیشنماز مدرسه میرزا علی اکبرخان نقاشباشی معلم زبان فرانسه و نقاشی و مترجم علم موزیک دارای نشان درجه سیم شیر و خورشید میرزا علیخان معلم طب جراحی دارای نشان و حمایل سرهنگی

خلفای ریاضی و نقاشی و زبان ده نفر

سلیمانخان آقاخان میرزا احمد حاجیخان میرزا جعفرخان میرزا عبد الرحیم مهدیخان سایر دو نفر

معلمین فرنگی

میرزا رضاخان معروف بمسیو ریشار معلم زبان فرانسه دارای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی مسیو روسکی خان معلم زبان فرانسه دارای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی مادور اسلاج نایب رئیس اداره اطریشی و معلم پیاده نظام مدرسه مسیو لمر معلم موزیک مادروسخان معلم زبان روسی و دارای منصب سرهنگی مستر طلبر معلم زبان انگلیسی

شاگردان فارغ التحصیل

مهندسین

محمد حسن میرزا ولد کیخسرو میرزا دارای نشان و حمایل سرهنگی محمد حسن میرزا ولد بشیر الملک میرزا دارای نشان و حمایل سرهنگی رضاخان دارای نشان و حمایل سرهنگی علیخان ولد ملک الشعرا دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید سلیمانقلیخان دارای نشان و حمایل سرهنگی عباسقلیخان دارای درجه سرهنگی سلیمانخان دارای نشان و درجه سرهنگی احمدخان ولد ملک الشعراء دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید حسینقلیخان دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید غلام محسن خان دارای نشان مطلای علمی مدرسه حسنخان دارای نشان طلای علمی مدرسه

اطبـاء

میرزا ابراهیم دارای نشان و حمایل سرهنگی باقرخان دارای

نشان طلای علمی مدرسه میرزا نصیر دارای نشان طلای
علمی مدرسه امان الله خان دارای نشان طلای علمی مدرسه
رضاخان دارای نشان طلای علمی مدرسه میرزا محسن
دارای نشان طلای علمی مدرسه میرزا مصطفی دارای
نشان طلای علمی مدرسه میرزا شیخ محمد دارای نشان
طلای علمی مدرسه میرزا علی اکبر دارای نشان طلای
علمی مدرسه حیدر میرزا دارای نشان طلای علمی
مدرسه میرزا خلیل دارای نشان طلای علمی مدرسه

سایر

شاگردان داخل مدرسه که مشغول تحصیل هستند
دویست نفر شاگردان خارج که بعد از ظهر
بمدرسه آمده مشغول تحصیل میباشند پنجاه نفر

اطبای حافظ الصحه دار الخلافه و مامورین ولایات

فرنگی

دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص دکتر [illegible] صاحب حکیم
سفارت دولت فخیمه انگلیس دکتر ارنو مامور مجلس
حافظ الصحه اسلامبول دکتر [illegible]

ایرانی

ملک الاطباء میرزا سید رضی حکیمباشی نظام میرزا
ابوالقاسم حکیمباشی و معلم مدرسه میرزا علی دکتر
حکیم حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا نایب
السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ میرزا سید علی حکیمباشی
حضور همایون میرزا محمد کاظم معلم حکمت طبیعی میرزا
زین العابدین حکیم حضور همایون حاجی میرزا حبیب الله
حکیم حضور همایون میرزا نصرالله حکیم حضور میرزا
عبدالکریم میرزا علی اکبر خان حکیمباشی مریضخانه
میرزا مصطفی میرزا عبدالله میرزا ابوالحسن خان

مامورین ولایات

از مدرسه

آذربایجان میرزا عبدالعلی
اصفهان میرزا موسی ناظم الاطبا
کرمانشاهان میرزا مؤمن
مازندران میرزا محمد
زنجان میرزا رضا
همدان میرزا حسن
ملایر میرزا ابوالقاسم

از خارج

گیلان میرزا سید جعفر
سمنان میرزا کریم
شاهرود و بسطام میرزا صالح
سبزوار میرزا اسمعیل
قم حاجی میرزا عبدالکریم
کاشان میرزا محمد جواد
شیراز میرزا حسام الدین
یزد میرزا مرتضی
کرمان میرزا عبدالرضا خان
عراق میرزا محمد حسین
بروجرد میرزا بابا
ساوجبلاغ آقا علی

اجزاء مریضخانه مبارکه دولتی سی و سه نفر

میرزا محمد دکتر حکیمباشی رئیس مریضخانه مبارکه

اطبا و معالج

حسینخان میرزا نصرت میرزا الفت سید ابوتراب
میرزا ابراهیم میرزا قوام

سایر اجزاء

شیخ ابوالقاسم پیشنماز عباسعلیخان مشرف میرزا
فرهاد شاگرد دواساز ناظر یکنفر تحویلدار یکنفر
طباخ و شاگرد دو نفر باغبان یکنفر پرستار هشت نفر
فراش دو نفر پیشخدمت و قهوه‌چی دو نفر سایر از سقا
و حمامی رخت‌شوی شش نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

رئیس مدرسه) آقاخان سرهنگ

ناظم و معلم زبان فرانسه محمد جعفرخان معلم علم طب
محمد میرزا معلم علم هندسه محمد حسن میرزا معلم پیاده نظام
نجفقلیخان معلم توپخانه میرزا ابراهیم سررشته دار
میرزا عبدالعلی ناظم معلم فارسی یکنفر ده باشی و فراش
چهار نفر عمله کارخانه دو نفر متعلمین داخل و خارج
چهل نفر

اداره تلگرافیه ممالک محروسه [illegible]

جناب مخبرالدوله وزیر علوم پانصد نفر

دارالخلافه و حضرت عبدالعظیم

صاحبمنصبان

داخله

حسینقلیخان سرتیپ رئیس کل میرزا حیدرعلیخان سرتیپ
مرتضی قلیخان سرهنگ تحویلدار نصرالله خان سرهنگ
تلگرافچی مخصوص میرزا سلیمانخان سررشته دار میرزا
حسین سرهنگ محمودخان سرهنگ تلگرافچی بیست و
شش نفر میرزا و محرر بیست نفر

خارجه

مسیو شنیدلر سرتیپ مسیو شارل سرتیپ مسیو ناطال
مسیو منظر مسیو سمون بیج صاحب

عملجات

پیشخدمت و فراش خلوت پنجنفر فراش چهارده نفر
غلام هشت نفر سیم کش نفر عزه دو نفر

سایر ولایات

خط فارس

قم پنجنفر محمد مهدی میرزا رئیس تلگرافچی دو نفر میرزا
نفر فراش نفر
کاشان پنجنفر عیسی خان رئیس تلگرافچی نفر
میرزا نفر فراش دو نفر
اصفهان پانزده نفر میرزا ابوالقاسمخان رئیس
تلگرافچی دو نفر میرزا و محرر سه نفر فراش چهار نفر
غلام نفر

کوهپایه و نائین شش نفر تلگرافچی دو نفر غلام
چهار نفر
یزد هشت نفر محمد جعفر میرزا رئیس تلگرافچی نفر
میرزا دو نفر فراش دو نفر غلام دو نفر
عقدا سه نفر تلگرافچی نفر سوار دو نفر
کرمانشاهان سه نفر تلگرافچی نفر غلام دو نفر
بهرام آباد و انار شش نفر تلگرافچی دو نفر
غلام چهار نفر
کرمان نه نفر عبدالعلیخان سرهنگ رئیس
تلگرافچی نفر میرزا دو نفر غلام دو نفر فراش سه نفر
آباده و کازرون چهار نفر تلگرافچی دو نفر
فراش دو نفر
شیراز پانزده نفر علی اصغرخان سرهنگ رئیس
تلگرافچی چهار نفر فراش پنجنفر
بوشهر چهار نفر میرزا حبیب الله رئیس
تلگرافچی نفر فراش دو نفر

خط آذربایجان

شصت و یکنفر

قزوین نه نفر محمد مهدی میرزا رئیس تلگرافچی
دو نفر میرزا نفر فراش سه نفر غلام دو نفر

منجیل و انزلی ده نفر تلگرافچی دو نفر فراش
دو نفر غلام شش نفر
رشت دوازده نفر ابوالفتح میرزا سرهنگ رئیس
تلگرافچی دو نفر میرزا نفر غلام پنجنفر فراش سه نفر
زنجان پنجنفر میرزا مهدیخان رئیس تلگرافچی
نفر فراش سه نفر
میانج دو نفر تلگرافچی نفر میرزا نفر
تبریز چهارده نفر آقاخان سرهنگ رئیس
تلگرافچی هفت نفر میرزا و محرر دو نفر فراش پنجنفر
خوی تلگرافچی نفر غلام نفر

مرند سه نفر تلگرافچی نفر میرزا نفر فراش نفر
جلفا دو نفر تلگرافچی نفر فراش نفر

خط خانقین

خان آباد و نوبران و زره دوازده نفر
تلگرافچی سه نفر غلام شش نفر فراش سه نفر
همدان هجده نفر نصرالله خان سرهنگ رئیس
تلگرافچی پنج نفر میرزا نفر غلام پنج نفر فراش شش نفر
کنگاور پنج نفر تلگرافچی نفر غلام دو نفر
فراش و کشیکچی دو نفر
کرمانشاهان یازده نفر محمد صفی میرزا رئیس
تلگرافچی سه نفر میرزا دو نفر غلام سه نفر فراش دو نفر
قصر و کرند و سرپل هشت نفر
تلگرافچی سه نفر غلام پنج نفر
کردستان و قروه دوازده نفر میرزا اسمعیل خان
رئیس تلگرافچی دو نفر میرزا نفر غلام پنج نفر فراش سه نفر
بیجار شش نفر محمد تقی خان رئیس تلگرافچی
نفر غلام دو نفر فراش دو نفر
ملایر هفت نفر حبیب میرزا رئیس تلگرافچی
میرزا نفر غلام چهار نفر
نهاوند پنج نفر حاجی مهدیخان رئیس تلگرافچی نفر
غلام نفر فراش دو نفر
عراق محمد رضا میرزا رئیس تلگرافچی دو نفر
میرزا نفر غلام دو نفر فراش یک نفر
بروجرد و ازنان دوازده نفر میرزا طاهر خان
رئیس تلگرافچی دو نفر میرزا نفر سوار پنج نفر
فراش سه نفر
خرم آباد و مجد آباد و قلعه نصر بیست و شش نفر
میرزا موسی خان سرهنگ رئیس تلگرافچی دو نفر
غلام و تفنگچی قلاع چهارده نفر غلامان
خرم آباد پنج نفر
فراش چهار نفر

دزفول و حویزه یازده نفر میرزا محمد علی رئیس
تلگرافچی نفر غلام پنج نفر فراش چهار نفر
شوشتر چهار نفر تلگرافچی نفر غلام دو نفر
فراش نفر

خط خراسان

صد و بیست و هشت نفر
ایوانکیف و خوار هشت نفر تلگرافچی دو نفر
فراش دو نفر غلام چهار نفر
سمنان و فیروزکوه ده نفر حاجی باباخان
رئیس تلگرافچی دو نفر غلام شش نفر فراش نفر
دامغان تلگرافچی نفر غلام چهار نفر فراش نفر
شاهرود و میامی و میاندشت و غیره بیست و پنج نفر
جلیل میرزا رئیس تلگرافچی شش نفر میرزا نفر غلام
سیزده نفر فراش چهار نفر
استراباد نه نفر تلگرافچی نفر غلام شش نفر
فراش دو نفر
ساری و اشرف و بندجز و مشهدسر و بارفروش
بیست و نه نفر
عبدالحسینخان سرهنگ رئیس تلگرافچی هفت نفر
میرزا نفر غلام سیزده نفر فراش هفت نفر
سبزوار و مزینان و عباس آباد بیست و یک نفر
میرزا محمد علی سرهنگ رئیس تلگرافچی چهار نفر
غلام دوازده نفر فراش چهار نفر
نیشابور هشت نفر محمد حسین میرزا رئیس
تلگرافچی دو نفر سوار چهار نفر فراش نفر
مشهد مقدس دوازده نفر میرزا فضل الله خان
سرتیپ رئیس تلگرافچی سه نفر میرزا نفر غلام دو نفر
فراش پنج نفر

اداره معادن ممالک محروسه

حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام مدیر و وزیر معادن
میرزا مصطفی قلی سررشته دار وزارت معادن مسیو دولبیه فرانسوی
مهندس و معلم علم معادن شیخ عباس بسطامی معدنچی

ادارات جناب امین السلطان

اطاق موزه و غیره بریاست جناب امین السلطان

میرزا علی اکبر مستوفی میرزا علی نایب میرزا علی اکبر آقا باقر نایب آبدارخانه مبارکه آقا یوسف نایب سرابدار خانه آقا مهدی ساعت ساز (ریاست خزانه مبارکه اندرون) (ریاست قراولان مخصوص و جود همایون از داخله و خارجه عمارات) (ریاست فوج سوادکوه) (ریاست اردوی همایون)

اداره آبدارخانه و سقاخانه مبارکه

بریاست آقا محمد علی امین الحضره ولد جناب امین السلطان آقا یوسف سقاباشی آقا حسینعلی آقا باقر آقا دائی میرزا ابوالقاسم نایب حاجی حسن نایب میرزا غلام حسین مشرف آقا فتحعلی عمله آبدارخانه مبارکه پانزده نفر سقا سی و هفت نفر

اداره خزانه مبارکه نظام

بریاست آقا علی اصغر صاحب جمع ولد جناب امین السلطان میرزا یوسف سررشته دار آقا محمد حسن تحویلدار میرزا هادیخان دفتردار آقا ابوطالب صراف فراش هشت نفر (مامورین اداره نظام) (آقا حسینعلی تحویلدار مملکت آذربایجان حسینخان تحویلدار مملکت خراسان محمد حسینخان تحویلدار کرمانشاهان زین العابدین خان تحویلدار اصفهان آقا باقر تحویلدار قزوین میرزا حسینخان تحویلدار خمسه محمد صادقخان تحویلدار مازندران حاجی علینقی تحویلدار گیلان ابراهیمخان تحویلدار ملایر و تویسرکان

اداره خزانه مبارکه مالیه

بریاست میرزا اسمعیل ولد جناب امین السلطان میرزا فضل الله سررشته دار کل میرزا احمد سررشته دار وجوه جنسی یوسفخان تحصیلدار کل میرزا علی سررشته دار وجوهات مبارکه اندرون آقا هدایت تحویلدار کل شیخ مرتضی روزنامه نویس و لجودان خزانه میرزا هادیخان سررشته دار میرزا محمود دفتردار میرزا عباس فهرست نویس میرزا لطیف مشرف خزانه مبارکه اندرون آقا فضلعلی صراف آقا زین العابدین صراف فراش ده نفر

اداره ضرابخانه مبارکه

حاجی محمد حسن امین دار الضرب میرزا ولی ناظم میرزا جعفر روزنامه نویس حاجی محمد تحویلدار سایر اجزاء هفتاد نفر

اداره غلات ممالک محروسه

بریاست حسینقلیخان سعد الملک میرزا علی سررشته دار کل میرزا پاشا مشرف

مامورین ولایات

حسینقلیخان ناظم التولیه مامور آذربایجان سنجر میرزا مامور کرمانشاهان عبدالقلیخان مامور خمسه محمد علیخان مامور قزوین محمدخان مامور عراق محمد خان و حسینخان مامور ملایر و نهاوند حاجی حسن مامور همدان محمد ابراهیمخان مامور سمنان و شاهرود و بسطام محمد قاسم بیک مامور ساوه

ریاست و حکومت حضرت عبد العظیم ع

رؤسا

جناب میرزا هدایت الله نایب التولیه حسینقلیخان ناظم التولیه و نایب الحکومه حاجی سید علی فراشباشی میرزا اسمعیل مهردار حاجی میرزا عبدالکریم صدر الحفاظ میرزا یحیی ناظر میرزا حبیب الله کلیددار آقا شیخ احمد واعظ میرزا عبدالحسین سرکشیک آقا میرزا باقر سرکشیک میرزا بزرگ فراش ضریح مطهر میرزا کاظم مستوفی میرزا ولی منشی باشی حاجی آقا محمد تحویلدار نقد و جنس میرزا حسین سررشته دار خدام بیست و پنج نفر قراء بیست نفر کلابدار پانزده نفر مؤذن و چراغچی پانزده نفر

ولایات اداره جناب امین السلطان

مملکت خراسان شاهرود و بسطام سمنان و دامغان قزوین خمسه

منشیان

منشیان مخصوص ولایات و ادارات

میرزا رضا قلیخان میرزا احمد

اداره گمرکخانه‌های ممالک محروسه

مسیو کیسانجی قانون نویس میرزا فضل‌الله سررشته‌دار
میرزا سید جعفر مشرف میرزا عبدالعلی مترجم

اداره شترخانه و قاطرخانه و شتر گله و ...

تختخانه مبارکه بریاست آقا علی اصغر صاحبجمع ولد
جناب امین السلطان میرزا علی محمد مشرف شترخانه
حاجی میرزا علی مشرف تختخانه میرزا علینقی مشرف قاطر
خانه کاظمخان قاطرچی باشی نایب بابا اکبر تحویلدار
جلیبی جواد بیک نایب اول شترباری رضاقلی بیک
نایب دویم شترباری مؤمن خان نایب تختخانه مبارکه
باباحاجی نایب دویم عملجات از نایب و ده باشی و داروغه
و قاطرچی و ساربان یکهزار و پانصد نفر

ایلات دار الخلافه وغیره

بریاست آقا علی اصغر صاحبجمع ولد جناب امین السلطان
عرب ورامین عرب بهشت مست عرب عطهانی ایل
هداوند ایل اوصانلو ایل قراچورلو ایل الکائی
ایل کاوباز ایل بختیاری ایل قشقائی ایل اوربات
ایلات متفرقه عرب کلکو

اداره حکومتهای مخصوصه

طارم میرزا اسدالله خان نایب الحکومه
سوادکوه میرزا رستم نایب الحکومه
خوار محمد جعفرخان نایب الحکومه
لشته‌نشا واملاک مرحوم مجدالدوله اکبرخان
بیگلربیگی نایب الحکومه
بجرلش شمیران صفرعلی بیک نایب الحکومه

اداره سوارهای دیوانی هشتصد نفر

سوار خواجه‌وند چهارصد نفر علی اکبرخان سرهنگ
حاجی اسمعیل ایل بیگی محمد قلیخان سرکرده حسنخان
سرکرده نعمت‌الله خان سرکرده میرزا شکرالله مشرف

سوار اوصانلو

حاجی جعفرقلیخان سرهنگ علیخان سرکرده میرزا حسن مشرف

سواره هداوند یکصد و پنجاه نفر

رحیمخان سرکرده میرزا ابوالقاسم مشرف

اداره انبار مبارکه طهران

بریاست آقا یوسف سفاباشی میرزا علی سررشته‌دار
میرزا حسن سررشته‌دار فرخ آقا تحویلدار میرزا
حسینعلی روزنامه نویس میرزا ربیع مشرف جبا
و عملجات از میاندار و فراش وغیره ده نفر

نجارخانه طهران وغیره

(معمارباشی حاجی حسن نجار) (عمارت شهرستانک سپرده به نصرالله خان)

راه شوسه قزوین

سپرده آقا باقر مهندس میرزا مهدی

راه افجه و نور و فیروزکوه و آمل

سپرده میرزا تقی مهندس میرزا نظام

راه زاویه مقدسه

مهندس حسینعلی خان معمار کل حاجی استاد علی

جارچیان

محمد هاشمخان جارچی باشی حسینخان نایب یحیی خان
ایضا ابراهیمخان ایضا غلامحسین خان ایضا

شاطران

بریاست بشیرالملک فضل‌الله خان شاطرباشی

کالسکه خانه مبارکه

بریاست دوستمحمدخان معیرالممالک حاجی حسینعلی
کاشته معیرالممالک مواظب کلیه امورات کالسکه خانه

نایبان و مشرف

ابوطالب بیک نایب حاجی چراغعلی بیک ایضا
میرزا علیرضا میرزا یعقوب مشرف

اصطبل خاصه مبارکه

امیرآخور مهدیقلیخان پیشخدمت مخصوص حضور همایون
میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل میرزا رضاقلی سررشته‌دار

میرزا نصرالله مشرف حاجی میرزا رضا ایضا حاجی میرزا مهدی ایضا

نایبان اصطبل مبارک

بیست و دو نفر

رشیدخان میرزا ابراهیمخان ولیخان حاجی نایب محمد بیک

سایر نایبان

هفده نفر

قوشخانه مبارکه

ابراهیمخان قوشچی باشی میرزا علیخان قرقچی باشی

میرشکار و اتباع

حاجی مصطفی قلیخان میرشکار حبیب الله خان

سایر

اتباع معروف نه نفر

ادارات جناب صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون

دار الترجمه مبارکه دولتی

مترجمین ایرانی

از بابت فرانسه و انگلیسی وغیره

میرزا رحیم پیشخدمت پسر حکیم الممالک مترجم زبان انگلیسی میرزا محمد رضای کاشانی مترجم زبان فرانسه میرزا عیسی خان سرهنگ مترجم فرانسه وغیره میرزا علیخان مترجم انگلیسی و فرانسه مامور بخدمت وزارت جلیله خارجه میرزا مهدیخان مهندس و معمار و مترجم زبان فرانسه

از بابت زبان عربی

آقا میرزا حسن معلم و مترجم عربی میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی مخصوص روزنامه جات و مترجم عربی میرزا علی محمد ناظم دار الطباعه و دار الترجمه مبارکه منشی و مترجم عربی

مترجمین فرنگی

مسیو لشار خان سرتیپ معلم و مترجم فرانسه و انگلیسی وغیره مسیو پروسکی خان سرتیپ دویم معلم و مترجم زبان فرانسه و جغرافی بارون نرمان مترجم فرانسه و المان مامور بخدمت وزارت خارجه مادروسخان مترجم زبان فرانسه و روسی مامور بخدمت مترجمی اداره سواره قزاق میرزا هارطون خان مترجم فرانسه و انگلیس و روس مامور بخدمت وزارت جلیله خارجه

مولفین و اجزاء مجلس تالیف نامه دانشوران ناصری

حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی آقا میرزا حسن معلم و مترجم آقا شیخ مهدی مترجم آخوند ملا آقای قزوینی ایضا میرزا طاهر کاتب میرزا عبدالحسین مسوده نویس کتابدار نفر

دار الطباعه دولتی و اداره روزنامه جات مبارکه ممالک محروسه

میرزا سید حسن منشی روزنامه جات و دار الطباعه دولتی میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی مصحح و منشی روزنامه جات میرزا علی محمد ناظم اداره روزنامه جات و دار الطباعه دولتی و سایر دار الطباعه های ممالک محروسه آقا میر محمد علی کاتب روزنامه ایران آقا میرزا سید احمد کاتب روزنامه اطلاع و سالنامه و سایر نوشتجات دار الطباعه میرزا ابوتراب نقاش دار الطباعه دولتی میرزا سید علی مرتب حروف فرنگی و ایرانی و مترجم علم جغرافی میرزا عباس نقاش و استاد طبع مامور بخدمت طبع منطبعات مدرسه دار الفنون میرزا مهدی محرر دار الطباعه استاد محمد ابراهیم استاد مخصوص طبع روزنامه جات و سایر مطبوعات دار الطباعه دولتی

آقا خان سرهنگ و رئیس تلگراف مباشر و رئیس روزنامه و باسمه خانه های مملکت آذربایجان مباشرین روزنامه سایر ولایات معتبره هشت نفر

اداره روزنامه فرهنگ منطبعه اصفهان

میرزا تقی خان سرتیپ حکیمباشی نواب اشرف والا ظل السلطان رئیس و نگارنده روزنامه فرهنگ میرزا عبدالرحیم خوشنویس متخلص بافسر محرر روزنامه

اداره روزنامه تبریز

مدیر و نگارنده روزنامه میرزا موسی منشی مخصوص نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی

ادارهٔ باغات و عمارات و قنوات مبارکه

دولتی و احتسابیه کل شهر دار الخلافه باهره طهران

ادارهٔ باغات و عمارات و قنوات و غیره

حاجی میرزا حسین میرز محمد باقر بیک باغبانباشی

آقا سید صالح معنی باشی حاجی حسینعلی معمار مخصوص

میرزا اسمعیل مشرف میرزا مهدی ایضا مشرف کریمخان

نایب باغات دولتی میرزا عبد المجید نایب سلطنت

آباد یعقوب بیک نایب و مباشر خیابان شمیران

استاد کریم مقنی

ادارهٔ احتسابیه شهر دار الخلافه باهره و خیابانهای دولتی

میرزا علی محمد ناظم دار الطباعه نایب کل ادارهٔ احتسابیه

میرزا بزرگ مشرف میرزا ابو القاسم ایضا مشرف

نایبان

نایب قلی نایب کل خیابانهای دولتی و ارک مبارک

نایب رحیم نایب دواب احتسابیه محمد ابراهیم بیک نایب محله

سنکلج ابو القاسمخان نایب محله بازار نایب حسن نایب

محله چالمیدان و دروازه دولاب نایب

ابراهیم نایب محله عودلاجان

احمد بیک نایب محله

دروازه شمیران

ولایات ممالک محروسه سوای دار الخلافه طهران که در جزو ادارات دربار همایون نوشته شده است

مملکت آذربایجان و غیره

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاوید عهد

صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی

جناب امیر نظام علاء الدوله وزیر دربار اعظم کارگذار کل

مملکت آذربایجان

جناب حسنعلیخان وزیر فواید حکمران کروس و ساوجبلاغ مکری

امیرزاده عمید الدوله کیومرث میرزا حکمران خلخال

میرزا رضای صدیق الدوله مستوفی و پیشکار عمل مالیات

آذربایجان [illegible]

عمله جات مخصوص دربخانه نواب اشرف والا

ولیعهد که در رکاب نواب اشرف معظم له بدار الخلافه آمده اند

امیرزادگان ارباب مناصب

امیرزاده شعاع السلطنه ناظر و مهردار و رئیس عمله جات

سرکاری امیرزاده اسحق میرزا امیرآخور امیرزاده

روح الله میرزا پیشخدمت باشی امیرزاده لطفعلیخان

کشیکچی باشی ولد مرحوم مؤید الدوله امیرزاده سلطان

مجید میرزا تفنگدار باشی ولد نواب والا عضد الدوله

امیرزاده معز الدوله میرزا نایب ناظر امیرزاده غلامحسین میرزا

صدر الشعراء ولد مرحوم ملک ایرج میرزا امیرزاده عبد

المحمد میرزا نایب میرآخور

باشیان و غیره

حاجی محمد حسینخان صدر الدوله ایشیک آقاسی باشی

مهدیخان قاجار فراشباشی میرزا احمد فخر الاطباء

میرزا ابو الحسن حکیمباشی محمد صادقخان اجودانباشی

قراباغی حاجی احمدخان شاطرباشی عباسقلیخان

امین الوزاره و غلام پیشخدمتباشی محمد اسمعیلخان

صندوقدار محمد حسینخان بختیاری قوللر آقاسی باشی

حبیب الله خان صاحب جمع پاشاخان یوزباشی غلامان

کلبعلیخان میرشکار

مستوفیان

میرزا احمد منشی باشی میرزا داود وقایع نگار و

مستوفی میرزا شفیع مستوفی خاصه و محاسب و لله میرزا

ابراهیم نوری حاجی میرزا عبد الرحیم مستوفی و

پیشکار خالصه جات آذربایجان

منشیان

میرزا فضل الله خان منشی حضور والا میرزا علیخان

منشی ولد حاجی موسی خان قاجار میرزا عبد الوهاب

منشی ولد مرحوم صدیق الملک میرزا آقا منشی

میرزا محمد علی منشی ولد جناب میرزا علی محمد ملاباشی

عمله خلوت

امیرزاده کامران میرزا نایب پیشخدمتباشی ولد مرحوم اسکندر میرزا   امیرزاده عبدالعلی میرزا پیشخدمت خاصه و تلکرافچی مخصوص   امیرزاده علی بخش میرزا پیشخدمت خاصه و مترجم   امیرزاده باقر میرزا ولد مرحوم عبدالله میرزا   خانبابا خان قاجار نایب پیشخدمتباشی   اسدالله خان قهوه چی باشی   محمد حسین بیک سقاباشی

مترجمین

طاطاوس خان مسیحی مترجم و اجودان   میرزا آنتوان مترجم مسیحی

ممالک و ایالات و ولایات مفصله ذیل

بحکومت و صاحب اختیاری و فرمانفرمائی نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی

مملکت فارس   ولایت اصفهان   ولایت یزد   ایالت عربستان   ایالت لرستان   ایالت عراق و کره بروجرد و بختیاری   کلپایکان و خونسار

نواب والا جلال الدوله حکمران مملکت فارس

جناب صاحبدیوان وزیر نظام کارگذار مملکت فارس

ابوالفتح خان صارم الدوله پیشکار دربخانه حضرت والا ظل السلطان

سایر نواب حکومت ولایات مزبوره که از جانب نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم له مأمور شده اند بعضی از چاکران دولت و بعضی از کاشتکان مخصوص دیوانخانه خود نواب اشرف والا هستند

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان

جناب حاجی مستشار الملک مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب والا نصرة الدوله فرمانفرما و والی مملکت کرمان و بلوچستان

ایالت کردستان

بحکومت نواب والا حاجی حسام السلطنه نایب الایاله امیرزاده ابوالفتح میرزا

ایالت کرمانشاهان و سرحد عراقین

امیرالامراء العظام حاجی شهاب الملک والی ایالت کرمانشاهان و سرحدار عراقین

ایالت گیلان

امیرالامراء العظام عبدالله خان والی و حکمران گیلان و طوالش

ایالت دارالمرز مازندران

جناب محمد خان والی حکمران مازندران

استرآباد و گرگان و ترکمان

امیرالامراء العظام مصطفی قلیخان میرپنجه صاحب اختیار و حکمران استراباد و گرگان ترکمان

قزوین

نواب والا ملک آرا حکمران قزوین و توابع

ولایات خمسه

نواب اللهقلی میرزا ایلخانی حکمران ولایات خمسه

همدان

ذوالریاستین حکمران ولایت همدان

ملایر و تویسرکان

مصطفی قلیخان حاکم ملایر و تویسرکان

قم

جناب اعتضاد الدوله حکمران قم

نهاوند

محمد ابراهیم خان سرتیپ حکمران نهاوند

کاشان

محمد حسنخان پیشخدمت حضور مبارک حاکم ولایت کاشان   میرزا حسن سررشته دار ولایت کاشان

سمنان ودامغان

جناب اعتضاد الملک حکمران سمنان ودامغان

شاهرود وبسطام

امیرزاده محمد میرزا ولد جناب اعتضاد الدوله حکمران شاهرود وبسطام

کروس

بحکومت جناب حسنعلی خان وزیر فواید محمد خان حکمران

خرقانین

امیرتومان بحکومت امیرالامراء العظام اللهیار خان اجودانباشی

ساوه وزرند

علیخان حکمران ساوه وزرند

کنکاور

بحکومت رحمت الله خان ساری اصلان

استراباد

بحکومت خانبابا خان سپه‌سالار پسر سلیمان خان صاحب اختیار

نطنز

بحکومت کاشتکان نواب والا حاجی حسام السلطنه

جوشقان

بحکومت کاشتکان نواب والا معز الدوله

محلات

بحکومت کسان جناب معتمد الملک وزیر مخصوص

دماوند

حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند

فیروزکوه

فضل الله خان حاکم فیروزکوه

طارم

میرزا اسدالله خان نایب الحکومه طارم از جانب جناب امین السلطان

سوادکوه

میرزا رستم نایب الحکومه از جانب جناب امین السلطان

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریا و مجارستان

امپراطور فرانسوا شارل ژزف در سنهٔ ۱۲۴۶ هجری متولد شد
ولیعهد آرشی دوک رودلف فرانسوا شارل ژزف
پای تخت وین صدر اعظم و وزیر دول خارجه بارون هایمرله
مذهب دولتی کاتولیک و پروتستان هم دارد جمعیت هفتاد
کرور

دولت اسپانیا

پادشاه الفونس دوازدهم سنش بیست و چهار سال
وزیر اعظم کانواس دل کاستیلو مذهب دولتی کاتولیک
جمعیت سی و سه کرور و سیصد و سی و پنج هزار نفر
پای تخت مادرید

دول معتبرهٔ المان

جمعیت کلیه هشتاد و چهار کرور و مذهب دولتی پروتستان
و بعضی کاتولیک هستند

اولاً باد

فرمانفرما فردریک گیلیوم لوی سنش پنجاه و پنج سال
ولیعهد فردریک گیلیوم لوی پلدا گوست سنش بیست و چهار
سال پای تخت کارلسرو مذهب پروتستان

باویر

شاه لوی دوم اتن فردریک گیلیوم سنش سی و شش سال
پای تخت مونیک مذهب کاتولیک

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک گیلیوم اول
امپراطور المان و پادشاه پروس در سنهٔ ۱۲۱۲ هجری متولد شد
و در سنهٔ ۱۲۸۸ با امپراطوری المان برقرار گردید سنش هشتاد و
چهار سال است ولیعهد فردریک گیلیوم نیکلا شارل
سنش پنجاه سال وزیر اعظم پرنس بیزمارک مذهب دولتی
پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند پای تخت برلن

دولت ساکس

شاه البر فردریک اگوست آنتوان فردینان ژزف شارل ماری
باتیست پی و موسن گیلیوم کزاویه ژرژ فیدل سنش پنجاه و سه
سال پای تخت درزد مذهب دولتی پروتستان و قدری
کاتولیک

ورتمبرغ

شاه شارل اول فردریک الکساندر سنش پنجاه و هشت سال
پای تخت استوتکارت مذهب دولتی پروتستان و قدری
کاتولیک

دولت انگلستان و ایرلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش شصت و یک سال
ولیعهد پرنس البرت ملقب به پرنس دوگال سنش چهل سال
وزیر اعظم مسیو گلادستون پای تخت لندن جمعیت تمام این
مملکت از انگلیس و ایرلند و اسکاتلند از قرار سنهٔ ماضیه شصت
و هفت کرور و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک متصرفی
انگلیس از هندوستان و غیره چهارصد و هفتاد و شش کرور
مذهب دولتی پروتستان و مذهب مملکت ایرلند کاتولیک
فرمانفرمای هندوستان مارکیز دیپن

دولت ایطالیا

پادشاه هومبر اول سنش سی و هفت سال ولیعهد
ویکتور امانوئل پرنس دناپل سنش دوازده سال وزیر اعظم
کرولی مذهب کاتولیک جمعیت پنجاه و چهار کرور و چهار
صد و هشتاد و سه هزار نفر پای تخت رم

دولت بلژیک

پادشاه لئوپلد دوم سنش چهل و شش سال پای تخت
بروکسل جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر
مذهب دولتی کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پیر سنش چهل و سه سال
ولیعهد شارل فردیناند لوی ماری وزیر اعظم دفنتس پریرا ملو

پاد

پای تخت لیزبن جمعیت دارو پنج کرور و یکصد و هفتاد و دو
هزار نفر خارج از آن و پنج شش کرور و دویست و هشتاد و
یکهزار نفر

دولت پی با که هلاند نیز نامند

پادشاه گیلیوم سیم الکساندر پل فردریک لوی سنش شصت
وچهار سال ولیعهد گیلیوم الکساندر شارل فردریک
سنش سی وسه سال پای تخت لاهه جمعیت هفت کرور و
سیصد و نه هزار نفر مذهب دولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کریستیان نهم سنش شصت و سه سال ولیعهد
کریستیان فردریک گیلیوم شارل سنش سی و هشت سال
وزیر اعظم یعنی رئیس وزراء استروپ پای تخت کپنهاگ
مذهب دولتی پروتستان جمعیت سه کرور و چهارصد
صد و سه هزار نفر

دولت روس

امپراطور الکساندر سیم سنش سی و شش سال ولیعهد
گراندوک نیکلا الکساندرویچ سنش سیزده سال وزیر
اعظم پرنس گورچاکف اما چون دو سال است ناخوش است
(مسیو دوگیرس) بجای او بنیابت میکند جمعیت صد و
هفتاد و هفت کرور و دویست هزار نفر مذهب اورتودکس
یونانی و مذاهب متفرقه هم دارد پای تخت سنت
پطرزبورغ

دولت رومانی

پادشاه شارل اول سنش چهل و دو سال پای تخت
بوکارست وزیر اعظم براتیانو جمعیت ده کرور و سیصد
هفتاد و شش هزار نفر مذهب اورتودکس یونانی

ایالت سربی

فرمانفرما میلان چهارم ولیعهد که ابن شش سال است
پرنس الکساندر وزیر اعظم پیرت شاناس جمعیت سه
کرور و یکصد و هشتاد و دو هزار و پانصد نفر
مذهب کاتولیک و یونانی

دولت سویس

رئیس جمهوری مسیو موماندرز وزیر اول شبس
پای تخت برن مذهب نصف پروتستان و نصف کاتولیک
جمعیت پنج کرور و سیصد هزار نفر

دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان سنش سی و هشت سال ولیعهد
محمد سلیم افندی سنش دوازده سال وزیر اول سعید
پاشا پای تخت اسلامبول مذهب دولتی مسلم سنی
عیسوی وغیره نیز دارد جمعیت از قرار سنه سیصد
و تخمینا معلوم نیست

دولت فرانسه

رئیس جمهوری ژول گروی وزیر اعظم وزیر امور خارجه
مسیو بارتلمی سنتهیلر پای تخت پاریس مذهب دولتی
کاتولیک جمعیت هفتاد و دو کرور و صد و دو هزار نفر

ایالت منتگرو

والی پرنس نیکلای اول سنش چهل سال ولیعهد پرنس
سنش هفده سال وزیر اول پتروویچ پای تخت ستینیه
جمعیت یک کرور و سی و شش هزار نفر مذهب اورتودکس یونانی
لکن هم کاتولیک و مسلمان هم دارد

دولت یونان

پادشاه ژرژ اول سنش سی و شش سال ولیعهد قسطنطین
پای تخت آتن جمعیت دو کرور و چهارصد و شصت هزار
نفر مذهب عیسوی یونانی است

آسیا

دولت چین

امپراطور گوانگ سو سنش ده سال وزیر اعظم شاهزاده
کنگ پای تخت پکن مذهب دولتی بودا مذهب هستند
مسلمان وغیره هم دارد جمعیت کلیه هشتصد و شصت و
هفت کرور جمعیت هشتصد و نه کرور و چهارصد و
چهل و شش هزار و صد و چهار نفر جمعیتی که زیر حمایت

هستند پنجاه و هفت کرور

دولت ژاپن

امپراطور (میکادو) موتس حیتو سنش بیست و نه سال ولیعهد چکاشی نومیه نمیا وزیر اعظم سانجو پای تخت یدو مذهب بودا مذهب جمعیت سی و شش کرور و صد و دو هزار نفر

دولت سیام

پادشاه نبان
وزیر اول نیا یوفرا پاسو یونگ سی
پای تخت بان گک مذهب بودا مذهب
جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس که جزو سلطنت عثمانیست

والی محمد صادق پاشا بیك ولیعهد که برادر والی است سید علی پای تخت تونس جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور که نکوس میا مندا سمش ژان پای تخت گندار جمعیت دوازده کرور

دولت زنگبار

سلطان سید برکش بن سعید پای تخت بندر زانکبار جمعیت جزیرهٔ زنگبار صد هزار نفر اما تمام رعیت آن مملکت مشخص نیست

جزیرهٔ ماداکاسکار

پادشاه ملکه راناوالو دویم پای تخت تاناریو جمعیت پنج کرور

دولت مارق

سلطان ملا حسن پای تخت طنجه جمعیت دوازده کرور

ایالتی که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو توفیق پاشا
پای تخت قاهره مذهب اسلام سنی جمعیت تمام مصر سی و شش کرور

امریکا

ینکی دنیای شمالی

جمهوری اتازونی

رئیس جمهوری گارفیلد پای تخت واشین تون مذهب اغلب پروتستان وغیره جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیك

رئیس جمهوری اسمش پورپود پاس پای تخت مکزیك مذهب کاتولیك جمعیت هیجده کرور و دویست و هفتاد و شش هزار نفر

ینکی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری پای تخت سان سالوادر
جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا پای تخت سان ژوزه جمعیت بیست و پنج هزار نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری ژزه روفینو بارئیس پای تخت گواتمالا جمعیت سه کرور و صد هزار نفر مذهب کاتولیك

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهوری دن پدرو شامرو پای تخت ماناگا

جمهوری هندورا

رئیس جمهوری مرکو اریل یوستو پای تخت کومایاگا

ینکی دنیای جنوبی

جمهوری ارژانتین

رئیس جمهوری نیکلا آولاندا پای تخت بونوز جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکواتر

رئیس جمهوری این سیورانتیلا پای تخت کیتو جمعیت دوکرور و چهل هزار و سیصد و هفتاد و یکنفر

جمهوری اوروکی

رئیس جمهوری دونالونزولاتو پای تخت منت ویدیاو جمعیت چهار صد هزار نفر

برزیل

امپراطور پدرو دویم پای تخت ریو ژانیرو جمعیت بیست کرور و صد هشت هزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری دون تومافریاس پای تخت چوکی ساکا جمعیت چهار کرور

جمهوری پاراکی

رئیس جمهوری اوژینو اوو بارت پای تخت استمیون جمعیت از قرار سنوات ماضیه دو کرور نفر

جمهوری پرو

رئیس جمهوری مسیو دوفرین پای تخت لیما جمعیت پنج کرور مذهب کاتولیک

جمهوری شیلی

رئیس جمهوری بآنیبال پنتو پای تخت سان تیاگو جمعیت چهار کرور نفر

جمهوری دول متحده کولمبی

رئیس جمهوری اکیلیو پارا پای تخت بگتا جمعیت کل دول متحده کولمبی دوازده کرور

جمهوری وینزولا

رئیس جمهوری دون لینارس آلکنتارا پای تخت کاراکاس

جزایر

جزیره ساندویج

پادشاه لتکامحامحا (خامس) (پنجم) پای تخت هولولو

جزیره سن دومنک

رئیس جمهوری کونزالس پای تخت سن دومنک جمعیت چهار ده هزار نفر

جزیره هائیتی

رئیس جمهوری سالومن پای تخت پرتاپرنس جمعیت هشتصد هزار نفر

کتبه العبد الاقل الجانی ابن مرحوم میرزا سید محمد رضا احمد الطباطبائی الاردستانی فی جمادی الثانیه ییلان ئیل

سنه ۱۲۹۸

جلد اول

کتاب

مستطاب منتظم ناصری

که معظمات وقایع و نخبهٔ حوادث

تمام عالم را از سال هجرت مقدسه تا

انقراض خلافت بنی عباس سنه ۶۵۶

حاوی میباشد

اتمام یافت

سنه ۱۲۹۸

